



مجله

جغرافیا و توسعه فضای شهری

(نشریه علمی)

| سال هفتم، شماره ۱ | بهار و تابستان ۱۳۹۹، شماره پیاپی ۱۲

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری

سال هفتم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۹، شماره پیاپی ۱۲

- ظرفیت سازی توسعه اجتماع محلی در راستای توسعه پایدار: همبودگی متغیرهای زمینه ای فقر و فضای جغرافیایی
عیسی پیری، میتا شیرمحمدی (۱-۱۶)
- مکان یابی پهنه توسعه فیزیکی شهر بجنورد با استفاده از نرم افزار GIS و روش تحلیل شبکه ای
سپنا محمدزاده خانی، براتعلی خاکپور، سید مهدی مداحی (۱۷-۳۴)
- ارزیابی شاخص های کیفیت زندگی در شهر ابرکوه
مجتبی حائمی، حسین سلیمانی، امیر گندمکار، حمید صابری (۳۵-۵۳)
- بررسی ساختار فضایی منطقه شهری مازندران مرکزی با تأکید بر شبکه اجتماعی
سپهنا حقانی، صدیقه لطفی، رحیم پردی آنا مرادزاده (۵۵-۷۷)
- تبیین شاخص های محلی موثر بر استرس شهروندان در فضای شهری (مطالعه موردی: محله سیرده سبزوار)
ایمان غلابیان مقدم، ساتاز سعیدی مفرد (۷۹-۹۸)
- نقش مساجد در پایداری اجتماعی (نمونه موردی: مساجد شهر قاین)
مهدی مودودی ارخودی، احمد اسدی، پونس غلامی بیرغ (۹۹-۱۲۰)
- بررسی تأثیر تبلیغات رویدادی بر تکرش ها و مقاصد بازدید (مورد مطالعه: جشنواره گلاب گیری قمصر کاشان)
ابوالفضل غروی، مهدی فرمائی، مصطفی زندی نسب (۱۲۱-۱۴۴)
- شناسایی قابلیت مشارکت کودکان در برنامه ریزی شهری از طریق تحلیل محتوای کتابهای درسی دوره دوم ابتدایی
هادی سروری، آذین مستوفی (۱۴۵-۱۶۳)
- بازخوانی رویکردهای منطقه گرایی در بناهای شاخص معاصر شهر مشهد
الهه ذوقی حسینی، داراب دیبا، حامد کامل نیا، مصطفی مختاباد امرئی (۱۶۵-۱۸۵)
- تدوین دستورالعمل شفاف سازی عملکرد مدیریت شهری، مورد پژوهی: شهر مشهد
شقایق پارما، ناصر برگ پور (۱۸۷-۲۰۷)
- تحلیل الگوهای بلندمرتبه سازی بر فرم شهری کلات شهر مشهد
حجت فرقانی، محمدرحیم رهنما، رستم صابری فر، حسین رحیمی (۲۰۹-۲۲۹)
- تحلیل بازآفرینی پایدار بخش مرکزی شهرها با رویکرد سارینوویسی (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهر همدان)
لبل یختیاری، فرزانه ساسانپور، علی شماعی، محمد سلیمانی مهرتجانی (۲۳۱-۲۵۹)

شابک: ۹۷۸۶۰۰۷۰۵۷۵۸



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری

سال هفتم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۹، شماره پیاپی ۱۲

صاحب امتیاز: دانشگاه فردوسی مشهد

مدیر مسئول: دکتر براتعلی خاکپور

سرمدیر: دکتر محمد رحیم رهنما

هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

عیسی ابراهیمزاده آکباد - استاد دانشگاه سیستان و بلوچستان (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)
محمد اجزاء شکوهی - دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)
براتعلی خاکپور - دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)
محمد رحیم رهنما - استاد دانشگاه فردوسی مشهد (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)
عباس سعیدی - استاد دانشگاه شهید بهشتی (دکتری جغرافیای روستایی)
محمد سلیمانی مهرنجانی - دانشیار دانشگاه خوارزمی (دکتری جغرافیای شهری)
زهره فنی - دانشیار دانشگاه شهید بهشتی (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)
علی اکبر عنایتی - استاد دانشگاه فردوسی مشهد (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی)
عزت‌الله مافی - دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (دکتری جغرافیای شهری)
اصغر نظریان - استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)

مقالات نومرأ آرای نویسندگان است و به ترتیب وصول و تصویب درج می‌شود.

مدیر داخلی: دکتر مصطفی امیرفرخریان
ویراستار ادبی: دکتر شیرین صباغی آبکوه
ویراستار این شماره: عبدالله نوروزی
نشانی: مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دکتر علی شریعتی، کد پستی ۹۱۷۹۴۸۸۳، نمابر: ۰۵۱۳۸۸۰۷۰۶۰
تلفن: ۰۵۱۳۸۸۰۶۷۳۴، سرمدیر: ۰۵۱۳۸۸۰۵۲۷۵
بها: داخل کشور: ۲۰۰۰ ریال (تک‌شماره) خارج کشور: ۲۵ دلار (آمریکا - سالانه)، ۲۰ دلار (سایر کشورها - سالانه)
نشانی اینترنتی مجله: <http://jgusd.um.ac.ir> E-mail: jud@um.ac.ir

این مجله در جلسه کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۰، رتبه علمی - پژوهشی دریافت و طی نامه شماره ۳/۱۸/۱۳۷۲۲۷ در تاریخ ۱۳۹۳/۷/۲۸ ابلاغ گردیده است.

بر اساس مصوبه وزارت عتف از سال ۱۳۹۸، کلیه نشریات دارای درجه "علمی - پژوهشی" به نشریه "علمی" تغییر نام یافتند.

این مجله در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

- پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)
- پایگاه بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran)
- پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شرایط پذیرش مقاله

برای سرعت بخشیدن به امر داوری و چاپ مقالات، از همه پژوهشگرانی که مایل به چاپ مقالات علمی خود در این نشریه هستند، درخواست می شود به نکات زیر توجه کافی داشته باشند:

۱. مقاله ارسال شده نباید قبلاً در هیچ نشریه داخلی یا خارجی چاپ شده باشد. هیأت تحریریه انتظار دارد نویسندگان محترم تا هنگامی که جواب پذیرش از نشریه نرسیده است، مقاله خود را به مجله دیگری برای چاپ ارسال نفرمایند.

۲. مقالات فارسی با قلم بی لوتوس نازک ۱۳ و مقالات انگلیسی با قلم نازک Times New Roman 12 با نرم افزار Word تهیه شود. مقالات، روی کاغذ A4 (با حاشیه از بالا ۴ و پایین ۳ و راست ۳ و چپ ۳ سانتی متر) تایپ شود. متن به صورت دستونی با رعایت فاصله ۱ سانتی متر بین دو ستون و فواصل بین خطوط به صورت Single باشد.

۳. حجم مقاله نباید از حدود ۷۰۰۰ کلمه و یا حداکثر ۲۰ صفحه چاپی به قطع نشریه بیشتر باشد (با در نظر گرفتن محل جدول، اشکال، خلاصه فارسی و کتابشناسی).

۴. برای مقالات فارسی، عنوان مقاله با در نظر گرفتن فواصل بین کلمات نباید از ۲۰ حرف تجاوز کند و با قلم بی لوتوس سیاه ۱۳ بولد تایپ شود.

۵. نام نویسنده (نویسندگان) مقاله با قلم بی لوتوس سیاه ۱۰، عنوان علمی یا شغلی او نیز با قلم بی لوتوس سیاه ۱۰ مشخص شود.

۶. برای مقالات انگلیسی، عنوان با قلم Times New Roman 13، نام نویسنده مقاله با قلم سیاه Times New Roman 10 عنوان علمی یا شغلی او با قلم Times New Roman 10 در زیر عنوان مقاله ذکر شود؛ همچنین آدرس الکترونیکی و شماره تلفن نویسنده مسؤول در پورتی آورده شود.

۷. چکیده مقاله برای مقالات فارسی با قلم بی لوتوس نازک ۱۲ و برای مقالات انگلیسی با قلم نازک Times New Roman 11 به صورت تک ستونی باشد.

۸. شکل ها و نمودارهای مقاله حتماً اصل و دارای کیفیت مطلوب باشد. فایل اصلی اشکال (تحت Excel, Word, PDF) و با دقت ۶۰۰ dpi ارایه شود. اندازه قلم ها به خصوص در مورد منحنی ها (legend) به گونه ای انتخاب شوند که پس از کوچک شدن مقیاس شکل برای چاپ نیز خوانا باشند (زیر نویس اشکال، بی لوتوس سیاه ۱۲ و سطر چین).

۹. ساختار مقاله شامل عناصر زیر است:

۹.۱. صفحه عنوان: در صفحه شناسنامه باید عنوان مقاله، نام و نام خانوادگی نویسنده (نویسندگان)، درجه علمی، نشانی دقیق (کد پستی، تلفن، دورنگار و پست الکترونیکی)، محل انجام پژوهش، مسؤول مقاله و تاریخ ارسال) درج شود. نویسنده مسؤول باید مشخص شود.

۹.۲. چکیده فارسی که شرح مختصر و جامعی از محتوای مقاله با تأکید بر طرح مسأله، هدف ها، روش ها، نتیجه گیری و کلیدواژه ها (۳ تا ۵ واژه) است. چکیده در یک پاراگراف و حداکثر ۲۵۰ کلمه تنظیم شود. این بخش از مقاله در عین اختصار، باید گویای روش کار و برجسته ترین نتایج، بدون استفاده از کلمات اختصاری تعریف نشده، جدول، شکل و منابع باشد. چکیده انگلیسی که مطابقت کامل با چکیده فارسی دارد.

۹.۳. مقدمه: شامل ۱- طرح مسأله (مطالب مربوط به اهمیت و ضرورت، اهداف، سوال ها و فرضیه ها)؛ ۲- پیشینه تحقیق و مبانی نظری

۹.۴. روش شناسی تحقیق: در برگزیده ۱- روش پژوهش و مراحل آن (روش تحقیق، جامعه آماری، روش نمونه گیری، حجم نمونه و روش تعیین آن، ابزار گردآوری داده ها و اعتبارسنجی آن ها)؛ ۲- متغیرها و شاخص های پژوهش؛ ۴- قلمرو جغرافیایی پژوهش

۹.۵. یافته های پژوهش: ارایه نتایج دقیق از یافته های مهم با رعایت اصول علمی و با استفاده از جداول و نمودارهای لازم.

۹.۶. نتیجه گیری و پیشنهادها: شامل آثار و اهمیت یافته های پژوهش و یافته های پژوهش های مشابه دیگر با تأکید بر مغایرت ها و علل آن، توضیح قابلیت تعمیم پذیری و کاربرد علمی یافته ها و ارایه رهنمودهای لازم برای ادامه پژوهش در ارتباط با موضوع، نتیجه گیری و توصیه ها و پیشنهادها احتمالی.

۱۰. نحوه ارجاعات: منابع و مآخذ باید به صورت درون متنی و همچنین در پایان مقاله ذکر شود.

۱۰.۱. ارجاعات در متن مقاله باید به شیوه داخل پرانتز (APA) نسخه ۶ باشد؛ به گونه ای که ابتدا نام مؤلف یا مؤلفان، سال انتشار و صفحه ذکر شود. شایان ذکر است که ارجاع به کارهای چاپ شده فقط به زبان فارسی بوده و در اسامی لاتین معادل آن در زیر نویس همان صفحه ارایه شود؛ به عنوان نمونه: (شکوئی، ۱۳۸۷، ص. ۵۰) یا (وودز، ۲۰۰۵، ص. ۲۷).

۱۰.۲. در پایان مقاله، منابع مورد استفاده در متن مقاله، به ترتیب الفبایی نام خانوادگی نویسنده بر اساس الگوی فهرست نویسی APA نسخه ۶ تنظیم شود. (عناوین کتاب ها و مجلات ایتالیک/مورب شود).

نمونه فارسی:

- رضوانی، م. ر. (۱۳۹۰). برنامه ریزی توسعه روستایی در ایران. چاپ چهارم. تهران: نشر قومس.

- غنابستانی، ع. ا، شایان، ح، و بنیادداشت، ا. (۱۳۹۰). بررسی نقش اعتبارات بر تغییر الگوی مسکن در نواحی روستایی (مطالعه موردی: شهرستان بهمنی). مجله برنامه ریزی فضایی. ۱(۳)، ۸۰-۶۳.

نمونه انگلیسی:

- Bourne, L. S. (1981). *The geography of housing*. London: Edward Arnold.

- Turgat, H. (2001). Culture, continuity and change: Structural analysis of the housing pattern in squatter settlement. *Global Environment Research (GBER)*. 1(1), 17-25.

۱۰. ۳. انواع نقل قول‌ها (مستقیم و غیر مستقیم)، نقل به مضمون و مطالب به‌دست‌آمده از منابع و مآخذ، با حروف نازک و استفاده از نشانه‌گذاری‌های مرسوم، مشخص شود و نام صاحبان آثار، تاریخ و شماره صفحات منابع و مآخذ، بلافاصله در میان پراکنش نوشته شود.
۱۰. ۴. مقالات برگرفته از رساله و پایان‌نامه دانشجویان با نام استاد راهنما، مشاوران و دانشجویان با هم و با مسئولیت استاد راهنما منتشر می‌شود.
۱۰. ۵. چنانچه مخارج تحقیق یا تهیه مقاله توسط مؤسسه‌ای تأمین مالی شده باشد، باید نام مؤسسه در صفحه اول درج شود.
۱۰. ۶. تمام منابع فارسی به انگلیسی ترجمه شده و به همراه چکیده مبسوط انگلیسی ارائه شود.
۱۱. شیوه ارزیابی مقالات: مقالات ارسالی که شرایط پذیرش را احراز کنند، برای داوران خبره در آن موضوع ارسال می‌شوند. داوران محترم، جدای از ارزشیابی کیفی مقالات، راهبردهای سازنده‌ای پیشنهاد می‌کنند. پیشنهادهای داوران محترم به طور کامل؛ اما بدون نام و نشان داور، برای نویسنده مقاله ارسال خواهد شد.
۱۲. مجله حق رد یا قبول و نیز ویراستاری مقالات را برای خود محفوظ می‌دارد و مقالات مسترد نمی‌شود. اصل مقالات رد یا انصراف داده‌شده، پس از سه ماه از مجموعه آرشیو مجله خارج خواهد شد و مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری هیچ مسئولیتی در این ارتباط نخواهد داشت.
۱۳. مسئولیت ارائه صحیح مطالب مقاله بر عهده نویسندگان مقاله است. از این رو، نسخه‌ای از مقاله آماده چاپ برای انجام آخرین تصحیحات احتمالی به نشانی الکترونیکی نویسنده ارسال خواهد شد، چنانچه ظرف مدت یک هفته پاسخی از سوی نویسندگان دریافت نشود، به معنای موافقت آن‌ها با اصلاحات انجام‌شده تلقی و نسبت به چاپ آن اقدام می‌شود.
۱۴. دریافت مقاله صرفاً از طریق سامانه مجله (<http://jgusd.um.ac.ir>) خواهد بود و مجله از پذیرش مقالات دستی یا پستی معذور خواهد بود.
۱۵. مقالاتی که مطابق فرمت مجله تهیه نشده باشند به نویسنده بازگردانده شده و در فرآیند ارزیابی قرار نخواهد گرفت.
۱۶. فایل‌های ضروری برای ارسال از طریق سامانه عبارت‌اند از:
الف) فایل مشخصات نویسندگان: در محیط Word شامل اسامی و مشخصات نویسندگان به فارسی و انگلیسی.
ب) فایل اصلی مقاله بدون مشخصات: در محیط Word شامل متن اصلی مقاله بدون اسامی و مشخصات نویسندگان همراه با چکیده خلاصه لاتین.
۱۷. شرایط جزئی‌تر و دقیق‌تر نیز در فایل راهنمای نگارش و ارسال مقاله توسط نویسندگان ارائه شده است.
آدرس پستی: مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، کد پستی: ۹۱۷۹۴۸۸۸۳، نمابر: ۰۵۱۳۸۸۰۷۰۶۰

کد پستی: ۹۱۷۹۴۸۸۸۳ پست الکترونیکی: jud@um.ac.ir
وب سایت: <http://jgusd.um.ac.ir>

فرم اشتراک (یک ساله / دوشماره) مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری

این جانب..... شغل..... با ارسال فیش بانکی به مبلغ..... ریال به حساب جاری شماره ۴۲۵۲۹۹۶۳۸ بانک تجارت شعبه دانشگاه مشهد کد ۴۲۵۰ به نام عواید اختصاصی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، متقاضی اشتراک دو فصلنامه از شماره..... هستم.

چنانچه صاحبان مقالات منتشر شده متقاضی دریافت مجله و تیراژی آن از طریق پست پیش‌تاز باشند، باید هزینه‌ی آن را به شماره حساب مذکور واریز و اصل فیش پرداختی را به نشانی دفتر مجله ارسال کنند.

نشانی:..... کد پستی:.....

داوران این شماره به ترتیب حروف الفبا

دکتر قادر احمدی (استادیار شهرسازی دانشگاه ارومیه)

دکتر مصطفی امیرفرخریان (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)

دکتر محمد اسکندری ثانی (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه بیرجند)

دکتر حسین آقاجانی (عضو محترم هیئت علمی و مدیر گروه توسعه پایدار شهری و منطقه ای سازمان جهاددانشگاهی خراسان رضوی)

دکتر روح اله اسدی (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)

دکتر علی اصغر پیله ور (دانشیار گروه مهندسی شهرسازی دانشگاه بجنورد)

دکتر معصومه توانگر (عضو محترم هیئت علمی و مدیر گروه پژوهشی مدیریت و برنامه ریزی گردشگری سازمان جهاددانشگاهی خراسان رضوی)

دکتر سعید حسین آبادی (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه بزرگمهر قائنات)

دکتر سید هادی حسینی (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه حکیم سبزواری)

دکتر براتعلی خاکپور (دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)

دکتر امیدعلی خوارزمی (استادیار مدیریت شهری دانشگاه فردوسی مشهد)

دکتر مهدی زنگنه (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه حکیم سبزواری)

دکتر یعقوب زنگنه (دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه حکیم سبزواری)

دکتر محمدحسین سرائی (استاد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه یزد)

دکتر مهدی سقایی (استادیار برنامه ریزی روستایی موسسه آموزش عالی حکیم جرجانی گرگان)

دکتر یونس غلامی (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه کاشان)

دکتر صدیقه لطفی (استاد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه مازندران)

دکتر ابوالفضل مشکینی (استاد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تربیت مدرس)

فهرست مندرجات

صفحه	عنوان
(۱-۱۶)	▪ ظرفیت سازی توسعه اجتماع محلی در راستای توسعه پایدار: همبودگی متغیرهای زمینه ای فقر و فضای جغرافیایی عیسی پیری، مینا شیرمحمدی
(۱۷-۳۴)	▪ مکان یابی بهینه توسعه فیزیکی شهر بجنورد با استفاده از نرم افزار GIS و روش تحلیل شبکه ای سیمما محمدزاده خانی، براتعلی خاکپور، سید مهدی مداحی
(۳۵-۵۳)	▪ ارزیابی شاخص های کیفیت زندگی در شهر ابرکوه مجتبی حاتمی، حسین سلیمانی، امیر گندمکار، حمید صابری
(۵۵-۷۷)	▪ بررسی ساختار فضایی منطقه شهری مازندران مرکزی با تاکید بر شبکه اجتماعی سهیلا حقانی، صدیقه لطفی، رحیم بردی آنامرادنژاد
(۷۹-۹۸)	▪ تبیین شاخص های محیطی موثر بر استرس شهروندان در فضای شهری (مطالعه موردی: محله سیرده سبزوار) ایمان غلامیان مقدم، ساناز سعیدی مفرد
(۹۹-۱۲۰)	▪ نقش مساجد در پایداری اجتماعی (نمونه موردی: مساجد شهر قاین) مهدی مودودی ارخودی، احمد اسدی، یونس غلامی بيمرغ
(۱۲۱-۱۴۴)	▪ بررسی تأثیر تبلیغات رویدادی بر نگرش ها و مقاصد بازدیدی (مورد مطالعه: جشنواره گلاب گیری قمصر کاشان) ابوالفضل خسروی، مهدی فرمانی، مصطفی زندی نسب
(۱۴۵-۱۶۳)	▪ شناسایی قابلیت مشارکت کودکان در برنامه ریزی شهری از طریق تحلیل محتوای کتابهای درسی دوره دوم ابتدایی هادی سروری، آذین مستوفی
(۱۶۵-۱۸۵)	▪ بازخوانی رویکردهای منطقه گرایشی در بناهای شاخص معاصر شهر مشهد الهه ذوقی حسینی، داراب دیبا، حامد کامل نیا، مصطفی مختاباد امرئی
(۱۸۷-۲۰۷)	▪ تدوین دستورالعمل شفاف سازی عملکرد مدیریت شهری، مورد پژوهی: شهر مشهد شقایق پارسا، ناصر برک پور
(۲۰۹-۲۲۹)	▪ تحلیل اثرات بلندمدت توسعه سازی بر فرم شهری کلانشهر مشهد حجت فرقانی، محمد رحیم رهنما، رستم صابری فر، حسین رحیمی
(۲۳۱-۲۵۹)	▪ تحلیل بازآفرینی پایدار بخش مرکزی شهرها با رویکرد سناریونویسی (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهر همدان) لیلی بختیاری، فرزانه ساسان پور، علی شماعتی، محمد سلیمانی مهرنجانی

ظرفیت سازی توسعه اجتماع محلی در راستای توسعه پایدار: همبودگی متغیرهای زمینه ای فقر و فضای جغرافیایی

عبسی پیری (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران، نویسنده مسئول)

isapiri@znu.ac.ir

مینا شیرمحمدی (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران)

mina.shirmohammadi@znu.ac.ir

تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۰۲/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۱۵

صص ۱-۱۶

چکیده

هدف کلان و مهم تحقیق عبارت از مفهومیته کردن اولویت امر اجتماعی و ظرفیت سازی رشد اجتماعی در فرایند توسعه پایدار شهری است. تحقیق حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی و روش اجرای آن پیمایش میدانی است. متغیرهای وابسته تحقیق از طریق یک پرسشنامه بسته و در طیف لیکرت مورد سنجش آماری قرار گرفته است. جامعه آماری در این تحقیق شامل کلیه سرپرستان خانوار در دو محله ی شهر، کارمندان و اسلام آباد بوده است که جمعیت شهرک کارمندان ۱۳۳۳۸ نفر و جمعیت اسلام آباد ۳۵۸۲۰ نفر بوده است. این دو محله دارای زمینه های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی و محیطی متفاوتی هستند. آزمون T تک نمونه ای بر رابطه معنی داری بین توسعه پایدار و ظرفیت سازی توسعه اجتماع محلی تأکید می کند و همچنین در تحلیل عاملی برای فرضیه دوم محققان متوجه شدند که عامل اقتصادی با میانگین ۰/۷۰ و عامل نهادی با ۰/۷۳۶ بیشترین تأثیر را در بستر فضایی و مکانی ظرفیت سازی اجتماع محلی در دو محله گذاشته است. همچنین آزمون T این فرضیه نیز بر رابطه معنی داری بین متغیرهای عوامل هشتگانه موثر در زمینه ظرفیت سازی تأکید می کند. برنامه ریزی فضایی - مکانی خرد محلات شهری با توجه به زمینه های متنوع فرهنگی و اجتماعی - اقتصادی و بهبود مکانی محلات فقیر و تجمع قطعات خرد برای بازآفرینی محلات به عنوان پیشنهادات مقاله مطرح هستند.

کلید واژه ها: اجتماع محلی، توسعه پایدار، زنجان، ظرفیت سازی، همبودی.

۱. مقدمه

۱.۱. طرح مساله

با سیطره معرفت شناسی کانتی و عقلانیت ابزاری در علوم اجتماعی و جغرافیای انسانی، تفسیر فضا بر بنیان های مفهومی فیزیک جدید استوار شده است که عمدتاً مترادف با تجربه حسی و کالبدی و مکان استقرار سرمایه و بازتولید آن می باشد این معرفت-شناسی از لحاظ تحلیلی بر اصول هندسه اقلیدسی تأکید دارند. هندسه اقلیدسی به بحث درباره سازمان یابی اشیا در فضای فیزیکی می پردازد (پیری، ۱۳۹۰، ص. ۲۲). به عبارت دیگر خوانش هستی شناسانه و معرفت شناختی از فضا و توسعه سریع ناشی از صنعتی شدن در بستر اقتصاد پساکینزی^۱ در واقع ناشی از همین منطق هندسه اقلیدسی بوده است. با گذار از دوره های افسوس و تأسف افکار عمومی از خرابی های ناشی از دو جنگ بین الملل و نیز تسهیل ورود گسترده بخش خصوصی در اقتصاد، سرعت استخراج سود و منفعت اقتصادی از تمام پدیده های اجتماعی - اقتصادی و فضایی زمینه های اصلی تهدید محیط زیست و ارزش های محیطی را فراهم نمود. به عبارت دیگر با آشکار شدن محدودیت های عقلانیت اقتصادی (هاروی^۲، ۱۹۷۳، ص. ۲۵؛ مارکس، ۱۹۷۶، ص. ۷۸؛ هابرماس^۳، ۱۹۸۴، ص. ۴۲؛ سن^۴، ۱۹۹۹، ص. ۲۰؛ سن، ۲۰۰۹، ص. ۴۱) تهدید حیات اجتماعی (جاکوبز^۵، ۱۹۶۱، ص. ۳۲؛ آندروز^۶، ۲۰۰۸،

ص. ۵۴) و بوم شناختی (هاردینگ^۷، ۲۰۰۶، ص. ۴۱؛ موسترز^۸، دی گراف^۹، کارس^{۱۰}، ۱۹۹۸، ص. ۲۰؛ لاند^{۱۱}، ۱۹۷۶، ص. ۳۶) زمینه برای الگوی ناقلیدسی و غیر مهندسی برنامه ریزی شهری فراهم است.

"ظرفیت سازی"، معادل مفهوم استعداد، توان، قابلیت و پتانسیلی که یا رشد نیافته است و یا در مراحل اولیه رشد باقی مانده است و معطوف به راهبردها و اقداماتی است که هدف آن کمک به مردم، در جهت این مهم است که توانایی های خود را بشناسند و برای بهبود زندگی فردی و جمعی از آن بهره گیرند. از این رو ظرفیت سازی در واقع مفهومی فرایندی است. به این معنی که تمرین دموکراسی و تولید فضای حیات مدنی برای مشارکت در فرایند توسعه و گذار به توسعه اجتماعی است. اجتماعات محلی و جامعه مدنی حاکی از ایجاد فضایی دموکراتیک به منظور رویدادن و رشد کنشگران و نهادهای بخش خصوصی است (مرسر^{۱۲}، ۲۰۰۳، ص. ۷۴۷) و اغلب به عنوان بخش سوم^{۱۳} مجزا از بازار و دولت شناخته می شود و نقشی اساسی در گسترش حقوق مدنی (روی^{۱۴}، ۲۰۰۷، ص. ۶۷۸) و ظرفیت واقعی افراد و سازمان های محلی برای چالش با ساختارهای قدرت دارد (بتربری^{۱۵} و فرناندو^{۱۶}،

6. Andrews
7. Harding
8. Musters
9. De Graaf
10. Keurs
11. Land
12. Mercer
13. Third sector
14. Roy
15. Batterbury
16. Fernando

1. Post – Keynesian
2. Harvey
3. Habermas
4. Sen
5. Jacobes

۲۰۰۶، ص. ۱۸۵۵). بنابراین جامعه مدنی عبارت از تشکیل فعالانه روابط نهادی از رهگذر چانه زنی با حکومت (پرکینز، ۲۰۰۹، ص. ۳۹۷) و دال بر مفهومی کثرت‌باورانه از جامعه است (آیزر، ۲۰۰۸، ص. ۸). بانک جهانی ظرفیت را به عنوان ترکیبی از مردم، نهادها و تجارب آنها می‌داند که به کشورها اجازه می‌دهد تا به اهداف خود دست پیدا کنند (بانک جهانی، ۱۹۹۶). مک نایت و کریتمن ظرفیت‌های جامعه را تحت عنوان دارایی‌های جامعه به دو دسته دارایی‌های فردی و سازمانی دسته‌بندی می‌کنند. دارایی‌های فردی را شامل مهارت‌ها، استعداد، تجارب ساکنین، مشاغل فردی، درآمد فردی، سرمایه‌گذاری و دارایی‌های سازمانی را شامل روابط سازمانی، روابط شهروندی، فرهنگ سازمانی و عقاید سازمانی می‌دانند (مقیسی^۱، کلمن^۲، شمر^۳، ۲۰۱۰، ص. ۹۲).

از این‌رو اشراف بر ظرفیت‌های سازمانی و فردی در هر شهری از الزام‌های اولیه توسعه شهری محسوب می‌شود و توسعه شهر زنجان همانند هر شهر جهان سومی متأثر از الگوهای غیربومی و انگاره‌های کالبدی توسعه از عوارض و نارسایی‌های بسیاری رنج می‌برد. یکی از آشکارترین این ناسازواره‌های شهری، فقر و نابرابری‌های گسترده و عمیق اقتصادی - اجتماعی و فضایی است. دو شهرک کارمندان و اسلام آباد (صفرآباد) به مثابه نمونه اعلای این ناسازواری انتخاب شده‌اند. اولی به عنوان منطقه شهری ثروتمندانشین و دومی فقیرنشین مد نظر است. در نگاه اول چنین می‌نماید که شهرک

کارمندان دارای الگوی توسعه و رشد پایداری است. در واقع مسوق به درآمد اقتصادی این چنین به نظر می‌رسد که الگوی کالبدی و فضایی آن موازی با شاخص‌های توسعه پایدار است و همچنین برعکس شهرک اسلام آباد متأثر از فقر ساکنان و درآمد پایین دارای توسعه پایدار نیست. این مقاله در مسند ارزیابی این توسعه‌یافتگی یا ناتوسعه‌یافتگی نیست بلکه برعکس، می‌خواهد بر زمینه‌ها و بنیاد توسعه پایدار از منظر ظرفیت‌سازی متمرکز شود. منطق این نوشتار تمرکز بر پگاه پایداری توسعه است. همچنین می‌خواهد بداند که دو متغیر کلان و عمومی فقر و فضا - مکان جغرافیایی چگونه ابزار مؤثر (یا مانع مؤثر) ظرفیت‌سازی را فراهم می‌آورند. جمعیت شهر زنجان در سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ در حدود ۴۳۰۸۷۱ نفر اعلام شده است که به عنوان اولین و بزرگترین نقطه شهری استان، یکی از شهرهای میان اندام کشور محسوب می‌شود. محله اسلام آباد با ۹۳ هکتار و ۳۵۸۲۰ نفر جمعیت در سرشماری ۱۳۹۰ به عنوان یکی از محلات پر تراکم شهر زنجان است که در واقع امر به عنوان یکی از محلات فرودست این شهر در شمال غربی شهر و در منطقه یک شهرداری (محروم‌ترین منطقه شهر) واقع شده است. محله کارمندان دارای بافت کالبدی غنی و قشر اجتماعی و اقتصادی ثروتمندی است که این محله با ۸۳ هکتار وسعت و ۱۳۳۳۸ نفر جمعیت در سرشماری ۱۳۹۰ در شمال شرق و در منطقه یک واقع شده است. سوال اصلی تحقیق به شرح زیر است:

1. Megyesi
2. Kelemen
3. Schermer

چه رابطه معناداری مابین مکانیسم ایجاد و برنامه-ریزی توسعه پایدار شهری و ظرفیت سازی اجتماع محلی وجود دارد؟

ظرفیت سازی توسعه اجتماع محلی در شهرهای ایران و در شهر زنجان به صورت محلات وجود دارند. در راستای سوال اصلی تحقیق، سوالات فرعی به شرح زیر است:

۱. ساز و کار تاثیر ظرفیت سازی کالبدی اجتماع محلی در بالا بردن سطح توسعه پایدار (در ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی - فرهنگی و کالبدی) چیست؟

۲. ساز و کار تاثیر ظرفیت سازی اجتماعی - فرهنگی اجتماع محلی در بالا بردن سطح توسعه پایدار (در ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی - فرهنگی و کالبدی) چیست؟

۳. ساز و کار تاثیر ظرفیت سازی اقتصادی اجتماع محلی در بالا بردن سطح توسعه پایدار (در ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی - فرهنگی و کالبدی) چیست؟

۴. ساز و کار تاثیر ظرفیت سازی سیاسی اجتماع محلی در بالا بردن سطح توسعه پایدار (در ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی - فرهنگی و کالبدی) چیست؟

۲.۱. پیشینه تحقیق و مبانی نظری

بعد از تحولات فزاینده در حوزه نظری و عملی جغرافیای شهری در سال های بعد از ۱۹۸۰ میلادی و گذار به پسافوردیسم، برخی محققان بر موضوع بنیاد امر اجتماعی و ظرفیت سازی آن برای توسعه پایدار شهری متمرکز شده اند. آنی سیمونز در سال ۲۰۱۱،

در مقاله ای تحت عنوان «تعیین ظرفیت سازی جامعه: آیا امکان پذیر است؟»، به این نتایج دست یافته است که ظرفیت سازی به عنوان یک مفهوم دارای معانی، الگوها، کیفیت و طرق مختلفی است و متکی بر نوع فشرده ای از همکاری های جدید برای رسیدن به اهداف مشترک می باشد، مشارکت موثر مقدمه ای برای ظرفیت سازی برای دستیابی به اهداف متقابل است.

چنان پورن اریکال^۱ (۲۰۱۵)، در مقاله ای تحت عنوان «توسعه مدل تقویت سرمایه اجتماعی برای آموزش جامعه پایدار» سرمایه اجتماعی و آموزش جامعه، مادام العمر وابسته به هم هستند. اگر سرمایه اجتماعی قوی باشد آموزش جامعه پایدار خواهد بود اهداف این مطالعه تجزیه و ترکیب کردن اجزاء سرمایه اجتماعی و تقویت سرمایه اجتماعی است. یافته های قانونی این مطالعات بر اجزاء سرمایه اجتماعی در آموزش جامعه پایدار تشکیل شده از: ۱- سرمایه انسانی، ۲- سرمایه مؤسسه، ۳- خردعلمی و فرهنگ، ۴- منابع طبیعی و ۵- بودجه اجتماع. بعلاوه این مطالعه تلاش می کند تا اجزاء تقویت سرمایه اجتماعی را در آموزش جامعه پایدار که شامل ۵ چرخه مراحل متکی به اعتماد اجتماعی ۱- اعتماد به مطالعات، ۲- اعتماد در تصمیم سازی، ۳- اعتماد در اجرا، ۴- اعتماد در مزایا، و ۵- اعتماد در ارزیابی.

مارینا استرزلکا^۲، بینوم بالی^۳ و کیله وونسون^۴ (۲۰۱۷) در مقاله توانمندسازی و انضمام مکانی؛ آیا

1. Chananporn Areekul
2. Marianna Strzelecka
3. B. Bynum Boley
4. Kyle M. Woosnam

برای توانمندسازی ساکنان به توانمندسازی آنها نیاز هست؟ به این نکته اشاره می‌کنند که در تحقیقات مرتبط با نگرش ساکنان انضمام مکانی و توانمندسازی دو مؤلفه بسیار مهم ساخت‌های غیر اقتصادی برجسته هستند که در زمینه نگرش ساکنان و اجتماعات محلی به مساله توریسم اساسی و مهم می‌باشند.

لئونارد اسپا^۱ و آنا اسکولوبیگ^۲ (۲۰۱۷) در مقاله توانمندسازی سهامداران از رهگذر تجربه‌های برنامه‌ریزی مشارکتی اشاره می‌کنند که گسترش شبکه انرژی در اروپا در دهه‌های اخیر به علت فرسوده شدن شبکه انتقال انرژی و جهت‌گیری کلی به سمت بخش تولید الکتریسیته غیرکربنی به مثابه یک ضرورت مطرح شده است. ظرفیت‌سازی و توانمندسازی سهام داران به عنوان راه‌حلی برای پیشبرد اهداف طرح در سراسر اروپا مد نظر قرار گرفته است.

کاظمیان و همکاران، ۱۳۹۲، در مقاله‌ای تحت عنوان «دستیابی به توسعه پایدار محلی از طریق ظرفیت اجتماعی ساکنین و فعالان اقتصادی محله غیررسمی» که مطالعه‌ای در محله شمیران نو است به این نتایج دست یافت که مؤلفه‌های نامشهود و ذهنی مثل اعتماد به نهادهای شهری، اعتماد به دولت، اعتماد به شورای محله با سایر مؤلفه‌های ظرفیتی ساکنین ارتباط است طرح‌هایی که باعث بقای بیشتر ساکنین در محله و زمینه ساز جذب فعالان اقتصادی باسوادتر

باشد برنامه‌های ظرفیت‌سازی مناسبی به حساب می‌آیند.

رفعیان و همکاران (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای با عنوان «ظرفیت‌سازی اجتماعات محلی به مثابه‌ی رویکردی در توانمندسازی نهادهای اجتماعی» ظرفیت اجتماعات محلی را به مثابه‌ی راهبردی کلیدی جهت تقویت رفاه افراد، خانواده‌ها و اجتماعات محلی معرفی می‌کند که بیشتر مرتبط با عملکرد حکومت‌های محلی و نهادهای غیردولتی می‌باشد. هر فرایندی از ظرفیت‌سازی اجتماعات محلی بایستی ارزش‌ها را تشخیص داده و برپایه مهارت‌های موجود، دانش و استعداد‌های مردمی باشد که تاکنون داشته و می‌توانند آن را عرضه نمایند.

۱.۲.۱. تز و آنتی تز گفتمان مسلط

گفتمان مسلط^۳ توسعه، برجسته کردن عناصر مشخص رشد اقتصادی و بکارگیری ابزارها و روش‌های معینی که در نهایت شاخص‌هایی همانند تولید ناخالص ملی، افزایش صادرات، درآمد سرانه و ... را متأثر می‌ساخت. آنتی تز^۴ مفهوم رشد در عمل از واکنش‌های واقعی زیست‌محیطی بیرون آمد. با توجه به ادبیات فکری و اندیشه‌های مطرح در حوزه مفهوم انتزاعی توسعه می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که در دهه‌های توسعه ملی (۱۹۵۰ و ۱۹۶۰) این مفهوم به رشد اقتصادی و شاخص‌های آن تقلیل یافته بود. سپس با ارتقای مفهومی، مفهوم توسعه فراتر از رشد اقتصادی و شامل عرصه‌های اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی و .. نیز شد. توسعه پایدار فراگفتمانی^۵ جهانی

3. Dominant discourse

4. Anti- thesis

5. Meta discourse

1. Leonhard Späth

2. Anna Scolobig

درباره سبک زندگی غربی و اشکال حکم‌روایی بر جوامع است و دعای سیاست محیطی است که بر منافع بلندمدت جامعه متمرکز است (سیربوک^۱ و همکاران، ۲۰۰۴، ص. ۴۴۴) و شامل معیارهای محیطی، اقتصادی و اجتماعی است که نقش مهمی در چگونگی سیاست‌گذاری‌ها دارد (بوتون^۲، ۲۰۰۸، ص. ۲۱۸). در واقع این مفهوم در پاسخ به نگرانی‌های فزاینده مربوط به روابط بین فرایندهای توسعه انسانی و اقتصادی، مشکلات جهانی، محلی و محیطی، رشد جمعیت و فقر و دگرگونی ساختار سیاسی شکل‌بندی شده است و این فرایندها یعنی توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و حفاظت محیطی را یکپارچه می‌کند. توسعه پایدار ترکیبی از دو واژه است که دو جنبه به نظر متفاوت را در یک عبارت متحد می‌سازد. در این مقاله، مضمون ظرفیت‌سازی برای دست یافتن به آرمان توسعه پایدار از دو نظر مورد توجه است:

۱. این ظرفیت‌سازی در بستر روابط پیچیده و نامستولانه شهر جهان سومی زنجان اتفاق می‌افتد.

۲. ظرفیت‌سازی به معنای توسعه اجتماعی است.

۱. ۲. ۲. سنتر اول : ظرفیت‌سازی و توسعه

اجتماعی

مفهوم توسعه در برابر مفهوم رشد اقتصادی و مفهوم توسعه پایدار در برابر و در انتقاد از توسعه مطرح شد. اما به نظر نویسندگان این پژوهش مفهوم توسعه اجتماعی برآیند نظری مفهوم عمقی رشد

است (شکل ۱). مفهوم لفظی توسعه از همان ابتدا به مضمون زیرین توسعه اجتماعی بوده است. چرا که حتی تقلیل‌یافته‌ترین فرم بیانی-زبانی توسعه (رشد اقتصادی) به معنای افزایش رفاه بود. رفاه چه کسانی؟ مردم و جامعه. اما از رهگذر انواع ایدئولوژی‌های سیاسی-اقتصادی و در جغرافیای تاریخی گوناگون این شکل زیرین، خوانشی آشکار و عملیاتی نیافته است. فوکو^۳ در جلد یکم تاریخ میل جنسی می‌گوید که آنجا که قدرت هست مقاومت هم در کار است (نقل شده در میلز، ۱۳۸۹، ص. ۷۰). به نظر می‌رسد این رابطه قدرت به تغییر مفاهیم می‌انجامد و به عبارت دیگر از رهگذر دیالکتیک قدرت/مقاومت^۴ مفاهیم نیز معنایی دیگر می‌یابند. زمانی که مفهوم اقتصادی توسعه سایر مفاهیم را در سایه قرار داد و کتمان کرد بنابراین این مفاهیم شروع به مقاومت کردند که انگاره اجتماعی توسعه برآمده از همین رابطه است. بنابراین بعد عمق و معنای زیرین توسعه همان توسعه اجتماعی بوده است. فوکو معتقد است نزد نیچه یک نقد عمق آرمانی، نقد آگاهی وجود دارد. این عمق جست و جوی ناب و درونی حقیقت است (فوکو، ۱۳۹۰، ص. ۱۲). همچنین توسعه اجتماعی بیانیه‌ای است بر علیه گزاره‌ها بر که معتقد است وضع طبیعی جنگ همگان بر علیه همگان است (پیری، ۱۳۹۰، ص. ۴۷). بنابراین توسعه اجتماعی، ضمن داشتن و برتافتن شاخص‌های رشد، متضمن مفاهیمی همچون عدالت و برابری، دموکراسی، آزادی، محیط‌زیست، خرد جمعی، خرد ارتباطی،

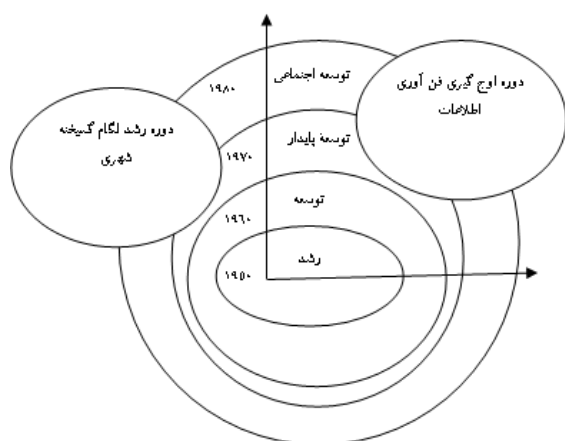
3. Foucault

۴. همانند دیالکتیک بنده و ارباب هگل

1. Seabrook

2. Button

درحقیقت روند توسعه‌ی شهری فرصت جدیدی برای ارتقاء کیفیت زندگی فراهم آورده است و چنانچه توجه و دقت لازم به این روند صورت نگیرد، می‌توان در آینده نزدیک در انتظار بارآمدن هزینه‌های سنگین اجتماعی، سیاسی و زیست‌محیطی بود (جواهری‌پور و داورپناه، ۱۳۸۱، ص. ۹۲). البته ناگفته نماند که اهداف و منطق ظرفیت‌سازی بسته به جایی که در آن قرار می‌گیرد متفاوت خواهد بود و هر محله با توجه به ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی که دارد نوع ظرفیت‌سازی توسعه اجتماع محلی متفاوت خواهد بود. ظرفیت‌سازی توسعه اجتماع محلی ارتباط مستقیمی با سرمایه اجتماعی دارد و سرمایه اجتماعی جزء مؤلفه‌های اصلی ما در ظرفیت‌سازی به شمار می‌رود.



شکل ۱. مفهوم توسعه اجتماعی برآیند نظری مفهوم عمقی رشد مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶)

۱.۲.۳. سنتز دوم: تحول هستی شناختی فضا

منظور از تحول هستی شناختی فضا، آشفستگی معرفت شناختی ناشی از دگرگونی عملکردی و آشکار شدن زوایای دیگری از وجود و ماهیت فضا

سرمایه اجتماعی، آگاهی، دیالکتیک بوم/جهان و ... است. در حال حاضر تعریف جامع و جهان شمول از ظرفیت اجتماعات محلی، فرایندها و شاخص‌های ارزیابی آن وجود ندارد و اغلب اصطلاحات متناقض و نادرستی از آن می‌شود این واژه عموماً در پروژه‌ها به کارگرفته می‌شود اما در عمل اصول اساسی آن مدنظر قرار نمی‌گیرد (وریتی^۱، ۲۰۰۷، ص. ۱۳). کاپلان^۲ (۱۹۹۹) در توضیحات شاقنسی^۳ (۱۹۹۹) ذکر کرده است که ظرفیت‌سازی یک اصطلاح است که در واژگان علمی توسعه‌ای به‌طور فراگیر آمده است. با این حال، برای تعریف ظرفیت‌سازی از هزاران اظهار نظر، تعاریف، تئوری و عمل اعم از توسعه مهارت-های فنی تا توسعه سازمانی از جامعه مدنی دعوت به عمل آمده است. بحث ظرفیت‌سازی پویا و گسترده است. در عین حال فاقد شفافیت و دارای بسیاری از ابهامات بوده و دارای آمیختگی است و در نهایت دارای برنامه‌های متناقض است. ظرفیت‌سازی معطوف به راهبردها و اقداماتی است که هدف آن کمک به مردم در جهت این مهم است که توانایی‌های خود را بشناسند و برای بهبود زندگی فردی و جمعی، از آن بهره گیرند. محققان پاسخ به پرسش اساسی علل ناتوانی بسیاری از کشورها در پیشبرد و حفظ توسعه اقتصادی و اجتماعی را ناکارایی رویکردهای معمول توسعه در ایجاد ظرفیت پایدار نیروی انسانی، نهادها و سازمان‌ها در سطح محلی عنوان کرده‌اند (ماروت ردشانک^۴، ۲۰۰۹، ص. ۱۴).

1. Verity
2. Kaplan
3. Shaughnessy
4. Marot Redshank

است. بر خلاف گذشته هر شهروندی به طور همزمان در میان تار و پودی از فضاها و چند سطحی در مقیاس‌های عملکردی متفاوت همانند جهانی، منطقه-ای، بین‌المللی و ملی و محلی به تجربه شهری می‌پردازد. هاروی (۱۹۸۵) در کتاب ارزشمند خود *آگاهی و تجربه شهری*^۱ به خوبی بر مفهوم چند سطحی از فضای شهری متمرکز شده است. تحول فضا و زمان در جوامع معاصر باعث دگرگونی معنی عمل اجتماعی می‌شود. آنتونی گیدنز در تکمیل گزاره اخیر می‌گوید که در جوامع ماقبل صنعتی امنیت هستی‌شناسانه مسبوق به سنت و هنجارهایی بود که در اثر تکرار جریان مکان و زمان در زندگی روزانه شکل می‌گرفت. در تأیید گفته گیدنز باید اشاره کنیم که شیوه تولید فنودالسم که مبتنی بر کمترین میزان تحول و تغییر در نظم سلسله‌مراتبی و کیهانی خود در این دوران بود نیز موازی با این یکپارچگی و ناگسستگی در فضا و زمان است. کاستلز معتقد است که در جریان شهری شدن، زندگی مادی شکل فضایی خاصی پیدا کرده است که ما آنرا "منطقه مادر شهری" می‌خوانیم. او معتقد است جوامع در فضا و زمان قرار دارند. در جغرافیای انسانی شکل خاص این قرارگیری در فضا و زمان را چشم‌انداز جغرافیایی می‌نامند که حاوی پدیده‌های طبیعی و انسانی در کنشی متقابل است. همچنین کاستلز یکی از جریان‌های رایج در بحران‌های اجتماعی معاصر را شکل گرفتن رابطه‌ای جدید و تاریخی میان فضا و جامعه می‌داند. به دنبال تحول در نظام ارتباطات و تحول روابط اجتماعی به جریان‌ها و مسیرهای الکترونیک و

افزایش حجم اطلاعات در گردش، مکان نقش سستی خود را از دست می‌دهد و جریان تولید در شهر انتزاعی می‌شود. منبع اصلی قدرت در اختیار شبکه‌های اطلاعاتی قرار می‌گیرد. فضا در جریان زمان حل می‌شود شهرها مبدل به سایه می‌شوند. فضای جدید جدایی کامل مردم از حاصل کار خود، تاریخ و فرهنگ را در بردارد. فضای جدید مادر شهر فضای بیگانگی جمعی است (کاستلز^۲، ۱۳۸۰، ص. ۲۳۵-۲۵۷). مارکس این فرایند را تخریب مکان بوسیله زمان می‌داند (پیری، ۱۳۹۰، ص. ۲۹).

۱. ۲. ۴. سنتز سوم: همبودی^۳

این واژه^۴ به معنای بروز، ظهور، تداوم و عملکرد دو یا چند چیز یا مفهوم با یکدیگر است که این بروز، به معنای رخداد علت - معلولی نیست بلکه به صورت دال و مدلول ساختاری و پاسا ساختاری است. به این معنی که با اتفاق شرایط ویژه، زمینه‌های آن شرایط و پیامدهای آن و نیز خود شرایط و موقعیت‌ها با هم همیشه هستند و نبود یکی از آنها به معنای نبود دیگری است. منظور ما از این مفهوم، همزمانی رخداد یا اتفاق دو یا چند چیز است. به عنوان مثال فقر، فضای خود را تولید می‌کند و ثروت نیز همچنین. ایدئولوژی‌های سیاسی و نظام‌های حکومتی و سیاسی هر کدام دارای فضای مرجع خویش هستند (شکل

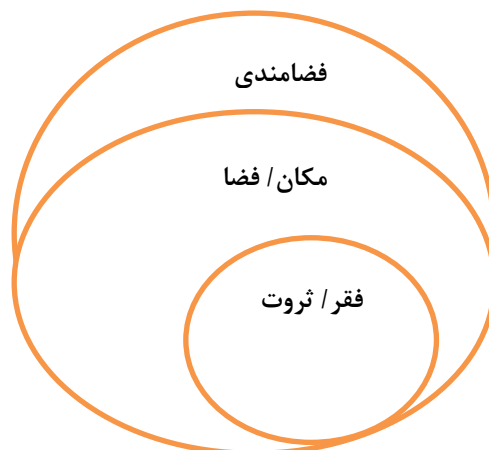
2. Castells

3. Co- existence

۴. واژه همبودی برساخته نظری محققان در این مقاله است. حتی با جسارت می‌توانیم ادعا کنیم که برابر سازی انگلیسی آن هم توسط ما انجام شده است. چون نتوانستیم در فرهنگ لغت آکسفورد پیدا کنیم از اینرو با مشورت و توضیح متن به چند مترجم و استاد زبان انگلیسی، واژه CO- existence را در جریان مفهوم سازی نظری ابداع کردیم.

1. Consciousness and Urban Experience

۲). همبودی یک مفهوم فرایندی^۱ است. به این معنی که اشاره به رخداد یک پدیده در طول زمان و در عرض فضا دارد.



شکل ۲. همبودی فقر / ثروت و فضا مأخذ: (یافته - های پژوهش، ۱۳۹۶)

۲. روش شناسی تحقیق

۲.۱. روش تحقیق

منطق ناظر بر این تحقیق (متدولوژی) استدلال قیاسی^۲ است به عبارت دیگر با استفاده از رهیافت این متدولوژی یعنی از کل به جزء حرکت کرده ایم. نظریه و تجربه ظرفیت سازی اجتماع محلی در توسعه پایدار نقطه شروع و پیمایش میدانی و یا تجربی این نظریه در محلات مورد مطالعه ارزیابی شده است. تحقیق حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی و روش اجرای آن پیمایش میدانی است. متغیرهای وابسته تحقیق از طریق یک پرسشنامه بسته و در طیف لیکرت مورد سنجش آماری قرار گرفته است. جامعه آماری در این تحقیق شامل کلیه سرپرستان خانوار در

دو محله ی شهر کارمندان و اسلام آباد بوده است که کل جمعیت شهرک کارمندان (۱۳۳۶۸ نفر) و اسلام آباد (۳۵۸۲۰ نفر) بوده است براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ بوده است. لذا برای کاهش حجم نمونه، با توجه به تعداد زیاد خانوارها، محدودیت زمانی و برای کاهش هزینه از روش نمونه گیری استفاده شد. روش نمونه گیری به صورت تصادفی ساده بوده است. با استفاده از فرمول عمومی کوکران تعداد ۳۰۰ نفر در نمونه گیری از جامعه انتخاب شده اند که با توجه به حجم جامعه، ۲۰۰ نفر برای اسلام آباد و ۱۰۰ نفر برای کارمندان مورد بررسی قرار گرفتند. در این تحقیق برای آزمون فرضیه های متناظر بر سوال های طرح شده در ابتدای مقاله، از آزمون T استفاده کرده ایم که این آزمون زمانی مورد استفاده قرار می گیرد که یک نمونه از جامعه داریم و می خواهیم میانگین آن را با یک حالت معمول و رایج، استاندارد و یا حتی یک عدد فرضی و مورد انتظار مقایسه کنیم تا معلوم شود که آیا می توان این نمونه را یک نمونه تصادفی از جامعه ای که میانگین آن μ است، دانست؟

۲.۲. متغیرها و شاخص های تحقیق

۲.۲.۱. متغیر مستقل تحقیق

در این تحقیق ظرفیت سازی اجتماعی محلی شامل ظرفیت سازی کالبدی - محیطی، ظرفیت سازی اجتماعی - فرهنگی، ظرفیت سازی اقتصادی و ظرفیت سازی سیاسی به عنوان متغیر مستقل تحقیق بیان شده اند. شاخص های هر یک از این بخش های متغیر مستقل به صورت زیر است:

1. Procedural concept
2. Deduction reasoning

۱. ظرفیت‌سازی کالبدی - محیطی: شامل تجمیع قطعات خرد، تعریض خیابان و کوچه‌های کم عرض، توزیع مناسب کاربری‌ها و خدمات شهری، بهداشت محیط، مبلمان شهری مناسب و متنوع، طراحی شهری، موضوع استفاده مناسب از رنگ در طراحی کالبدی، نمای ساختمان‌ها، فضای عمومی و حیات مدنی، فضاهای مناسب ورزشی و تفریحی و ...

۲. ظرفیت‌سازی اجتماعی - فرهنگی: شامل سواد ده-گانه مورد استناد ساز ملل، سرمایه اجتماعی (اعتماد، مشارکت اجتماعی و...)، کتاب‌خوانی، موسیقی، آشنایی با بزرگان ادبیات جهان، مسافرت‌های خارج از کشور، شکیبایی و صبر در برابر مصایب و مشکلات و

۳. ظرفیت‌سازی اقتصادی: درآمد ماهانه و سالانه، بار تکفل، توانمندسازی و کارآفرینی، مالکیت زمین و مستغلات، مالکیت خودرو، اشتغال در بخش خدمات، صنعت و کشاورزی

۴. ظرفیت‌سازی سیاسی: تشکیل گروه سیاسی و عضویت در گروه‌های سیاسی منتقد، مشارکت در انتخابات، فعالیت مجدانه در ستادهای انتخاباتی، پیگیری اخبار سیاسی و

۲.۲.۲. متغیر وابسته تحقیق

در این تحقیق توسعه پایدار به عنوان متغیر وابسته تحقیق است که در واقع طبق تعریف تغییرات آن در جامعه آماری (شهرک کارمندان و اسلام‌آباد) به دنبال تغییرات ظرفیت‌سازی اجتماعی است. توسعه پایدار متغیر وابسته تحقیق است و دارای ابعاد اقتصادی،

اجتماعی - فرهنگی، سیاسی و کالبدی - محیطی است.

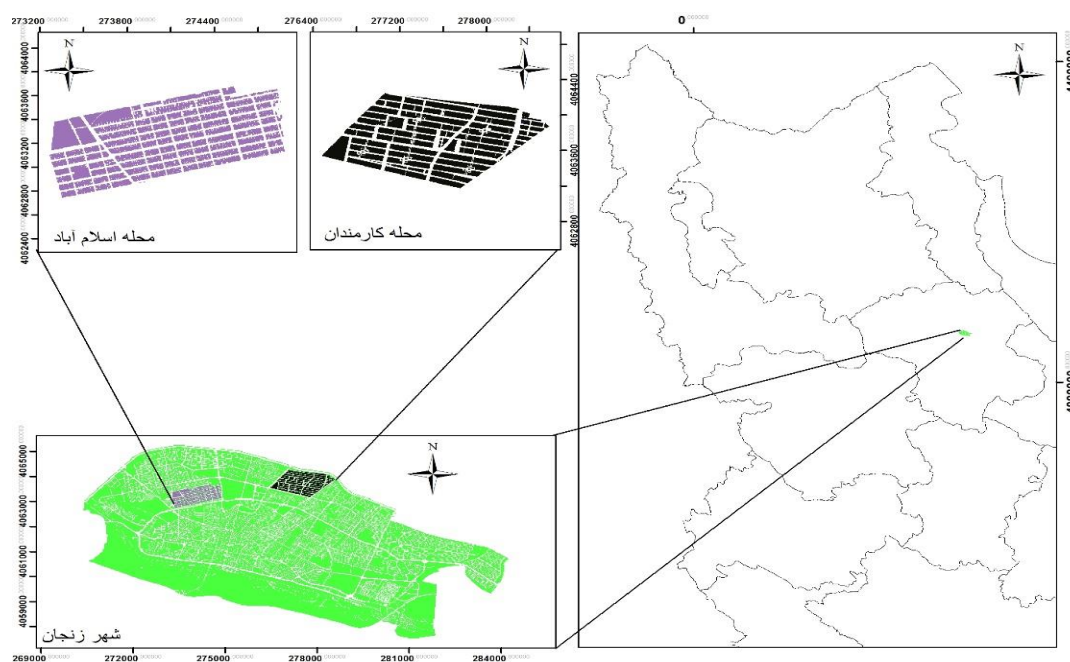
۲.۳. قلمرو جغرافیایی پژوهش

شهر زنجان به سه منطقه شهرداری تقسیم می‌شود که محله اسلام‌آباد زنجان در شمال غربی شهر زنجان واقع شده است که از حیث سلسله‌مراتب تقسیمات کالبدی شهر زنجان در منطقه یک شهرداری واقع شده است. این محله در طرح تفصیلی مصوب سال ۱۳۸۶، به صورت مشترک با محله جانبازان و سعیدیه، شهرک در حال احداث صدرا که به ترتیب در شمال، غرب و شمال غرب محله اسلام‌آباد قرار دارند به عنوان یک ناحیه در نظر گرفته شده است که دارای ۷ محله می‌باشد (دویران، ۱۳۸۶، ص. ۲۱). محله اسلام‌آباد یکی از متراکم‌ترین محلات شهر زنجان است. طبق نتایج سرشماری در سال ۱۳۹۰، ۳۵۸۲۰ نفر جمعیت در محله اسلام‌آباد هستند. از این رو ۱۱/۲ درصد جمعیت شهر زنجان در محله اسکان غیر رسمی اسلام‌آباد سکونت دارند. از سوی دیگر این محله با ۹۳/۵ هکتار مساحت، ۱/۸ درصد از مساحت زنجان را در بر گرفته است. بنابراین با وجود اینکه تنها ۱/۸ درصد مساحت شهر را شامل می‌شود ۱۱/۲ درصد از جمعیت شهر زنجان را در خود جای داده است.

شهرک کارمندان در شمالی‌ترین قسمت شهر زنجان واقع شده است که در منطقه ۱، ناحیه ۳ قرار گرفته است. این محله از شمال به گاوازنگ، از غرب به آزادگان، از جنوب به خیابان ک.چمشکی و از شرق به اراضی پایین کوه ختم می‌شود. در حدود ۳۰ سال پیش زمین‌های شهرک کارمندان اراضی زراعی

است که خیابان‌های فرعی به صورت منظم و خطی در کنار آن واقع شده است که ۱۳ خیابان آن در شرق و ۱۲ خیابان در غرب قرار دارد. این محله یکی از شهرک‌های کم نظیر شهر زنجان محسوب می‌شود که امروزه آپارتمان‌سازی و انبوه سازی در آن رواج یافته است. در مورد این شهرک می‌توان افزود که اکثر قطعه زمین‌های آن دارای سند بوده و تمام محدوده های آن رسمی سازی شده است (خاکی، ۱۳۹۲) (شکل ۱).

بودند که در زمان حکومت پهلوی با قیمت ناچیز توسط کارمندان دولت خریداری شد طرح اصلی این شهرک در سال ۱۳۶۱ به تصویب رسیده است که در سال ۱۳۶۹ شروع به ساخت شد و تقریباً در سال ۱۳۷۰ به پایان رسید. شهرک کارمندان دومین و بزرگترین شهرک مسکونی بعد از شهرک علی‌آباد می‌باشد. این محدوده به سه فاز تقسیم شده که در وسط هر فاز یک واحد محله‌ای وجود دارد. خیابان اصلی به وسیله یک بلوار به دو قسمت تقسیم شده



شکل ۳. موقعیت محلۀ اسلام‌آباد و کارمندان. مأخذ: (یافته پژوهش، ۱۳۹۶)

چنان که در ادامه می‌بینیم، نسبت بدست آمده میان میانگین مشاهده شده با میانگین مورد انتظار متغیرهای ظرفیت‌سازی اجتماعی-فرهنگی، ظرفیت‌سازی سیاسی، ظرفیت‌سازی اقتصادی و ظرفیت‌سازی کالبدی-محیطی نسبتی قابل تعمیم به نمونه‌های دیگر است.

۳. یافته‌های استنباطی تحقیق

۳.۱. آزمون فرضیه

کوشش شده است که نشان داده شود که نسبت موجود میان میانگین‌های بدست آمده با میانگین‌های مورد انتظار نسبتی است قابل تعمیم به نمونه‌های دیگر یا صرفاً محدود به نمونه مورد مشاهده می‌باشد.

۱. برآورد معناداری سطح تفاوت مؤلفه ظرفیت - میانگین مورد انتظار (۱۶) برابر است یا نه از آزمون سازی کالبدی - محیطی
برای آزمون اینکه آیا میانگین ظرفیت سازی کالبدی - محیطی در سطح اطمینان ۹۵ درصد با

جدول ۱. آماره های مربوط به آزمون تک نمونه ای

میانگین خطای استاندارد	انحراف معیار	میانگین	تعداد	ظرفیت سازی کالبدی - محیطی
۰/۲۲۶۳۴	۳/۱۶۰۶۳	۱۵/۱۴۳۶	۳۰۰	

مأخذ: (یافته پژوهش، ۱۳۹۶)

جدول ۲. برآورد معناداری سطح تفاوت مؤلفه ظرفیت سازی کالبدی - محیطی از میانگین مورد انتظار

	مطلوبیت عددی ظرفیت مورد آزمون ۱۶					
	فاصله اطمینان ۹۵ درصد		اختلاف میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	t
	بالا تر	پایین تر				
ظرفیت سازی کالبدی - محیطی	-۰/۴۱۰۰	-۱/۳۰۲۸	-۰/۸۵۶۴۱	/۰۰۰	۲۹۹	-۳/۷۸۴

مأخذ: (یافته پژوهش، ۱۳۹۶)

۲. برآورد معناداری سطح تفاوت مؤلفه ظرفیت - سازی اقتصادی
با توجه به خروجی جدول آزمون فوق و مقدار سطح معناداری بدست آمده که کوچکتر از ۰/۰۵ است، می توان نتیجه گرفت که میانگین بدست آمده با میانگین مورد انتظار متفاوت می باشد و چون سطوح بالا و پایین اختلاف ها کمتر از صفر می باشد، بنابراین می توان نتیجه گرفت میزان ظرفیت سازی کالبدی - محیطی در توسعه پایدار موثر است.
۳. برآورد معناداری سطح تفاوت مؤلفه ظرفیت سازی اقتصادی - برای آزمون اینکه آیا میانگین ظرفیت سازی اقتصادی در سطح اطمینان ۹۵ درصد با میانگین مورد انتظار (۵۸) برابر است یا نه از آزمون تی تک نمونه ای استفاده می کنیم.

جدول ۳. آماره های مربوط به آزمون تک نمونه ای

میانگین خطای استاندارد	انحراف معیار	میانگین	تعداد	ظرفیت سازی اقتصادی
۰/۶۶۴۰۲	۹/۲۷۲۵۹	۶۴/۶۸۲۱	۳۰۰	

مأخذ: (یافته پژوهش، ۱۳۹۶)

جدول ۴. برآورد معناداری سطح تفاوت مؤلفه ظرفیت سازی اقتصادی از میانگین مورد انتظار

	مطلوبیت عددی ظرفیت مورد آزمون = ۵۸					
	فاصله اطمینان ۹۵ درصد		اختلاف میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	t
	بالا تر	پایین تر				
ظرفیت سازی اقتصادی	۷/۹۹۱۷	۵/۳۷۲۴	۶/۶۸۲۰۵	/۰۰۰	۲۹۹	۱۰/۰۶۳

مأخذ: (یافته پژوهش، ۱۳۹۶)

با توجه به خروجی جدول آزمون فوق و مقدار سطح معناداری بدست آمده که کوچکتر از ۰/۰۵ می- باشد می توان نتیجه گرفت که میانگین بدست آمده با میانگین مورد انتظار متفاوت می باشد و چون سطوح بالا و پایین اختلاف ها بیشتر از صفر می باشد، بنابراین می توان نتیجه گرفت که میانگین ظرفیت سازی اقتصادی در توسعه پایدار تاثیر مثبت و ماندگار دارد.

۳. برآورد معناداری سطح ظرفیت سازی فرهنگی - اجتماعی از میانگین مورد انتظار برای آزمون اینکه آیا میانگین ظرفیت سازی فرهنگی - اجتماعی در سطح اطمینان ۹۵ درصد با میانگین مورد انتظار (۴۸) برابر است یا نه از آزمون تی تک نمونه ای استفاده می کنیم.

جدول ۵. آماره های مربوط به آزمون تک نمونه ای

میانگین خطای استاندارد	انحراف معیار	میانگین	تعداد	
۰/۵۴۹۳۹	۷/۶۷۱۷۹	۳۷/۲۶۶۷	۳۰۰	ظرفیت سازی فرهنگی - اجتماعی

مأخذ: (یافته پژوهش، ۱۳۹۶)

جدول ۶. برآورد معناداری سطح تفاوت مؤلفه مشارکت اجتماعی از میانگین مورد انتظار

	مطلوبیت عددی ظرفیت مورد آزمون = ۴۸					
	فاصله اطمینان ۹۵ درصد		اختلاف میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	t
	پایین تر	بالا تر				
ظرفیت سازی فرهنگی - اجتماعی	-۱۱/۸۱۶۹	-۹/۶۴۹۸	-۱۰/۷۳۳۳	۰/۰۰۰	۲۹۹	-۱۹/۵۳۷

مأخذ: (یافته پژوهش، ۱۳۹۶)

با توجه به خروجی جدول آزمون فوق و مقدار سطح معناداری بدست آمده که کوچکتر از ۰/۰۵ می- باشد می توان نتیجه گرفت که میانگین بدست آمده با میانگین مورد انتظار متفاوت می باشد و چون سطوح بالا و پایین اختلاف ها کمتر از صفر می باشد، بنابراین می توان نتیجه گرفت که میانگین ظرفیت سازی فرهنگی - اجتماعی در توسعه پایدار تاثیر دارد.

۴. برآورد معناداری سطح تفاوت مؤلفه ظرفیت- سازی سیاسی از میانگین مورد انتظار برای آزمون اینکه آیا میانگین ظرفیت سازی سیاسی در سطح اطمینان ۹۵ درصد با میانگین مورد انتظار (۵۸) برابر است یا نه از آزمون تی تک نمونه ای استفاده می کنیم.

جدول ۷. آماره های مربوط به آزمون تک نمونه ای

میانگین خطای استاندارد	انحراف معیار	میانگین	تعداد	
۰/۴۱۵۱	۵/۷۹	۴۲/۰۸	۳۰۰	ظرفیت سازی سیاسی

مأخذ: (یافته پژوهش، ۱۳۹۶)

جدول ۸. برآورد معناداری سطح تفاوت مولفه ظرفیت سازی سیاسی از میانگین مورد انتظار

	مطلوبیت عددی ظرفیت مورد آزمون = ۵۸				
	t	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان ۹۵ درصد
					پایین تر بالا تر
ظرفیت سازی سیاسی	-۳۸/۳۳	۲۹۹	۰/۰۰۰	-۱۵/۹۱	-۱۶/۷۳ -۱۵/۰۹۴

مأخذ: (یافته پژوهش، ۱۳۹۶)

با توجه به خروجی جدول آزمون فوق و مقدار سطح معناداری بدست آمده که کوچکتر از ۰,۰۵ می- باشد می توان نتیجه گرفت که میانگین بدست آمده با میانگین مورد انتظار متفاوت می باشد و چون سطوح بالا و پایین اختلافها کمتر از صفر می باشد، بنابراین می توان نتیجه گرفت که ظرفیت سازی سیاسی در توسعه پایدار و ابعاد آن تاثیر معنی داری دارد.

۴. نتیجه گیری و پیشنهادها

شهر زنجان همانند اغلب شهرهای کشور دارای متن های دوگانه فقر/ثروت هست که فضای متناظر بر آن ها به صورت همبودی های وجود شناختی یا اگزیستانسیالی از شکل گیری یک فرم یا هویت یکپارچه شهری ممانعت می کند. در شهرک کارمندان زنجان طبقه ثروتمندی زندگی می کنند که فضای اجتماعی و تجربه زیسته آنها، ارزش ها، آداب و آیین های فردی و اجتماعی به غایت متفاوتی از کوی اسلام آباد دارند که فضای همبود فقر را در زندگی روزمره خود تجربه می کنند. ظرفیت سازی اجتماع محلی یکی از پارادایم های فکری مهم در زمینه توسعه پایدار به حساب می آید. در واقع بدون این ظرفیت سازی پروژه توسعه پایدار توان ماندگاری طولانی مدت نخواهد داشت. نبرای مدیریت مناسب شهری در عصر جهانی شدن و انفجار اطلاعات

توسعه اجتماعی زیربنای توسعه پایدار و پیامدهای آن محسوب می شود. در عین حال خود مفهوم توسعه اجتماعی نیز فرایندی راهبردی و مبتنی بر برقراری شاخص های متعددی است که مخصوصاً از دهه ۱۹۹۰ به بعد توجه بسیاری را به سمت خود جلب کرده است. بر اساس مشاهدات و آزمون های این تحقیق در شهر زنجان و در محلات اسلام آباد و شهرک کارمندان گسیختگی اجتماعی و فضایی زمینه های نامساعدی برای توسعه پایدار از یکسو و زمینه سازی ظرفیت سازی اجتماع محلی از سوی دیگر است. شهرک کارمندان و محله اسلام آباد دارای زمینه های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی و محیطی متفاوتی هستند. آزمون T تک نمونه ای به دست آمده مشخص می کند که بین مکانیسم ایجاد برنامه ریزی توسعه پایدار شهری و ظرفیت سازی اجتماع محلی رابطه معناداری وجود دارد. پیشنهادات تحقیق به شرح زیر است:

۱. برنامه ریزی فضایی - مکانی خرد محلات شهری با توجه به زمینه های متنوع فرهنگی و اجتماعی - اقتصادی انجام پذیرد.
۲. از نظر مکانی محلات فقیر و تجمیع قطعات خرد برای بازآفرینی محلات باید بهبود یابد.

۳. فضاهای کنش جمعی و پویایی حیات مدنی و اجتماعی می تواند ایجاد شود.
۴. سرمایه اجتماعی محلات و تقویت سواد عاطفی و اجتماعی و رفتاری شهروندان می تواند کنش جمعی ذکر شده را تقویت نماید.
۵. ظرفیت سازی اقتصادی و اشتغال و افزایش درآمد نقش مهمی در موضوع توسعه پایدار و مشارکت پذیری محلات دارد.

کتاب نامه

۱. پیری، ع. (۱۳۹۰). تبیین علمی حکمروایی مطلوب و کارایی ارتباطی شهر؛ مطالعه موردی: نظام شهری استان آذربایجان شرقی. پایان نامه دکتری رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری، تبریز: دانشگاه تبریز
۲. جواهری پور، م.، و داورپناه، ب. (۱۳۸۱). سکونتگاه های ناپایدار اقشار کم درآمد شهری هفت شهر، فصلنامه عمران و بهسازی شهری، ۳(۸)، ۸۲-۹۵
۳. رفیعیان، م.، خدائی، ز.، و داداش پور، ه. (۱۳۹۳). ظرفیت سازی اجتماعات محلی به مثابه ی رویکردی در توانمندسازی نهادهای اجتماعی. فصلنامه جامعه شناسی نهادهای اجتماعی، ۱(۲)، ۱۳۳-۱۶۰.
۴. فوکو، م. (۱۳۹۰). نظم/اشیاء؛ دیرینه شناسی علوم/انسانی، ترجمه یحیی امامی، چاپ اول، تهران: نشر پژوهشکده مطالعات فرهنگی واجتماعی

5. Andrews, R. (2008). Civic Engagement, Ethnic Heterogeneity and social capital in urban areas: evidence from England, *urban affairs review*, 44(3), 428- 440.
6. Ayers, A.J. (2008). we all know a democracy when we see one (neo)liberal orthodoxy in the democratization and good governance project. *Policy and society*, 27(27), 1-13.
7. Batterbury, S.P.j., & Fernando j.L. (2006). Rescaling governance and the impacts of political and environmental decentralization: an introduction. *World development*, 34(11), 1851-1863
8. Button, K. (2002). City management and urban environmental indicators. *Ecological economics*, 4(4), 217-233.
9. Habermas, J., (1984). *On Reconstruction of Historical Materialism*. London: Shapiro, Heinemann.
10. Harding, R. (2006). Ecologically sustainable development: origins, implementation and challenges. *Desalination*, 4(187), 229- 239.
11. Harvey, D. (1973). *Social Justice and City*. Oxford: Oxford.
12. Jacobs, J. (1961). *the death and life of great American cities*, New York: Random House.
13. Land, B. (1976), *Our common future*. UN: Report to UN
14. Megyesi, B., Kelemen, E. & Schermer, M. (2010), Social capital as a success Factor for Collective Farmers Marketing Initiatives. *Int. Jrnl of society. Of Agriculture & food*, 180(1), 89-103.
15. Mercer, C. (2003). Performing partnership: civil society and the illusions of good governance in Tanzania. *Political geography*, 10(22), 741- 763.
16. Musters, C.G.M., De Graaf H.J., & Ter Keurs W.J. (1998). Defining socio- environmental systems for sustainable development. *Ecological economic*, 9(26), 44-59

17. Perkins, H.A. (2009). Out from the (green) shadow? Neoliberal hegemony through the market logic of shared urban environmental governance. *Political geography*, 14(28), 395-405
18. Seabrooke, W., Yeung S. C. W., & Mayong Li F. M. (2004). Implementing sustainable urban development at the operational level (with special reference to Hong Kong and Guangzhou). *Habitat International*, 12(28), 443- 46
19. Sen, A. (1999). *Development as freedom*. Oxford: Oxford University.
20. Sen, A. (2009). *The Idea of Justice*. London: Penguin Books.
21. Späth, L., & Scolobig., A. (2017). Stakeholder empowerment through participatory planning practices: The case of electricity transmission lines in France and Norway. *Energy Research and Science*, 23, 189-198
22. Strzelecka, M., Boley, B. B., & Woosnam, M, K. (2017). Place attachment and empowerment: Do residents need to be attached to be empowered? *Annals of Tourism Research*, 66, 61-73

مکان‌یابی بهینه توسعه فیزیکی شهر بجنورد با استفاده از نرم‌افزار GIS و روش تحلیل شبکه‌ای

سیما محمدزاده خانی (دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، مؤسسه آموزش عالی خاوران، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

mohamadzadeh.sima@yahoo.com

براتعلی خاکپور (دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

khakpoor@um.ac.ir

سید مهدی مداحی (استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، مؤسسه آموزش عالی خاوران، مشهد، ایران)

sm.madahi@gmail.com

تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۱۰/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۲۵

صص ۳۴-۱۷

چکیده

از آنجائی که تعیین جهات مطلوب برای رشد و توسعه شهر در برنامه‌ریزی‌های شهری کمتر مورد بررسی قرار گرفته و بسیاری از مشکلاتی که در حال حاضر در شهرها با آن روبه‌رو هستیم، ریشه در سیاست‌های رشد و توسعه شهری دارد، پژوهش حاضر با هدف ارائه گزینه‌ها و تعیین مناسب‌ترین جهت گسترش آتی شهر بجنورد با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی سعی در حل این معضل دارد. در این مقاله ضمن توصیف ویژگی‌ها و صفات، در تجزیه و تحلیل معیارها از مدل فرآیند سلسله‌مراتبی (ANP)، فن تحلیل شبکه‌ای، منطق فازی و فن همپوشانی لایه‌ها جهت ارائه سمت توسعه مناسب استفاده شده است. بدین منظور ابتدا شاخص‌های طبیعی، کالبدی، اقتصادی و انسانی مورد نیاز و تاثیرگذار در دو بعد توسعه درون‌زا با ۱۰ شاخص و توسعه برون‌زا با ۱۷ شاخص شناسایی شدند. عملیات استانداردسازی و تلفیق لایه‌ها با استفاده از روش‌های همپوشانی و ترکیب نقشه‌ای و وزن‌دهی به روش تحلیل شبکه‌ای ANP انجام شده است و در نهایت پس از تلفیق نقشه‌های به دست آمده با استفاده از نرم‌افزار GIS، نقشه نهایی جهات مناسب گسترش آتی شهر بجنورد در دو اولویت توسعه درونی و توسعه بیرونی بهینه‌گزینی و ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: تحلیل شبکه‌ای ANP، توسعه درون‌زا و برون‌زا، توسعه فیزیکی، جهات بهینه، منطق فازی.

۱. مقدمه

۱.۱. طرح مسئله

افزایش جمعیت و اندازه‌ی شهرها و شهرک‌ها در جهان به تبع افزایش شهرنشینی، آثار زیادی بر انسان و محیط داشته است (آمی^۱، ۲۰۰۵، ص. ۲۵). طی این جریان، محدوده‌های فیزیکی شهر و فضاهای کالبدی در جهات عمودی و افقی از حیث کمی و کیفی افزایش می‌یابد و اگر این روند سریع و بی‌برنامه باشد، به ترکیب فیزیکی نامناسبی از فضاهای شهری می‌انجامد و در نتیجه سیستم‌های شهری را با مشکلات فراوان مواجه می‌کند (زنگی‌آبادی، ۱۳۷۱، ص. ۵) و از طرفی باعث می‌شود رشد فیزیکی شهرها به صورت ناموزون و ارگانیک در جهات مختلف و پیش‌بینی نشده ادامه یابد (ابراهیم زاده، ۱۳۸۷، ص. ۱۲) و این پراکندگی‌های نامعقول اثرات نامطلوبی بر محیط طبیعی و فرهنگی جوامع می‌گذارد (قربانی و همکاران، ۱۳۸۷، ص. ۱۶۳).

همچنین در اثر رشد فرایندهای شهرها، گسترش فیزیکی شهر به مناطق پیرامون و همچنین افزایش تراکم و انباشتگی در درون شهرها اجتناب‌ناپذیر خواهد بود (پناهی و زیاری، ۱۳۸۸، ص. ۱۱). به طور عمومی، این توسعه نامتعادل شهری در اراضی آماده-سازی نشده شهرها شکل می‌گیرد (لانگو^۲، ۲۰۰۱، ص. ۱۲۳) و از پیامدهای این مسئله افزایش ارضی بلااستفاده، سهم بالای فضاهای باز، کاهش تراکم جمعیت، گسستگی بخش‌های شهری و جدایی‌گزینی اجتماع می‌باشد (هس، ۲۰۰۱، ص. ۲). در نتیجه مهم-

ترین مسئله در برابر گسترش شهری، مکان توسعه آتی آنهاست (مرلین^۳، ۲۰۰۰، ص. ۲۳۵). به عبارت دیگر، توسعه‌ی روزافزون جمعیت شهرنشین کشور و عدم پیش‌بینی اراضی کافی و مناسب برای توسعه‌ی شهرهای موجود همراه با تعیین جهات، حدود منطقی و مراحل مختلف توسعه‌ی آن‌ها در آینده را در محدوده‌ی شهر ایجاب می‌کند (فکوهی، ۱۳۸۳، ص. ۱۹).

نمونه‌ای از چنین شهرهایی که به دلیل رشد شتابان جمعیت رشدی نامطلوب داشته‌اند شهر بجنورد است. وسعت کالبدی شهر بجنورد در سال ۱۳۴۵ به دلیل افزایش ناگهانی جمعیت، شهر به سمت جنوب توسعه پیدا کرد در فاصله سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ ساخت و سازهای وسیعی در امتداد کمربندی شهر و به سمت شرق و غرب انجام گرفت جبهه‌ی شمال شهر نیز به دلیل وجود چندین سکونت‌گاه پراکنده از این روند توسعه برخوردار شد و این انفجار در کالبد شهر بجنورد خود می‌تواند تا حد شایان توجهی رشد نامتناسب و برنامه‌ریزی نشده‌ی این شهر را آشکار سازد (سازمان مسکن و شهرسازی خراسان شمالی، ۱۳۸۹، ص. ۱۲۳). از طرفی به دلیل عدم نظارت کافی در محدوده و عدم وجود ضوابط مشخص و منسجم جهت پیشگیری و کنترل توسعه، ساخت و سازهای غیر قانونی در حال افزایش است لذا توسعه بدون برنامه و از پیش اندیشیده نشده و عدم توجه به ظرفیت‌های اکولوژیک منطقه و نقش پیش‌بینی شده برای آن در

1. Amy

2. Lango

3. Marilyn

طرح‌های بالادست به عنوان تهدید جدی برای شهر به شمار می‌رود. (سازمان مسکن و شهرسازی خراسان شمالی، ۱۳۸۹، ص. ۱۱۲).

با توجه به این موضوع که هدف چنین توسعه‌هایی فقط افزایش مقیاس است، بنابراین به دنبال خود تمرکزگرایی، تخصص‌گرایی و مکانیزه شدن را به ارمغان می‌آورد که هردو محیط طبیعی و مصنوع را تحت تاثیر قرار می‌دهد بنابراین کنترل و هدایت چنین توسعه‌هایی نیازمند مدیریت کارآمد شهری با استفاده از اطلاعات بروز در مورد کاربری‌ها و روند تغییرات رشد و توسعه شهری می‌باشد. بنابراین با توجه به گسترش شهرنشینی، کنترل و هدایت چنین توسعه‌هایی، مشخص نمودن جهات مطلوب توسعه، مکان‌گزینی بهینه و اعمال سیاست‌های حفاظت طبیعی در راستای اهداف اجتماعی-اقتصادی، از اهمیت بسزایی برخوردار می‌باشد.

هدف اصلی پژوهش حاضر مکانیابی بهینه توسعه فیزیکی شهر بجنورد و اهداف فرعی آن معرفی و شناخت الگوهای رشد شهری و مزایا و معایب آن و بررسی و شناسایی عوامل و شاخص‌های موثر در رشد و توسعه فیزیکی شهر می‌باشد.

۱.۲. پیشینه پژوهش و مبانی نظری

در رابطه با مبحث مکانیابی جهات بهینه برای توسعه فیزیکی شهرها مطالعات و پژوهش‌های متعددی صورت یافته است که نگاه برنامه‌ریزی شده و توجه به اصول و معیارهای مکانیابی در بحث شناخت، تحلیل، ارزیابی مجدد و اجرا برای برخورد اصولی با این مساله و داشتن شناخت و نگاه جامع به این مساله را ضروری می‌داند. از جمله این

مطالعات می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: لارس^۱ و جیمز^۲ (۲۰۰۹) برای شهر لندن با لحاظ نقشه‌های ژئومورفولوژی و تاکید بر محاسبه و پیش‌بینی افزایش و کاهش جمعیت در بازه‌های زمانی مختلف، فارت^۳ و همکاران (۲۰۱۰) برای ایالت کالیفرنای آمریکا با بکارگیری تصاویر ماهواره‌ای در طی یک دوره ۲۵ ساله و استفاده از نرم‌افزار GIS برای تولید نقشه‌های پایه زمین‌شناسی برای شناسایی و پیش‌بینی مکان بهینه جهات توسعه آینده شهر، لو^۴ و هوانگ^۵ (۲۰۱۱) برای شهر پکن چین با بکارگیری عناصر طبیعی و انسان‌ساخت موجود و با استفاده از تصاویر ماهواره‌ای و مدل‌های مکانی جهت تشخیص مکان مناسب برای استقرارهای احتمالی در آینده. شلتون^۶ و نارایان^۷ (۲۰۱۲) برای آمستردام هلند در پیش‌بینی گسترش شهر در آب‌های اطراف در طی ۲۰ سال آینده که جهت مکانیابی و پیش‌بینی این توسعه از تصاویر ماهواره‌ای و مدل‌های ارزیابی چند معیاره با استفاده از نظرات متخصصین استفاده کرده‌اند، اشاره کرد. به منظور آگاهی و بهره‌گیری از نتایج و دستاوردهای تحقیقاتی مشابه، در جدول ۱ به معرفی نمونه‌های بیشتری می‌پردازیم.

1. Lars
2. James
3. Farter
4. Lu
5. Hwang
6. Shelton
7. Narayan

جدول ۱. پیشینه پژوهش

عنوان کار	نویسندگان	روش تحقیق	یافته ها و نتایج
سنجش و ارزیابی الگوی گسترش فیزیکی شهر یزد	کرامت ا... زیاری، محمود قدیری ۱۳۹۳	گردآوری داده ها از طریق روش های کتابخانه ای و مراجعه به منابع و سازمان های مربوطه و استفاده از روش هلدرن، ضرایب آنتروپی و جینی، ضرایب موران جهت اثبات فرضیات	نتایج تحقیق نشان می دهد شهر یزد الگوی تصادفی متمایل به پراکنده داشته و دارای تمرکز پایین جمعیت و اشتغال (نقطه سرد) است.
درجه پراکنش / فشردگی در کلانشهرهای سیدنی و مشهد	محمد رحیم رهنما و عباس زاده ۱۳۸۵	محاسبه شاخص های فشردگی با استفاده از ابزارهای GIS و با معرفی چهار الگو (آنتروپی، جینی، موران و گری)	نتایج بیانگر الگویی تقریباً متمرکز برای شهر سیدنی و الگویی تصادفی برای شهر مشهد بوده است.
توسعه کالبدی- فضایی شهر سنندج	کیومرث حبیبی پور حبیبی ۱۳۸۴	RS و GIS جمع آوری داده های فضایی، محیطی، نقشه ها و اطلاعات پایه و تهیه بانک اطلاعاتی لایه های متعدد و در نهایت تلفیق لایه ها و وزن دهی از طریق مقایسه زوجی متغیرها با استفاده از AHP	توسعه کالبدی- فضایی شهر سنندج را بررسی کرده و با استفاده از قابلیت های نرم افزار GIS به ارائه راهبردهای اجرایی مناسب برای توسعه متعادل شهر پرداخته است.
الگوسازی رشد کالبدی بافت های شهری در راستای توسعه پایدار	غلامرضا عباس زاده ۱۳۸۴	استفاده از ابزارهای GIS و با معرفی چهار مدل آنتروپی، جینی، موران و گری شاخص فشردگی برای کلانشهر سیدنی در استرالیا و مشهد در ایران محاسبه کرده است	نتایج حاصل نشان می دهد که فرم کلانشهر سیدنی تک مرکزی و فرم مشهد الگویی تصادفی است.
آشکارسازی مکانهای بهینه، جهت توسعه فیزیکی آبی شهر کنگان، با استفاده از مدل منطق بولین و تکنیکهای RS و GIS	علی عبدالمهی ۱۳۸۴	با استفاده از عکس های هوایی و تصاویر ماهواره ای و با کمک گرفتن از روش های مختلف تفریق باندها، اعمال روش PCA و منطق فازی	به آشکارسازی تغییرات شهر کنگان پرداخته است و در پایان با توجه به اطلاعات استخراج شده، مکان های بهینه را برای توسعه آبی شهر مشخص کرده است.

۲. روش شناسی پژوهش

۱.۲. روش پژوهش

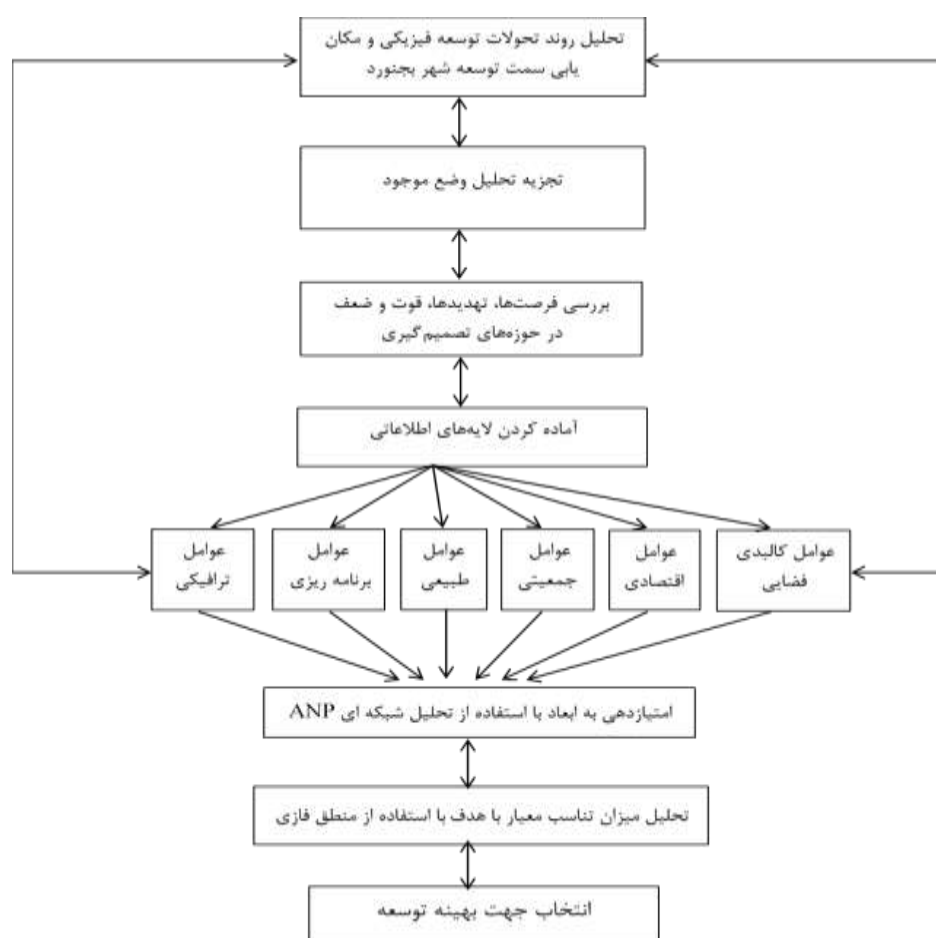
این مطالعه را براساس هدف می توان در دسته پژوهش های کاربردی به حساب آورد، زیرا در واقع به حل یک مسئله و مشکل می پردازد و به نوعی خصلت محلی و موضعی دارد و روش بررسی آن توصیفی-تحلیلی است، زیرا در این پژوهش، ضمن توصیف ویژگی ها و صفات، به تجزیه و تحلیل علت

یا علل بعضی از کنش ها و واکنش ها پرداختیم. از جمله فنون مورد استفاده در این پژوهش فن تحلیل شبکه ای، منطق فازی و فن همپوشانی لایه ها و ترکیب نقشه ای و وزن دهی به روش تحلیل شبکه ای ANP با استفاده از نرم افزار Super Decisions می توان نام برد. در نهایت با استفاده از داده های مکانی و توصیفی به تعیین جهت مطلوب رشد شهر پرداخته شد.

۲.۲. متغیرها و شاخص‌های پژوهش

روش گردآوری اطلاعات مورد نیاز این پژوهش، مطالعات کتابخانه‌ای، پژوهش‌های میدانی شامل مصاحبه و پرسشنامه با کارشناسان متخصص جهت شناسایی معیارهای تاثیرگذار در گسترش فیزیکی شهر می‌باشد، که با استفاده از نرم‌افزار سیستم اطلاعات جغرافیایی مورد تصحیح و تحلیل قرار گرفته است. برای دست یافتن به هدف پژوهش شاخص‌ها در دو بعد توسعه درون‌زا با ۱۰ شاخص (مسئل، تراکم جمعیتی، قیمت زمین، اراضی قهوه‌ای، حریم میراث، نفوذ ناپذیری، تراکم ساختمانی، کیفیت

ساختمانی، طبقات ساختمانی، دانه بندی) و توسعه برون‌زا با ۱۶ شاخص (گسل، شیب، جهت شیب، ارتفاع، رودخانه، چاه آب، قیمت زمین، سکونتگاه‌های غیررسمی، کاربری اراضی، گورستان، کشتارگاه، فرودگاه، کارخانجات، راه‌های ارتباطی اصلی، شهرک‌های اطراف، حریم انرژی و حریم سبز حفاظتی) پرداخته شده است. معیارهای ذکر شده در کلاس‌های مختلف با درجات مختلف اهمیت آن رتبه بندی گردید و سپس بر مبنای منطق فازی مهم‌ترین اولویت جهت مطلوب رشد شهر پیشنهاد گردید.



شکل ۱. فرآیند پژوهش ماخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶)

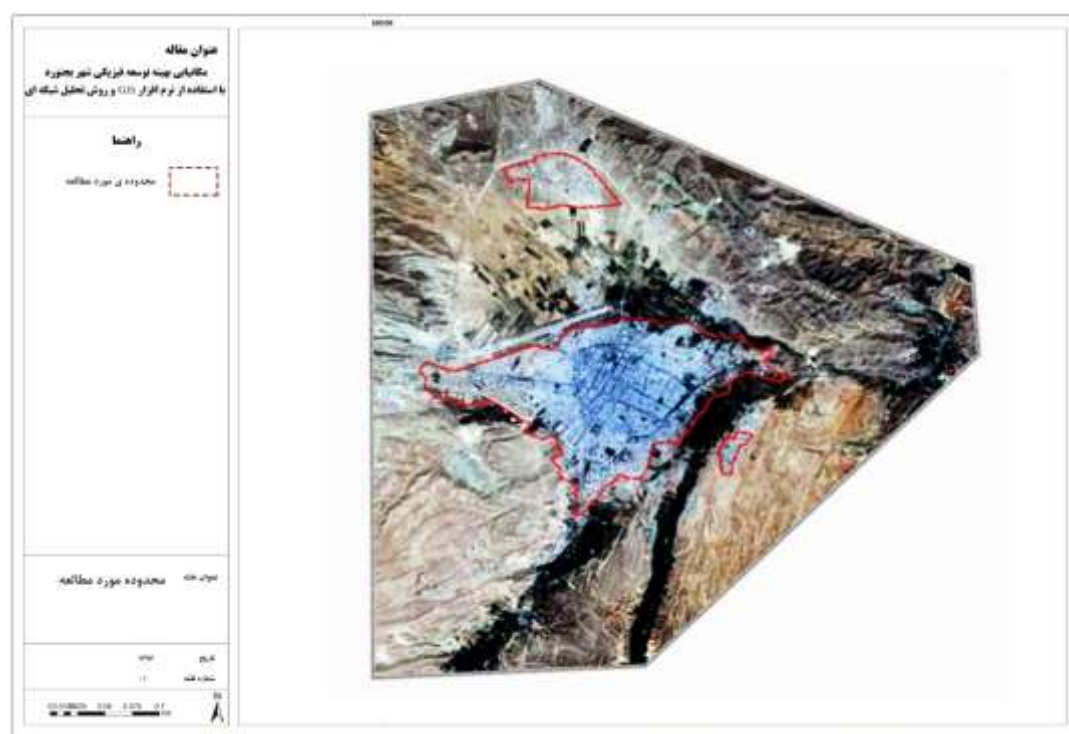
۳.۲. قلمرو جغرافیایی پژوهش

شهرستان بجنورد به مرکزیت شهر بجنورد یکی از شهرستان‌های تابع استان خراسان شمالی است. این شهرستان با مساحت ۶۵۶۳ کیلومتر مربع در مرکز استان قرار گرفته است و از شمال، شمال شرق و شمال غرب هم مرز با کشور ترکمنستان از غرب به شهرستان مانه و سلمقان، از جنوب غرب به شهرستان جاجرم از جنوب به شهرستان اسفراین و از جنوب شرق و شرق به شهرستان شیروان محدود می‌گردد. طبق آخرین تقسیمات کشوری مصوب وزارت کشور شهرستان بجنورد شامل ۳ بخش و ۸ دهستان است.

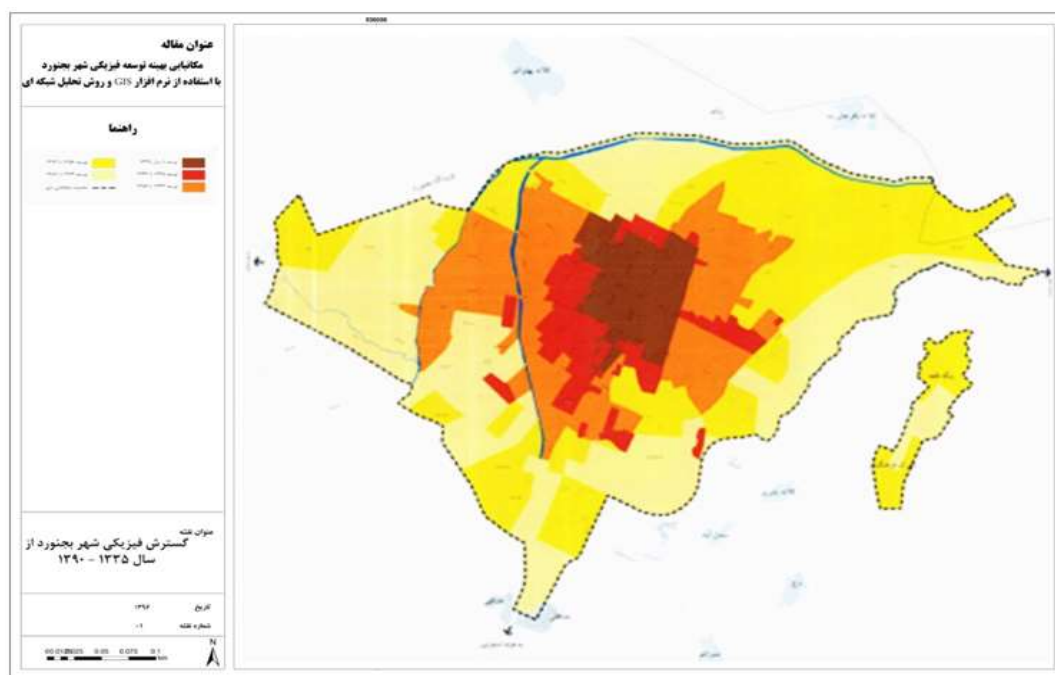
شهر بجنورد از طریق راه زمینی در ۲۷۰ کیلومتری شمال غرب مشهد، در ۶۳ کیلومتری شمال اسفراین و به ترتیب در ۲۳۵، ۳۲۰ و ۶۹۵ کیلومتری

شرق شهرهای گنبد، گرگان و تهران قرار دارد. شهر بجنورد با جمعیتی بالغ بر ۲۱۰ هزار نفر (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) بزرگترین شهر استان خراسان شمالی می‌باشد.

ضرورت تعیین، تدقیق و حفاظت از حریم شهر به منظور هدایت و کنترل تحولات کالبدی شهر، حفظ هویت و تشخیص فضایی-کالبدی شهر، سامان بخشی به نظام اسکان، استقرار جمعیت و فعالیت و حفاظت از گستره زیست محیطی پیرامون شهر الزامی است؛ بدین ترتیب محدوده مطالعاتی در پژوهش حاضر حریم شهر بجنورد می‌باشد که در ادامه نقشه-های هر یک از عوامل و موانع و ابعاد و معیارها در این محدوده مورد بررسی قرار خواهد گرفت.



شکل ۲. محدوده مورد مطالعه ماخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶)



شکل ۳. گسترش فیزیکی شهر بجنورد در ادوار مختلف (سالهای ۱۳۳۵-۱۳۹۰)

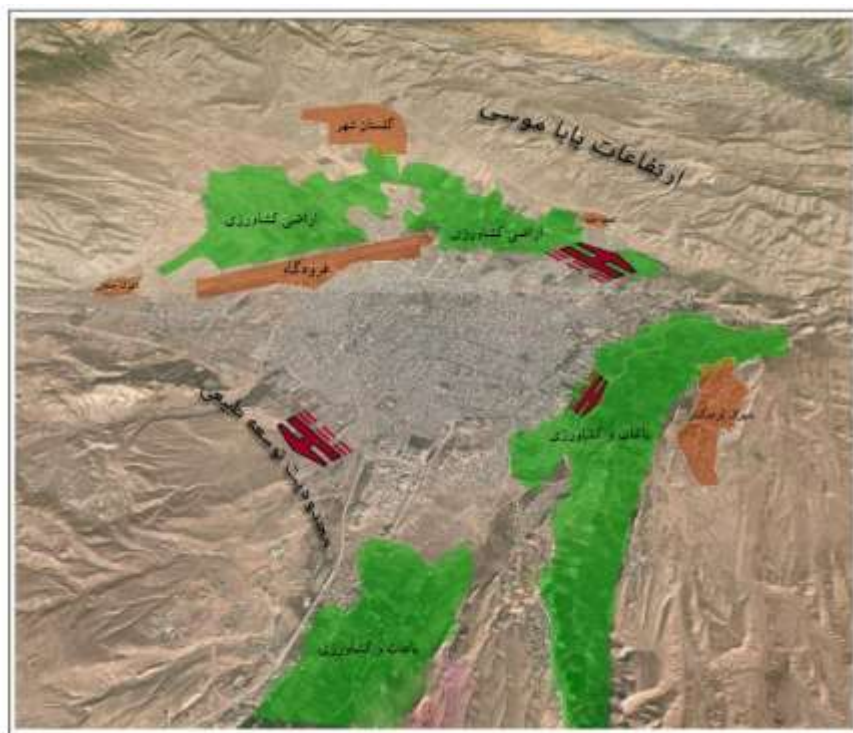
مأخذ: (سازمان مسکن و شهرسازی خراسان شمالی، ۱۳۸۹)

۳. یافته‌های پژوهش

محدودیت‌های طبیعی شهر بجنورد در سه گروه ارتفاعات، اراضی کشاورزی و باغی و سطح بالای آب‌های زیرزمینی طبقه بندی می‌شود. ارتفاعات بدرانلو در غرب، تخته ارکان در جنوب و جنوب غرب، کوه بابا موسی در شمال از جمله عوامل محدودکننده در گروه ارتفاعات می‌باشند. دومین عامل محدود کننده طبیعی، اراضی زراعی و باغی هستند که به استثناء جنوب غربی شهر پیرامون شهر را به طور کامل پوشش داده‌اند. عامل سوم رودخانه‌ها و سطح بالای آب‌های زیرزمینی که در بخش‌های شمالی شهر همچون کوی پلیس تا تراز ۲- می‌رسد که باید در روند توسعه شهر مخاطرات آن مدنظر قرار

گیرد. از جمله عوامل دیگر محدودیت‌ساز در رشد و توسعه افقی شهر بجنورد موانع مصنوع ساخته شده بدست انسان است. که از جمله این موانع فرودگاه در شمال و شمال غرب، شهرک صنعتی در غرب، تصفیه خانه در شمال شهر و همچنین دو شهرک گلستان و فرهنگیان و نیز ادغام روستاهای پیرامون شهر در بافت شهری از جمله این محدودیت‌ها محسوب می‌گردند.

همچنین حریم انرژی که شامل حریم‌های خطوط انتقال برق، آب و گاز است را شامل می‌شود و در محدوده مطالعاتی بیشتر خطوط انرژی از ناحیه شمالی و غربی محدوده شهر عبور می‌کنند که به عنوان موانعی در ناحیه ها قلمداد می‌شوند.



شکل ۴. محدودیت‌های طبیعی و مصنوع رشد و توسعه شهر بجنورد

مأخذ: (سازمان مسکن و شهرسازی خراسان شمالی، ۱۳۸۹)

۳.۱. شناسایی محدوده اولویت‌های توسعه

مطلوب و ساختار شبکه ANP

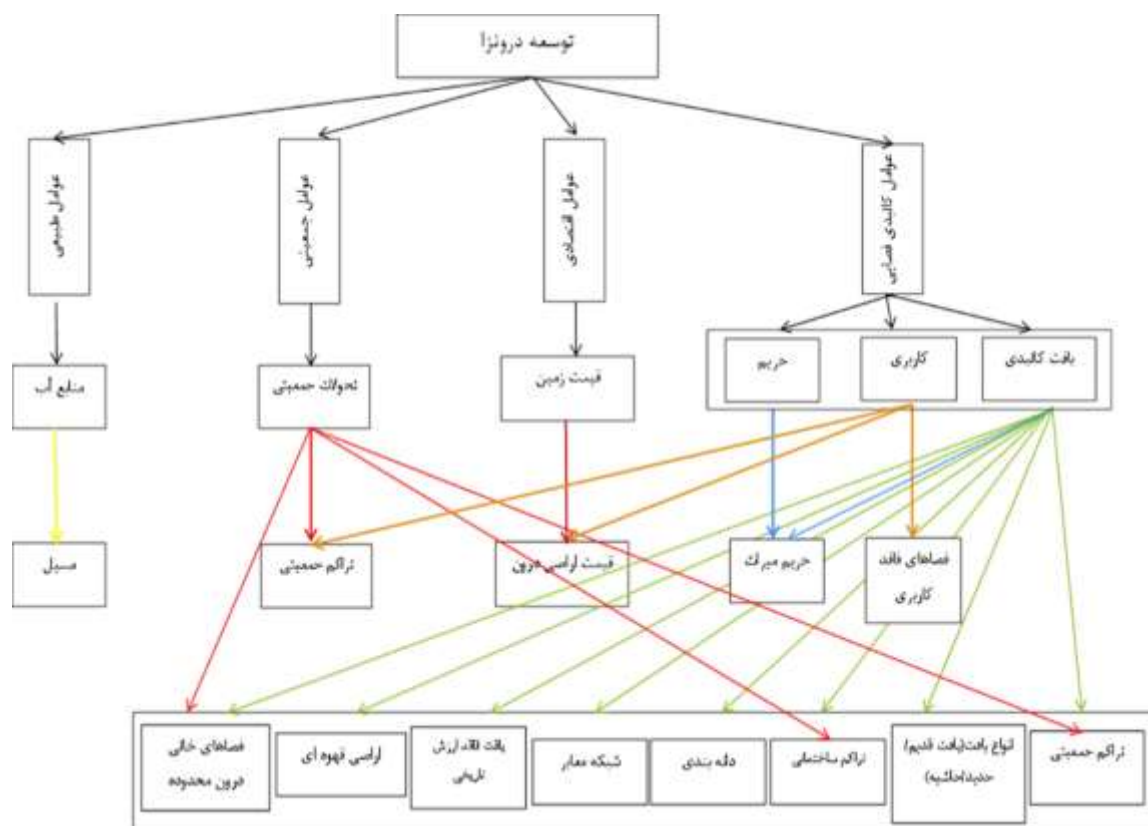
هدف اصلی مشخص کردن حدود اولویت‌های توسعه مطلوب با استفاده از فرآیند ANP از میان کل منطقه مطالعاتی شهر است. در این راه قدم اول شناسایی معیارهای توسعه مطلوب است.

سپس به تدوین ساختار شبکه‌ای عوامل و معیارهای موثر در توسعه مطلوب شهر پرداخته شده است و طبق مطالعات انجام شده و براساس نظریات کارشناسی ساختار شبکه‌ای که هر کدام از اولویت‌های ذکر شده (شکل ۲ و ۳) به صورت منحصر به فرد به عنوان ساختار شبکه‌ای تشخیص محدوده

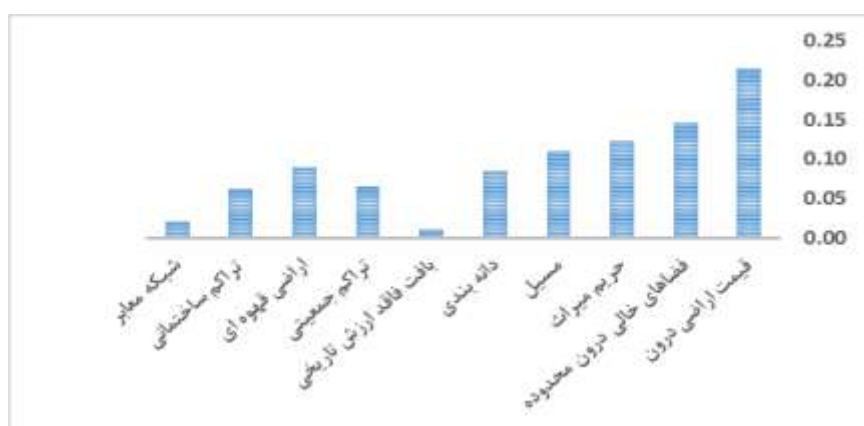
اولویت‌های مطلوب توسعه شهر مورد استفاده قرار گرفته است.

۳.۲. وزن دهی معیارها

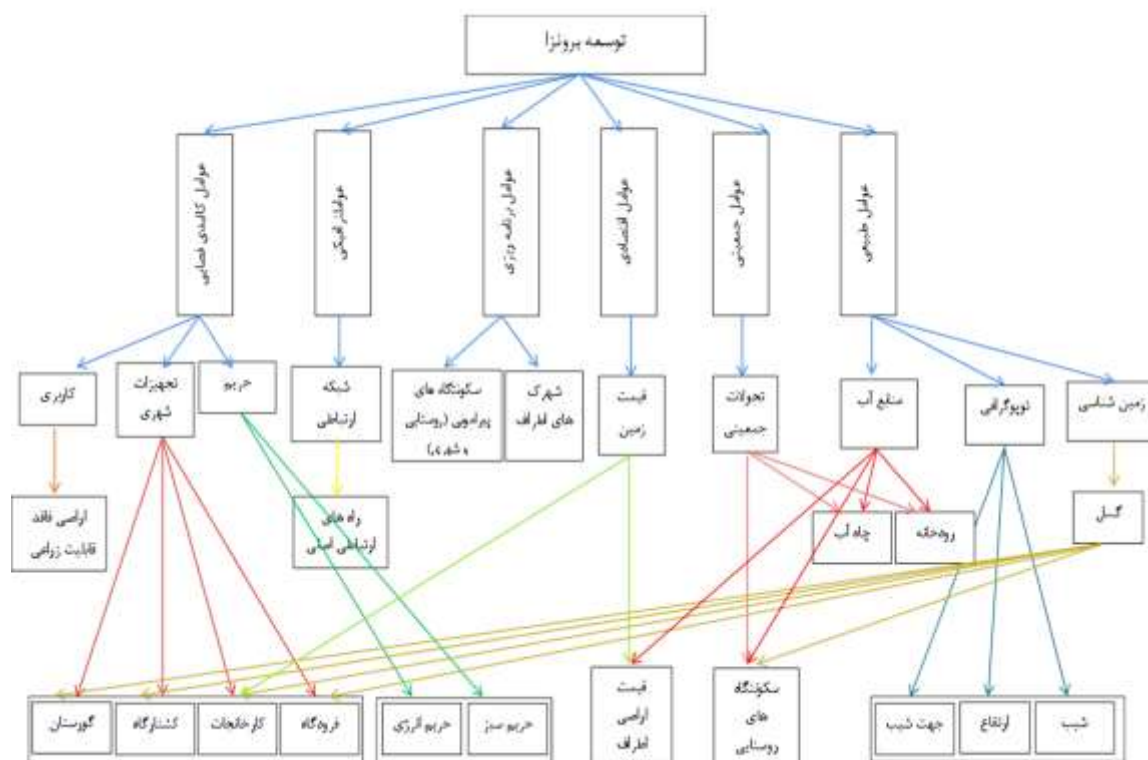
پس از تشکیل ساختار شبکه‌ای توسعه درون‌زا و توسعه برون‌زا (شکل ۵ و شکل ۷) طبق مطالعات انجام شده و نظریات کارشناسی جهت شناسایی محدوده‌های اولویت توسعه مطلوب، وزن هر یک از معیارها در اولویت‌های ذکر شده با استفاده از نرم افزار Super Decisions محاسبه گردید که در شکل-های ۶ و ۸ وزن نهایی و رتبه‌بندی هر یک از معیارها ارائه گردیده است.



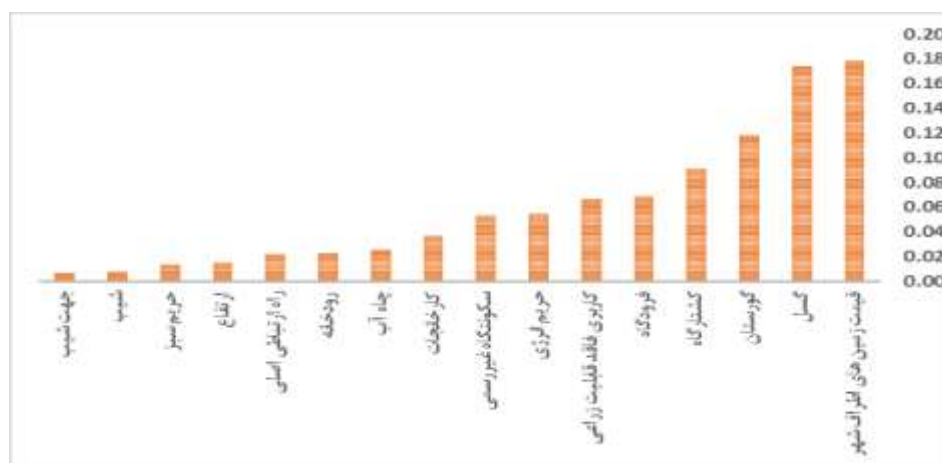
شکل ۵. ساختار شبکه ی ANP توسعه درون‌زا مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶)



شکل ۶. وزن نهایی معیارهای توسعه درون‌زا مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶)



شکل ۷. ساختار شبکه ی ANP توسعه برونزا مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۶)



شکل ۸. وزن نهایی معیارهای توسعه درونزا مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۶)

۳.۳. امتیاز دهی معیارها با استفاده از منطق

فازی و فازی سازی نقشه ها و تشکیل ماتریس

جهت شناسی پتانسیل ها و محدودیت های

مداخله، به منظور شناسایی نقاط بالقوه برای پیشنهاد

جهت مطلوب رشد شهر متغیرهای زیر مورد بررسی قرار گرفت. از این رو با شناسایی ۱۰ معیار توسعه درونزا و ۱۶ معیار توسعه برونزا که در جدول زیر مشاهده می شود، ماتریس اولیه داده ها شکل گرفت.

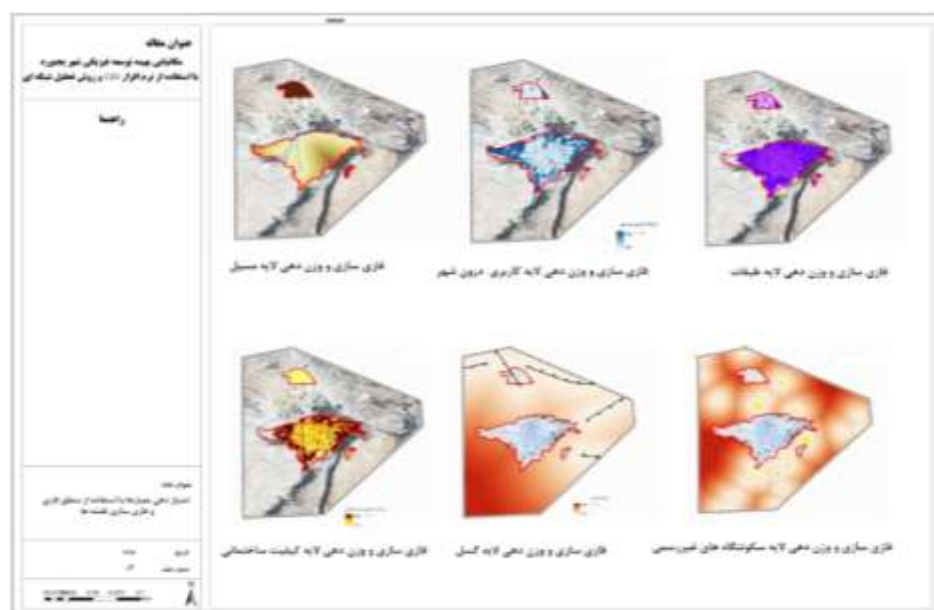
جدول ۲. تعداد کلاس لایه‌های مورد استفاده

ردیف	نوع توسعه	لایه‌های مورد استفاده	تعداد کلاس در هر لایه
۱	توسعه درون‌زا	مسیل	کلاس‌های رستری
۲		تراکم جمعیتی	کلاس‌های رستری
۳		قیمت اراضی درون	کلاس‌های رستری
۴		فضاهای خالی درون محدوده	کلاس‌های رستری
۵		تراکم ساختمانی	۵
۶		شبکه معابر	کلاس‌های رستری
۷		اراضی قهوه ای	کلاس‌های رستری
۸		دانه بندی	۷
۹		بافت فاقد ارزش تاریخی	کلاس‌های رستری
۱۰		حریم میراث	کلاس‌های رستری
۱۱	توسعه برون‌زا	گسل	کلاس‌های رستری
۱۲		شیب	کلاس‌های رستری
۱۳		جهت شیب	۵
۱۴		ارتفاع	کلاس‌های رستری
۱۵		رودخانه	کلاس‌های رستری
۱۶		چاه‌های آب	کلاس‌های رستری
۱۷		سکونتگاه‌های غیررسمی	کلاس‌های رستری
۱۸		قیمت زمین اطراف شهر	کلاس‌های رستری
۱۹		حریم سبز حفاظتی	کلاس‌های رستری
۲۰		راه‌های ارتباطی اصلی	کلاس‌های رستری
۲۱		گورستان	کلاس‌های رستری
۲۲		کشتارگاه	کلاس‌های رستری
۲۳		فرودگاه	کلاس‌های رستری
۲۴		کارخانجات	کلاس‌های رستری
۲۵		کاربری فاقد قابلیت زراعی	۶
۲۶		حریم انرژی	کلاس‌های رستری

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶)

کامل) و مداخله ناپذیرترین کلاس عدد ۰ (بدون فازی) را کسب نمود که در نقشه ذیل (شکل ۹) قابل مشاهده می‌باشد.

سپس معیارهای ذکر شده در کلاس‌های مختلف با درجات مختلف اهمیت آن رتبه بندی گردید که بر این اساس هر کلاس بر مبنای منطق فازی، مهم‌ترین اولویت اول جهت مطلوب رشد شهر عدد ۱ (فازی)



شکل ۹. امتیاز دهی معیارها با استفاده از منطق فازی و فازی سازی نقشه ها مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۶)

۴.۳. تلفیق و روی هم اندازی لایه های توسعه

درونزا و برونزا شهر بجنورد

پس از بررسی معیارهای اولویت توسعه درونزا و برونزا در شهر بجنورد که شامل امتیازبندی تمامی معیارها بر اساس منطق فازی و سپس وزن هر یک از معیارها توسط مدل شبکه ای ANP می باشد،

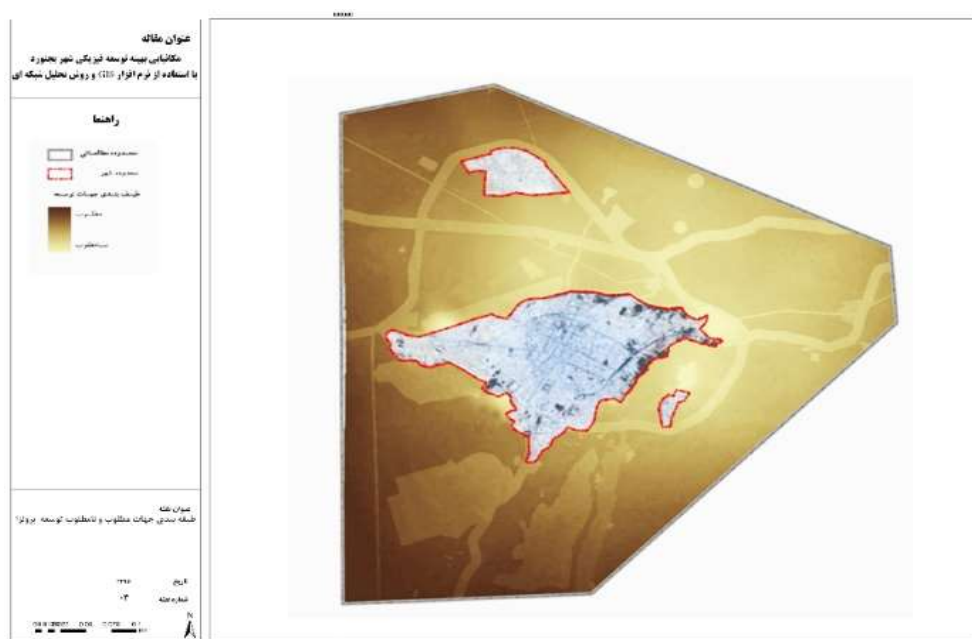
عملیات تلفیق و روی هم گذاری لایه های معیارهای ذکر شده صورت گرفت که در این نقشه تولید شده طیفی از مکان های نامطلوب تا مطلوب اولویت توسعه درونی (شکل ۱۰) مشخص گردید.



شکل ۱۰. نقشه طبقه بندی جهات مطلوب و نامطلوب توسعه درونزا مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۶)

مکان‌های نامطلوب تا مطلوب اولویت توسعه برونی مشخص گردیده است.

همچنین بر روی تمامی ۱۶ معیار توسعه برونزا دارای وزن، عملیات تلفیق و رویه هم‌گذاری لایه‌ها صورت گرفت که در این نقشه (شکل ۱۱) طیفی از



شکل ۱۱. نقشه طبقه‌بندی جهات مطلوب و نامطلوب توسعه برونزا مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶)

اولویت‌های بعدی توسعه‌ای قرار داده شوند. در ماتریس پژوهش حاضر هر یک از سایت‌ها با توجه به معیارهای ارزیابی خود امتیازی بین ۰ تا ۵ به خود می‌گیرند (جداول ۳ و ۴) که در انتها پس از مجموع گرفتن امتیازها بهترین سایت توسعه درون‌زا و برون‌زا مشخص می‌گردد. همانطور که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود، سایت «الف» در اولویت اول مداخله جهت توسعه مطلوب و پایدار شهر باید صورت گیرد و پس از تکمیل این سایت، سایت «ب» از اولویت دوم، سایت «ج» از اولویت سوم، سایت «د» از اولویت چهارم و سایت «ه» از اولویت پنجم جهت توسعه درون‌زا بهره خواهند برد.

۳.۵. طبقه‌بندی نقشه تلفیقی حاصل از

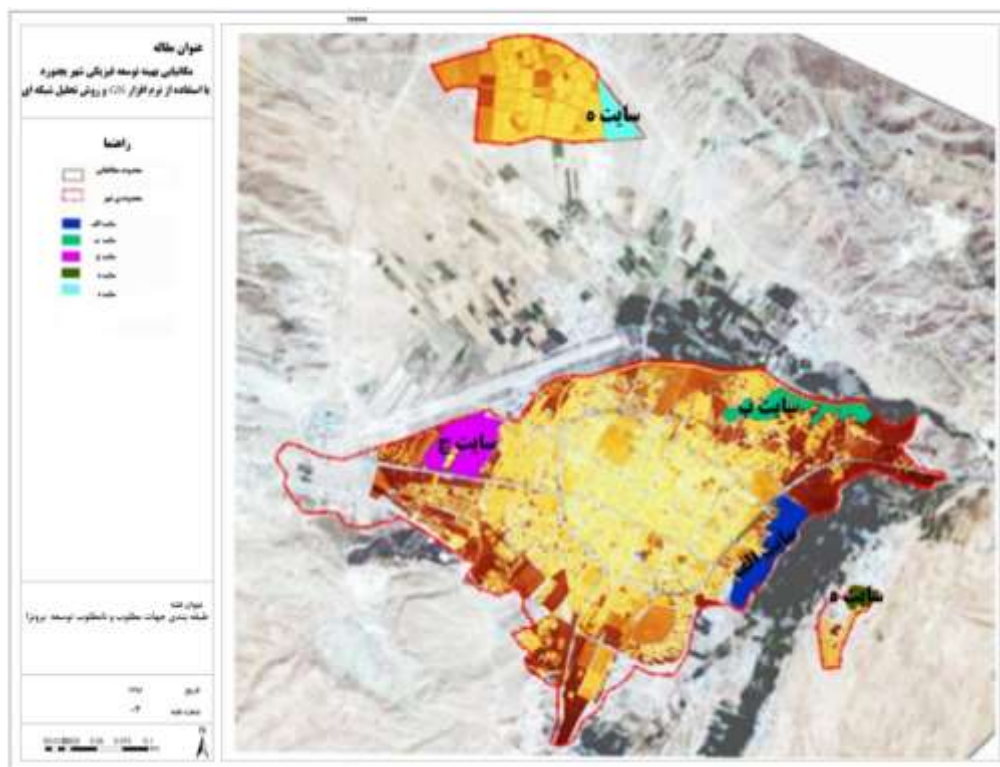
معیارهای توسعه درون‌زا و برونزا

یکی از روش‌هایی که می‌تواند برنامه‌ریزان را به اهداف و مقاصدی که در طرح‌ها دارند نزدیک و راهنمایی کند استفاده از روش‌های مختلف ارزیابی است که در این پژوهش این ارزیابی توسط ماتریس دستیابی به اهداف صورت می‌گیرد؛ با توجه به سایت‌های تعیین شده، ماتریس دستیابی به اهداف ارائه می‌گردد تا پس از سنجش هر یک از سایت‌ها با توجه به معیارهای اقتصادی، کالبدی، محیط زیست و مدیریتی، بهترین سایت جهت توسعه درون‌زا و برون‌زا شهری انتخاب گردد و مابقی سایت‌ها در

جدول ۳. جدول ماتریس دستیابی به اهداف سایت‌های حاصل از طبقه‌بندی معیارهای توسعه درون‌زا

مجموع امتیازات	معیارهای مدیریتی	معیارهای محیط زیستی	معیارهای کالبدی	معیارهای اقتصادی	مساحت (هکتار)	
۱۵	۳	۴	۵	۳	۶۷,۵	سایت الف (انتهای کوی پردیس و جنت)
۱۳	۳	۴	۴	۲	۵۲,۸	سایت ب (اراضی پشت باقرخان ۱ و ۲)
۱۲	۴	۴	۴	۰	۷۸,۳	سایت ج (شهرک حکمت)
۱۱	۲	۲	۳	۴	۱۲,۱	سایت د (شهرک فرهنگیان)
۹	۱	۱	۲	۵	۳۳,۵	سایت ه (شهرک گلستان)

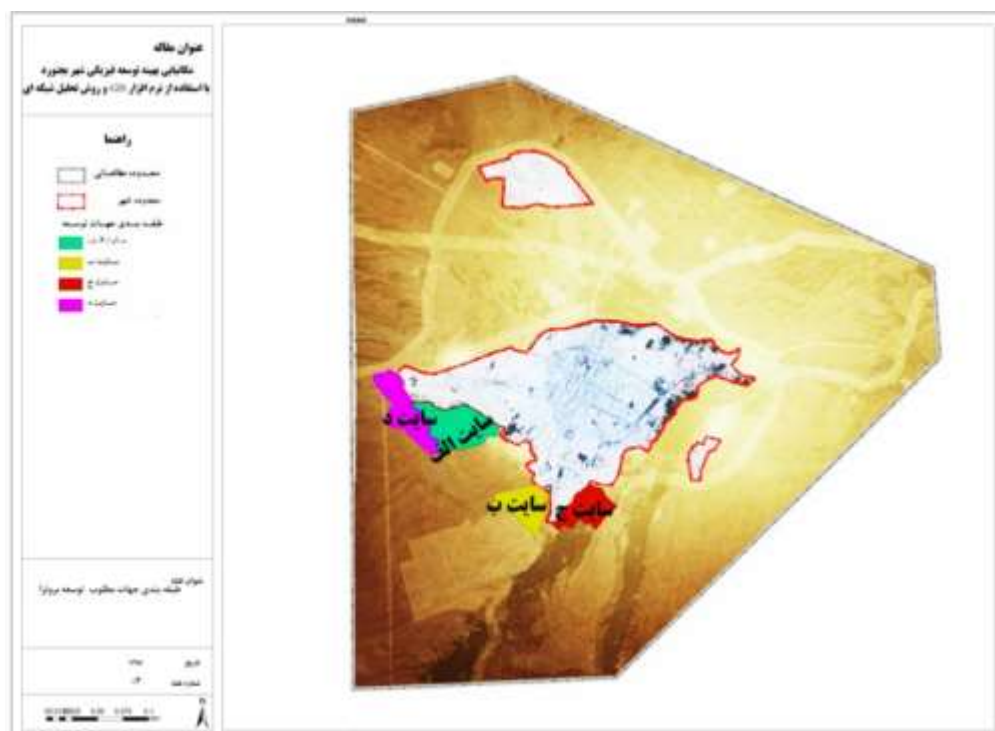
مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶)



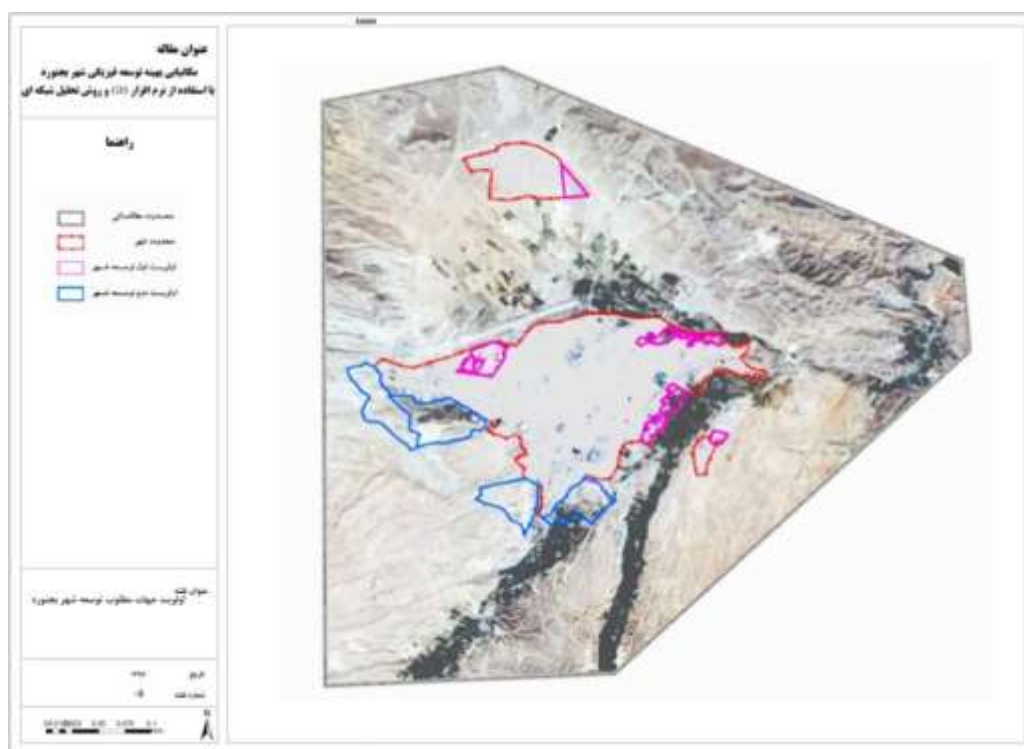
شکل ۱۲. نقشه طبقه‌بندی جهات مطلوب توسعه درون‌زا مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶)

جدول ۴. ماتریس دستیابی به اهداف سایت‌های حاصل از طبقه‌بندی معیارهای توسعه برون‌زا

مجموع امتیازات	معیارهای مدیریتی	معیارهای محیط زیستی	معیارهای کالبدی	معیارهای اقتصادی	مساحت (هکتار)	
۱۳	۴	۱	۵	۳	۲۳۵,۱	سایت الف (جنوب غربی)
۱۲	۲	۳	۳	۴	۱۵۳,۸	سایت ب (جنوب)
۱۱	۳	۲	۴	۲	۱۴۳,۳	سایت ج (جنوب)
۷	۰	۴	۲	۱	۱۹۵,۱	سایت د (جنوب غربی)



شکل ۱۳. طبقه بندی جهات مطلوب توسعه برونزا مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶)



شکل ۱۴. اولویت جهات مطلوب توسعه شهر بجنورد مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶)

۴. نتیجه گیری

پژوهش حاضر نشان داده است که سیستم اطلاعات جغرافیایی، مدل‌ها و فنون مکملی چون منطق فازی تا حد زیادی می‌توانند به شهرسازان و برنامه‌ریزان شهری در مسائل و مشکلات گوناگون شهرها کمک کنند. با توجه به فنون مورد استفاده در پژوهش حاضر جهت تحلیل نقشه‌ها، تعیین و شناسایی جهات مطلوب توسعه شهر مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند و با تلفیق معیارها و شاخص‌های مختلف اولویت‌های جهت مطلوب توسعه شهر معرفی شدند. طبق شکل‌های ۱۲ و ۱۳ سایت‌هایی در نواحی جنوبی و جنوب شرقی و جنوب غربی محدوده مورد مطالعه تعیین و شناسایی گردیدند که در انتها با در نظر گرفتن امتیازات مختلف با توجه به معیارهای توسعه‌ای در ماتریس دستیابی به اهداف به یک سری سایت‌های بهینه در دو اولویت توسعه درون‌زا و سپس توسعه برون‌زا در جهات جنوبی و جنوب شرقی و جنوب غربی محدوده مطابق شکل ۱۴ مشخص گردید که نتایج نهایی پژوهش حاضر را شامل می‌شوند که تاکنون پژوهشی با استفاده از تکنیک‌های فوق و همچنین بررسی معیارهای گسترده در ابعاد کالبدی، اقتصادی، جمعیتی، طبیعی، مدیریتی و ... برای شهر بجنورد صورت نگرفته است.

استفاده از مدل‌ها و روش‌های مناسب در علم برنامه‌ریزی شهری در مکانیابی مناسب گسترش آتی شهر موثر بوده و این راه می‌تواند به برنامه‌ریزان و مدیران شهری جهت مدیریت مناسب گسترش شهر

کمک کند. از طرفی با توجه به اینکه شهرها متناسب با ویژگی‌های مختلفی که دارند از جمله اجتماعی، کالبدی و اقتصادی در هر مقطع زمانی نیاز به رشد و گسترش در تمامی جنبه‌ها به خصوص فیزیکی می‌باشند که با نگاهی صحیح و برنامه‌ریزی دقیق می‌توان باعث رشد و گسترش پایدار و مطلوب در شهرها شد؛ در این بین شهر بجنورد نیز از این قاعده‌ها مستثنی نخواهد بود و در آینده نیاز به توسعه‌ای مطلوب دارد که پژوهش حاضر توانست این جهت صحیح و برنامه‌ریزی شده را با استفاده از روش‌های تحلیل شبکه‌ای، منطق فازی و فن همپوشانی لایه‌ها در دو اولویت توسعه درون‌زا و برون‌زا در سایت الف با امتیاز ۱۵، سایت ب با امتیاز ۱۳ و سایت ج با امتیاز ۱۲ الویت اول تا سوم جهت توسعه درون‌زا و سپس توسعه برون‌زا با امتیاز ۱۳، ۱۲ و ۱۱ به ترتیب مناسب‌ترین جهات برای گسترش فیزیکی شهر بجنورد می‌باشند. بنابراین لازم است در تهیه طرح‌های توسعه شهری مسئولین و برنامه‌ریزان جهت مناسب گسترش شهر را با توجه به نیازها و ضرورت‌ها و همچنین جنبه‌های گوناگون گسترش شهری که محتمل است رخ دهد در نظر گرفته تا شاهد توسعه پایدار و مطلوب شهر بجنورد در آینده باشیم.

کتابنامه

۱. ابراهیم‌زاده، ع. (۱۳۸۷). مکانیابی بهینه جهات گسترش شهری با بهره‌گیری از سیستم اطلاعات جغرافیایی، مورد شناسی شهر مرودشت، تهران. *مجله جغرافیا و توسعه*، ۱۵، ۲۵-۲۰.
۲. پاپلی یزدی، م.، و رجبی سناجردی، ح. (۱۳۹۲). *نظریه‌های شهر و پیرامون*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، (سمت)
۳. پور احمد، ا.، و حبیبی، ک. (۱۳۸۴). روند و الگوی توسعه فیزیکی شهر سمنان با GIS. *نشریه هنرهای زیبا دانشگاه تهران*، ۷، ۳۲-۱۵.
۴. زنگی‌آبادی، ع. (۱۳۷۱). *تحلیل فضایی الگوی توسعه شهر کرمان*. پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۵. زیاری، ک.، قدیری، م.، دستا، ف. (۱۳۹۳). *سنجش و ارزیابی الگوی گسترش فیزیکی شهر یزد*. پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، ۴۶ (۲)، ۲۷۲-۲۵۵.
۶. سلطان‌زاده، ح. (۱۳۶۵). *مقدمه‌ای بر تاریخ شهرنشینی در ایران*. تهران: نشر آبی.
۷. سلیمانی مقدم، ه. (۱۳۸۷). *دانشنامه مدیریت شهری و روستایی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۸. سیف‌الدینی، ف. (۱۳۸۵). *فرهنگ واژگان برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای*. تهران: انتشارات آبیژ.
۹. شیعه، ا. (۱۳۹۱). *مقدمه‌ای بر مبانی برنامه‌ریزی شهری*. چاپ ۲۶، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
۱۰. فکوهی، ن. (۱۳۸۳). *انسان‌شناسی شهری*. چاپ اول، تهران: نشر نی.
۱۱. قربانی، ر.، و نوشاد، س. (۱۳۸۷). *راهبرد رشد هوشمند در توسعه شهری اصول و راهکارها*. *مجله جغرافیا و توسعه*، ۴ (۱۲)، ۱۸۰-۱۶۳.
۱۲. قرخلو، م.، و زنگنه شهرکی، س. (۱۳۸۸). *شناخت الگوی رشد کالبدی - فضایی شهر با استفاده از مدل‌های کمی (مطالعه موردی: شهر تهران)*. *جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، ۲۰ (۲)، ۷۱-۸۷.
۱۳. کاشانی‌جو، خ.، و مفیدی شمیرانی، م. (۱۳۸۸). *سیر تحول نظریه‌های مرتبط با حمل و نقل درون‌شهری*. *مجله علمی پژوهشی هویت شهر*، ۳ (۴)، ۱۴-۳.
۱۴. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). *نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن تهران*. تهران: معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی.
۱۵. مشهدی‌زاده دهقانی، ن. (۱۳۸۵). *برنامه‌ریزی شهری در ایران*. نشریه علمی پژوهشی هنرهای زیبا، ۱۰.
۱۶. مهندسین مشاور معمار و شهرساز پارت (۱۳۸۵). *جلد دوم طرح جامع عمران و توسعه شهر بجنورد* (۱۳۸۵). بجنورد: سازمان مسکن و شهرسازی خراسان شمالی.
۱۷. مهندسین مشاور معمار و شهرساز پارت (۱۳۸۵). *طرح تفصیلی شهر بجنورد*. بجنورد: مهندسین مشاور معمار و شهرساز پارت.

۱۸. نظریان، ا.، ضیائی، پ.، و عبدالحی، ع. (۱۳۸۴). آشکارسازی مکان‌های بهینه، جهت توسعه فیزیکی آتی شهر کنگان، با استفاده از مدل منطق بولین و تکنیک‌های RS و GIS، *نهمین همایش انجمن زمین شناسی ایران، تهران: انجمن زمین شناسی ایران، دانشگاه تربیت معلم*.
۱۹. وارثی، ح.، و سروری، ز. (۱۳۸۵). تحلیلی بر ارتباط متقابل توسعه، مهاجرت و شهرنشینی در ایران، *مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ۶ (۳)، ۱۹۶-۱۷۹*.

20. Amy K., & Mark J. M. (2005). Selecting independent measure to quantity, Melbourne urban-rural gradient. *Lanurb Plan Journal*, 78(4), 435-448.
21. Hasse, J. E., & Lathrop, R. G. (2003). Land Resource Impact Indicators of Urban Sprawl. *Applied Geography*, 23(2-3), 159-175.
22. Hess, G. R. (2001). Just what is sprawl, anyway?
<https://www.researchgate.net/www4.ncsu.edu/~grhess>.
23. Larsen, L., & Vitali, F. (2009). Urban development and graet challenge for urban planner: a view of theoretical research. Melburn: Urban economy confrance.
24. Lungo, M. (2001). Urban sprawl and land regulation in Latin America. *Land Lines*, 13(2), 32-41.
25. Merlin, P. (2000). *Methods quantitative and space urban*. Paris: University of Paris.

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال هفتم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۹، شماره پیاپی ۱۲

ارزیابی شاخص های کیفیت زندگی در شهر ابرکوه

مجتبی حاتمی (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، گروه جغرافیا، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران)

m_hatami_1363@yahoo.com

حسین سلیمانی (استادیار گروه جغرافیا، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران، نویسنده مسئول)

hosein_soleimany_geo@yahoo.com

امیر گندمکار (دانشیار گروه جغرافیا، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران)

agandomkar2007@yahoo.com

حمید صابری (استادیار گروه جغرافیا، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران)

hamidsaberi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۲۰

تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۰۲/۲۷

صص ۳۵-۵۳

چکیده

هدف مقاله حاضر، ارزیابی شاخص های کیفیت زندگی در شهر ابرکوه، است. روش پژوهش براساس هدف، از نوع کاربردی است و براساس ماهیت، از نوع توصیفی-تحلیلی است که با استفاده از نرم افزار Spss و Excel و روش های آماری از قبیل تحلیل عاملی و رگرسیون، توزیع و تکمیل پرسشنامه (۳۰۰ مورد)، مطالعات پیمایشی شهر ابرکوه، مطالعه تاریخی مفهوم کیفیت زندگی و با استفاده از نظریه های گوناگون، به بررسی وضعیت کیفیت زندگی شهروندان در شهر ابرکوه پرداخته شده است. بخشی از یافته های این تحقیق نشان می دهد که: به طور کلی ۴۵/۹ درصد شهروندان شهر ابرکوه از کیفیت زندگی راضی و ۳۲/۹ درصد از کیفیت زندگی ناراضی بودند و ۲۱/۲ درصد پاسخگویان نیز در طبقه خشتی قرار گرفته اند. بررسی وضعیت و میزان رضایت از قلمروهای سه گانه محیط فیزیکی، اقتصادی و اجتماعی در شهر ابرکوه، نشان می دهد؛ در قلمرو «محیط اجتماعی» بالاترین میزان رضایت با ارزش میانگین ۷/۷۳ مربوط به سلامت و پایین ترین میزان رضایت مربوط به موفقیت های زندگی شهروندان با ارزش میانگین ۴/۳۰ است. در قلمرو «محیط فیزیکی» بالاترین میزان رضایت با ارزش میانگین ۶/۹۲ مربوط به وضعیت خانه و مسکن و کمترین میزان رضایت با ارزش میانگین ۴/۷۲ مربوط به مبلمان شهری است. در قلمرو «محیط اقتصادی» بالاترین میزان رضایت با ارزش میانگین ۴/۲۹ مربوط به امکانات و خدمات آموزشی و پایین ترین میزان مربوط به فرصت های شغلی با ارزش میانگین ۳/۲۹ است.

کلیدواژه ها: زیست پذیری، شهر ابرکوه، شهروندان، کیفیت زندگی

۱. مقدمه

۱.۱. طرح مسئله

شکل‌گیری، رشد و گسترش مفهوم کیفیت زندگی طی نیم قرن اخیر، آن را به مفهومی کلیدی و مهم در عرصه مباحث جهانی و مسائل انسانی تبدیل کرده است. در کنار این مفهوم، گسترش کمی و کیفی شهرها به عنوان شکل غالب زندگی بشر، باعث پیدایش مفهوم جدید و تخصصی کیفیت زندگی شهری شده است. در واقع همزمان و همگام با رویکرد توسعه پایدار شهری، مفهوم کیفیت زندگی شهری نیز جای خود را در ادبیات برنامه ریزی و مدیریت شهری باز کرده است. حیطه‌ی مربوط به کیفیت زندگی^۱ و سنجش آن شاید در هیچ زمانی به اندازه‌ی امروز وسیع نبوده است.^۲ برنامه ریزان شهری، اقتصاددانان دانشمندان علوم اجتماعی و دولت‌مردان هر کدام از دیدگاه خاصی به این مقوله می‌نگرند (بالدوین^۳، کریستین^۴ و کارل^۵، ۱۹۹۲، ص. ۳). این امر از آنجا ناشی می‌شود که شاخص‌های مربوط به کیفیت زندگی طیف وسیعی را در بر می‌گیرند که از تغذیه و پوشاک گرفته تا مراقبت‌های بهداشتی محیط اجتماعی و محیط مادی پیرامون را شامل می‌شود (جاکرمی و کلتنه، ۱۳۸۵، ص. ۵)، در واقع مفهوم کیفیت زندگی یک متغیر مرکب می‌باشد که از چندین متغیر متأثر می‌گردد. تغییر در سطح درآمد مردم، شرایط زندگی، وضع سلامت، محیط، فشار

روحي روانی فراغت، شادمانی خانوادگی، روابط اجتماعی و چندین متغیر دیگر نظیر آن به شکل مرکب کیفیت زندگی و تغییرات آن را تعیین می‌کند (رحمان و میتلهامر^۶ و واند سچاندر^۷، ۲۰۰۳، ص. ۴). هر جامعه زمانی از پویایی و نشاط لازم برخوردار خواهد بود که شهروندان آن از سلامت جسمانی و روانی مطلوب برخوردار شوند. در عصر حاضر بسیاری از صاحب نظران علوم اجتماعی و علوم انسانی به نقد و ارزیابی اهداف رشد و توسعه اقتصادی در کشورهای پیشرفته و صنعتی پرداخته و بر اولویت هدف‌های اجتماعی توسعه، کیفیت خدمات کالاها و ضرورت تناسب آنها با نیازها و شرایط زندگی مردم تأکید ورزیده‌اند، بدین ترتیب نگرش انسانی و جامعه‌شناسانه درباره کیفیت زندگی به قلمرو کتاب‌ها و مقاله‌های مربوط به توسعه، برنامه ریزی و سیاست‌گذاری‌های کلان کشورهای پیشرفته و به ویژه کشورهای اروپای غربی وارد شد (ویلا^۸، ۲۰۰۱، ص. ۳۵). برای توسعه و بالابردن سطح کیفیت زندگی در سراسر دنیا، سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان بهداشت جهانی در طول سال‌های گذشته، برنامه‌ها و فعالیت‌های فراوانی را به انجام رسانده‌اند (حریرچی، اکبری و فدایی، ۱۳۸۸، ص. ۹۰). اما این مطالعات از جنبه‌های متعددی مانند مقیاس مطالعه، قلمروهای مورد استفاده و روش‌های سنجش کیفیت زندگی متفاوت هستند (رضوانی، متکان، منصوریان و ستاری، ۱۳۸۸، ص. ۸)، به این ترتیب که روش‌های گوناگونی برای مطالعه کیفیت

1. Quality of Life
2. www.urbanmanagement.ir
3. Baldvin
4. Cristian
5. Karell

6. Mittelhamer
7. Wandschaneder
8. Vila

زندگی در نواحی شهری به کار گرفته شده است. با این وجود، تاکنون چارچوب جمعی برای مطالعه کیفیت زندگی به صورت یکپارچه و کل گرایانه و متکی بر شاخص های فیزیکی، مکانی و اجتماعی ارایه نشده است (کامپ، ۲۰۰۳، ص. ۵). از طرف دیگر کیفیت زندگی اغلب با استفاده از شاخص های عینی یا شاخص های ذهنی و به ندرت با استفاده از هر دو نوع شاخص ها اندازه گیری می شود شاخص های ذهنی از پیمایش ادراکات، ارزیابی ها و رضایت ساکنان از زندگی شهری به دست می آیند، در حالی که شاخص های عینی مربوط به حقایق قابل مشاهده هستند که غالباً از داده های ثانویه به دست می آیند. در این پژوهش، ابعاد کیفیت ذهنی زندگی شهروندان شهر ابرکوه را مورد ارزیابی و بررسی قرار می دهیم. هدف کلی این پژوهش، بررسی کیفیت زندگی و شاخص های آن در شهر ابرکوه است. فرضیه های مورد نظر ما در این تحقیق عبارت است از :

- بین شهروندان شهر ابرکوه و عوامل موثر بر کیفیت زندگی، تفاوت معنی داری وجود دارد.
- بین سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی شهروندان شهر ابرکوه، ارتباط وجود دارد.
- بین میزان تحصیلات و عوامل موثر بر کیفیت زندگی شهروندان ابرکوهی، تفاوت معنی داری وجود دارد.

سازمان بهداشت جهانی، کیفیت زندگی را به صورت عمومی به این شکل تعریف کرده: «کیفیت زندگی به برداشت شخصی یک فرد از موقعیت زندگی اش با توجه به فرهنگ و نظام ارزشی جامعه- اش و نیز رابطه آن با اهداف، انتظارات، استانداردها و

احتیاجاتش گفته می شود». کیفیت زندگی همچنین در کل به پارامترهای دیگری چون توزیع درآمدها در بین عوامل تولید آن، میزان فقر، سطح حقوق اجتماعی، میزان امنیت، کیفیت فراغت، امکانات فرهنگی، سلامت روحی مردم، تراکم جمعیت، شبکه اجتماعی، ثبات سیاسی و استحکام اقتصادی بستگی دارد (شیانی، ۱۳۸۱، ص. ۱۲)، به همین دلیل، دو جامعه ای که از لحاظ مادی هم تراز یکدیگرند، ممکن است دارای دو کیفیت زندگی متفاوت باشند. نتایج مطالعات کیفیت زندگی می تواند به ارزیابی سیاست ها، رتبه بندی مکان ها، تدوین استراتژی های مدیریت و برنامه ریزی شهری کمک کرده و درک و اولویت بندی مسائل اجتماع برای برنامه ریزان و مدیران شهری به منظور ارتقای کیفیت زندگی شهروندان را تسهیل سازد^۱. همچنین یافته های کیفیت زندگی می تواند برای بازشناسی استراتژی های سیاسی قبلی و طراحی سیاست های برنامه ریزی آینده استفاده شوند (لی^۲، ۲۰۰۸، ص. ۲۰۷). علاوه بر این، مطالعات کیفیت زندگی می تواند به شناسایی نواحی مسأله دار، علل نارضایتی مردم، اولویت های شهروندان در زندگی، تاثیر فاکتورهای اجتماعی - جمعیتی بر کیفیت زندگی و پایش و ارزیابی کارایی سیاست ها و استراتژی ها در زمینه کیفیت زندگی کمک کند. مؤسسه مرسر که در دنیا یک مؤسسه معتبر مطالعاتی در زمینه منابع انسانی است، با بررسی شاخص های سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی، وضعیت کیفیت زندگی کشورهای مختلف را در سال ۲۰۱۵ بررسی کرد که ایران رتبه ۸۳

1. www.urbanmanagement.ir

2. Lee

را به دست آورد و فنلاند، ایسلند، نروژ و سوئد به عنوان باکیفیت ترین کشورهای جهان برای زندگی انتخاب شدند (واگان^۱، ۲۰۱۶، ص. ۱۲۱). ابعاد سرمایه اجتماعی را گروه «کندی» در دانشگاه هاروارد به شرح زیر مشخص کرده‌اند: «اعتماد، مشارکت سیاسی، مشارکت و رهبری مدنی، پیوندهای اجتماعی غیررسمی، بخشش و روحیه داوطلبی، مشارکت مذهبی، عدالت در مشارکت مردمی، تنوع مشارکها و دوستی‌ها (حاتمی، ۱۳۸۹، ص. ۶). این مؤسسه هر ساله با در نظر گرفتن ۳۹ معیار به ارزیابی وضعیت کیفیت زندگی در کشورها و شهرهای جهان می‌پردازد. این معیارها شامل عوامل زیست محیطی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، بهداشتی، امنیت شخصی، آموزش و پرورش، حمل و نقل و ... است (عباسی، ۱۳۸۷، ص. ۱۷). شهرنشینی در کشور ما به سرعت در حال رشد است. با این وجود، فرصت‌ها، منابع و امکانات مورد نیاز برای توسعه و تامین نیازهای انسانی به طور مناسبی در شهرها تامین نشده است. با توجه به اینکه کیفیت زندگی، ویژگی‌های کلی اجتماعی-اقتصادی و زیستی یک شهر را نشان می‌دهد، می‌تواند به عنوان ابزاری قدرتمند برای نظارت بر برنامه ریزی توسعه اجتماعی به کار گرفته شود. شهر ابرکوه، در سال‌های اخیر با توجه به جهت گسترش خطی شهر در امتداد محور شرقی-غربی، دستخوش تغییرات زیادی بوده است و به علت رشد و توسعه سریع و ناکارآمد برنامه‌های شهری، دسترسی به حمل و نقل عمومی با مشکلاتی روبرو هست به عنوان مثال: ضعف شبکه حمل و نقل عمومی، عدم دسترسی

مناسب به مراکز و هسته‌های شهر، غیرفعال بودن محیط کسب و کار، در توسعه شهر ابرکوه؛ قابل مشاهده است. بنابراین ضرورت دارد تا وضعیت ساکنین این شهر از نقطه نظر کیفیت زندگی، مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد.

۱.۲. پیشینه تحقیق و مبانی نظری

کیفیت زندگی از جمله مفاهیمی است که طی دو سه دهه اخیر بیشتر مورد اهتمام قرار گرفته است و در حوزه‌های مختلف دانش بشری مورد تحلیل و سنجش و نقد قرار گرفته است. کیفیت زندگی از جمله کلماتی است که به وسیله‌ی هر کسی بدون تفکر و تعمق استعمال می‌شود، اما غالباً از تعریف دقیق این مفهوم فرار می‌کنند. کیفیت زندگی مفهومی قرن بیستمی نیست، بلکه تاریخچه آن به دوران ارسطو بر می‌گردد. در آن دوران وی زندگی خوب را به معنی شاد بودن در نظر گرفته بود (عیسی زاده، آهار، طهماسبی و منوچهری، ۱۳۹۳، ص. ۲). خیلی بعدها و در سال ۱۸۸۹ واژه کیفیت زندگی در عبارتی توسط سس^۲ مورد استفاده قرار گرفت (ال دین^۳ و شالابی^۴ و الارین^۵، ۲۰۱۳، ص. ۸۷). همچنین در دوران جدید فیلسوفانی چون ژان پل سارتر^۶، مازلو^۷ و دیگران در بحث پیرامون حالات درونی شخص به آن توجه کرده‌اند و از دهه ۱۹۳۰ این مفهوم توسط حوزه‌های مختلف علمی مورد مطالعه قرار گرفت (ویش^۸، ۱۹۸۶، ص. ۹۵). وجود تعاریف متعدد از این کیفیت

2. Seth
3. Eldin
4. Shalabi
5. Elarin
6. Sarter
7. Mazlo
8. Vish

1. Vaughan

زندگی شهری نشان می دهد که این مفهوم بسیار تفسیرپذیر و ابهام آور است (موریس^۱ و کامانهو^۲، ۲۰۱۱، ص. ۳۹۹). تعدد حوزه های درگیر در بررسی مفهوم کیفیت زندگی باعث شده است تا هر محقق به تناسب تخصص و زمینه کاری خود تعاریف به بررسی و تعریف و ارائه شاخص برای سنجش کیفیت زندگی پردازد (پورطاهری، افتخاری و فتاحی، ۱۳۹۰، ص. ۳۰) در حالی که در برخی نگرش ها کیفیت زندگی به عنوان یک مجموعه ای از فاکتورها از قبیل سلامت، محیط کالبدی، منابع طبیعی، توسعه شخصی و ایمنی تعریف می شود، در سوی دیگر محققانی دیگر بعد اقتصادی را به عنوان یکی از ستون های سه گانه کیفیت زندگی مطرح می کنند (فرید، ۱۳۷۱، ص. ۵۸). برخی دیگر از نویسندگان به جای مفاهیم کمی و عینی، از کیفیت زندگی به عنوان یک مفهوم عمدتاً ذهنی دفاع می کنند (فیلیپس^۳، ۲۰۰۶، ص. ۴۲). برخی کیفیت زندگی را به عنوان رضایت مندی از زندگی تعریف کرده اند و گروهی دیگر آن را به عنوان درجه یا سطحی که شخص از امکانات زندگی اش لذت می برد (موریس و کامانهو^۴، ۲۰۱۱، ص. ۴۰۴). رافائل و دیگران، کیفیت زندگی را حدی که شخص از امکانات مهم زندگی اش لذت می برد، تعریف می کنند (رافائل^۵ و رنویک^۶ و برون^۷ و روتمن^۸، ۱۹۹۶، ص. ۶۹). به

اعتقاد پال^۹، کیفیت زندگی نشان دهنده ویژگی های کلی اجتماعی و اقتصادی و محیطی مناطق است و می تواند به عنوان ابزاری قدرتمند برای نظارت بر برنامه ریزی توسعه اجتماع به کار رود (پال، ۲۰۰۵، ص. ۹۱). در زمینه این پژوهش؛ ابتدا به پژوهش های خارجی (لاتین) پرداخته شده و سپس پژوهش های داخلی (فارسی) مورد بررسی قرار گرفته اند. توجه دانش جغرافیا به کیفیت زندگی و مفاهیم مربوط به آن به اواخر دهه ی ۱۹۶۰ برمی گردد. این به معنای آن نیست که جغرافیای انسانی پیش از آن نسبت به کیفیت زندگی بطور کامل بی اعتنا بوده است. بلکه صرفاً منظور آن است که دل مشغولی سستی جغرافیا به مفاهیمی چون منابع طبیعی، تولید و ویژگی های جمعیتی بر هر گونه توجه به مصرف در مفهوم وسیع کلمه مسلط بوده است. وجود شیوه های گوناگون معیشت در مکان های مختلف، محور مرکزی جهان بینی جغرافیدانان را تشکیل می داد. ولی معمولاً از هر گونه مقایسه ی کیفی صریح پرهیز می شد. آن چه که در مورد جغرافیای روشمند اجتماعی (یا جغرافیای رادیکال) که در اواخر دهه ی ۱۹۶۰ شکل گرفت، جدید به شمار می رفت، توجه به عناوینی چون فقر، بهداشت، گرسنگی، جرم و جنایت و آلودگی محیط زیست و سهم هر یک به عنوان شرایط متغیر فضایی در کیفیت عمومی زندگی مردم تا آن زمان مورد غفلت واقع شده بود (اسمیت، ۱۳۸۱، ص. ۱۶۲). (جدول ۱).

1. Mooris
2. Camanho
3. Philips
4. Camanho
5. Rafael
6. Renobk
7. Bron
8. Rotmen

جدول ۱. پیشینه تحقیق

مطالعه	موارد مورد بررسی و یافته ها
هاروی (۱۹۹۶)	بررسی عواملی نظیر درآمد، فضای مختلف زندگی، نژاد و نظایر آن و اثرات آنها بر مسمومیت، کم خونی، مراقبت بهداشتی و ...
جین لی (۲۰۱۵)	امنیت و خدمات عمومی، تأثیرات اصلی بر کیفیت زندگی دارد.
رشیده زینال (۲۰۱۸)	بین شرایط مسکن با کیفیت زندگی شهروندان رابطه کوچک اما معنی دار و مثبتی وجود داشته است.
پرهام (۱۳۵۵)	بررسی کیفیت زندگی و تفاوت‌های آن در جوامع شرقی و غربی
پیران (۱۳۶۷)	بررسی وضعیت زندگی در آلودگی‌های تهران، کیفیت مسکن در آنها، علل پیدایش آلودگی ناشینی و پیامدهای اجتماعی - اقتصادی آنها .
زیردست (۱۳۸۰)	رابطه مستقیمی بین دلایل مهاجرت به سکونتگاه‌های حاشیه ای تهران و سطح کیفیت زندگی وجود دارد.
گروسی و همکاران (۱۳۸۷)	سطح سرمایه اجتماعی در دسترس با سطح کیفیت زندگی ارتباط معنی دار دارد و ارتباط این دو متغیر تابعی از سطح محله است.
پور احمد و دیگران (۱۳۹۴)	بررسی کیفیت زندگی در محلات و نواحی مختلف شهر بابلسر و تفاوت سطح کیفیت زندگی در نقاط مختلف شهر.
شهرکی و دیگران (۱۳۹۷)	ویژگی های محیطی مانند وضعیت نامناسب سرانه فضاهای شهری بر کاهش رضایت مندی ساکنان از کیفیت زندگیشان تأثیر گذار است.

مهمترین مزایای پژوهش حاضر و سایر پژوهش -

های حوزه کیفیت زندگی، آن است که منجر به شناخت بیشتر مسئله کیفیت زندگی و ابعاد آن، خواهد شد. مهمترین مزایای بررسی ادبیات پژوهش های حوزه کیفیت زندگی عبارتند از:

- مفاهیم کلیدی "کیفیت زندگی" بهتر قابل درک خواهد بود و با تکیه بر پیشینه‌ی تحقیقات گذشته می توان بین مسائل مختلف تحقیق رابطه برقرار کرد.

- شناخت کمبودها و خلأهای پژوهشی "کیفیت زندگی" و استفاده از آنها برای پیشبرد تحقیقات خود.

- یافتن ابزارهای مناسب برای پژوهش های حوزه

"کیفیت زندگی"

- نشان دادن کمبود پژوهش های پیشین کیفیت

زندگی و تأکید بر ضرورت پژوهش فعلی

- آشنایی با روند تحقیقات آینده پژوهشگران

حوزه کیفیت زندگی با استفاده از پیشنهادها آنها برای تحقیقات آینده

- فراهم شدن تکیه گاه محکم برای استدلال

منطقی در مرحله بررسی و ارزیابی فرضیه ها و

استنتاج، به ویژه در تحقیقات تاریخی، توصیفی تحلیلی، علی و همبستگی.

۲. روش شناسی پژوهش

۲.۱. روش پژوهش

روش پژوهش حاضر بر اساس هدف، از نوع کاربردی است و بر اساس ماهیت، از نوع توصیفی - موردی است که با استفاده از نرم افزار Spss و Excel و روش های آماری از قبیل تحلیل عاملی و رگرسیون چندگانه، توزیع و تکمیل پرسشنامه (۳۰۰ مورد)، مطالعات پیمایشی شهر ابرکوه، مطالعه تاریخی مفهوم کیفیت زندگی و با استفاده از نظریه های گوناگون، به بررسی وضعیت کیفیت زندگی شهروندان در شهر ابرکوه، پرداخته است. جامعه آماری مطالعه حاضر، جمعیت شهر ابرکوه می باشد. که با مراجعه به آخرین آمار مربوط به سرشماری ها که مربوط به سال ۱۳۹۷ است، مبادرت به استخراج آنها شد. بر اساس سالنامه آماری سال ۱۳۹۷ استان یزد، جمعیت شهر ابرکوه، ۳۵۶۲۱ نفر می باشد. با توجه به اینکه حجم نهایی نمونه تحقیق مصالحه و توازنی بین هزینه، دقت و تضمین برخورداری از تعداد کافی برای تحلیل معنادار خرده گروه ها می باشد (داوس^۱، ۱۳۷۶، ص. ۸۰)، حجم نمونه با توجه به فرمول کوکران که در آن خطای نمونه گیری قابل قبول (d) ۸٪ و درصد جمعیتی که انتظار می رود پاسخ خاص ارائه کنند (p,q) ۴٪ و ۶٪ و سطح اطمینان ۹۵٪ (t= ۱/۹۶) باشد، ۲۸۴ نفر تعیین شد که برای نتیجه گیری بهتر، این تعداد به ۳۰۰ نفر، افزایش پیدا کرد. روش نمونه گیری در این تحقیق سهمیه ای است. سهمیه ها بر اساس دو متغیر سن و میزان تحصیلات افراد تعیین شده است.

ابزار جمع آوری اطلاعات، پرسشنامه بوده است. پرسشنامه این تحقیق دارای اعتبار محتوی^۲ است که مبتنی بر نظر کارشناسان می باشد و برای سنجش پایایی^۳ آن از روش بازآزمایی^۴ استفاده شده است. در این روش به فاصله یک ماه، تکمیل پرسشنامه بین تعدادی از پاسخگویان غیر از جمعیت نمونه تحقیق دوباره تکرار شد و ضریب همبستگی بین آنها (r = ۰/۶۹) شد که می تواند از پایایی قابل قبولی برخوردار باشد.

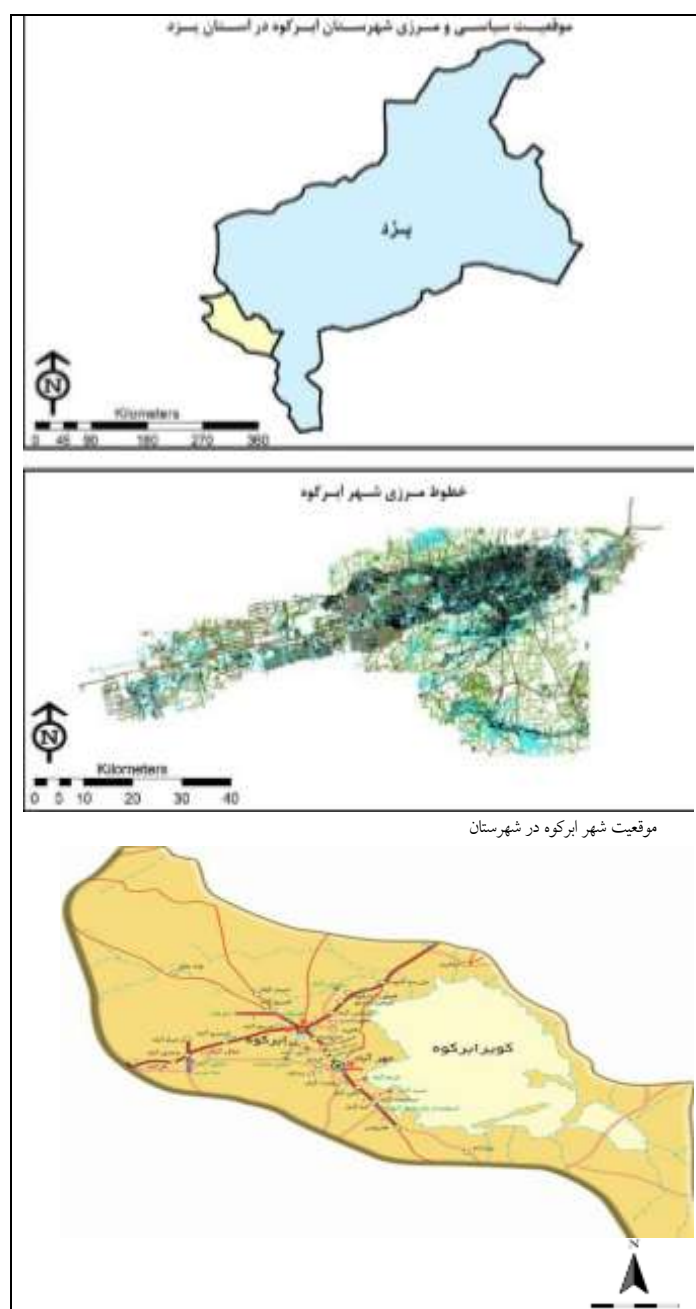
۲.۲. قلمرو جغرافیایی پژوهش

شهر ابرکوه یکی از قدیمی ترین شهرهای ایران است که در مرکز ایران و در محدوده استان یزد واقع می باشد. شهر ابرکوه در جنوب غربی شهرستان تفت و استان یزد واقع شده است. این شهر از شمال به شهرستان صدوق استان یزد

و شهرستان شهرضا استان اصفهان، از شرق به شهرستان خاتم یزد و از غرب و جنوب به شهرستان آباد استان فارس محدود است (شکل ۱). وسعت ابرکوه ۵۶۴۱ کیلومتر مربع می باشد و در مختصات جغرافیایی ۵۲ درجه و ۵۸ دقیقه شرقی و ۳۰ درجه و ۴۶ دقیقه شمالی و با ۱۵۵۰ متر ارتفاع از سطح دریای آزاد واقع شده است. از نظر توپوگرافی، دشت ابرکوه جزئی از فلات خشک مرکزی ایران است که رشته کوه های زاگرس چون حصارى انتهای این دشت را در جهت غرب و جنوب در برمی گیرد و گفه (کویر) ابرکوه با کمتر از ۱۴۵۰ متر پست ترین محل این حوزه است. ابرکوه دارای اقلیم گرم و خشک بیابانی

جمعیت شهر ابرکوه ۳۵۶۲۱ نفر می‌باشد. جمعیت شهرستان ابرکوه ۵۱۵۵۲ نفر می‌باشد که از این تعداد ۱۵۴۸۲ نفر در نواحی روستایی سکونت دارند. دین مردم این شهر، اسلام و مذهب ایشان شیعه است.

می‌باشد. آب و هوای شهر در مقیاس عمومی، ویژگیهای اقلیمی مناطق کویری درون فلاتی ایران را داراست و از مشخصات آن، کمی بارندگی، دامنه نوسان حرارتی کم و بیش زیاد و خشکی می‌باشد. بر اساس سالنامه آماری استان یزد در سال ۱۳۹۷،



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی شهر ابرکوه. مأخذ: (سالنامه آماری، ۱۳۹۵)

۳. یافته های پژوهش

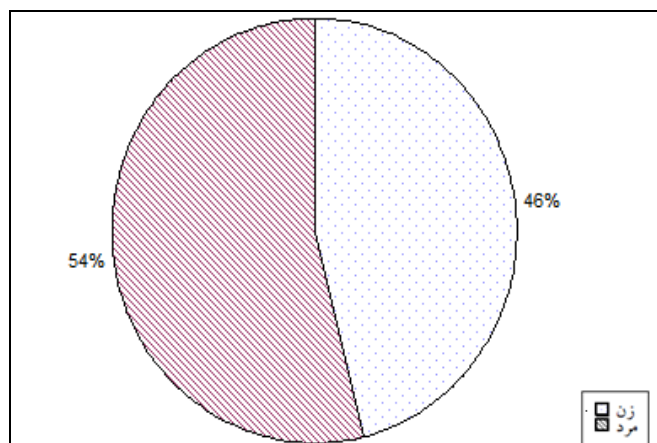
زنان و ۱۶۲ نفر معادل ۵۴٪ را مردان تشکیل می دهند

(شکل ۲) .

۳.۱. یافته های توصیفی

در این تحقیق بر اساس اطلاعات استخراج شده

از پرسشنامه ها، ۱۳۸ نفر معادل ۴۶٪ از پاسخگویان را



شکل ۲. توزیع پاسخگویان بر حسب جنسیت مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۷)

۳.۱.۱. وضعیت سنی پاسخگویان

همان گونه که در جدول شماره دو قابل مشاهده

است، ۶۱٪ پاسخگویان زیر ۳۰ سال و حدود ۳۵/۴

٪ بین ۳۰ تا ۶۰ سال می باشند و ۳/۶٪ بقیه بیش از

۶۰ سال سن دارند (جدول ۲) .

۳.۱.۲. میزان تحصیلات پاسخگویان

بر اساس اطلاعات شکل شماره سه ، بیشتر

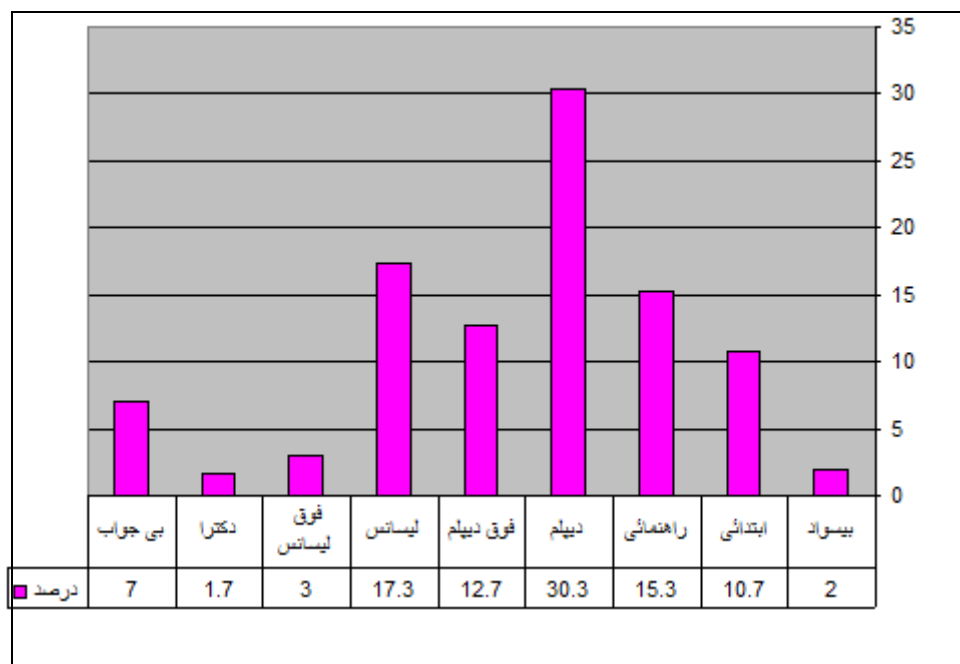
پاسخگویان (۳۰/۳٪) دیپلم و کمترین آنها (۱/۷٪)

دکتر و یا بیسواد (۲٪) می باشند (شکل ۳) .

جدول ۲. تفکیک پاسخگویان بر اساس سن

طبقات سن پاسخگویان	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی (درصد)	فراوانی تجمعی نسبی
۰ - ۱۰	۹	۳	۳
۱۱ - ۲۰	۹۳	۳۱	۳۴
۲۱ - ۳۰	۸۱	۲۷	۶۱
۳۱ - ۴۵	۶۶	۲۲	۸۳
۴۶ - ۶۰	۴۰	۱۳/۴	۹۶/۴
بیش از ۶۰ سال	۱۱	۳/۶	۱۰۰
جمع	۳۰۰	۱۰۰	-

مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۷)



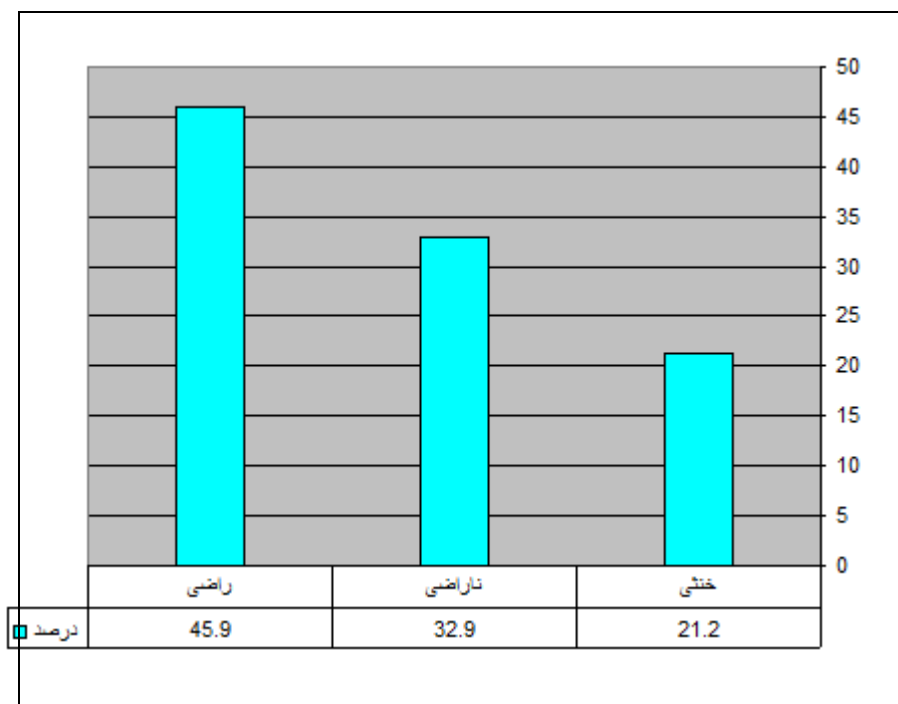
شکل ۳. تفکیک پاسخگویان بر اساس میزان تحصیلات

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷)

۲.۳. کیفیت ذهنی زندگی

همان‌طور که قبلاً گفته شد، کیفیت زندگی اغلب با استفاده از شاخص‌های عینی یا شاخص‌های ذهنی و به ندرت با استفاده از هر دو نوع شاخص‌ها اندازه‌گیری می‌شود، شاخص‌های ذهنی از پیمایش ادارکات، ارزیابی‌ها و رضایت ساکنان از زندگی شهری به دست می‌آیند، در حالیکه شاخص‌های عینی مربوط به حقایق قابل مشاهده هستند که غالباً از داده‌های ثانویه به دست می‌آیند. در این پژوهش، ابعاد کیفیت ذهنی زندگی شهروندان شهر ابرکوه را مورد ارزیابی و بررسی قرار می‌دهیم، بدین منظور در ابتدای پرسشنامه از پاسخگویان خواسته شد تا میزان رضایت از کیفیت کلی زندگی خود را بیان کنند. آماره‌های

توصیفی برای ارزیابی کیفیت ذهنی زندگی در سطح شهر ابرکوه محاسبه شده است. نظرات پاسخگویان با استفاده از طیف لیکرت ۱۱ مقیاسی اندازه‌گیری شده، که عدد صفر نشان دهنده نارضایتی کامل و عدد ۱۰ نشان دهنده رضایت کامل است. وقتی که از پاسخگویان در مورد کیفیت زندگی خود سوال شد، مشخص شد که ۷/۱ درصد افراد از کیفیت زندگی خود به طور کامل ناراضی و ۶/۸ درصد پاسخگویان نیز به طور کامل راضی بودند. به طور کلی ۴۵/۹ درصد افراد از کیفیت زندگی راضی و ۳۲/۹ درصد از کیفیت زندگی ناراضی بودند، و ۲۱/۲ درصد پاسخگویان نیز در طبقه خشی قرار گرفتند (شکل ۴).



شکل ۴. رضایت از کیفیت زندگی از دیدگاه شهروندان شهر ابرکوه مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۷)

۳.۳. رضایت از قلمروهای مختلف کیفیت

زندگی در شهر ابرکوه

شاخص های مربوط به قلمروهای سه گانه زندگی مورد سوال قرار گرفت تا میزان رضایت شهروندان شهر ابرکوه را از شاخص های محیط هر قلمرو ارزیابی کنیم. در قلمرو «محیط اجتماعی» بالاترین میزان رضایت با ارزش میانگین $7/73$ مربوط به سلامت و پایین ترین میزان رضایت مربوط به موفقیت های زندگی شهروندان با ارزش میانگین $4/30$ است. در قلمرو «محیط فیزیکی» بالاترین میزان رضایت با ارزش میانگین $6/92$ مربوط به وضعیت خانه و مسکن و کمترین میزان رضایت با ارزش میانگین $4/72$ مربوط به مبلمان شهری است. در قلمرو «محیط اقتصادی» بالاترین میزان رضایت با ارزش میانگین $4/29$ مربوط به امکانات و خدمات

آموزشی و پایین ترین میزان مربوط به فرصت های شغلی با ارزش میانگین $3/29$ است. به طور کلی، بررسی ارزش های میانگین مربوط به شاخص های مختلف قلمروهای سه گانه نشان می دهد که پایین ترین میزان رضایت مربوط به محیط اقتصادی و رضایت از فرصت های شغلی است، رضایت از توزیع ثروت و درآمد و رضایت از امکانات بهداشتی در رتبه های بعدی قرار دارد. بنابراین، می توان به طور آشکاری ضعف محیط اقتصادی شهر ابرکوه را مشاهده کرد. بالاترین میزان رضایت در میان قلمروهای سه گانه مربوط به محیط اجتماعی و رضایت از وضعیت سلامت و تندرستی است. آمار توصیفی رضایت از معرف های مختلف قلمروهای سه گانه در جدول شماره چهار آمده است (جدول ۳).

جدول ۳. ارزش‌های میانگین رضایت از شاخص‌های مختلف

قلمرو	شاخص‌ها	میانگین	انحراف استاندارد
محیط اجتماعی	رضایت از همسایه‌ها	۵/۴۱	۲/۷۷
	رضایت از احساس امنیت فردی	۶/۵۶	۲/۴۳
	رضایت از وضعیت سلامت و تندرستی	۷/۷۳	۲/۴۱
	رضایت از موفقیت‌های زندگی	۴/۳۰	۲/۵۵
	رضایت از قابل اعتماد بودن شهروندان	۵/۸۱	۲/۳۸
محیط فیزیکی	رضایت از وضعیت ترافیک شهر ابرکوه	۶/۱	۳/۴۵
	رضایت از وضعیت خانه و مسکن	۶/۹۲	۲/۶۳
	رضایت از وضعیت کوچه‌ها و خیابان‌ها	۴/۹۸	۲/۶۹
	رضایت از مبلمان شهری	۴/۷۲	۲/۸۲
	رضایت از اماکن تفریحی	۴/۷۹	۲/۸۸
محیط اقتصادی	رضایت از امکانات آموزشی	۴/۲۹	۲/۶۴
	رضایت از امکانات تفریحی	۳/۷۱	۲/۷۴
	رضایت از فرصت‌های شغلی	۳/۲۹	۲/۵۰
	رضایت از توزیع درآمد و ثروت	۳/۴۹	۲/۳۶
	رضایت از امکانات بهداشتی	۳/۶۷	۲/۶۶

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷)

۳. ۴. ابعاد کیفیت زندگی

همان‌طور که بیان شد، کیفیت زندگی مفهومی چند بعدی است. در این مطالعه از تحلیل عاملی برای شناسایی ابعاد کیفیت ذهنی زندگی با توجه به ۲۰ معرف ذهنی مورد بررسی واقع شده است. بطور کلی تحلیل عاملی، تکنیکی آماری است که معمولاً برای استخراج زیر مجموعه‌های غیرهمبسته معرف‌هایی که واریانس مشاهده شده در مجموعه داده اولیه را تبیین می‌کند، استفاده شده است (مومنی، ۱۳۷۷، ص ۸۹). ارزش Kmo برای این تحقیق ۰/۸۱ و آزمون بارتلت دارای سطح معناداری صفر است، که نشان دهنده آن است که داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب هستند. تعداد عامل‌های استخراج شده بوسیله معیار مقدار

ویژه و اسکری پلات ۴ عامل است. این ۴ عامل،

۵۳/۴۸۴ درصد کل واریانس را تبیین کرده است.

- عامل اول: این عامل، بالاترین بارها را بر شاخص‌های محیط فیزیکی دارد.
- عامل دوم: این عامل بالاترین بارها را بر شاخص‌های قلمرو محیط اقتصادی نشان می‌دهد.
- عامل سوم: این عامل بالاترین بارها را بر شاخص‌های محیط اجتماعی دارد.
- عامل چهارم: که می‌توان آن را «بهریستی ذهنی» نامگذاری کرد، بالاترین بارها را با شاخص‌های امید به

آینده، خشنودی و رضایت از موفقیت-
های زندگی دارد.

مهمترین فاکتور، فاکتور نخست است که ۱۹/۸۹۴ درصد واریانس را تبیین می کند. میزان پایایی برای معرف های کیفیت زندگی در این پژوهش ۰/۸۵ است. برای تعیین مهمترین قلمروهای کیفیت زندگی که واریانس رضایت از کیفیت زندگی را در شهر ابرکوه،

تبیین می کنند از تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شده است. کیفیت زندگی به عنوان متغیر وابسته و چهار عامل شامل بهزیستی ذهنی، سرمایه اجتماعی، رضایت از امکانات و محیط محلی در جمع، حدود ۵۴/۵ درصد واریانس کیفیت زندگی را تبیین می کنند (جدول ۴).

جدول ۴. پیش بینی کننده های کیفیت زندگی در شهر ابرکوه

معناداری	t	Beta	R ² تعدیل یافته	R ²	پیش بینی کننده ها
۰/۰۰	۱۷/۱۲	۰/۴۶۱	۰/۲۹۹	۰/۳۰۲	بهزیستی ذهنی
۰/۰۰	۱۱/۰۵	۰/۳۸۵	۰/۱۴۵	۰/۱۴۵	سرمایه اجتماعی
۰/۰۰	۵/۴۲	۰/۱۹۵	۰/۰۳۰	۰/۰۳۱	رضایت از امکانات
۰/۰۰	۳/۲۷	۰/۱۲۲	۰/۰۲۸	۰/۰۲۹	محیط محلی

مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۷)

۳.۵. آزمون فرضیات

۳.۵.۱. تحلیل همبستگی متغیرهای وضعیت

سنی و کیفیت زندگی در شهر ابرکوه

جدول رگرسیون مربوط به فرضیه وجود رابطه بین وضعیت سنی و کیفیت زندگی نشان می دهد، ضریب همبستگی، ($R = -0.080$)، بسیار ضعیف است و رابطه ای ضعیف بین متغیر پیش بین یعنی وضعیت سنی و متغیر پیش بینی شونده یعنی کیفیت زندگی شهروندان را نشان می دهد. همچنین (R^2)

بیان گر آن است که ۰/۰۰۷ درصد از رابطه را متغیر مستقل وضع سنی تبیین می کند. به این معنا که میزان بسیار کمی از تغییرات کیفیت زندگی یعنی تنها ۰/۰۰۷ به وضعیت سنی شهروندان شهر ابرکوه، مرتبط است که می توان این میزان کم را نادیده گرفت و نتیجه گیری کرد که بین وضعیت سنی و کیفیت زندگی شهروندان رابطه ای وجود ندارد (جدول ۵، ۶ و ۷).

جدول ۵. متغیرهای وارد شده و حذف شده (b)

مدل	متغیرهای وارد شده	متغیرهای حذف شده	روش
۱	وضعیت سنی (a)	-	توام

همه متغیرهای مورد نظر وارد شده به معادله

نمره کیفیت زندگی: متغیر مستقل مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۷)

جدول ۶. خلاصه مدل

مدل	R	مجذور R	مجذور R تعدیل شده	خطای معیار برآورد
۱	۰/۰۸۰ (a)	۰/۰۰۷	۰/۰۰۴	۱۱/۲۳۶

وضعیت سنی: (مقدار ثابت): پیش‌بین‌ها مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷)

جدول ۷. تحلیل واریانس یک سویه

مدل	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری
۱ رگرسیون ۳۶۰/۱۴۶	۱	۳۶۰/۱۴۶	۲/۳۴۱	۰/۱۱۳ (a)	
باقی مانده ۴۳۱۵/۳۴۱	۲۹۹	۱۴۳/۲۱۰			
کل ۴۲۶۷۵/۴۸۷	۳۰۰				

وضعیت سنی: (مقدار ثابت): پیش‌بین‌ها. a

نمره کیفیت زندگی: متغیر وابسته. b مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷)

۳.۵.۲. تحلیل همبستگی متغیرهای سرمایه

اجتماعی و کیفیت زندگی در شهر ابرکوه

رگرسیون مربوط به فرضیه «وجود رابطه بین سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی شهروندان شهر ابرکوه» نتایج رگرسیون، فرضیه وجود رابطه بین سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی شهروندان را تأیید می‌کند. ضریب همبستگی (R) نشان می‌دهد، رابطه ای بسیار قوی (۰/۹۲۳) بین متغیر پیش‌بینی یعنی

سرمایه اجتماعی و متغیر پیش‌بینی شونده یعنی کیفیت زندگی وجود دارد. همچنین (R^2) بیانگر آن است که ۹۰٪ از تغییرات کیفیت زندگی به میزان سرمایه اجتماعی مربوط است. F محاسبه شده به میزان ۱۰۲۸۳ در درجه آزادی ۱ به ۲۹۸ وجود معنی داری در سطح ۹۹ درصد را تأیید می‌کند (جدول ۸، ۹ و ۱۰).

جدول ۸. متغیرهای وارد شده و حذف شده (b)

مدل	متغیرهای وارد شده	متغیرهای حذف شده	روش
۱ سرمایه اجتماعی (a)	-		توام

همه متغیرهای مورد نظر وارد شده به معادله

نمره کیفیت زندگی شهروندان: متغیر مستقل مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷)

جدول ۹. خلاصه مدل

مدل	R	مجذور R	مجذور R تعدیل شده	خطای معیار برآورد
۱	۰/۹۲۳	۰/۹۰۸	۰/۹۰۸	۲/۰۱۰

سرمایه اجتماعی: (مقدار ثابت): پیش‌بین‌ها مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷)

جدول ۱۰. تحلیل واریانس یک سویه

مدل	مجموع مجزورات	df	میانگین مجزورات	F	سطح معنی داری
۱ رگرسیون ۴۱۳۲۰/۰۱۷	۱	۴۱۳۲۰/۰۱۷	۱۰۲۸۳/۰	۰/۰۰۰ (a)	
باقی مانده	۱۱۲۷/۲۲۳	۲۹۸	۴/۰۳۰		
کل	۴۲۴۴۷/۲۴	۲۹۹			

سرمایه اجتماعی: (مقدار ثابت): پیش بین. a

نمره کیفیت زندگی شهروندان: متغیر وابسته. b مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۷)

۳.۵. تحلیل همبستگی متغیرهای وضعیت

تحصیلی و کیفیت زندگی در شهر ابرکوه

جدول رگرسیون مربوط به فرضیه وجود رابطه بین وضعیت تحصیلی و کیفیت زندگی نشان می دهد، ضریب همبستگی ($R = -0.095$)، بسیار ضعیف است و رابطه ای ضعیف بین متغیر پیش بینی یعنی وضعیت تحصیلی و متغیر پیش بینی شونده یعنی کیفیت زندگی شهروندان را نشان می دهد. همچنین

(R^2) بیانگر آن است که ۰/۰۰۹ درصد از رابطه را متغیر مستقل وضع تحصیلی تبیین می کند. F محاسبه شده به میزان ۲/۹۶۴ در درجه آزادی ۶ به ۲۹۳ معنی دار است و به این ترتیب می توان گفت که بین وضعیت تحصیلی و کیفیت زندگی شهروندان رابطه ای وجود ندارد (جداول ۱۱، ۱۲ و ۱۳).

جدول ۱۱. متغیرهای وارد شده و حذف شده (b)

مدل	متغیرهای وارد شده	متغیرهای حذف شده	روش
۱ وضعیت تحصیلی (a)	-		توام

همه متغیرهای مورد نظر وارد شده به معادله

نمره کیفیت زندگی: متغیر مستقل مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۷)

جدول ۱۲. خلاصه مدل

مدل	R	مجزور R	مجزور R تعدیل شده	خطای معیار برآورد
۱	۰/۰۹۵ (a)	۰/۰۰۹	۰/۰۰۶	۱۳/۱۰۵

وضعیت تحصیلی: (مقدار ثابت): پیش بین ها مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۷)

جدول ۱۳. تحلیل واریانس یک سویه

مدل	مجموع مجزورات	df	میانگین مجزورات	F	سطح معنی داری
۱ رگرسیون ۳۸۱/۲۱۶	۶	۳۸۱/۲۱۶	۲/۹۶۴	۰/۱۷۹ (a)	
باقی مانده	۴۴۷۸۵/۱۰۷	۲۹۳	۱۶۱/۳۳۰		
کل	۴۵۱۶۶/۳۲۳	۲۹۹			

وضعیت تحصیلی: (مقدار ثابت): پیش بین. a

نمره کیفیت زندگی: متغیر وابسته. B مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۷)

۴. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مفهوم کیفیت زندگی در ادبیات توسعه پایدار، به‌عنوان شاخص توسعه اجتماعی و فرهنگی، جایگاه ویژه‌ای دارد. کیفیت زندگی به مثابه درک فرد از وضعیت کنونی خود و ارزیابی مثبت از زندگی و محیط پیرامونی فرد تعریف شده است. کیفیت زندگی به دلیل گسترش روند صنعتی شدن و پیشرفت فناوری که توجه به بعد کمی زندگی انسان را مد نظر قرار می‌دهد و هم‌چنین به دنبال غفلت از جنبه‌های کیفی زندگی انسان، طی چند دهه گذشته در کشورهای غربی مورد توجه اندیشمندان و متفکران علوم انسانی قرار گرفت. در این راستا محققین علوم انسانی ضمن تعریف مفهوم کیفیت زندگی، تلاش نمودند ابعاد و شاخص‌های مختلف این مفهوم را تعیین کنند و مورد سنجش قرار دهند. مقاله حاضر نیز در کنار تعریف این مفهوم، وضعیت و کیفیت زندگی شهروندان شهر ابرکوه را مورد ارزیابی قرار داده است. نتایج نشان می‌دهد که به طور کلی ۴۵/۹ درصد افراد از کیفیت زندگی راضی و ۳۲/۹ درصد از کیفیت زندگی ناراضی بودند و ۲۱/۲ درصد پاسخگویان نیز در طبقه خشی قرار گرفتند. نتایج مربوط به رضایت از قلمروهای سه‌گانه محیط فیزیکی، اقتصادی و اجتماعی در شهر ابرکوه، نشان می‌دهد؛ پایین‌ترین میزان رضایت مربوط به محیط اقتصادی و رضایت از فرصت‌های شغلی است، رضایت از توزیع ثروت و درآمد و رضایت از امکانات بهداشتی در رتبه‌های بعدی قرار دارد.

بنابراین، می‌توان به طور آشکاری ضعف محیط اقتصادی شهر ابرکوه را مشاهده کرد.

در مقایسه نتایج پژوهش حاضر با نتایج پیشینه پژوهش، درمی‌یابیم که تقریباً در تمامی موارد، رابطه مستقیمی بین حوزه اقتصادی و میزان سطح کیفیت زندگی شهروندان، وجود دارد. به گونه‌ای که هر چه وضع اقتصادی شهروندان بهتر باشد از سطح کیفیت زندگی بهتری برخوردارند و بالعکس. بررسی‌ها نشان می‌دهد که بیکاری مشکل اساسی شهر ابرکوه است که منجر به شکل‌گیری مشکلات اجتماعی عدیده‌ای شده است. بالاترین میزان رضایت در میان قلمروهای سه‌گانه مربوط به محیط اجتماعی و رضایت از وضعیت سلامت و تندرستی است. در سطح شهر ابرکوه، چهار بعد کیفیت زندگی شامل: رضایت از امکانات، سرمایه اجتماعی، بهزیستی ذهنی و محیط محلی شناسایی شده است. هم‌چنین، مدل ساده‌ای از کیفیت زندگی با استفاده از تحلیل رگرسیون گام به گام ایجاد شده است. این مدل که کیفیت زندگی، متغیر وابسته و فاکتورهای کیفیت زندگی مستخرج از تحلیل عاملی، متغیرهای مستقل آن هستند، ۵۳/۴۸۴ درصد واریانس کیفیت زندگی در شهر ابرکوه را تبیین می‌کند. در نهایت فرضیه‌های پژوهش مورد بررسی واقع شدند. این مطالعه، فرضیه اول تحقیق یعنی «وجود تفاوت معنی‌دار بین شهروندان ابرکوهی و عوامل موثر بر کیفیت زندگی» را تایید نکرد و بین آن دو متغیر، رابطه معناداری مشاهده نشد. فرضیه دوم تحقیق یعنی «وجود رابطه بین سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی شهروندان شهر ابرکوه» مورد تایید قرار می‌گیرد. بر

- اساس نظریه لین، عناصر سرمایه اجتماعی به لحاظ افزایش ارتباطات و افزایش سطح دسترسی به منابع، در نهایت منجر به ایجاد نتایج مطلوبی مانند شهرت، سلامت جسمانی، سلامت روانی و رضایت از زندگی خواهد شد. سرانجام فرضیه سوم پژوهش یعنی «وجود رابطه معنی دار بین میزان تحصیلات افراد و عوامل موثر بر کیفیت زندگی شهروندان ابرکوهی» مورد ارزیابی و آزمون قرار گرفت. آزمون فرضیه، وجود رابطه بین این دو متغیر را تایید نکرد.
- در خصوص پژوهش حاضر و تقویت و بهبود کیفیت زندگی شهروندان در شهر ابرکوه، پیشنهادها و راهکارهایی به شرح زیر ارائه می گردد:
- جهت گیری برنامه های توسعه به سمت تحول اقتصادی و رفع مشکل بیکاری و ایجاد فرصت های شغلی جدید در شهر ابرکوه.
 - بهبود کیفیت زندگی ساکنان شهر ابرکوه، به عنوان هدف اصلی طرح های توسعه شهری و منطقه ای محسوب گردد.
 - تعیین برنامه های زمانی کوتاه مدت و بلندمدت به منظور بهبود کیفیت زندگی شهروندان ابرکوهی و اتخاذ اقدامات لازم برای رسیدن به اهداف مورد نظر.
 - تقویت سیستم های حمل و نقل عمومی شهر ابرکوه به وسیله افزایش میزان خدمات، قابل اطمینان تر کردن استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی و ساخت ایستگاه هایی با امکانات رفاهی بیشتر و در دسترس تر.
 - توجه بیشتر به توسعه کمی و کیفی امکانات و خدمات بهداشتی در شهر ابرکوه که در عین حال از اهداف اصلی شبکه بهداشت و درمان ابرکوه است.
 - پیشنهاد می شود با اجرای برنامه های مبتنی بر محله، تقویت احساس تعلق خاطر به محله و تقویت شورایی های محله، گام هایی برای افزایش همکاری و اعتماد شهروندان شهر ابرکوه، برداشته شود.
 - تقویت و سامان دهی خدمات شهری، شامل: بهبود وضعیت نظافت و پاکیزگی محله و شهر، توجه به فضای سبز، استفاده راحت از وسایل حمل و نقل عمومی، احداث پارکینگ و ... می تواند به بهبود سطح کیفیت زندگی در شهر ابرکوه، کمک کند.
 - توسعه مراکز آموزشی و دانشگاهی در شهر ابرکوه با هدف بهبود وضعیت تحصیلی شهروندان.
 - معرفی سرمایه های اجتماعی به شهروندان و تلاش برای حفظ و ارتقاء این سرمایه ها.

کتابنامه

۱. اسمیت، دیوید. ام. (۱۳۸۱). کیفیت زندگی: رفاه انسانی و عدالت اجتماعی. ترجمه حسین حاتمی نژاد و حکمت شاهی اردبیلی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۱۷ (۸۶)، ۱۷۳-۱۶۰.

۲. افروغ، ع. (۱۳۷۷). *فضا و نابرابری اجتماعی (ارایه الگویی برای جداگزینی فضایی و پیامدهای آن)*. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
۳. پورطاهری، م.، افتخاری، ع. ر.، و فتاحی، ا. (۱۳۹۶). ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی (مطالعه موردی دهستان خاوه شمالی استان لرستان). *فصل نامه پژوهش های جغرافیای انسانی*، ۹۰(۴۳)، ۳۱-۱۳.
۴. پیران، پ. (۱۳۶۷). *شهرنشینی شتابان و ناهمگون (آلونک نشینی در تهران)*. اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۶۷(۲)، ۳۰-۳۳.
۵. جاجرمی، ک.، کلتی، ا. (۱۳۸۵). سنجش وضعیت شاخص های کیفیت زندگی در شهر از نظر شهروندان. *مجله علمی پژوهشی جغرافیا و توسعه*، ۱۵(۴)، ۵-۱۸.
۶. حاتمی نژاد، ح. (۱۳۷۹). عدالت اجتماعی و شهر ناهمگونی فضایی محلات شهر مشهد. رساله دوره دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری. دانشگاه شهید بهشتی تهران. دانشکده علوم زمین.
۷. حاتمی، م. (۱۳۸۹). تحلیلی بر نقش فناوری های نوین در مدیریت شهری. همایش ملی فضای جغرافیایی رویکرد آمایشی.
۸. حریرچی، ا.، اکبری، ع. و فدایی ح. (۱۳۸۸). چگونگی وضعیت کیفیت زندگی شهروندان شهر جدید پردیس، *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش های اجتماعی*، ۸۱(۲)، ۸۹-۱۱۰.
۹. داوس، دی. ای، (۱۳۷۶)، *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، مترجم: هوشنگ ناییبی. تهران: انتشارات نی.
۱۰. رضوانی، م.، متکان، ع. ا.، منصوریان، ح.، و ستاری، م. ح. (۱۳۸۹)، *توسعه و سنجش شاخص های کیفیت زندگی شهری شهر نور آباد*. *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای*، ۸۱(۲)، ۸۷-۱۱۰.
۱۱. سالنامه آماری استان یزد. (۱۳۹۷). معاونت برنامه ریزی استان یزد.
۱۲. شمس، م.، حجی ملایری، پ. (۱۳۸۸). توسعه فیزیکی و تاثیر آن در تغییرات کاربری اراضی شهر ملایر (۸۵ و ۱۳۶۵). *فصلنامه علمی پژوهشی آمایش*، ۸۱(۲)، ۷۵-۹۱.
۱۳. شبانی، م. (۱۳۸۱). تحلیل جامعه شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان. *مجله جامعه شناختی ایران*، ۸۱(۴)، ۸۰-۶۰.
۱۴. عباسی، ر. (۱۳۸۷). *بررسی فرآیند مشارکت شهروندان در اداره شهرهای ایرانی*. اولین همایش سراسری علمی و دانشجویی جغرافیا، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۱۴. عیسی زاده، ا.، آهار، ح.، طهماسبی، ف.، منوچهری میاندوآب، ا. و، شهنار، ع. ا. (۱۳۹۳). تحلیل کیفیت زندگی در دو بافت قدیم و جدید شهر مراغه با بهره گیری از مدل های آنتروپی و الکترو. *فصلنامه آمایش محیط*، ۹۳(۷)، ۱-۱۸.
۱۵. فرید، ی. (۱۳۷۱). *کاربرد جغرافیا در روش تحقیق شهر و روستا*. تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.
۱۶. مرکز آمار ایران. (۱۳۸۵). *نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان ملایر*، تهران: مرکز آمار ایران.
۱۷. مومنی، م. (۱۳۷۷). *اصول و روشهای برنامه ریزی - منطقه ای*. اصفهان: انتشارات گویا
۱۸. مهندسین مشاور زیستا. (۱۳۸۴). *طرح جامع ملایر*. جلد دوم. همدان: وزارت مسکن و شهرسازی، استان همدان.

۱۹. هاروی، د. (۱۳۷۶). *شهر و عدالت اجتماعی*. ترجمه فرخ حسامیان و همکاران، تهران: انتشارات پردازش.

20. El Din, H.S., Shalaby, A., Farouh, H. E., & Elariane, S. A. (2013). Principles of urban quality of life for a neighborhood. *Housing and Building National Research Center (HBRC)*, 9(1), 86-92.
21. Harvey, D. (1996). *Justice, Nature & Geography of difference*. Oxford: Blackwell publishers.
22. Kamp, I. K., Van, Leidelmeijer, K., Marsman, G., & de Hollander, A. (2003). Urban environmental quality and human wellbeing: Towards a conceptual framework and demarcation of concepts, a literature study. *Landscape and Urban Planning*, 65, (1-2), 5-18.
23. Lee, Y. J. (2008). Subjective quality of life measurement in Taipei. *Building and Environment*, 43(7), 1205-1215.
24. Morais, P., Camanho, A. (2011). Evaluation of performance of European cities with the aim to promote quality of life improvements. *Omega* 39(4), 398-409.
25. Pal, A. K., & Kumar, U. C. (2005). Quality of Life (QoL) concept for the evaluation of societal development of rural community in West Bangal, India. *Asia Pacific Journal of Rural Development*, 15(2), 83-93.
26. Phillips, D. (2006). *Quality of life: Concept, policy and practice*. London: Routledge.
27. Rahman, P. Mittelhamer, j. & Wandschaneder, a. (2003). Measuring the Quality of Life Across countries: A sensitivity Analysis of well-being indices. *wider internasional conference on inequality, Helsinki, Finland*.
28. Raphael, D., Renwick, R., Brown, I., & Rootman, I. (1996). Quality of life indicators and health. *current status and emerging conceptions*, 39(1), 65-88.
29. Sally, B., Godfrey C., & Propper, C. (1992). *Quality of Life: perspectives and policie*. London: Routledge.
30. Vaughan, B. (2016). *Punishment and Conditional Citizenship*, Sage Publication. London, Thousand Oaks and New Delhi.
31. Villa, D. (2001). *Socratic Citizenship*, Princeton University Press, Princeton & Oxford.
32. Wish, N. B. (1986). Are we really measuring the quality of life? Well- being has subjective dimensions, as well as objective ones. *American Journal of Economics and Sociology*, 45(1), 93-99.

بررسی ساختار فضایی منطقه شهری مازندران مرکزی با تاکید بر شبکه اجتماعی^۱

سهیلا حقانی (دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران)

sohailahaghani1992@gmail.com

صدیقه لطفی (استاد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران، نویسنده مسئول)

s.lotfi@umz.ac.ir

رحیم بردی آنامرادنژاد (دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران)

r.moradnejad@umz.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۲۱

تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۰۷/۱۶

صص ۵۵-۷۷

چکیده

در سال‌های اخیر شهرها، هم به لحاظ فرم فیزیکی و هم از نقطه نظر عملکردی، به یک پدیده‌ی منطقه‌ای بدل شده‌اند از این رهگذر، با تغییر جایگاه هستی‌شناسانه از فضا، منطق و معنای «مکان» در متنی جدید، یعنی در فضای جریان‌ها تفسیر شده است. فقدان استراتژی‌های توسعه یکپارچه منطقه‌ای، عدم توجه به رقابت یا همکاری کانون‌ها را در شبکه شهری مازندران مرکزی با چالش‌های تفرق عملکردی روبه‌رو کرده است. به نظر می‌رسد تحت فضای جریان‌ی موجود، پژوهش‌های صورت گرفته قادر نخواهد بود تمامیت، کارکرد و ساختار شبکه شهری استان را توصیف کند. هدف پژوهش این است تا با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و ابزار تحلیل شبکه، ضمن تبیین مولفه‌ها و شاخص‌های تحلیل تعامل فضایی، الگوی فضایی عملکردی شبکه شهری مازندران مرکزی را با تحلیل داده‌های مبداء-مقصدی سال ۱۳۹۷ مورد مطالعه قرار دهد. نتایج حاصل گواه شکل‌گیری نظام چند مرکزیتی و حتی شبکه‌ای متعادل در این منطقه است. بنابراین با شکل‌گیری و تکوین این الگوی جدید در منطقه، تغییر در نحوه برنامه‌ریزی فضایی این مناطق مبتنی بر مزایای اقتصادی شبکه نیز ضروری است. روابط بین شهرهای بزرگتر نه تنها صرفاً رقابتی دیده نمی‌شوند بلکه آنها باید مکمل یکدیگر هم باشند. همچنین، نتایج حاصل از تحلیل رهیافت‌های نوین (شبکه مبنا) در شبکه شهری چند مرکزیت مازندران مرکزی، بیانگر آن است که، مورفولوژی منطقه‌ی چند مرکزیت مازندران مرکزی، دخالت محسوسی در ریخت‌شناسی این منطقه دارا می‌باشد. زیرا فرم منطقه به گونه‌ای است که شهرهای مجاور از الگوی خوشه‌ای پیروی می‌کنند و شکل شبکه‌ای به منطقه الحاق کردند.

کلید واژه‌ها: ساختار فضایی، شبکه‌ی شهری، چند مرکزیتی، داده‌های مبداء-مقصدی، مازندران مرکزی.

۱. برگرفته از پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد رشته جغرافیا گرایش برنامه‌ریزی شهری با عنوان "تحلیل ساختار فضایی با تاکید بر داده‌های جریانی، مطالعه موردی: مازندران مرکزی"

۱. مقدمه

۱.۱. طرح مسئله

از آنجایی که، شهرها یکی از مصادیق بارز فضاهای جغرافیایی و نماد ارتباط انسان‌ها با محیط پیرامون خود شناخته می‌شوند، شکل‌گیری و تحول شهرها از یک سو، نشان‌دهنده‌ی گسترده‌ی و عمق ارتباط بشر با محیط پیرامون و از دیگر سو، نمایانگر محدودیت‌ها و قابلیت‌های جغرافیایی یک قلمرو یا فضا است (آمار^۱، ۲۰۰۷، ص. ۶). از این رهگذر، با مروری بر متون نظری مرتبط نشان می‌دهد، طی چند دهه گذشته، در نگرش مربوط به سازمان فضایی سیستم‌های شهری عزیمتی ژرف روی داده، به طوری که، تا پیش از دهه ۱۹۶۰ میلادی، غالب پژوهش‌های این حوزه برخاسته از تفکرات مکتب جغرافیای سستی، صورت می‌گرفت که در آن، یا عنصر رابطه که شامل: پیوندهای اجزا با یکدیگر است، در تعریف نظام شهری نادیده انگاشته می‌شد، یا ایده‌پردازی روابط متقابل بین شهرها همراه با تجسم چیدمان سلسله مراتبی از فضا پذیرفته شده بود. متأثر از این نگرش، مطالعه نظام‌های شهری معطوف به سطح تمرکز فعالیت‌ها و یا کارکردها در یک مکان و تنها بر اساس، ویژگی‌های درونی و موضعی آنها بود. در حالیکه، از اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی و شکل‌گیری رویکرد شبکه‌ای، با تعریف مجموعه‌ای از شهرها به مثابه یک سیستم و یا به عبارتی، یک شبکه، توجه زیادی به روابط متقابل بین شهرها و توسعه آنها در سطح یک منطقه شد و

پیوستگی و ارتباطات متقابل بین مکان‌ها در مطالعه ساختارهای فضایی مورد توجه قرار گرفت (داداش پور و آفاق پور، ۱۳۹۵، ص. ۲).

از طرفی، در گذر از سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم، و در اواخر قرن ۲۱، رخداد دو پدیده مهم چشمگیر است: ۱. رشد سریع شهرنشینی و ۲. فناوری اطلاعات و ارتباطات (داداش پور^۲ و یوسفی^۳، ۲۰۱۸، ص. ۱). با وقوع این رخدادها، درسال‌های اخیر شهرها، هم به لحاظ فرم فیزیکی و هم از نقطه نظر عملکردی، به یک پدیده‌ی منطقه‌ای بدل شده‌اند (لطفی و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۱۹۸). اثرات مکانی و فضایی فناوری اطلاعات و ارتباطات بر نظام سکونتگاه‌ها امروزه با عنوان شهرهای شبکه‌ای به موضوعی قابل توجه در مطالعات شهری و منطقه‌ای تبدیل شده است. فناوری ارتباطات به عنوان ابزاری نوین، امکان دسترسی بهتری به مکان‌ها می‌دهد و می‌تواند نقش مرکزیت را حتی حذف کند بر این اساس، دیگر نیازی به تاکید بر ساختار سلسله مراتبی سکونتگاه‌ها نیست؛ زیرا به جای آن، سطوح مختلف کارکردهای شهری می‌توانند در هر جایی در سطوح متفاوت طبقات شهری، مکان‌گزینی کنند (سلیمانی و همکاران، ۱۳۸۹، ص. ۲). بر همین اساس، پژوهش حاضر بر آن است تا، شهرهای واقع در شبکه شهری مازندران مرکزی را، که مطابق سالنامه آماری سال ۱۳۹۵ استان مازندران دارای ۱۸ شهر، ۱۸ بخش، ۴۴ دهستان و ۱۵۶۳ آبادی و بالغ بر ۸۰ درصد جمعیت استان مازندران در آن متمرکز شده است و همچنین،

2. Dadashpour

3. Yousefi

1. Amar

جمعیت این شبکه شهری را، که مطابق مرکز آمار ایران در سال ۹۵ برابر با ۱ میلیون و ۷۴۷ هزار نفر است، براساس داده‌های شبکه‌ای و داده‌های جریانی (مبدأ- مقصدی) و تاثیر آن بر ساختار فضایی این مناطق مورد مطالعه قرار دهد. همچنین، بررسی ویژگی‌های جغرافیای فیزیکی شهر- منطقه محدوده مطالعاتی حاکی از وجود پیش شرط‌های لازم در یک منطقه شهری چندمرکزی است. به طوری که، بخش‌های مرکزی استان مازندران با خلق زمینه‌های ارتباطی در پیرامون هسته‌های اصلی چهارگانه، فواصل زمانی و فیزیکی مناسبی را برای شکل‌گیری این مناطق نشان داده‌اند که، آن را در زمره قوانین سرانگشتی گدس^۱ و باتن^۲ قرار می‌دهد (زبردست و شهابی، ۱۳۹۳، ص. ۳۹).

۲.۱. پیشینه پژوهش و مبانی نظری

یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌های کلان یک جامعه شهری، ساخت فضایی شهر است. به طوری که، مطالعه ساختار فضایی سیستم‌های شهری، و روابط میانجی آن، به مدت طولانی در زمینه‌های برنامه‌ریزی شهری، علم منطقه‌ای، جغرافیای شهری و اقتصادی جایگاه مهمی را به خود اختصاص داده است (میجرز^۳، ۲۰۰۷، ص. ۲۴۵).

از طرفی، در بررسی ابعاد ساختار فضایی شهرها، دو پرسش مد نظر قرار گیرد: اول گسترش جمعیت در مراکز شهری چگونه است؟ دوم تا چه حد، این جمعیت در مراکز شهری واقع شده و یا پراکنده شده‌اند؟. سوال اول به ابعاد تک‌مرکزی و چندمرکزی

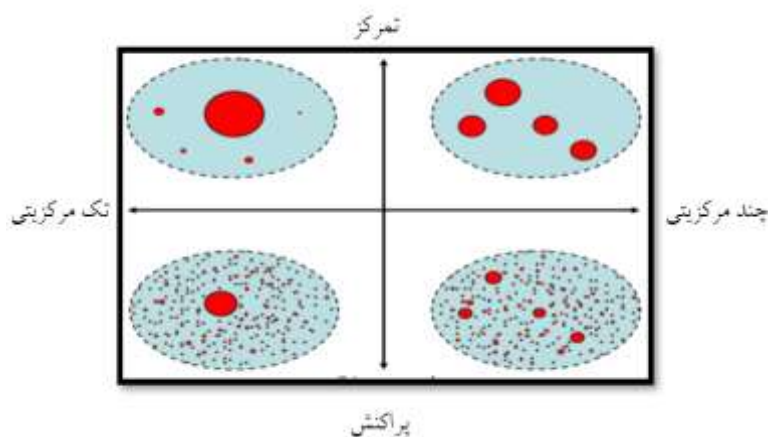
و سوال دوم، به ابعاد تمرکز و پراکنش شهری اشاره دارد (میجرز و برگر^۴، ۲۰۱۰، ص. ۶). اما، توجه اصلی این مقاله بر تعریف دو واژه‌ی شبکه‌ی شهری، چند مرکزیت شهری و همچنین، مشخص نمودن ابعاد و معیارهای آنها است.

1. Gudes

2. Butten

3. Meijers

4. Meijers & Burger



شکل ۱. ابعاد ساختار فضایی: (۱. تک مرکزی و چند مرکزی. ۲. تمرکز و پراکنش)

ماخذ: (میجرز و برگر، ۲۰۱۰، ص. ۳۶)

۱.۲.۱. شبکه‌ی شهری

هر شبکه‌ای، از گره‌ها و اتصالات بین آنها تشکیل شده است که، حرکت منابع مختلف را تضمین می‌کند. در واقع، تعامل گره‌های فردی در یک فضا، باعث ایجاد ارتباط بین آنها می‌شود که از نظر تراکم، این تعاملات میان گره‌ها و اتصالات می‌توانند ضعیف و یا قوی باشند. به طوری که، پیوندهای مستحکم با گذشت زمان پایدار باقی می‌مانند و وابستگی متقابل عناصر را تضمین می‌کنند که غلظت این پیوندها در یک شبکه، یک خوشه را تشکیل می‌دهد. مطابق با نظر پورتر^۱، مرزهای یک خوشه توسط پیوندهای قوی موجود بین شرکتها (شرکت‌های افقی، عمودی و ساختاری) شکل می‌گیرد. از طرف دیگر، پیوندهای ضعیف پراکنده و غیرسیستمی، کمربند اتصالات بیرونی یک خوشه را که در آن سوی مرزها قرار دارد (بولیچو^۲، ۲۰۱۴، ص. ۷۰). کار دوپوی^۳ و همکاران

(۲۰۰۸) در طول زمان گسترش یافته است. در واقع گابریل دپوی یکی از متفکران شبکه‌ی کلاسیک است که، مفهوم شبکه شهری مدرن را، با سه معیار اصلی مشخص می‌کند. عبارتند از:

۱.۲.۱.۱. معیار توپولوژی شبکه^۴

توپولوژی شبکه، به طوری کاملاً واضح از رویکرد منطقه‌ای از شهرنشینی ارتدکس، برای نخستین بار در کار سردا^۵ دیده می‌شود و از اواخر قرن نوزدهم این مفهوم نیز، در کار دیگر نویسندگان یافت شده است. در واقع، توپولوژی، به پیکربندی هندسی یا فیزیکی یک شبکه اشاره دارد به نحوی که، گره‌ها از یک شبکه به طور فیزیکی متصل می‌شوند. شبکه‌ها، نهادهای انتزاعی نیستند، آنها با اتصال به ابعاد فضایی پیوندها از طریق، گره‌ها در فضا ارتباط دارند و آن شامل: قطع و ناهمگونی است. به عبارت دیگر، توپولوژی، یک شبکه باز و متحد است و مخالف

1. Porter
2. Bolychev
3. Dupuy

4. Network Topological Criterion
5. Sarda

جدایی از قبیل: شهر/حومه، مرکز/حومه و منطقه است (کلاسن^۱ و همکاران، ۲۰۰۷، ص. ۴).

۲.۱.۲.۱. معیار جنبشی شبکه^۲

معیار دوم شبکه، در ارتباط با معنای فرهنگی مدرن آن، جنبشی است که در اینجا، شبکه به طور همزمان فضا و زمان را تعریف می‌کند و یک رابطه جدید بین این دو مفهوم را بر اساس: گردش و ارتباطات، جریان‌ها، سرعت و... ایجاد می‌کند. در نهایت آنکه، بعد جنبشی یک شبکه، به شدت به ابعاد توپولوژیکی و همچنین ابعاد انطباقی شبکه مرتبط است (دپوی^۳ و همکاران، ۲۰۰۸، ص. ۲۱).

۳.۱.۲.۱. معیار سازگاری شبکه^۴

سومین معیار یک شبکه با عنوان معیار سازگاری، که به ظرفیت تکامل شبکه‌ها در طول زمان و فضا مربوط می‌شود. از یک طرف، شبکه باید بتواند ساختار خود را تغییر دهد تا از سیستم‌های جدید یا گسترش برنامه‌های موجود استفاده کند. از سوی دیگر، با ارائه گزینه‌های متعدد برای رسیدن به اهداف، باید خود را با نیازها و خواسته‌های کاربران خود سازگار می‌سازد (کلاسن و همکاران، ۲۰۰۷، ص. ۴).

۲.۲.۱. مناطق شهری چند مرکزی^۵

مناطق شهری چند مرکزی، مناطقی هستند که، می‌توانند به صورت مدیریتی تعریف شوند و یا به طور عملیاتی در اطراف چندین منطقه شهری سازماندهی شوند. در واقع، این مناطق باید به صورت

مورفولوژیکی از هم جدا شوند، اما، هنوز هم در نزدیکی فیزیکی یکدیگر هستند. به عبارت دیگر، این مناطق، به واسطه‌ی قدرت اقتصادی و تقسیم فیزیکی میان مراکز، تعادل قابل توجه و یا سلسله مراتب پایین در میان شهرها، مشخص می‌شوند (برززی و ونری^۶، ۲۰۱۴، ص. ۹). به بیان دیگر، این مناطق به طور دقیق، به جهانی‌سازی معاصر مربوط می‌شوند یعنی، زمانی که، شهرهای مجاور اما متمایز، به یک منطقه وسیع تر تبدیل می‌شوند. قابل ذکر است که، مفهوم مناطق شهری چند مرکزی، به سادگی به یک منطقه چند وجهی متشکل از چندین شهر اشاره نمی‌کند بلکه، شامل دیدگاه ویژه‌ای از تعادل نسبی در اهمیت شهرهای مختلف در منطقه می‌شود (لی^۷ و همکاران، ۲۰۱۷، ص. ۲). ابعاد مناطق شهری چند مرکزی شامل دو بعد: توصیفی و هنجاری است، که در اینجا به تشریح دو جنبه از بعد توصیفی پرداخته شده است، که عبارتند از:

۱. ابعاد مورفولوژیکی^۸: ساده‌ترین تعریف

مورفولوژیکی از چندین مرکزیت این است که، یک منطقه مشخص را می‌توان به عنوان چند گانه‌ای در نظر گرفت که اگر شامل دو یا چند مرکز باشد، جمعیت و اشتغال به میزان قابل ملاحظه‌ای به یک مرکز واحد متمرکز نشوند. به بیان دیگر، ابعاد مورفولوژیکی چند مرکزی، بر اندازه و توزیع مراکز شهری در فضا متمرکز است (راهات^۹، ۲۰۱۶، ص. ۳). در واقع، بعد مورفولوژیک، به تعادل نسبی در

6. Brezzi & Veneri

7. Li

8. Morphological Dimensions

9. Rauhut

1. Klaasen

2. Network Kinetic Criterion

3. Dupuy

4. Network Adaptive Criterion

5. Policentric Urban Area

اهمیت کلی شهرها اشاره دارد و می‌تواند، با اندازه جمعیت، خروجی‌های اقتصادی و... اندازه‌گیری شود (لی و همکاران، ۲۰۱۷، ص. ۳).

۲. **ابعاد عملکردی**^۱: بعد ارتباطی که، از آن به عنوان، چند مرکزیتی عملکردی یاد می‌شود، کمتر بر ویژگی‌های داخلی مراکز مانند اندازه، تراکم و... تمرکز می‌کند و بیشتر در مورد این مراکز شهری با فراهم آوردن توابع، که سلسله مراتب ارضی را شکل می‌دهند، بقیه سرزمین را سازماندهی می‌کنند (برزری و ونری، ۲۰۱۴، ص. ۵؛ راهات، ۲۰۱۶، ص. ۴). به بیان دیگر، یک منطقه شهری تنها زمانی می‌تواند به عنوان یک شهر چند مرکزیتی عملکردی در نظر گرفته شود که، شهرها به شدت وابسته به عملکرد باشند، که گاهی اوقات آن را "چندین مرکزیت ارتباطی" یا "چندین مرکزیت عملکردی" می‌نامند (میجرز و برگر، ۲۰۱۰، ص. ۱۱).

۳.۲.۱. گونه‌بندی و سیر تکوینی ساختار چندمرکزی - شبکه‌ای

سیستم چند هسته‌ای، یک سیستم همپوشان جغرافیایی که بازیگران (ساکنین یا شرکت‌ها) می‌توانند توسط چند مرکزی با عملکردهای هم متجانس و هم متفاوت خدمات‌رسانی شوند. این تأکیدات دقیق محققان پیشین را در صفاتی که آنها برای محدود کردن معنای ضمنی چندمرکزیتی عملکردی مانند «به شدت مرتبط»، «به لحاظ عملکردی وابسته»، «اتصال عملکردی» و «مکمل بودن عملکردی» به کار می‌برند، نشان می‌دهد. بنابراین، می‌توان از اصطلاح

«یکپارچه» برای اشاره به این جنبه از چندمرکزیتی استفاده کرد. ویژگی مهم دیگری که پایه‌های بنیادین این مفهوم را تشکیل می‌دهد، الگوی متعادل مراکز و جریان‌هایی است که آن را می‌سازند. در تحقیقات پیشین، این مشخصه معمولاً با عبارت «بدون هیچ مرکز غالب» (بیلی و تروک^۳، ۲۰۰۱، ص. ۷۰۱)، «بدون رتبه‌بندی سلسله‌مراتبی روشن» (داودی^۴، ۲۰۰۳، ص. ۹۸۳)، «تعدلی معین در مرکزیت مراکز تشکیل دهنده آن» (هانسز^۵ و همکاران، ۲۰۱۴، ص. ۱۹۴۴)، «به یک اندازه مهم» (برگر، ون‌درنپ و وال^۶، ۲۰۱۴، ص. ۸۳۲؛ لـو، درودر و وو^۷، ۲۰۱۶، ص. ۸۳۵)، «توزیع نسبتاً برابر اهمیت» (لو و وانگ^۸، ۲۰۱۶، ص. ۱۶) و غیره انعکاس یافته است. هر دو مشخصه چندمرکزیتی را از مفاهیم مشابه دیگر متمایز می‌کند. یکپارچگی مرز بین سیستم‌های چندمرکزی عملکردی و سیستم‌هایی که درجه معینی از چندمرکزی مورفولوژیک را با خود دارند، ترسیم می‌کند و تعادل آنها را از سیستم‌های شهری سلسله‌مراتبی متمایز می‌کند. الگوی پسرانه‌های مشترک یا همپوشان می‌توان برای روش واحدی برای سنجش این دو مشخصه به طور همزمان استفاده شود. مشخصاً، همپوشانی پسرانه‌های میان مراکز برای هر دو الگوی یکپارچه و متعادل که یک منطقه چندمرکزی عملکردی را تشکیل می‌دهند، همسنگ و برابر است. فرایند چندمرکزی شدن با الگوی بدون

3. Bailey & Turok

4. Davoudi

5. Hanssens

6. Burger, Van Der Knaap, & Wall

7. Liu, Derudder & Wu

8. Liu & Wang

1. Functional dimensions

2. Meijers & Burger

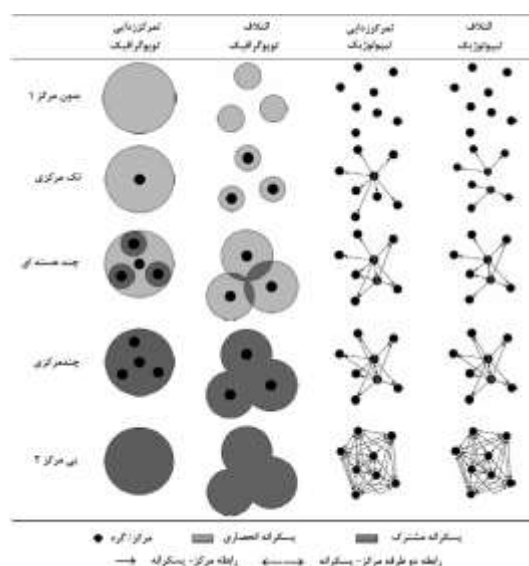
شبکه است^۳. اطلاعات مورد نیاز این پژوهش از طریق، دو دسته از داده های اسنادی و جریانی (مبدا- مقصدی) جمع آوری شده است. داده های جریانی از آمارهای سازمان حمل و نقل و راهداری جاده های کشور در سال ۹۲ و ۹۸ و اطلاعات جمعیتی از سالنامه آماری استان مازندران استخراج شده است. در این میان، نتایج به دست آمده از این پژوهش حاصل محاسبه مولفه ها و شاخص های مورفولوژیک، عملکردی و همچنین شاخص تحلیل شبکه اجتماعی است.

۲.۲. متغیرها و شاخص های پژوهش

مولفه ها و شاخص های این پژوهش به شرح زیر در دو بخش مورفولوژیک و شبکه اجتماعی معرفی شده اند (جدول ۱ و ۲).

۳. در طول چند دهه گذشته، محققان مفهوم شبکه ها را هم به استعاره و هم مدل آماری رسمی برای درک سازمان و ساختار نظام های شهری مدرن پذیرفته اند، اما چالش مهم پیش روی آنها درخصوص مطالعه شبکه های شهری، پاسخ به یک پرسش اساسی بوده است: چگونه می توان پیوند بین شهرها را عملیاتی کرد؟ برخی از محققان، استنباط روابط بین شهری را بر پایه سازمان ها و نهادهای مستقر در درون شهرها پیشنهاد کرده اند. در این راه حل، مرکزیت شهرها در شبکه ی شهری با برخی از ویژگی های درونی آنها برابر است. این ویژگی ها طیفی را به وجود می آورند که از یک سو، می تواند دربردارنده مجموعه ای از کارکردهای سیاسی، فرهنگی و مالی (هال، ۱۹۶۶، ص ۲۲-۲۸؛ رید، ۱۹۸۱، ص ۴۲) باشد و از سوی دیگر و به صورت محدودتر، تمرکز تعداد دفاتر اصلی شرکت های خدماتی (ساسن، ۲۰۰۱، ص ۲۱؛ فریدمن، ۱۹۸۶) یا حتی تعداد رویدادهای تماشایی، مانند: بازی های المپیک یا برگزاری تور جهانی گروه رولینگ استونز در سال ۱۹۹۵ (شورت و همکاران، ۱۹۹۶) را مورد توجه قرار دهد.

مرکز منزوی شروع می شود، از طریق سه مرحله تک مرکزی بودن، چند هسته ای شدن و چندمرکزی می-گردد و به الگوی بدون مرکز یکپارچه می رسد (شکل ۲). این فرایند می تواند هم در فضای توپوگرافیک و هم ریخت شناسانه مشاهده شود و می تواند یا با تمرکززدایی یا با ائتلاف به وجود بیاید (شو^۱ و همکاران، ۲۰۱۹).



شکل ۲. مراحل شکل گیری منطقه چندمرکزی

مأخذ: (شو^۲ و همکاران، ۲۰۱۹).

۲. روش شناسی پژوهش

۲.۱. روش پژوهش

این پژوهش از نقطه نظر پارادایم های تحقیق، اثبات گرایانه و از نوع، تحقیقات کاربردی و با بهره گیری از روش توصیف - تحلیلی و ابزار تحلیل

1. Shu

2. Shu

جدول ۱. مولفه‌ها و شاخص‌های مورفولوژیک

مولفه	شاخص	فرمول	توضیحات
توزیع اندازه شهرها	نخست شهری	$Weight = \frac{Pop1}{\sum_{n=1}^N Pop n}$	اگر رقم حاصله، بیش از یک باشد نشان دهنده: تسلط نخست شهری است و اگر کمتر از یک باشد بیانگر، تسلط شهرهای میانی و کوچک است (زبردست، ۱۳۸۶، ص. ۳۴).
توزیع اندازه شهرها	رتبه اندازه	$ln pop = a + \beta ln rank$	مطابق این فرمول، ارزش پایین‌تر بی، سطح بالاتر چند مرکزیتی را نشان می‌دهد. به موجب این قانون، دومین شهر بزرگ در منظومه شهری جمعیتی معادل نصف جمعیت شهر اول و سومین شهر از جمعیتی معادل یک سوم بزرگترین شهر برخوردار است (لطفی، ۱۳۸۷، ص. ۶۴).
شدت روابط	گرین	$OP = 1 - s \frac{f}{s} f max$	این شاخص در بازه‌ای بین ۰ تا ۱ تعریف می‌شود که، ارزش ۱ نمایانگر تک مرکزی کامل و ارزش ۰ معرف، چند مرکزی کامل است (گرین، ۲۰۰۷، ص. ۲۰۸۴).
توزیع روابط	آنتروپی	$EI = - \sum_{i=1}^l \frac{(Z_i) \ln(Z_i)}{\ln(L)}$	شاخص تعاملات بین مراکز را بین بازه‌ی ۰ و ۱ نشان می‌دهد ارزش‌های حاصل که به ۰ نزدیک باشند، نمایانگر، جهت‌گیری قوی پیوندها به سوی یک مرکز هستند ازاین رو یک منطقه‌ی تک مرکزی قوی را تعریف می‌کند در مقابل، ارزش‌های نزدیک به ۱، بیانگر آنتروپی شدید پیوندهای منطقه می‌باشند که ساختار چندمرکزی را نشان می‌دهند (زبردست، ۱۳۸۶، ص. ۳۶).

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

جدول ۲. مولفه‌ها و شاخص‌های تحلیل شبکه اجتماعی

مولفه	شاخص	فرمول
مرکزیت و تسلط رئوس	۱. مرکزیت شبکه ۲. مرکزیت میانی ۳. مرکزیت نزدیکی ۴. مرکزیت وزنی بردار آیگن	$= \sum_{j=1}^N a_{ij} s_{ij} S_i$ $= \frac{\sum_j g_{jik}}{\sum_j g_{jk} C_i^B}$ $= \frac{n-1}{\sum_j d_{ij} C_i^N}$ $= \sum_j a_{ij} C_j^S C_i^{IS}$

مؤلفه	شاخص	فرمول
همبستگی شبکه	۱. تراکم ۲. مرکزیت خطی ۳. مرکزیت میانی ۴. مرکزیت نزدیکی ۵. مرکزیت خطی بردار آنگن ۶. ضریب خوشه‌ای شدن ۷. ضریب انتقال پذیری	$\frac{\sum_j a_{ij}}{(n-1)n}$ $D = \frac{\sum_j (k_j \max - k_j)}{\sum_j (k_j \max - k_j)}$ $C = \frac{\sum_j (c_j^B \max - c_i^B)}{\sum_j (c_j^B \max - c_i^B)} C^B$ $= \frac{\sum_j (c_j^N \max - c_i^N)}{\sum_j (c_j^N \max - c_i^N)} C^N$ $= \frac{\sum_j (c_j^1 \max - c_i^1)}{\sum_j (c_j^1 \max - c_i^1)} C^1$ $= \frac{1}{n} \sum_i C_i^c C^c$ $= \frac{6 \times \text{تعداد سه گوشه ها در شبکه}}{\text{تعداد مسیرهای با طول دو}} C^T$
شدت شبکه	۱. مرکزیت وزنی ۲. مرکزیت وزنی بردار آنگن ۳. ضریب خوشه‌ای وزنی	$\frac{\sum_j (s_j \max - s_j)}{\sum_j (s_j \max - s_j)} C^S$ $= \frac{\sum_j (c_j^{IS} \max - c_i^{IS})}{\sum_j (c_j^{IS} \max - c_i^{IS})} C^{IS}$ $= \frac{1}{s_i (K_i - 1)} \sum_{j,h} \frac{s_{ij} + s_{ih}}{2} a_{ij} a_{ih} a_{jh} C^{CW}$
تقارن و سازواری شبکه	۱. تقارن رؤس ۲. تقارن برهم کنش	$= \sqrt{\sum_{k \neq i,j} (A_{ik} - A_{jk})^2} d_{ij}$ $= \frac{\# \text{ internal edges of } C}{\frac{n_c (n_c - 1)}{2}} \delta_{int} (C)$ $= \frac{\# \text{ inter-cluster edges of } C}{n_c (n - n_c)} \delta_{ext} (C)$

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

۲.۳. قلمرو جغرافیایی پژوهش

استان مازندران، در شمال کشور جمهوری اسلامی ایران و با وسعتی معادل ۲۳۷۵۶/۴ کیلومتر مربع، حدود ۱/۴۶ درصد از مساحت کشور را در برداشته و از این حیث، هجدهمین استان کشور محسوب می‌گردد. براساس سرشماری سال ۱۳۹۵ تراکم نسبی جمعیت استان ۱۳۸ نفر در هر کیلومتر مربع می‌باشد که از این منظر، چهارمین استان کشور می‌باشد. به

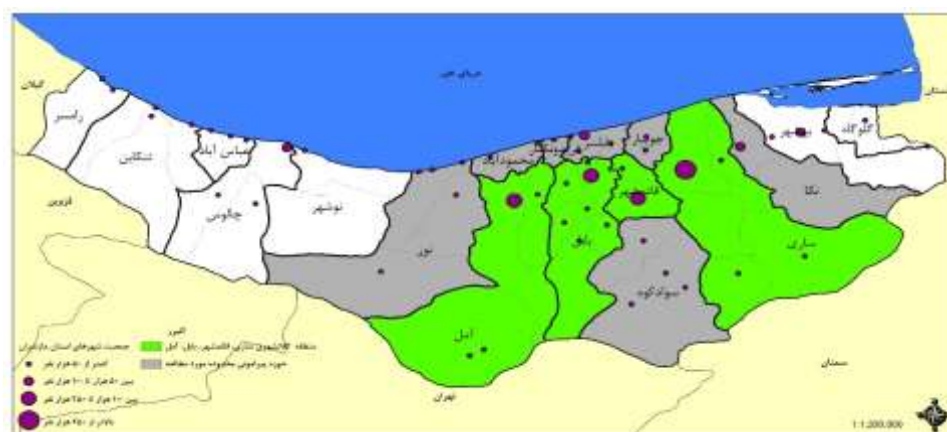
طوری که، طی دوره‌ی ۱۳۶۵-۱۳۹۵ با تغییرات جمعیتی بسیاری مواجه بوده است (جدول ۳) که این امر، به ایجاد تغییرات در ساختار فضایی منجر شده است. از آنجایی که، اسناد سیاسی و برنامه‌ریزی کشور، از طرح بهره‌وری سرزمین ستیران تا طرح منطقه‌ای گیلان - مازندران و طرح پایه مقدماتی آمایش سرزمین کشور سال ۱۳۸۵، چهار شهر آمل، بابل، ساری و قائمشهر را به عنوان، سیستمی یکپارچه

در نظر گرفته‌اند (شکل ۳) در این راستا، شبکه شهری چند مرکزی مازندران مرکزی منطبق بر این چهار شهرستان تعریف شده است (لفظی و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۲۰۴).

جدول ۳. تقسیمات سیاسی شبکه شهری چند مرکزی محدوده مطالعاتی در سال ۱۳۹۵

شهرستان	مساحت (کیلومتر)	تعداد آبادی	تعداد دهستان	تعداد بخش	تعداد آبادی	رتبه در استان
استان	۳/۲۸۳/۵۸۲	۳۶۰۸	۱۳۱	۵۶	۳۶۰۸	-
آمل	۳۰۷۴/۴	۳۷۴	۱۱	۵	۳۷۴	۳
بابل	۱۵۷۸/۱	۶۷۳	۱۳	۶	۶۷۳	۲
ساری	۳۲۴۸/۴	۴۰۱	۱۵	۶	۴۰۱	۱
قائم‌شهر	۳۷۱	۱۱۵	۵	۱	۱۱۵	۴
مجموع	۸۲۷۱/۹	۱۵۶۳	۴۴	۱۸	۱۵۶۳	-

مأخذ: (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵، ص. ۱۸)



شکل ۳. موقعیت منطقه شهری مازندران مرکزی

مأخذ: (لفظی و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۲۰۹)

۳. یافته‌های پژوهش

۳.۱. تحلیل رهیافت‌های سنتی^۱ (اندازه مبنای) با سنجش شاخص‌های مرفولوژیک در شبکه شهری چند مرکزی مازندران مرکزی

از آنجایی که، به لحاظ برتری و اهمیت شهرها بر یکدیگر در شبکه شهری مازندران مرکزی، شهرستان

۱. این رهیافت معطوف به، سطح تمرکز فعالیت‌ها و یا کارکردها در یک مکان است.

2. Size-based

ساری در طی چهار دهه سرشماری پیشین (۱۳۵۵-۱۳۸۵) به دلیل، وجود درصد بالای اشتغال در بخش صنعت (۲۸/۳٪) و بخش خدمات (۴۷٪)، تمرکز زیاد مراکز اداری و کارکردهای درمانی فوق تخصصی با عملکرد منطقه‌ای، وجود شهرک‌های صنعتی، فرودگاه و در نهایت، راه‌آهن تهران-شمال که، از جمله عوامل موثر در تمرکز جمعیتی شهرستان ساری است سبب شده که این شهرستان از نظر شمار جمعیت، جایگاه خود را به عنوان، شهر نخست استان تثبیت

کند. پس از این دوره، نظام شهری، در یک روند رقابتی بین شهرستان بابل و آمل سمت و سو یافت. به طوری که، شهرستان آمل در طی سه دوره سرشماری (۱۳۵۵-۱۳۷۵)، جایگاه دوم را در استان به دلیل، وجود شهرک‌های صنعتی و درصد بالای اشتغال در بخش صنعت (۳۰٪) و در بخش کشاورزی (۲۶٪) به خود اختصاص داده بود. اما، در طی سال ۱۳۸۵، این شهرستان جایگاه دومی خود را به شهرستان بابل اختصاص داد. علت این امر، تمرکز زیاد خدمات با عملکرد منطقه‌ای و افزایش تعداد شهرک‌های صنعتی بود. از طرف دیگر، افزایش تعداد نقاط شهری در شهرستان بابل که بیشتر ناشی از، ادغام روستاها به شهر بوده و همچنین، تبدیل تعدادی از نقاط روستایی به شهر در این راستا بسیار موثر بوده است.

به طوری که، روند برتری شهرستان بابل در گذر از این دهه، و براساس آخرین سرشماری جمعیت در طی سال ۹۵، با جمعیتی بالغ بر ۵۳۱۹۳۰ نفر، جایگاه خود را از رتبه دوم در سطح استان به عنوان، رتبه نخست استان تثبیت نمود (سالنامه آماری استان مازندران فصل دوم، ۱۳۹۶: ۱۲۹) و برای اولین بار در تاریخ رتبه بندی شهرهای برتر استان، شمار جمعیت شهرستان بابل، از شهرستان ساری پیشی گرفت. با توجه به این تفاسیر و همچنین، با توجه به نتایج به دست آمده از شاخص نخست شهری، علی رغم برتری و جایگاه نخست استان برای شهرستان بابل، رقم حاصله از این شاخص که بیانگر، توزیع اندازه بین شهرها است، برابر با ۰/۱۶ به دست آمده است. از آنجایی که، اگر رقم حاصل از این شاخص، بیشتر از

یک باشد، نشان دهنده تسلط نخست شهری یا تک مرکزی است و در صورتی که، کمتر از یک باشد؛ بیانگر، تسلط شهرهای میانی و کوچک یا به بیانی، تسلط چند مرکزی است بنابراین، رقم حاصله بیانگر، عدم تمرکز و برتری شهری خاص در شبکه‌ی شهری مازندران مرکزی و یا به عبارتی، توزیع متوازن جمعیت شهرهای واقع در این شبکه است. همچنین، شاخص دیگری که، برای اندازه‌گیری درجه چند مرکزی مرفولوژیک در شبکه شهری مازندران مرکزی مورد سنجش قرار می‌گیرد، شاخص رتبه-اندازه است. از آنجایی که، ارزش پایین‌تر شیب بتا^۱ در این شاخص، سطح بالاتر چند مرکزی را نشان می‌دهد، بنابراین، رقم حاصل از محاسبه‌ی این شاخص بیانگر، میزان چند مرکزی بیشتر در شبکه‌ی شهری مازندران مرکزی است. همچنین، مقایسه‌ی نتایج حاصل از این شاخص و شاخص نخست شهری نسبت به سال‌های قبل نشان دهنده؛ کاهش این رقم در شبکه شهری مازندران مرکزی است. به طوری که، جدول (۴)، نشان از نتایج حاصل از این دو شاخص دارد.

۱. شیب بتا در شاخص رتبه اندازه، سطح سلسله مراتبی و یا سطح چند مرکزی را در داخل یک منطقه مشخص می‌کند.

جدول ۴. نتایج شاخص مرفولوژیک در شبکه شهری مازندران مرکزی ۱۳۹۵

شهرستان	جمعیت شهرستان	جمعیت شهر	رتبه شهر	شاخص ۱: نخست شهری	شاخص ۲: رتبه_اندازه
ساری	۵۰۴۲۹۸	۳۱۴۵۲۹	۱		۰/۰۰
بابل	۵۳۱۹۳۰	۳۰۵۵۷۸	۲		-۰/۰۴
آمل	۴۰۱۶۳۹	۲۴۶۳۵۵	۳	۰/۱۶	-۰/۲۳
قائم شهر	۳۰۹۱۹۹	۲۱۵۲۸۰	۴		-۰/۲۸

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

۳.۲. تحلیل رهیافت‌های نوین^۱ (شبکه مبنای) با
سنجش شاخص‌های عملکردی در شبکه شهری
چند مرکزیت مازندران مرکزی:

از آنجایی که شاخص گرین برای، سنجش شدت روابط در شبکه بین شهرها به کار می‌رود و یک شاخص چند مرکزی عمومی است، با استفاده از مفاهیم تحلیل شبکه، روابط بین گره‌های شهری را کمی می‌کند و با استفاده از جریان‌های روزانه، درجه درونی را به عنوان، مرکزیت هر گره در نظر می‌گیرد و بدین طریق، توزیع مرکزیت‌ها را درون منطقه تعریف می‌کند. به عبارتی، حاصل این شاخص، هر چقدر به صفر نزدیک‌تر باشد نمایانگر؛ یک منطقه‌ی شهری چند مرکزیتی است. براین اساس، مجموعه شهری آمل، بابل، قائمشهر و ساری از این منظر، یک منطقه‌ی شهری چند مرکزی محسوب می‌شوند زیرا، رقم حاصل از این شاخص برابر با ۰/۱۲ است (جدول ۵) که نشانی از این روند در شبکه شهری مازندران مرکزی است. از طرف دیگر، بررسی

جریان‌های روزانه مراکز اصلی منطقه از عدم جهت‌گیری آشکار این جریان‌ها به سمت یک مرکز خاص حکایت دارد. به بیان دیگر، روابط عملکردی حاکم بر شبکه شهری مازندران مرکزی از توزیع متوازن و یکنواختی برخوردار است. به طوری که، محاسبه‌ی شاخص آنتروپی و رقم حاصل از این شاخص، صحتی بر این مدعا است. زیرا، از آنجایی که این شاخص یک معیار ناپارامتری برای نشان دادن تعادل در توزیع شبکه است و هرچه میزان شاخص بیشتر شود، یا به عبارتی، هرچه رقم حاصل از این شاخص به عدد یک نزدیک تر شود، نشان می‌دهد؛ توزیع شبکه به سمت تعادل در حرکت است و چون رقم حاصل از شاخص آنتروپی در اینجا عدد ۰/۸۷ به دست آمده است، بنابراین، توزیع جریان‌ها در شبکه شهری مازندران مرکزی تا حدی متوازن است.

۱. این رهیافت بر، تعاملات حقیقی که دو نقطه مختلف را به هم پیوند می‌دهد نظیر: جریان افراد، جریان سرمایه و جریان اطلاعات تمرکز دارد.

جدول ۵. نتایج شاخص‌های عملکردی در شبکه شهری مازندران مرکزی (۱۳۹۵)

شهرستان	جمعیت شهرستان	جمعیت شهر	رتبه شهر	شاخص آنترپی	شاخص گرین
ساری	۵۰۴۲۹۸	۳۱۴۵۲۹	۱		
بابل	۵۳۱۹۳۰	۳۰۵۵۷۸	۲		
آمل	۴۰۱۶۳۹	۲۴۶۳۵۵	۳	۰/۸۷	۰/۱۲
قائم‌شهر	۳۰۹۱۹۹	۲۱۵۲۸۰	۴		

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

۳.۳. تحلیل مولفه‌ها و شاخص‌های شبکه

اجتماعی

۳.۳.۱. همبستگی شبکه

شاخص تراکم شبکه^۱ در یک گراف جهت‌دار به وسیله نسبت تعداد کمان‌های موجود به بیشترین تعداد کمان‌های ممکن در این شبکه بیان می‌شود. درواقع، یک شبکه کامل شبکه‌ای با حداکثر تراکم است. حاصل به دست‌آمده از محاسبه‌ی شاخص تراکم شبکه عددی برابر با، یک است که این گراف بیانگر این امر است که، همه‌ی شهرهای این منطقه باهم پیوند دارند به طوری که، از ۸ تا شهر مورد توجه این پژوهش، ۵۶ تا پیوند وجود دارد. اما، از جهتی، حاصل دیگری که از محاسبه‌ی شاخص تراکم شبکه به دست آمده، برابر با ۰/۳۵ است. نتیجه‌ای که از این گراف حاصل می‌شود نشان می‌دهد؛ بعضی از این پیوندها غیر مستقیم است زیرا، مورفولوژی شبکه شهری استان مازندران علی‌رغم اینکه، در میان بعضی شهرها به صورت پیوند شبکه‌ای نمود پیدا می‌کند، اما، فرم خطی بعضی دیگر از شهرها، مانع از ایجاد پیوند شبکه‌ای میان آنها می‌شود. مثال ساده برای این

روند شهرهای جویبار، ساری و قائمشهر یا شهرهای قائمشهر، بابل و آمل است که فرم این شهرها به صورت؛ مثالی یا شبکه شهری چند مرکزیت نمود پیدا کرده است اما عکس این روند، ارتباط شهر محمودآباد یا فریدونکنار با شهر ساری است، که یک پیوند غیرمستقیم را نشان می‌دهد چرا که، برای گذر از این شهرها و رسیدن به شهر ساری، عبور از ساختار خطی شهرهای میانی این منطقه الزامی است. از طرفی، در تحلیل ساختار کلان الگوهای فضایی، یکی از مولفه‌های معرفی شده در فصول پیشین، مولفه همبستگی شبکه است که سطح ائتلاف و یکپارچگی جریان و چگونگی پراکنش آن را در طول نقاط به طور آماری مورد تحلیل قرار می‌دهد. برخی از شاخص‌های معرفی شده ذیل این مولفه به صورت توپولوژیکی و برخی دیگر به صورت وزنی قابل محاسبه و ارزیابی است. مؤلفه همبستگی شبکه از جمع مقادیر هفت شاخص تعریف شده‌ی ذیل آن محاسبه شده است. نکته آنکه، در تمامی شاخص‌ها، به استثنای سه شاخص: تراکم شبکه، ضریب خوشه‌ای شدن شبکه و ضریب انتقال پذیری شبکه، مقادیر بیشتر نشان دهنده‌ی، همبستگی کمتر است.

همچنین، نتیجه‌ی حاصل از این مؤلفه، دستیابی به چشم‌اندازی کلی از الگوی فضایی و پیکره‌بندی شبکه‌های جریانی در طیفی پیوسته از حالت کاملاً گسسته (که در آن هیچ یک از رؤوس با یکدیگر پیوندی ندارند) تا کاملاً همبسته و شبکه‌ای (که در آن همه رؤوس دارای حداکثر پیوند ممکن با یکدیگر هستند)، است.

درجه یک راس برابر تعداد خطوطی است که با آن تلاقی کرده‌اند. درجه درونی یک راس برابر تعداد کمان‌هایی است که به آن وارد شده‌اند و درجه بیرونی هر راس برابر تعداد کمان‌هایی است که از این راس خارج شده‌اند. مطابق جدول، آمارهای توصیفی به دست آمده برای گراف جهت‌دار نشان می‌دهد، میانگین درجه بیرونی رؤوس $0/372$ و درجه درونی رؤوس $0/398$ ، انحراف معیار درجه درونی $0/377$ و درجه بیرونی $0/365$ ، همچنین مجموع تمامی رؤوس در درجه درونی برابر با $3/18$ و در درجه بیرونی برابر با $2/97$ ، از طرفی کمینه درجه درونی رؤوس

برابر با $0/176$ و کمینه درجه بیرونی رؤوس برابر با $0/139$ و در مقابل بیشینه درجه درونی رؤوس یک و بیشینه درجه بیرونی رؤوس نیز رقم یک به دست آمده است (جدول ۶). به عبارتی، اختلاف اندک بین حداقل و حداکثر داده‌ها بیانگر این واقعیت است که، توزیع یکنواخت‌تری از درجه رؤوس در شبکه وجود دارد، به طوری که، اغلب رؤوس دارای درجه بالا هستند. این نتیجه، به خوبی بیانگر، وجود ساختار شبکه‌ای یا جزیره‌ای در ابعاد توپولوژیکی شبکه است. میانگین ضریب خوشه بندی به دست آمده از گراف جهت‌دار توپولوژیکی برای هر رؤوس برابر با $0/353$ به دست آمده است.

می‌توان نتیجه گرفت: بالا بودن میانگین ضریب خوشه‌ای شدن توپولوژیکی، از بالا بودن تعداد سه گوشه‌ها در شبکه و شدت خوشه‌ای شدن آن حکایت دارد و در نتیجه، حضور ساختار شبکه‌ای را به اثبات می‌رساند.

جدول ۶. همبستگی شبکه در شبکه شهری منطقه مازندران مرکزی

شاخص	درجه مرکزیت		مرکزیت میانی	مرکزیت نزدیکی		ضریب خوشه‌ای شدن	مرکزیت خطی بردار ویژه	ضریب انتقال پذیری	تراکم شبکه
	بیرونی	درونی		بیرونی	درونی				
میانگین	$0/398$	$0/372$	$0/38$	$0/78$	$0/78$	$0/353$	$0/717$	-	-
انحراف معیار	$0/377$	$0/365$	$0/37$	$0/14$	$0/13$	$0/36$	$0/21$	-	-
مجموع	$3/18$	$2/97$	۳	$6/25$	$6/21$	$2/83$	$5/74$	-	-
واریانس	$0/124$	$0/117$	$0/11$	$0/016$	$0/016$	$0/11$	$0/04$	-	-
کمینه	$0/176$	$0/139$	۰	$0/62$	$0/62$	۰	$0/4$	-	-
بیشینه	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	-	-
مرکزیت شبکه	$0/68$	$0/72$	$0/71$	$0/24$	$0/29$	$0/61$	$0/322$	$3/6$	$0/135$

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

۲.۳.۳. مولفه مرکزیت و تسلط رئوس

یکی از ویژگی‌های تپولوژیک شبکه‌ها، توزیع وزنی رئوس آنهاست. درجه هر یک از شهرهای استان، در یک گراف جهت‌دار وزنی ارائه شده است. آمارهای توصیفی به دست‌آمده از این گراف جهت‌دار وزنی، پیرامون توزیع درجه وزنی رئوس نشان می‌دهد، بیشترین تعداد مسافر خارج شده با ۱۸۶۶۳۱۸ نفر و بیشترین تعداد مسافر وارد شده با ۱۷۰۶۲۲۴ نفر، هر دو مربوط به شهر بابل است به طوری که، میانگین مرکزیت وزنی شهر بابل با کسب امتیاز یک، جایگاه اول را در میان شهرهای استان به خود اختصاص داد. در این میان، کمترین تعداد مسافر

خارج شده با ۲۵۸۹۹۸ نفر مربوط به شهر فریدونکنار است. از طرفی، نتایج به دست‌آمده از محاسبه میانگین مرکزیت وزنی رئوس نشان‌دهنده این امر است که دو شهر محمودآباد و جویبار با کسب امتیاز ۰/۱۷۳ جایگاه مساوی را در میان دیگر شهرها برای کمترین تعداد مسافر وارد شده و خارج شده به دست آوردند (جدول ۷). می‌توان نتیجه گرفت: اختلاف میان این شهرها کم است و همچنین، پیکربندی فضایی که شبکه شهری از آن تبعیت می‌کند، به الگوی چند مرکزیتی نزدیک‌تر می‌باشد.

جدول ۷. مرکزیت وزنی و تپولوژیک در شبکه شهری منطقه مازندران مرکزی

شهر	مرکزیت تپولوژیک		مرکزیت وزنی		مرکزیت وزنی نرمال شده		مرکزیت وزنی
	بیرونی	درونی	بیرونی	درونی	بیرونی	درونی	میانگین
آمل	۲	۲	۱۱۶۰۰۴۳	۷۸۶۷۵۹	۰/۶۷۹	۰/۴۱۸	۰/۵۴۸
محمودآباد	۲	۲	۳۵۰۴۵۷	۲۵۸۹۹۸	۰/۲۰۷	۰/۱۳۹	۰/۱۷۳
بابل	۳	۳	۱۷۰۶۲۲۴	۱۸۶۶۳۱۸	۱	۱	۱
بابلسر	۳	۳	۶۷۰۱۹۵	۷۱۰۸۸۳	۰/۳۹۸	۰/۳۸۵	۰/۳۹۱
فریدونکنار	۲	۲	۳۱۷۴۹۷	۳۳۵۵۶۴	۰/۱۸۹	۰/۱۸۲	۰/۱۸۵
ساری	۲	۲	۱۳۹۵۵۰۰	۱۵۲۵۸۵۹	۰/۸۰۰	۰/۸۰۱	۰/۸۰۰
قائم‌شهر	۳	۳	۱۰۱۳۳۶۵	۱۰۹۳۲۹۲	۰/۵۸۶	۰/۵۷۸	۰/۵۸۲
جویبار	۳	۳	۳۰۱۲۳۳	۳۲۱۲۸۶	۰/۱۷۶	۰/۱۷۱	۰/۱۷۳

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

همچنین، نتایج به دست‌آمده از جدول (۷) نشان می‌دهد، شهر بابل با کسب امتیاز ۱ در مرکزیت میانی، جایگاه اول را در سطح استان به خود اختصاص داده است. در صورتی که، این رقم نمی‌تواند دلیل بر برتری این شهر نسبت به دیگر شهرها باشد بلکه، این

اختلاف به سبب آن است که، برای رسیدن از هر راس شبکه به راس دیگر، عبور از راس بابل الزامی است همین موضوع سبب بالا رفتن امتیاز مرکزیت میانی راس بابل شده است. به بیان دیگر، شهر بابل، راه رسیدن از هر نقطه‌ی شبکه را تنها از طریق خود

میسر می‌کند. در این میان، شهر ساری و جویبار چون مسیرهای جایگزین کوتاه تری دارند، لذا، مرکزیت میانی آنها برابر با صفر شده است. اما، شهر قائمشهر با امتیاز ۰/۷ در جایگاه دوم و بعد آن، شهر بابلسر با امتیاز ۰/۶ در جایگاه سوم قرار گرفته است. دلیل این امر ناشی از آن است که، درجه مرکزیت میانی بیش از هر چیزی با درجه رئوس واقع در همسایگی آن مرتبط است. به بیان دیگر، چون شهر قائمشهر و بابلسر در همسایگی شهر بابل قرار گرفته است، بدین دلیل این دو شهر به ترتیب جایگاه دومی و سومی را به خود اختصاص داده‌اند. این امر نشان می‌دهد، درجه مرکزیت میانی علاوه بر درجه رئوس با ساختار گراف نیز در ارتباط قرار می‌گیرد، به طوری که، برای دو راس با درجه برابر، مرکزیت میانی راسی که در ساختاری خطی و زنجیره‌ای قرار گرفته و دسترسی به رئوس انتهایی گراف را در سیطره خود دارد، بیش از راسی است که در ساختاری حلقوی قرار دارد. به عبارت دیگر، رئوسی که تنها راه رسیدن به نقاط انتهایی شبکه را فراهم می‌کنند حتی در صورت وجود درجه مرکزیت کمتر، از مرکزیت میانی بیشتری برخوردار می‌شوند. به این سبب است که گفته می‌شود درجه مرکزیت میانی بیش از آن که با درجه رئوس در ارتباط باشد با درجه رئوس واقع در همسایگی آن مرتبط است چرا که، رئوسی که دارای درجه مرکزیت پایینی هستند مسیرهای محدودی برای رسیدن از هر راس دیگر شبکه به آن‌ها وجود دارد که بسته به درجه آن، همه یا بخشی از آن‌ها از یک راس مشخص که عبور می‌کند که خود سبب؛ بالارفتن درجه مرکزیت میانی این راس مشخص

می‌شود. علاوه بر آن، مرکزیت نزدیکی شبکه تنها با درجه مرکزیت رئوس در ارتباط نیست، بلکه، ساختار و پیکره‌بندی شبکه هم در نتایج به دست‌آمده از آن تاثیرگذار است، به طوری که، برای شبکه‌های خطی و زنجیره‌ای مقادیر بالاتری از این شاخص به ویژه برای رئوسی که در پیوند با رئوس انتهایی قرار دارند بیشتر است، در حالی که، در مورد شبکه‌های ستاره‌ای شکل و قطبی مقادیر کمتری از این شاخص مورد انتظار است. همچنین ذکر این نکته ضروری است که هر چند هر دو شاخص مرکزیت میانی و نزدیکی رئوس با ساختار شبکه در ارتباط قرار می‌گیرند اما، درجه مرکزیت نزدیکی بیش از درجه مرکزیت میانی با درجه مرکزیت راس مورد تحلیل همبستگی دارد. در این میان، نتایج به دست‌آمده از مرکزیت نزدیکی برای هر رئوس با استفاده از گراف جهت‌دار توپولوژیکی نشان می‌دهد، شهر بابل با کسب امتیاز یک دارای بیشترین درجه مرکزیت درونی و بیرونی است. پس از آن، شهرهای بابلسر و قائمشهر به ترتیب در رتبه‌ی دوم و سوم قرار دارند.

یکی از مهم‌ترین نتایجی که در اینجا می‌توان به آنها دست یافت، این است که، در نظر گرفتن ویژگی‌های صفاتی نمی‌تواند به تنهایی بیانگر جایگاه و موقعیت شهرها در ساختار نظام شهری باشد، بلکه، شهرها به واسطه کارکردها و نقشی که در شبکه جریانات برعهده دارند، واجد جایگاه و موقعیت متفاوتی هستند. این جایگاه می‌تواند در مقایسه با جایگاه فضای مکانی، بالاتر یا پایین‌تر از آن باشد؛ بنابراین، درک ساختار نظام‌های شهری بدون نظر داشت رهیافت اندازه مینا و شبکه مینا به طورهمزمان،

ناقص بوده و تصویر ناتمامی از ساختارهای مکانی فضایی در اختیار می‌گذارد.

جدول ۸. مرکزیت و تسلط در شبکه شهری منطقه مازندران مرکزی

شهر	مرکزیت میانی	مرکزیت نزدیکی			مرکزیت بردار ویژه	مرکزیت و تسلط رؤس
		درونی	بیرونی	میانگین		
آمل	۰/۴	۰/۷۰	۰/۷۰	۰/۷۰	۰/۸۴	۲/۴۸
محمودآباد	۰/۱	۰/۶۳	۰/۶۳	۰/۶۳	۰/۵۳	۱/۴۳
بابل	۱	۱	۱	۱	۰/۸۳	۳/۸۳
بابلسر	۰/۶	۰/۹۰	۰/۸۹	۰/۸۹	۰/۶۵	۲/۵۳
فریدونکنار	۰/۲	۰/۸۳	۰/۸۲	۰/۸۲	۰/۴۰	۱/۶۰
ساری	۰	۰/۶۲	۰/۶۲	۰/۶۲	۰/۵۴	۱/۹۶
قائم شهر	۰/۷	۰/۸۶	۰/۸۵	۰/۸۵	۰/۹۵	۳/۰۸
جویبار	۰	۰/۷۱	۰/۷۱	۰/۷۱	۱	۱/۸۸

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

۳.۳.۳. مولفه شدت برهم کنش شبکه

از آنجایی که شاخص گرین برای، سنجش شدت روابط در شبکه بین شهرها به کار می‌رود و یک شاخص چند مرکزی عمومی است، با استفاده از مفاهیم تحلیل شبکه، روابط بین گره‌های شهری را کمی می‌کند. و با استفاده از جریان‌های روزانه، درجه درونی را به عنوان، مرکزیت هر گره در نظر می‌گیرد و بدین طریق، توزیع مرکزیت‌ها را درون منطقه تعریف می‌کند. به عبارتی، حاصل این شاخص، هر چقدر به صفر نزدیک تر باشد نمایانگر؛ یک منطقه‌ی شهری چند مرکزی است. براین اساس، مجموعه شهری آمل، بابل، قائمشهر و ساری از این منظر، یک منطقه‌ی شهری چند مرکزی محسوب می‌شوند زیرا، رقم حاصل از این شاخص برابر با ۰/۱۲ است که نشانی از این روند در شبکه شهری مازندران مرکزی است (جدول ۹).

از طرفی، مولفه شدت نسبی برهم کنش توسط، شاخص شدت نسبی برهم کنش و با استفاده از روش تحلیل پیوندهای چندگانه انجام می‌شود. برخلاف مؤلفه همبستگی شبکه، که شدت جریان متسبب به هر پیوند را در محاسبات وارد نمی‌کند، این مؤلفه، وجه تمرکز خود را بر سنجش چگونگی توزیع شدت جریان قرار می‌دهد. از این رو، شاخص‌هایی که در مؤلفه همبستگی شبکه به صورت توپولوژیکی محاسبه شده‌اند، در این مؤلفه از بعد وزنی محاسبه می‌شوند. با توجه به درجه مرکزیت وزنی در مولفه شدت شبکه، بیشینه درونی و بیرونی این درجه برابر با یک است که همچنان این برتری از میان این شهرها، به شهر بابل اختصاص دارد. در مقابل، کمینه درونی و بیرونی درجه مرکزیت وزنی در مولفه شدت شبکه به ترتیب برابر با ۰/۱۷۶ و ۰/۱۳۹ است که شهرهای فریدونکنار و محمودآباد همچنان این جایگاه را به خود اختصاص داده‌اند.

همچنین، نتیجه حاصل از مرکزیت وزنی بردار ویژه نشان داد: همانند دیگر شاخص‌ها، شهر قائمشهر از یک طرف، به دلیل همسایه بودن و مجاورت آن با شهر ساری که دارای رتبه‌ی خوبی در میان

شهرهاست، و از طرف دیگر با شهر بابل که در محاسبات تمام مولفه‌ها رتبه برتر را داشت و دارد، از جایگاه خوبی برخوردار است.

جدول ۹. شدت شبکه شهری منطقه مازندران مرکزی

مرکزیت وزنی بردار ویژه	درجه مرکزیت وزنی		شاخص گرین	
	بیرونی	درونی		
۰/۷۱۷	۰/۴۵۹	۰/۵۰۴	-	میانگین
۰/۲۱	۰/۳۱۵	۰/۳۱۱	-	انحراف معیار
۵/۷۴	۳/۶۷۵	۴/۰۳۴	-	مجموع
۰/۰۴	۰/۰۸۷	۰/۰۸۴	-	واریانس
۰/۴	۰/۱۳۹	۰/۱۷۶	-	کمینه
۱	۱	۱	-	بیشینه
۰/۳۲۲	۰/۶۱۸	۰/۵۷	۰/۱۲	مرکزیت شبکه

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

به دست آمده است، بنابراین، توزیع جریان‌ها در شبکه شهری مازندران مرکزی تا حدی متوازن است (جدول ۱۰).

از طرف دیگر، مؤلفه تقارن و سازواری شبکه، از جمع مقادیر دو شاخص تقارن برهم کنش و تقارن رئوس حاصل می‌شود. از آنجایی که، رقم حاصل از این دو شاخص برای شبکه شهری مازندران مرکزی، رقم بالایی به دست آمده، این رقم نشان می‌دهد؛ پیوند جهت‌دار میان شهرها به اندازه کافی رفت و برگشت دارند. به بیان دیگر، این رفت و برگشت میان شهرها، در ماهیت خود جریانی متقارن است؛ چرا که افراد به سبب وابستگی به محل سکونت دائم خود، به وجودآورنده‌ی جریان‌های رفت و برگشتی و متقارن در این شبکه شهری هستند. به عبارتی، در جریان

۳.۳. ۴. مولفه تقارن و سازواری شبکه شهری

بررسی جریان‌های روزانه مراکز اصلی منطقه از عدم جهت‌گیری آشکار این جریان‌ها به سمت یک مرکز خاص حکایت دارد. به بیان دیگر، روابط عملکردی حاکم بر شبکه شهری مازندران مرکزی از توزیع متوازن و یکنواختی برخوردار است. به طوری که، محاسبه‌ی شاخص آنتروپی و رقم حاصل از این شاخص، صحتی بر این مدعا است. زیرا، از آنجایی که این شاخص یک معیار ناپارامتری برای نشان دادن تعادل در توزیع شبکه است و هرچه میزان شاخص بیشتر شود، یا به عبارتی، هرچه رقم حاصل از این شاخص به عدد یک نزدیک تر شود، نشان می‌دهد؛ توزیع شبکه به سمت تعادل در حرکت است و چون رقم حاصل از شاخص آنتروپی در اینجا عدد ۰/۸۷

جابجایی افراد در این شبکه شهری، هر رفتی دارای برگشتی است. به طوری که، این جریان‌های متقارن را میان شهرهای ساری- قائمشهر، قائمشهر- بابل، بابل- آمل و قاشهر- آمل به خوبی می‌توان مشاهده کرد زیرا، بیشترین مقادیر به دست آمده از محاسبه‌ی این مولفه را کسب کردند. در واقع، نتایج حاصل از محاسبه مولفه‌ی تقارن و سازواری شبکه نشان می‌دهد، بیشترین شدت نسبی به دست آمده در اتصال با شهر بابل قرار دارد و این موضوع از تسلط و تمرکز شهر بابل بر نظام جریان‌های زمینی منطقه حکایت دارد. اما در مقابل، شهرهای جویبار، فریدونکنار و محمودآباد از نظر سنجش این مولفه، پایین‌ترین مقادیر را کسب نمودند. در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت: مورفولوژی منطقه‌ی چند مرکزی مازندران مرکزی، دخالت محسوسی در، ریخت‌شناسی این منطقه دارد. زیرا فرم منطقه به گونه‌ای است که، شهرهای مجاور و همسایه با شهر بابل، از الگوی خوشه‌ای پیروی می‌کنند و شکل شبکه‌ای به منطقه

الحاق کردند اما، با فاصله گرفتن از شهر بابل و حرکت به سمت غرب منطقه‌ی چند مرکزی، فرم منطقه اجازه نمی‌دهد که شهرها، شکل شبکه‌ای به خود بگیرند و همچنان آن قسمت از شهرها از الگوریتم خطی پیروی می‌کنند. همان طور که در مولفه‌ی مرکزی و تسلط رئوس مطرح شد، دلیل این امر ناشی از آن است که، درجه مرکزی میانی بیش از هر چیزی با درجه رئوس واقع در همسایگی آن مرتبط است. به همین دلیل است که، شهر قائمشهر، با اینکه شهر کوچکی از لحاظ مورفولوژیکی در مقایسه با دیگر شهرهای واقع در این شبکه شهری استان است اما، چون در همسایگی شهر بابل از یک طرف، و شهر ساری از طرف دیگر قرار گرفته است، در نتایج حاصل از این مولفه‌ها، همواره جایگاه و رتبه‌ی برتر را کسب کرده است. مجموع یافته‌های حاصل از این مولفه‌ها حاکی از آن است که، شهر بابل به عنوان مرکزی‌ترین شهر در شبکه‌ی شهری چند مرکزی مازندران مرکزی به ایفای نقش می‌پردازد.

جدول ۱۰. تقارن و سازواری در شبکه شهری منطقه مازندران مرکزی

شاخص	آتروبی	تقارن رئوس	تقارن برهمکنش	تقارن و سازواری شبکه
مقدار	۰/۸۷	۰/۰۷۱	۰/۹۹۴	۱/۹۲۳

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

۴. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج حاصل از تحلیل رهیافت‌های سستی (اندازه- مبنا) در شبکه شهری چند مرکزی مازندران مرکزی گواه: تعادل نسبی نظام سکونتگاهی در شبکه شهری مازندران مرکزی است. به گونه‌ای که، پدیده

ماکروسفالی در شهرها مشاهده نشده است و همچنین، توزیع جغرافیایی شهرها حالتی تصادفی دارد. مورفولوژی این شبکه با ساختار متمرکز، فاصله‌ی قابل توجهی دارد. نکته جالب توجه آنکه، روند تحولات سه دهه‌ی اخیر، گرایش کمی به تمرکز در شهرهای بزرگ را از خود نشان می‌دهد. از دیدگاه

عملکردی نیز، یکپارچگی عملکردی منطقه، ناشی از توزیع متوازن روابط عملکردی و شدت جریان بین مراکز اصلی، مدنظر است. از این رو، شاخص‌های این رویکرد، بر داده‌های جریان‌های روزانه بین مراکز بنا می‌شود. شاخص آنتروپی و شاخص گرین، دو سنجه اصلی چند مرکزیتی عملکردی می‌باشند که، از مفاهیم تحلیل شبکه اجتماعی منتج شده‌اند. محاسبه این شاخص‌ها در محدوده مورد مطالعه نشان می‌دهد مجموعه شهری آمل، بابل، قائمشهر و ساری، چه به لحاظ عملکردی و چه به لحاظ مورفولوژیک، قابلیت بالایی در تبدیل شدن به یک منطقه شهری چند مرکزیت دارد. از ویژگی‌های اصلی این منطقه شهری چند مرکزی: نبود شهر غالب، همجواری معقول و روابط عملکردی مناسب بین شهرها در این مناطق است که یافته‌های حاصل از این پژوهش نیز، بر وجود چنین ویژگی‌هایی در محدوده مورد مطالعه تاکید می‌کند. به بیان دیگر، نتایج حاصل از تحلیل رهیافت‌های نوین (شبکه-مبنا) و همچنین تحلیل‌های جریان‌ی در شبکه شهری چند مرکزیت مازندران مرکزی نشان می‌دهد که؛ شبکه شهری این منطقه الگویی چند مرکزی دارد. از این حیث بر اساس شکل ۲، منطقه چه به صورت توپوگرافیک چه به صورت توپولوژیک در حالت چندمرکزی است با این وجود همچنان به صورت بدون مرکز و کاملاً شبکه‌ای تکامل نیافته است. به طوری که، نتایج سنجش ظرفیت عملکردی شبکه شهری، پتانسیل شکل‌گیری نظام چند مرکزیتی و حتی شبکه‌ای متعادل در استان را تایید می‌نماید. اما، با توجه به شدت پیوندها میان شهرهای ساری، قائمشهر و بابل

(شهرهای واقع در بخش شرقی منطقه)، ضرورت توجه و نیاز به تقویت شهرهای واقع در بخش غربی منطقه جهت: ارتقا کیفیت عملکردی منطقه الزامی است. همچنین، نکته جالب توجه آنکه، این شهرها تعادل هندسی و زمانی شبکه شهری را نیز درخور می‌باشند چرا که، فاصله زمانی میان شهر مثلاً محمودآباد با فریدونکنار بسیار کمتر از فاصله‌ی زمانی این دو شهر با شهر ساری است و با اندکی اغماض در بازه زمانی مطرح‌شده در درجه عملکردی چند مرکزیتی منطقه ای و بر اساس تعریف گدس از شبکه شهری می‌گنجد. از این منظر مقاله حاضر نتایج یافته-های زبردست و شهابی (۱۳۹۲) و مشفق و رفیعیان (۱۳۹۵) را در منطقه تایید می‌کند.

علاوه بر این، منطقه چندمرکزی مازندران، بر اساس شکل ۲، منبعث از الگوی ائتلاف است. از این رو برای دستیابی به یک الگوی کامل باید گستره‌ای از روابط و همکاری‌ها را به صورت نهادی، رسمی و غیررسمی در خود تقویت کند. با این وجود بافت سستی و نبود اقتصاد صنعتی در استان مازندران، عدم بلوغ‌یافتگی سازمان‌ها و نهادهای عمومی، کمبود نهادهای غیردولتی، نبود محدوده‌ای قانونی برای مجموعه شهری و انطباق بخش‌های مختلف بر محدوده سیاسی تا گستره‌ای منطقه‌ای از جمله موانعی هستند که سبب می‌شوند با وجود پیشینه و فرهنگ مشترک در منطقه، نبود هویت منطقه‌ای در محدوده مورد مطالعه به شدت احساس شود. این امر مانع از شکل‌گیری پیوندهای اداری و همکاری‌های بین شهری در منطقه می‌گردد. بنابراین، سبب شده تا علاوه بر چالش‌هایی که در ساختار اداری کشور

نمایان است، ضعف ساختاری ظرفیت نهادی در آن تشدید گردد. این موضوع به طور متقابل بر روی شبکه‌های اقتصادی در سطح منطقه نیز اثرگذار است. به طوری که، با وجود پراکنش و توزیع مناسب زیرساخت‌ها و مراکز در سطح استان، و قابلیت و ظرفیت منطقه برای شکل‌گیری نوع ویژه‌ای از تخصص‌گرایی و روابط مکمل، عقلانیت عملکردی را در محدوده مورد مطالعه تحت تأثیر قرار می‌دهد. به نظر می‌رسد، محدوده مورد مطالعه می‌تواند با تکیه بر گام‌های کوچک اعتماد دوطرفه بین بازیگران و مدیران مختلف را تقویت کند. به گونه‌ای که، همکاری داوطلبانه بین تعداد محدودی از بازیگران بر

سر اقداماتی تعریف شده یا موضوعاتی نه چندان مهم، که مزایای مشخصی را برای همه بازیگران داشته باشد، می‌تواند بهترین گام برای شروع باشد. مزایای حاصل از این همکاری می‌تواند با تقویت اعتماد متقابل بین تصمیم‌گیران شهرها، زمینه فعالیت‌های پیچیده‌تر و خلق روابط محکم‌تر بین آن‌ها را بهبود بخشد. این موضوع، احتمالاً به تقویت ظرفیت نهادی و در نتیجه شکل‌گیری بهتر هویت منطقه‌ای محدوده مورد مطالعه منجر می‌شود و در نهایت می‌تواند زمینه‌ساز گسترش شبکه‌های راهبردی و برنامه‌ریزی منطقه‌ای در مجموعه شهری مازندران باشد.

کتاب‌نامه

۱. داداش پور، ه. و آفاق پور. آ. (۱۳۹۵). عقلانیت معرفتی و نظری نوین حاکم بر سازمان فضایی سیستم‌های شهری، فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، ۸(۲)، ۱-۲۸.
۲. زبردست، ا. (۱۳۸۶). بررسی تحولات نخست شهری در ایران، نشریه هنرهای زیبا، ۲۹، ۳۸-۲۹.
۳. زبردست، ا. و شهابی شه‌میری، م. (۱۳۹۲). سنجش چندمرکزی مجموعه‌های شهری کشور، مطالعه موردی آمل، بابل، قائمشهر و ساری، فصلنامه مطالعات شهری، ۳(۸)، ۵۸-۴۷.
۴. زبردست، ا. و شهابی شه‌میری، م. (۱۳۹۳). تحلیل قابلیت توسعه هم‌افزا در مناطق شهری چند مرکزی نمونه موردی: مجموعه شهری مازندران مرکزی آمل بابل قائمشهر ساری، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۴(۱۶)، ۴۳-۳۸.
۵. لطفی، ص. (۱۳۸۷). ارزیابی تغییر و توزیع سکونتگاه‌های شهری استان مازندران براساس قاعده‌ی اندازه رتبه‌زایش یک مگالاپلیس منطقه‌ای، پژوهشنامه‌ی علوم انسانی و اجتماعی «ویژه‌نامه‌ی پژوهش‌های اجتماعی»، ۷۶-۶۱.
۶. لطفی، ص.، شهابی شه‌میری، م.، روشناس، س. (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی ساختار فضایی و صرفه‌های مکانی شهرنشینی مطالعه موردی: شیراز و مازندران مرکزی، نشریه علمی-پژوهشی جغرافیا و برنامه‌ریزی، سال ۲۱، شماره ۶۰، صص: ۱۹۷-۲۲۰.
۷. لیمانی، م.، نظریان، ا. و یزدانی، م. ح. (۱۳۸۹). تحلیل فضایی جریان حواله‌های بانکی در شبکه شهرهای ایران، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال دوم، شماره ۷، صص: ۳۰-۱.
۸. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۰). سالنامه آمارهای جمعیتی ثبت احوال استان مازندران. تهران: مرکز آمار ایران.

۹. مشفق، و.، و رفیعیان، م. (۱۳۹۵) سنجش شاخص چند مرکزی عملکردی شبکه شهری (نمونه موردی: شبکه شهری استان مازندران)، *برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، ۲۰ (۹۱)، ۲۵۱-۲۰۷.

10. Alderson, A. S., & Beckfield, J., (2004). Power and Position in the World City System, *American Journal of Sociology*, 109 (4), 811-851.
11. Amar, T. (2007). Population and urbanization in Guilan province, A geographical survey, *Geographic prospectus*, 2(5), 22-5
12. Bailey, N., & I. Turok. (2001). Central Scotland as a Polycentric Urban Region: Useful Planning Concept or Chimera?, *Urban Studies*, 38(4), 697-715.
13. Bolychev, O., (2014). The concept of "network" in the system of basic concepts of regional economic geography, *Economy and Tourism*, 4(22), 67-78.
14. Brezzi, M., & Veneri, P., (2014). Assessing polycentric urban systems in the oecd: country Regional and metropolitan perspectives, *OECD Publishing*, 1-20.
15. Burger, M. J., Van Der Knaap, B., & Wall, R. S.. (2014). Polycentricity and the Multiplexity of Urban Networks, *European Planning Research*, 22(4), 816-40.
16. Dadashpoor, H., & Yousefi, Z. (2018). Centralization or decentralization? A review on the effects of information and communication technology on urban spatial structure. *Cities*, 78, 194-205.
17. Davoudi, S. (2003). European Briefing: Polycentricity in european spatial planning: From an analytical tool to a normative agenda. *European Planning Research*, 11(8), 979-99.
18. Dupuy, G., van Schaick, J., & Klaasen, I. T. (2008). *Urban networks: Network urbanism* (Vol. 7). Amsterdam: Techne press.
19. Friedmann, J., (1986). The World City Hypothesis, *Development and Change*, 17(1), 69-83.
20. Green, N. (2007). Functional Polycentricity: A Formal Definition in Terms of Social Network Analysis, *Urban Studies*, 44(11), 2077-2103.
21. Hall, P. (1966). *The World Cities*, London: Heinemann.
22. Hanssens, H., B. Derudder, S. Van Aelst, & F. Witlox. (2014). Assessing the functional polycentricity of the mega-city-region of Central Belgium based on advanced producer service transaction links. *Regional Studies*, 48(12), 1939-53.
23. Klaasen, I., Rooij, R., & van Schaick, J. (2007). Network Cities: operationalising a strong but confusing concept, *In ENHR 2007 Conference Sustainable Urban Areas*, 1-10.
24. Li, T., Zhou, R., Zhang, Y., Cheng, Y., & Zhu, C., (2017). Measuring functional polycentricity of China's urban regions based on the interlocking network model, 2006-15. *Singapore Journal of Tropical Geography*, 39(3), 1-19.
25. Liu, X., & M. Wang. (2016). How polycentric is urban China and why? A case study of 318 cities. *Landscape and Urban Planning*, 151, 10-20.
26. Liu, X., B., Derudder, & K. Wu. (2016). Measuring polycentric urban development in China: An intercity Transportation Network Perspective." *Regional Studies*, 50(8), 1302-15.
27. Meijers, E. (2007). From central place to network model: Theory and evidence of a paradigm change. *Economic and Social Geography*, 98(2), 245-259.
28. Meijers, E. J., & Burger, M. J. (2010). Spatial structure and productivity in US metropolitan areas. *Environment and planning*, 42(6), 1383-1402.
29. Neal, Z. P. (2010). Refining the air traffic approach: An analysis of the US city network, *Urban Studies*, 47(10), 2195-2215.
30. Nordlund, C. (2004). A critical comment on the Taylor approach for measuring world city interlock linkages, *Geographical Analysis*, 36 (3), 290-296.

31. Rauhut, D. (2016). Polycentricity: A critical discussion, *56th Congress of the European Regional Science Association*, 1-25.
32. Reed, H. C. (1981). *The Pre-Eminence of International Financial Centres*. New York: Praeger,
33. Sassen, S. (2001). *The global city*, Princeton: Princeton University Press.
34. Short, J. R., Kim, Y., Kuus, M., & Wells, H. (1996). The dirty little secret of world cities research: Data problems in comparative analysis, *International Journal of Urban and Regional Research*, 20(4), 697-717.
35. Shu, X., Han, H., Huang, C., & Li, L. (2019). Defining functional polycentricity from a geographical perspective. *Geographical Analysis*, 52 (2), 1-21.
36. Taylor, P. J. (2001). Specification of the world city network, *Geographical Analysis*, 33(2), 181-194.

تبیین شاخص های محیطی موثر بر استرس شهروندان در فضای شهری (مطالعه موردی: محله سیرده سبزوار)

ایمان غلامیان مقدم (دانشجوی دکتری شهرسازی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران)

iman.gholamian.moghaddam@gmail.com

ساناز سعیدی مفرد (استادیار گروه شهرسازی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

saeedi.s@mshdiau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۶

تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۱۱/۲۸

صص ۷۹-۹۸

چکیده

محله سیرده در مرکز شهر کهن سبزوار با تضاد میان سبک زندگی سنتی و مدرن دچار فرسودگی شده و قرارگیری در مرکز شهر و افزایش حجم تردد پیاده و سواره آن را به یکی از محلات پر استرس شهر بدل کرده است. مقاله پیشرو به دنبال ارزیابی تاثیر عوامل محیطی در ایجاد استرس در محله سیرده سبزوار است. گردآوری اطلاعات از طریق پرسشنامه عوامل محیطی موثر در ایجاد استرس در محیط شهری و همچنین پرسشنامه استاندارد Dass جهت سنجش استرس دریافت شده می باشد. با اتکا به فرمول کوکران ۳۶۵ نفر از ساکنان محله جهت تکمیل پرسشنامه مشارکت داشتند. تحلیل نتایج به واسطه سنجش ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین عوامل محیطی با ایجاد استرس در محیط ارتباط معنی داری وجود دارد و نیز عامل کیفیت های محیطی بیشترین رابطه و نیز عوامل اقلیمی محیط کمترین رابطه با استرس شهروندان را دارد. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون حاکی از آن است که کیفیت های محیطی به همراه کیفیت عناصر بصری و تنظیم شرایط محیطی روی هم ۶۴٪ از استرس شهروندان را تحت الشعاع قرار می دهد همچنین تحلیل واریانس نشان از آن داشت که جوانان ۲۰ تا ۴۰ سال بیشتر تحت تاثیر عوامل استرس زای محیطی قرار داشتند. در مجموع با وجود عوامل متعدد استرس زا چون کیفیت محیطی نامناسب، امنیت پایین و ازدحام جمعیت، و با برنامه ریزی مناسب جهت رفع مشکلات و افزایش کیفیت ها و امکانات محیطی و امنیت محله می توان محله ای پویا امن و آرام را مطابق با اصالت گذشته آن بازآفرینی نمود.

کلیدواژه ها: آرامش، استرس، شاخصه های محیطی، فضای شهری، محله سیرده

۱. مقدمه

۱.۱. طرح مساله

امروزه، محیط‌های شهری به سکونتگاه بخش عمده‌ای از جمعیت جهان تبدیل شده‌اند و کیفیت محیط مسکونی در نواحی شهری به عنوان مسأله مهمی برای ساکنان شهر و همچنین، برنامه‌ریزان و طراحان شهری، مدیران شهری و محققان مطرح شده است. متأسفانه با ظهور انقلاب صنعتی در قرن ۱۹ و تحولات و دگرگونی‌هایی که در راستای توسعه صنعت بوجود آمد، آرامش از شهرها رخت بر بست. به طوریکه شهرهای دوران مدرن از نیازهای معنوی انسان روی برگردانده و شهر بستری برای عبور اتومبیل و تسهیل عبور سرمایه و کالا شد. در سال ۲۰۱۰ اختلالات سلامت روان به طور میانگین ۵۶۷ از جمعیت ۲۵۸ میلیونی ناتوانان جهان را تشکیل داده است (وایت فورد^۱ و دیگران، ۲۰۱۵) اگرچه توجه به سلامت فردی رو به افزایش است، اما سلامت روان روز به روز رو به کاهش است (دفتر آمار ملی^۲، ۲۰۱۷). ترویج و ارتقا سلامت و بهداشت یکی از اهداف سازمان جهانی بهداشت برای چشم انداز توسعه پایدار ۲۰۳۰ است. سازمان ملل متحد^۳ (۲۰۱۵) و سازمان بهداشت جهانی با برنامه اقدام جامع بهداشت روان، خواستار یک رویکرد چند جانبه برای حفاظت از سلامت روان و جلوگیری از مشکلات سلامت روان است (سازمان جهانی

بهداشت^۴، ۲۰۱۳). با این حال در حال حاضر مطالعاتی که به طور قاطع نشان دهد مداخلات محیطی می‌تواند سلامت روان، کیفیت زندگی، انزوای اجتماعی و انعطاف پذیری را ارتقاء ببخشد بسیار محدود است. (موریا و دیگران^۵، ۲۰۱۸). بدنبال از بین رفتن آرامش در شهرها، انسان به بیماری‌هایی نظیر افسردگی، استرس، ترس و ... دچار شد (زارعی و نقی‌زاده، ۱۳۹۲). لازم به ذکر است که استرس خود سبب بروز بیماری‌های خطرناکی نظیر بیماری‌های قلبی، دستگاه ایمنی، سرطان و ... می‌شود (خدایاری فرد و پرند، ۱۳۹۰) و همچنین می‌تواند سبب بروز ناهنجاری‌های رفتاری در شهروندان شود (مهشید و جوان فروزننده، ۱۳۹۲). مطالعات نشان می‌دهد که استرس شهری روز به روز در حال افزایش است به طوری که قرن ۲۰ را قرن مدیریت و ارتباطات و قرن استرس و اضطراب و نابسامانی‌های عصبی نامیده‌اند (زارعی و نقی‌زاده، ۱۳۹۲). رابطه محیط فیزیکی و سطح استرس در مطالعات مختلف نشان می‌دهد طراحان محیط می‌تواند به طور مستقیم یا غیرمستقیم باعث استرس شود. محیط فیزیکی می‌تواند نقش مهمی در ایجاد استرس یا از بین بردن آن داشته باشد. استرس‌های محیطی بیشتر آزار دهنده بوده و قابل کنترل نیستند این استرس‌ها به طور مداوم یا به صورت دوره‌ای به میزان کم تا متوسطی تغییر می‌یابند (نقی‌زاده، ۱۳۹۳). از این رو باید برای کنترل استرس از طریق محیط‌های شهری به طور جدی اندیشید. از جمله مهمترین محیط‌های شهری

1. Whiteford

2. Office for National Statistics

3. United Nations Organization

4. World Health Organization

5. Moorea

که باید برای کنترل عوامل محیطی آنها باید به طور جدی تفکر نمود بافت مرکزی و قدیم شهرهاست. بافت قدیم شهرها که بر اساس اصول ناب معماری و شهرسازی بومی شکل گرفته در نوع خود زمانی اصیل ترین و آرام ترین بافت شهری بوده که با شکل گیری تحولات اخیر دچار دگرگونی و تضاد گشته و به یکی از پر ازدحام ترین و در نتیجه پر اضطراب ترین بافت های شهری بدل گشته است. مسئله اصلی در این میان درک تاثیر رابطه میان عوامل محیطی و ایجاد استرس در شهروندان و نیز تاثیر ویژگی های فردی نظیر سن و جنس و تحصیلات بر میزان استرس ادراک شده در اثر عوامل محیطی می باشد که نیازمند تحقیق و بررسی بیشتر دارد. بر این اساس، پژوهش حاضر به دنبال ارزیابی رابطه میان این عوامل و

آرامش یا استرس ادراک شده در میان ساکنین و اهالی محله سیرده در محدوده بافت قدیم سبزوار می باشد. در این تحقیق سعی شده این تاثیر از نگاه جامعی به لحاظ متغیرها مورد بررسی قرار گیرد. محله سیرده در مرکز شهر کهن سبزوار با تضاد میان سبک زندگی سنتی و مدرن دچار فرسودگی شده و قرارگیری در مرکز شهر و افزایش حجم تردد پیاده و سواره آن را به یکی از پر استرس ترین محلات شهر تبدیل کرده است و مکان مناسبی برای انجام پژوهش حاضر بود.

۲.۱. پیشینه پژوهش و مبانی نظری

۱.۲.۱. پیشینه پژوهش

با مروری بر مطالعات انجام گرفته در زمینه تحقیق نتایج ذیل حاصل شد:

عنوان پژوهش	سال	اهداف پژوهش	نتایج	منبع
بررسی نقش محیط های ساخته شده و علائم افسردگی در بزرگسالان مسن تر جامعه: یک نمونه موردی از تایوان	۲۰۲۰	هدف از این مطالعه بررسی رابطه بین محیط ساخته شده و علائم افسردگی در افراد مسن در تایوان به عنوان نمونه موردی است.	مشخص شد که پنج نوع محیط ساخته شده در بزرگسالان به طور معنی داری با علائم افسردگی در ارتباط است. در میان آنها، دو نوع محیط ساخته شده: "خدمات بهداشتی و درمانی" و "مدارس" با نمره کاملاً پایتیر با احتمال افسردگی کمتر مرتبط بودند، در حالی که سه محیط دیگر "با امکانات فرهنگی و تاریخی"، "مناطق تفریحی و سرگرمی" و "زمین های بازی و اماکن ورزشی" به طور قابل توجهی با افزایش خطر افسردگی در ارتباط بودند.	هانگ ^۱ ، کونگ ^۲ و هیو ^۳ (۲۰۲۰)
تشریح محله های حامی سلامت: تجزیه و تحلیل چند سطح از محیط ساخته شده، اختلال درک شده، تعامل اجتماعی و بهداشت روان در پکن	۲۰۲۰	با استفاده از پرسشنامه سلامت این مطالعه برای اولین بار در پکن یک رویکرد اجتماعی-محیطی را بررسی می کند که از طریق اختلالات ادراک شده و تعاملات اجتماعی رابطه بین محیط ساخته شده و سلامت روان را تحت مفهوم اثر محله محاسبه می کند.	نتایج حاصل از مدل های معادله ساختاری چندسطحی نشان می دهد که سلامت روان فردی تحت تأثیر محیط ساخته شده در مقیاس محله از طریق سه مسیر مستقل از مشکلات اقتصادی - اجتماعی محله تأثیر می پذیرد: تراکم جمعیت، اتصال جاده و مجاورت با پارک ها به طور غیر مستقیم با تعامل محله با سلامت روان در ارتباط است. و تراکم جمعیت، اتصال جاده و تنوع امکانات تا حدی با اختلال محله درک شده مرتبط است، که به طور غیر مستقیم از طریق تعامل محله با سلامت روان ارتباط دارد.	تائو ^۴ ، یانگ ^۵ و چای ^۶ (۲۰۲۰)

1. Huang
2. Kung
3. Hu
4. Tao
5. Yang
6. Chai

عنوان پژوهش	سال	اهداف پژوهش	نتایج	منبع
روانشناسی محیطی: تأثیرات محیط در ایجاد سلامت روان بر انسان	۲۰۱۶	برجسته سازی مقایسه سلامت روان ساکنان روستایی و شهری از نظر روانشناسی محیط (EP) از طریق پرسشنامه شخصیت آیزنک (EPQ)	مطالعه در رابطه با تأثیر "منطقه زندگی" نشان می دهد شهرنشینی بر محیط روانی فرد تأثیر می گذارد. یافته ها حاکی از آن است که ساکنان شهری بیشتر مستعد ابتلا به برخی از ویژگی های شخصیتی هستند که می تواند برای سلامت روان فرد مضر باشد.	چن ^۱ و دیگران (۲۰۱۶). ۲۳- ۲۸
رابطه بین ابعاد حسی ادراک شده از فضای سبز شهری و بهبود استرس.	۲۰۱۰	شناسایی و تعریف ابعاد ادراک طبیعت، شناسایی اینکه به طور کلی مردم کدام ابعاد را ترجیح می دهند، ترجیح شناسایی ابعاد و ترکیبی از ابعاد که مردم گزارش می دهند.	نتایج ۸ بعد حسی درک شده را نشان می دهد و تعریف می کند. مردم به طور کلی بعد بی سر و صدا را ترجیح می دهند، که بوسیله فضا، طبیعت، محیط سرشار از گونه ها، پناهگاه، فرهنگ، چشم انداز و اجتماع دنبال می شود. بعد پناهگاه و طبیعت که به شدت با استرس ارتباط دارند، نیاز به یافتن محیط های آرامش بخش را نشان می دهند. ترکیب پناهگاه و طبیعت و محیط سرشار از گونه ها و نبود و یا کمبود حضور اجتماع، می تواند به عنوان محیط بهبود دهنده برای استرس افراد تفسیر شود.	گران ^۲ و استیگسدوتر ^۳ (۲۰۱۰). ص ۲۷۵-۲۶۴
استرس محیط شهری و سازگاری رفتاری در شهر بوپال هند	۲۰۱۲	ارزیابی عوامل استرس زای ادراک شده محیط شهری و کشف استراتژی های اتخاذ شده جهت مقابله توسط مردم برای مبارزه با نتایج استرس در محیط شهری.	اگر چه مردم، شهر خود را خوشنود شرح داده اند، هنوز هم سطح بالایی از استرس را احساس کرده اند و دلیل عمده آن وجود سر و صدا، تجمع زباله، هوای آلوده با دود و محیط ناسالم در محله های زاغه نشین می باشد. برنامه ریزان شهر باید به دسترسی به منابع طبیعی و محیط زیست اولویت برابری بدهند.	ریشی ^۴ و خانتینا ^۵ (۲۰۱۲)
بررسی تاثیر عوامل استرس زا در خیابان های شهری بر رفتار استفاده کنندگان	۱۳۹۲	بررسی تاثیر عوامل استرس زا بر رفتار فرد	نتایج کار حاکی از تاکید وجود رابطه ی مستقیم بین عوامل استرس زای محیطی و آلودگی ها بر رفتار استفاده کنندگان می باشد.	آذین، علی مهشید، جوان، فروزنده (۱۳۹۲)
استرس محیط شهری و سازگاری رفتاری در شهر بوپال هند	۲۰۱۲	ارزیابی عوامل استرس زای ادراک شده محیط شهری و کشف استراتژی های اتخاذ شده جهت مقابله توسط مردم برای مبارزه با نتایج استرس در محیط شهری.	اگر چه مردم، شهر خود را خوشنود شرح داده اند، هنوز هم سطح بالایی از استرس را احساس کرده اند و دلیل عمده آن وجود سر و صدا، تجمع زباله، هوای آلوده با دود و محیط ناسالم در محله های زاغه نشین می باشد. برنامه ریزان شهر باید به دسترسی به منابع طبیعی و محیط زیست اولویت برابری بدهند.	ریشی ^۶ و خانتینا ^۷ (۲۰۱۲)
اثرات طبیعت پیرامون روی استرس کودکان شهری	۲۰۱۱	بررسی اینکه آیا نزدیکی به طبیعت، مانند طبیعت در محوطه مدرسه و همچنین در فضای خانه، منافع برای سلامت روانی کودکان دارد.	نتایج نشان می دهد که طبیعت مقاومت کودکان را تقویت می کند به طوریکه کودکانی که تماس بیش تری با طبیعت دارند مقابله بهتری در برابر سختی دارند نسبت به کودکانی که دسترسی روزانه به طبیعت ندارند.	کورالیزا ^۸ ، کلاودو ^۹ و بیتلمی ^{۱۰} (۲۰۱۱) ص. ۲۷-۳۸

1. Chen
2. Grahm
3. Stigsdotter
4. Rishi
5. Khuntia
6. Rishi
7. Khuntia
8. Corraliza
9. Collado
10. Bethelmy

۱.۲.۲. مفهوم استرس و ترس

لغت قدیمی Destress بر اثر حذف به کلمه متداول و روزمره استرس (Stress) مبدل شده است (گملچ و والترچ، ۱۳۷۵: ۱۲). برخی استرس را از نظر لغوی برگرفته از کلمه لاتین Stringere به مفهوم به هم رفتن، قبض شدن، در آغوش گرفتن، فشردن و بازفشردن و ... عنوان کرده اند. رفتارهایی که می تواند با احساسات متضاد همراه باشند (پورافکاری، ۱۳۷۶). هر موقعیتی که بهزیستی جاندار را به خطر اندازد، حالت اضطراب را به وجود می آورد. تعارض ها و گونه های دیگر ناکامی یکی از خاستگاه های اضطراب اند. همچنین خطر آسیب بدنی، به خطر افتادن عزت نفس، و وارد آمدن فشار برای انجام کارهایی فراتر از توانمندی های آدمی، در وی اضطراب ایجاد می کنند. منظور از اضطراب هیجان ناخوشایندی است که با اصطلاحاتی مانند نگرانی، دلشوره، وحشت و ترس بیان می شود، و همه ما درجاتی از آن را گاه گاه تجربه می کنیم. هر چیزی که در تمامیت زیست شناختی ارگانیسم اختلال به وجود آورد و شرایطی ایجاد کند که ارگانیسم طبیعتاً از آن پرهیز کند استرس شمرده می شود (سادوک^۱، سادوک و رویز^۲، ۲۰۰۷). استرس شرایطی است که در نتیجه تعامل میان فرد و محیط به وجود می آید و موجب ایجاد ناهماهنگی چه واقعی و چه غیر واقعی میان ملزومات یک موقعیت و منابع زیستی، روانی و اجتماعی فرد می شود (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۲۸-۳۴). توماس هولمز (۱۹۷۹) استرس را واقعه

محركی که لازم است فرد با آن سازگار شود تعریف می کند. استرس، فشار یا تنش فیزیکی، روانی یا هیجانی است که بر اثر الزامات و مطالبات محیطی، موقعیتی یا فردی ایجاد می شود. رویدادهای پیش بینی ناپذیر و غیر قابل کنترل بیشتر از رویدادهایی که فرد کنترل بیشتر بر روی آن دارد، سبب استرس می شوند (رایس، ۱۳۸۳).

استرس مجموع واکنش های جسمی، روحی و روانی، ذهنی و رفتاری است که ارگانیسم در برابر عوامل درونی و یا بیرونی بر هم زننده ثبات و تعادل طبیعی و درونی بدن نشان می دهد. به طور خلاصه، استرس یا فشار روانی را می توان حاصل محرک هایی دانست که عکس العمل فرد را برای سازگاری بر می انگیزد. استرس جزئی ضروری از زندگی است و همه ما به خوبی می دانیم که زندگی بدون محرک های مختلف، یکنواخت و کسل کننده می شود. ولی باید توجه داشت که در صورت افزایش استرس و یا فشارهای عصبی، باید منتظر عواقب بسیار خطرناک آن در ابعاد فردی و اجتماعی است. افراد، برای آن که به طور بهنجار فعالیت کنند، باید کمی استرس داشته اند. اصولاً برانگیختگی ملایم، فرد را در جریان اجرای کاری که بر عهده دارد، هشیار نگه می دارد. به نظر می رسد که دستگاه عصبی برای درست کار کردن به میزان معینی تحریک نیاز دارد. اما استرس شدید و طولانی مدت، آثار مخرب جسمی و روانی به دنبال دارد (ساعتچی، ۱۳۸۸).

هنوز بسیاری از روانشناسان تمایز بین ترس و اضطراب را معتبر می شمارند و برخی اضطراب را ترس مبهم دانسته اند. در عین حال، چون خواه بر

1. Sadock

2. Ruiz

پایه پاسخ های فیزیولوژیایی و خواه توصیف هایی که آدمی از احساساتش به دست میدهد، هنوز نمیتوان بین این دو هیجان تمایز قائل شد. بر این اساس میتوان از تعاریف کار تحقیقی بلاک استفاده نمود. بنابراین صفاتی همچون بد، ناهماهنگ، ترسناک، فشرده، نامتناسب و سنگین بیانگر هیجان اضطراب و ترس است. نمود این صفات را میتوان به راحتی در کالبد شهر دید. فضاهایی که دارنده این صفات هستند، برای بیننده احساس اضطراب و استرس را به دنبال داشته و حس حضور در آن فضا را کاهش میدهد (سمیه بیگی، ۱۳۸۹).

۳. ۲. ۱. تأثیر فضاهای شهری در کاهش و یا

افزایش فشارهای روانی

از نگاه سازمان بهداشت جهانی علاوه بر متغیر- های سن و جنس و وراثت، سبک زندگی، ساختار اجتماعی محلی، محیط کار و سکونت فرد و وضعیت عمومی اقتصادی- اجتماعی- فرهنگی و محیطی در تعیین وضعیت سلامت افراد موثر است. کیفیت پایین محیط شهری، آلودگی هوا، مدیریت نامناسب ضایعات شهری، آلودگی صوتی و نیز اثرات زیانبار مواد شیمیایی سمی و فلزات سنگین مانند سرب و جیوه می تواند زندگی ساکنان کلانشهر را تهدید کند. فقدان ایمنی شهروندان در مقابل تصادفات، عدم امنیت در فضاهای شهری و مسکونی، انزوا، افسردگی و گسست اجتماعی در محلات شهری و نیز وابستگی مفرط شهروندان به اتومبیل و کم تحرکی در اقلشار مختلف از بیماری های مزمن شهری و محیطی هستند. عوامل خطر ساز سلامت محیطی نظیر خشم و جنون ترافیکی، بی تفاوتی محیطی، عدم تعلق به

محیط شهری و سکونت، اضطراب ها و استرس های روزانه و تعجیل بی پایان برای عبور از فضاهای نامطلوب شهری روح و روان افراد را در زندگی روزانه آزرده ساخته و چرخه ای خطرناک از بیماری- های شهری مزمن را شکل می دهند. به طور مثال بر اساس گزارش های سازمان بهداشت جهانی علیرغم شاخص های مطلوب سلامت فردی در ایران، شاخص های سلامت محیطی نظیر تصادفات و فقدان ایمنی ضعیف است. بنابراین شناسایی اثرات نامطلوب توسعه شهری و مسکن بر سلامت عمومی شهروندان و ارتقای زندگی سالم شهری ضروری است. سازمان بهداشت جهانی برای تامین سلامت انسان (علاوه بر ایمن سازی افراد در برابر بیماری ها)، ارتقای کیفیت محیط زندگی را تعیین کننده دانسته است. همچنین تاثیر طراحی و کیفیت بصری محیط شهر بر رفتار مردم و سلامت روانی آنان در تحقیقات طراحان محیطی از جمله ویلیام وایت، اپلیارد، کوین لینچ و الکساندر به اثبات رسیده است. فضاهای شهری با کیفیت، بستر تعاملات اجتماعی و بروز مهارت ها و توانایی های فردی را فراهم کرده و جاذب مردم و کار و حرفه ها و حتی حیات وحش و پرندگان در مقیاس های خرد و کلان فضاهای شهری هستند. از سوی دیگر فضاهای با کیفیت پایین وضعیت اجتماعی ضعیف تنزل کیفیت محیطی و اقتصادی را به دنبال دارند (سازمان بهداشت جهانی^۱، ۱۹۹۷). ثابت شده است که فضاهای شهری و عمومی میتواند در ایجاد تفاهم، حس مشارکت و ایجاد روابط صمیمانه بین مردم نقش مهمی داشته باشد. حس مشارکت در شهرهایی که فضاهای

عمومی و تفریحی ندارند، نسبت به سایر شهرها کمتر است. فضاهای شهری تأثیر فوق العاده ای بر روحیه، نگرش و درک مردم از فضا و همچنین در بینش آنان نسبت به هستی و جامعه دارد. متخصصان امور شهری می گویند: یکی از مشخصه های زندگی شهری امروزی، تنش زیاد است که می تواند باعث ایجاد احساس فشار، اضطراب و حتی حواس پرتی شود. تحقیقات نشان داده است کسانی که در مکان های مناسب زندگی می کنند، دارای ویژگی های شیفنگی، همگونی و سازگاری هستند و همه اینها در کاهش فشار روانی شهروندان مؤثر است. شهرسازان قادرند با طراحی های خود بر الگوی فعالیت ها تأثیر بگذارند، شرایط مطلوب و نامطلوب ایجاد کننده و شهرهای زنده یا بی روح بسازند (مدنی پور، ۱۳۸۷). شهرسازان هر چه آگاهی بیشتری از محیط و رفتار افراد و جامعه شناسی محیطی داشته باشند، با توانایی بیشتری قادر به خلق فضاهای مورد نیاز کاربران، خواهند بود.

۱. ۲. ۴. عوامل تأثیر گذار در ایجاد آرامش و یا

استرس روانی

الف) امنیت: در برخی از متون تفاوتی بین امنیت و ایمنی قایل شده اند. ایمنی در واقع بیشتر به سلامت جسمانی انسان و جلوگیری از تهدیدهایی اطلاق میشود که می تواند سلامت فیزیکی را به خطر اندازد و در واقع مسائل ملموس و امنیت بیرونی را شامل می - شود؛ در حالی که امنیت بیشتر جنبه ذهنی و روانی دارد. باید به دنبال این باشیم که چه چیز باعث ایجاد حس امنیت در جامعه می شود و چگونه میتوان آنرا تقویت کرد (پاکزاد، ۱۳۸۱، ص. ۵-۲۱).

سروستانی به نقل از ماندل، امنیت را این چنین تعریف می کند: "امنیت یعنی آرامش و نبود هراس، اطمینان خاطر از هرگونه عامل تهدید کننده آرامش انسان، اعم از طبیعی و غیرطبیعی". بنابراین از دو بعد ذهنی و عینی برخوردار است. در بعد عینی، امنیت به معنی نبود تهدید برای ارزش های کسب شده است؛ و در بعد ذهنی، مشتمل است بر نبود هراس از اینکه آن ارزش ها مورد حمله قرارگیرند. از این رو از دو عنصر اصلی تهدید و فرصت برخوردار است و برقراری امنیت منوط به رهایی نسبی از تهدیدها و بهره گیری مناسب از فرصت ها است (سروستانی، ۱۳۸۴، ص. ۱۲۶-۱۲۴). طبقه بندی هایی که برخی نظریه پردازان و روانشناسان در زمینه سلسله مراتب نیازها مطرح می کنند، نشان می دهد تقریباً همه آنها در اولویت دادن به مقوله امنیت به عنوان نیازهای اولیه بشر اتفاق نظر دارند. از سوی دیگر امنیت به عنوان یکی از شاخص های مهم کیفیت زندگی شهری مطرح است؛ به طوری که این شاخص به صورت مستقیم و غیرمستقیم در نگرش و رفتار مردم در زندگی روزمره تأثیر می گذارد.

ب) آسایش بصری در منظر شهری: آسایش بصری از مولفه های مهم و اساسی محیطی انسان ساخت امن محسوب می شود. برای رسیدن به آسایش بصری در شهرها مولفه های زیادی دخیل هستند، از جمله مواردی که می توان به آن ها اشاره کرد عبارتند از رفع آلودگی های (نمادی، دیداری، نور و رنگ)، توجه به کیفیت های بصری مناظر طبیعی و منظر مصنوع و توجه به میزان نور و روشنایی بافت شهری به ویژه در هنگام شب، نمای

بصری و رنگ استفاده شده در سیمای بصری بناها و ساختمان‌های شهری، کیفیت دسترسی به فضای شهری و شبکه عبور و مرور، توجه به تاسیسات شهری، کیفیت‌های محیطی، میزان نمای بدنه در بافت‌ها و ... از جمله عواملی هستند که نقش به سزایی در ارتقای آسایش بصری خواهند داشت (دویران و دیگران، ۱۳۹۱، ص. ۶۰-۴۵). فیلین در بررسی‌های خود درباره‌ی تاثیر محیط روی سازو کاربینایی، محیط مصنوع را به سه دسته همگن، تهاجمی و آسایش بخش تقسیم می‌کند. وی محیط آسایش بخش را محیطی می‌داند که به رغم وجود تعداد زیادی عناصر متنوع، ویژگی‌هایی مانند خطوط منحنی در ضخامت، تنوع رنگ، تنوع سطح و احجام، اشکال و رنگ‌هایی که به محیط طبیعی نزدیکتر می‌باشد آن را مطلوب‌تر کرده است. محیط‌های آسایش بخش به طور معمول چشم نواز هستند. استفاده از خطوط مستقیم عمود برهم، زوایای قائمه، اشکال هندسی خشک، یکسانی و تشابه اجزای تشکیل دهنده، محیط را برای چشم نامتناسب می‌کند. ویژگی‌هایی که عموماً در محیط‌های طبیعی دیده نمی‌شوند. به نظر فیلین محیط‌های طبیعی با ساز و کارهای فیزیولوژی بینایی مطابقت بیشتری دارد و محیط‌های مصنوع اغلب با این ساز و کار در تضاد هستند. او اشاره می‌کند که در گذشته محیط‌های بصری‌ای که بشر را احاطه کرده بود با ساختار بینایی و قانون-مندی‌های بصری وی در تطابق کامل قرار داشت اما امروزه با شکل‌گیری و توسعه شهرها محیط زندگی نیز دچار دگرگونی‌های فاحش شده و هر چه بیشتر

از محیط طبیعی فاصله گرفته است (پاکزاد و بزرگ، ۱۳۹۱).

ج) کیفیت و سرزندگی فضای شهری: سرزندگی، پویایی و جذابیت فضای شهری در مقابل ملال‌انگیزی آن بازتاب نوع فعالیت‌هایی است که در فضا صورت می‌گیرد. که می‌تواند به طور موثری در کاهش استرس در فضا موثر باشد. تعداد زیادی از صاحب نظران کیفیت‌های متعددی را برای دستیابی به یک محیط شهری با کیفیت معرفی کرده‌اند، اما نظریات ارائه شده دارای دوگانگی می‌باشند. برخی نظریات که بر عرصه عینی فرد تأکید می‌کنند به کیفیت محیط شهری به مثابه کیفیت و صفتی که ذاتی محیط کالبدی بوده و به شکل مستقل از ناظر وجود دارد، نگرسته‌اند، به نحوی که کیفیت محیط به طور مشخص از "فرم" محیط نشأت می‌گیرد. دسته دوم که بر عرصه ذهنی فرد تکیه می‌کنند، کیفیت محیط شهری را به مثابه "پدیدار" یا "رویدادی" که در جریان داد و ستدی میان خصوصیات کالبدی و محسوس، از یک طرف و الگوها و رمزهای فرهنگی و توانایی‌های ذهنی فرد ناظر از سوی دیگر، شکل می‌گیرد، معرفی می‌نمایند (گلکار، ۱۳۸۶، ص. ۶۶-۷۵). یان گهل، فعالیت‌ها را به ۳ دسته تقسیم نموده است: فعالیت‌های ضروری (اجباری)، فعالیت‌های انتخابی (تفریحی) و فعالیت‌های اجتماعی. در یک شهر خوب، نه تنها فعالیت‌های ضروری در شرایط مناسب انجام می‌گیرند، بلکه بسیاری از فعالیت‌های تفریحی و اجتماعی مورد علاقه مردم صورت می‌گیرد و شهر، فضاها با کیفیت، وسوسه‌انگیز و جذاب

ارائه می دهد (گل، ۲۰۰۵). دکتر کوروش گلکار در پژوهشی که در باب کیفیت سرزندگی در طراحی شهری انجام داد، سرزندگی را معادل مفهوم "Livability"، "Liveliness" مطرح و حصول آن را در گرو کیفیات مطلوب طراحی شهری دانسته است، کیفیاتی چون خوانایی، رنگ تعلق، همه شمولی، انعطاف پذیری، شخصیت بصری، آموزندگی، کیفیت عرصه همگانی، هم سازی با طبیعت، حس زمان، انرژی، آسایش اقلیمی، نفوذپذیری و حرکت، غنای حسی، ایمنی و امنیت، اختلاط کاربری و فرم، کارایی و پاکیزگی محیطی؛ که در کنار سرزندگی، «کیفیت کلی طراحی شهری» را شکل می دهند.

۱. ۲. ۵. عمده ترین عوامل موثر در کاهش و یا

افزایش استرس در محیط شهری

با مطالعه عوامل موثر و تاثیرگذار محیط شهری در کاهش یا افزایش استرس افراد در محیط شهری (که در مبحث قبلی مطرح شد) (شکل ۱) و با دسته بندی موضوعی ابعاد و عوامل مختلف آن می توان با نگاهی کل نگر و همه جانبه نگر به ابعاد مهم و تاثیر گذار این مقوله به جدول ۱ رسید:

۱. ۲. ۶. فرآیند دست یابی به آرامش در محیط

شهری

اگر نگاهی فرآیند گرا به مقوله ایجاد آرامش در محیط شهری داشته باشیم و در این مسیر عوامل اقلیمی را جزو عواملی بدانیم که می توان با کنترل عوامل کیفیت محیطی آن را کنترل نمود، به این نکته می رسیم که سه عامل امنیت، کیفیت و سرزندگی

محیط و کیفیت عناصر بصری در کنار یکدیگر به ایجاد احساس سرزندگی و نشاط در محیط شهری کمک کرده و این خود باعث ایجاد حس دل بستگی به فضا شده و در نهایت آرامش کامل را برای فرد به ارمغان می آورند (شکل ۲).

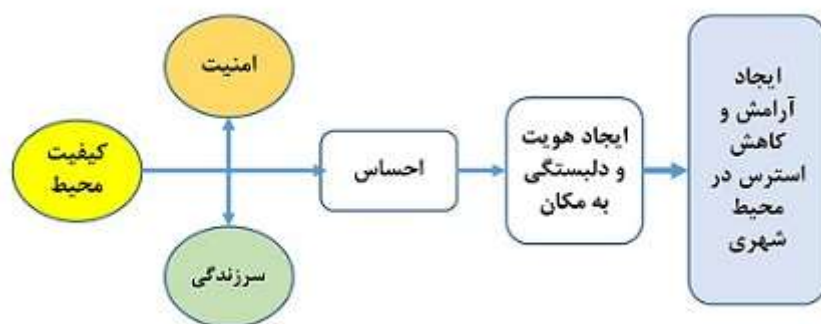


شکل ۱. هرم سلسله مراتبی آرامش و کاهش استرس در محیط شهری مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

جدول ۱. عوامل موثر در کاهش یا افزایش استرس در محیط شهری

ابعاد		عوامل موثر در کاهش و یا افزایش ایجاد استرس در محیط شهری
عوامل موثر		
احساس امنیت در محیط	وجود یا عدم وجود فضای بی دفاع در فضای شهری	
	خلوت مطلوب و یا نامطلوب	
	ایمنی در تردد عابرین پیاده در ترافیک	
	وجود یا عدم جود نور شبانه در محیط	
	ازدحام و تراکم جمعیت	
کیفیت‌های محیطی	امکانات محیطی موجود در فضای شهری	
	میزان عناصر طبیعی موجود در محیط	
	وجود مقیاس انسانی در فضا	
	کیفیت هوا و وجود یا عدم وجود آلودگی هوا در محیط	
	خوانایی محیط و امکان تشخیص راحت مسیر	
	نفوذ پذیری و دسترسی آسان و یا دشوار به فضاهای مختلف	
	وجود یا عدم وجود آلودگی‌های صوتی محیط	
	وجود یا عدم وجود بوی نامطبوع در محیط	
	چگونگی کیفیت عناصر موجود در فضا	
	بهداشت و پاکیزگی محیط شهری	
شرایط اقلیمی محیط	آسایش حرارتی در محیط و کنترل و یا عدم کنترل عوامل حرارتی محیط	
کیفیت‌های عناصر بصری	مطلوبیت فرم‌های ساختمانی و نماها	
	چگونگی به کار بردن رنگ در کالبد و عناصر فضا	
	تدام بصری محیط و عدم وجود	
	چگونگی به کار بردن نور در محیط و شدت و یا ضعف آن	

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)



شکل ۲. مدل مفهومی روند ایجاد آرامش و کاهش استرس در محیط شهری مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۹)

۲. روش شناسی پژوهش

۲.۱. روش پژوهش

طرح پژوهش حاضر از نوع توصیفی - همبستگی می باشد. متغیرهای این پژوهش شامل استرس شهروندان به عنوان متغیر وابسته و سه متغیر مستقل اصلی شامل "احساس امنیت در محیط"، "کیفیت های محیطی"، "شرایط اقلیمی محیط" و "کیفیت های بصری" بوده (که هر کدام دارای زیر متغیرهای خاص خود می باشند) که همبستگی میان آنها مورد بررسی قرار گرفته است.

جامعه آماری پژوهش شامل کلیه ساکنان محله می باشد که تعداد آنها بر اساس آمار ۶۷۲۸ نفر است. با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۶۵ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند که گزینش آنها از طریق روش نمونه گیری تصادفی صورت گرفت. در این پژوهش برای اندازه گیری عوامل محیطی فضاهای بیرونی از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد که ضریب آلفای کرونباخ آن ۰/۸۷ به دست آمد. به منظور بررسی استرس نیز از پرسشنامه آزمون DASS استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه نیز ۰/۸۳ به

دست آمد. تحلیل نتایج با استفاده از روش های آماری استنباطی و نرم افزار SPSS صورت گرفت.

در این تحقیق با توجه به اینکه مفروضه های آزمون پارامتریک برقرار بوده از آزمون های پارامتریک همبستگی، رگرسیون و تحلیل کواریانس استفاده شده است. برای بررسی رابطه بین متغیرها از ضریب همبستگی برای بررسی قدرت پیش بینی کنندگی بین متغیرها از رگرسیون، برای بررسی تفاوت ها در سن و تحصیلات با توجه به اینکه تعداد گروه های زیر مجموعه آنها از سه گروه بیشتر بوده از تحلیل کواریانس استفاده شده است.

۲.۲. قلمروی پژوهش

شهر سبزوار همچون بسیاری از شهرهای ایران تاریخ پر فراز و نشیبی داشته است. از ویرانی تا آبادانی، از یک شهر کوچک تا پایتخت یک حکومت (سربداران) و امروزه به عنوان دومین شهر بزرگ خراسان رضوی. سبزوار از دیرباز محل داد و ستد و استراگاه کاروانیان، محل حکومتیان و زیستگاه بومیان منطقه بوده است. شهر قدیم سبزوار که اکنون در تقسیمات جدید در داخل ناحیه ۳ قرار گرفته است، دارای ۱۱ محله شامل: محله ارگ، سرده (سیرده)،

این محله از نظر تقسیمات اداری شهرداری سبزوار بخشی از محله ۳ محسوب می‌شود. خیابان‌های فوق جزو محورهای تجاری و پر تردد شهر محسوب می‌شوند. اما در درون محله کوچه‌ها عمدتاً کم عرض است که یادگار گذشته و بافت قدیمی شهر است. از نظر اجتماعی محله سیرده جزو محله‌های متوسط نشین و جمعیت آن ۶۷۲۸ نفر است. (شکل ۳)

محله نو، حاج مقلو، محله الداغی، نقابشک، محله حمام حکیم، محله آقا، محله زرگر، سبزی و محله مزار سبز بوده است (مهندسان مشاور شارسران، ۱۳۸۷).

محله سیرده (سیرده) که محدوده پژوهش حاضر است از شمال به میدان فرمانداری و خیابان نواب صفوی، از جنوب به خیابان بیهق، از شرق به خیابان قائم و از غرب به خیابان شریعتمداری ختم می‌شود.



موقعیت محله سیرده و خیابان‌های اطراف آن



موقعیت محله سیرده در شهر سبزوار



موقعیت استان خراسان رضوی در کشور



موقعیت شهرستان سبزوار در استان

شکل ۳. موقعیت شهر سبزوار و محله سیرده در شهر سبزوار مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

۳. یافته های تحقیق

برای تحقیق انجام شده سه فرضیه مفروض است که به تفصیل مورد بررسی قرار می گیرد. فرضیه نخست: بین عوامل محیطی فضاهای شهری و استرس شهروندان رابطه وجود دارد. فرضیه دوم: عوامل محیطی فضاهای شهری قابلیت پیش بینی میزان استرس شهروندان را دارند. فرضیه سوم: ویژگی های فردی افراد مانند سن، جنسیت و تحصیلات بر میزان استرس آنها در فضاهای شهری موثر است.

۳.۱. عوامل محیطی و ارتباط آن با استرس در

محدوده مورد مطالعه

بین عوامل محیطی فضاهای شهری و استرس شهروندان رابطه وجود دارد. به منظور بررسی این

فرضیه ضریب همبستگی پیرسون بین عوامل محیطی با استرس شهروندان محاسبه و نتایج در جدول ۲ ارائه شده است. همانطور که یافته های جدول ۲ نشان می دهد کیفیت محیطی با ضریب همبستگی (۰/۶۳) بیشترین رابطه را با استرس شهروندان دارد و این بدین معنا است که با بهبود کیفیت عناصر بصری میزان استرس شهروندان کاهش می یابد همچنین تنظیم شرایط اقلیمی محیط نیز کمترین رابطه را دارد اما همانطور که نتایج نشان می دهد تمام روابط در سطح ۰/۰۱ معنادار می باشند یعنی با ۹۹٪ اطمینان می توان گفت که با بهبود عوامل محیطی میزان استرس شهروندان به کاهش می یابد.

جدول ۲. نتایج رابطه بین عوامل محیطی فضاهای شهری و میزان استرس شهروندان

متغیر ملاک	شاخص آماری متغیر پیشین	ضریب همبستگی (r)	سطح معنی داری (P)
استرس	تنظیم شرایط اقلیمی محیط	۰/۴۲	۰/۰۰۰
	احساس امنیت در محیط	۰/۶۱	۰/۰۰۰
	کیفیت عناصر بصری	۰/۵۱	۰/۰۰۰
	کیفیت محیطی	۰/۶۳	۰/۰۰۰

مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۹)

p-value < .01**

۳.۲. پیش بینی میزان استرس شهروندان توسط

عوامل محیطی

عوامل محیطی فضاهای شهری قابلیت پیش بینی میزان استرس شهروندان را دارند. به منظور پاسخ گویی به این فرضیه با توجه به برقراری مفروضه های خطی بودن، نرمال بودن، ثابت بودن

واریانس داده های پرت و هم خطی بودن چندگانه، تحلیل رگرسیون چند متغیری انجام شد. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل رگرسیون چند متغیری با استفاده از روش گام به گام^۱ برازش شده و مدل به دست آمده است که نتایج برازش مدل در جدول ۳ ارائه شده

است. همان طور که نتایج می‌دهد در گام اول بعد کیفیت‌های محیطی وارد معادله شده است که $0/71$ مقدار قدرت پیش بینی کنندگی شد. بدین معنی که بعد کیفیت‌های محیطی توانسته $0/50$ از واریانس استرس شهروندان را تبیین کند. در گام دوم با اضافه شدن بعد دوم یعنی احساس امنیت در محیط به معادله میزان قدرت پیش بینی کنندگی به $0/76$ افزایش یافته است، یعنی این که دو بعد فوق روی هم‌رفته $0/57$ از استرس شهروندان را تبیین نموده‌اند و در گام سوم با اضافه شدن بعد سوم یعنی بعد کیفیت عناصر بصری به معادله میزان قدرت پیش بینی کنندگی به $0/79$ افزایش یافته است؛ یعنی اینکه

سه بعد فوق جمعاً $0/62$ از واریانس استرس را تبیین نموده‌اند. در نهایت در گام چهارم، با افزوده شدن تنظیم شرایط اقلیمی محیط در گام پنجم قدرت پیش بینی کنندگی به $0/80$ افزایش یافته است. یعنی روی هم‌رفته $0/64$ از استرس شهروندان را تبیین نموده‌اند. علاوه براین، برای تعیین سهم هر یک از ابعاد عوامل محیطی فضاهای شهری بر استرس شهروندان بر اساس ضرایب رگرسیون (Beta) در گام چهارم می‌توان عنوان کرد که سهم کیفیت‌های محیطی، احساس امنیت در محیط، کیفیت عناصر بصری و تنظیم شرایط اقلیمی محیط به ترتیب برابر با $0/28$ ، $0/27$ ، $0/19$ ، $0/13$ می‌باشد.

جدول ۳. نتایج برازش مدل رگرسیون

گام‌ها	متغیرهای پیش بین	R	R2	B	Beta	T	P
گام اول	کیفیت‌های محیطی	$0/71$	$0/50$	$0/45$	$0/70$	$19/00$	$0/000$
گام دوم	کیفیت‌های محیطی احساس امنیت در محیط	$0/76$	$0/57$	$0/35$ $0/18$	$0/54$ $0/32$	$13/69$ $8/02$	$0/000$ $0/000$
گام سوم	کیفیت‌های محیطی احساس امنیت در محیط کیفیت عناصر بصری	$0/79$	$0/62$	$0/22$ $0/16$ $0/19$	$0/34$ $0/28$ $0/32$	$7/25$ $7/53$ $7/00$	$0/000$ $0/000$ $0/000$
گام چهارم	کیفیت‌های محیطی احساس امنیت در محیط کیفیت عناصر بصری تنظیم شرایط اقلیمی	$0/80$	$0/64$	$0/19$ $0/13$ $0/17$ $0/11$	$0/29$ $0/24$ $0/28$ $0/16$	$6/03$ $6/13$ $6/30$ $3/66$	$0/000$ $0/000$ $0/000$ $0/000$

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

۳.۳. رابطه میان ویژگی‌های فردی با میزان

استرس در افراد

ویژگی‌های فردی افراد مانند سن، جنسیت و تحصیلات بر میزان استرس آنها در فضاهای شهری

موثر است. برای بررسی تفاوت استرس بر حسب جنسیت از آزمون تی برای گروهی‌های مستقل استفاده شد که نتایج در جدول ۴ آورده شده است. همانطور که نتایج نشان می‌دهد با توجه به میانگین‌ها

به دست آمده تفاوت بین میانگین استرس زنان و مردان تنها ۰/۰۴۵ است. با توجه به اینکه مقدار تی بدست آمده کمتر از سطح بحرانی تی (دامنه ۱/۹۶ تا ۱/۹۶-) می باشد و سطح معناداری نیز بالاتر از ۰/۰۵ است بنابراین تفاوت معناداری در میزان استرس بر حسب جنسیت وجود ندارد.

جدول ۴. بررسی تفاوت میزان استرس شهروندان بر حسب جنسیت

متغیر	جنسیت	میانگین	تفاوت دو میانگین	df	t	سطح معنی داری
استرس	زن	۲/۹۳	۰/۰۴۵۶	۳۶۴	-۰/۵۸۴	۰/۱۱
شهروندان	مرد	۲/۹۸				

مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۹)

برای بررسی تفاوت میزان استرس شهروندان بر حسب سن از تحلیل واریانس یک راه استفاده شد که نتایج در جدول ۵ آورده شده است.

جدول ۵. تحلیل واریانس یک راه جهت بررسی استرس شهروندان بر حسب سن و تحصیلات

سطح معنی داری	مقدار F	مجذور میانگین	درجه آزادی	جمع مجذورات	شاخص ها	
					متغیر	
۰/۰۲۵	۲/۶۰۰	۱/۴۰۷ ۰/۵۴۱	۵	۷/۰۳۳	بین گروه ها	سن
			۳۶۰	۱۹۴/۷۴۶	درون گروه ها	
			۳۶۵	۲۰۱/۷۸۰	کل	
۰/۰۲۴	۲/۶۱۹	۰/۹۱۱ ۰/۳۴۸	۵	۴/۵۵۵	بین گروه ها	تحصیلات
			۳۶۰	۱۲۵/۲۰۹	درون گروه ها	
			۳۶۵	۱۲۹/۷۶۴	کل	

مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۹)

با توجه به جدول ۵ مشاهده می شود وضعیت استرس شهروندان هم بر اساس سن و هم تحصیلات با یکدیگر تفاوت معناداری دارند چرا که در هر دو مقدار F به دست آمده بیشتر از مقدار F جدول در درجه آزادی ۵ و ۳۶۰ است و سطح معناداری نیز کمتر از ۰/۰۵ است. لذا برای اینکه مشخص شود بین کدام یک از گروه ها تفاوت معناداری وجود دارد از آزمون تعقیبی توکی استفاده گردید.

جدول ۶. تفاوت سطح معناداری در گروه های سنی ۲۰ تا ۴۰ ساله و شهروندان بالای ۶۰ سال

متغیر	تفاوت گروه ها		تفاوت میانگین ها	خطای استاندارد	سطح معناداری
سن	۲۰ تا ۴۰ سال با	زیر ۲۰ سال	-۰/۱۰۸	۰/۱۵۹	۰/۹۸۴
			-۰/۲۱۰	۰/۱۵۰	۰/۷۳۰
			-۰/۵۷۲*	۰/۱۷۱	۰/۰۱۲

متغیر	تفاوت گروه‌ها	تفاوت میانگین‌ها	خطای استاندارد	سطح معناداری
تحصیلات	زیر دیپلم با	دیپلم	۰/۱۵۶	۰/۶۶۹
		فوق دیپلم	۰/۲۳۱	۰/۱۸۰
		لیسانس	۰/۲۱۹	۰/۵۱۹
		فوق لیسانس	۰/۰۹۹	۰/۹۶۳
		دکتری	۰/۴۵۵*	۰/۰۱۳

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

۴. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

محیط‌های شهری از دوران مدرن به بعد همواره بستر ازدحام جمعیت، ترافیک، آلودگی و گاهی ناامنی بوده و هرچه شهر بزرگ‌تر شده مشکلات آن نیز افزایش پیدا کرده است. این مشکلات باعث ایجاد دگرگونی‌های مختلف در حالت روانی و جسمی افراد ساکن در آن شده که وجود استرس از عمده‌ترین آن‌هاست، به گونه‌ای که غالب افراد ساکن در شهرها به طور مداوم مواجه شدن با استرس در محیط شهری را تجربه می‌کنند.

در این پژوهش با تحلیل یافته‌های به واسطه سنجش همبستگی بین متغیرها نشان داده شد که بین عوامل محیطی با ایجاد استرس در محیط ارتباط معنی‌داری وجود دارد و نیز عامل کیفیت‌های محیطی بیشترین رابطه و عوامل اقلیمی محیط کمترین رابطه را با استرس شهروندان دارد. این مهم نشان دهنده دو نکته اساسی است، از یک طرف بافت قدیم محله علی‌رغم تمامی مشکلات هنوز به لحاظ تنظیم شرایط محیطی در شرایط نسبتاً مناسبی قرار دارد که ناشی از بافت ارگانیک و کوچه‌های باریک در درون محله و سایه‌اندازی مناسب درختان در خیابان‌های اطراف آن است، از طرف دیگر علی‌رغم آنکه که به طور پیش فرض احساس امنیت عامل

با توجه به جدول ۶ مشاهده می‌شود که بین شهروندان ۲۰ تا ۴۰ ساله و شهروندان بالاتر از ۶۰ سال تفاوت معناداری وجود دارد و بین بقیه گروه‌ها با توجه به سطح معناداری‌های بدست آمده در جدول بالا تفاوت معنادار نیست. اما این تفاوت در بین این دو گروه با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۱۲) که کمتر از ۰/۰۵ است معنادار است و با توجه به اینکه تفاوت میانگین بدست آمده (۰/۵۷۲-) می‌باشد نتایج بیانگر این است که میانگین استرس شهروندان بالای ۶۰ سال سن به مقدار ۰/۵۷۲ کمتر از شهروندان داری دامنه سنی ۲۰-۴۰ سال است و این یعنی اینکه شهروندان بین ۲۰ تا ۴۰ سال استرس بیشتری نسبت به شهروندان بیشتر از ۶۰ سال دارند. در مورد سطح تحصیلات نیز همانطور که نتایج بالا نشان می‌دهد با توجه به سطح معناداری بدست آمده (۰/۰۱۳) این تفاوت بین دو گروه شهروندان زیر دیپلم و شهروندان دارای مدرک دکتری معنادار است که با توجه به تفاوت میانگین محاسبه شده (۰/۴۵۵-) می‌توان نتیجه گرفت که شهروندان دارای مدرک دکتری دارای استرس کمتری به نسبت شهروندان زیر دیپلم هستند.

نخست در تعیین آرامش محسوب می شود این عامل در این محله با اختلاف کمی در رتبه دوم قرار دارد و به خصوص ساکنین اصیل آن چندان از امنیت محله ناراضی نیستند. این نکته نشان دهنده آن است که با وجود دگرگونی اجتماعی ساکنین این محله در دوره معاصر، هنوز احساس امنیت به عامل بحران را تبدیل نشده است که یکی از علل آن می تواند قشر اجتماعی متوسط محله (در مقابل اقشار ضعیف بسیاری از محلات دیگر بافت فرسوده) و حجم قابل توجه تردد رهگذران در اطراف و مرکز محله باشد.

همچنین نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون حاکی از آن است که کیفیت های محیطی به همراه کیفیت عناصر بصری و تنظیم شرایط محیطی روی هم ۶۴٪ از استرس شهروندان را تحت الشعاع قرار می دهد. که این مهم نشان دهنده آن است که در مجموع عوامل محیطی یعنی کیفیت عناصر بصری و تنظیم شرایط محیطی روی هم رفته نقش بسیار زیادی در تعیین میزان استرس شهروندان دارد که باید در برنامه ریزی های محیطی و طراحی شهری به طور همزمان به هر عامل و زیر مجموع های آنان توجه جدی داشت. از طرف دیگر انجا طبق نتایج پژوهش صورت گرفته جوانان استرس بیشتری را از عوامل

محیطی دریافت می کنند لازم است نسبت به کاهش استرس جوانان از طریق ایجاد فضایی با طراوت و نشاط بیشتر و کاهش فرسودگی تلاش به عمل آوریم. در مجموع باید گفت محله سیرده با وجود مشکلات متعدد کیفیت محیط، امنیت و ازدحام جمعیت و ترافیک در خیابان های اطراف محله که موجب ایجاد استرس نسبی در میان شهروندان شده، محله ای با بحران حاد استرس و ناامنی در شهر قلمداد نمی گردد و با توجه بیشتر به منظور رفع فرسودگی و افزایش کیفیت ها و امکانات محیطی و امنیت محله می توان محله ای پویا امن و آرام را مطابق با اصالت گذشته آن بازآفرینی و تجربه کرد.

نتایج حاصل از پژوهش با پژوهش های گذشته که نقش عوامل محیطی را ایجاد استرس در محیط شهری موثر می دانند منطبق است، اما در پژوهش حاضر با تفکیک عوامل ایجاد کننده استرس در محیط شهری میزان نقش هر یک در ایجاد استرس در محیط شهری به صورت مجزا تعیین نمود تا بتوان اقدامات لازم در زمینه کاهش استرس در محیط شهری (به خصوص بافت قدیم شهرها) را مدیریت و اولویت بندی نمود.

کتابنامه

۱. ارژمند، م.، و خانی، س. (۱۳۹۱). نقش خلوت در معماری خانه ایرانی. فصلنامه شهر ایرانی/اسلامی، ۲ (۷)، ۳۸-۲۷.
۲. استاد تقی زاده، ع. (۱۳۹۲). شهر آرام شهر، استرس زد. تهران: انتشارات تپسا.
۳. آلتمن، ا. (۱۳۸۲). محیط و رفتار اجتماعی. ترجمه: علی نمازیان. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

۴. بیکی، س. (۱۳۸۹). بررسی تاثیر روحی و روانی بدنه های شهری بر شهروندان. پایان نامه دوره کارشناسی ارشد شهرسازی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۵. پاکزاد، ج. (۱۳۸۱). نقش فضاهای شهری در امنیت اجتماعی. شهرداریها، ۴۱، ۵-۲۱.
۶. پاکزاد، ج.، و بزرگ، ح. (۱۳۹۱). اغبای روانشناسی محیط برای طراحان. تهران: آرمانشهر.
۷. پورافکاری، ن. ا. (۱۳۷۶). فرهنگ جامع اصطلاحات روانشناسی و روانپزشکی. تهران: فرهنگ معاصر.
۸. خدایاری فرد، م.، و پرند، ا. (۱۳۹۰). استرس و روش های مقابله با آن. تهران: دانشگاه تهران.
۹. دویران، ا.، خدایی، د.، غلامی، س.، و دانش دوست، م. (۱۳۹۱). سنجش مولفه های آسایش بصری در منظر شهر (با تاکید بر حسینه اعظم زنجان)، مجله جغرافیا و مطالعات محیطی، ۱ (۳)، ۴۵-۶۰.
۱۰. رایس، ک. (۱۳۸۳). زنان ایرانی و راه و رسم آنان. ترجمه اسدالله آزاد. تهران: نشر کتابدار.
۱۱. زارعی، م.، نقی زاده، م. (۱۳۹۲). نوسازی یک فضای شهری با رویکرد خلق آرامش در فضا (مورد مطالعه: خیابان لاله زار تهران). تهران: همایش ملی شهرسازی و معماری در گذر زمان، ۲۵-۱.
۱۲. ساعتچی، م. (۱۳۸۸). بهداشت روانی در محیط کار با تأکید بر فشار روانی و فرسودگی شغلی. تهران: نشر ویرایش.
۱۳. ستوده، م. (۱۳۸۷). آثار ترافیک بر تندرستی و سلامت روان. فصلنامه مطالعات مدیریت ترافیک، ۳ (۱۰)، ۲۴-۱۳.
۱۴. شفیعی، ف.، هلاکوئی، م.، عبدلی، ف.، و شفیعی، م. (۱۳۹۱). عوامل استرس زای آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی رفسنجان. مجله سلامت جامعه، ۷ (۱)، ۳۴-۲۸.
۱۵. صالحی، ا. (۱۳۸۷). ویژگیهای محیطی فضاهای شهری امن، تهران، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
۱۶. صدیقی سروستانی، ر. ا. (۱۳۸۴). بررسی برخی از عوامل تهدیدکننده امنیت اجتماعی، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، شماره ۲. تهران: معاونت اجتماعی نیروی انتظامی.
۱۷. ضرغامی، ا.، ادیبی، ا.، و ادیبی، ا. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر فضاهای مسکونی بر روی سلامت روانی. اولین کنفرانس تخصصی معماری و شهرسازی ایران، شیراز، موسسه عالی علوم و فناوری حکیم عرفی شیراز.
۱۸. گلکار، ک. (۱۳۸۶). مفهوم کیفیت سر زندگی در طراحی شهری. نشریه صفه، ۱۶ (۴۴)، ۷۵-۶۶.
۱۹. گملج، و.، و چن، و. (۱۳۷۵). استرس در راه موفقیت. ترجمه مهرداد فیروز بخت و خشایار بیگی. تهران: انتشارات ابجد.
۲۰. مدنی پور، ع. (۱۳۸۷). طراحی فضای شهری. ترجمه فرهاد مرتضایی. چاپ سوم، تهران: انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری.
۲۱. مهشید، آ.، و جوان فروزنده، ع. (۱۳۹۲). بررسی تاثیر عوامل استرس زا در خیابان های شهری بر رفتار استفاده-کنندگان مطالعه موردی: خیابان مدرس کرمانشاه. همایش ملی معماری و شهرسازی انسان گرا. قزوین: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین.

۲۲. مهندسین مشاور شارستان (۱۳۸۷). *راهنمای شناسایی و مداخله در بافت های فرسوده (مصوب شورای عالی شهر سازی و معماری ایران)*. تهران: وزارت مسکن و شهر سازی - معاونت شهرسازی و معماری - دبیر خانه شورای عالی شهر سازی و معماری ایران.

23. Chen, W., Zaid, S., & Nazarali, N. (2016). Environmental Psychology: The Urban Built Environment Impact On Human Mental Health. *Journal of the Malaysian Institute of Planners*, 23-38.
24. Corraliza, J.A., Collado, S., & Bethelmy, L. (2011). Effects of nearby nature on urban children's stress. *Asian Journal of Environment-Behaviour Studies*, 2(4), 27-38.
25. Gehl, J. (2004). *Public Spaces, Public Life, Copenhagen*. Danmark: Danish Architectural Press.
26. Grahn P., Stigsdotter, U. K. (2010). The relation between perceived sensory dimensions of urban green space and stress restoration. *Landscape and Urban Planning*, 94(3-4), 264-275.
27. Huang, N. C., Kung, Sh. F., & Hu, S. C. (2020). Exploring the role of built environments and depressive symptoms in community-dwelling older adults: A case of Taiwan. *Aging & Mental Health*.
28. Moorea, T. H. M., Kesten, J. M., López-López, J.A., Ijaza, S., McAleenan, A., Richardsa, A., Grayd, S., Savovića, J., & Audreyet al, S. (2018). The effects of changes to the built environment on the mental health and well-being of adults: Systematic review. *Health and Place*, 53, 237-257.
29. Newman, O. (1972), Defensible space : A new physical planning tool for urban revitalization. *Journal of the American Planning Association*, 61(2), 149-155.
30. Newman, O. (1973). *Defensible spaces: People & design in the violent City*. Oxford: Architectural Press.
31. Novaco, R.W., Stokol, D., & Milanese, L. (1990). Objective and subjective dimension of travel impedance as determinations of commuting stress. *American journal of community psychology*, 18(2), 231-257.
32. Office for National Statistics (2017). *Measuring National Well-being: Life in the UK*. UK: Office for National Statistics. Apr 2017. Available from: (<https://www.ons.gov.uk/peoplepopulationandcommunity/wellbeing/articles/measuringnationalwellbeing/apr2017>) (Accessed 1 June 2017).
33. Rishi, P., Khuntia, G. (2012). Urban environmental stress and behavioral adaptation in Bhopal City of India. *Urban Studies Research*, 2012, 1-10.
34. Sadock, B. J., Sadock, V. A., & Ruiz, P. (2007). *Kaplan and Sadock's synopsis of psychiatry: behavioral sciences/Clinical Psychiatry*. Volume II. Philadelphia: Wolters Kluwer
35. Tao, Y., Yang, J., Chai, Y. (2019). The anatomy of health-supportive neighborhoods: A multilevel analysis of built environment, perceived disorder, social interaction and mental health in Beijing. *International Journal of Environ Res Public Health*. 17(1).
36. United Nations. (2015). *Sustainable Development. Sustainable Development Goals*. NewYork: United Nations Organization. Available from: <http://www.un.org/sustainabledevelopment/sustainabledevelopment-goals/> (Accessed 1 July 2017).
37. Whiteford, H.A., Ferrari, A.J., Degenhardt, L., Feigin, V., & Vos, T. (2015). The global burden of mental, neurological and substance use disorders: an analysis from the Global burden of disease study 2010. *PLoS One*, 10(2).

-
38. World Health Organization (1997). *City planning for health and sustainable development. European Sustainable Development and Health Series 2*. Geneva: World Health Organization
39. World Health Organization (2013). *Mental health action plan 2013–2020* Geneva: World Health Organization.

نقش مساجد در پایداری اجتماعی (نمونه موردی: مساجد شهر قاین)

مهدی مودودی ارخودی (استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه بزرگمهر قائنات، قائن، ایران، نویسنده مسئول)

mododi@buqaen.ac.ir

احمد اسدی (استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه بزرگمهر قائنات، قائن، ایران)

assdi@buqaen.ac.ir

یونس غلامی بیمرغ (استادیار گروه جغرافیا و اکوتوریسم، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران)

yonesgholami@kashan.ac.ir

تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۰۶/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۰۶

صص ۹۹-۱۲۰

چکیده

مسجد به عنوان یک فضای شهری، همواره کارکردهای مختلفی را بر عهده داشته است؛ بطوریکه علاوه بر عبادت به عنوان مهمترین کارکرد آن، در امور فرهنگی، اجتماعی و آموزشی نیز فعال بوده است. مسجد به علت عرضه عملکردها و فعالیت‌های متنوع مذهبی و اجتماعی، از توانایی لازم برای تقویت تعاملات اجتماعی و گسترش شبکه‌های عملکردی و افزایش ظرفیت‌های اجتماعی برخوردار است. هدف این تحقیق، بررسی نقش مساجد در پایداری اجتماعی شهر قاین است. در این تحقیق، نقش مسجد در ارتباط با پایداری اجتماعی از منظر عدالت اجتماعی، مشارکت، آگاهی و همبستگی اجتماعی و رضایت از محله بررسی شده است. رویکرد پژوهش، کمی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها، مبتنی بر داده‌های کتابخانه‌ای و میدانی می‌باشد. به منظور توزیع پرسشنامه، نمونه‌ای به تعداد ۱۰۰ نفر مورد بررسی قرار گرفت. جهت توزیع پرسشنامه از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است. تحلیل داده‌ها، با استفاده از نرم افزار SPSS کد گذاری گردید. از شاخص‌های آمار توصیفی همچون توزیع فراوانی و آزمون‌های آماری استنباطی از جمله آزمون تی تک نمونه‌ای و خی دو انجام شده است. بر اساس آزمون تی تک نمونه ای نتایج نشان می‌دهد که مساجد شهر قاین، در بهبود عوامل رضایت از محله، عدالت اجتماعی و مشارکت ایفای نقش می‌کنند؛ این در حالی است که نقش مساجد در بهبود همبستگی اجتماعی و ارتقاء آگاهی‌های مردم، چندان تاثیرگذار نبوده است. جهت تقویت آثار مساجد در بعد همبستگی و ارتقاء آگاهی‌های مردم، پرنگ تر شدن مساجد در این حوزه با توجه به اهمیت این، موضوعات پیشنهاد می‌شود.

کلیدواژه‌ها: آگاهی، پایداری اجتماعی، رضایت از محله، عدالت اجتماعی، مسجد، مشارکت.

۱. مقدمه

۱.۱. طرح مساله

در میان اندام‌های درونی هر شهر و روستا، نیايشگاه همواره جایگاه ویژه خود را داشته است (پیرنیا، ۱۳۸۶، ص. ۳۷) و ابنیه مذهبی از اساسی‌ترین عناصر بافت، ساخت و شکل شهرها محسوب شده‌اند (پیرنیا، ۱۳۷۹، ص. ۴). از این رو، مساجد و ابنیه مذهبی، کانون عبادی، اجتماعی و فرهنگی هویتی دیرینه است که هرگز نمی‌تواند از ساختار اجتماعی و شهری آن جدا شود (بهزادفر، ۱۳۷۶، ص. ۱۱). از شاخصه‌های ایفای نقش مساجد به عنوان فضای شهر، ویژگی ۲۴ ساعته بودن و تقویت حضور در زمان‌های مختلف است. برگزاری آیین‌ها، مناسک و مراسم در هر فضای شهری، به خصوص صحن و حیاط مساجد در شکل‌گیری خاطرات، در طول زمان، در ارتقای حس مکان این فضاها و تقویت و ارتقای حیات شهری آن‌ها نقش مؤثری ایفا می‌کند. به طور اجمال عواملی چون وجود تعامل اجتماعی، برگزاری مراسم و مناسک، تعدد ورودی‌ها و ارتباط با گذرهای اطراف، صحن و حیاط مساجد را در زمره فضاهای شهری جای می‌دهد (همتی و دیگران، ۱۳۹۲، ص. ۵۶).

مسجد به عنوان اولین و بااهمیت‌ترین نهاد اجتماعی مسلمانان دارای وظایف و کارکردهای چندی است؛ به گونه‌ای که افزون بر مهم‌ترین کارکرد آن عبادت، فعالیت‌های آموزشی، نظامی و سیاسی نیز در آن جریان داشته است. مساجد بزرگ به ویژه در سده‌های میانه، فعالیت‌های گسترده از فعالیت‌های غیرعبادی داشتند (هیلن براند، ۱۳۸۰، ص. ۴۲).

مسجد نه تنها به عنوان جایگاه اصلی اجتماع مؤمنان برای برگزاری مراسم مذهبی مورد استفاده بود، بلکه کانون معارف و احکام اسامی، مرکز جهاد تبلیغاتی و ارشادی، قرارگاه سیاسی و اداره دولت نیز به شمار می‌رفت (زرگر و دیگران، ۱۳۸۶، ص. ۱۴). بسیاری از کنش‌های اجتماعی و اقتصادی مردم نظیر آموزش و حل و فصل دعاوی، رفع مشکلات اجتماعی و حل مسائل اقتصادی در درون مساجد صورت می‌گرفت (امین‌زاده گوهرریزی، ۱۳۷۶، ص. ۷).

در این میان، شهر قائن به عنوان دومین شهر بزرگ استان خراسان جنوبی در طول تاریخ همواره به عنوان شهر مذهبی شناخته شده است. این شهر دارای ۲۹ مسجد است که همواره جزء شلوغ‌ترین اماکن عمومی شهر محسوب می‌شوند. لذا هدف این تحقیق، بررسی نقش مساجد در پایداری اجتماعی شهر قاین است. بر این اساس، فرضیه کلی تحقیق این طور بیان می‌شود که: به نظر می‌رسد مسجد از منظر عدالت اجتماعی، مشارکت، آگاهی، همبستگی اجتماعی، و رضایت از محله بر پایداری اجتماعی تاثیرگذار است.

۱.۲. پیشینه تحقیق و مبانی نظری

مطالعات متعدد نشان داده‌اند که مشارکت منظم در فعالیت‌های مذهبی سازمان‌یافته نظیر نمازخواندن یا دعا کردن، رابطه مثبتی با بسیاری از پیامدهای مثبت نظیر سلامت جسمانی (ریپنتروپ و دیگران، ۲۰۰۵، ص. ۳۱۳)، امید به زندگی (من و لاریمور، ۲۰۰۶)، و

1. Rippentrop et al

2. Mann and Larimore

احساس خوشحالی و نشاط (فرانسیس^۱، ۲۰۰۳) دارند. همچنین بنا بر پژوهش‌های گوناگون، مذهب و گرایش‌های مذهبی سبب کاهش اضطراب، خودکشی، مصرف مواد، بزهکاری و افسردگی می‌شوند و سبب افزایش رضایت از زندگی و سازگاری اجتماعی می‌شود (کیمیایی و دیگران، ۱۳۹۰، ص. ۶). برخورداری از دین و تعالیم مذهبی مشترک، پابندی و وفاداری به آن، اعتقاد و تمایل به مناسک و آیین‌های مذهبی، علاوه بر اینکه از لحاظ کارکردی عامل مهمی در روابط اجتماعی به حساب می‌آید، موجب دلگرمی، سرزندگی، نشاط و اشتیاق عمومی است (کلانتری و دیگران، ۱۳۸۸، ص. ۱۲۸) که می‌تواند سطح کیفیت زندگی افراد را تحت تأثیر قرار دهد. کینگ^۲ معتقد است: کسانی که در مراسم مذهبی حضور دارند، از نظر رفاه ذهنی یک سطح بالاتر از دیگران قرار دارند، چرا که سازمان‌های دینی برای تعامل اجتماعی بین مردم، ارتقای دوستی، شبکه‌ها و حمایت‌های شخصی و برابری اجتماعی فرصت‌هایی ایجاد می‌کنند که افراد مذهبی به خاطر حضور منظم در مراسمات مذهبی و جماعات و ایجاد شبکه‌های اجتماعی در زندگی خود راضی‌تر هستند (لیم و پوتنام^۳، ۲۰۱۰، ص. ۹۱۶-۹۱۴). به اعتقاد ایلسون، دین از طریق حمایت اجتماعی، برقراری روابط شخصی با شخص الهی دیگر، ارائه سیستم‌های معنا و ارتقای الگوهای خاص‌تر از سازمان‌های مذهبی و شیوه زندگی شخصی باعث افزایش سلامت روانی می‌گردد

(ایلسون^۴، ۱۹۹۱، ص. ۸۰). در نتیجه این‌طور به نظر می‌رسد مساجد به عنوان مکانی برای انجام امور دینی و مذهبی، می‌تواند رضایت مردم از محل زندگی خود را تحت تأثیر قرار دهد. در این راستا، در سال‌های اخیر در ارتباط با موضوع این تحقیق پژوهش‌هایی انجام پذیرفته است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره شده است:

پورباقر و دیگران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان "واکاوی نقش مساجد در تحقق عدالت اجتماعی شهرهای اسلامی معاصر" اظهار داشتند هرچند که از نقش عدالت‌پروری مساجد نسبت به گذشته کاسته شده است، اما مساجد با توجه به تأثیر سازنده‌ای که در عرصه مدیریت، تعاون و وحدت اجتماعی، تقویت امنیت اجتماعی، کاهش آسیب‌پذیری جامعه و کنترل کنش‌های ناهنجار، تکریم حقوق شهروندی و کرامت انسانی و در نهایت تحکیم و تقویت توسعه پایدار دارند، به عنوان یک سرمایه اجتماعی در تحقق عدالت اجتماعی محسوب می‌شوند.

ادهمی و دیگران (۱۳۹۶) در مقاله "نقش اجتماعی اماکن مذهبی در جامعه"، اظهار داشتند که زندگی مذهبی به خودی خود در تمام مراتب، فعالیت اجتماعی است که این نوع فعالیت‌ها، همبستگی اجتماعی را تولید می‌کنند.

موسوی مقدم و محمدی (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان "بررسی نقش مسجد در افزایش سرمایه اجتماعی بر اساس نماگرهای اصلی آن در قرآن و حدیث" اظهار داشتند که نهاد مسجد از طریق اثرگذاری مستقیم بر عناصر هنجارهای مشترک،

1. Francis
2. king
3. Lim and Putnam

4. Ellison

اعتماد و مشارکت، سبب تولید و توزیع سرمایه اجتماعی می‌شود.

احمدیان و عرفانیان (۱۳۹۴) در مقاله "بررسی نقش مساجد در توسعه محله‌ای در شهر مشهد" اظهار نمود که متغیرهای مربوط به فعالیت چندگانه مسجد در سطح محله به چند محور کلی: نقش مسجد در غنی‌سازی اوقات فراغت، امنیت فردی و اجتماعی، مشارکت اجتماعی، برنامه‌های مذهبی و فرهنگی می‌پردازد.

عبدالملکی و دیگران (۱۳۹۳) در مقاله "واکاوی نوع نگاه به نهاد مسجد در سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران" بیان نمودند که افزایش آگاهی‌های اجتماعی و فرهنگی، مقاومت‌سازی ابعاد فرهنگی ارزشی جامعه، آگاهی بخشی به افراد نسبت به تهاجمات فرهنگی، هویت مذهبی مشترک، ایجاد انسجام و همبستگی اجتماعی، کمک در جامعه‌پذیری، نقش آفرینی در انتقال موارث و ارزش‌های فرهنگی، بسترسازی جهت عمومیت یابی فرهنگ شورا، ایجاد روح تعاون و همکاری، تقویت و قوام بخشی به حوزه عمومی، از زمره مهم‌ترین کارکردهای فرهنگی اجتماعی مسجد به شمار می‌آید.

فعالی (۱۳۹۳) در کتاب خود با عنوان "مسجد و سبک زندگی"، رشد آگاهی‌های سیاسی، روشنگری افکار عمومی، و دیدار با هیات‌های سیاسی را از جمله کارکردهای مسجد معرفی می‌کند.

معماری و کیوانلو (۱۳۹۳) در مقاله "نقش محوری مسجد در توسعه پایدار شهری" به تشریح جایگاه مسجد، کارکردهای آن و نقش آن در توسعه پایدار اشاره نموده‌اند.

دل‌زنده و دیگران (۱۳۹۳) در مقاله "بازتعریف مسجد و جایگاه آن در محوریت تعاملات اجتماعی، شهر اسلامی" به ارائه راهکارهای مفهومی و کاربردی در جهت تقویت اجتماع و ارتباط سازی در شهر اسلامی پرداخته‌اند.

شیری گرمی (۱۳۹۳) در مقاله "ویژگی‌های کالبدی مسجد بر مبنای ارتقاء تعاملات اجتماعی" به مطالعه بررسی نحوه تأثیرگذاری مساجد بر افزایش تعاملات اجتماعی پرداخته‌اند. در این زمینه تأکید بر کارکرد کالبدی مسجد در دو حوزه بیرونی و درونی مدنظر بوده که در آن نوع و ارتباطات برونی و درونی مساجد بررسی و تحلیل شده‌اند.

مدی و فروغی در مقاله (۱۳۹۲) "انسان، محور اصلی در پایداری اجتماعی و حس مکان" به بررسی حس مکان در مساجد پرداخته و اینکه شهروندان در مسجد امام تهران تا چه میزان به حضور خود در این مکان واقف هستند و در نهایت راهکارهایی برای حفظ این مسجد تاریخی به عنوان مکان پایدار پیشنهاد نموده‌اند.

فضلعلی زاده و وثوق (۱۳۹۲) در مقاله "بررسی پایداری اجتماعی در مساجد" بیان داشتند که مؤلفه‌هایی از جمله تعاملات اجتماعی، اعتقادات، دلبستگی و تعهد در پایداری اجتماعی فضاهای آیینی مؤثر است. بهره‌گیری از این مؤلفه‌ها و ارائه راهکارهای معماری، این فضاها را از نظر اجتماعی پایدارتر می‌سازد.

پورجعفر و پورجعفر (۱۳۹۱) در مقاله "الگوی پیشنهادی محله، با مرکزیت مسجد و فضاهای عمومی موردنیاز در شهر ایرانی - اسلامی" اظهار

نمودند که مسجد نقش پراهمیتی در ابعاد کیفی طراحی شهرها و بازتاب اجتماعی مسائل نسبت به مبانی طراحی‌های غرب که تنها به ابعاد فیزیکی و کمی پرداخته، داشته و همچون بستری برای تعاملات اجتماعی به حساب می‌آید.

ادریسی خسروشاهی و دیگران (۱۳۹۰) در مقاله "نقش مساجد محله‌ای در توسعه شهری پایدار"، جایگاه مسجد در توسعه پایدار شهر اسلامی را بررسی و اظهار داشته‌اند که مساجد باید با عناصر جدید شهری ترکیب شوند تا پویایی خود را حفظ کنند.

خواجه‌نوری و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله "رابطه میزان دین‌داری با کیفیت زندگی جوانان" نشان دادند که تقویت عوامل مذهبی، باورها، عقاید افراد و هویت دینی افراد جامعه تأثیر بسزایی بر بهبود سلامت روانی، اجتماعی و جسمانی و در کل کیفیت زندگی افراد دارد.

بالجانی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله "بررسی ارتباط بین مذهب سلامت معنوی امید و کیفیت زندگی در بیماران مبتلا به سرطان" به این نتیجه رسیدند که توجه به عواملی مانند هدفمند بودن در زندگی، اعتقاد به خدا و اعمال مذهبی و خوش‌بینی به آینده در برنامه‌ریزی مراقبتی از بیماران مبتلا به سرطان می‌تواند موجب ارتقای کیفیت زندگی آن‌ها گردد.

محمدنقی و منتظری مقدم (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای با عنوان "سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی مطالعه‌ای درباره مشارکت اجتماعی از منظر اسلام"، اظهار داشتند که احیای کارکردهای مساجد و نهادهای مرتبط با آن، به گونه‌ای که در خدمت رشد و تعالی جامعه قرار گیرد، تقویت و نهادینه کردن امر به معروف

و نهی از منکر و فراهم آوردن بسترهای مناسب تحقق آن از جمله فعالیت آزادانه رسانه‌ها و مطبوعات، حضور احزاب قوی و قدرتمند مخالف جریان حاکم و ترویج فرهنگ ایشار و شهادت از راه نهادهای آموزشی از ابتدایی‌ترین مراحل آن تا مراکز آموزش عالی و بکارگیری ابزارهای نوین و جذاب در معرفی آن، می‌تواند در خلق مشارکت اجتماعی از دیدگاه اسلام مؤثر باشد.

تقوایی و معروفی (۱۳۸۹) در مقاله "ارزیابی نقش مساجد در ارتقاء کیفیت محیط" ضمن تبیین جایگاه کیفیت محیط شهری و مؤلفه‌های آن، به ارزیابی نقش مساجد در ارتقاء کیفیت محیط پرداخته‌اند.

ویلدرز^۱ و همکاران (۲۰۰۹) در تحقیقی به بررسی رابطه دین‌داری با کیفیت زندگی در بین ۱۱۷ نفر از بازماندگان بیماری سرطان سینه در آمریکای لاتین پرداخته‌اند. بر اساس نتایج، رابطه بین دین‌داری و کیفیت زندگی مثبت و معنادار بود.

عبدالخاله^۲ (۲۰۱۰) در بررسی رابطه بین کیفیت زندگی و رضایت ذهنی و دین‌داری به این نتیجه رسیدند که بین کیفیت زندگی و مذهب ارتباط و همبستگی مثبتی وجود دارد.

لیم^۳ و پاتنام^۴ (۲۰۱۰) در تحقیقی که به صورت پانل انجام دادند، نشان دادند که افراد مذهبی به خاطر حضور منظم در مراسم مذهبی و جماعات و ایجاد شبکه‌های اجتماعی در زندگی خود راضی‌تر هستند.

1. Wildes
2. Abdel-Khaled
3. Lim
4. Putnam

فضاهای شهری بستر تعاملات و بروز رفتارها هستند که باید با تحلیل و طراحی مناسب فضا، به استفاده صحیح بیانجامند (همتی و دیگران، ۱۳۹۲، ص. ۴۸). در بررسی و تحلیل فضاهای شهری، با عناصر شهری مانند میدان، خیابان و ... مواجه هستیم. فضاهایی که علاوه بر ایفای نقش عملکردی و ارتباطی به عنوان محلی مناسب برای برقراری تعاملات اجتماعی و حضور شهروندان در اجتماع ایفای نقش می نمایند. به جهت گسترش حوزه نفوذ این گونه فضاهای شهری، می توان از فضاهای باز مذهبی به طور عام و صحن و حیاط مساجد به طور خاص به عنوان فضای شهری یاد کرد (همتی و دیگران، ۱۳۹۲، ص. ۴۳). در این میان، آدام متز^۱ معتقد است که در شهرهای اسلامی حیاط مساجد با ورودیهای متعدد به عنوان فضاهای شهری عمل می کنند (توسلی، ۱۳۸۶، ص. ۴۹). فضایی که در صورت مطالعه، طراحی و مدیریت بهینه، نقش مناسبی در شکل گیری حیات اجتماعی شهروندان دارد (همتی و دیگران، ۱۳۹۲، ص. ۴۳). قرارگیری مسجد در میان بافت شهری و مخصوصاً محلات مسکونی شهر، ارتباط هویتی مسجد را با عامه مردم برقرار می کند. مسجد را می توان به عنوان محوری ترین، قانونی ترین و ارزنده ترین عنصر کالبد متبلور کننده مدنیت جامعه اسلامی دانست. بناهای مذهبی یکی از اساسی ترین عناصر بافت، ساخت و شکل شهرها بوده و هستند. تداوم حضور بناهای مذهبی در شکل شهر از ظهور اولین شهرهای شناخته شده تا امروز با حیات شهر عجین شده اند. در بناهای مذهبی درون شهرها مسجد جایگاه

ویژه ای را به خود اختصاص می دهد. ارتباط گسترده مسجد با بافت شهری از طریق مسیرهای ارتباطی منتهی به ورودی مسجد برقرار می شود و بر این اساس می توان ارتباط کاربران مسجد را تبیین نمود (مهدوی-نژاد و مشایخی، ۱۳۸۹، ص. ۷۰). مسجد از بدو تأسیس، علاوه بر محل عبادت، محیطی برای تعاملات اجتماعی بوده است. این مکان در طول زمان، محلی برای مشورت در مورد امور روزانه اجتماع مسلمانان در نظر گرفته شد و به اقتضای فضای حاکم، به مکانی برای تصمیم گیری سیاسی و در زمان صلح و آرامش به جایی برای آموزش و تعلیم تبدیل می گردیده است (سعید آفتابی، ۱۳۹۰، ص. ۲۵). از زمان بنیان گذاری مساجد اسلامی توسط نبی اکرم (ص) تاکنون، نه تنها مساجد به صورت شکلی متحول شده اند، بلکه از نظر فرهنگی و اجتماعی نیز در جریان دگرگونی قرار گرفته و هویتی جدید یافته اند؛ به طوری که در تمام دوران اسامی مسجد نخستین کانون عبادی، نخستین پایگاه تبلیغاتی، نخستین جایگاه دانش، مرکز فعالیت های سیاسی و اجتماعی و مرکز خدمات اجتماع، فعالیت های نظامی، قضاوت، محل اسکان و معامله بوده است (زرگر و دیگران، ۱۳۸۶، ص. ۵۷).

مسجد به علت عرضه عملکردها و فعالیت های متنوع مذهبی و اجتماعی از توانایی لازم برای تقویت تعاملات اجتماعی و گسترش شبکه های عملکردی (رسمی و غیررسمی) و افزایش ظرفیت های اجتماعی برخوردار است. کثرت تعاملات اجتماعی در قالب شبکه های رسمی و غیررسمی، افزایش انسجام و همبستگی اجتماعی در جامعه را سبب می شود. برگزاری آیین های مذهبی و گردهمایی هایی که عمدتاً

1. Adam metz

به شکل خودجوش و غیررسمی در قالب برپایی نمازهای یومیه، مراسم عزاداری، اعیاد و جشن‌های مذهبی انجام می‌گیرد، سبب تقویت تعاملات اجتماعی می‌شود. از سوی دیگر افرادی که در طول روز یا در ضمن برگزاری مراسمی که به صورت متناوب در ایام گوناگون سال در درون مساجد برگزار می‌شود، یکدیگر را ملاقات می‌کنند، به نوعی از جریان زندگی روزمره یکدیگر آگاه می‌شوند. وجود این ارتباطات می‌تواند عامل مهمی در جهت اشتراک مساعی افراد جامعه در جهت حل مشکلات یکدیگر باشد (حمزه نژاد و واحد دهرکردی، ۱۳۹۶، ص. ۵۶). کثرت و تنوع روابط و تعاملات اجتماعی منجر به تقویت انسجام و همبستگی اجتماعی می‌شود (عارفی، ۱۳۸۵، ص. ۱۳). در این راستا تعامل اجتماعی می‌تواند یک موضوع فیزیکی، یک نگاه، یک مکالمه یا ارتباط بین افراد باشد که از یک سو خود مستلزم تعریف رویدادها و فعالیت‌های متناسب و در نتیجه نقش‌پذیری مردم در فضا و عضویت آن‌ها در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است و از سوی دیگر ظرفیت‌های محیطی زندگی عمومی بستر این تعاملات است (دانشپور و چرخ‌چیان، ۱۳۸۶، ص. ۲۲). درواقع انسان موجودی اجتماعی است و به تعاملات اجتماعی و ارتباط با دیگران نیازمند است. ازاین‌رو، فضاهای شهری در ایفای این ویژگی، نقش قابل توجهی دارند و مساجد می‌توانند یکی از این فضاها باشد (شاطریان، ۱۳۹۰، ص. ۳۹۸). در این میان، شیوه زندگی انسان و اثرات آن بر تعاملات اجتماعی در طول زمان، بواسطه مبحث پایداری اجتماعی بررسی می‌گردد. هدف از پایداری اجتماعی به عنوان رابط

میان ابعاد مختلف توسعه پایدار (کولانتونیو^۱ و دیکسون^۲، ۲۰۰۹، ص. ۴). دسترسی یکسان نسل‌های آینده و کنونی به منابع اجتماعی است (مک^۳ و پیکاک^۴، ۲۱۱، ص. ۲). پایداری اجتماعی به چهار رکن اساسی اشاره دارد که عبارتند از: آگاهی برای پایداری و همبستگی اجتماعی، عدالت، مشارکت، و کیفیت جوامع (لیتینگ^۵ و گریسلر^۶، ۲۰۰۵، ص. ۶۸). در این زمینه، افزایش آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی را می‌توان از مهم‌ترین نقش‌های مساجد عنوان نمود. مسجد محل تجهیز فکری و روحی و اخلاقی، آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی است (علاءالدین، ۱۳۸۰، ص. ۵۷). مساجد از بدو تأسیس، فعالیت اطلاع‌رسانی را در سنت خود داشته‌اند، ازاین‌رو می‌توان از این مراکز با عنوان مراکز مدیریت اطلاع‌رسانی نام برد به‌نحوی که مرجع مهمی برای انتشار اخبار به ویژه در سطح محله‌ای باشند (مهدوی و فاء، ۱۳۹۴، ص. ۱۲۵). به‌عبارت دیگر، مساجد در کشورهای اسلامی تربیون آزادی برای ترویج معارف واقعی دینی به شمار می‌روند. علمای دینی از مساجد به عنوان یک شبکه گسترده مردمی، در تبیین احکام دین استفاده می‌کنند. اکثر گروه‌های اسلامی به ویژه سیاستمداران اسلامی برای فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی خود از مساجد استفاده می‌کنند و در کشورهایی که به رسانه‌های عمومی دسترسی ندارند، مساجد به عنوان مناسب‌ترین رسانه مورد

1. Colantonio
2. Dixon
3. Mak
4. Peacock
5. Litting
6. Griesler

استفاده قرار می‌گیرد (عرشی نیاسر، ۱۳۸۷، ص. ۴۸). همچنین مسجد می‌تواند به عنوان کانون اتحاد و همبستگی و انس و الفت مسلمانان با یکدیگر باشد به نحوی که مردم هر محله را روزی چند نوبت در کنار هم در نمازهای جماعت، جمع و باهم مأنوس می‌سازد. «مذهب چه به وسیله لباس و یا مناسک، آیین‌های مذهبی و چه به وسیله مکان‌هایی مانند کلیسا، مسجد، حرم و امامزاده، علائم نامرئی از نمادهایی تفکیک‌کننده هستند تا بهتر وحدت ببخشند. علاوه بر این‌ها زندگی مذهبی به خودی خود در تمام مراتب، فعالیت اجتماعی است. این نوع فعالیت‌ها، اجتماعی را تولید می‌کنند» (ادهمی و دیگران، ۱۳۹۶، ص. ۳۰۷).

علاوه بر این، مسجد از گذشته تا کنون به عنوان مکانی برای رسیدگی به شکایت‌های مردم بوده است. در گذشته، تقریباً تمامی مسائل حقوقی و اختلاف‌های میان مردم که نیازمند رسیدگی بود، در مسجد حل و فصل می‌شد. قضاوت‌های امیرمؤمنان علی (ع) در دکه القضای مسجد کوفه و آغاز حکومت عدل‌گستر مهدی موعود از مسجدالحرام، نشان پیوند تاریخی مسجد و عدالت است. در حال حاضر نیز، اگرچه عموم دادرسی‌ها در مراکز قضایی انجام می‌شود، اما در برخی موارد از وجود امام جماعت مسجد محله نیز برای داوری و حکمیت در اختلاف‌های محلی بهره گرفته می‌شود (عرشی نیاسر، ۱۳۸۷، ص. ۴۸).

مسجد به عنوان پایگاه عمومی مسلمانان، محل حضور قشرهای گوناگون است؛ لذا می‌تواند به عنوان جایگاه مناسبی برای تقویت روحیه تعاون و مشارکت

آنان در راستای رفع نارسایی‌های اجتماعی باشد. مساجد در صدر اسلام در جایگاه کانونی برای تهییج، تحریک و ترغیب مردم به همکاری، همیاری، همبستگی و مساعدت عمل کرده، تعامل‌ها و کنش‌های اجتماعی را تسهیل می‌کرد و می‌توان ادعا کرد که حیات اجتماعی اسلام در برهه‌های زمانی گوناگون و حساس تاریخی به واسطه نقش مسجد در پدیدساختن مشارکت اجتماعی احیا، تقویت و حفظ شده است. حضور در مسجد از آنجاکه روحیه همبستگی و تعاون را در قالب مشارکت‌های غیررسمی نهادینه می‌کند، مشارکت اجتماعی را در پی داشته، به خلق سرمایه اجتماعی می‌انجامد (نظریور و منتظری مقدم، ۱۳۸۹، ص. ۷۰-۶۹). اگر مشارکت را در دو بُعد: شامل بُعد ذهنی، که همان تمایل به مشارکت اجتماعی که در نتیجه اعتماد و سایر عوامل زمینه‌ساز در افراد ایجاد می‌شود، و بُعد عینی و رفتاری، که به صورت عضویت، نظارت، اجرا و تصمیم‌گیری بروز می‌کند که همان پیوند عینی افراد است (موسوی، ۱۳۸۵، ص. ۶۷) مطرح کنیم، مسجد نقشی بی‌بدیل و تعیین‌کننده در زمینه‌سازی برای این دو بُعد مشارکت افراد خواهد داشت. به‌طوری‌که از منظر بُعد عینی مشارکت، باید گفت نهاد مسجد می‌تواند برای تحقق این بُعد از مشارکت بستر مناسبی باشد، زیرا اجتماع شکل گرفته با محوریت مسجد، هنجارهای مشترکی در ابعاد اندیشه و رفتار دارد. علاوه بر این، زمینه اعتماد افراد به یکدیگر در بستر مسجد فراهم است. این دو عنصر می‌تواند موجبات تمایل افراد به مشارکت در بُعد ذهنی آن را فراهم کند. با تحقق این امر، برای مشارکت افراد در بُعد

عینی آن در بستر مسجد فراهم است. در این خصوص، نماز جماعت یکی از مصادیق مشارکت افراد است که زمینه را برای مشارکت افراد در سطح اعمال عبادی فراهم می‌کند. مناسکی مانند نماز جماعت، اعتکاف و جز آن از جمله این موارد است که در هر یک از آن‌ها تدابیری اندیشیده شده است که فرد با مبادرت به آن‌ها در جریان مشارکت قرار می‌گیرد (موسوی مقدم و محمدی، ۱۳۹۵، ص ۱۵۶-۱۵۵).

۲. روش‌شناسی پژوهش

۲.۱. روش پژوهش

رویکرد کلی پژوهش، از نوع پژوهش‌های کمی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها، مبتنی بر داده‌های کتابخانه‌ای و پیمایشی (از طریق پرسشنامه) بوده است. مطالعات میدانی تحقیق در بهار ۱۳۹۶ انجام پذیرفته است. با توجه به توصیفی بودن پژوهش و لزوم وجود نمونه‌ای به حجم حداقل ۱۰۰ نفر (دلاور، ۱۳۷۵، ص ۱۳)، به منظور توزیع پرسشنامه، نمونه‌ای به تعداد ۱۰۰ نفر، از میان افرادی که به مسجد می‌روند، مدنظر می‌باشد. به منظور توزیع پرسشنامه از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است. در تحقیق حاضر جهت تعیین روایی پرسش‌نامه از روایی محتوایی استفاده گردید. به این ترتیب که

سؤالات پرسشنامه پس از بررسی ادبیات موضوع و تحقیق‌های مرتبط و با توجه به نحوه طرح سؤالات در پرسشنامه‌های استاندارد، طراحی شد و سپس به تأیید ۲۰ نفر از کارشناسان و متخصصان این حوزه رسید. به منظور سنجش پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. در این خصوص، با حذف سؤال "میزان تمایل به مهاجرت" از پرسشنامه، با توجه به قرابت کمتری آن با سؤالات دیگر، ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۱۹ محاسبه گردید. بنابراین با توجه به اینکه ضریب آلفای محاسبه‌شده بیشتر از ۰/۷ می‌باشد نشان می‌دهد که پرسشنامه‌های مذکور دارای پایایی خوب و قابل قبولی می‌باشد. در این تحقیق به منظور تحلیل داده‌ها، علاوه بر شاخص‌های آمار توصیفی همچون توزیع فراوانی، آزمون‌های آماری استنباطی از جمله آزمون تی تک نمونه‌ای و خی‌دو بکار گرفته شده است.

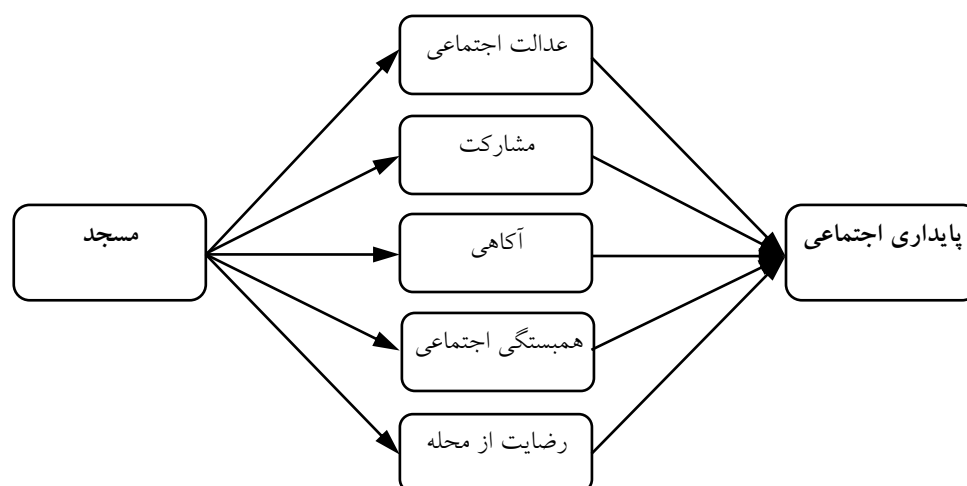
۲.۲. متغیرها و شاخص‌های پژوهش

این تحقیق بر پایه پنج بُعد عدالت اجتماعی، مشارکت، آگاهی، همبستگی اجتماعی، و رضایت از محله استوار است. براساس ادبیات تحقیق، مدل تحلیلی این تحقیق در شکل (۱) نشان داده شده است. برای سنجش هر یک از ابعاد چند سؤال و گویه به شرح جدول (۱) مدنظر می‌باشد.

جدول ۱. متغیرهای تحقیق

متغیر وابسته	ابعاد	منابع	تعداد گویه‌ها
پایداری اجتماعی	عدالت اجتماعی	پورباقر و دیگران (۱۳۹۷)، عرشی نیاسر (۱۳۸۷)	۵
	مشارکت	موسوی مقدم و محمدی (۱۳۹۵)، احمدیان و عرفانیان (۱۳۹۴)، عبدالملکی و دیگران	۶

متغیر وابسته	ابعاد	منابع	تعداد گویه ها
		(۱۳۹۳)، محمدنقی و منتظری مقدم (۱۳۸۹)	
	آگاهی	عبدالملکی و دیگران (۱۳۹۳)، فعالی (۱۳۹۳)	۴
	همبستگی اجتماعی	ادهمی و دیگران (۱۳۹۶)، عبدالملکی و دیگران (۱۳۹۳)	۵
	رضایت از محله	تقوایی و معروفی (۱۳۸۹)، احمدیان و عرفانیان (۱۳۹۴)، پورباقر و دیگران (۱۳۹۷)، معماری و کیوانلو (۱۳۹۳)، پورجعفر و پورجعفر (۱۳۹۱)، ادیسی خسروشاهی و دیگران (۱۳۹۰)	۵

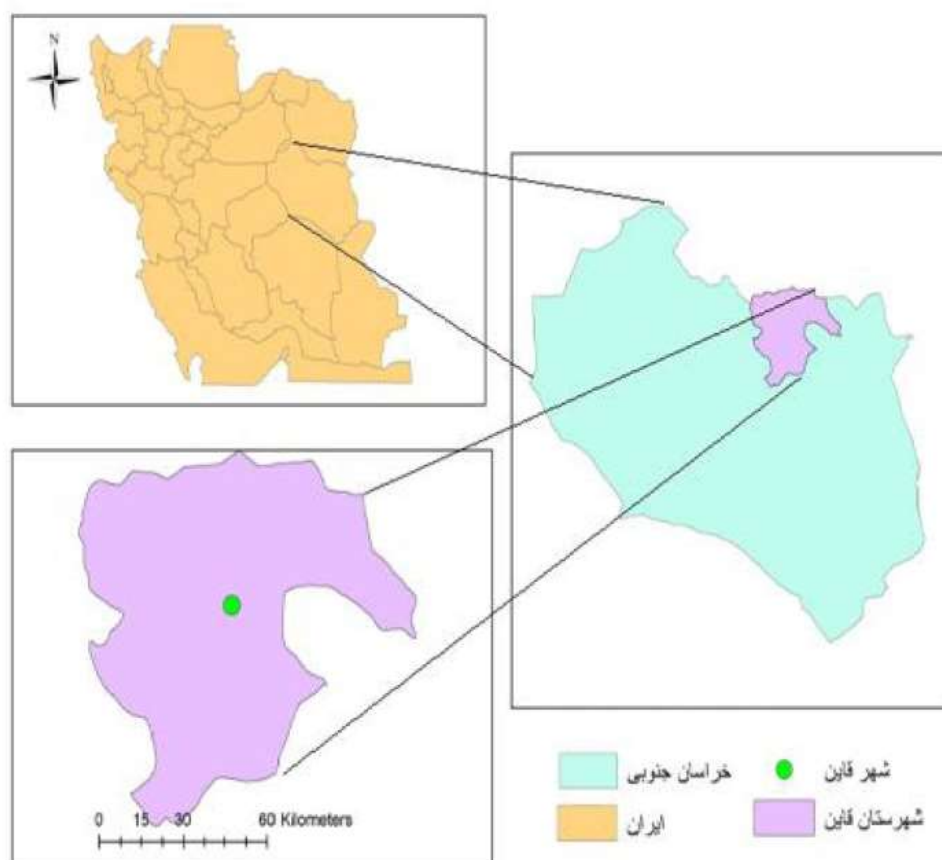


شکل ۱. مدل تحلیلی تحقیق

۳.۲. قلمروی جغرافیایی پژوهش

قلمرو مکانی این تحقیق، مساجد شهر قاین می باشد (شکل ۲). شهر قاین شهر دارای ۲۹ مسجد است که همواره جزء شلوغ ترین اماکن عمومی شهر محسوب می شود. در این میان، مسجد جامع شهر به عنوان قدیمی ترین مسجد شهر مطرح است که در آثار ملی ایران نیز به ثبت رسیده است. قاین یکی از شهرهای استان خراسان جنوبی و مرکز شهرستان

قائنات می باشد. این شهر بر روی دشتی هموار در ارتفاع ۱۴۴۰ متر از سطح دریا قرار داشته و فاصله آن از بیرجند مرکز استان خراسان جنوبی ۱۰۵ کیلومتر می باشد. بر پایه سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ جمعیت این شهر ۴۲۳۲۳ نفر بوده است.



شکل ۲. موقعیت جغرافیایی شهر قاین

۳. یافته‌های پژوهش

می‌دهند. همچنین ۶۷ درصد از نمونه مورد مطالعه به مسجد محل سکونت خویش مراجعه می‌کنند و ۳۳ درصد دیگر به مسجد محل کار خود می‌روند. به منظور سنجش توزیع فراوانی‌های شاخص‌های تحقیق از آزمون خی دو استفاده گردیده که نتایج آن در جداول زیر نشان داده شده است. بر این اساس جدول (۲)، نتایج آزمون خی دو در ارتباط با نقش مساجد در زمینه مشارکت را نشان می‌دهد. همان‌طور که در جدول (۲) نشان داده شده است، بیشترین فراوانی مشاهده‌شده در سؤال‌های "میزان مشارکت افراد در امور خیریه مسجد"، "مشارکت در کارهای محله و مسجد"، "نقش مسجد در امور سیاسی"،

بر مبنای آمار توصیفی تحقیق، میانگین سنی نمونه مورد مطالعه ۴۲ سال است که بیشترین فراوانی آن در گروه سنی ۳۰ تا ۴۴ سال قرار داشته که ۴۱ درصد از نمونه مورد مطالعه را شامل می‌شود. همچنین ۷۷ درصد از نمونه مورد مطالعه را مردان و ۲۳ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. ۴۳ درصد نمونه مورد مطالعه دارای مشاغل آزاد، ۱۷ درصد را کارمندان و ۴۰ درصد باقی‌مانده را دانشجویان، دانش‌آموزان و ... تشکیل داده‌اند.

۳۰ درصد نمونه از نظر تحصیلات زیر دیپلم، ۴۱ درصد دیپلم و مابقی را فوق‌دیپلم و لیسانس تشکیل

"میزان مشارکت مردم در فعالیت‌های فرهنگی مذهبی"، و "میزان مشارکت مردم در برنامه‌های آموزشی مسجد" در شهر قاین، در سطح متوسط می‌باشد. با توجه به اینکه سطح معنی‌داری در سطح کمتر از آلفای ۰/۰۱ است، لذا توزیع فراوانی از اختلاف معنی‌داری برخوردار است. بنابراین با ۹۹ درصد از درجه اطمینان می‌توان گفت که نقش مساجد در این شاخص در سطح متوسط برآورد شده است.

طبق جدول (۲)، بیشترین فراوانی مشاهده‌شده در سؤال "نقش مسجد در مطالبات از دولت و شهروندان"، در سطح کم می‌باشد. با توجه به اینکه سطح معنی‌داری در سطح کمتر از آلفای ۰/۰۱ است، لذا توزیع فراوانی از اختلاف معنی‌داری برخوردار بوده و با ۹۹ درصد از درجه اطمینان می‌توان گفت که نقش مساجد در این گویه، در سطح کم برآورد شده است.

جدول ۲. نتایج آزمون خی‌دو در ارتباط با شاخص مشارکت

میزان مشارکت در نقش مسجد در مطالبات از دولت و شهروندان	مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی مذهبی	نقش مسجد در امور سیاسی	مشارکت در کارهای محله و مسجد	مشارکت در امور خیریه	
۲۹	۱۵	۴	۴	۸	خیلی کم
۳۰	۴۲	۲۱	۲۸	۲۵	کم
۳۷	۳۹	۴۱	۴۹	۴۲	متوسط
۴	۴	۳۴	۱۹	۳۲	زیاد
۰	۰	۰	۰	۰	خیلی زیاد
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	کل
۲۵/۰۴	۴۱/۰۴	۳۱/۷۶	۴۲/۴۸	۲۷/۴۴	Chi-Square
۳	۳	۳	۳	۳	df
۰	۰	۰	۰	۰	Asymp. Sig.

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵)

در ادامه مطابق با جدول (۳)، نتایج آزمون خی‌دو در ارتباط با نقش مساجد در زمینه عدالت اجتماعی نشان داده شده است. همان‌طور که در جدول (۳) نشان داده شده است، بیشترین فراوانی‌های مشاهده‌شده در سؤال‌های "از مسجد ندای عدالت به گوش می‌رسد"، "حضور در مسجد باعث احترام به همسایگان شده"، "حضور در مسجد باعث

برقراری حق"، همچنین "مهرورزی به خانواده" و این که "مسجد دارای کارکرد پاسداری از عدالت است"، در سطح زیاد می‌باشد. با توجه به اینکه سطح معنی‌داری در سطح کمتر از آلفای ۰/۰۵ است، بنابراین توزیع فراوانی از اختلاف معنی‌داری برخوردار است. لذا با ۹۹ درصد از درجه اطمینان

می‌توان گفت که نقش مساجد قاین در این شاخص در سطح زیاد برآورد شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون خی دو در ارتباط با شاخص عدالت اجتماعی

کارکرد مسجد پاسداری از عدالت	حضور در مسجد باعث مهرورزی به خانواده	حضور در مسجد باعث برقراری حق	حضور در مسجد باعث احترام به همسایه	ندای عدالت از مسجد	
۰	۰	۰	۰	۳	خیلی کم
۱۰	۲	۹	۲	۱۲	کم
۳۵	۳۵	۳۰	۳۵	۳۲	متوسط
۴۵	۵۵	۵۳	۵۱	۴۳	زیاد
۱۰	۸	۸	۱۲	۱۰	خیلی زیاد
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	کل
۳۸	۷۲/۷۲	۵۴/۱۶	۵۸/۹۶	۵۶/۳۰	Chi-Square
۳	۳	۳	۳	۴	df
۰	۰	۰	۰	۰	Asymp. Sig.

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵)

همچنین مطابقت با جدول (۴) در سؤال مربوط به "حضور در مسجد باعث آگاهی از اوضاع زیست‌محیطی جامعه"، بیشترین فراوانی در سطح کم می‌باشد. با توجه به اینکه سطح معنی‌داری در سطح کمتر از آلفای ۰/۰۵ است، بنابراین توزیع فراوانی از اختلاف معنی‌داری برخوردار است. لذا با ۹۹ درصد از درجه اطمینان می‌توان گفت که نقش مساجد قاین در آگاهی از اوضاع زیست‌محیطی جامعه در سطح کم می‌باشد.

در جدول (۴)، نتایج آزمون خی دو در ارتباط با نقش مساجد در زمینه آگاهی نشان داده شده است. همان‌طور که در جدول (۴) نشان داده شده است، بیشترین فراوانی در سؤال‌های "حضور در مسجد باعث آگاهی از اوضاع سیاسی"، "حضور در مسجد باعث آگاهی از اوضاع اقتصادی"، و "حضور در مسجد باعث آگاهی از اوضاع اجتماعی"، در سطح متوسط می‌باشد. با توجه به اینکه سطح معنی‌داری در سطح کمتر از آلفای ۰/۰۵ است، بنابراین توزیع فراوانی از اختلاف معنی‌داری برخوردار است. لذا با ۹۹ درصد از درجه اطمینان می‌توان گفت که نقش مساجد قاین در گویه‌های فوق‌الذکر، در سطح متوسط برآورد شده است.

جدول ۴. نتایج آزمون خی دو در ارتباط با شاخص آگاهی

حضور در مسجد باعث آگاهی از اوضاع زیست محیطی	حضور در مسجد باعث آگاهی از اوضاع اجتماعی	حضور در مسجد باعث آگاهی از اوضاع اقتصادی	حضور در مسجد باعث آگاهی از اوضاع سیاسی	
۳۹	۱۰	۱۰	۶	خیلی کم
۲۶	۱۵	۱۶	۱۲	کم
۲۳	۵۵	۵۵	۴۳	متوسط
۱۲	۲۰	۱۹	۳۵	زیاد
۰	۰	۰	۴	خیلی زیاد
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	کل
۱۴/۸	۵۰	۴۹/۶۸	۶۳/۵	Chi-Square
۳	۳	۳	۴	df
۰/۰۰۲	۰	۰	۰	Asymp. Sig.

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵)

و "حضور در مسجد باعث ایجاد اعتماد بین همشهریان" در سطح زیاد می‌باشد. با توجه به اینکه سطح معنی‌داری در سطح کمتر از آلفای ۰/۰۱ است، توزیع فراوانی از اختلاف معنی‌داری برخوردار است. لذا با ۹۹ درصد از درجه اطمینان می‌توان گفت که نقش مساجد در آگاهی از شرایط دوستان و همشهریان، و ایجاد اعتماد بین همشهریان، در سطح زیاد می‌باشد.

در جدول (۵)، نتایج آزمون خی دو در ارتباط با نقش مساجد در زمینه همبستگی اجتماعی نشان داده شده است. همان‌طور که در جدول (۵) نشان داده شده است، بیشترین فراوانی در سؤال‌های "حضور در مسجد باعث افزایش مسئولیت‌پذیری"، "حضور در مسجد باعث وابستگی به همشهریان" و "حضور در مسجد باعث آگاهی از حقوق مدنی شهروندان"، در سطح متوسط می‌باشد. با توجه به اینکه سطح معنی‌داری در سطح کمتر از آلفای ۰/۰۱ است، بنابراین توزیع فراوانی از اختلاف معنی‌داری برخوردار است. لذا با ۹۹ درصد از درجه اطمینان می‌توان گفت که نقش مساجد قاین در گویه‌های فوق‌الذکر، در سطح متوسط برآورد شده است. طبق جدول (۵)، بیشترین فراوانی در سؤال‌های "حضور در مسجد باعث آگاهی از شرایط دوستان"

جدول ۵. نتایج آزمون خی دو در ارتباط با شاخص همبستگی اجتماعی

حضور در مسجد باعث افزایش مسئولیت پذیری	نقش مسجد باعث آگاهی از حقوق مدنی شهروندان	حضور در مسجد باعث وابستگی به همشهریان	حضور در مسجد باعث ایجاد اعتماد بین همشهریان	حضور در مسجد باعث آگاهی از شرایط دوستان	
۶	۱۷	۴	۰	۰	خیلی کم
۱۲	۳۴	۱۰	۰	۲	کم
۴۴	۳۵	۴۰	۳۳	۲۳	متوسط
۳۶	۱۴	۴۶	۵۰	۶۳	زیاد
۲	۰	۰	۱۵	۱۲	خیلی زیاد
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	کل
۷۰/۸	۱۴/۶۴	۵۳/۲۸	۷۵/۷۲	۸۵/۸۴	Chi-Square
۴	۳	۳	۳	۳	df
۰	۰/۰۰۲	۰	۰	۰	Asymp. Sig.

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵)

امنیت"، در سطح زیاد می‌باشد. با توجه به اینکه سطح معنی‌داری در سطح کمتر از آلفای ۰/۰۱ است، بنابراین توزیع فراوانی از اختلاف معنی‌داری برخوردار است. لذا با ۹۹ درصد از درجه اطمینان می‌توان گفت که نقش مساجد در گویه‌های فوق‌الذکر، در سطح زیاد برآورد شده است.

در ادامه مطابق با جدول (۶)، نتایج آزمون خی دو در ارتباط با نقش مساجد در زمینه رضایت از محله نشان داده شده است. طبق جدول (۶) بیشترین فراوانی مشاهده‌شده در سؤال‌های "میزان رضایت از عدالت"، "رضایت از زندگی در محله"، "ایجاد روحیه نشاط"، "افتخار به محله"، و "احساس

جدول ۶. نتایج آزمون خی دو در ارتباط با شاخص رضایت از محله

احساس امنیت	افتخار به محله	ایجاد روحیه نشاط	رضایت از زندگی در محله	میزان رضایت از عدالت	
۰	۰	۱	۲	۱۱	خیلی کم
۴	۴	۰	۱۷	۲۲	کم
۲۸	۳۲	۳۰	۱۹	۲۵	متوسط
۵۰	۵۲	۵۵	۴۶	۳۶	زیاد
۱۸	۱۲	۱۴	۱۶	۶	خیلی زیاد
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	کل
۴۴,۹۶	۵۵,۵۲	۶۴,۸۸	۵۱,۳۰	۲۸,۱۰	Chi-Square
۳	۳	۳	۴	۴	df
۰	۰	۰	۰	۰	Asymp. Sig.

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵)

فرضیه‌های تحقیق حاضر بر اساس نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. به منظور آزمون فرضیه اول تحقیق، مبتنی بر نقش مساجد شهر قاین در افزایش مشارکت‌های مردمی، جدول (۷) ارائه شده است. با توجه به جدول شماره (۷)، میانگین جامعه ۲/۶۹ محاسبه شده است.

همان‌طور که در جدول تی تک نمونه‌ای نشان داده شده، سطح معنی‌داری در سطح کمتر از آلفای ۰/۰۵ است؛ لذا اختلاف معناداری بین میانگین نظری (۳) و میانگین جامعه وجود دارد. بنابراین نقش مساجد شهر قاین در افزایش مشارکت‌های مردمی در سطح کم ارزیابی گردیده است.

جدول ۷. نتایج آزمون تی در ارتباط با نقش مساجد در مشارکت‌های مردمی

Std. Error Mean	Std. Deviation	Mean	N	
۰/۰۶	۰/۶۴	۲/۶۹	۱۰۰	مشارکت

Test Value = 3						فرضیه اول
95% Confidence Interval of the Difference		Mean Difference	Sig. (2-tailed)	df	t	
Upper	Lower					
-۰/۱۷	-/۴۳	-۰/۳	۰	۹۹	-۴/۷۴	

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵)

نتایج آزمون فرضیه دوم تحقیق، مبتنی بر نقش مساجد شهر قاین در ارتقاء عدالت اجتماعی، در جدول (۸) ارائه شده است. با توجه به جدول (۸)، میانگین جامعه ۳/۶ محاسبه شده است. همان‌طور که در جدول تی تک نمونه‌ای نشان داده شده، سطح

معنی‌داری در سطح کمتر از آلفای ۰/۰۵ است؛ لذا اختلاف معناداری بین میانگین نظری (۳) و میانگین جامعه وجود دارد. بنابراین نقش مساجد شهر قاین در ارتقاء عدالت اجتماعی، در سطح زیاد ارزیابی گردیده است.

جدول ۸. نتایج آزمون تی در ارتباط با نقش مساجد و پایداری اجتماعی

Std. Error Mean	Std. Deviation	Mean	N	
۰/۰۶	۰/۶۹	۳/۶	۱۰۰	عدالت اجتماعی

Test Value = 3						فرضیه دوم
95% Confidence Interval of the Difference		Mean Difference	Sig. (2-tailed)	df	t	
Upper	Lower					
۰/۷۴	۰/۴۶					

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵)

جدول (۹)، نتایج آزمون فرضیه سوم تحقیق مبتنی بر نقش مساجد شهر قاین در آگاهی مردم از جریان‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی را بیان می‌دارد. با توجه به جدول (۹)، میانگین جامعه ۳/۰۵

محاسبه شده است. همان‌طور که در جدول تی تک نمونه‌ای نشان داده شده، سطح معنی‌داری بیشتر از آلفای ۰/۰۵ است؛ لذا اختلاف معناداری بین میانگین

نظری (۳) و میانگین جامعه وجود ندارد. لذا مساجد شهر قاین در افزایش آگاهی مردم نقش کمی دارند.

جدول ۹. نتایج آزمون تی در ارتباط با نقش مساجد در ایجاد آگاهی

Std. Error Mean	Std. Deviation	Mean	N	
.06109	.61093	۳/۰۵	۱۰۰	آگاهی

Test Value = 3						فرضیه سوم
95% Confidence Interval of the Difference		Mean Difference	Sig. (2-tailed)	df	t	
Upper	Lower					
۰/۱۷	-۰/۰۶					
		۰/۰۵	۰/۳۸	۹۹	۰/۸۷	

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵)

نتایج آزمون فرضیه چهارم تحقیق مبتنی بر نقش مساجد شهر قاین در ارتقاء همبستگی اجتماعی، جدول (۱۰) ارائه شده است. با توجه به جدول (۱۰)، میانگین جامعه ۲/۹۱ محاسبه شده است. همان‌طور که در جدول تی تک نمونه‌ای نشان داده شده، سطح معنی‌داری بیشتر از آلفای ۰/۰۵ است؛ لذا اختلاف معناداری بین میانگین نظری (۳) و میانگین جامعه وجود ندارد. لذا مساجد شهر قاین در ارتقاء همبستگی اجتماعی نقش کمی دارند.

جدول ۱۰. نتایج آزمون تی در ارتباط با نقش مساجد در افزایش همبستگی اجتماعی

Std. Error Mean	Std. Deviation	Mean	N	
۰/۰۶	۰/۶۲	۲/۹۱	۱۰۰	همبستگی

Test Value = 3						فرضیه چهارم
95% Confidence Interval of the Difference		Mean Difference	Sig. (2-tailed)	df	t	
Upper	Lower					
۰/۲۱	-۰/۵۱					
		-۰/۰۸	۰/۲۱	۹۹	-۳/۱۴	

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵)

همچنین نتایج آزمون فرضیه پنجم تحقیق مبتنی بر نقش مساجد شهر قاین بر رضایت مردم از محله در جدول (۱۱) ارائه شده است. با توجه به جدول (۱۱)، میانگین جامعه ۳/۳۳ محاسبه شده است.

جدول ۱۱. نتایج آزمون تی در ارتباط با نقش مساجد بر رضایت از محل زندگی

Std. Error Mean	Std. Deviation	Mean	N	
۰/۰۴	۰/۴۹	۳/۳۳	۱۰۰	کیفیت

Test Value = 3						فرضیه پنجم
95% Confidence Interval of the Difference		Mean Difference	Sig. (2-tailed)	df	t	
Upper	Lower					
۰/۴۳	۰/۲۳					
		۰/۳۳	۰	۹۹	۰/۷۶	

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵)

همان‌طور که در جدول تی تک نمونه‌ای نشان داده شده، سطح معنی‌داری در سطح کمتر از آلفای ۰/۰۵ است؛ لذا اختلاف معناداری بین میانگین نظری (۳) و میانگین جامعه وجود دارد. بنابراین نقش مساجد شهر قاین در ارتقاء کیفیت زندگی مردم، در سطح زیاد ارزیابی گردیده است.

۴. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این تحقیق، نقش مساجد در ارتباط با پایداری اجتماعی از منظر عدالت اجتماعی، مشارکت، آگاهی و همبستگی، و رضایت از محله مورد ارزیابی قرار گرفت. به‌طورکلی نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که مساجد شهر قاین موجب ارتقاء رضایت از محله، بهبود عدالت اجتماعی، و افزایش مشارکت میان مردم شده است. همچنین نتایج تحقیق نشان داد که مساجد شهر قاین بر ارتقاء آگاهی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مردم و همچنین همبستگی اجتماعی، تأثیری نداشته است. بر این اساس نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها و مقایسه آن‌ها با پیشینه تحقیق به شرح زیر مطرح است:

نقش مساجد بر رضایت از محله: نتایج تحلیل داده‌ها در این تحقیق نشان داد که مساجد شهر قاین بر ارتقاء رضایت مردم از محله تأثیرگذار است. نتایج این تحقیق مشابه با پژوهش‌های نقوایی و معروفی (۱۳۸۹) با عنوان "ارزیابی نقش مساجد در ارتقاء کیفیت محیط"، خواجه‌نوری و همکاران (۱۳۹۰) با عنوان "رابطه میزان دین‌داری با کیفیت زندگی

جوانان"، ویلدز^۱ و همکاران (۲۰۰۹)، احمد و عبدالخالد^۲ (۲۰۱۰)، لیم و پاتنام^۳ (۲۰۱۰) می‌باشد که به‌طورکلی، مساجد و اماکن مذهبی را موجب ارتقاء رضایت مردم از محل زندگی خود می‌دانند.

نقش مساجد بر آگاهی و همبستگی: مطابق با تحلیل داده‌ها در این تحقیق، مساجد شهر قاین در افزایش آگاهی مردم و همچنین همبستگی اجتماعی تأثیرگذار نبوده است. نتایج این تحقیق، مخالف با نتایج پژوهش عبدالملکی و دیگران (۱۳۹۳) است که در مقاله خود با عنوان "واکاوی نوع نگاه به نهاد مسجد در سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران" بیان نمودند افزایش آگاهی‌های اجتماعی و فرهنگی، آگاهی بخشی به افراد نسبت به تهاجمات فرهنگی، و ایجاد انسجام و همبستگی اجتماعی از زمره مهم‌ترین کارکردهای فرهنگی اجتماعی مسجد به شمار می‌آید. همچنین نتایج تحقیق حاضر، مخالف با اظهارات ادهمی و دیگران (۱۳۹۶) در پژوهش "نقش اجتماعی اماکن مذهبی در جامعه"، است که اظهار داشتند زندگی مذهبی به خودی خود در تمام مراتب، فعالیت اجتماعی است که این نوع فعالیت‌ها، همبستگی اجتماعی را تولید می‌کنند. علاوه بر این نتایج این تحقیق با اظهارات فعالی (۱۳۹۳) در کتاب "مسجد و سبک زندگی" است که رشد آگاهی‌های سیاسی، روشنگری افکار عمومی، و دیدار با هیات‌های سیاسی را از جمله کارکردهای مسجد معرفی می‌کند.

1. Wildes

2. Ahmed and Abdel-Khaled

3. Lim and Putnam

نقش مساجد بر مشارکت: تحلیل داده‌ها در این

تحقیق نشان داد که مساجد شهر قاین بر مشارکت‌های مردمی تأثیرگذار می‌باشد. نتایج این تحقیق مشابه با پژوهش‌های موسوی مقدم و محمدی (۱۳۹۵) با عنوان "بررسی نقش مسجد در افزایش سرمایه اجتماعی بر اساس نماگرهای اصلی آن در قرآن و حدیث"، احمدیان و عرفانیان (۱۳۹۴) با عنوان "بررسی نقش مساجد در توسعه محله‌ای در شهر مشهد"، و محمدنقی و منتظری مقدم (۱۳۸۹) با عنوان "سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی مطالعه‌ای درباره مشارکت اجتماعی از منظر اسلام" است که به‌طور کلی مساجد را موجب خلق مشارکت اجتماعی معرفی می‌کنند.

نقش مساجد بر عدالت اجتماعی: بر اساس

نتایج حاصل‌شده در این تحقیق، مساجد شهر قاین بر ارتقاء عدالت اجتماعی تأثیرگذار است. نتایج این تحقیق مشابه با نتایج پژوهش پورباقر و دیگران (۱۳۹۷) با عنوان "واکاوی نقش مساجد در تحقق عدالت اجتماعی شهرهای اسلامی معاصر" می‌باشد.

که اظهار داشتند مساجد با توجه به تأثیر سازنده‌ای که در عرصه مدیریت، تعاون و وحدت اجتماعی، تقویت امنیت اجتماعی، کاهش آسیب‌پذیری جامعه و کنترل کنش‌های ناهنجار، تکریم حقوق شهروندی و کرامت انسانی و درنهایت تحکیم و تقویت توسعه پایدار دارند، به عنوان یک سرمایه اجتماعی در تحقق عدالت اجتماعی محسوب می‌شوند.

البته متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش نمی‌توانند تبیین‌کننده تمامی اثرات نقش مساجد در جوامع باشند. یعنی عوامل و متغیرهای دیگری هم وجود دارند که از وجود مساجد در جوامع مختلف، تأثیر می‌پذیرند؛ اما به دلیل وجود عوامل محدودکننده تحقیق، امکان بررسی تمامی این متغیرها و عوامل تأثیرپذیر وجود نداشت. این امر می‌تواند فرصتی را برای انجام تحقیقات بعدی و تکمیلی توسط سایر محققان فراهم آورد.

کتاب‌نامه

۱. احمدیان، م. ع. و عرفانیان، س. (۱۳۹۴). بررسی نقش مساجد در توسعه محله‌ای در شهر مشهد. *مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری*، ۲(۱)، ۱۱۰-۹۳.
۲. ادیسی خسروشاهی، ن.، پناهی، س.، و باقری مهکی، م. (۱۳۹۰). نقش مساجد محله‌ای در توسعه شهری پایدار. *مجموعه مقالات دومین همایش ملی معماری پایدار*. همدان: مرکز آموزشی و فرهنگی سما.
۳. ادهمی، ع. ر.، ادیسی، ا.، و عامری، م. (۱۳۹۶). نقش اجتماعی اماکن مذهبی در جامعه مورد مطالعه زیارتگاه‌های حرم عبدالعظیم و امامزاده صالح در شهر تهران. *مجله مدیریت شهری*، ۱۶(۴۹)، ۳۰۸-۲۹۷.
۴. امین زاده گوهرریزی، ب. (۱۳۷۶). حیات مسجد بررسی تاریخی و سیر تحول آن. *مجموعه مقالات همایش معماری مسجد با گذشته حال آینده*. جلد اول، اصفهان: انتشارات دانشگاه هنر.

۵. بالجانی، ا.، کاظمی، م.، امان پور، ا.، و تیزفهم، ت. (۱۳۹۰). بررسی ارتباط بین مذهب سلامت معنوی امید و کیفیت زندگی در بیماران مبتلا به سرطان. *مجله پرستاری و مامایی مشهد*، ۱۷ (۳)، ۲۷-۳۷.
۶. بهزادفر، م. (۱۳۷۶). معماری مسجد و نمای شهری. *مجموعه مقالات همایش معماری مسجد: گذشته، حال، آینده*، جلد دوم، اصفهان: انتشارات دانشگاه هنر.
۷. پورباقر، س.، ابراهیمی، م.، و انتظاری، ف. (۱۳۹۷). واکاوی نقش مساجد در تحقق عدالت اجتماعی شهرهای اسلامی معاصر. *دومین همایش بین‌المللی ایده‌های راهبردی در معماری شهرسازی جغرافیا و محیط‌زیست*، مشهد: موسسه تعاونی دانش‌بنیان کمرآوش.
۸. پورجعفر، م. ر.، و پورجعفر، ع. (۱۳۹۱). الگوی پیشنهادی محله، با مرکزیت مسجد و فضاهای عمومی موردنیاز در شهر ایرانی-اسلامی. *مجله مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ۳ (۱۰)، ۱۵-۲۴.
۹. پیرنیا، م. ک. (۱۳۷۹). *معماری ایران دوره اسلامی: مساجد*. تدوین محمد یوسف کیانی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۱۰. پیرنیا، م. ک. (۱۳۸۶). *آشنایی با معماری اسلامی ایران*. تدوین غلامحسین معماریان، تهران: انتشارات سروش دانش.
۱۱. تقوایی، ع. ا.، و معروفی، س. (۱۳۸۹). ارزیابی نقش مساجد در ارتقاء کیفیت محیط مطالعه موردی مسجد امیر تهران. *مجله مدیریت شهری*، ۸ (۲۵)، ۲۱۹-۲۳۴.
۱۲. توسلی، م.، و بنیادی، ن. (۱۳۸۶). *طراحی فضای شهری*. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
۱۳. حمزه‌نژاد، م.، و واحددهکردی، ش. (۱۳۹۶). امکان‌سنجی مجاورت مساجد شیعه و سنی با رویکرد افزایش پایداری اجتماعی مطالعه موردی مسجد جامع شهر گنبد کاووس. *مجله مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ۷ (۲۸)، ۶۲-۵۳.
۱۴. خواجه‌نوری، ب.، ریاحی، ز.، و مساوات، ا. (۱۳۹۰). رابطه میزان دین‌داری با کیفیت زندگی جوانان مورد مطالعه جوانان شیراز. *مجله نامه پژوهش فرهنگی*، ۱۲ (۱۴)، ۱۵۹-۱۲۷.
۱۵. دانشپور، س. ع. ه.، و چرخچیان، م. (۱۳۸۶). فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی. *مجله باغ نظر*، ۷، ۱۹-۲۸.
۱۶. دلاور، ع. (۱۳۷۵). *روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی*. تهران: انتشارات ویرایش.
۱۷. دل‌زنده، ع.، ذوالفقارزاده، ح.، و جباری، س. (۱۳۹۳). بازتعریف مسجد و جایگاه آن در محوریت تعاملات اجتماعی شهر اسلامی. *کنفرانس ملی شهرسازی مدیریت شهری و توسعه پایدار*. تهران: موسسه ایرانیان-انجمن معماری ایران - قطب علمی برنامه‌ریزی و توسعه پایدار دانشگاه تهران.
۱۸. زرگر، ا.، ندیمی، ح.، و مختارشاهی، ر. (۱۳۸۶). *راهنمای معماری مسجد*. تهران: انتشارات دید.
۱۹. سعید آفتابی، ح. (۱۳۹۰). *توصیه‌هایی برای طراحی یک مسجد الگویی با عملکرد دانشگاهی*. بندرانزلی: دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرانزلی.

۲۰. شاطریان، ر. (۱۳۹۰). تحلیل معماری مساجد ایران. تهران: انتشارات نوپردازان.
۲۱. شیرینی گرمی، س. (۱۳۹۳). ویژگی‌های کالبدی مسجد بر مبنای ارتقاء تعاملات اجتماعی. کنفرانس ملی شهرسازی مدیریت شهری و توسعه پایدار. تهران: موسسه ایرانیان- انجمن معماری ایران- قطب علمی برنامه‌ریزی و توسعه پایدار دانشگاه تهران.
۲۲. عارفی، م. (۱۳۸۵). نقش مسجد در امنیت اجتماع محله‌ای. مجموعه مقالات سومین همایش هفته جهانی مسجد (فروغ مسجد). قم: انتشارات موسسه فرهنگی ثقلین.
۲۳. عبدالملکی، ح.، سلیمانی ساسانی، م.، و نادری، ا. (۱۳۹۳). واکاوی نوع نگاه به نهاد مسجد در سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. مجله راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۳(۱۱)، ۷-۳۲.
۲۴. عرشی نیاسر، ع. (۱۳۸۷). مسجد گوهر بی‌همتا. قم: انتشارات نشر معروف.
۲۵. علاءالدین، م. ر. (۱۳۸۰). نگرشی نو به تربیت دینی کودکان و نوجوانان. اصفهان: نشر پیام صادق.
۲۶. فضلعلی‌زاده، ز.، و وثوق، س. (۱۳۹۲). بررسی پایداری اجتماعی در مساجد، نمونه موردی: جمعه مسجد اردبیل. دومین کنفرانس بین‌المللی تحقیقات در عمران، معماری و شهرسازی و محیط‌زیست پایدار. استانبول: مؤسسه مدیران ایده پرداز پایتخت ویرا.
۲۷. فعالی، م.، ت. (۱۳۹۳). مسجد و سبک زندگی، چاپ اول، قم: دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد.
۲۸. کلانتری، ع. ج.، عزیزی، ج.، و زاهد زاهدانی، س. (۱۳۸۸). هویت دینی و جوانان (نمونه آماری جوانان شهر شیراز). مجله تحقیقات فرهنگی، ۲(۶)، ۱۴۱-۱۲۵.
۲۹. کیمیایی، ع. خادمیان، ح.، و فرهادی، ح. (۱۳۹۰). حفظ قرآن و تأثیر آن بر مؤلفه‌های سلامت روان. مجله جامعه‌شناسی زنان، ۲(۴)، ۲۰-۱.
۳۰. مدی، ح.، و فروغی فرید، ف. (۱۳۹۲). انسان محور اصلی در پایداری اجتماعی و حس مکان تحلیل روش شناسانه نمونه موردی مسجد امام تهران. همایش ملی معماری پایدار و توسعه شهری. بوکان: شرکت سازه کویر.
۳۱. معماری، ر.، و کیوانلو شهرستانکی، س. (۱۳۹۳). نقش محوری مسجد در توسعه پایدار شهری. اولین همایش ملی معماری عمران و محیط‌زیست شهری. همدان: دانشگاه شهید مفتح.
۳۲. مهدوی نژاد، م. ج.، و مشایخی، م. (۱۳۸۹). بایسته‌های طراحی مسجد بر مبنای کارکردهای فرهنگی- اجتماعی. مجله آرمانشهر، ۵، ۷۸-۶۵.
۳۳. مهدوی وفا، ح. ا. (۱۳۹۴). مسجد نماد شهر اسلامی. تهران: نشر دانش‌پذیر.
۳۴. موسوی مقدم، س. م.، و محمدی، م. (۱۳۹۵). بررسی نقش مسجد در افزایش سرمایه اجتماعی بر اساس نماگرهای اصلی آن در قرآن و حدیث. مجله مدیریت سرمایه اجتماعی، ۳(۱)، ۱۶۲-۱۳۹.
۳۵. موسوی، م. ط. (۱۳۸۵). مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی. مجله رفاه اجتماعی، ۶(۲۳)، ۹۲-۶۷.

۳۶. نظریور، م. ن.، و منتظری مقدم، م. (۱۳۸۹). سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی مطالعه‌ای درباره مشارکت اجتماعی از منظر اسلام. *مجله اقتصاد اسلامی*، ۱۰ (۳۷)، ۵۷-۸۷.
۳۷. همتی، ش. ا.، ذبیحی، ح.، و کاملی، م. (۱۳۹۲). تحلیلی بر نقش حیات مساجد در شهرهای اسلامی به عنوان فضای شهری (مطالعه موردی: صحن انقلاب اسلامی، حرم حضرت معصومه (س) قم). *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ۴ (۱۴)، ۴۳-۵۰.
۳۸. هیلن براند، ر. (۱۳۸۰). *معماری اسلامی*. ترجمه باقر آیت‌الله زاده شیرازی، تهران: انتشارات روزنه.

39. Abdel-Khalek, A. M. (2010). Quality of life, subjective well-being, and religiosity in Muslim college students. *Quality of Life Research*, 19(8), 1133-1143 .
40. Colantonio, A., & Dixon, T. (2009). *Measuring socially sustainable urban regeneration in europe*. Oxford: Oxford Institute for Sustainable Development (OISD) School of the Built Environment University.
41. Ellison, C. G. (1991). Religious involvement and subjective well-being. *Journal of Health and Social Behavior*, 32(1), 80-99.
42. Francis L. J., Robbins M., & White A. (2003). Correlation between religion and happiness: a replication. *Psychol Rep*, 92(1), 51-2.
43. Lim, C., & Putnam, R. D. (2010). Religion, social networks, and life satisfaction, *American Sociological Review*, 75(6), 914-933.
44. Littig, B., & Griesler, E. (2005). Social sustainability: A catchword between political pragmatism and social theory. *International Journal of Sustainable Development*, 8(1-2), 65-79.
45. Mak, M., & Peacock, Clinton J. (2011). Social sustainability: A comparison of case studies in UK, USA and Australia. Poster presented at the *17th Pacific Rim Real Estate Society Conference*, Gold Coast.
46. Mann, J. R., & Larimore, W. (2006). Impact of religious attendance on life expectancy. *Journal of the American Board of Family Medicine*, 19(4), 429-430.
47. Rippentrop, E. A., Altmaier, E.M., Chen, J. J., Found, E. M., & Keffala, V. J. (2005). The relationship between religion/spirituality and physical health, mental health, and pain in a chronic pain population. *Pain*, 116(3), 311-321.
48. Wildes, K. A., Miller, A. R., Majors, S. S., & Romirez, A. G. (2009). The Religiosity/Sprituality of Latin Breast Cancer Survivors and Influence on Health- Related Quality of Life, *Psychooncology*, Vol. 18 (8): 831-840.

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال هفتم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۹، شماره پیاپی ۱۲

بررسی تأثیر تبلیغات رویدادی بر نگرش‌ها و مقاصد بازدیدی (مورد مطالعه: جشنواره گلاب‌گیری قمصر کاشان)

ابوالفضل خسروی (استادیار، دانشکده مدیریت و حسابداری، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، ایران، نویسنده مسئول)

khosravi_a@ut.ac.ir

مهدی فرمانی (کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و حسابداری، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، ایران)

imahdi.farmani@ut.ac.ir

مصطفی زندی نسب (کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و حسابداری، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، ایران)

mostafa.zandi@ut.ac.ir

تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۰۶/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۰۸

صص ۱۴۴-۱۲۱

چکیده

رویدادهای فرهنگی هنری و جشنواره‌های آیینی از عوامل مهم جذب گردشگر به‌شمار می‌روند. در میان تمام شهرهای ایران، قمصر کاشان جایگاه ویژه‌ای داشته و یکی از اصلی‌ترین شهرهای گردشگری کشور به‌شمار می‌آید. در فصل بهار و تابستان، این شهر به یکی از مهم‌ترین مقاصد گردشگران بدل شده و سفرهای بسیاری به قمصر کاشان صورت می‌گیرد تا علاوه بر بازدید از جاذبه‌های تاریخی و طبیعی این شهر، در مراسمی گلاب‌گیری که یکی از رسوم و آیین دیرینه و دیدنی است، شرکت کنند. بنابراین، پژوهش حاضر به دنبال بررسی اثرات تبلیغات رویدادی بر نگرش‌های بازدیدکنندگان نسبت به شهر و همچنین مقاصد آنها جهت بازدید از شهر میزبان می‌باشد. پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش شامل همه گردشگران داخلی و خارجی شهر قمصر کاشان بوده-اند که در جشنواره گلاب‌گیری اردیبهشت ماه ۱۳۹۷ شرکت کرده‌اند و با روش نمونه‌گیری در دسترس ۳۸۴ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شد. ابزار اصلی جهت گردآوری داده‌ها، پرسشنامه است. برای بررسی و تایید روایی پرسشنامه پژوهش روایی محتوا، روایی سازه و روایی همگرا بررسی شد. جهت بررسی پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با تکنیک مدل‌سازی معادلات ساختاری و با نرم‌افزار SPSS و LISREL انجام شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مطابقت بالای تصویر بین رویداد خاص و شهر میزبان بر نگرش و قصد بازدید از شهر میزبان تأثیر معنادار دارد؛ همچنین نگرش و قصد بازدید از شهر میزبان بر انتخاب شهر معروف در تبلیغات رویدادی تأثیر معنادار دارد.

کلیدواژه‌ها: تبلیغات رویدادی، تناسب تصویر، قصد بازدید از شهر، نگرش نسبت به شهر

۱. مقدمه

۱.۱. طرح مساله

امروزه گردشگری یکی از مسائل مهم و از عوامل برجسته ارتباطی، اجتماعی و فرهنگی در سطح جهان محسوب می شود. در واقع، گسترش زیرساخت ها در قرن بیست و یکم گردشگری را به واقعیتی اجتناب ناپذیر در زندگی انسان ها تبدیل کرده است. از این رو، گردشگری یکی از صنایع کلیدی در هر جامعه است که می تواند توجه مدیران را جلب کند، زیرا این صنعت بر بسیاری از بخش های جامعه تأثیر می گذارد. از طرف دیگر حجم زیاد مسافرت ها در سال های اخیر موجب شده است گردشگری یکی از بزرگترین صنایع در دنیا معرفی شود (غفاری، رضایی و دهقانی، ۱۳۹۳، ص. ۵۵۲). صنعت گردشگری که امروزه یکی از فعال ترین حوزه های اقتصادی بشر است، به دلیل اهمیت آن یکی از ابزارهای انتقال اطلاعات و آگاه سازی گردشگران از کم و کیف جاذبه های گردشگری به شمار می آید (حق وردی لو، گیوه چی و نظری، ۱۳۹۳، ص. ۳۵). فرهنگ هر جامعه، بستر مناسبی برای رشد و توسعه گردشگری است. مهم ترین شاخص های فرهنگی جذب گردشگران، برگزاری رویدادها است (هیگینز دیو، ۲۰۱۸). رویدادها به عنوان یکی از روبه رشدترین بخش های تجارت گردشگری و مهمترین محصول گردشگری محسوب می شوند (گتز، ۲۰۰۸). از نظر تعداد، تنوع و محبوبیت، از دهه ۱۹۸۰ گسترش یافته اند (یانگ، ۲۰۱۸).

گو و کن، ۲۰۱۱). استفاده از رویدادها از نظر زمانی با سابقه و باستانی - جدید و از نظر گستره کلان - بین المللی و محلی به عنوان ابزاری برای توسعه گردشگری و دارای کاربردی جهانی می باشد (هوانگ و لی، ۲۰۱۵). تبلیغات در این صنعت نقش بسزایی دارد (فیض و راستی، ۱۳۹۳، ص. ۶۸). رویدادهای خاص یکی از سریع ترین بخش های رشد صنعت گردشگری است. رویدادهای خاص بازدیدکنندگان را به شهرهای میزبان رویداد جذب می کند، علاوه بر این بیشتر افراد را ترغیب می کند تا حتی شهر را پس از اینکه رویداد به پایان رسید، بازدید کنند (گتز، ۲۰۰۸). این رویدادها تصویر مجزا و مثبتی از شهر میزبان ایجاد می کنند (بتون، ۲۰۰۱). به طور همزمان رسانه های مختلف تصاویر خاصی از شهر و رویداد برای بازدیدکنندگان می فرستند و آن ها را قادر می سازند تا انتخاب منطقی داشته باشند (ژانگ، فو، کی و لو، ۲۰۱۴). در معرض قرار گرفتن رسانه هایی که رویدادهای خاص را پوشش می دهند، آگاهی بازدیدکنندگان نسبت به شهر میزبان را به طور مثبتی تغییر می دهد که به طبع ممکن است بازدید گردشگران را در طی سال ها به خاطر رویداد افزایش دهد (چلیپ، گرین و هیل، ۲۰۰۳). زمانی که

4. Gu
5. Cen
6. Huang & Lee
7. Beeton
8. Zhang
9. Fu
10. Cai
11. Lu
12. Chalip
13. Green
14. Hill

1. Higgins-Desbiolles
2. Getz
3. Yang

رویدادهای مختلف با تصویر شهر تناسب داشته باشد نگرش بازدیدکنندگان نسبت به شهر مثبت می‌باشد (مک دانیل^۱، ۱۹۹۹). از این نظر استفاده موثر از تبلیغ برای رویدادها یک عامل کلیدی و غیرقابل انکار در رشد مشارکت بازدیدکنندگان رویدادها می‌باشد (گنز، ۲۰۰۸). علاوه بر این، پوشش رسانه از یک رویداد برای توسعه و گسترش تصویر شهر میزبان کارآمد است (ریتیچی^۲، ساندرز^۳ و ملس^۴، ۲۰۰۷)، اگر چه بیشتر روی مزیت‌های جذب رویدادهای خاص برای یک شهر توجه شده است (لافونت و پریگنت^۵، ۲۰۱۱). یک شهر همراه با تصویر مثبت شانس بیشتری دارد که توسط بازدیدکنندگان رویداد و یا گردشگران انتخاب شود (ژانگ، فو، کی و لو، ۲۰۱۴). آگاهی مطلوبی که بازدیدکنندگان دریافت می‌کنند می‌تواند تعریف و تمجید مثبتی ایجاد کند و بر رفتار دیگر گردشگران بالقوه تأثیر بگذارد (بیگنی^۶، سانچز^۷ و سانچز^۸، ۲۰۰۱).

در مقصد گردشگری کاشان که به‌عنوان یک مقصد مهم گردشگری در ایران شناخته می‌شود، رویدادهای ویژه بومی فرهنگی متنوعی در طول سال برگزار می‌شوند که در میان آنها جشنواره گلاب‌گیری معروف‌تر است. توسعه این جشنواره‌ها و رویدادهای ویژه محلی به شکل یک محصول گردشگری می‌تواند از جنبه‌های گوناگون منجر به توسعه مقصد

گردشگری کاشان گردد. پژوهش در زمینه رویدادهای خاص مرتبط با تبلیغ رویداد در زمینه‌های گردشگری نسبتاً پراکنده و کم است. برای رفع این خلأ، پژوهش حاضر به دنبال بررسی نقش تبلیغات رویدادی در ساخت تصویر شهر قمصر کاشان می‌باشد. بنابراین، با نشان دادن نقش کلیدی اثرات تبلیغ رویداد مانند ارائه تصویر مثبت از شهر قمصر کاشان برای بازدیدکنندگان رویداد، این شهر می‌تواند کالا و خدمات را ترویج و صنعت گردشگری را به رونق برساند. پژوهش حاضر می‌تواند بدنه دانش در گردشگری رویداد را غنی سازد و همچنین نگرش‌هایی را برای بازاریابان رویداد و تصویر شهر قمصر کاشان فراهم سازد. بنابراین هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی اثرات تبلیغات رویدادی بر نگرش‌های بازدیدکنندگان نسبت به شهر و همچنین مقاصدشان جهت بازدید از شهر میزبان می‌باشد.

۱.۲. پیشینه پژوهش و مبانی نظری

تبلیغات مهم‌ترین ابزار موفقیت سازمان‌هاست که ایجاب می‌کند در شاخه‌های علمی، اجتماعی، فرهنگی و ارتباطی به‌دقت مطالعه، و با نگاهی علمی، هنری و کارشناسانه‌تر و تخصصی استفاده شود. تبلیغات در صنعت گردشگری مهم‌ترین ابزار حرفه‌ای است؛ زیرا موفقیت تبلیغ برای ارزش‌های فرهنگی و گردشگری هر کشور بر درک صحیح و حرفه‌ای از تبلیغات و ارزش‌های آن مبتنی است. تبلیغات حرفه‌ای ممکن است ابزار برندهای برای پیشرفت اهداف فرهنگی در داخل و خارج باشد، در غیر این صورت هدر دادن وقت، سرمایه و انرژی است. در فرایند تبلیغ، عنصر لازم برای ایجاد شناخت مخاطبان از فرم

1. McDaniel
2. Ritchie
3. Sanders
4. Mules
5. Laffont & Prigent
6. Bigne
7. Sanchez
8. Sanchez

و محتوای موضوعات گردشگری است. افزایش گردشگر نیز به سرمایه‌گذاری‌ها و ایجاد رفتارهای انگیزه‌بخش به حجم فعالیت‌های تبلیغاتی بستگی دارد. برای فعالیت‌های تبلیغاتی در صنعت گردشگری در دنیای امروز به تبلیغات طوری نگریسته می‌شود که تبلیغات هزینه‌بر نیست، بلکه نوعی سرمایه‌گذاری بنیادی و اصولی برای پیشبرد و اهداف سازمانی و ملی به شمار می‌آید که در صورت اجرای صحیح و اصولی ممکن است دستاوردهای ارزشمندی را به همراه داشته باشد. در این رابطه، هدف و وظیفه تبلیغات افزایش بازاریابی و بازارافزایی است و هرگونه بی‌توجهی و بهره‌برداری نامناسب از این ابزار نه تنها موفقیت را در پی ندارد، بلکه موجب عقب ماندن از رقابت‌ها و سبقت‌های بازاریابی گردشگری و در نهایت شکست و ورشکستی در دنیای بازاریابی صحیح و اصولی در عرصه بین‌المللی خواهد شد. به وضوح می‌توان گفت بازاریابی و ارتقا در توسعه موفقیت‌آمیز گردشگری ضروری است، اگرچه اغلب با دید ساده‌ای به آن نگاه می‌کنند (اسدی و محمدی، ۱۳۹۷). باید توجه داشت که ارتباط میان تبلیغات و گردشگری ارتباطی ناگسستنی و پیچیده است و تبلیغات موجب گسترش و ارتقای سطح کمی و کیفی گردشگری می‌شود. واضح است که ایران نیز برای بهره بردن از عواید سرشار گردشگری، باید به تبلیغ ملی و فراملی توانمندی‌های بالقوه و بالفعل خود بپردازد (کاظمی، ۱۳۹۲). تبلیغات با استفاده از ابزار مناسب، انگیزه انسان برای سفر و تغییر در محیط زندگی را به وجود می‌آورد و زمینه شناخت و اطلاع‌رسانی کمی و کیفی گردشگران از مقاصد

گردشگری، جاذبه‌ها و خصوصیات نقاط مختلف، خدمات موجود و ترغیب به مسافرت را برای گردشگران فراهم می‌کند (چو^۱، استینمتز^۲ و فسنمایر^۳، ۲۰۱۳، ص. ۷۱۶).

گردشگری مجموعه‌ای از فعالیت‌ها، خدمات و صنایع مختلفی است که به یک تجربه سفر می‌انجامد. این صنعت شامل حمل و نقل، محل اقامت، تغذیه، خرده‌فروشی، آژانس‌های مسافرتی، تفریح و سرگرمی و جاذبه‌ها و خدمات مهمان‌نوازی است که در اختیار فرد یا گروه‌های مختلفی قرار می‌گیرد که از وطن خود به قصد سفر خارج می‌شوند (شیرمحمدی، جلالیان، هاشمی باغی و ترکاشوند، ۱۳۹۸). صنعت رویدادهای ویژه شامل جشنواره‌ها، کنفرانس‌ها، نمایشگاه‌ها و گردهمایی‌ها به سرعت در حال توسعه است، این صنعت نقش مهمی در توسعه گردشگری و فعالیت‌های وابسته به آن دارد. توسعه رویدادهای ویژه از جنبه‌های مختلف از جمله بهبود کیفیت زندگی جامعه محلی و تأثیرگذاری در توسعه پایدار منطقه، مهم است (میرزائی و رضائی، ۱۳۹۶).

جشنواره‌ها و رویدادها در بین سریع‌ترین بخش‌های در حال رشد گردشگری در جهان قرار دارند. مدیران مقصدهای گردشگری دریافته‌اند که باید جاذبه‌های نو، هیجان‌انگیز، بکر و بی‌رقیب را به مجموعه داشته‌های گردشگری مقصدهای خود بیفزایند تا شمار متقاضیان بازدید از آن مقصدها مطابق خواسته‌ها و اهداف در نظر گرفته شده گردشگری به-

1. Choe
2. Stienmetz
3. Fesenmaier

پیش رود (کانل^۱، پاگه^۲ و میر^۳، ۲۰۱۵). رویدادها می‌توانند ابزاری قدرتمند برای جذب گردشگران در طی فصل‌های کم‌رونق باشند و تصویری از منطقه و آگاهی از آن را در ذهن گردشگران ایجاد کنند (گتز و پیچ^۴، ۲۰۱۶). در واقع رویدادها نقش مهمی در برنامه‌های بازاریابی و توسعه گردشگری در مقصدهای گوناگون دارند و در حوزه گردشگری به ابزاری قدرتمند برای افزایش مزیت رقابتی و فصلی بودن مقصدهای گردشگری تبدیل شده‌اند. رویدادها به جاذبه‌ها زندگی بخشیده و آنها را سرزنده و با روح کرده که در غیر این صورت به شکل مداوم تجربه‌ای تکراری را ارائه می‌نمایند و به مرور زمان با کاهش تعداد بازدیدکنندگان روبرو خواهند بود. رویدادها نقش‌های مهم دیگری از شکل‌دهی جوامع گرفته تا بازسازی مناطق شهری، توسعه فرهنگی و تقویت هویت ملی نیز ایفا می‌نمایند (کروبی، قادری و جلیلیان، ۱۳۹۸).

رویدادهای کوتاه‌مدت و جشنواره‌های محلی، آینده گردشگری را تشکیل می‌دهند (چانگ^۵، ۲۰۰۶). در بسیاری از شهرها و روستاهای ایران، جشن‌ها و آئین‌های سنتی در قالب رویدادهای ویژه برگزار می‌شود که بازدیدکنندگان بسیاری را از مناطق اطراف و سایر استان‌ها جذب می‌کند (میرزائی و رضائی، ۱۳۹۶). گردشگری رویدادها یکی از اشکال سفر با علایق ویژه است (گتز، ۲۰۰۸). یعنی می‌تواند دلیل سفر به یک مقصد و یا در مسیر مقصد باشد

(جایاواردنا^۶، ورس^۷، کلارک^۸ و گلبورن^۹، ۲۰۰۸). در این نوع گردشگری، با برگزاری مراسم و جشنواره‌ها و مسابقات، گردشگران در ایام مختلف سال به مقصد خاصی جذب می‌شوند. رویدادهای فرهنگی هنری هم که قسمت عمده‌ای از مراسم و رویدادها در ایران است، جزئی از این نوع گردشگری است. فعالیت‌ها و رویدادهای هنری همچون نمایشگاه‌ها، کنسرت‌ها و جشنواره‌های موسیقی و فیلم از این دسته‌اند (افتخاریان، ۱۳۹۲). از آن‌جا که جشنواره‌ها و رویدادها فرصت‌هایی را برای افزایش ارتباطات و برهم کنش‌های اجتماعی فراهم می‌کنند، نقشی منحصربه‌فرد در بهبود رفاه و کیفیت زندگی ساکنان دارند (یولال^{۱۰}، گرسی^{۱۱}، ایسال^{۱۲}، کیم^{۱۳} و کاراکاوغلو^{۱۴}، ۲۰۱۶، ص. ۲).

در عصر حاضر گردشگری رویداد، از جمله رویدادهای ویژه فرهنگی است که یکی از روبه‌رشدترین بخش‌های تجارت گردشگری شناخته شده است (چانگ، ۲۰۰۶)، که اگر این رویدادها به درستی برنامه‌ریزی شوند می‌توانند به ایجاد تصویر مثبت از مقصد گردشگری کمک کند (هرناندز^{۱۵}، دورت^{۱۶} و فرناندز^{۱۷}، ۲۰۱۸). از طرفی جامعه و همچنین گردشگران، به تجارب اجتماعی و فرهنگی معتبری

6. Jayawardena

7. Veres

8. Clark

9. Golbourne

10. Yolal

11. Gursoy

12. Uysal

13. Kim

14. Karacaoglu

15. Hernandez

16. Duarte

17. Fernandez

1. Connell

2. Page

3. Meyer

4. Getz & Page

5. Chang

دست می‌یابد. به‌طور کلی، جشنواره‌های فرهنگی، رویدادهای رسمی و مفرحی هستند که مضمون فرهنگی دارند. این جشنواره‌ها ممکن است بسیاری از انواع رویدادهای برنامه‌ریزی شده را نیز دربرگیرند، اما با داشتن ارزش‌های فرهنگی، از دیگر جشن‌ها متمایز می‌شوند (گنز و پیچ، ۲۰۱۶). دلایل محبوبیت جشنواره‌های محلی به عنوان یک ابزار ارتقای گردشگری عبارتند از: اول، جشنواره‌ها، تقاضا را برای گردشگری محلی افزایش می‌دهند؛ دوم، جشنواره‌های موفق می‌توانند به بهبود تصویر مکان کمک کنند و در نهایت بهره‌گیری از جشنواره‌ها در برنامه اصلی گردشگری محلی می‌تواند به گسترش فصل گردشگری کمک کند.

هدف اصلی برپایی رویدادهای محلی و بومی، توسعه گردشگری پایدار (لی^۱، لی و چوی^۲، ۲۰۱۱)، افزایش سهم گردشگری از بازارهای مهم گردشگری دنیا (میرزائی و رضائی، ۱۳۹۶)، گسترش فصل گردشگری (بردا^۳، دیسگنا^۴ و سکودری^۵، ۲۰۱۴)، جذب بازدیدکنندگان خارجی (دوران^۶ و همرات^۷، ۲۰۱۴)، ایجاد تصویر ذهنی مطلوب (لی، لی و چوی، ۲۰۱۱)، حمایت از آداب و رسوم، عقاید و میراث فرهنگی جوامع (ساوینویک^۸، کیم^۹ و لونگ^{۱۰}، ۲۰۱۲)، افزایش غرور مردم محلی و تقویت

همبستگی اجتماعی (ویر^{۱۱} و کینت^{۱۲}، ۲۰۱۲)، رفع اثرات جهانی شدن بر هویت جوامع محلی (مک دوال^{۱۳}، ۲۰۱۰)، افزایش زمینه مشارکت گردشگران در فعالیت‌های اجتماعی مقصد (پیکارد^{۱۴} و روبنسون^{۱۵}، ۲۰۰۶)، و نیز ارتقای رفاه برای جامعه محلی از جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و زیست محیطی (ماتسن^{۱۶}، ریمر^{۱۷} و تینسلی^{۱۸}، ۲۰۱۴) می‌باشد؛ بنابراین، نباید از نقش ارزنده این رویدادها در رونق مقاصد کمتر شناخته‌شده غافل بود؛ به این ترتیب انجام پژوهش‌های جامع برای آگاه‌سازی مدیران مقاصد داخلی از منافع روزافزون این رویدادها و جشنواره‌ها ضروری می‌نماید. در منطقه-ای که فرهنگ متنوعی دارد، جشنواره‌های بومی به-شکل روزافزون به عنوان ابزاری برای ارتقای اقتصاد منطقه‌ای و وجهه ملی و منطقه‌ای استفاده می‌شوند (فلسنستین^{۱۹} و فلیسچر^{۲۰}، ۲۰۰۳)، زیرا سود حاصل از رویدادها می‌تواند قابل توجه باشد و همچنین، این رویدادها نقش عمده‌ای در نمایش فرهنگ مقصد ایفا نمایند (هوپتفلیسچ^{۲۱} و همکاران، ۲۰۰۷). ایران کشور مهمی در منطقه خاورمیانه می‌باشد، پتانسیل قوی در توسعه رویدادها برای بالا بردن ظرفیت گردشگری به عنوان یک مقصد را دارد. در ایران

11. Weber
12. Knight
13. McDowall
14. Picard
15. Robinson
16. Matheson
17. Rimmer
18. Tinsley
19. Felsenstein
20. Fleischer
21. Hauptfleisch

1. Lee
2. Choi
3. Brida
4. Disegna
5. Scuderi
6. Duran
7. Hamarat
8. Savinovic
9. Kim
10. Long

توجه به شواهد موجود، در مورد اهمیت نظری این پژوهش و کمبود پژوهش در این حوزه، می‌توان بر این نکته تأکید نمود که این پژوهش می‌تواند از جنبه‌های گوناگون منجر به توسعه مقصد گردشگری کاشان گردد.

رویدادهای ویژه به عنوان یک راهبرد تصویرسازی مناسب و ابزار تقویت تصویر برای ایجاد موقعیت‌های خلاق و منحصر به فرد مقصدها شناخته می‌شوند (گرای^۲ و پرز^۳، ۲۰۱۷). تصویر مقصد در بازار گردشگری رویداد نیز اهمیت دارد و تصویر مثبت، حاکی از اجرای مناسب رویداد و ترویج آن است (کاپلانیدو^۴، ۲۰۰۶). علاوه بر این، بازاریابان مقاصد، از رویدادها به عنوان ابزاری برای ایجاد تصویر مقصد، بهبود و اصلاح آن استفاده می‌کنند (ون آلت^۵ و ون ملیک^۶، ۲۰۱۲). عامل مهم در بررسی نگرش‌های گردشگران، تناسب تصویر بین یک رویداد خاص و شهر میزبان می‌باشد. اگرچه تمرکز اصلی پژوهش حاضر بر مبنای نظریه تناسب تصویر است (بوکسبرگر^۷، دولنیکار^۸، لاسر^۹ و راندل^{۱۰}، ۲۰۱۱)، اما در نظر دارد تا رویداد خاص و اثرات تناسب شهر میزبان بر نگرش گردشگران نسبت به شهر بررسی شود. طبق این نظریه هر چه ارتباط بین رویداد خاص و تصویر شهر بیشتر باشد،

مناطق گوناگونی وجود دارد که رویدادهای بومی فرهنگی را با اهداف جذب بیشتر گردشگران (میرزائی و رضائی، ۱۳۹۶)، احیای رسوم بومی و توسعه اقتصادی منطقه، ایجاد تصویر مثبت از منطقه برای گردشگران و بالا بردن سطح زندگی و غرور مردم محلی، برگزار می‌نمایند (آخوندنژاد^۱، ۲۰۱۶). اگر رویدادهای بومی، به‌طور عمیقی به محل برگزاری خود (مقصد) مرتبط شوند، می‌توانند مبنای مهمی برای توسعه برنامه‌های بازاریابی مقصد باشند (هرناندز، دورت و فرناندز، ۲۰۱۸).

پس از بررسی مفاهیم نظری، در این بخش پژوهش‌های انجام شده در این حوزه مورد بررسی قرار می‌گیرد. (جدول ۱)

رویدادها به عنوان یکی از روبه‌رشدترین بخش‌ها و مهم‌ترین محصول گردشگری و نیز راه‌حلی برای جوان‌سازی مقصدهای گردشگری و جذب گردشگران بیشتر به آن شناخته می‌شوند. در این راستا، شناخت فرآیندی که به واسطه آن، یک رویداد بتواند نقش مهمی را در رضایت و وفاداری گردشگران ایفا نماید، ضرورت دارد. همچنین جشنواره‌ها را می‌توان ابزاری مقرون به‌صرفه برای توسعه جاذبه‌های گردشگری و فعالیت‌های تفریحی در حال توسعه یک مقصد در نظر گرفت. به‌کارگیری فرهنگ و اجرای رویدادهای فرهنگی، همواره عاملی پیش‌رو در حوزه‌های بازاریابی گردشگری و فرهنگی یک مقصد است. بنابراین بررسی‌ها نشان می‌دهد که تاکنون پژوهشی با عنوان تأثیر تبلیغات رویدادی بر نگرش‌ها و مقاصد بازدیدی صورت نگرفته است. با

2. Garay
3. Pérez
4. Kaplanidou
5. Van Aalst
6. Van Melik
7. Boksberger
8. Dolnicar
9. Laesser
10. Randle

1. Akhoondnejad

به احتمال زیاد گردشگر نگرش مطلوب‌تری نسبت به آن شهر خواهد داشت. تصویر شهر به عنوان اعتقاد، ایده و احساس فردی نسبت به شهر و درک بازدیدکننده از شهر که به وسیله اطلاعات ناشی از رسانه‌های مختلف در طول زمان شکل می‌گیرد، تعریف می‌شود (اصال^۱، ۱۹۸۴). هرچه تصاویر رویداد خاص ارسالی با تصویری که گردشگران دارند ارتباط بیشتری داشته باشند، به احتمال زیاد نگرش‌های آن‌ها نسبت به شهر به گونه مثبتی تغییر خواهد کرد (چلیپ، گرین و هیل، ۲۰۰۳). تصویر مثبت یک شهر می‌تواند با استفاده از رقابت‌های بازاریابی از طریق تبلیغات رویدادی حاصل شود (قو^۲، کیم^۳ و ایم^۴، ۲۰۱۱). آگاهی مرتبط گردشگران نسبت به تصویر یک شهر با یک رویداد خاص در شهر میزبان با چگونگی انتقال و ارسال تصاویر مرتبط با رویداد به شهر میزبان تعیین و مشخص می‌گردد (جاگو^۵ و همکاران، ۲۰۰۳). تصویر ارسال شده از یک رویداد خاص به شهر میزبان خیلی مهم است، چرا که تصویر ارسالی بر تصویر شهر غلبه می‌کند (گوینر^۶ و اتون^۷، ۱۹۹۹). از این رو، فرضیات زیر می‌شوند:

فرضیه ۱: تناسب تصویر (مطابقت بالای تصویر بین رویداد خاص و شهر میزبان) بر نگرش نسبت به شهر میزبان تأثیر معنادار دارد.

فرضیه ۲: تناسب تصویر (مطابقت بالای تصویر بین رویداد خاص و شهر میزبان) بر قصد بازدید از شهر میزبان تأثیر معنادار دارد.

رویدادهای ویژه یکی از جذابیت‌های اصلی است که بازدیدکنندگان را به شهرهای میزبان می‌کشاند (گنز، ۲۰۰۸). شهرها از طریق رویدادهای خاص می‌توانند معروفیت خود را بیشتر کنند و بیش از این تصویر کلی شهر را توسعه دهند (ریتچی، ساندرز و ملس، ۲۰۰۷). تبلیغ رویداد به عنوان تبلیغ همراه با رویدادها و یا شیوه ترویج علایق شهر و مرتبط ساختن شهر با یک فعالیت خاص در نظر گرفته می‌شود (کورنول^۸ و میگن^۹، ۱۹۹۸). تبلیغ رویداد همچنین می‌تواند به دستیابی این اهداف از طریق مشارکت داوطلبانه بازدیدکنندگان کمک کند. عناصر کلیدی رویدادهای موفق فرصت‌هایی را برای مشارکت در رویداد، محتوای رویداد، تبلیغ رویداد و تعامل اجتماعی گردشگران فراهم می‌کنند (ولان^{۱۰} و ولفیل^{۱۱}، ۲۰۰۶). افزایش قرار گرفتن افراد در معرض تبلیغ رویداد، تصویر شهر را بهبود می‌بخشد. آنچه که راجع به شهر در تبلیغ نشان داده می‌شود و یا بیان می‌شود تأثیر مهمی بر نگرش افراد نسبت به شهر میزبان دارد (گرین^{۱۲}، کاستا^{۱۳} و فیتزگرالده^{۱۴}، ۲۰۰۳). محتوای گزارش‌های رسانه‌ها تعیین‌کننده اساسی تصویر بازدیدکنندگان از شهر به‌ویژه افرادی که شهر را تاکنون ندیده‌اند، می‌باشد. رویدادهای خاص

8. Cornwell
9. Maignan
10. Whelan
11. Wohlfeil
12. Green
13. Costa
14. Fitzgerald

1. Assael
2. Qu
3. Kim
4. Im
5. Jago
6. Gwinner
7. Eaton

قادرند تصویری از شهر را از طریق پوشش رسانه‌ای ایجاد کنند، که ممکن است گرایش به سمت شهر میزبان را تغییر دهند (خو^۱، چن^۲ و یو^۳، ۲۰۱۲). با توجه مطالب ارائه شده فرضیه شماره ۳ تدوین شد: فرضیه ۳: نگرش نسبت به شهر میزبان بر انتخاب شهر معروف تأثیر معنادار دارد.

مقاصد گردشگران با انتخاب منطقی و پروسه تصمیم‌گیری شکل می‌گیرند (هنسی^۴، یون^۵، مکدونالد^۶ و مکرن^۷، ۲۰۱۰). دانش و آگاهی راجع به تصویر یک مقصد که گردشگران دارند ممکن است در مقاصد جهت بازدید شهر تأثیرگذار باشد (ژانگ^۸، فو، کی و لو^۹، ۲۰۱۴). رویدادهای خاص می‌توانند تجارب بازدیدکنندگان را با فراهم آوردن برنامه‌های مختلف افزایش دهند و به خاطر همین تجارب مثبت رویدادی بازدیدکنندگان زمان بیشتری را در شهر میزبان می‌گذرانند (کانل^{۱۰}، ۲۰۱۲). تبلیغ رویداد بر تصویر مقصد تأثیر می‌گذارد، که به نوبه خود باعث افزایش نگرش گردشگران در بازدید از یک مقصد می‌شود (چلیپ، گرین و هیل^{۱۱}، ۲۰۰۳). به عبارت دیگر، رویدادها تأثیر مثبت و منفی بر احتمال بازگشت بازدیدکننده به شهر دارند. از این حیث، قصد بازدید گردشگر با تبلیغ رویداد افزایش خواهد یافت (باروس^۹ و آصاف^{۱۰}، ۲۰۱۲). تبلیغات رویداد

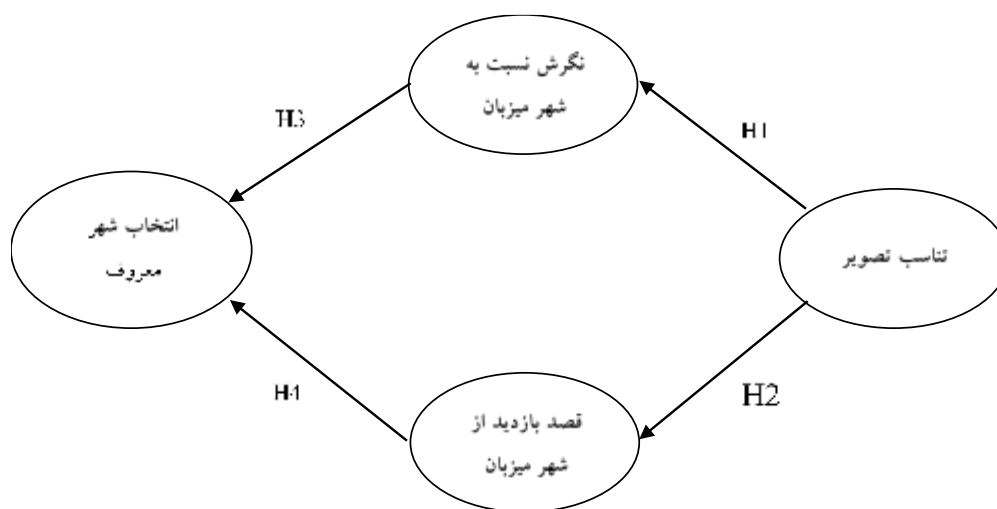
تأثیری بر اهداف گردشگران جهت بازدید یک مقصد می‌گذارد. با این حال، الگوی اثرات تبلیغات رویداد در هر مقصد متفاوت است (چلیپ، گرین و هیل^{۱۱}، ۲۰۰۳). با این وجود، تاکنون پژوهشی انجام نشده است که تأثیر تبلیغ رویداد بر شهر میزبانی که افراد سطح متفاوتی از شناخت نسبت به شهر و همچنین شهر شناخته شده دارند، را بررسی نماید. تفسیر اینکه مقاصد گردشگران برای بازدید شهر شناخته شده بیشتر است، امری بدیهی است. این خط فکری توسط پژوهش در رفتار مصرف‌کننده پشتیبانی می‌شود. آگاهی و دانش در مورد شهرهای معروف می‌تواند اثرات بیشتری بر گردشگران اعمال کند و به احتمال زیاد آن‌ها را وادار می‌کند تا از شهر به‌عنوان یک مقصد بازدید کنند (توکر^{۱۱} و ژانگ^{۱۲}، ۲۰۱۱). تأثیر معروفیت می‌تواند به عنوان راهبردهای پیام تبلیغ استفاده شود (چیو^{۱۳}، ۲۰۰۸). این روابط در فرضیه زیر بیان شده است:

فرضیه ۴: قصد بازدید از شهر میزبان بر انتخاب شهر معروف تأثیر معنادار دارد.

بر اساس فرضیه‌های فوق، مدل مفهومی پژوهش در شکل ۱ نشان داده می‌شود:

1. Xue
2. Chen
3. Yu
4. Hennessey
5. Yun
6. MacDonald
7. MacEachern
8. Connell
9. Barros
10. Assaf

11. Tucker
12. Zhang
13. Chiu



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷)

جدول ۱. خلاصه پیشینه تجربی پژوهش

پژوهشگر	عنوان	یافته‌ها
افتخاریان (۱۳۹۲)	بررسی نقش جشنواره‌های موسیقی در توسعه گردشگری ایران	عامل موسیقی در برگزاری و برپایی جشنواره‌های موسیقی و غیرموسیقی به ویژه در ایران به علت تنوع و تعدد آن در ساز و لحن یکی از عوامل اصلی رونق گردشگری رویدادها است.
شرافت چالستری (۱۳۹۲)	نقش برگزاری نمایشگاه‌ها و جشنواره‌ها و تأثیر اقتصادی آن بر توسعه گردشگری (مطالعه موردی: جشنواره شهر برفی)	رابطه متقابلی بین برپایی جشنواره‌ها و نمایشگاه‌ها و توسعه گردشگری و گردشگر بازرگانی وجود دارد و نشان می‌دهد که برپایی یک نمایشگاه یا جشنواره به طور مستقیم تعداد زیادی گردشگر را به خود جذب می‌کند و منجر به رونق اقتصادی در منطقه می‌شود.
کیانی سلمی و بسحاق (۱۳۹۵)	تبیین اثرات جشنواره گلاب‌گیری از دیدگاه ساکنان محلی	برگزاری جشنواره گلاب‌گیری اثرات محیطی، کالبدی، اقتصادی و اجتماعی در منطقه ایجاد نموده است. عامل اقتصادی بیشترین نقش را در تبیین اثرات جشنواره گلاب‌گیری به خود اختصاص داده است. عامل اجتماعی گویای این واقعیت است که بافت اجتماعی کاشان در برابر تغییرات مقاومت زیادی از خود نشان می‌دهد، همچنین هویت محلی خود را همچنان حفظ کرده است.
محمدی، میرتقیان رودسری و ناسوتی (۱۳۹۸)	ارزیابی عوامل مؤثر بر وفاداری گردشگران رویدادهای بومی - فرهنگی در مقصد گردشگری رامسر	اصالت رویداد، کیفیت رویداد، ارزش رویداد، تجربه به یادماندنی از رویداد، رضایت از رویداد، اعتماد به رویداد و تصویر رویداد، نقش مهمی را در وفاداری به رویدادهای منتخب شهرستان رامسر (آیین تیرماه سیزده شو، جشنواره بهارنارنج، جشنواره گل‌گاو زبان و رویداد ورزشی کشتی گیله‌مردی) ایفا می‌نمایند.

پژوهشگر	عنوان	یافته‌ها
شیرمحمدی، جلالیان، هاشمی باغی و ترکاشوند (۱۳۹۸)	بررسی تأثیر رویدادهای فرهنگی بر تصویر شناختی و عاطفی مقصد گردشگری (مورد مطالعه: شهر کرج)	مؤلفه‌های ساختاری، برند رویداد، مکان رویداد و رویداد فرهنگی بر تصویر شناختی تأثیر معناداری دارد، همچنین مؤلفه‌های ساختاری و برند رویداد بر تصویر عاطفی تأثیرگذار است، و همچنین تصویر شناختی و تأثیر عاطفی نیز بر تصویر کلی تأثیر مثبت و معناداری دارد.
چلیپ، گرین و هیل (۲۰۰۳)	تأثیر رسانه‌های رویداد ورزشی بر تصویر مقصد و قصد بازدید	پخش رویداد، تبلیغات رویداد و تبلیغات مقصد هر کدام ابعاد متفاوتی از تصویر مقصد را تحت تأثیر قرار دادند. رسانه‌های رویداد بر تصویر شرکت‌کنندگان در محیط طبیعی تأثیر منفی داشتند. تصویر مقصد به طور قابل توجهی با قصد بازدید از مقصد میزبان مرتبط بود، اما ابعادی که قصد بازدید را تحت تأثیر قرار می‌داد، برای دو کشور متفاوت بود.
لی (۲۰۰۹)	تأثیر مدل ساختاری برای بررسی تصویر مقصد، نگرش و انگیزش بر رفتار گردشگران	تصویر ذهنی بر رفتار گردشگران تأثیر مستقیم می‌گذارد. همچنین، اثر معنادار انگیزه‌های گردشگران از سفر بر رفتار آنان تأیید شده است.
ریتیچینوات و راتانافینانچای (۲۰۱۵)	به‌کارگیری روش ترکیبی طراحی کمی و کیفی در توضیح انگیزه سفر گردشگران فیلم در بازدید از محل فیلم‌برداری مقصد	انگیزه‌های تجاری و سرگرمی در شکل‌دهی گردشگران اثر داشته است. به طور همزمان، موفقیت فیلم‌های ارائه شده در این انگیزه نقش مکمل دارد.
فرناندز، دورت و مگلون (۲۰۱۵)	ارزیابی سهم متمایز منابع شهری از تصویر برند	زیرساخت‌ها، رویدادهای شهر، آثار فرهنگی و جاذبه‌های گردشگری در شکل‌گیری تصویر، تأثیر مثبت و معناداری دارند.
هیگینز دیو (۲۰۱۸)	گردشگری رویداد و تحمیل رویداد	امروزه رویدادها به‌طور فزاینده‌ای مورد توجه مقصدهای گردشگری قرار گرفته است. بنابراین رویدادهای گردشگری در واقع به عنوان سرمایه‌ای برای توسعه گردشگری می‌باشند.
روژاس مندز و همکاران (۲۰۱۹)	بررسی تأثیر نتایج مختلف میزبانی رویدادهای مهم ورزشی در ترویج گردشگری	برگزاری جام جهانی باعث بهبود نگرش گردشگران به این مقصد گردشگری شده است. آنها به این نتیجه رسیدند که برگزاری رویدادهای ورزشی می‌تواند، نگرش منفی گردشگران را به نگرش مثبت تبدیل کند و این امر منجر به افزایش تعداد گردشگران از این کشور شده است.

۲. روش شناسی پژوهش

۲.۱. روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش پژوهش، توصیفی است. جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه گردشگران داخلی و خارجی

شهر قمصر کاشان است که در جشنواره گلاب‌گیری اردیبهشت ماه ۱۳۹۷ شرکت کرده‌اند. با توجه به تعداد بالا و نداشتن اطلاعات دقیق در مورد تعداد گردشگران در این جشنواره جامعه به صورت نامحدود در نظر گرفته شد، به این منظور بر اساس

جدول کرجسی^۱ و مورگان^۲ (۱۹۷۰) تعداد ۳۸۴ نمونه به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شد. جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از دو روش کتابخانه‌ای برای مرور ادبیات پژوهش و روش میدانی (توزیع و جمع‌آوری پرسشنامه) انجام گرفت.

۲. متغیرها و شاخص‌های پژوهش

برای گردآوری داده‌های پژوهش، از پرسشنامه‌ای شامل ۲۳ سوال بسته پاسخ پنج‌ارزشی استفاده شد. ۶ سوال اول به سنجش تناسب تصویر از مطالعات اصل^۳ (۱۹۸۴)، گوینر و اتون (۱۹۹۹)، چوی^۴، چان^۵ و وو^۶ (۱۹۹۹)، سرگی^۷ و سو^۸ (۲۰۰۰)، لایسن^۹ (۲۰۰۱)، چلیپ، گرین و هیل (۲۰۰۳)، جاگو و همکاران (۲۰۰۳)، قو، کیم و ایم (۲۰۱۱)، بوکسبرگر، دولنیکار، لاسر و راندل (۲۰۱۱)، ۶ سوال نگرش نسبت به شهر میزبان از مطالعات باست^{۱۰}، گریفیتس^{۱۱} و اسمیت^{۱۲} (۲۰۰۲)، گاشر^{۱۳} (۲۰۰۲)، پرنیتیک^{۱۴} و اندرسن^{۱۵} (۲۰۰۳)، جاگو و همکاران (۲۰۰۳)، گرین، کاستا و فیتزگراالد (۲۰۰۳)، دی پرسو^{۱۶}، هوروات^{۱۷} و وببکینگ^{۱۸} (۲۰۰۸)، خو، چن

و یو (۲۰۱۲)، ۵ سوال قصد بازدید از شهر میزبان از مطالعات ریلی^{۱۹} و ون دورن^{۲۰} (۱۹۹۲)، وودساید^{۲۱} و مکدونالد^{۲۲} (۱۹۹۴)، بالگلو^{۲۳} و مککاری^{۲۴} (۱۹۹۹)، گتز^{۲۵} و چی نی^{۲۶} (۲۰۰۲)، چلیپ، گرین و هیل (۲۰۰۳)، ریسینگر^{۲۷} و موندو^{۲۸} (۲۰۰۵)، هنسی^{۲۹} و همکاران (۲۰۱۰)، چوی و همکاران (۲۰۱۱)، کانل (۲۰۱۲)، باروس و آصاف (۲۰۱۲)، ژانگ، فو، کی و لو (۲۰۱۴)، ۶ سوال انتخاب شهر معروف از مطالعات ریتچی^{۳۰} و اسمیت^{۳۱} (۱۹۹۱)، چلیپ، گرین و هیل (۲۰۰۳)، چپو (۲۰۰۸)، توکر و ژانگ (۲۰۱۱) استفاده شده است و همچنین، ۴ سوال برای سنجش متغیرهای جمعیت‌شناختی در نظر گرفته شد. برای سنجش و تایید روایی پرسشنامه حاضر روایی محتوا، روایی سازه و روایی همگرا بررسی شده است، به منظور روایی محتوا تعدادی پرسشنامه بین اساتید دانشگاهی و افراد خبره توزیع شد و از منطقی بودن، قابل فهم بودن سوالات و تناسب متغیرها اطمینان حاصل شد و همین‌طور از نظرات خبرگان جهت بهبود پرسش‌های پرسشنامه استفاده شد. به منظور روایی سازه از تحلیل عاملی در حالت مدل اندازه‌گیری استفاده شد. همه گویه‌ها به جز گویه

1. Krejcie
2. Morgan
3. Assael
4. Choi
5. Chan
6. Wu
7. Sirgy
8. & Su
9. Leisen
10. Bassett
11. Griffiths
12. Smith
13. Gasher
14. Prentice
15. Andersen
16. Di Persio
17. Horvath
18. Wobbeking

19. Riley
20. van Doren
21. Woodside
22. MacDonald
23. Baloglu
24. McCleary
25. Getz
26. Cheyne
27. Reisinger
28. Mavondo
29. Hennessey
30. Ritchie
31. Smith

کشور به شمار می‌آید که همه روزه میزبان گردشگران بسیاری است. به‌ویژه در فصل بهار و تابستان، این شهر به یکی از مهم‌ترین مقاصد گردشگران بدل شده و سفرهای بسیاری به قمصر کاشان صورت می‌گیرد تا علاوه بر بازدید از جاذبه‌های تاریخی و طبیعی این شهر، در مراسمی گلاب‌گیری که یکی از رسوم و آیین دیرینه و دیدنی است، شرکت کنند.

شماره ۹، ۱۱، ۱۶، ۱۸ و ۲۰ دارای بار عاملی بالاتر از ۰/۵ بوده‌اند؛ لذا این گویه‌ها حذف و مجدداً تحلیل عاملی در حالت مدل اندازه‌گیری مورد بررسی قرار گرفت که همه گویه‌ها دارای بار عاملی بالاتر از ۰/۵ بوده‌اند؛ نتایج در جدول شماره ۲ ارائه شده است. همچنین، به منظور روایی همگرا، میانگین واریانس استخراج شده (AVE) و پایایی مرکب (CR) محاسبه شد. شاخص پایایی مرکب بر طبق نظر بایرن^۱ (۲۰۱۳) باید بالاتر از ۰/۷ باشد، تا اعتبار سازه بالا باشد و بین ۰/۶ تا ۰/۷ قابل قبول است. همچنین، میانگین واریانس استخراج شده نیز در صورتی که بالاتر از ۰/۵ باشد اعتبار سازه بالا است و بین ۰/۴ تا ۰/۵ مورد قبول است و شرط دیگر آن بزرگتر بودن پایایی مرکب از میانگین واریانس استخراج شده است که نتایج در جدول شماره ۳ ارائه شده است. جهت بررسی پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است، این ضریب برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۸۸۷ بوده است و برای هر یک از متغیرهای پژوهش به صورت مجزا محاسبه شد که نتایج آن در جدول شماره ۳ ارائه شده است. همان‌طور که نتایج ضریب آلفای کرونباخ نشان می‌دهد، پرسشنامه از پایایی مناسبی برخوردار است. به منظور بررسی داده‌های پژوهش و آزمون فرضیه‌ها از نرم‌افزارهای آماری SPSS و LISREL استفاده شده است.

۳.۲. قلمرو جغرافیایی پژوهش

در میان تمام شهرهای ایران با این تعداد جاذبه گردشگری فراوان، قمصر کاشان جایگاه ویژه‌ای داشته و یکی از اصلی‌ترین شهرهای گردشگری

جدول ۲. بار عاملی گویه‌های پژوهش

شماره گویه	بار عاملی	شماره گویه	بار عاملی	شماره گویه	بار عاملی
گویه ۱	۰/۶۹	گویه ۹	حذف	گویه ۱۷	۰/۷۸
گویه ۲	۰/۷۰	گویه ۱۰	۰/۸۱	گویه ۱۸	حذف
گویه ۳	۰/۶۹	گویه ۱۱	حذف	گویه ۱۹	۰/۶۴
گویه ۴	۰/۶۰	گویه ۱۲	۰/۷۶	گویه ۲۰	حذف
گویه ۵	۰/۶۸	گویه ۱۳	۰/۷۲	گویه ۲۱	۰/۶۵
گویه ۶	۰/۷۰	گویه ۱۴	۰/۷۷	گویه ۲۲	۰/۶۷
گویه ۷	۰/۶۸	گویه ۱۵	۰/۷۸	گویه ۲۳	۰/۵۹
گویه ۸	۰/۶۹	گویه ۱۶	حذف		

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷)

جدول ۳. آلفای کرونباخ و روایی همگرا

متغیر	آلفای کرونباخ	CR	AVE	تعداد پرسش
تناسب تصویر (IS)	۰/۸۳۴	۰/۸۳۶	۰/۴۵۹	۶-۱
نگرش نسبت به شهر میزبان (AC)	۰/۸۲۴	۰/۸۲۵	۰/۵۴۳	۱۲-۷
قصد بازدید از شهر میزبان (IVC)	۰/۸۴۸	۰/۸۴۴	۰/۵۷۴	۱۷-۱۳
انتخاب شهر معروف (WSR)	۰/۷۳۵	۰/۷۳۳	۰/۴۰۷	۲۳-۱۸
مجموع	۰/۸۸۷			۲۳

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷)

۳. یافته‌های پژوهش

اصلی پژوهش ارائه شده است. خلاصه ویژگی‌های

جمعیت‌شناختی در جدول شماره ۴ ارائه شده است.

در این قسمت ابتدا یافته‌های توصیفی مربوط به

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و سپس نیز یافته‌های

جدول ۴. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی اعضای نمونه آماری

متغیر	گروه	فراوانی مطلق	درصد فراوانی
نوع گردشگر	داخلی	۳۲۳	۸۴/۱
	خارجی	۶۱	۱۵/۹
سن	پایین‌تر از ۲۵	۲۴	۶/۲
	۲۵ تا ۳۵	۱۶۸	۴۳/۸
	۳۶ تا ۴۵	۱۱۱	۲۸/۹
	بالا‌تر از ۴۵	۸۱	۲۱/۱
تعداد سفر در سال	۱ تا ۲	۱۲۹	۳۳/۶

متغیر	گروه	فراوانی مطلق	درصد فراوانی
	۳ تا ۴	۱۸۹	۴۹/۲
	بیش از ۵ سفر	۶۶	۱۷/۲
	تنها	۲۳	۶
همراهان سفر	خویشاوندان	۱۳۶	۳۵/۴
	دوستان	۱۴۴	۳۷/۵
	گروه‌های سازمانی	۵۸	۱۵/۱
	سایر	۲۳	۶

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷)

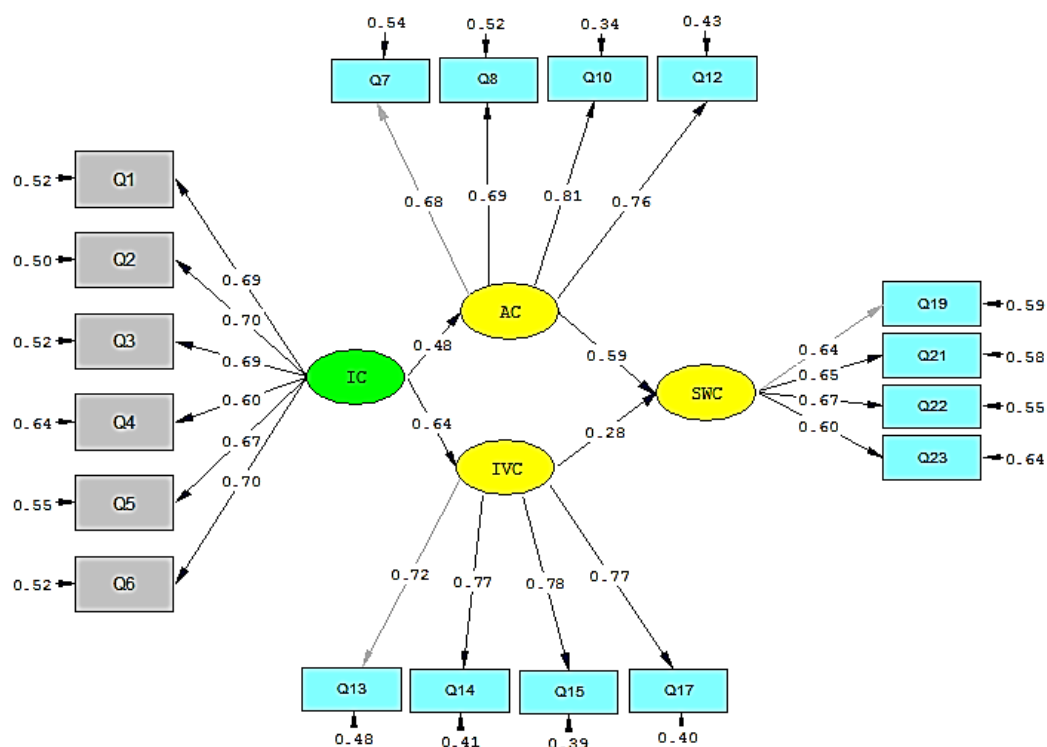
می‌شود. به این منظور در جدول شماره ۵ برازش مدل مورد بررسی قرار گرفت و مدل دارای برازش مناسبی بوده است. جهت بررسی فرضیه‌های پژوهش خروجی نرم افزار LISREL در حالت ضرایب استاندارد و آزمون معناداری به ترتیب در شکل شماره ۲ و ۳ ارائه شده است.

به منظور تایید یا رد فرضیه‌ها از نرم‌افزار LISREL بهره گرفته شده است، به منظور استفاده از نرم افزار لیزرل باید توجه داشت که تحلیل مسیر در این نرم‌افزار شاخص‌های برازشی را تولید می‌کند که در بازه مشخص مقبول و نتایج آن قابل استناد است. بایرن (۲۰۱۳) در معادلات ساختاری در صورتی که سه شاخص بالاتر از حد پذیرش باشد، مدل پذیرفته

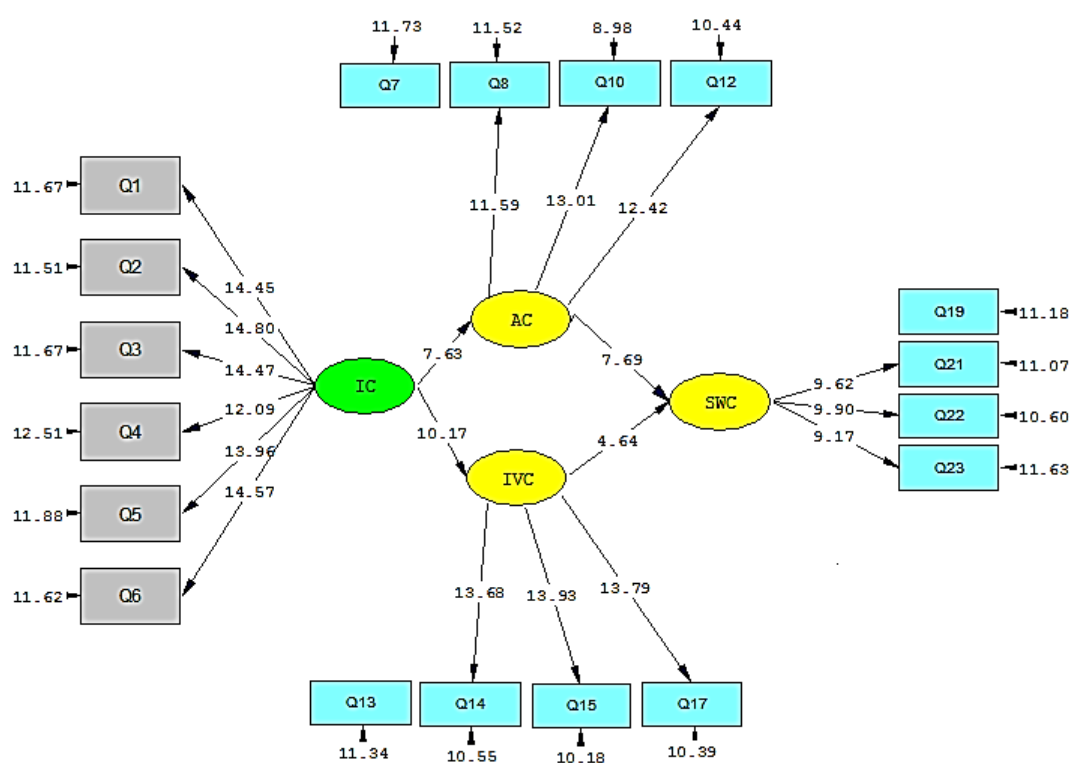
جدول ۵. شاخص‌های برازش

شاخص یا نشان گر	مقدار شاخص	دامنه پذیرش شاخص
شاخص ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)	۰/۰۶۶	مقادیر زیر ۰/۰۸
نسبت کای اسکوتر به درجه آزادی (X2/df)	۲/۶۴	بین ۱ تا ۳
شاخص نیکویی برازش (GFI)	۰/۹۱	مقادیر بالای ۰/۹
شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته (AGFI)	۰/۸۸	مقادیر بالای ۰/۹
شاخص برازش هنجار یافته (NFI)	۰/۹۴	مقادیر بالای ۰/۹
شاخص برازش هنجار نیافته (NNFI)	۰/۹۶	مقادیر بالای ۰/۹
شاخص برازش تطبیقی (CFI)	۰/۹۶	مقادیر بالای ۰/۹
شاخص برازش تطبیقی (IFI)	۰/۹۶	مقادیر بالای ۰/۹

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷)



شکل ۲. مدل پژوهش در حالت ضرایب استاندارد، مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷)



شکل ۳. مدل پژوهش در حالت آزمون معناداری مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷)

با توجه به شکل شماره ۲ و ۳، دو فرضیه نخست پژوهش بیان می‌کند که تناسب تصویر بر نگرش نسبت به شهر میزبان و قصد بازدید از شهر میزبان تأثیر معنادار دارد؛ ضرایب این فرضیه‌ها در حالت آزمون معناداری به ترتیب برابر $۷/۶۳$ و $۱۰/۱۷$ است که نشان‌دهنده تایید این دو فرضیه می‌باشد. همچنین، ضریب مسیر این دو فرضیه به ترتیب برابر $۰/۴۸$ و $۰/۶۴$ می‌باشد. این ضرایب نشان می‌دهند به ترتیب ۴۸ درصد و ۶۴ درصد از تغییرات متغیرهای وابسته (نگرش نسبت به شهر میزبان و قصد بازدید از شهر میزبان) به وسیله متغیر مستقل (تناسب تصویر) به طور مستقیم تبیین می‌شوند. فرضیه‌های سوم و چهارم

پژوهش بیان می‌کند که نگرش نسبت به شهر میزبان و قصد بازدید از شهر میزبان بر انتخاب شهر معروف تأثیر معنادار دارد؛ ضرایب این فرضیه‌ها در حالت آزمون معناداری به ترتیب برابر $۷/۶۹$ و $۴/۶۴$ است که نشان‌دهنده تایید این دو فرضیه می‌باشد. همچنین، ضریب مسیر این دو فرضیه به ترتیب برابر $۰/۵۹$ و $۰/۲۸$ می‌باشد. این ضرایب نشان می‌دهند نگرش نسبت به شهر میزبان ۵۹ درصد و قصد بازدید از شهر میزبان ۲۸ درصد تغییرات مربوط به انتخاب شهر معروف را به طور مستقیم تبیین می‌کنند. در جدول شماره ۶ خلاصه نتایج فرضیه‌ها ارائه شده است.

جدول ۶. نتایج حاصل از یافته‌های مدل ساختاری پژوهش

شماره فرضیه	فرضیات مدل مفهومی	مقدار T-Value	ضریب مسیر	نتیجه
۱	تناسب تصویر بر نگرش نسبت به شهر میزبان تأثیر معنادار دارد.	$۷/۶۳^{**}$	$۰/۴۸$	تایید
۲	تناسب تصویر بر قصد بازدید از شهر میزبان تأثیر معنادار دارد.	$۱۰/۱۷^{**}$	$۰/۶۴$	تایید
۳	نگرش نسبت به شهر میزبان بر انتخاب شهر معروف تأثیر معنادار دارد.	$۷/۶۹^{**}$	$۰/۵۹$	تایید
۴	قصد بازدید از شهر میزبان بر انتخاب شهر معروف تأثیر معنادار دارد.	$۴/۶۴^{**}$	$۰/۲۸$	تایید

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷)

$P < ۰/۰۵^{**}$ $P < ۰/۰۱^{*}$

با توجه به جدول شماره ۷، ضریب تعیین نگرش نسبت به شهر میزبان برابر با $۰/۲۳$ است. بنابراین، ۲۳ درصد نگرش نسبت به شهر میزبان توسط متغیر تناسب تصویر تبیین می‌شود و ۷۷ درصد آن توسط متغیرهایی که در این مدل در نظر گرفته نشده است. ضریب تعیین قصد بازدید از شهر میزبان برابر با $۰/۴۱$ می‌باشد، این بدان معنی است که متغیر تناسب تصویر

۴۱ درصد متغیر قصد بازدید از شهر میزبان را تبیین می‌کند. در نهایت، ضریب تعیین انتخاب شهر معروف برابر $۰/۵۳$ می‌باشد، در واقع متغیرهای پیشین ۵۳ درصد انتخاب شهر معروف را تبیین می‌کنند. در جدول شماره ۷ ضرایب تعیین پژوهش حاضر ارائه شده است.

جدول ۷. ضرایب تعیین متغیرهای مدل

متغیر	ضریب تعیین
نگرش نسبت به شهر میزبان (AC)	۰/۲۳
قصد بازدید از شهر میزبان (IVC)	۰/۴۱
انتخاب شهر معروف (WSR)	۰/۵۳

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷)

۴. نتیجه گیری و پیشنهادها

مقصدهای گردشگری به عنوان کانون اصلی جذب گردشگران، نقش بنیادی را در توسعه صنعت گردشگری دارند. زمانی می‌توان یک مقصد گردشگری را متمایز و موفق جلوه داد که بتوان تجربه‌های منحصر به فرد و جدیدی را به گردشگر ارائه داد. این وظیفه برعهده رویدادهای گردشگری نهاده شده است. رویداد در ترکیب با توسعه گردشگری باعث شکل‌گیری جاذبه در میان گردشگران می‌شود و از طریق برنامه‌ریزی، بازاریابی و اجرای اصولی، به عنوان یکی از استراتژی‌های مهم برای توزیع گردشگری به صورت عادلانه و منظم در مناطق مختلف و در زمان‌های مختلف در کشور محسوب می‌گردد. بنابراین در پژوهش حاضر به بررسی اثرات تبلیغات رویدادی بر نگرش‌های بازدیدکنندگان نسبت به شهر و همچنین مقاصدشان جهت بازدید در شهر میزبان پرداخته شد. نتیجه حاصل از فرضیه اول پژوهش بیان می‌کند تناسب تصویر (مطابقت بالای تصویر بین رویداد خاص و شهر میزبان) بر نگرش نسبت به شهر میزبان تأثیر معنادار دارد. هر چه تصاویر رویداد خاص ارسالی توسط تبلیغ رویداد با تصویری که گردشگران دارند

ارتباط بیشتری داشته باشند، به احتمال زیاد نگرش‌های آن‌ها نسبت به شهر به گونه مثبتی تغییر خواهد کرد. تبلیغ رویداد تأثیر مثبتی بر نگرش گردشگر به شهر میزبان دارد. احساسات مثبت شرکت‌کنندگان رویداد، تصویر رویداد را مثبت‌تر ارزیابی می‌کنند و این ارزیابی مطلوب از تصویر رویداد می‌تواند به تصویر دلخواه و مطلوب منجر شود. نتیجه این فرضیه با یافته‌های مک دانیل (۱۹۹۹)، چلیپ، گرین و هیل (۲۰۰۳)، قو، کیم و ایم (۲۰۱۱) و خو، چن و یو (۲۰۱۲) مطابقت دارد. با توجه به این یافته‌ها می‌توان پیشنهادهایی از قبیل شناسایی روش‌ها و ابزارهای تبلیغاتی جذاب برای گردشگران؛ معرفی و ارائه اطلاعات صحیح از رویدادهای منتخب به صورت نوشتار، تصویر و فیلم؛ تهیه فیلم‌های مستند از رویدادهای برگزار شده و انتشار آن (رسانه‌های اجتماعی و مجازی، کانال‌های صداوسیما و شبکه‌های خانگی) را ارائه نمود. همچنین افرادی که از جشنواره گلاب‌گیری به عنوان ابزاری برای توسعه نگرش‌های افراد نسبت به شهر قمصر کاشان استفاده می‌کنند، ضروری است که تصویر بازدیدکنندگان از این شهر به طور راهبردی با تصویر جشنواره گلاب‌گیری مطابقت کند. نتیجه حاصل از فرضیه دوم پژوهش بیان می‌کند تناسب

تصویر (مطابقت بالایی تصویر بین رویداد خاص و شهر میزبان) بر قصد بازدید از شهر میزبان تأثیر معنادار دارد. محتوای گزارشات رسانه‌ها تعیین‌کننده اساسی برای تصویر بازدیدکنندگان از شهر به‌ویژه افرادی که شهر را تاکنون ندیده‌اند، می‌باشد. رویدادهای خاص قادرند تصویری از شهر را از طریق پوشش رسانه‌ای ایجاد کنند که ممکن است گرایش به سمت شهر میزبان را تغییر بدهند. نتیجه این فرضیه با یافته‌های یون، جان و پارک (۲۰۱۴) مطابقت دارد. با توجه به این یافته‌ها می‌توان پیشنهادهایی از قبیل معرفی صحیح آداب و رسوم شهر در خلال برگزاری رویدادها؛ تبلیغ جاذبه‌ها، غذاهای محلی، ویژگی‌های طبیعی و فرهنگی منطقه و همچنین جاذبه‌های مقصد گردشگری به‌صورت آگاهانه و ناآگاهانه در زمان برگزاری جشنواره گلاب-گیری جهت بهبود تصویر شناختی شهر و به تبع آن ارتقا برند مقصد گردشگری را ارائه نمود. همچنین افرادی که قصد دارند رویداد جدیدی را در شهر قمصر کاشان میزبانی کنند و یا جشنواره گلاب‌گیری را در این شهر توسعه دهند باید تصویر مناسبی از شهر قمصر کاشان در ذهن گردشگران فراهم نمایند. میزبانی جشنواره گلاب‌گیری به هزینه‌های بازاریابی زیادی نیازمند است، بنابراین، آن‌ها بایستی انتخاب خود را با دقت بررسی کنند تا جشنواره گلاب‌گیری برای ایجاد و یا توسعه تصویر شهر قمصر کاشان مناسب باشد. نتیجه حاصل از فرضیه سوم پژوهش بیان می‌کند نگرش نسبت به شهر میزبان بر انتخاب شهر معروف تأثیر معنادار دارد. اثرات تبلیغ رویداد بر نگرش افراد به شهر در صورتی که شهر شناخته شده

باشد، بیشتر است. تبلیغ رویداد اثرات مثبتی بر نگرش افراد نسبت به شهر میزبان نشان می‌دهد که به نوبه خود اهداف آن‌ها را در بازدید از شهر افزایش می‌دهد. از این حیث، میزبانی رویداد خاص در شهر شناخته شده به منظور ایجاد و افزایش تصویر شهر و افزایش رفت و آمد گردشگر در شهر میزبان، اهمیت دارد. شهرهای شناخته شده می‌توانند از توسعه تصویر شهر هنگامی که از رویداد یا تبلیغ رویداد به عنوان یک ابزار ترویجی استفاده می‌کنند، بهره‌مند شوند. نتیجه این فرضیه با یافته‌های پچمان و شیه (۱۹۹۶) و توکر و ژانگ (۲۰۱۱) مطابقت دارد. با توجه به این یافته‌ها می‌توان پیشنهادهایی از قبیل استفاده از قابلیت‌های آژانس‌های خدمات مسافرتی برای همکاری در برگزاری رویدادها از طریق طراحی بسته سفر در زمان برگزاری و موضوعیت رویدادها؛ معرفی سایر جنبه‌های فرهنگی و بومی در قالب بروشورها و یا برگزاری جشنواره‌های جانبی؛ ثبت و نگارش کتب علمی و پژوهشی راجع به رویدادهای منتخب کاشان را ارائه نمود. نتیجه حاصل از فرضیه چهارم پژوهش بیان می‌کند قصد بازدید از شهر میزبان بر انتخاب شهر معروف تأثیر معنادار دارد. شهرهای معروف نیازمند استفاده از راهبرد مختلف ارتباط بازاریابی جهت افزایش تصویر شهر و یا حفظ تصویر مطلوب شهر می‌باشد. تبلیغات رویدادی برای شهرهای شناخته شده بسیار با ارزش است. چرا که شهر می‌تواند توجه گردشگران را به خود جلب و تصویر شهر را به عنوان یک مقصد گردشگری توسعه دهد. نتیجه این فرضیه با یافته‌های روسل (۲۰۰۲) مطابقت دارد. با توجه به این یافته‌ها می‌توان

پیشنهادهایی از قبیل بخش‌بندی گردشگران و بازدیدکنندگان رویدادهای منتخب؛ نیازسنجی کیفیت خدمات و دریافت بازخورد گردشگران و بازدیدکنندگان رویدادهای منتخب؛ برقراری سیستم ارتباط با گردشگران و بازدیدکنندگان رویدادهای منتخب؛ دعوت از شخصیت‌های معروف بومی، منطقه‌ای و ملی متناسب با موضوع رویداد برای شرکت در آن جهت ایجاد اعتماد در گردشگران را ارائه نمود. از جمله مهم‌ترین محدودیت‌های پژوهش حاضر استفاده از پرسشنامه بسته برای جمع‌آوری داده‌های پژوهش حاضر است. لذا پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده از مصاحبه یا پرسشنامه باز نیز در کنار پرسشنامه بسته استفاده شود تا تعمق در موضوع به شناخت بهتر متغیرها و عوامل خرد کمک کند. در این پژوهش تأثیر تبلیغات رویدادی بر نگرش‌ها و مقاصد بازدیدی از دیدگاه گردشگران داخلی و خارجی سفر کرده به شهر قمصر کاشان بررسی شد، پیشنهاد می‌شود پژوهش دیگری این بررسی‌ها را از دیدگاه متخصصان و مدیران بازاریابی و گردشگری مورد سنجش قرار داده و سپس با ترکیب نتایج به دست آمده با پژوهش حاضر به نتایج بهتری دست یافت.

کتاب‌نامه

۱. اسدی، ش.، و محمدی، م. (۱۳۹۷). بررسی اثربخشی تبلیغات دیداری بر انتخاب شهرستان رامسر به‌عنوان مقصد گردشگری. گردشگری شهری، ۵(۱)، ۸۳-۹۹.
۲. افتخاریان، ب. (۱۳۹۲). بررسی نقش جشنواره‌های موسیقی در توسعه گردشگری ایران. همدان: اولین همایش ملی گردشگری، جغرافیا و محیط زیست پایدار.
۳. حق‌وردی‌لو، م.، گیوه‌چی، س.، و نظری، ع. ا. (۱۳۹۴). ارزیابی اثربخشی بازاریابی در جذب گردشگر با تأکید بر نقش تبلیغات اینترنتی در ایران مطالعه موردی شهر تهران. تبریز: دومین کنفرانس بین‌المللی توسعه پایدار، راهکارها و چالش‌ها با محوریت کشاورزی، منابع طبیعی، محیط زیست و گردشگری.
۴. شرافت چالستری، ز. (۱۳۹۲). نقش برگزاری نمایشگاه‌ها و جشنواره‌ها و تأثیر اقتصادی آن بر توسعه گردشگری، مطالعه موردی: جشنواره شهر برفی. همدان: دومین همایش ملی گردشگری و طبیعت‌گردی ایران زمین.
۵. شیرمحمدی، ی.، جلالیان، س. ا.، هاشمی باغی، ز.، و ترکاشوند، س. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر رویدادهای فرهنگی بر تصویر شناختی و عاطفی مقصد گردشگری (مورد مطالعه: شهر کرج). برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، ۸(۴)، ۱۶۱-۱۴۷.
۶. غفاری، م.، رضایی دولت‌آبادی، ح.، و دهقانی اناری، ف. (۱۳۹۳). تحلیل عوامل موثر بر وفاداری گردشگران به مقاصد گردشگری (مورد مطالعه: گردشگران خارجی سفر کرده به شهر اصفهان). مدیریت فرهنگ سازمانی، ۱۲(۳): ۵۵۱-۵۶۸.
۷. فیض، د.، و راستی، ف. (۱۳۹۳). بررسی عوامل تأثیرگذار بزرگ‌تر تعاملی بر گردشگران. برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، ۳(۱۰): ۸۶-۶۵.

۸. کاظمی، م. (۱۳۹۲). مدیریت گردشگری. چاپ هفتم، تهران: انتشارات سمت.
۹. کروی، م.، قادری، ا.، و جلیلیان، ن. (۱۳۹۸). امکان سنجی توسعه گردشگری رویداد (با تأکید بر رویدادهای فرهنگی) و تأثیر آن بر تعدیل فصلی بودن مقصدهای گردشگری مطالعه موردی: شهر همدان. *مطالعات مدیریت گردشگری*، ۱۴(۴۵): ۳۵-۵۶.
۱۰. کیانی سلمی، ص.، و بسحاق، م. ر. (۱۳۹۵). تبیین اثرات جشنواره گلاب‌گیری از دیدگاه ساکنان محلی. *مطالعات مدیریت گردشگری*، ۱۱(۳۴): ۶۵-۹۲.
۱۱. محمدی، م.، میرتقیان رودسری، س.م.، و ناسوتی، م. (۱۳۹۸). ارزیابی عوامل مؤثر بر وفاداری گردشگران رویدادهای بومی - فرهنگی در مقصد گردشگری رامسر. *گردشگری شهری*، ۶(۴): ۳۱-۱۷.
۱۲. میرزائی ر.، و رضائی، ن. (۱۳۹۶). بخش‌بندی بازار رویدادهای ویژه فرهنگی بر مبنای انگیزه‌های بازدیدکنندگان. *تحقیقات بازاریابی نوین*، ۷(۱): ۹۳-۱۱۴.

13. Akhoondnejad, A. (2016). Tourist loyalty to a local cultural event: The case of Turkmen handicrafts festival. *Tourism Management*, 52, 468-477.
14. Assael, H. (1984). *Consumer behavior and marketing action*. Kent Pub. Co.
15. Baloglu, S., & McCleary, K. W. (1999). A model of destination image formation. *Annals of tourism research*, 26(4), 868-897.
16. Barros, C. P., & Assaf, A. G. (2012). Analyzing tourism return intention to an urban destination. *Journal of Hospitality & Tourism Research*, 36(2), 216-231.
17. Bassett, K., Griffiths, R., & Smith, I. (2002). Cultural industries, cultural clusters and the city: the example of natural history film-making in Bristol. *Geoforum*, 33(2), 165-177.
18. Beeton, S. (2001). Smiling for the camera: The influence of film audiences on a budget tourism destination. *Tourism Culture & Communication*, 3(1), 15-25.
19. Bigne, J. E., Sanchez, M. I., & Sanchez, J. (2001). Tourism image, evaluation variables and after purchase behaviour: inter-relationship. *Tourism management*, 22(6), 607-616.
20. Boksberger, P., Dolnicar, S., Laesser, C., & Randle, M. (2011). Self-congruity theory: To what extent does it hold in tourism? *Journal of Travel Research*, 50(4), 454-464.
21. Brida, J. G., Disegna, M., & Scuderi, R. (2014). Segmenting visitors of cultural events: The case of Christmas Market. *Expert Systems with Applications*, 41(10), 4542-4553.
22. Byrne, B. M. (2013). *Structural equation modeling with LISREL, PRELIS, and SIMPLIS: Basic concepts, applications, and programming*. Psychology Press.
23. Chalip, L., Green, B. C., & Hill, B. (2003). Effects of sport event media on destination image and intention to visit. *Journal of sport management*, 17(3), 214-234.
24. Chang, J. (2006). Segmenting tourists to aboriginal cultural festivals: An example in the Rukai tribal area, Taiwan. *Tourism Management*, 27(6), 1224-1234.
25. Chiu, Y. Y. (2008). The persuasive effect of popularity claims in advertising: An informational social influence perspective. *The Journal of American Academy of Business*, 14(1), 71-6.
26. Choe, Y., Stienmetz, J. L., & Fesenmaier, D. R. (2013). Trip budget and destination advertising response. *Tourism Analysis*, 18(6), 713-722.
27. Choi, J. G., Tkachenko, T., & Sil, S. (2011). On the destination image of Korea by Russian tourists. *Tourism Management*, 32(1), 193-194.
28. Choi, W. M., Chan, A., & Wu, J. (1999). A qualitative and quantitative assessment of Hong Kong's image as a tourist destination. *Tourism management*, 20(3), 361-365.

29. Connell, J. (2012). Film tourism—Evolution, progress and prospects. *Tourism management*, 33(5), 1007-1029.
30. Connell, J., Page, S. J., & Meyer, D. (2015). Visitor attractions and events: Responding to seasonality. *Tourism management*, 46, 283-298.
31. Cornwell, T. B., & Maignan, I. (1998). An international review of sponsorship research. *Journal of advertising*, 27(1), 1-21.
32. Di Persio, C., Horvath, G., & Wobbeking, R. (2008). The impact of the film industry on Colorado [research paper on the internet]. 2003 June; [Retrieved on Jan 24, 2008].
33. Duran, E., & Hamarat, B. (2014). Festival attendees' motivations: the case of International Troia Festival. *International Journal of Event and Festival Management*.
34. Felsenstein, D., & Fleischer, A. (2003). Local festivals and tourism promotion: The role of public assistance and visitor expenditure. *Journal of Travel research*, 41(4), 385-392.
35. Fernández, J. A. F., Duarte, P. A. O., & Mogollón, J. M. H. (2015). Assessing the differentiated contribution of city resources to city brand image. *Tourism & Management Studies*, 11(1), 77-83.
36. Garay, L., & Pérez, S. M. (2017). Understanding the creation of destination images through a festival's Twitter conversation. *International Journal of Event and Festival Management*.
37. Gasher, M. (2002). *Hollywood north: The feature film industry in British Columbia*. UBC Press.
38. Getz, D. (2008). Event tourism: Definition, evolution, and research. *Tourism management*, 29(3), 403-428.
39. Getz, D., & Cheyne, J. (2002). Special event motives and behaviour. *The tourist experience*, 2, 137-155.
40. Getz, D., & Page, S. J. (2016). *Event studies: Theory, research and policy for planned events*. Routledge.
41. Green, B. C., Costa, C., & Fitzgerald, M. (2003). Marketing the host city: Analyzing exposure generated by a sport event. *International Journal of Sports Marketing and Sponsorship*, 4(4), 48-66.
42. Gwinner, K. P., & Eaton, J. (1999). Building brand image through event sponsorship: The role of image transfer. *Journal of advertising*, 28(4), 47-57.
43. Hauptfleisch, T., Lev-Aladgem, S., Martin, J., Sauter, W., & Schoenmakers, H. (Eds.). (2007). *Festivalising! Theatrical events, politics and culture* (Vol. 3). Rodopi.
44. Hennessey, S. M., Yun, D., MacDonald, R., & MacEachern, M. (2010). The effects of advertising awareness and media form on travel intentions. *Journal of Hospitality Marketing & Management*, 19(3), 217-243.
45. Hernández-Mogollón, J. M., Duarte, P. A., & Folgado-Fernández, J. A. (2018). The contribution of cultural events to the formation of the cognitive and affective images of a tourist destination. *Journal of Destination Marketing & Management*, 8, 170-178.
46. Higgins-Desbiolles, F. (2018). Event tourism and event imposition: A critical case study from Kangaroo Island, South Australia. *Tourism Management*, 64, 73-86.
47. Huang, S., & Lee, I. S. (2015). Motivations for attending a multicultural festival: Visitor ethnicity matters. *Anatolia*, 26(1), 92-95.
48. Jago, L., Chalip, L., Brown, G., Mules, T., & Ali, S. (2003). Building events into destination branding: Insights from experts. *Event management*, 8(1), 3-14.
49. Jayawardena, C., Veres, D., Clark, H., & Golbourne, D. (2008). Increasing the contribution of special events to Niagara's tourism industry. *International Journal of Contemporary Hospitality Management*.
50. Kaplanidou, K. (2006). Affective event and destination image: Their influence on Olympic travelers' behavioral intentions. *Event Management*, 10(2-3), 159-173.

51. Krejcie, R. V., & Morgan, D. W. (1970). Determining sample size for research activities. *Educational and psychological measurement*, 30(3), 607-610.
52. Laffont, G. H., & Prigent, L. (2011). Paris transformed into an urban set: dangerous liaisons between tourism and cinema. *Teoros, Revue de Recherche en Tourisme*, 30(1), 108-118.
53. Lee, J. S., Lee, C. K., & Choi, Y. (2011). Examining the role of emotional and functional values in festival evaluation. *Journal of Travel Research*, 50(6), 685-696.
54. Lee, T. H. (2009). A structural model to examine how destination image, attitude, and motivation affect the future behavior of tourists. *Leisure Sciences*, 31(3), 215-236.
55. Leisen, B. (2001). Image segmentation: the case of a tourism destination. *Journal of services marketing*.
56. Matheson, C. M., Rimmer, R., & Tinsley, R. (2014). Spiritual attitudes and visitor motivations at the Beltane Fire Festival, Edinburgh. *Tourism management*, 44, 16-33.
57. McDaniel, S. R. (1999). An investigation of match-up effects in sport sponsorship advertising: The implications of consumer advertising schemas. *Psychology & Marketing*, 16(2), 163-184.
58. McDowall, S. (2010). A comparison between Thai residents and non-residents in their motivations, performance evaluations, and overall satisfaction with a domestic festival. *Journal of Vacation Marketing*, 16(3), 217-233.
59. Pechmann, C., & Shih, C. F. (1996). How smoking in movies and anti-smoking ads before movies may affect teenagers' perceptions of peers who smoke. *Irvine, California: Graduate School of Management, University of California, Irvine*.
60. Picard, D., & Robinson, M. (Eds.). (2006). *Festivals, tourism and social change: Remaking worlds*. Channel view publications.
61. Prentice, R., & Andersen, V. (2003). Festival as creative destination. *Annals of tourism research*, 30(1), 7-30.
62. Qu, H., Kim, L. H., & Im, H. H. (2011). A model of destination branding: Integrating the concepts of the branding and destination image. *Tourism management*, 32(3), 465-476.
63. Reisinger, Y., & Mavondo, F. (2005). Travel anxiety and intentions to travel internationally: Implications of travel risk perception. *Journal of travel research*, 43(3), 212-225.
64. Riley, R. W., & Van Doren, C. S. (1992). Movies as tourism promotion: A 'pull' factor in a 'push' location. *Tourism management*, 13(3), 267-274.
65. Ritchie, B., Sanders, D., & Mules, T. (2007). Televised events: Shaping destination images and perceptions of capital cities from the couch. *International Journal of Event Management Research*, 3(2), 12-23.
66. Ritchie, J. B., & Smith, B. H. (1991). The impact of a mega-event on host region awareness: A longitudinal study. *Journal of travel research*, 30(1), 3-10.
67. Rittichainuwat, B., & Rattanaphinanchai, S. (2015). Applying a mixed method of quantitative and qualitative design in explaining the travel motivation of film tourists in visiting a film-shooting destination. *Tourism Management*, 46, 136-147.
68. Rojas-Méndez, J. I., Davies, G., Jamsawang, J., Duque, J. L. S., & Pipoli, G. M. (2019). Explaining the mixed outcomes from hosting major sporting events in promoting tourism. *Tourism Management*, 74, 300-309.
69. Russell, C. A. (2002). Investigating the effectiveness of product placements in television shows: The role of modality and plot connection congruence on brand memory and attitude. *Journal of consumer research*, 29(3), 306-318.
70. Savinovic, A., Kim, S., & Long, P. (2012). Audience members' motivation, satisfaction, and intention to re-visit an ethnic minority cultural festival. *Journal of Travel & Tourism Marketing*, 29(7), 682-694.
71. Sirgy, M. J., & Su, C. (2000). Destination image, self-congruity, and travel behavior: Toward an integrative model. *Journal of Travel Research*, 38(4), 340-352.

72. Tucker, C., & Zhang, J. (2011). How does popularity information affect choices? A field experiment. *Management Science*, 57(5), 828-842.
73. Van Aalst, I., & Van Melik, R. (2012). City festivals and urban development: does place matter?. *European Urban and Regional Studies*, 19(2), 195-206.
74. Weber, K., & Ali-Knight, J. (2012). Events and festivals in Asia and the Middle East/North Africa (MENA) region. *International Journal of Event and Festival Management*.
75. Whelan, S., & Wohlfeil, M. (2006). Communicating brands through engagement with 'lived' experiences. *Journal of Brand Management*, 13(4-5), 313-329.
76. Woodside, A. G., & MacDonald, R. (1994). General system framework of customer choice processes of tourism services. *Spoilt for choice*, 30.
77. Xue, K., Chen, X., & Yu, M. (2012). Can the World Expo change a city's image through foreign media reports?. *Public Relations Review*, 38(5), 746-754.
78. Yang, J., Gu, Y., & Cen, J. (2011). Festival tourists' emotion, perceived value, and behavioral intentions: A test of the moderating effect of festivalscape. In *Journal of Convention & Event Tourism* (Vol. 12, No. 1, pp. 25-44). Taylor & Francis Group.
79. Yolal, M., Gursoy, D., Uysal, M., Kim, H. L., & Karacaoğlu, S. (2016). Impacts of festivals and events on residents' well-being. *Annals of Tourism Research*, 61, 1-18.
80. Yoon, J. W., Jun, J. W., & Park, G. S. (2014). Effects of font fit and familiarity on moviegoers' attitudes and intentions. *Media and Performing Art Research*, 9(1), 1-28.
81. Zhang, H., Fu, X., Cai, L. A., & Lu, L. (2014). Destination image and tourist loyalty: A meta-analysis. *Tourism management*, 40, 213-223.

شناسایی قابلیت مشارکت کودکان در برنامه‌ریزی شهری از طریق تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره دوم ابتدایی

هادی سروری (استادیار، گروه شهرسازی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

sarvari_hadi@mshdiau.ac.ir

آذین مستوفی (دانشجوی دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران)

a.mostofi@ymail.com

تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۰۴/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۶

صص ۱۶۳-۱۴۵

چکیده

یکی از روش‌های پیشبرد توسعه شهری، مشارکت در امور شهری است و آموزش مشارکت به کودکان در راستای تاثیرگذاری درست در پیشبرد برنامه‌های توسعه شهری امری بسیار حیاتی می‌باشد. هدف اصلی این مقاله شناسایی زمینه‌هایی از مشارکت است که کودکان در آن آماده‌تر می‌باشند تا مورد استفاده برنامه‌ریزان شهری قرار گیرد. اهمیت موضوع تا اندازه‌ای است که در صورت عدم آموزش صحیح مشارکت به کودکان نمی‌توانیم در آینده انتظار مشارکت صحیح این قشر را در امور توسعه شهری داشته باشیم. بدین منظور برای تحلیل قابلیت مشارکت کودکان، از تحلیل محتوای کتب درسی دوره دوم ابتدایی به عنوان مهمترین مرحله آموزش عمومی در سطح کشور، استفاده شد. مؤلفه‌های مشارکت کودکان در این پژوهش شامل شناخت شهر، آموزش حقوق شهروندی و آموزش نحوه مشارکت و ارتباط با دیگران می‌باشند. روش‌شناسی مورد استفاده به صورت تحلیل محتوای کمی و به کمک روش ویلیام رومی انجام گرفته است. واحدهای تحلیل نیز فحوای متن درس، سوالات و تصاویر می‌باشد. جامعه آماری شامل سه جلد کتاب مطالعات اجتماعی در پایه چهارم، پنجم و ششم ابتدایی سال تحصیلی ۹۶-۹۷ است. یافته‌های مقاله بیانگر آن است که به مؤلفه‌های مشارکت در پایه‌های مختلف دوره دوم ابتدایی به یک میزان پرداخته نشده است و ضریب درگیری در ارتباط با واحدهای تحلیل به یک میزان نیست. در مجموع از میان موضوعات موثر در مشارکت، به شناخت شهر بیشتر از سایر موضوعات پرداخته شده است. همچنین نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بیشترین قابلیت کودکان در مشارکت مشورتی است، گرچه این مشارکت پایین‌ترین درجه مشارکت است.

کلید واژه‌ها: برنامه‌ریزی شهری، تحلیل محتوا، کتب درسی، کودکان، مشارکت.

۱. مقدمه

۱.۱. طرح مسئله

کودکان و نوجوانان درک عمیقی از فضاهای شهری، ساختمان‌ها و محله‌های شهر خود دارند. آن‌ها نسبت به نیازهای خود در شهر متخصص بوده و در واقع طراحان و تصمیم‌گیرندگان شهرها در آینده هستند. از این رو مشارکت کودکان در روند برنامه ریزی شهری، توجه بیشتر برنامه‌ریزان را طلب می‌کند. امروزه برنامه‌ریزی شهرها برای کودکان و نوجوانان هنوز به معنی برنامه‌ریزی برای یک بخش عمدتاً کم‌اهمیت جامعه است. اما تمایل روزافزونی وجود دارد مبنی بر این که کودکان در برنامه‌ریزی شهرها و محله‌های خود با بزرگسالان مشارکت و همکاری داشته باشند. مشارکت کودکان عبارت است از ایجاد فرصت ابراز نظر کودکان آنچنانکه تصمیم‌گیری‌ها را تحت تاثیر قرار داده و آنها را تغییر دهند. مشارکت کودکان مشارکتی آگاهانه و دلسوزانه است که برای همه کودکان در سنین و توانایی‌های مختلف قابل انجام باشد (اکان^۱، ۲۰۱۳، ص. ۱۲). بر این اساس همه کودکان حق حضور در فرایند توسعه را کسب می‌نمایند. در شرایط ایران مشارکت مردمی برای تمام سنین و اقشار در فرایند برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های توسعه شهری به گونه‌ای مطلوب وجود ندارد. اگرچه در ایران نیز تحقیقاتی در زمینه مشارکت شهروندان در مسائل و برنامه‌های شهری از جمله مشارکت در بافت‌های فرسوده انجام شده (پوراحمد، خادمی و ضرغام فرد، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۹) اما همچنان

یکی از مهمترین موانع بر سر راه حضور مردم در فرایند تهیه و اجرای طرح‌های توسعه شهری عدم آگاهی نسبت به مسایل شهری است. از این رو تحقق مشارکت مردمی نیازمند اجرای برنامه‌هایی است که بتواند فرایند آموزش و جامعه‌پذیری شهروندان را با موفقیت انجام دهد. امروزه تربیت شهروند خوب و فعال یکی از مهمترین وظایف نظام‌های رسمی آموزش و پرورش کشورها است تا بدین ترتیب نسل جدید خود را برای زندگی به عنوان یک شهروند مفید آماده کنند و روش‌های مشارکت فعال در زندگی اجتماعی را به آنان بیاموزند (تاجیک، ۱۳۹۳، ص. ۱۰۵). اما متأسفانه وضعیت آموزش مسایل شهر و شهروندی در ایران مناسب نیست. براساس مطالعات انجام شده فقط ۳۳ درصد از دانش‌آموزان ایران به مرحله پیشرفت و دستیابی به هویت اجتماعی و مدنی رسیده‌اند و بقیه در اغتشاش هویت گرفتار هستند. علی‌رغم این که انتظار داریم رفتارهای اجتماعی و شهروندی در دوره دبستان شکل اساسی و جامعه‌پسند خود را پیدا کند، این یافته‌ها نشان از وجود مشکل در هویت اجتماعی و شهروندی در میان ۶۷ درصد از نوجوانان دانش‌آموز دارد (لطف‌آبادی، ۱۳۸۵، ص. ۲۱). از این رو نمی‌توان انتظار مشارکت فعالانه را از قشر کودک امروز و بزرگسال فردا در فرایند برنامه ریزی شهری داشت؛ هر چند که این اشتیاق در برنامه‌ریزان و مسئولان شهری وجود داشته باشد. در نظام آموزشی ایران دروسی که مستقیماً به آموزش موضوعات شهروندی و مشارکت افراد جامعه در امور شهری بپردازد؛ وجود ندارد. لذا تنها

راه آموزش مشارکت به دانش‌آموزان بیان موضوعات مرتبط با آن در قالب دروس فعلی می‌باشد. پژوهش‌های پیشین تنها به ضرورت‌های آموزش حقوق شهروندی در نظام آموزشی پرداخته‌اند و هیچ یک از آنان مولفه‌ها، موضوعات و مصادیق مرتبط با آموزش مشارکت به کودکان را مورد بررسی قرار نداده‌اند. حلاء تحقیقاتی، میزان آمادگی و توانمندی لازم کودکان برای مشارکتی مطلوب در توسعه شهری است. بدین ترتیب سوال اصلی این پژوهش این است که میزان اثرگذاری محتوای دروس نظام آموزشی بر فهم مسایل شهری و مفاهیم برنامه‌ریزی از سوی دانش‌آموزان چه مقدار است؟ برای پاسخ به این سوال با روش تحلیل محتوا کتاب‌های تعلیمات اجتماعی پایه‌های چهارم، پنجم و ششم ابتدایی مورد بررسی قرار گرفتند.

۲.۱. پیشینه نظری و مبانی نظری پژوهش

نظریه‌های متعددی در زمینه برنامه‌ریزی مشارکتی و شهرسازی مشارکتی از نیمه دوم دهه ۱۹۶۰ به این سو مطرح گردیده است. در این میان می‌توان به نظریه‌های میجلی^۱ (۱۹۸۶)، آرنشتاین^۲ (۱۹۹۶)، دیویدسون^۳ (۱۹۹۸)، دریسکل^۴ (۲۰۰۲) و نظریه میانجیگری (۲۰۰۴) به عنوان تاثیرگذارترین نظریه‌ها اشاره داشت (حبیبی و سعیدی رضوانی، ۱۳۸۴، ص ۱۶-۲۰). همچنین محققانی نظیر فورستر^۵ (۱۹۸۹)، هیلی^۶ (۱۹۹۲)، سندراکاک^۷ (۱۹۹۸) بر

لزوم برنامه‌ریزی مشارکتی مبتنی بر نیاز و قابل قبول از نظر اجتماعی بجای رویکرد از بالا به پایین و تخصص محور تأکید کرده‌اند (دانشپور، بهزادفر، برک‌پور و شرفی، ۱۳۹۵، ص ۳۰) و در ادامه برنامه‌ریزی مشارکتی در دهه ۹۰ و سال‌های پایانی آن در قالب برنامه‌ریزی ارتباطی که نوعی برنامه‌ریزی تعاملی با رویکردی از پایین به بالا است در نظام برنامه‌ریزی شهری مطرح شد (رفعیان و معروفی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۷). بر همین اساس تحقیقات زیادی در خصوص روش‌های مشارکت کودکان در شهر و برنامه‌ریزی شهری صورت گرفت. آغاز پژوهش‌ها در مورد مشارکت کودکان در دهه ۷۰ با تحقیقات وارد^۸ (۱۹۷۷ و ۱۹۹۱) و مور^۹ (۱۹۷۸ و ۱۹۸۶) بود که در آنها شهرها به عنوان محیط‌هایی صرفاً برای بزرگسالان و بدون کارکرد مناسب برای کودکان معرفی شدند. از سال ۱۹۹۰ و بعد از تصویب کنوانسیون حقوق کودکان در سازمان ملل متحد، تحقیقات بیشتری در مورد نقش کودکان در شهر و مشارکت آن‌ها در برنامه‌ریزی شهری انجام شد که از آن جمله می‌توان به هارت (۱۹۹۷)، هورلی^{۱۰} (۱۹۹۷) و (۲۰۰۸)، متیوز (۱۹۹۹ و ۲۰۰۳)، آلپارونو^{۱۱} و ریسوتو^{۱۲} (۲۰۰۱)، چاولا (۲۰۰۲) و برگلوند^{۱۳} و نوردین^{۱۴} (۲۰۰۷) و اسمیت (۲۰۱۰) اشاره نمود. در هزاره جدید موضوع مشارکت کودکان به سیاست

8. Vard
9. Moore
10. Horelli
11. Alparone
12. Risotto
13. Berglund
14. Nordin

1. Midgley
2. Arnstein
3. Dividson
4. Driskel
5. Forester
6. Healey
7. Sandercock

غالب و اجرایی در برنامه‌ریزی تبدیل شده (هیتون^۱، تیزدل^۲، گالیگر^۳ و الزلی^۴، ۲۰۰۸، ص. ۲۸۱) و در ارتباط با فرایندهای برنامه‌ریزی کالبدی در بسیاری از محافل بین المللی از جمله مباحث مرتبط با شهر دوستدار کودک مطرح می‌باشد (کورسی^۵، ۲۰۰۲، ص. ۱۶۹). تحقیقات انجام شده تایید کرده‌اند که کودکان دارای صلاحیت کافی برای برنامه‌ریزی هستند و مشارکت کودکان در تسریع تبدیل آنها به شهروندان فعال، اشاعه مردم سالاری و تقویت موقعیت کودکان در جامعه بزرگسالان بسیار موثر است. لذا آموزش کودکان و دانش‌آموزان برای مشارکت ضروری و ارزشمند می‌باشد (کله^۶ و وندربورگ^۷، ۲۰۱۳، ص. ۱۵). در مطالعات انجام شده، صاحب‌نظرانی از جمله آدامز (۲۰۰۶) و برتلزمان^۸ (۲۰۰۹) و ناوور^۹ و استروزنکر^{۱۰} (۲۰۰۵) آموزش و پرورش را به عنوان یکی از اجزای ضروری در فرایندهای مشارکت در نظر گرفته‌اند. البته یک توافق کلی در تحقیقات افرادی نظیر وینکلهورفر^{۱۱} (۲۰۰۵)، داکس^{۱۲} و ساس^{۱۳} (۲۰۰۸) و زینسر^{۱۴} (۲۰۰۸) وجود دارد که مشارکت به طور خودکار فرایندهای آموزشی را شامل می‌شود. به این ترتیب، مطالعات

انجام شده نشان می‌دهند که افزایش سطح آموزش، مشارکت در سازمان‌های شهری را افزایش می‌دهد. هافنر^{۱۵} (۲۰۰۵) و میلیون^{۱۶} (۲۰۱۴) معتقد هستند فعالیت‌های نظام آموزشی در این خصوص تاکنون بیشتر با تاکید بر مشارکت به عنوان یک تجربه و آموزش برای ارتقاء مردم سالاری و آگاهی از حقوق مدنی و شهروندی بوده است.

۱.۲.۱. مشارکت کودکان در برنامه‌ریزی

شهری

مشارکت کودکان را می‌توان فرصتی برای ابراز نظر موثر کودکان در تصمیم‌گیری‌ها دانست (اکان، ۲۰۱۳، ص. ۱۲). بر اساس تعریف فوق، در ارتباط کودکان با برنامه‌ریزی شهری دو دیدگاه متفاوت وجود دارد. از یک طرف کودکان به عنوان گروه مستقل و خودمختار در نظر گرفته شوند که می‌توانند بدون مداخله بزرگسالان تصمیم بگیرند. بر این اساس کودکان آنقدر توانمند هستند که بتوانند مستقلاً در طراحی فضای شهری و استفاده از آن مشارکت کنند (سیمپسون^{۱۷}، ۱۹۹۷، ص. ۹۰۸). این دیدگاه به مشارکت فعال آنها در امور شهری اعتقاد دارد و بر این باور است که کودکان تصورات جالبی از دنیایی که در آن زندگی می‌کنند دارند و می‌توانند در فرایندهای توسعه شهری همکاری کنند (کانینگهام^{۱۸}، جونز^{۱۹} و دیلون^{۲۰}، ۲۰۱۳، ص. ۲۰۳). از طریق تجربه‌آموزی در فرایندهای مشارکت، کودکان اعتماد

1. Hinton
2. Tisdall
3. Gallagher
4. Elsley
5. Corsi
6. Cele
7. Van der Burgt
8. Bertelsmann
9. Knauer
10. Sturzenhecker
11. Winklhofer
12. Dux
13. Sass
14. Zinser

15. Hafeneger
16. Million
17. Simpson
18. Cunningham
19. Jones
20. Dillon

به نفس خود را پیدا کرده، با دیگران ارتباط برقرار می‌کنند و با منابع درونی و خلاقانه خود آشنا می‌شوند (مولاهی^۱، ساسکایند^۲ و چکواوی^۳، ۱۹۹۹، ص. ۱). این تاثیرگذاری بدون شک نیازمند تغییر دیدگاه نسبت به برنامه‌ریزی در شهر است (فورستر، ۱۹۹۹، ص. ۹۱). تغییری که شامل یک روند پیچیده و دشوار مذاکره است تا الگوی تصمیم‌گیری گسترده و فراگیر ایجاد شود که ذینفعان مختلف با زمینه‌ها، انگیزه‌ها، نظرات و منابع مختلف با هم درگیر شوند و البته صدای کودکان نیز شنیده شود (کریستینسن^۴ و اوبرین^۵، ۲۰۰۳، ص. ۱). در این بین صاحب نظران دیگر مانند هورلی (۲۰۱۰) و اسمیت (۲۰۰۶) استدلال می‌کنند که برخورد دیدگاه‌های کودکان با دیگران در جامعه، فرصت‌هایی برای یادگیری اجتماعی را که بخشی ضروری از روند مشارکتی است، ایجاد می‌کند. میزان نفوذ در تصمیم‌گیری‌ها نیز ملاک عمل است. برای مثال، ممکن است یک فعالیت مشارکتی سطح بالایی از تعامل بین کودکان و بزرگسالان را به دست آورد، اما از لحاظ اثرگذاری بر کسانی که قدرت تصمیم‌گیری را دارند، ناموفق باشد (چاولا^۶ و هفت^۷، ۲۰۰۲، ص. ۲۰۱). اما نگاه دیگر به کودک، می‌گوید که کودک آسیب‌پذیر بوده و نیاز به مراقبت دارد. از این رو این شناخت از کودک باعث تدوین قوانین حمایتی شده و تعهداتی برای بزرگسالان ایجاد کرده است (سیمپسون، ۱۹۹۷، ص. ۹۰۸). در واقع

همزمان با گسترش مشارکت کودکان در برنامه ریزی‌ها، محققان دریافتند که کودکان درک محدودی از زمینه سیاسی اجتماعی دارند و نمی‌دانند که چگونه می‌توانند نقش‌انگیزی کنند، لذا تمایزی میان کودکان و نوجوانان و بزرگسالان در مشارکت وجود دارد (فرانک^۸، ۲۰۰۶، ص. ۳۶۶). در مشارکت کودکان، همکاری فعال با بزرگسالان پیش شرط لازم برای دستیابی به هرگونه مشارکت موثر با کودکان است زیرا برنامه‌های محلی و شهری همیشه سیاسی بوده و با منافع تجاری گره خورده‌اند. لذا، بعید است که بتوان پروژه‌ای را در نظر گرفت که با تضاد منافع کودکان و بزرگسالان همراه نباشد. پس همکاری میان کودکان و بزرگسالان ممکن است در برخی از سطوح تحت فشار قرار گیرد. این یک مشارکت ناموفق نیست و می‌تواند نشان‌دهنده یک مشارکت معنادار باشد. در واقع آنها در حال مذاکره برای برنامه‌ریزی مکان برای خودشان هستند (بلانچت چون^۹ و رینباو^{۱۰}، ۲۰۰۶، ص. ۱۲۶). خصوصیت مشارکت کودکان این است که آنها به عنوان ذینفعان در عرصه اجرایی عمل کنند و نه در یک محیط آموزشی (ناور و استروزنکر، ۲۰۰۵، ص. ۱۹). در چنین مشارکتی از ابتدای مراحل برنامه‌ریزی، جایگاه کودک در برنامه‌ریزی راهبردی، برنامه‌ریزی سالیانه و طراحی برنامه‌ها در نظر گرفته می‌شود. این مراحل شامل شناسایی مشکلات، تجزیه و تحلیل علل مشکلات و منابع رفع آنها، بسیج ذینفعان، تدوین اهداف و برنامه‌های عملیاتی و در نهایت ارزیابی نتایج است که

1. Mullahe
2. Suskind
3. Checkoway
4. Christensen
5. O'Brien
6. Chawla
7. Heft

8. Frank
9. Blanchet-Cohen
10. Rainbow

ساسکایند و چکواوی، ۱۹۹۹، ص. ۵). همچنین آشنایی کودکان با اهداف و شاخص‌های اجتماعی به پیشرفت اجتماعی آنان کمک کرده و منجر به بهبود تصمیم‌گیری و کارایی برنامه‌ریزی می‌شود (اکان، ۲۰۱۳، ص. ۳-۶).

۱.۲.۲. رویکردهای مشارکت با کودکان

در هر برنامه مشارکتی، روش‌های متفاوتی برای تعامل با کودکان و نوجوانان وجود دارد که میزان تأثیر کودکان در انجام فعالیت مشارکتی، ماهیت اقدام و مراحل برنامه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همه روش‌های مشارکت کودکان معتبر هستند و بسته به اهداف برنامه یا نحوه اقدام، میزان استفاده از آن‌ها در زمان‌های مختلف، کم یا زیاد است. بدین ترتیب رویکردهای مختلفی در مشارکت با کودکان مطرح شده است (جدول ۱).

۱.۲.۳. درجات مشارکت کودکان

بر اساس روش‌های مختلف مشارکت، می‌توان مشارکت را بر اساس میزان مسئولیتی که به کودکان داده می‌شود؛ درجه بندی کرد. درجه مسئولیت کودکان در مشارکت معمولاً به انگیزه بزرگسالان در برنامه‌ریزی بستگی دارد (اسکورد، ۱۹۹۵، ص. ۱۸). برخی از اصلی‌ترین مطالعات به انجام رسیده پیرامون درجات مشارکت به شرح جدول ۲ می‌باشد.

۱.۲.۴. مشارکت کودکان و رویکردهای نظام

آموزشی

همه افراد از جمله دانش‌آموزان نیز نیازمند آن هستند که در زمینه‌های رشد اجتماعی در تمام تصمیم‌گیری‌های مربوط به خودشان در خانه و

مدرسه و جامعه مشارکت کنند. در نتیجه آشنایی با شهر و شهروندی نیز از جمله مهارت‌هایی است که در مدرسه باید آموزش داده شود. تا از این طریق بتوان افراد متعهد و مسئول و آگاه را پرورش داد (رومیانی، ولوی و نصاری، ۱۳۹۵). از این رو تربیت شهروندان خوب از طریق روش‌های مشارکت فعال یکی از مهم‌ترین وظایف نظام رسمی آموزش و پرورش کشورها است (غیاثوند، ۱۳۹۴، ص. ۲۰۹). همچنین بسیاری از صاحب‌نظران نظیر ادبون^۲ و فرانکلین^۳ (۲۰۰۶)، برونیل و پارکر^۴ (۲۰۱۰)، یانگ^۵ و پاندی^۶ (۲۰۱۱)، بییرل^۷ (۱۹۹۹)، آبلسون^۸ (۲۰۰۷) و کونارد^۹ (۲۰۱۱) در تحلیل عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی شهری یک عرصه تحلیلی را به موضوع مهارت، دانش و تجربه شهروندان که دربرگیرنده آموزش رسمی از طریق مدارس و آموزش غیررسمی از طریق اجتماع و خانواده است؛ را بیان می‌کنند (دانشپور، بهزادفر، برک‌پور و شرفی، ۱۳۹۵، ص. ۳۴). با گسترش مفهوم مشارکت، این امیدواری وجود دارد که برنامه‌ریزی شهری دیگر در محدوده انحصاری افراد متخصص و مسئولان نباشد بلکه جایی برای همه حتی اقشار جوان جامعه باشد. اما پیش از هر عامل دیگری فقدان آموزش ممکن است علت مهمی برای عدم مشارکت اقشار مختلف مردم به ویژه کودکان باشد. این تغییرات چالش‌هایی را

2. Ebdon
3. Franklin
4. Brownill & Parker
5. Yang
6. Pandey
7. Beierle
8. Abelsona
9. Conrad

به ویژه کودکان باشد. این تغییرات چالش‌هایی را برای قشر کودک و نوجوان برای آموختن در مدارس و تدریس مهارت‌های جدید، ایجاد می‌کند (هورلی، ۱۹۹۷، ص ۱۰۶). نقص در بسیاری از برنامه‌های آموزشی است که نمی‌گذارد کودکان در نقش برنامه‌ریزان آینده قرار گیرند، زیرا این برنامه‌های آموزشی شبیه سازی ضعیف از شرایط واقعی برنامه‌ریزی شهری برای کودکان فراهم می‌کنند (برگلاند^۱، ۲۰۰۸، ص ۱۱۶). فرایند آموزش به عنوان گام اول برای تدوین راهبردهای توسعه شناخته شده و در ایجاد پایه‌ای برای فهم مشارکت در هر توسعه و اقدام معناداری نقش دارد (استریچ، ۲۰۰۸، ص ۱۲). همانطور که در رویکردهای مشارکت کودکان بیان شد یکی از رویکردهای مهم، رویکرد آموزشی است که به بررسی شیوه‌ها و سیستم‌های آموزش کودکان اشاره دارد. این رویکرد شامل شیوه‌های آموزش برنامه‌ریزی به کودکان است. رویکرد آموزشی به کودکان اجازه می‌دهد آزادانه و بدون ترس از خطرات واقعی، رویا پردازی کنند. در این رویکردها کودکان می‌آموزند که در فرایند برنامه‌ریزی برای شهر و محله چه محدودیت‌ها و امکاناتی وجود دارد. در رویکرد آموزشی همراه کردن کودکان با توسعه و آموزش کودکان مانند آموزش موضوعات محیط مصنوع در برنامه درسی مدارس است. شیوه‌های خلاقانه مانند نقش بازی کردن، بازی در نقش یک سازنده ساختمان یا بیان نظرات به شهرداری و غیره از جمله موضوعات آموزشی هستند (کیمبرلی، ۲۰۰۵، ص ۱۲). به همین منظور آموزش و پرورش باید

موضوع درس‌ها را با مکان‌هایی که دانش آموزان زندگی می‌کنند و موضوعاتی که بر همه ما تاثیر می‌گذارد، مرتبط کند. یادگیری مبتنی بر محله در برنامه درسی کمک می‌کند تا دانش آموزان مهارت‌ها و ویژگی‌های شهروندی موثر را با شناسایی و اقدام بر روی مسائل و نگرانی‌هایی که محلات آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهند، توسعه بدهند (ملاویل^۲، ۲۰۰۸، ص ۹-۱۱). در انگلستان آموزش حقوق شهروندی به طور غیررسمی در خانه یا محل کار یا کارگاه‌های آموزشی و یا به طور رسمی در دروس مدارس ابتدایی به شهروندان آموخته می‌شود از سال ۲۰۰۲ میلادی، آموزش شهروندی و آشنایی با آن به طور رسمی در برنامه درسی مدارس از سنین ۱۱ تا ۱۶ سالگی قرار گرفت. مشارکت فعال در یک برنامه اجتماعی یا گروهی، از اهداف این برنامه‌ها است (ساعی، ۱۳۹۱). در کشور آمریکا در دوره دبستان آموزش حقوق شهروندی و حقوق بشر از طریق قصه، حکایت، نمایشنامه و بازی انجام می‌گیرد. همچنین در دوره دبستان به منظور آموزش حقوق شهروندی، به کار بردن روش‌های مبتنی بر مشارکت فعالانه دانش آموزان توصیه شده است؛ به عنوان مثال به منظور آشنایی شاگردان سال‌های آخر دبستان با حقوق شهروندی غالباً مسئولیت‌هایی مثل آماده ساختن تابلو اعلانات و نمایشگاه‌ها، استقبال کردن از بازدیدکنندگان و کارکردن در دفاتر و کتابخانه مدرسه و همچنین بازدید از ادارات محلی، بنگاه‌های تجاری صنعتی و اماکن فرهنگی-تاریخی به آن‌ها محول می‌گردد (لوپسی، ۱۳۸۵، ص ۴۵). در ایران

یکی از روش‌ها، طرح شهردار مدرسه است. که در قالب آن آموزش شهروندی در مدارس راهنمایی شهر تهران انجام می‌گیرد. در واقع تعامل شهرداری، به عنوان سازمان متولی مدیریت شهری و آموزش شهروندی، با مدرسه، به عنوان نهاد رسمی نظام آموزش و پرورش، در قالب طرح شهردار مدرسه می‌تواند بیانگر ارتباط بهتر مدرسه با جامعه شهری مدرن در پرورش و تربیت دانش آموزان باشد (غیاثوند، ۱۳۹۴، ص. ۲۱۴). با توجه به مطالب بیان

شده موضوعات موثر در مشارکت که نیازمند آموزش هستند در سه حوزه شناخت شهر و بخش‌های اصلی آن، آموزش حقوق شهروندی، آموزش نحوه مشارکت و ارتباط با دیگران تقسیم بندی می‌شود. شکل ۱، موضوعات فرعی تر مرتبط با هر یک از این سه بخش را نمایش می‌دهد

جدول ۱. رویکردهای مشارکت با کودکان

مشارکت کودکان بر اساس بررسی تجارب کشورهای اروپایی	مشارکت کودکان بر اساس تجارب کشورهای مختلف	مشارکت کودکان بر اساس روش‌های مردمسالاری در کشورهای مختلف
آموزش مبنا: متمرکز بر کمک به دانش‌آموزان در مورد مسایل برنامه‌ریزی و طراحی در دنیای واقعی که مسئولان برنامه‌ریزی و ساکنان محله با آن درگیر هستند؛ است.	دانشگاهی: به منظور ارتقاء دانش و درک مساله، بدون ارتباط یافته‌ها با عملیات اجرایی برنامه‌ریزی، انجام می‌شوند.	شیوه‌های نمایندگی؛ مانند پارلمان کودکان که قابل مقایسه با مجلس بزرگسالان است.
شهروند مبنا: از طریق اصول دموکراتیک تشویق می‌شود و انتخاب نمایندگان کودکان در دفاتر و شوراهای کودکان برای تصمیم‌گیری در مورد مسائل مربوط به برنامه‌ریزی است.	اجرائی: نهادهای عمومی یا محلی، مشارکت با کودکان را به منظور بهبود مشکلات محله ها و شهرهایشان دنبال می‌کنند.	مشارکت در جلسات باز؛ مانند جلسات یا انجمن‌های کودکان که به روی هر کودکی که دوست دارد مشارکت کند، باز هستند.
بر مبنای پژوهش: عمدتاً توسط گروه‌های تحقیقاتی انجام شده که می‌خواهند چگونگی درک و ایده‌پردازی کودکان از محیط‌های خود را کشف کنند. یافته‌ها غالباً در مراکز دانشگاهی کاربرد دارد تا در پروژه های عملی.	آموزشی: روش‌هایی برای آموزش کودکان در مورد برنامه‌ریزی که شامل تمرینات فرضی برای افزایش دانش کودکان است.	مشارکت پروژه‌ای؛ محصول‌گرا و نتیجه محور هستند، به نیاز کودکان محدود شده و در دوره زمانی مشخص، مدیریت و تمام می‌شوند.
توسعه محله: این پروژه‌ها می‌تواند توسط دولت محلی یا نهادهای محله‌ای و خود نوجوانان آغاز شود. مانند یک پارک علمی جدید یا بازطراحی بافت های قدیمی در یک محله.	حقوقی: مهمترین آن مصوبه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مورد حقوق کودکان است که بر حق کودکان برای دخالت در تصمیم‌گیری‌هایی که بر زندگی آنها تأثیر	مشارکت دقیق؛ روش‌های مذاکره و مشورت را توضیح می‌دهد مانند ساعت‌های مشاوره کودکان با سیاستمداران.
بر مبنای هنرهای محلی: کودکان و نوجوانان از طریق رویدادها با هنرهای عمومی درگیر می‌شوند و می‌تواند شامل همکاری برنامه‌ریزان و معماران با کودکان و هنرمندان باشد.	که بر زندگی آنها تأثیر	مشارکت روزمره؛ در خانواده، موسسات آموزشی یا در شهرداری در قالب گفتگوهای روزانه انجام می‌شود
همکاری در طراحی ساختمان‌ها: این نمونه‌ها عمدتاً در انگلستان		

مشارکت کودکان بر اساس روش‌های مردمسالاری در کشورهای مختلف	مشارکت کودکان بر اساس تجارب کشورهای مختلف	مشارکت کودکان بر اساس بررسی تجارب کشورهای اروپایی
	می‌گذارند؛ اشاره می‌کند	یافت می‌شود و شامل درگیر شدن نوجوانان در طراحی ساختمان‌هایی از مقیاس کلان ملی تا مقیاس خرد محلی است

مأخذ: (استریچ، ۲۰۱۳، ص. ۲۵؛ کیمبرلی، ۲۰۰۵، ص. ۲۵؛ دی، ۲۰۱۱، ص. ۳۴-۳۷)

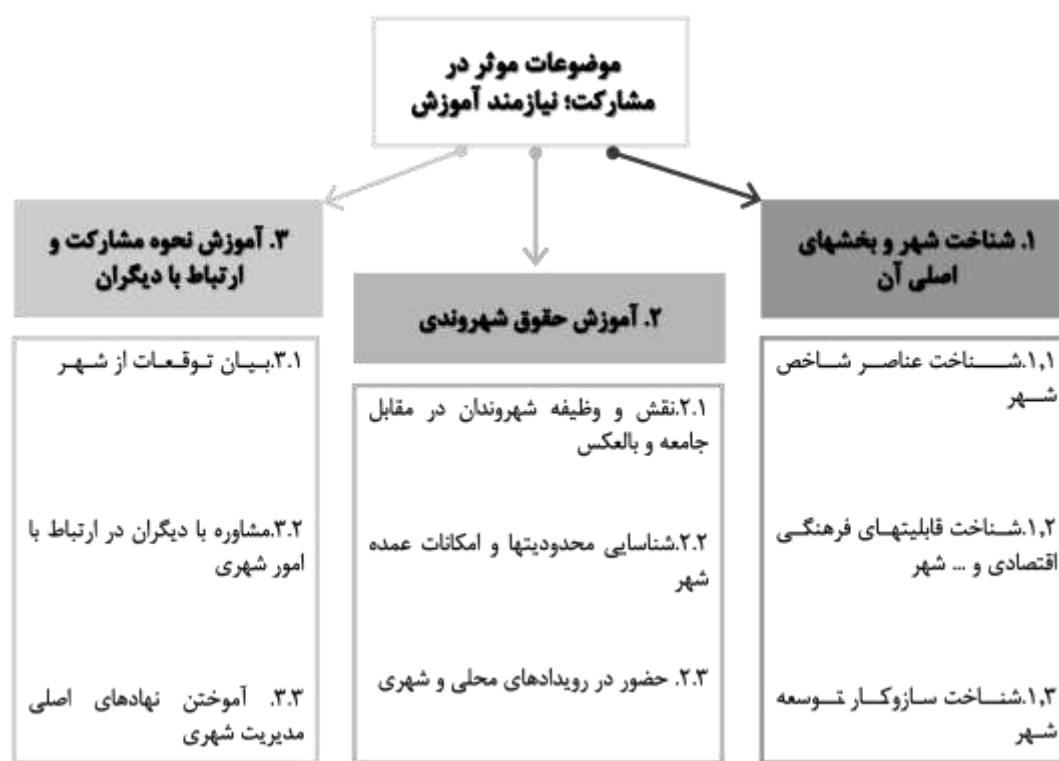
جدول ۲. درجات مشارکت با کودکان

لین (۲۰۱۳): سه سطح از مشارکت را شناسایی می‌کند.	چاولا (۲۰۰۵): بر اساس مشارکت در پروژه‌های توسعه شهری دهه ۱۹۹۰ است.	متیوز (۲۰۰۳): بر- پایه مشارکت کودکان در بازسازی‌های بریتانیا است.	ترزدر (۱۹۹۷): شامل پنج درجه مشارکت که هر درجه، یک فرم بالقوه مشارکت را نشان می‌دهد.	هارت (۲۰۰۸): بر اساس نردبان مشارکت شهروندان آرنستاین (۱۹۶۹)، این مدل برای مشارکت کودکان ارائه داده است.
مشارکت مشورتی: بزرگسالان به دنبال دیدگاه‌های کودکان برای ایجاد دانش و درک زندگی و تجربیات خود هستند. مشارکت مشورتی معمولاً توسط بزرگسالان آغاز، هدایت یا مدیریت می‌شود.	پروژه‌هایی که توسط- کودکان توسعه یافته و اجرا شده است.	گفتگو: گوش دادن به کودکان.	اطلاع رسانی و همکاری: بزرگسالان برای پروژه تصمیم گرفته و کودکان داوطلبانه در آن همکاری می‌کنند.	اقدام از سوی کودکان: تصمیمات با بزرگسالان به اشتراک گذاشته می‌شود. تمام ایده‌ها از سوی کودکان است.
	پروژه‌هایی که توسط بزرگسالان مهیا شده اما با همراهی کودکان انجام شده است.	مشارکت در توسعه: بزرگسالان از طرف کودکان در جهت منافع آنها کار می‌کنند.	اقدام از سوی بزرگسالان:- اشتراک‌گذاری تصمیمات با کودکان.	اقدام از سوی کودکان ولی جهت داده شده: ایده و نحوه اجرا از سوی کودکان مطرح شده و بزرگسالان با ارائه اطلاعات- آنها را حمایت می‌کنند.
مشارکت همکارانه: ۱- اقدام بوسیله بزرگسالان که می‌تواند بوسیله کودکان نیز انجام شود، ۲- شراکت با کودکان ۳- توانمندسازی کودکان برای تاثیرگذاری هم بر فرایند و هم خروجی‌ها ۴- اجازه به کودکان برای اقدامات مستقل در یک دوره زمانی	رویدادهای محلی که بزرگسالان با مشارکت کامل کودکان انجام می‌دهند.	مشارکت واقعی: کودکان درون محلات خود کار می‌کنند.	اقدام و مدیریت بوسیله کودکان: کودکان ایده اجرایی را داده و می‌گویند که پروژه چگونه انجام شود.	اقدام از سوی بزرگسالان: اقدام اجرایی از سوی بزرگسالان است اما کودکان در فرایند برنامه‌ریزی و اجرا درگیر هستند.
		ادغام: جوانان با محلات خود کار می‌کنند.	اقدام از سوی کودکان با- اشتراک‌گذاری تصمیمات: کودکان ایده‌ها را برای مشورت به بزرگسالان می‌دهند.	مشورت و اطلاع رسانی: پروژه بوسیله بزرگسالان طراحی و انجام شده و نظرات کودکان اعمال می‌شود.
مشارکت تحت هدایت	پروژه توسط		مشورت دهی و اطلاع	واگذاری و اطلاع رسانی: پروژه

1. Oestreich
2. Kimberley
3. Day

کودک: ۱-کودکان خود مسائل مهم را شناسایی می کنند. ۲-بزرگسالان همچون تسهیل گران، خدمت می کنند. ۳-کودکان این فرایند را کنترل می کنند	بزرگسالان سازماندهی شده و فعالیت کودکان در آن به طور مستقل است	رسانی: پروژه توسط بزرگسالان طراحی و اجرا می شود و دیدگاه های کودکان اعمال می شود.	بوسیله بزرگسالان آماده شده و کودکان می دانند که چه نقشی دارند.
			اقدامات نمونه کاری: همکاری با کودکان در حالیکه آنها حق رای ندارند مانند پارلمان کودکان.
			اقدامات ظاهری: استفاده نمایشی از کودکان.
			عوام فریبی-دستکاری: کودکان همان کاری را انجام می دهند که بزرگسالان می گویند

مأخذ: (اکان، ۲۰۱۳، ص. ۱۰-۱۱؛ هارت، ۲۰۰۸، ص. ۲۳؛ دی، ۲۰۱۱، ص. ۲۷-۳۰)



شکل ۱. موضوعات موثر در مشارکت مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۸)

۲. روش شناسی پژوهش

۲.۱. روش پژوهش

از دیدگاه روانشناسی رشد، مرحله دوران کودکی متوسط ۱۰ تا ۱۲ سال است. در این دوره کودکان مستقل از بزرگسالان شروع به کشف محیط می‌کنند (دیواریس^۱، باکر^۲، ون میچلین^۳ و هوپمن-راک^۴، ۲۰۱۰، ص. ۳۱۲). بچه‌ها در این سن توانایی تصور آینده و بیان آرمان‌هایشان را دارند و می‌توانند در فرایندهای شکل دهنده به محیط شهری همکاری کنند (کانینگهام و جونز و دیلون، ۲۰۰۳، ص. ۲۰۳). از این رو در پژوهش حاضر کودکان در سن ۱۰ تا ۱۲ سال مورد نظر می‌باشند. روش شناسی مورد نظر بر اساس تحلیل محتوای کتب درسی برای بررسی قابلیت مشارکت کودکان در برنامه‌ریزی شهری است. با توجه به تناسب مطالب کتاب تعلیمات اجتماعی به بحث مشارکت، جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش، سه جلد کتاب اجتماعی در پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دبستان در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ می‌باشد و جامعه به صورت کامل مورد بررسی قرار گرفته است. تحلیل محتوا یکی از روش‌هایی است که برای بررسی پدیده‌های اجتماعی و موضوعات انسانی پیچیده به کار برده می‌شود (خاکی، ۱۳۸۷، ص. ۴۳). تحلیل محتوا برای توصیف عینی و نظام مند محتوای یک متن کاربرد دارد (مهربان، ۱۳۹۴، ص. ۳). در این پژوهش برای بررسی و تحلیل محتوای

کتاب‌های درسی از روش ویلیام رومی^۵ (فریرزی و ناصری، ۱۳۹۱) استفاده شده است. با استفاده از این روش تلاش شد تا میزان کارایی مطالب و بیان عمیق مفاهیم مرتبط با مشارکت بررسی گردد. در ادامه با استفاده از موضوعات موثر در مشارکت شامل شناخت شهر و بخش‌های اصلی آن، آموزش حقوق شهروندی، آموزش نحوه مشارکت و ارتباط با دیگران و زیر بخش‌های هریک از آنان (شکل ۱) محتوای کتاب درسی بررسی شد. مطابق با روش رومی تحلیل محتوای کتاب‌های درسی شامل مراحل کدگذاری، مقوله‌بندی و ارزیابی انواع مقوله‌ها می‌شود. برای این منظور، محتوای کتاب‌های درسی به سه قسمت متن کتاب درسی، تصاویر، سوالات تقسیم می‌شوند. سپس برای هر قسمت مقوله‌هایی تعریف می‌گردد. در واقع به کمک مقوله‌ها چگونگی بیان صحیح مطالب مورد توجه قرار می‌گیرد. از این رو متن کتاب درسی به ده کد، تصاویر و سوالات نیز در قالب چهار کد مجزا تعریف شدند. در مرحله بعد جهت طبقه‌بندی کدها، آن‌ها را به سه مقوله فعال، غیر فعال و خشی تقسیم می‌نمایند. بر این اساس مقوله‌های فعال قادر هستند تا مفاهیم را خوب به خواننده منتقل کنند. از طرفی مقوله‌های خشی نقش مهمی در بیان مطالب ندارند و قابل چشم پوشی هستند. در این روش ارزیابی اشکال و سوالات نیز به همین انجام می‌گیرد. در نهایت با استفاده از مقوله‌های فعال، غیرفعال و خشی ضریب درگیری برای هریک از بخش‌های متن و غیره محاسبه می‌شود. به کمک این ضریب درگیری می‌توان معلوم نمود که چه قدر

1. De Vries
2. Bakker
3. Van Mechelen
4. Hopman-Rock

مفاهیم اشاره شده در متن درس، اشکال و سوالات به صورت صحیح و عمیق بیان شده‌اند.

۳. یافته‌های پژوهش

۳.۱. جمع آوری داده‌ها پیرامون موضوعات

موثر در مشارکت در کتب درسی

همان‌گونه که پیشتر اشاره شد موضوعات موثر در مشارکت که نیازمند آموزش هستند از طریق مرور ادبیات مرتبط با موضوع شناسایی شد (شکل ۱). سپس از طریق مطالعه کتاب‌های تعلیمات اجتماعی پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دبستان اقدام به

شناسایی مصادیق برای هر یک از موضوعات درسی و مولفه‌های مربوط به آنان گشت. در مجموع ۱۵ مصداق از این کتب شناسایی شد. سپس به کمک کدگذاری و از طریق مطالعه متن کتاب، سوالات و تصاویر؛ مصادیق موضوعات موثر در مشارکت مورد شمارش قرار گرفتند. در جدول ۳، فراوانی موضوعات موثر در مشارکت که نیازمند آموزش هستند را به همراه فراوانی مصادیق آنان در مقاطع منتخب تحصیلی نشان می‌دهد.

جدول ۳. فراوانی موضوعات موثر در مشارکت در کتاب تعلیمات اجتماعی پایه‌های تحصیلی منتخب

مؤلفه	موضوع درسی	مصادیق	تعلیمات اجتماعی پایه چهارم	تعلیمات اجتماعی پایه پنجم	تعلیمات اجتماعی پایه ششم	مجموع	درصد فراوانی
۱- شناخت شهر و بخش‌های اصلی آن	۱- شناخت عناصر شاخص شهر	۱- اسم و موقعیت ساختمان‌ها، عوارض طبیعی و محلات و ...	۱۲	--	--	۱۲	۶/۰۹٪
		۲- معرفی شهر به صورت کامل و بیان خصوصیات آن.	۱۸	۴۲	--	۶۰	۳۰/۴۶٪
		۳- آشنایی با پیدایش نخستین شهرها.	۱	--	--	۱	۰/۵۱٪
۲- شناخت قابلیت‌های فرهنگی، اقتصادی و ... شهر	۳- شناخت سازو کار عملکردی شهر	۱- آشنایی با رویدادهای فرهنگی، اجتماعی و گردشگری شهری.	۳	--	۳	۶	۳/۰۵٪
		۱- نحوه تامین نیازهای افراد و ساکنان محله.	۱۰	--	--	۱۰	۵/۰۸٪
		۱- تاکید بر ارزش‌های مذهبی، بومی، قوانین و مقررات و ...	۱	--	۱۲	۱۳	۶/۶۰٪
۲- آموزش حقوق شهروندی	۲- شناسایی محدودیت‌ها و امکانات عمده شهر	۲- آموزش رفتارهای صحیح به منظور رعایت حقوق متقابل افراد.	۸	--	۱۱	۱۹	۹/۶۴٪
		۱- آلودگی هوا، ترافیک، کم آبی، امنیت، گردشگری و ...	۷	--	--	۷	۳/۵۵٪
		۱- وظایف شهرداری و اجزای آن.	۱	--	--	۱	۰/۵۱٪

مؤلفه	موضوع درسی	مصادیق	تعلیمات اجتماعی پایه چهارم	تعلیمات اجتماعی پایه پنجم	تعلیمات اجتماعی پایه ششم	مجموع	درصد فراوانی
۳- آموزش نحوه مشارکت و ارتباط با دیگران	اصلی مدیریت شهری	۲- سایر نهادهای موثر در توسعه شهری.	--	--	۷	۷	۳/۵۵٪
	۱- بیان توقعات و نیازهای شهر	۱- نحوه بیان پیشنهادهای، نظرات،- اعتراضها، تقدیرها.	۹	--	۱	۱۰	۵/۰۸٪
	۲- مشاوره و برقراری رابطه با دیگران در ارتباط با امور شهری	۲- مهارت‌های مورد نیاز در برقراری ارتباط در سطوح و شرایط مختلف.	--	۲۷	--	۲۷	۱۳/۷۱٪
		۳- برقراری ارتباط با همسالان در قالب گروه و شورا.	--	۹	--	۹	۴/۵۷٪
	۳- حضور در رویدادهای محلی و شهری	۱- حضور در رویدادهای مذهبی،- همکاری با هنرمندان و طراحان.	۶	--	--	۶	۳/۰۵٪
		۲- فعالیت پیرامون تقویت روابط بین ساکنان در سطح محله.	۹	--	--	۹	۴/۵۷٪
	مجموع						۱۹۷
درصد فراوانی							
						۱۷/۲۶٪	
						۳۹/۵۹٪	
						۴۳/۱۵٪	

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

۲.۳. تحلیل متن کتاب درسی

بر اساس روش رومی محتوای متن کتاب درسی به ۱۰ کد تقسیم می‌شود. بر اساس این روش کد اول (a) به بیان یک حقیقت یا موضوع علمی می‌پردازد. کد دوم (b) مربوط به بیان نتایج کلی یا اصول کلی مربوط به تعمیم‌ها است. در این بخش نظرات ارائه شده توسط نویسندگان کتاب درباره ارتباط بین مفروضات و موضوعات مختلف بیان می‌شود. کد سوم (c) مربوط به تعاریف یک واژه یا اصطلاح است. کد چهارم (d) سوالاتی هستند که پس از مطرح شدن جواب آن‌ها بلافاصله توسط مؤلفه داده می‌شود. کد پنجم (e) سوالاتی هستند که ایجاب می‌کند دانش آموز برای پاسخ به آن‌ها مفروضات داده شده را تجزیه و تحلیل نماید. در کد ششم (f) از دانش آموزان

مطابق با جدول فوق مرتبط‌ترین مباحث مرتبط با مشارکت به ترتیب در پایه چهارم دبستان (۴۳/۱۵٪) و کمترین مطالب در ارتباط با مشارکت در پایه ششم (۱۷/۲۶٪) آموزش داده شده است. همچنین بررسی‌های انجام شده در کتاب اجتماعی کلیه پایه‌های چهارم، پنجم و ششم، بیانگر آن است که مؤلفه شناخت شهر و بخش‌های اصلی آن با دارا بودن ۴۵ درصد فراوانی از کل بیشتر از سایر مفاهیم بیان شده است. از طرفی آموزش حقوق شهروندی با دارا بودن تنها ۲۳/۸۶٪ از کل مفاهیم بررسی شده؛ کمترین میزان فراوانی را به خود اختصاص داده است.

خواسته شده است نتایجی را که خودشان بدست آورده‌اند، بیان نمایند. در کد هفتم (g) دانش‌آموزان به حل مساله یا انجام یک آزمایش می‌پردازند و نتایج آن را تحلیل می‌کنند. کد هشتم (h) نیز در ارتباط با سوالاتی مطرح شده در متن است که جواب آن‌ها سریعاً در کتاب نیامده است. کد نهم (i) موضوعاتی که در هیچ یک از دسته‌های بالا قرار نگیرند. در این بخش قرار داده می‌شود. در نهایت کد دهم (J)

سوالات مربوط به معانی بیان هستند. لازم به ذکر است کدهای a, b, c و d جزء مقوله‌های غیرفعال، کدهای e, f, g و h مقوله‌های فعال و i و j مقوله‌های خشی هستند که نقش مهمی در ارزیابی کتاب ندارند (فریرزی و ناصری، ۱۳۹۱). در ادامه نتایج بررسی متن درس بر اساس کدهای بیان شده در جدول ۴ ذکر می‌گردد.

جدول ۴. ارزیابی متن کتاب اجتماعی در مقاطع تحصیلی منتخب و مرتبط با موضوعات موثر در مشارکت

ضرب درگیری	جمع	j	i	h	g	f	e	d	c	b	a	مقوله
		مقوله های خشتی		مقوله های فعال				مقوله های غیرفعال				
۰/۲۲	۵۲	۱	۲	۲	۱	۶	۰	۰	۰	۱۱	۲۹	تعلیمات اجتماعی پایه چهارم
۰/۲۶	۳۸	۰	۰	۰	۱	۷	۰	۱	۴	۹	۱۶	تعلیمات اجتماعی پایه پنجم
۰/۸۸	۳۲	۰	۰	۰	۱	۱۴	۰	۱	۰	۱۰	۶	تعلیمات اجتماعی پایه ششم
--	۱۲۲	۱	۲	۲	۳	۲۷	۰	۲	۴	۳۰	۵۱	مجموع
--	%۱۰۰	%۲/۴۰		%۲۵/۶۰				%۷۲				درصد فراوانی

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

بررسی متن کتاب‌های اجتماعی در سال‌های چهارم، پنجم و ششم بیانگر این موضوع می‌باشد که در مجموع برای بیان متن درس پیرامون موضوع مرتبط با مشارکت بیشتر از مقوله‌های غیرفعال بهره برده شده است. به گونه‌ای که در بیان متن کتاب‌های درسی در حدود ۷۲ درصد از مقوله‌های غیرفعال بهره برده شده است. همچنین برای تحلیل نهایی در این بخش از مفهوم ضریب درگیری بهره می‌شود. در تحلیل متن ضریب درگیری حاصل تقسیم مجموع مقوله‌های فعال بر مقوله‌های غیرفعال می‌باشد. بر این اساس ضریب درگیری متن در کتاب‌های اجتماعی سال چهارم، پنجم و ششم معادل ۰/۳۵ محاسبه

می‌گردد. اما بنا به نظر رومی زمانی یک کتاب درسی، موضوعات را به صورت فعال و کارا بیان می‌کنند که ضریب درگیری آن بین ۰/۴ تا ۱/۵ (و یا حتی بالاتر) باشد. در صورت کمتر بودن این عدد ۰/۴ کتاب قادر به بیان درست مطالب نخواهد بود (فریرزی و ناصری، ۱۳۹۱). در نهایت با توجه به مطالب عنوان شده تنها در کتاب تعلیمات اجتماعی پایه ششم مطالب درسی به صورت درستی بیان شده‌اند، اگرچه در کتاب پایه ششم مطالب بسیار کمی در ارتباط با مشارکت نسبت به سایر کتاب‌های تعلیمات اجتماعی پایه چهارم و پنجم ذکر گردیده است.

۳.۳. تحلیل متن، تصاویر و سوالات درسی .

در بررسی تصاویر از چهار مقوله استفاده می‌شود. اولین کد (a) تصویری است که از آن فقط برای تشریح موضوع خاصی استفاده شده است. دومین کد (b) مربوط به تصویری می‌باشد که در آن از دانش آموز می‌خواهند تا با استفاده از موضوعات داده شده فعالیت را انجام داده و یا به سوالی پاسخ بدهد. سومین کد (c) تصویری است که در آن تشریح شیوه

جمع‌آوری وسایل یک آزمایش یا تحقیق بیان شده است. در نهایت کد چهارم (d) مربوط به تصاویری می‌باشد که در هیچکدام از دسته‌های فوق نگنجد. از کدهای چهارگانه فوق، کد a، مقوله غیرفعال و کد b مقوله فعال قلمداد می‌شود و کدهای c و d مقوله‌های خشی هستند (فریرزی و ناصری، ۱۳۹۱). جدول ۵ ارزیابی تصویر را نشان می‌دهد.

جدول ۵. ارزیابی تصاویر کتاب تعلیمات اجتماعی در پایه های تحصیلی منتخب در ارتباط با موضوعات موثر در مشارکت

ضرب درگیری	جمع	مقوله		b	c	d
		مقوله غیرفعال	مقوله فعال			
۱/۲	۲۲	۱۰	۱۲	۰	۰	۰
۰/۱۶	۲۱	۱۸	۳	۰	۰	۰
۰/۵۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰
--	۴۳	۲۸	۱۵	۰	۰	۰
--	%۱۰۰	%۶۵/۱۲	%۳۴/۸۸	%۰		

ماخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

با در نظر داشتن اطلاعات در جدول فوق در بیان تصاویر مربوط به موضوعات موثر در مشارکت از هیچ مقوله خشایی بهره نشده است. همچنین بررسی کلی کتاب تعلیمات اجتماعی در پایه های چهارم، پنجم و ششم نشان می‌دهد که %۶۵ مقوله‌های به صورت غیر فعال بودند. از طرفی اشاره به این موضوع ضروری است که در سال ششم هیچ تصویری مرتبط با موضوعات موثر در مشارکت یافت نشد. برای محاسبه ضریب درگیری مربوط به تصاویر نیز مقوله فعال بر مقوله غیرفعال تقسیم می‌شود. که در نتیجه، تنها تصاویر مربوط به موضوعات موثر در

مشارکت در کتاب تعلیمات اجتماعی پایه چهارم به شیوه‌ای کارآمد بیان شده‌اند. در ادامه در راستای بررسی سوالات نیز از چهار کد بهره برده می‌شود. کد اول (a) سوالاتی هستند که جواب آن‌ها به طور مستقیم در کتاب یافت می‌شود. کد دوم (b) مربوط به سوالاتی است که جواب آن مربوط به نقل تعاریف می‌باشد. کد سوم (c) سؤالی است که برای پاسخ دادن به آن دانش‌آموز باید از آموخته‌های خود در درس جدید استفاده کند. در آخر کد چهارم (d) سوالاتی هستند که در آن از دانش‌آموز خواسته شده مسأله خاصی را حل نماید. در طبقه‌بندی ارائه شده برای سوالات کدهای a و b در زمره مقوله‌های

غیرفعال و کدهای c و d در زمره مقوله‌های فعال
 قلمداد می‌گردند (فریبرز و ناصری، ۱۳۹۱). در ادامه نتایج بررسی کدهای مربوط به بررسی سوالات در جدول ۶ ذکر می‌گردد.

جدول ۶. ارزیابی سوالات کتاب تعلیمات اجتماعی در پایه های تحصیلی منتخب در ارتباط با موضوعات موثر در مشارکت

مقوله	a	b	C	d	جمع	ضریب درگیری
تعلیمات اجتماعی پایه چهارم	۰	۸	۹	۰	۱۷	۱/۲۱
تعلیمات اجتماعی پایه پنجم	۲	۰	۱	۱۱	۱۴	۶
تعلیمات اجتماعی پایه ششم	۰	۰	۰	۱	۱	--
مجموع	۲	۸	۱۰	۱۲	۳۲	--
درصد فراوانی	۶/۲۵٪	۲۵٪	۳۱/۲۵٪	۳۷/۵۰٪	۱۰۰٪	--

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

با توجه به جدول بالا بیشترین تصاویر مرتبط با موضوعات موثر در مشارکت در کتاب تعلیمات اجتماعی پایه چهارم و کمترین تصاویر مرتبط با موضوعات موثر در مشارکت در کتاب تعلیمات اجتماعی پایه ششم درج شده است. در نهایت با ملاحظه ضریب درگیری در تمامی پایه‌ها و در کدهای متن درس، تصاویر و سوالات در مجموع می‌توان مقوله آموزش مشارکت با امتیاز ۰/۶، آموزش حقوق شهروندی با امتیاز ۰/۴، و شناخت شهر با امتیاز ۰/۵ میزان اثر بخشی آموزشی آنها را رتبه بندی کرد.

۴. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

همان گونه که پیشتر اشاره شد مشارکت کودکان در بزرگسالی امکان‌پذیر نخواهد بود مگر از طریق آموزش مناسب آنها در سنین کودکی. از این رو در این مقاله به بررسی آموزش مفاهیم مرتبط با مشارکت در کتاب‌های اجتماعی پرداخته شد. یافته‌های این

نوشتار بیانگر آن است که به مولفه‌های مشارکت در مقاطع مختلف ابتدایی به یک میزان پرداخته نشده است و تعلیمات اجتماعی پایه چهارم سهم بیشتری (۴۳/۱۵٪) در آموزش مفاهیم مشارکت دارد.

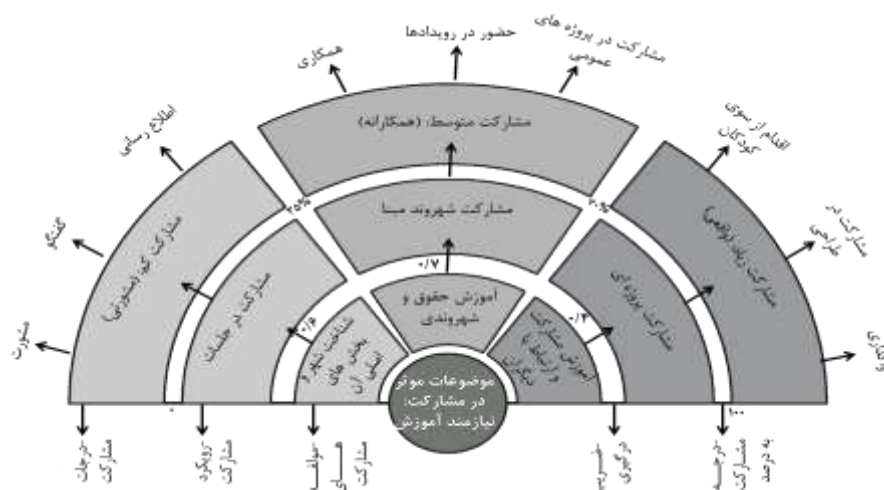
همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهد که متن درسی با دارا بودن ۱۱۲ کد نقش بارزتری در آموزش مشارکت نسبت به تصاویر و سوالات دارد. از طرفی علی‌رغم تاکید نظریه پردازهایی نظیر اکان، سیمپسون بر مشارکت کودکان، نمی‌توان پژوهشی را یافت که به بررسی مشارکت کودکان در کتب درسی پرداخته باشد. در ادامه با توجه به شکل دو، بحث و بررسی از شرایط آموزشی کودکان در کشور برای استخراج قابلیت‌های مشارکت کودکان در برنامه‌ریزی شهری در سه حوزه قابل طرح است:

۱- بر اساس یافته‌های تحلیلی پژوهش موثرترین مقوله آموزشی کودکان در دوره دوم ابتدایی که بیشترین ضریب درگیری را داشته است، در خصوص

مقوله "نحوه ارتباط با دیگران" است. در این ارتباط نوع مشارکی را که می توان بر اساس این قابلیت انتظار داشت، مشارکت در جلسات یا مشارکت مشورتی است که بر مبنای اطلاع رسانی، گفتگو و مشورت است. درجه این نوع مشارکت در سطح ابتدایی می باشد. در این خصوص می توان به مصادیق این نوع مشارکت مانند جلسات مدیران با کودکان و شوراهای کودکان اشاره کرد.

۲- در ارتباط با مقوله "آموزش حقوق شهروندی" که ضریب درگیری و اثر گذاری آموزش آن در سطح متوسط ارزیابی شد می‌توان نوع مشارکت شهروند مبنا یا همکارانه را انتظار داشت. مصادیق آن مانند حضور در رویدادهای محلی و همکاری در هنرهای عمومی هستند.

۳- در مقوله "شناخت شهر و بخش‌های اصلی آن" که در آن کودکان با مفهوم شهر و روند توسعه آن آشنا می‌شوند، واگذاری پروژه‌ها به کودکان، اقدام عملی از سوی کودکان و مشارکت در طراحی از موضوعاتی هستند که باید به دانش آموزان آموزش داده شوند. اما در این مقوله کمترین ضریب درگیری و حداقل تاثیر نظام آموزشی وجود دارد. لذا قابلیت بسیار کم کودکان در خصوص نوع مشارکت پروژه ای است، در حالیکه این نوع مشارکت، مشارکت واقعی است. در صورت تمایل به استفاده از چنین مشارکتی نیاز به تامین شرایط مقدماتی برای ارتقاء دانش کودکان است که تشکیل کارگاه‌های آموزشی، گردش‌های علمی از شهر و همکاری با مهندسان از جمله این موارد است.



شکل ۲. ارتباط میان مولفه‌های مشارکت نیازمند آموزش و نوع مشارکت قابل انتظار از کودکان در برنامه‌ریزی شهری مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

کتابنامه

۱. پوراحمد، ا.، خادمی، ا.ح. و ضرغام‌فرد، م. (۱۳۹۵). بررسی عوامل و زمینه‌های موجود برای افزایش مشارکت مردمی در فرآیند احیای بافت فرسوده منطقه ۴۱ شهرداری تهران. *دوفصلنامه جغرافیا و توسعه فضای شهری*، ۳(۲)، ۱۲۷-۱۳۹.
۲. تاجیک اسماعیلی، ع. (۱۳۹۳). مدیریت شهری، آموزش و فرهنگ شهروندی. تهران: نشر تپسا.
۳. حبیبی، م.، و سعیدی رضوانی، ه. (۱۳۸۴). شهرسازی مشارکتی، کاوشی نظری در شرایط ایران. *مجله هنرهای زیبا*، ۲۴، ۱۵-۲۴.
۴. خاکی، غ. ر. (۱۳۷۸). روش تحقیق با رویکردی به پایان‌نامه نویسی. تهران: انتشارات درایت و مرکز تحقیقات علمی کشور.
۵. دانشپور، س.ع.، بهزادفر، م.، برک‌پور، ن.، و شرفی، م. (۱۳۹۵). محیط برنامه‌ریزی مشارکتی؛ ارائه مدل مفهومی برای تحلیل عوامل موثر بر مشارکت شهروندی در برنامه‌ریزی. *مجله نامه معماری و شهرسازی*، ۹(۱۸)، ۲۳-۴۱.
۶. رفیعیان، م.، معروفی، س. (۱۳۹۰). نقش و کاربرد رویکرد برنامه‌ریزی ارتباطی در نظریه‌های نوین شهرسازی. *مجله آرمان‌شهر*، ۴(۷)، ۱۱۳-۱۲۰.
۷. رومیان، ی.، ولوی، پ. و نصاری، و. (۱۳۹۵). آموزش حقوق شهروندی و مهارت‌های زندگی در مدارس با تاکید بر ضرورت و اهمیت آموزش. *اهتمام هفته نامه تعلیم و تربیت موسسه آموزشی میزان*، ۷۵(۱۸)، ۱۸-۱.
۸. ساعی ارسبی، ای. (۱۳۹۱). آموزش مطالعات اجتماعی (در دوره ابتدایی). تهران: انتشارات بهمن برنا.
۹. عادل مهربان، م. (۱۳۹۴). مروری بر تحلیل محتوای کیفی و کاربرد آن در پژوهش. اصفهان: دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.
۱۰. غیاثوند، ا. (۱۳۹۴). آموزش شهروندی در مدارس شهر تهران؛ آثار و پیامدها. *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۹(۲۳)، ۲۰۷-۲۳۱.
۱۱. فریبرز، ا.، ناصری، ن.س. (۱۳۹۱). روش تحلیل محتوا (راهنمای علمی تحقیق). تهران: انتشارات تمرین.
۱۲. لطف آبادی، ح. (۱۳۸۵). آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش‌آموزان. *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، ۵(۱۷)، ۱۱-۴۴.
۱۳. لویسی، ش. (۱۳۸۵). زندگی به شیوه ی شهروندی را چگونه می توان آموخت. *فصلنامه تکنولوژی آموزشی*، ۵(۱۴)، ۱-۲۵.
14. Berglund, U. (2008). Using Children's GIS Maps to Influence Town Planning, *Children. Youth and Environment*, 18(2), 110-132.
15. Blanchet-Cohen, N. Rainbow, B. (2006). Partnership between Children and Adults?: The experience of the International Children's Conference on the Environment. *Childhood*, 13(1), 113-126.
16. Cele, S. Van der Burgt, D. (2015). Participation, consultation, confusion: professionals' understandings of children's participation in physical planning. *Children's Geographies*, 13(1), 14-29.

17. Chawla, L. Heft, H. (2002). Children's Competence and the Ecology of Communities: A Functional Approach to the Evaluation of Participation. *Journal of Environmental Psychology*, 22(1), 201-216.
18. Christensen, P. M., & O'Brien, M. (2003). *Children in the City, Home, Neighborhood and Community*, London and New York: Routledge.
19. Corsi, M. (2002). The child friendly cities initiative in Italy. *Environment and Urbanization*, 14(2), 169-179.
20. Cunningham, C.J. Jones, M.A. & Dillon, R. (2003). Children and Urban Regional Planning: Participation in the Public Consultation Process through Story Writing. *Children's Geographies*, 1(2), 201-221.
21. Day, L., Sutton, L. and Jenkins, S. (2011). *Children and young people's participation in planning and regeneration: a final report to the Ecorys Research Programme 2010-11*. UK: Ecorys, Loughborough University, Institutional Repository.
22. De Vries, S.I., Bakker, I., van Mechelen, W. and Hopman-Rock, M. (2007). Determinants of activity-friendly neighborhoods for children: results from the SPACE study, *American Journal of Health Promotion*, 21(4), 312-316.
23. Forester, J. (1999). *The Deliberative Practitioner: Encouraging Participatory Planning Processes*, Massachusetts: Institute of Technology.
24. Frank, K.I. (2006). The Potential of Youth Participation in Planning. *Journal of Planning Literature*, 20(4), 351-371.
25. Hart, R. A. (2008). *Stepping Back from "The Ladder": Reflections on a Model of Participatory Work with Children, Participation and Learning*. New York: Springer Perspectives on Education and the Environment, Health and Sustainability.
26. Hinton, R., E. K. M. Tisdall, M. Gallagher, and S. Elsley. (2008). Children's and Young People's Participation in Public Decision-Making, *International Journal of Children's Rights*, 16, 281-284.
27. Horelli, L. (1997). A Methodological Approach to Children's Participation in Urban Planning, *Scandinavian Housing & Planning Research*, 14, 105-115.
28. Kimberley L. Knowles-Yanez. (2005). Children's Participation in Planning Processes, *Journal of Planning Literature*, 20(10), 3-14.
29. Knauer, R., & Sturzenhecker, B. (2005). Participation of Children and Adolescents. Between Interests and Stakeholders. Opladen: Barbara Budrich. 63-94.
30. Knowles-Yanez, K. (2002). Concerns of children in land use planning processes. Annual meeting of the Association of Collegiate Schools of Planning. Baltimore, MD: Association of Collegiate Schools of Planning.
31. Melaville, A., & Amy C. Berg, & Blank, M. (2008). *Community-Based Learning Engaging Students for Success and Citizenship, Coalition for Community Schools*, Washington: Institute for Educational Leadership.
32. Mullahe, R., & Susskind, Y., & Checkoway, B. (1999). *Youth Participation in Community Planning*. Chicago, IL: American Planning Association.
33. O'Kane, C. (2013). *Children's Participation in the Analysis, Planning and Design of Programmes*, London: Save the Children.
34. Oestreich, S. (2013). Participation of Children in Spatial Development Case Study: Stockholm Metropolitan Area, Master of sustainable urban planning and design, Department of Urban Planning and Environment, Division of Urban and Regional Studies, Stockholm.
35. Schröder, R. (1995). *Kinder reden mit! Beteiligung an Politik, Stadtplanung und-gestaltung*. Weinheim: Basel: Beltz".
36. Simpson, B. (1997). Towards the Participation of Children and Young People in Urban Planning and Design, *Urban Studies*, 34(5), 907-925.

بازخوانی رویکردهای منطقه‌گرایی در بناهای شاخص معاصر شهر مشهد

الهه ذوقی حسینی (دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران)

elahezoghi@gmail.com

داراب دیا (استاد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

dar.diba@iauctb.ac.ir

حامد کامل نیا (دانشیار معماری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

kamelnia@um.ac.ir

مصطفی مختاباد امرئی (استاد تئاتر، فیلم و ارتباطات، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران)

mokhtabm@modares.ac.ir

تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۰۵/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۷

صص ۱۸۵-۱۶۵

چکیده

منطقه‌گرایی، دیدگاهی انتقادی است که بر حفظ خصوصیات مکان تأکید داشته و نوعی فلسفه‌ی ارجاعی در برقراری هماهنگی میان مردم، دست‌ساخته‌های آنها و طبیعت به شمار می‌رود. این رویکرد تلاش می‌کند تا با بی‌مکانی در مدرنیسم از طریق بکارگیری نیروهای متنی برای بدست آوردن معنا و حس مکان مقابله نماید و در صدد پرنمودن این خلاء است که ریشه در شکاف میان اندیشه و احساس در طول سده اخیر دارد. این مقاله تلاش دارد تا اهمیت این بحث و ابعاد مختلف آن و سستری که تحت عنوان منطقه‌گرایی ارائه شده را نشان دهد و اینکه چگونه این بخش از مفاهیم با ابعاد مختلفش با گفتمان‌های محلی از یکسو و چالش‌های جهانی از دگرسو شکل گرفته است. لذا مرور ویژگی‌های منطقه‌گرایی مبتنی بر آراء پیشگامان این جنبش و رویکردهای آن بواسطه نقش میانجی آن بین سنت و مدرنیسم در بناهای معاصر مشهد می‌تواند انتظامی برای بحران مکان در مشهد قلمداد شود، به‌طوری‌که هدف اصلی این نوشتار را شکل می‌دهد. طراحی پژوهش، بر مبنای روش تحقیق ترکیبی کیفی و کمی مبتنی بر منطق قیاسی و از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و مورد پژوهی شکل گرفته است. ۲۷ اثر از بناهای شاخص شهر مشهد که رویکرد میانجی‌گرایانه‌ای به تقابل سنت و مدرنیته داشته‌اند به عنوان جامعه آماری انتخاب و از طریق پرسشنامه که به صورت طیف پنج گزینه‌ای لیکرت تنظیم و توسط ۲۵ نفر از کارشناسان حوزه منطقه‌گرایی مشهد بکار گرفته شده و در نرم‌افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های موردپژوهی حاکی از عدم سازگاری اصول منطقه‌گرایی در مشهد با نیازهای دوره معاصر است چرا که بیشتر تبدیل به الحاقات نمادین و تاریخی روی پوسته مدرن گشته و می‌توان آن را بدترین شکل منطقه‌گرایی دانست که به پوسته‌ای تاریخی تبدیل شده و در آن تصاویری از سنت‌گرایی با تقلیدی از کلیشه‌های گذشته ترکیب و بر روی بدنه ساختمان‌های مدرن کشیده شده است.

کلیدواژه‌ها: ابنیه معاصر مشهد، جهانی‌سازی، مدرنیسم، منطقه‌گرایی، هویت مکانی

۱. مقدمه

جهان امروز از یکسو با صنعتی شدن و نظام سرمایه داری و از دیگر سو با برنامه ریزی ضعیف سکونت گاه های انسانی، مواجه شده است. در حالی که هویت های جهانی و فراملی در حال گسترش هستند و ساکنین کره زمین روز به روز سلاقی، تعلقات و ادراکات جهانی تری پیدا می کنند، خصیصه های محلی و منطقه ای، که برآیند مقاومت در مقابل فرهنگ های جهانی هستند، نیز روز به روز در حال شکوفا شدن و تقویت هستند. لذا در طول زمان، جهانی شدن و منطقه گرایی در تقابل با یکدیگر قرار داشته اند (هتنی^۱ و سودرbaum^۲؛ لفری^۳ و زونیس^۴، ۲۰۱۲). در اینجا می توان منطقه گرایی را نظریه ای دانست که از مقاومت در برابر صورت های مختلفی از برتری جویی، جهانی سازی و یا ساختارهای استاندارد شده که تفاوت های بومی را کاهش می دهند، حمایت می کند. این تئوری، روش ها و معیارهایی برای حفاظت، تجدید حیات و در صورت نیاز، بازسازی زندگی در چارچوب ویژگی های منطقه را پیشنهاد می دهند (کنزارو^۵، ۲۰۰۷).

۱.۱. طرح مساله

به موازات بلوغ مدرنیسم و جهانی شدن، در معماری نیز به همین منوال، توسعه تاریخی جهانی - شدن مطابقت بسیار نزدیکی با تعالی مدرنیسم داشت. هر دو مقوله جهانی شدن و سبک بین الملل (به عنوان

محصول مدرنیسم)، معماری را به عنوان نیروی دافعه در جهت محلی شدن، واگرایی و هویت فرهنگی شناخته اند که در بسیاری از مطالعات بدان توجه شده است (فرمتن^۶، ۱۹۸۳؛ ایبلینگز^۷، ۱۹۹۸؛ لفری و زونیس، ۲۰۱۲؛ لهن^۸، ۲۰۱۶). در اینجا یک سؤال مطرح می - شود که الهام بخش فرامپتون برای تئوریزه کردن منطقه گرایی در معماری بود (فرمتن، ۱۹۸۳). اینکه چگونه مدرن باشیم در حالی که به داشته هایمان برگردیم؟ (ریکور^۹، ۱۹۵۶، ص. ۲۷۶). طرح این سؤال نشان می دهد که منطقه گرایی وضعیتی از تفکر است که حاصل گفتمان متکی بر ساختاری دو طیفی است. ایده های حاصل از منطقه گرایی، مشخصاً متمایل به دو طیف نیستند؛ بلکه در فضای نقد دیالکتیک موجود شکل می گیرند. این ایده ها شرایطی خاص پیدا کرده، بومی شده و با یک منطقه همخوان می شوند (کنزارو، ۲۰۰۷، ص. ۱۳). در واقع، منطقه - گرایی در معماری، دیدگاهی است تحلیلی و انتقادی که بر حفظ ویژگی ها و خصوصیات خاص مکان تأکید دارد و از این لحاظ در مقابل جهانی شدن و سبک بین الملل قرار می گیرد (اکزان^{۱۰}، ۱۹۸۲: ۱۲).

بررسی دوره های رشد کالبدی شهر مشهد نشان می دهد که بافت شهری مشهد طی دوره ۵۵-۹۵ از ۶۷ کیلومتر مربع به ۳۵۰ کیلومتر مربع رشد و گسترش داشته و ۵/۲۲ برابر شده است (ربانی ابوالفضل، شفقی، رهنما و رحیمی، ۱۳۹۷). با این

6. Frampton
7. Ibelings
8. Lehmann
9. Ricoeur
10. Ozkan

1. Hettne
2. Söderbaum
3. Lefavre
4. Tzonis
5. Canizaro

حال این رشد، پیامدهای دیگری نیز داشته است. شهر مشهد به جز بناهای معماری مربوط به مجموعه حرم مطهر، بخش اعظم و با ارزش بافت تاریخی‌اش را از دست داده که آن را می‌توان حاصل تغییرات تدریجی (ناشی از تغییر دراز مدت فعالیت‌ها و نوسازی تک بناها) و یا حاصل تغییرات دفعی (تخریب‌های ناشی از رخدادهای طبیعی و انسانی مانند زلزله، جنگ و برنامه‌های نوسازی) دانست (سرخیلی، پورجعفر و رفیعیان، ۱۳۹۳). شتاب روزافزون تغییر و تحولات سیمای شهری مشهد که ناشی از نوسازی در چارچوب نوگرایی است و همچنین تأثیرات روزافزون جهانی‌سازی و در نتیجه نگرانی‌های ناشی از تأثیرات منفی آن بر ارزش‌های معماری معاصر مشهد باعث لزوم بازخوانی هویت شهر و احیاء حس مکان شده است. تغییرات ایجاد شده در سیمای شهر موجب شده تا از مشهد قدیم به عنوان "مشهد مدرن" با فضاها و نمادهای متفاوت یاد کرد. نمادهایی که هیچ سنخیتی با سنن معماری شهر ندارد و یا به نقل از شریعت‌زاده (۱۳۷۴)، سنت‌هایی که در نتیجه پیشرفت علم و تکنولوژی و تغییر اهداف، کمتر تغییر می‌کنند، بلکه بیشتر جهانی‌اند و تحت تأثیر اقلیم و فرهنگ‌های خاص، نمادهای خاصی می‌یابند.

پژوهش حاضر درصدد است تا با خوانش ویژگی‌های منطقه‌گرایی و رویکردهای مختلف آن به واسطه نقش میانجیگری آن بین سنت و مدرنیسم بتواند راهگشایی برای حل بحران هویتی در حوزه معماری معاصر شهر مشهد باشد. این تلاش، مقابله با فقدان هویت و بی‌مکانی با در نظر گرفتن جنبه‌های منحصر به فرد مکانی و منطقه‌ای است که شهر مشهد

در آن قرار دارد. درعین حال، تلاش می‌شود تا علاوه بر مراقبت از جنبه‌های محیطی و فرهنگ محلی، ابعاد جهانی را نیز در برگیرد تا بتواند جامعه پویای معاصر را توصیف کند. برای نیل به این هدف، مقاله پیشرو با تعیین انواع شاخص‌های رویکردهای معماری، دستیابی به الگوی مناسب و جامع طراحی منطقه‌گرا به طور عام و کاربری آن در شهر مشهد دنبال می‌شود. به طوری که انواع رویکردها، کالبد شکافی و نمودهای همسو با منطقه‌گرایی، استخراج می‌شود. لذا می‌توان هدف این مقاله را تبیین و تدقیق پدیده جهانی‌سازی و بررسی نحوه ارتباط آن با رویکردهای نوین منطقه‌گرایی، شناسایی و ارزیابی آثار شاخص معاصر شهر مشهد در راستای رویکرد منطقه‌گرایی و دستیابی به الگوی مفهومی جامع در معماری معاصر شهر مشهد دانست. در همین ارتباط سؤالات اصلی پژوهش بدین شرح تدوین شده است: ۱. انواع رویکردهای منطقه‌گرایی کدامند و جایگاه ابنیه شاخص مشهد در راستای این رویکردها چگونه است؟

۲. میزان تأثیر رویکرد منطقه‌گرایی در کاربری-های مختلف بناهای شاخص معاصر مشهد چگونه است؟

۲.۱. پیشینه پژوهش و مبانی نظری

۲.۱.۱. منطقه و منطقه‌گرایی

منطقه‌گرایی همواره به طرق مختلفی تفسیر شده است. این عدم ثبات در تعریف واحدی از آن، برخی از مسائل عمده در مباحثی از قبیل عدم انسجام در استفاده از مفاهیم "منطقه" یا "منطقه‌گرایی" را خاطر

نشان می‌سازد (نای^۱، ۱۹۶۸). چند بعدی بودن مفهوم منطقه‌گرایی باعث شده تا شمار زیادی از پازل‌ها و چالش‌های جدید برای هر دو قشر سیاست‌گذاران و دانشگاهیان به وجود آید که متعاقباً حجم زیادی از تئوری‌ها و مفاهیم از آن متکثر می‌شوند. یکی از مهم‌ترین دلایل آن به مفهومی‌سازی و فهم واژه منطقه برمی‌گردد (سوبرام، ۲۰۱۱). منطقه همواره به عنوان مفهومی طفره رونده (منسفیلد^۲ و میلنر^۳، ۱۹۹۹، فان^۴، ۲۰۰۹، فاستر^۵، ۲۰۰۱)، پیچیده و غالباً چالش برانگیز است. به همین دلیل است که سطوح محلی و منطقه‌ای به عنوان سطحی از فضای اعمال و اجرای سیاست‌های توسعه، همواره مورد توجه محافل علمی، سیاست‌گذاری و اجرایی بوده است و بر همین اساس رویکردهای غالب به مطالعه مناطق نیز همواره در طول زمان تمایل به تغییر و تحول داشته‌اند.

منطقه به عنوان بخشی ویژه از جهان (ویراستاران جهان جدید وبستر^۶، گارالینیک^۷ و نوفلد^۸، ۱۹۸۸)، یا بخش بزرگ‌تری از یک کشور، سرزمین و... تعریف شده است (پروکتر^۹، ۱۹۸۲). به لحاظ فیزیکی، "منطقه" به معنای مرز فضایی است که در منتهی‌الیه فرهنگ و طبیعت تعریف می‌شود (کنزارو، ۲۰۰۷، ص ۱۸). متداول‌ترین تعریف آن از منظر تاریخی، به

فضای حد واسطه ملی و محلی اشاره دارد. این فضا، یک میکرو-منطقه است که به وجوه مشترک درون منطقه‌ای ختم می‌شد و متغیرهایی از قبیل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، تاریخی و پیوندهای قومی را شامل می‌شد (سودربام، ۲۰۱۱). در مقابل، ماکرو-منطقه که بین مقیاس ملی و جهانی شکل می‌گیرد و بیشتر مورد خطاب علوم سیاسی و اقتصادی است (سودربام، ۲۰۰۳). به طور کلی می‌توان گفت، منطقه، تفسیری از جغرافیا، هویت، فرهنگ، و نهادهاست. اواخر دهه ۱۹۳۰، رویکرد منطقه‌گرایی به مثابه رویکردی علمی و تفسیری از وجهی بین-المللی برخوردار شد. "لوئیز مامفورد"^{۱۰} به عنوان بانی این جنبش در نوشتار معروفش با عنوان فرهنگ شهرها^{۱۱}، تعبیر منطقه‌گرایی مبتنی بر تاریخ تکاملی تمدن غربی را به رشته تحریر درآورد. برای "مامفورد"، مفهوم منطقه، یک محصول تکاملی است. در واقع او به منطقه به عنوان مکان انسانی اجتماعات انسانی می‌نگرد (مامفورد، ۱۹۳۸).

۱.۲.۲. بسط آراء پیشگامان منطقه‌گرایی

قدمت آگاهی از منطقه به عنوان شاخصه‌ای برای هویت گروهی خاص به یونان باستان بازمی‌گردد. یونانی‌ها در متن سیاست کنترل و رقابت در شهرها و مستعمرات خود از عوامل معماری برای نمایش هویت گروه حاضر در یک منطقه استفاده کردند. مشخص‌ترین مرجع طراحی منطقه‌گرا (ده کتاب معماری) ویتروویوس است (زونیس، ۲۰۰۳: ۱۱). واژه منطقه‌گرایی از اواخر قرن هیجدهم به یکی از نظریه-

1. Nye
2. Mansfield
3. Milner
4. Fawn
5. Foster
6. Webster's New World Editors
7. Guralnik
8. Neufeldt
9. Procter

10. Lewis Mumford

11. The Culture of Cities

های اصلی نقد معماری تبدیل گشت. مطابق این دیدگاه معماری باید بر اساس فعالیت‌های ناحیه‌ای ویژه که بر اقلیم، جغرافیا، مصالح و سنت‌های فرهنگی بومی بنا شده‌اند، شکل گیرد (کوهون^۱، ۲۰۰۷، ص ۱۴۶). نظریه‌پردازان در طول قرن‌های نوزدهم و اوایل قرن بیستم، جنبه‌های فرهنگی و جغرافیایی منطقه را توسعه دادند و نوعی منطقه‌گرایی ملی‌گرایانه شکل گرفت (اگنر^۲، ۲۰۰۲) که بیشتر بر ویژگی‌های خودی تاکید داشت^۳.

رویکرد جدید به منطقه‌گرایی در سال ۱۹۸۱، در مقاله‌ای با عنوان "شبکه و مسیر" توسط الکساندر زونیس و لیان لفور مطرح گردید (زونیس و لفور، ۱۹۸۱). "آلکساندر زونیس"^۴، "لیان لفور"^۵ و "آنتونی آلفونسین"^۶ در نوشتار خود با عنوان "پرسش منطقه-گرایی"^۷، بحث اولیه خود پیرامون مقاله سال ۱۹۴۷ لوئیز مامفورد مطرح ساختند و ایده معماری منطقه‌گرا را به عنوان انتقادی به پست‌مدرنیسم، پرورش دادند

1. Colquhoun

2. Eggener

۳. در دوران مدرن با وقوع انقلاب صنعتی و شکل‌گیری جهان-بینی جدید نوعی معماری صورت گرفت که مدعی بود می‌تواند در تمامی نقاط دنیا به صورت هماهنگ و هم شکل اجرا شود. این گرایش با فاصله گرفتن از ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی و ویژگی‌های منطقه‌ای، خردگرایی محض و عقلانیت ابرازی را تبلیغ می‌کرد. از این رو نوعی معماری عملکرد گرایانه رایج شد که از هنجارهای فرهنگی و سنتی فاصله معناداری داشت. این معضل در کشورهای جهان سوم به موضوعی حیاتی جهت حفظ و بقاء هویت فرهنگی ساکنان این کشورها مبدل شد که تحت عنوان جستجوی هویت مطرح گردید (مهدوی‌نژاد و بمانیان و خاکسار، ۱۳۸۹ الف، ص ۱۱۴).

4. Alenader Tzonis

5. Leon Leflore

6. Anthony Alfonsin

7. The Question of regionalism

(مالگری^۸ و گودمن^۹، ۲۰۱۱، ص ۹۹). در نوشتار بعدی آنها در همان سال که برای نشریه یونانی "معماری در یونان"^{۱۰} نوشتند، آلکساندر زونیس و لیان لفور، موضوع «آزادسازی»^{۱۱} هریس را به نوشتار اول خود اضافه کردند. آنها همچنین سه نوع منطقه-گرایی در یونان (با توجه به سه برهه تاریخی این کشور) را شناسایی کردند. اولین مورد در ارتباط با احساسات ملی‌گرایانه قرن هجدهم بود، در حالی که مورد دوم به جنگ استقلال یونان در سال ۱۸۲۱ بازمی‌گشت که از تأثیر نئوکلاسیسم آلمانی مشتق گرفته شده بود. سومین مرحله منطقه‌گرایی که آنها منطقه‌گرایی انتقادی نامیدند، از الهامات معماران یونانی برای رهایی خودشان از مدرنیسم جزمی دهه ۱۹۵۰ برخاسته بود (زونیس و لفور، ۱۹۸۱).

"کنت فرامپتون" منطقه‌گرایی انتقادی زونیس و لفور را ادامه می‌دهد، لیکن آن را با حس فوریت بیشتری در می‌آمیزد و خاطرنشان می‌سازد که ماهیت انتقادی‌اش مقابله با یکنواختی لامکانی است. او در مقالات خود "به سوی منطقه‌گرایی انتقادی: شش نکته در باب معماری مقاومت" (فرمدن، ۱۹۸۳) و بسط و بازبینی این ویژگی‌ها در "ده نکته در معماری منطقه‌گرا: یک بحث موقت" (فرمدن، ۱۹۸۷) به خوبی این مسئله را تشریح کرده است. فرامپتون طرفدار شناخت منطقه، ساختمان بومی و توجه به حساسیت آن به نور، باد و شرایط دمایی است که جملگی پاسخ معمارانه‌ای را می‌طلبند که شایسته و

8. Mallgrave

9. Goodman

10. Architecture in Greece

11. Liberation

در خور مکان خاص است. منطقه‌گرایی این تصور را مطرح می‌سازد که طراحی‌های ویژه اقلیمی از لحاظ زیبایی‌شناختی و محیط‌زیست مفیدند و در مقابل نیروهای همگن‌ساز مدرن مقاومت می‌کنند (نسبیت، ۱۳۹۳، ص. ۷۷). آلکساندر زونیس نیز وظیفه منطقه‌گرایی را تجدید نظر در مورد معماری، با توجه به مفهوم منطقه می‌داند. او این موضوع را از یکسو به پیوندهای پیچیده انسانی مربوط می‌داند و از سوی دیگر به تعادل اکوسیستم و مسائل محیطی (زونیس، ۲۰۰۳، ص. ۲۰). در واقع، منطقه‌گرایی واژه ابداعی این معماران نبود و مفهوم جدیدی نیز ارائه نمی‌کرد. آنها این اصطلاح را برگزیدند چرا که این جنبش جدید، مشابه تلاش گسترده معمارانی بود که به دنبال روشی جایگزین برای طراحی ساختمان‌ها، مناظر و شهرهایی داشتند که ویژگی‌های یک منطقه و محیط منحصر به فرد را با ویژگی‌های خاص فرهنگی آن مکان، حمل کند (لفور و زونیس، ۲۰۱۲).

۱. ۲. ۳. رویکردهای متناظر با منطقه‌گرایی

در دنیای کنونی عرصه تحقیق در علوم گوناگون به گونه‌ای به هم پیوند خورده که موجب می‌شود برای تدقیق موضوع تحقیق محقق با رویکرد و یا نگرشی خاص به اثر بنگرد (شاه‌چراغی، ۱۳۹۴، ص. ۱۲۷). موضوع تداوم معماری گذشته نیز از ابتدای ظهورش با دیدگاه‌های مختلف شکل گرفته و هیچگاه به شکل یک اندیشه‌ی رایج در یک کشور و یا بخشی از جهان رواج نیافت (معماریان، الف، ۱۳۹۳، ص. ۶۲). به نظر می‌رسد معماران معاصر در مکان‌ها و زمان‌های مختلف، از آنچه در بخش‌هایی از

علوم مختلف، مانند زیست‌شناسی، روان‌شناسی، فلسفه، جغرافیا و... می‌گذرد بهره گرفته و آنها را به ابزاری برای نگاه به آنچه در دنیای معماری می‌گذرد تبدیل کرده‌اند. معماران با بهره‌گیری از علوم مختلف موضوعی را شکل داده‌اند که با آن بتوانند دنیای معماری را ببینند، تحلیل کنند و برای آن برنامه‌ریزی نمایند. در این راستا از عمده رویکردهای معماری ذکر شده توسط زه وی (۱۳۷۶)، معماریان و طبرسا (۱۳۹۲)، معماریان، (۱۳۹۳)، شاه‌چراغی (۱۳۹۴)، و مهدی و امین‌پور (۱۳۹۶) بهره جسته تا به مدلی جامع‌تر از ارزیابی منطقه‌گرایی در آثار معماری شهر مشهد، دست یابیم. این رویکردها شامل رویکردهای اقلیمی، شکلی، تاریخی، فضاگرایانه، فرهنگی و اجتماعی، و نیز معنایی می‌باشد که در جدول شماره (۱) به اختصار شرح داده شده است. در این جا شناخت این رویکردها تلاشی است برای قراردادن مجموعه‌ای از اشیای پیچیده در یک مجموعه منظم برای دستیابی به عمومیت بیشتر در جهت شناخت و برنامه‌ریزی. شناخت رویکرد های معماری از سه منظر ضروری به نظر می‌رسد: اول این که رویکردها ابزاری هستند برای توصیف ساختار معماری بر حسب ویژگی‌های مختلف، دوم ابزاری است برای تحلیل و ایجاد ارتباط بین داده‌های اقلیمی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی با رویکردهای تعریف شده و سوم ابزاری است برای رسیدن به الگوهای مناسب طراحی معماری در سطح خرد و کلان (مهدی و امین‌پور، ۱۳۹۶).

جدول ۱. رویکردهای متناظر با منطقه‌گرایی

رویکردها	شاخص‌ها	نمودهای متناظر با منطقه‌گرایی
کالبدی - شکلی	موتیف، هندسه، ارایه، سبک، فرم، تقارن، تضاد، نظم، رنگ، سطح، گونه، ریتم، بافت	- اقتباس از موتیف‌های معماری و بازآفرینی تاریخی - تقلیل دادن و خلاصه نمودن فرم‌های معماری گذشته - نوعی نماسازی با الهام و اشاره به معماری گذشته - الحاقات تاریخی روی پوسته مدرن
تاریخی - هویتی	اصالت، فرهنگ، باورها، ارزش‌ها، هویت محلی، میراث فرهنگی، معانی تاریخی	- تجدید حیات دوره‌های مشخصی از گذشته - احیا ارزش‌های فرهنگی دوران گذشته - بازتاب فرهنگ تاریخی منطقه
اقلیمی	انرژی، سازگاری با محیط، مصالح، منابع در دسترس، توپوگرافی، دما، باد، رطوبت، تابش	- توجه به بوم و ویژگی‌های اقلیمی - استفاده مناسب از زیست بوم‌های منطقه‌ای - همسازی با شرایط اقلیمی
تکنولوژیک	روش‌های ساخت، مصالح، فناوری، تکنیک‌های همسازی با اقلیم، تکنولوژی بومی	- استفاده از مصالح و روش‌های ساخت و ساز بومی به کمک فناوری‌های جدید - استفاده از فناوری مدرن جهت همسازی با اقلیم منطقه - استفاده از منابع در دست و تکنولوژی بومی - استفاده استعاره‌گر از تکنولوژی بومی در قالب فناوری مدرن
پدیدار شناسانه، معناشناسانه	روح مکان، پرهیز از سطحی‌نگری، مفاهیم ویژه مکان، سمبل، نشانه، معنا، نور	- استفاده نمادین از نشانه‌های فرهنگی، هویت - شکل‌دهی به فرارگاه‌ها و مکان‌ها به منظور باز تولید روابط اجتماعی گوناگون - توجه به پیوند میان فرهنگ و زندگی در شرایط واقعی حیات در مکان - قائل شدن هویت به رفتار و عمل در مکان نه فقط ویژگی‌های ظاهری
فضاگرایانه	گشایش فضایی، سلسله مراتب، سیالیت، تداوم، نظم فضایی	- فضای معماری دارای مشخصه‌های بصری خاص خود است - فضای معماری با مصرف‌کننده آن تعریف می‌شود - فضای معماری حس‌های گوناگونی را در زمان‌های مختلف به مخاطب انتقال می‌دهد - فضای معماری به دو فضای درونی و بیرونی قابل تقسیم می‌شود
فرهنگی - اجتماعی	انسان، فرهنگ، روابط اجتماعی، کیفیت زندگی، رفتارهای اجتماعی، زندگی جمعی، ارتباطات انسانی	- توسعه فعالیت‌های موثر بر ارتقا کیفیت زندگی - پیوند میان مکان و ارتباطات انسانی - تعامل انسان با محیط در بستر فرهنگی - اجتماعی - مواجهه هوشمندانه برای درک رفتارهای فرهنگی
پایداری	اکولوژی، محیط‌زیست، انرژی پاک، محیط، طبیعت، کاهش مصرف، کاهش تخریب، استفاده مجدد و بازیافت، فناوری‌های سبز	- آماده سازی زیرساخت‌های زیست محیطی - استفاده کارآمد و موثر از منابع موجود در منطقه - همزیستی محیط انسان ساخت با محیط طبیعی - رفع مشکلات اکولوژیک منطقه

رویکردها	شاخص ها	نمودهای متناظر با منطقه گرایی
	کاهش گازهای گلخانه‌ای	- مدیریت بازیافت مصالح و به حداقل رساندن اثرات نامطلوب دراز مدت بر طبیعت - وابستگی حداقلی به منابع انرژی تجدیدناپذیر - احیا چشم انداز زنده و امن - حفاظت از منظره پایدار
	پروورش فرهنگ محلی، حفظ تنوع فرهنگی، تاثیر متقابل گروه‌های اجتماعی برهم	- پایداری اجتماعی - تقویت روابط اجتماعی - افزایش کیفیت زندگی و مواجهه با پدیده مهاجرت ساکنان بومی - مشارکت مردم در ساخت و ساز و تقویت دانش و مهارت افراد محلی - رشد توانمندی‌ها و نوآوری‌های اجتماعی
	احیا اقتصاد محلی، توسعه اقتصاد شهری، ایجاد جاذبه‌های گردشگری	- احیا اقتصاد محلی - توسعه اقتصاد شهری - پایداری اقتصادی - احیاء و ایجاد جاذبه‌های گردشگری

ماخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

۱. ۲. ۴. منطقه گرایی در ایران

جریان رادیکال، رویکردهایی هستند که، ماشین و امکانات پیشرفته را از طریق فن‌آوری‌های جدید می‌پذیرند، به همین ترتیب از روابط اولیه و احساسی با مکان انتقاد می‌کنند و پیوند بین زمینه، معماری و ساکنین را قطع میکند، واکنش‌های محافظه‌کارانه در تلاش برای خنثی کردن فرآیندهای ماشینی شدن به دنبال تداوم یک سنت اصیل در منطقه هستند و جریان‌های میانجی که تأثیرات محلی و جهانی را همزمان می‌پذیرند و در برابر آن مقاومت نمی‌کنند و ترجیح می‌دهند که جنبه‌های مثبت هر دو دیدگاه را با نگاهی به ساکنین برای پیشرفت تکنولوژیک با یکدیگر درآمیزند. از بررسی جریان‌های میانجی در

معماری معاصر ایران و آنچه نظریه پردازانی چون اوزکان، مظفری و شیرازی به عنوان معماری منطقه‌گرا در ایران معرفی می‌کنند می‌توان به این نتیجه رسید که آن قسمت از معماری ایران که در دهه آخر پهلوی دوم شکل می‌گیرد و با اسامی مختلف همچون معماری نوگرایی ایرانی (قبادیان)، مدرن تاریخ‌گرا (بانی مسعود)، نو سنت گرایی (محسن حبیبی) و... مطرح می‌گردد، همان منطقه گرایی ایرانی از منظر اوزکان و شیرازی است که با توجه به مشترک بودن مصادیق معماری و معمارانی که ذکر می‌شود این نتیجه منتج می‌گردد.

جدول ۲. بررسی تطبیقی نظریه صاحب‌نظران رویکرد میانجی و منطقه گرایی

نظریه پرداز	گرایشات	مصادق	معمار
امیر بانی مسعود	معماری مدرن تاریخ‌گرا (سال‌های طلایی)	آرامگاه بوعلی، آرامگاه نادر، آرامگاه خیام، آرامگاه کمال‌المک، موزه فردوسی، خانه دولت آرامگاه پهلوی اول، آرامگاه سعدی، آرامگاه بابا طاهر مجلس شورای اسلامی پارک شفق، موزه هنرهای معاصر، فرهنگسرای نیاوران، شوشتر نو	علی سردار افخمی هوشنگ سیحون محسن فروغی حیدر غیایی کامران دیبا حسین امانت نادر اردلان محمد فرزانه‌مهر کوروش فرزانی
قبادیان	معماری نوگرای ایرانی	برج آزادی، سفارت ایران در چین، دانشکده مدیریت، ساختمان میراث فرهنگی تئاتر شهر، دانشگاه بوعلی، مرکز موسیقی مقبره الشعرا سردر ورودی دانشگاه تهران	
محسن حبیبی	نوسنت‌گرایان		
اوزکان	منطقه‌گرایی	دانشگاه امام صادق موزه هنرهای معاصر تهران و شوشتر نو	نادر اردلان کامران دیبا
شیرازی	منطقه‌گرایی	آرامگاه بوعلی و آرامگاه نادر فرهنگسرا شفق و دانشگاه جندی شاپور و شوشتر نو و موزه هنرهای معاصر و نمازخانه پارک لاله برج آزادی و سفارت ایران در پکن دانشگاه امام صادق و استادیوم آزادی	کامران دیبا نادر اردلان حسین امانت هوشنگ سیحون
مظفری	منطقه‌گرایی	موزه هنرهای معاصر و فرهنگسرای نیاوران دانشگاه امام صادق	هوشنگ سیحون حسین امانت کامران دیبا نادر اردلان

ماخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

مفهومی خود از آثاری به عنوان منطقه‌گرایی جعلی یا فیک نام می‌برد، همچنین ویلیام کورتیس نیز در تعریف خود از منطقه‌گرایی دو جریان عمده در آن معرفی می‌کند و آن را جریان اصیل و غیراصیل نامیده است.

آن قسمتی از جریان‌ات میانجی در معماری معاصر ایران (قاجار، پهلوی اول و دوم، جمهوری اسلامی) که سعی در تلفیق و التقاط دوگانگی‌های مختلف بین معماری وارداتی و معماری بومی داشته‌اند، اما موفق به نظر نمی‌رسند را در صورتی می‌توان به شاخه‌ای از منطقه‌گرایی نسبت داد که آن را منطقه‌گرایی جعلی یا غیر اصیل دانست. همان‌طور که اوزکان در مدل



شکل ۱. تقسیم بندی جریانات معماری معاصر ایران ماخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۹)

۲. روش شناسی پژوهش

۲.۱. روش پژوهش

مطالعه پیش رو، تلاشی است در جهت بسط تئوری منطقه گرایی با توجه به آراء پیشگامان این جنبش همچون لوئیز مامفورد، لیان لفور، الکساندر زونیس و کنت فرامپتون. هدف مطالعه، بازگشتی به ایده اولیه منطقه گرایی، مکان و هویت محلی، و سپس فراهم سازی نگرشی به سوی اصطلاح منطقه گرایی و روندهای جدید آن، البته در چارچوبی گسترده تر از قبل می باشد. روش شناسی این پژوهش، توصیفی-تحلیلی بر اساس تحلیل کیفی است و راهبرد پژوهش ترکیبی از روش توصیفی و نمونه موردی است. روش تحلیل محتوای کیفی به جای جستجوی یک نظریه اصلی، به دنبال یک مدل توسعه است. لذا با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی مبتنی بر منطق استدلال قیاسی با بهره گیری از نمودهای مشترک در نظریه های رایج در رویکردهای معماری به روش استدلالی و با هدف دستیابی به حداکثر جامعیت در رویکردها، به تدوین معیارها و شاخص های متناظر با انگاشت معماری منطقه گرا پرداخته شده است. هدف از پژوهش قیاسی کمک به تبیین یافته های تحقیق در

قالب جدول فهرست شاخص ها با در نظر گرفتن پیامدهای غالب و عینی در پروژه هایی است که در جدول شماره (۳) ذکر شده است.

۲.۲. متغیرها و شاخص های پژوهش

برای انتخاب نمونه ها از میان منابع معتبر با مراجعه به کتب، سایت های اینترنتی، مجلات معتبر، مسابقات حوزه ساختمان و همچنین بررسی بناهای شاخص مشهد از نگاه زائرین و شهروندان این شهر و نیز نظریات منتقدین و صاحب نظران این شهر مجموعاً، ۶۵ اثری که دارای ارجاعات بیشتری در این منابع بودند به عنوان جامعه خاص مرحله اول انتخاب شدند. سپس ۲۷ پروژه ای که صرفاً رویکردی میانجی گرانه به سنت و مدرنیته (جهانی - منطقه ای) داشته، در حوزه ی خاص منطقه گرایی مورد نظر و جهت تحلیل های تکمیلی برگزیده شدند. بناهای انتخاب شده به پنج کاربری کلی تجاری، فرهنگی-آموزشی، اقامتی، اداری، خدماتی طبقه بندی شده و در جدول شماره (۳) به معرفی آنها پرداخته شده است. ویژگی های آثار منتخب می تواند طیف وسیعی از شاخص های رویکرد منطقه گرایی را شامل شود و نتایج حاصل از تحلیل ها بتواند قابلیت تعمیم داشته

باشد به عبارت دیگر تحقیق موردی از اعتبار بیرونی بهره‌مند باشد.

داده‌های تجربی این پژوهش طی پروژه‌ای از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده‌اند. پرسشنامه دارای سوالاتی مربوط به نحوه مواجهه آثار شاخص معماری مشهد با رویکردهای متناظر با منطقه‌گرایی و شاخص‌های هر رویکرد می‌باشد. تعداد ۲۵ نفر از صاحب‌نظران حوزه منطقه‌گرایی شهر مشهد، در این کار مشارکت داشته‌اند. پرسشنامه‌ها به صورت طیف پنج گزینه‌ای لیکرت تنظیم شده بودند و در اختیار پرسش‌شوندگان قرار گرفتند. در این پرسشنامه ۱ به معنی خیلی کم تا ۵ به معنی خیلی زیاد است.

۲.۳. قلمرو جغرافیایی پژوهش

شهر مشهد به عنوان دومین کلانشهر ایران و مهمترین قطب زیارتی کشور همواره مورد توجه بوده و امکانات فرهنگی، رفاهی و خدماتی گسترش

چشمگیری یافته است. بخشی از تحولات گسترده و سریع شهر مشهد ناشی از اجرای پروژه‌های اقامتی، تجاری و فرهنگی در مناطق گوناگون شهر است. که در موارد متعدد سیمای معماری آن را دستخوش تغییر و تحول ساخته است. در این تحقیق با بررسی کاربری‌های مختلف در این شهر به بررسی آثار معماری معاصر مشهد پرداخته شده است، در این تحقیق بناهای مورد نظر به چهار کاربری کلی تجاری، فرهنگی-آموزشی، اقامتی، خدماتی طبقه‌بندی شده است. در این میان به بررسی نفرات برتر مسابقات و طرح‌های پیشرو در این شهر نیز که می‌توان از آنها به عنوان آینده معماری این شهر یاد کرد پرداخته شد. جدول شماره (۳) به معرفی اجمالی این آثار براساس کاربری آنها پرداخته است.

جدول ۳. جدول معرفی آثار شاخص بناهای معاصر منطقه‌گرا مشهد طبقه‌بندی براساس نوع کاربری

کاربری تجاری				
				
۱. مجتمع تجاری الماس شرق	۲. پردیس کتاب مشهد	۳. بازارچه چشم و چراغ	۴. بازار رضا مشهد	۵. مروارید گوه‌رشاد
کاربری فرهنگی - مذهبی - آموزشی				
				
۶. کتابخانه مرکزی مشهد	۷. موزه و آرامگاه نادر	۸. موزه بزرگ خراسان	۹. صحن جامع رضوی	

				
۱۲. دانشکده معماری دانشگاه فردوسی مشهد	۱۱. یادمان شهدا دانشگاه فردوسی	۱۰. فرهنگسرای قلم		
				
۱۵. یادمان شهدا دانشگاه آزاد	۱۴. استادیوم فوتبال استان قدس	۱۳. مجتمع ورزشی آستان قدس		
کاربری اقامتی				
				
۱۹. هتل درویش	۱۸. هتل مدینه الرضا	۱۷. هتل ابان	۱۶. هتل میثاق	
کاربری خدماتی				
				
۲۲. ترمینال مسافربری مشهد	۲۱. فرودگاه پروازهای حجاج	۲۰. ایستگاه راه آهن		
طرح ها و مسابقات				
				
۲۷. طرح موزه دفاع مقدس	۲۶. طرح تئاتر شهر	۲۵. طرح ساختمان نظام	۲۴. طرح موزه جلع حرم رضوی	۲۳. طرح برج های سبز کوثر

ماخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۹)

بر اساس مطالعات انجام گرفته در مورد رویکردهای متناظر با منطقه گرایی به منظور بررسی تأثیر منطقه گرایی در کاربری های مختلف بناهای معاصر مشهد، شاخص های تأثیرگذار در تجزیه و - تحلیل نمونه های منتخب در قالب هشت بعد (کالبدی، تاریخی-هویتی، اقلیمی، تکنولوژیکی، پدیدارشناسانه- معنا شناسانه، فضاگرایانه، فرهنگی- اجتماعی و پایداری) در جدول شماره (۴) تدوین و تنظیم گردیده و مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته

است. جدول زیر، با توجه به این که برای مشخص کردن نوع رویکرد حاکم بر بناهای مورد مطالعه از پرسشنامه در قالب طیف لیکرت استفاده شد از این رو کاربری هایی که میزان میانگین نظرات کارشناسان بیشتر از عدد ۳ باشد منطبق بر رویکرد مورد مطالعه است. برای نمونه در رویکرد منطبق بر اقلیمی در بین کاربری های تجاری بازارچه چشم و چراغ با توجه به این که میانگین نظرات کارشناسان بیشتر از عدد ۳ و برابر با ۳/۱۵ است منطبق بر این رویکرد می باشد.

جدول ۴. جدول بررسی بناهای شاخص معاصر منطقه گرا مشهد بر اساس رویکردهای متناظر با منطقه گرایی

کاربری فرهنگی - آموزشی														
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۴/۴۸	۱/۱۳	۱/۵۲	۲/۲۵	۳/۱۱	۱/۳۷	۲/۱۹	۳/۸۰	۴/۸۰	۱/۱۶	۲/۲۱	۳/۳۱	۳/۸۶	۳/۲۱	۱/۷۰
۱/۲۶	۲/۲۸	۳/۳۵	۰/۶۵	۱/۰۹	۲/۶۸	۳/۳۶	۱/۵۶	۰/۷۸	۳/۳۹	۳/۳۱	۱/۱۳	۰/۶۵	۱/۳۲	۴/۴۸
۲/۲۶	۱/۱۶	۲/۶۲	۱/۵۶	۱/۳۶	۱/۵۴	۲/۶۵	۳/۳۶	۴/۵۲	۱/۷۱	۰/۸۵	۴/۳۱	۳/۸۲	۲/۲۱	۲/۱۲
۱/۱۶	۲/۲۷	۱/۱۸	۴/۶۵	۲/۲۳	۲/۲۳	۲/۲۳	۱/۸۹	۳/۳۶	۱/۱۱	۱/۶۸	۲/۸۵	۳/۱۵	۲/۳۲	۱/۳۶
۲/۸۴	۲/۳۲	۳/۳۶	۲/۸۵	۳/۱۶	۱/۵۶	۱/۲۱	۲/۶۵	۳/۱۵	۱/۳۱	۰/۶۵	۱/۳۲	۳/۶۵	۲/۲۲	۲/۶۵
۳/۴۶	۲/۱۵	۲/۲۹	۲/۵۴	۳/۲۵	۲/۶۵	۱/۲۱	۲/۹۸	۳/۶۵	۱/۳۱	۱/۶۵	۲/۷۸	۴/۶۲	۳/۳۶	۱/۱۰
۳/۴۶	۴/۳۱	۲/۱۶	۳/۴۳	۳/۶۵	۲/۶۲	۲/۶۶	۱/۳۷	۱/۲۱	۱/۳۶	۱/۶۱	۳/۸۶	۳/۵۶	۲/۳۸	۲/۱۰
۳/۳۲	۲/۶۸	۱/۶۹	۴/۶۵	۳/۶۶	۲/۱۵	۱/۱۲	۲/۲۶	۱/۳۵	۱/۶۱	۲/۷۵	۲/۷۸	۴/۶۹	۱/۳۲	۱/۵۳
۰/۳۲	۱/۱۵	۱/۶۵	۳/۶۵	۱/۱۲	۱/۷۰	۱/۱۳	۱/۳۶	۰/۴۵	۰/۱۲	۰/۳۲	۲/۲۳	۴/۲۳	۱/۱۵	۰/۸۹
۱/۶۵	۳/۳۶	۲/۶۱	۳/۳۶	۲/۱۶	۰/۹۵	۲/۳۶	۱/۶۵	۲/۶۹	۱/۱۵	۰/۶۵	۲/۲۳	۴/۴۵	۳/۶۵	۱/۱۶
۱/۳۵	۳/۳۳	۱/۱۵	۱/۶۵	۱/۶۱	۱/۱۵	۱/۳۴	۱/۳۵	۰/۲۲	۱/۷۸	۲/۵۶	۳/۶۵	۴/۸۶	۲/۷۸	۲/۸۷

		کاربری فضای				کاربری خدماتی				طرح ها و مسابقات			
		۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷
میدان شهر	بعد کالبدی	۱/۳۵	۱/۴۲	۱/۱۵	۱/۴۸	۳/۲۱	۱/۱۲	۲/۲۶	۵/۳۵	۲/۲۴	۲/۲۳	۳/۳۶	۲/۱۳
	مورفولوژی، هندسه، ارایش، شبکه، فرم، تقارن، تعداد، اصلیل												
	تقارن، رنگ، سطح، گونه، ریتیم	۳/۶۹	۳/۷۱	۲/۱۵	۳/۶۵	۲/۳۲	۳/۷۸	۳/۱۲	۱/۶۵	۱/۱۷	۱/۲۳	۱/۱	۲/۲۱
	بعد تاریخی - هویتی	۱/۶۹	۱/۶۵	۱/۳۱	۱/۵۶	۲/۳۵	۱/۱۲	۲/۱۸	۱/۳۸	۲/۲۶	۱/۱۲	۳/۸۹	۲/۲۳
	احداث، فرهنگ، باورها، ارزش ها، هویت محلی، میراث فرهنگی، معانی تاریخی												
	بعد اقلیمی	۱/۷۴	۲/۱۶	۱/۱۶	۲/۲۳	۲/۵۶	۲/۳۶	۱/۱۶	۲/۶۴	۳/۶۳	۲/۶۶	۳/۳۸	۱/۱۷
	انرژی، سازگاری با محیط، مصالح، منابع انرژی، آلودگی												
	بعد تکنولوژیکی	۱/۱۲	۱/۷۵	۱/۶۶	۱/۶۳	۱/۱۳	۲/۱۷	۲/۱۸	۲/۸۹	۲/۶۶	۲/۱۷	۲/۱۷	۱/۱۲
	روش های ساخت، مصالح، فناوری، تکنیک های هم سازی با اقلیم، تکنولوژی بومی												
	بعد پدیدار شناسانه - رویکرد معنا شناسانه	۱/۳۶	۱/۳۲	۱/۷۹	۳/۶۸	۱/۵۹	۲/۶۹	۱/۱۲	۲/۱۶	۲/۱۶	۱/۱۱	۳/۳۶	۲/۲۷
میدان مندرج و بازار	روح مکان، پیرامور از سطحی بگویی، نظام های، منطقه، سبک، نشانه، بگویی معنایی به سنت ها												
	بعد افسانگرایانه	۲/۱۵	۱/۶۳	۱/۶۶	۱/۱۸	۲/۴۹	۱/۶۵	۲/۱۶	۳/۸۳	۲/۱۵	۲/۶۵	۲/۶۶	۲/۶۶
	گشایش فضایی، شبکه فرایند، سوانت، تداوم، نظم فضایی												
	بعد فرهنگی - اجتماعی	۱/۱۲	۱/۱۲	۱/۷۸	۱/۶۵	۲/۳۹	۱/۱۵	۱/۳۲	۲/۱۵	۲/۹۱	۲/۹۱	۳/۸۶	۲/۶۲
	انسان، فرهنگ، روابط اجتماعی، کیفیت زندگی، رفتارهای اجتماعی، زندگی جمعی، ارتباطات انسانی												
میدان مندرج و میدان شهری	پایداری زیست محیطی	۱/۳۶	۱/۶۶	۱/۶۹	۱/۶۵	۱/۱۶	۱/۶۹	۱/۱۶	۲/۴۸	۱/۶۶	۲/۴۹	۱/۱۵	۱/۱۳
	اکولوژی، محیط زیست، انرژی پاک، هم سازی سالم انسان، محیط، طبیعت، توجه به زیست گیاهی و جانوری، منابع، خاک، فناوری های سبز												
	پایداری اجتماعی	۱/۱۲	۱/۶۵	۱/۳۵	۱/۱۵	۱/۳۲	۱/۱۳	۱/۹۶	۳/۴۲	۲/۹۶	۲/۹۶	۳/۴۴	۲/۲۹
	بررسی فرهنگ محلی، حفظ تنوع فرهنگی												
	پایداری اقتصادی	۱/۱۳	۱/۱۶	۲/۷۱	۲/۳۶	۲/۳۶	۱/۵۳	۱/۶۵	۲/۷۳	۱/۵۶	۱/۳۶	۲/۵۵	۲/۳۶
	انحیاء اقتصاد محلی، توسعه اقتصاد شهری، ایجاد جاذبه های گردشگری												

ماخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۹)

۳. یافته های پژوهش

با عنایت به نتایج مندرج در جدول فوق و باتوجه به این مساله که آن دسته از کاربری هایی که میزان میانگین نظرات کارشناسان بیشتر از عدد ۳ باشد، منطبق بر رویکرد مورد مطالعه است، از بررسی های انجام شده آثار مطرح معاصر مشهد به صورت تفکیک شده بر اساس نوع کاربری این گونه می توان نتیجه گرفت که در کاربری تجاری از مجموع ۶ بنا بررسی شده که دارای رویکرد میانجی بودند، پردیس کتاب مشهد (۳/۲۱ امتیاز)، بازارچه چشم و چراغ (۳/۸۶) و بازار رضا مشهد (۳/۳۱) دارای بعد کالبدی از نوع اصلیل و مجتمع تجاری مروارید گوه رشاد (۳/۳۱) و الماس شرق (۴/۴۸) رویکرد کالبدی از نوع

غیراصلیل دارند. همچنین در خصوص بعد تاریخی، بازار رضا با امتیاز ۴/۳۱ دارای بعد تاریخی میباشد. بازارچه چشم و چراغ با امتیاز ۳/۱۵ دارای بعد اقلیمی و امتیاز ۳/۶۵ دارای بعد تکنولوژیکی است. پردیس کتاب (۳/۳۶)، بازارچه چشم و چراغ (۴/۶۲) و میدان شهدا (۳/۷۵) دارای رویکرد پدیدارشناسانه / معنا شناسانه هستند. همچنین بازارچه چشم و چراغ (۳/۵۶) و بازار رضا مشهد (۳/۸۶) فضا گرایانه بوده و بازارچه چشم و چراغ (۴/۶۹) و میدان شهدا (۳/۱۳) به ابعاد فرهنگی - اجتماعی نیز توجه کرده اند. در خصوص رویکرد پایداری تنها میتوان در پروژه بازارچه چشم چراغ شاهد تأثیر آن در طراحی بنا بود که این موضوع با توجه به تاریخ ساخت این بنا می -

توان اندکی امید به طراحی با توجه به مساله منطقه‌گرایی پایدار در سال‌های آینده به همراه داشته باشد. به طور کلی در خصوص کاربری تجاری این طور میتوان نتیجه گرفت که رویکرد غالب در این کاربری

رویکرد کالبدی است. نمودار شماره (۲) نشان‌دهنده درصد تأثیرگذاری ابعاد مختلف منطقه‌گرایی در کاربری تجاری است.



شکل ۳. تأثیر ابعاد منطقه‌گرایی بر کاربری

ماخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)



شکل ۲. تأثیر ابعاد منطقه‌گرایی بر کاربری تجاری

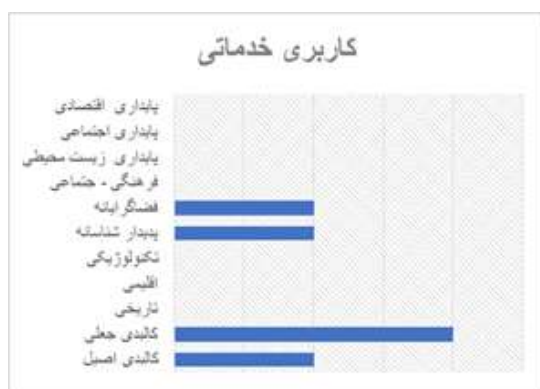
ماخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

سه بنای موزه و آرامگاه نادر (۳/۶۵)، یادمان شهدا دانشگاه فردوسی (۳/۲۵)، یادمان شهدا دانشگاه آزاد (۳/۴۶) دارای بعد پدیدارشناسانه - معنا شناسانه میباشند. دانشکده معماری فردوسی (۳/۴۳)، یادمان شهدا دانشگاه فردوسی (۳/۶۵)، یادمان شهدا دانشگاه آزاد (۳/۴۶) نگاهی فضاگراییانه به مساله منطقه‌گرایی داشته‌اند و همچنین این سه بنا دارای ابعاد فرهنگی - اجتماعی نیز می‌باشند. در خصوص رویکرد پایداری تنها در ساختمان دانشکده معماری دانشگاه فردوسی می‌توان اندکی شاهد ابعاد زیست محیطی و اجتماعی از رویکرد پایداری بود. به طور کلی از بررسی بناهایی با کاربری فرهنگی - آموزشی این گونه به نظر می‌رسد که بناهایی که با این کاربری طراحی شده‌اند توجه بیشتری به مساله منطقه‌گرایی داشته و همچنین

از میان ۷ بنا با کاربری فرهنگی - آموزشی که مورد تحلیل بر اساس انواع رویکردها قرار گرفتند. موزه بزرگ خراسان (۳/۸۰)، موزه و آرامگاه نادر (۴/۸۰)، یادمان شهدا دانشگاه فردوسی (۳/۱۱)، یادمان شهدا دانشگاه آزاد (۴/۴۸) دارای بعد کالبدی از نوع اصیل و صحن جامع رضوی (۳/۳۶) و کتابخانه مرکزی مشهد (۳/۳۹) نیز دارای بعد کالبدی اما از نوع غیر اصیل آن هستند، موزه بزرگ خراسان (۳/۳۶)، موزه و آرامگاه نادر (۴/۵۲) دارای ابعاد تاریخی - هویتی می‌باشد. همچنین موزه و آرامگاه نادر با امتیاز ۴/۶۵ دارای رویکرد اقلیمی نیز می‌باشد. همچنین در خصوص ابعاد تکنولوژیکی دو بنای موزه و آرامگاه نادر یا ۳/۱۵ امتیاز و یادمان شهدا دانشگاه فردوسی با ۳/۱۶ امتیاز این رویکرد را دارا می‌باشند.

علاوه بر ابعاد کالبدی به معنانشناسانی و ابعاد فرهنگی - اجتماعی نیز توجه کرده‌اند، همچنین در مواردی مانند ساختمان دانشکده معماری دانشگاه فردوسی می‌توان شاهد حضور منطقه‌گرایی پایدار نیز بود. به طور کلی در بناهایی با کاربری فرهنگی - آموزشی در

قیاس با سایر کاربری‌ها، توجه بیشتری به مساله منطقه‌گرایی شده است. شکل شماره (۳) نشان دهنده درصد تاثیرگذاری ابعاد مختلف منطقه‌گرایی در کاربری فرهنگی است.



شکل ۵. تاثیر ابعاد منطقه‌گرایی بر کاربری خدماتی

ماخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)



شکل ۴. تاثیر ابعاد منطقه‌گرایی بر کاربری اقامتی

ماخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

شکل شماره (۴) نشان دهنده درصد تاثیرگذاری ابعاد مختلف منطقه‌گرایی در کاربری اقامتی است.

از بررسی طرح‌ها و مسابقات معماری در مشهد بر اساس رویکردهای مرتبط با منطقه‌گرایی این طور نتیجه می‌شود که طرح تئاتر شهر با امتیاز ۳/۳۶ دارای بعد کالبدی اصیل و طرح موزه دفاع مقدس با امتیاز ۴/۲۱ دارای بعد کالبدی جعلی می‌باشد. طرح تئاتر شهر با امتیاز ۳/۸۹ دارای بعد تاریخی - هویتی می‌باشد و سه طرح تئاتر شهر (۳/۳۸)، موزه جامع حرم رضوی (۳/۶۳)، برج‌های دوقلو سبز کوثر (۴/۶۴) دارای ابعاد اقلیمی بوده و هیچ یک از طرح‌های مورد بررسی، نگاه تکنولوژیکی نداشته‌اند، طرح تئاتر شهر با امتیاز ۳/۳۶ دارای ابعاد پدیدار شناسانه - معنا شناسانه نیز می‌باشد. طرح برج‌های دوقلو سبز کوثر

از میان بناهای با کاربری اقامتی شناخته شده، تنها ۴ هتل با رویکرد میانجی‌گرایانه شناخته شد، که از بررسی آنها این گونه نتیجه می‌شود که هتل آبان (۳/۷۱)، هتل میثاق (۳/۶۹)، هتل مدینه الرضا (۴/۱۵)، هتل درویش (۳/۶۵) تنها به ابعاد کالبدی منطقه‌گرایی توجه داشته‌اند. متأسفانه در هتل‌ها که دارای بیشترین مخاطب بوده و مورد توجه جمعیت توریستی قرار دارند، تنها به قصد جلب توجه توریست‌های مذهبی نگاهی کالبدی به منطقه‌گرایی داشته‌اند و هیچگونه توجهی به ریشه‌های اصیل منطقه‌گرایی نشده و تنها به صورتی تظاهری و غیراصیل پوسته‌هایی از معماری گذشته را تکرار کرده و توجهی به مسایل فرهنگی - اجتماعی و یا معنانشناسانه نداشته‌است.

(۳/۱۶)، موزه جامع حرم رضوی (۳/۸۳)، ساختمان نظام مهندسی (۴/۱۵)، تئاتر شهر (۳/۶۵) دارای بعد فضا گرایانه می باشند. تمامی طرح های بررسی شده دارای ابعاد فرهنگی - اجتماعی بوده و در خصوص رویکرد پایداری برج های دوقلو سبز کوثر با امتیاز ۴/۳۸ دارای پایداری زیست محیطی بوده و تئاتر شهر (۳/۴۴)، ساختمان نظام مهندسی (۳/۹۶)، موزه جامع حرم رضوی (۴/۸۶)، برج های دوقلو سبز کوثر (۳/۴۲) دارای پایداری اجتماعی می باشند. از بررسی این طرح ها می توان نگاه امیدوار کننده ای به مسابقات معماری و طرح های پیش رو داشت. این

طور به نظر می رسد که در این طرح ها نشانه هایی از منطقه گرایی در شکل اصیل خود در تمام ابعاد آن قابل مشاهده است و همین طور توجه به مساله پایداری که امروزه بحثی متداول در جوامع معماری روز دنیا است را می توان در این آثار مشاهده نمود. این طور که از بررسی ها نتیجه می شود میزان توجه به تمام ابعاد منطقه گرایی چه ظاهری و صوری و چه معنایی و محتوایی و یا فرهنگی - اجتماعی و پایداری در پروژه های پیش رو مورد توجه قرار گرفته است. شکل شماره (۶) نشان دهنده درصد تاثیر گذاری ابعاد مختلف منطقه گرایی در طرح ها و مسابقات است.



شکل ۶. تاثیر ابعاد منطقه گرایی بر طرح ها و مسابقات ماخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۹)

جدول ۵. نتایج آزمون T تک نمونه ای

متغیر	میانگین	آماره T	اختلاف میانگین	Sig	فاصله اطمینان	
					پایین تر	بالا تر
بناهای شاخص منطبق بر منطقه گرایی	۲/۵۸	۴/۳۴	-۰/۴۲	۰/۰۰۰	-۰/۳۲	-۰/۸۹

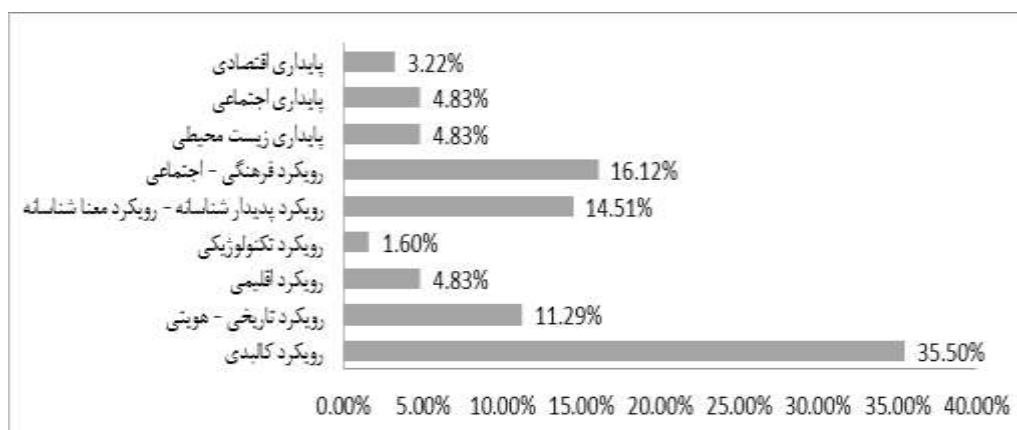
ماخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۹)

با توجه به جدول ۵، میانگین بدست آمده برابر با ۲/۸۵ است، به گونه ای که این میانگین، کمتر از میانگین نظری پژوهش (عدد ۳) و اختلاف میانگین آن

برابر با منفی ۰/۴۲ است. با توجه به میزان سطح معناداری بدست آمده کمتر از ۰/۰۵ است. اختلاف میانگین مورد نظر در سطح اطمینان ۹۵ درصد

معنادار است. چون مقدار میانگین بدست آمده کمتر از میانگین نظری پژوهش است، بنابراین می توان بیان نمود که طیف کثیری از بناهای شاخص مورد بررسی در این پژوهش منطبق بر رویکرد منطقه گرایی نمی باشد. در جهت بررسی این فرضیه که به نظر می رسد

بناهای شاخص شهر مشهد منطبق بر رویکرد منطقه گرایی است. از آزمون T تک نمونه ای استفاده شد نتایج حاصل از این آزمون به شرح جدول ۵ ارائه شده است.



شکل ۷. جمع بندی تاثیر ابعاد منطقه گرایی بر آثار شاخص معماری مشهد ماخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۹)

۴. نتیجه گیری و پیشنهادها

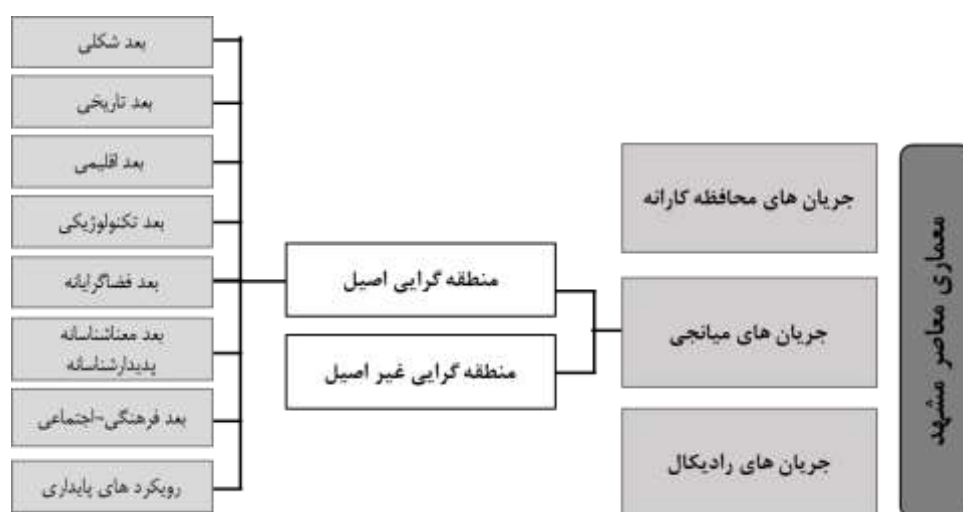
با توجه به تخریب بافت مرکزی شهر مشهد و از بین رفتن الگوهای معماری بومی این شهر از یک سو و از سوی دیگر رشد چشمگیر ساخت و ساز خصوصا در حوزه اقامتی و تجاری این شهر با بحران هویتی در عرصه شهرسازی و معماری روبرو است. حضور الزامات قانونی همچون اجرای معماری ایرانی - اسلامی و گرایش امروز سازندگان معاصر به جریان میانجی سنت و مدرنیته برای ارتقا حس مکان باعث ایجاد جریان نوپای منطقه گرایی در این شهر شده است، اما به علت کم مایه بودن حوزه علمی و نبود الگوهای موفق اجرایی این جریان از مسیر اصلی

خود منحرف شده و به سمت منطقه گرایی غیراصیل و جعلی با سرعت زیادی پیش می رود. به طور کلی جریان های ساخت و ساز معاصر مشهد را می توان در یک دسته بندی جامع در سه جریان عمده تقسیم کرد. دسته اول دسته رادیکال، که طرفدار تغییرات و اصلاحات بوده و شامل بناهایی ست که معماری وارداتی و غربی را پذیرفته و تحت تاثیر جریان معماری غربی بوده است؛ که خود در دو گروه عمده قابل تفکیک است: یک گروه، واپس گرا و مقلد معماری نئوکلاسیک اروپایی است، که سهم بسیار زیادی را در ساخت و سازهای معاصر مشهد دارد، نمونه بارز آن هتل قصر طلایی است. گروه دوم آثار پیشرو و آوانگاردی که شامل جریانات مدرنیسم من جمله سبک بین الملل می گردد، یکی از نمونه های

آن ساختمان شرکت گاز و ساختمان صدا و سیما است. جریان عمده دوم، جریان محافظه‌کار که خود شامل بناهای مختلفی است که سعی در حفظ و تکرار بدون تغییر سبک‌های سنتی دارد، که طرح توسعه حریم حرم امام رضا را می‌توان از بارزترین آثار این گروه دانست.

جریان عمده سوم جریان میانجی است، که سعی در تلفیق بوم‌گرایی و مدرنیسم دارد که خود به دو دسته کلی اصیل و غیر اصیل تقسیم می‌شود که در دو سوی طیف اعتبار قرار دارند. دسته اول منطقه‌گرایی

غیر اصیل است که به زعم سوها اوزکان منطقه‌گرایی جعلی نیز نامیده می‌شود و حاصل الحاقات تاریخی روی پوسته مدرن بوده، که بدترین نوع منطقه‌گرایی می‌باشد. دسته دوم به اعتبار ویلیام کورتیس همان منطقه‌گرایی اصیل نامیده می‌شود. که شامل بناهایی است که در این حضور میانجی‌گرایانه بین سنت و مدرنیته موفق بوده و خود شامل رویکردهای متفاوتی مانند رویکرد شکلی - کالبدی، تاریخی و... می‌باشد که در مدل و جدول زیر به صورت کامل بیان شده است.



شکل ۸. دیاگرام جریان‌های اصلی معماری معاصر مشهد ماخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

این پژوهش استدلال می‌کند که برای خلق یک محیط واقعی پایدار همراه با هویت مکانی، بایستی پیوندهای عمیقی بین مردم، طبیعت و محیط انسان-ساخت وجود داشته باشد. علاوه بر این، این محیط باید مرتبط با واقعیات همواره در حال تغییر دنیای مدرن باشد. فلسفه این پژوهش این است که مطمئن شویم فعالیت‌هایی که امروزه صورت می‌گیرد برای نسل‌های آتی، عواقب منفی بدنبال نداشته باشد و نیز

با اصول پایداری اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی حرفه معماری مطابقت داشته باشد. در این باب، می‌توان اظهار داشت که منطقه‌گرایی آینده‌با پیچیدگی‌های گوناگونی مواجه شده که باید به طور موثر توسط نهادهای مربوط، افراد و تصمیم‌گیران مورد توجه قرار گیرد پیشنهاد این پژوهش بهره‌گیری از تاثیر رویکردهای منطقه‌گرایی خصوصا منطقه‌گرایی پایدار در حوزه مختلف ساخت‌وساز به ویژه انبوه-

سازی و بلندمرتبه‌سازی در شهر مشهد را داشته چرا در جهت نیل به کاهش تأثیرات زیست‌محیطی که فقدان آن تأثیر منفی بر توانایی و تاب‌آوری جامعه خواهد داشت.

کتاب‌نامه

۱. ربانی ابوالفضل، غ.، شفقی، س.، و رهنما، م. ر. (۱۳۹۷). ارزیابی پراکنده‌رویی شهری با استفاده از مدل‌های برنامه‌ریزی فضایی در مشهد، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۳۳ (۲)، ۹۰-۱۰۷.
۲. زه وی، ب. (۱۳۷۶). "چگونه به معماری بنگریم". ترجمه فریده گرمان. تهران: انتشارات شهیدی.
۳. سرخیلی، ا.، پورجعفر، م. و رفیعی، م. (۱۳۹۳). سنجش اثرات همگرایی نیروهای مذهب و اقتصاد در شکل و فرم منطقه ثامن شهر مشهد در دوره معاصر. مطالعات شهری، ۱۲. ۸۷-۱۰۱.
۴. شاه‌چراغی، آ. (۱۳۹۴). پارادایم‌های پردیس: درآمدی بر بازشناسی و بازآفرینی باغ ایرانی. تهران: جهاد دانشگاهی (واحد تهران)
۵. شایان، ح.، و کامل‌نیا، ح. (۱۳۸۷). منطقه‌گرایی و چالش‌های معماری معاصر در آغاز هزاره سوم. معماری و شهرسازی، ۹۱-۹۰، ۱۵-۱۰.
۶. شریعت‌زاده، ی. (۱۳۷۴). اعتدال میان سنت و نوآوری. فصلنامه آبادی، ۵ (۱۹)، ۶۷-۶۴.
۷. مشهدی، ع. و امین‌پور، ا. (۱۳۹۶). تدوین فرایند و شاخص‌های مؤثر بر گونه‌شناسی معماری با معیار ویژگی‌های ترکیب‌بندی (نمونه موردی: بناهای تاریخی شهر اراک). مدیریت شهری، ۴۸، ۱۸۶-۱۷۳.
۸. معماریان، غ. ح. (۱۳۹۳ ب). مبنای طراحی معماری. تهران: انتشارات نغمه نو اندیش.
۹. معماریان، غ. ح. (۱۳۹۳ الف). سیری در مبانی نظری معماری. تهران: انتشارات مؤلف
۱۰. معماریان، غ.، و طبرسا، م. ع. (۱۳۹۲). گونه و گونه‌شناسی معماری. نشریه علمی-پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، ۶. ۱۱۳-۱۰۳
۱۱. مهدوی‌نژاد، م. ج.، بمانیان، م. ر.، و خاکسار، ن. (۱۳۸۹). هویت معماری؛ تبیین معنای هویت در دوره‌های پیشامدرن، مدرن و فرامدرن. هویت شهر، ۵ (۷)، ۱۲۲-۱۱۳.
۱۲. نسبیت، ک. (۱۳۹۴). نظریه‌های پسامدرن در معماری. ترجمه: محمدرضا شیرازی. چاپ هفتم، تهران: نشر نی.
13. Canizaro, V. (ed.). (2007). *Architectural regionalism: Collected writings on place, identity, modernity, and tradition*. New York: Princeton Architectural Press.
14. Colquhoun, A. (2007). *Critique of regionalism, the concept of regionalism*. In ed. Vincient B. Canizaro. London: Architectural Regionalism: Collected Writing.
15. Curtis, William J. R. (1986). *Towards an authentic regionalism*. In MIMAR 19: Architecture in Development. Singapore: Concept Media Ltd.
16. Eggener, K. L. (2002). Placing resistance: A critique of critical regionalism. Edited by V. B. Canizaro. New York: Princeton Architectural Press.
17. Fawn, R. (2009). 'Regions' and their study: wherefrom, what for and where to? *Review of International Studies*, 35, 5-34.
18. Foster, K. A. (2001). *Regionalism on purpose*. London: Lincoln Institute of Land Policy.

19. Frampton, K (1987). *Ten Points on Architecture of Regionalism: A Provisional Polemic*. Center 3, New Regionalism p. 20-27. New York: Rizzoli.
20. Frampton, K. (1983). Prospects for a critical regionalism. *Perspecta: The Yale Architectural Journal*, 20, 147-162.
21. Hettne, B., & Söderbaum F. (2002). *Theorising the rise of regionness*. in Shaun Breslin, et al. (eds.) *New Regionalism in the Global Political Economy*. London: Routledge.
22. Ibelings, H. (2007). *Supermodernism: Architecture in the age of globalization*, Netherlands: Netherlands Architecture Institute.
23. Lehmann, S. (2016). An environmental and social approach in the modern architecture of Brazil: The work of Lina Bo Bardi, City. *Culture and Society*, 7, 169.185.
24. Mallgrave, H. F., & Goodman, D. J. (2011). *An Introduction to Architectural Theory: 1968 to the Present*. Wiley-Blackwell.
25. Mansfield, E. D., & Milner, H. V. (1999). The new wave of Regionalism. *International Organization*, 53(3), 589-627.
26. Mumford . L. (1938). *The Culture of Citie.*, New York: Harcourt, Brace.
27. Nye, J. S. (1968). Comparative regional integration: Concept and measurement. *International Organization*, 22, 855-880.
28. Ozkan, S. (1982). *Regionalism within Modernism*. In Canizaro, B. (end). *Architectural Regionalism. Collected writings on Place, Identity, Modernity and Tradition*. NewYork: Princeton Architectural Press.
29. Procter, P. (1982). *Longman dictionary of contemporary English*. Harlow: Longman.
30. Ricoeur, R. (1965). *Universal civilization and national cultures*. As cited by Kenneth Frampton in "Towards a Critical Regionalism. Evanston: Northwestern University Press.
31. Söderbaum, F. (2011). *The routledge handbook of Asian regionalism*, edited by Mark Beeson and Richard Stubbs. London: Routledge.
32. Tzonis, A., & Lefaivre, L. (1981). *The grid and the pathway, an introduction to the work of Dimitris and Suzana Antonakakis*. Athens: Architecture in Greece.
33. Tzonis, A., & Lefaivre, L. (2003). *Critical regionalism, architecture and Identity in a Globalized World, Munich, Berlin, London*. New York: Prestel.
34. Tzonis, A., & Lefaivre, L. (2012). *Architecture of Regionalism in the Age of Globalization, Peaks and Valleys in the Flat World*. London: Routledge.
35. Webster 's New World Editors, Guralnik, D. B., & Neufeldt, V. (1988). Webster 's new world college dictionary, 1988, 3rd ed, New York: Webster's New World

تدوین دستورالعمل شفاف سازی عملکرد مدیریت شهری، مورد پژوهی: شهر مشهد

شقایق پارسا (کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

sh.parsa@student.art.ac.ir

ناصر برک پور (استاد گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران، ایران)

barakpur@gmail.com

تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۰۶/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۱

صص ۲۰۷-۱۸۷

چکیده

امروزه مدیریت شهری یک ضرورت در ایجاد یکپارچگی و هماهنگی در نظام شهری است. از الزامات مدیریت شهری کارآمد و اثربخش حرکت در راستای حکمروایی خوب شهری است که این امر، بدون توجه به سه مؤلفه شفافیت، پاسخگویی و مشارکت امکان پذیر نخواهد بود. یکی از راهکارهایی که برای افزایش اعتماد عمومی و تعامل بیشتر با شهروندان برای نهادهای مدیریت شهری و به طور ویژه شهرداری و شورای اسلامی شهر پیشنهاد می شود، ارائه دستورالعملی برای شفاف سازی عملکرد سیستم مدیریت شهری است. به عبارت دیگر شفاف سازی یک عنصر سازنده برای افزایش اعتماد به نهادها قلمداد شده که قادر به بر طرف کردن شکاف بین مسئولین مدیریت شهری و شهروندان خواهد بود. در این دستورالعمل دسته بندی اطلاعات برای انتشار شامل: اطلاعات اقتصادی، شهروندی، قوانین و مقررات، نظارت و کنترل، منابع انسانی و شهرسازی است. پژوهش حاضر از حیث هدف یک تحقیق کاربردی و روش انجام آن پیمایشی است. برای انجام این تحقیق پس از مطالعه منابع و اسناد کتابخانه ای، برای جمع آوری داده ها، مصاحبه با متخصصین و اساتید حوزه مدیریت شهری صورت گرفته است، همچنین روش تحلیل داده ها تفسیری است و برای تحلیل داده ها از نرم افزار MAXQDA استفاده شده است. یافته های تحقیق حاکی از آن است که میزان شفافیت در سیستم مدیریت شهری کشور و شهر مشهد نامناسب است و به نظر می رسد تدوین دستورالعمل جامع شفاف سازی یکی از تدابیر اولیه برای شفاف سازی است. در نهایت دستورالعمل نهایی با انجام مصاحبه ها، تحلیل داده های حاصل از مصاحبه و بررسی اسناد، قوانین و مقررات، برای کاربرد در نظام مدیریت شهری مشهد مناسب سازی شده است.

کلید واژه ها: دستورالعمل، شفاف سازی، مدیریت شهری، مشهد.

۱. مقدمه

۱.۱. طرح مسئله

مدیریت شهری مبحثی است که با ظهور شهرهای نوین و افزایش پیچیدگی‌های زندگی شهری شکل جدیدی به خود گرفته است. یکی از مباحث مهم و درعین حال جدید که در چند دهه اخیر در متون مدیریت شهری مطرح شده است، موضوع پاسخگویی و شفافیت است، این موضوع به خصوص در کشورهای در حال توسعه در راستای استقرار و نهادینه سازی جامعه مدنی، خود را نشان می‌دهد. سیاست‌های شفاف سازی با سرعت روز افزون در سراسر جهان در حال توسعه و پخش است. در سال ۱۹۹۰ فقط ۹ کشور از قوانین آزادی اطلاعات بهره مند بودند که این تعداد در سال ۲۰۰۰ به ۳۰ کشور و در سال ۲۰۱۴ به ۱۰۰ کشور رسید (اوزتوپراک^۱ و رویجر^۲، ۲۰۱۶، ص. ۵۳۶). بریمن (۲۰۰۶) مطرح می‌کند که شفافیت به عنوان یک مسئله بین‌المللی، پس از جنگ جهانی اول در مذاکرات پس از جنگ، به شهرت رسید.

زمان قابل توجهی برای بسیاری از کشورها طول کشید تا شفافیت را دنبال کنند. در اواسط دهه ۱۹۸۰، تنها ۱۱ کشور از قوانین اطلاعاتی برخوردار بودند، اما در پایان سال ۲۰۰۴، ۵۹ کشور آن را در اختیار داشتند (برتوت^۳، جاجر^۴ و گریمز^۵، ۲۰۱۰، ص. ۲۶۴).

شفافیت به عنوان اصل اساسی حکمرانی خوب شناخته می‌شود. برنامه توسعه سازمان ملل مطرح کرده است، شفافیت به معنی به اشتراک گذاشتن اطلاعات و عمل به شیوه‌ای باز است. سیستم‌های شفاف دستورالعمل‌های روشنی برای تصمیم‌گیری عمومی و ارتباط بین ذی‌نفعان و مقامات دارند. همچنین دسترسی آزاد به اطلاعات نقش مهمی در ارتقای شفافیت ایفا می‌کند با این حال، اطلاعات باید به موقع، مناسب، دقیق و کامل باشد تا به طور مؤثر مورد استفاده قرار گیرد (سازمان اسکان بشر^۶، ۲۰۰۴، ص. ۷). این در حالی است که جامعه شهری ایران به درجه‌ای از پیچیدگی رسیده است که بدون حاکمیت شایسته یا نهاد سازی برای چنین حاکمیتی امکان توسعه نخواهد داشت. یکی از شرایط مهم و اساسی دموکراسی در این حاکمیت، عملکرد صحیح دستیابی به اطلاعات است. شهروندان مطلع، بهتر می‌توانند به فرآیندهای دموکراتیک کمک کنند، بهتر قادر به درک و پذیرش تصمیماتی هستند که بر آن‌ها تأثیر می‌گذارند (رویجر^۷، گریملیکه‌یسن^۸ و میجر^۹، ۲۰۱۷، ص. ۲).

تیم تحقیقاتی پروژه عدالت جهانی گزارشی را در سال ۲۰۱۹ تحت عنوان "گزارش شاخص حکومت باز" منتشر کرده است، این بررسی بر پایه چهار بعد حکومت باز صورت گرفته است: ۱. قوانین و اطلاعات حکومتی منتشر شده، ۲. حق دسترسی به اطلاعات، ۳. مشارکت مدنی و ۴. مکانیسم‌های

1. Oztoprak
2. Ruijer
3. Bertot
4. Jaeger
5. Grimes

6. UN-HABITAT
7. Ruijer
8. Grimmelikhuijsen
9. Meijer

دادخواهی. ۱۲۶ کشور بر اساس این بررسی امتیازدهی و رتبه‌بندی شده‌اند. یافته‌های این تیم نشان می‌دهد که از ۱۲۶ کشور بررسی شده از نظر این شاخص، کشورهای دانمارک، نروژ و فنلاند با کسب بهترین امتیازهای شاخص، رتبه‌های اول تا سوم را به خود اختصاص داده‌اند و در این رتبه‌بندی ایران در رتبه ۱۰۲ قرار گرفته است (پروژه عدالت جهانی^۱، ۲۰۱۹، ص. ۱۱). شفافیت گرچه مفهومی ساده است اما کاربست آن تنها منوط به شناخت دقیق و تسلط بر تنوع مصادیق آن است. از طرفی وجود یک دستورالعمل شفاف‌سازی برای کاربست صحیح و مناسب شفافیت در ابعاد مختلف از الزامات اساسی ارگان‌ها، سازمان‌ها و ادارات است. این در شرایطی است که، ایجاد سازمانی به نام شهرداری که یکی از نهادهای اصلی سیستم مدیریت شهری محسوب می‌شود، عالی‌ترین تدبیری بوده است که از طرف دنیای مدرن برای پاسخگویی به نیازمندی‌ها و توقعات بی‌شمار ساکنان شهرها به کار برده شده است، اما این سازمان وقتی در تعامل با مردم توفیقی به دست نیاورد، نه تنها قادر نخواهد بود، مشکلات را به طور کامل و جامع مرتفع نماید، بلکه خود به مانعی برای رفع مشکلات تبدیل خواهد شد (صابری فر، ۱۳۹۲، ص. ۱۲۸). یکی از راهکارهایی که برای افزایش اعتماد عمومی و تعامل بیشتر با شهروندان برای نهادهای مدیریت شهری و به طور خاص شهرداری و شورای اسلامی شهر در کشور پیشنهاد می‌شود، ارائه دستورالعملی برای شفاف سازی

عملکرد سیستم مدیریت شهری و به طور ویژه برای شهر مشهد است. این در حالی است که، بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ جمعیت مشهد بالغ بر ۳۰۰۱۱۸۴ نفر بوده که پس از تهران پرجمعیت‌ترین شهر ایران محسوب می‌شود و از سال ۱۳۹۷ دارای شهرداری بوده است. این دستورالعمل باعث ارتقا شفافیت و افزایش اعتماد و آگاهی عمومی شهروندان این شهر می‌شود و قادر به برطرف کردن شکاف بین مسئولین نهادهای مدیریت شهری و شهروندان در مشهد خواهد بود.

۲.۱. پیشینه پژوهش و مبانی نظری

۱.۲.۱. پیشینه پژوهش

حق دسترسی به اطلاعات از مقولاتی است که از چند دهه قبل به آن توجه گردیده و همواره رویکردی که به آن وجود داشته به آزادی بیان مطبوعات پرداخته و کمتر درباره حق دسترسی به اطلاعات سخن گفته است.

برنامه اسکان بشر ملل متحد و شفافیت بین‌المللی (۲۰۰۴) در گزارشی با عنوان "ابزارهایی برای حمایت از شفافیت در حکومت محلی" پنج راهبرد برای ارتقاء شفافیت از طریق رویکرد مدیریتی در سطح محلی ارائه می‌دهد که شامل؛ ارزیابی و نظارت، دسترسی به اطلاعات، اخلاق و یکپارچگی، اصلاحات سازمانی و هدف‌گذاری موضوعات خاص است (سازمان اسکان بشر، ۲۰۰۴، ص. ۱۹).

اداره جوامع و حکومت‌های محلی (۲۰۱۴) در گزارشی به ارائه دستورالعمل شفاف‌سازی در حکومت‌های محلی انگلستان می‌پردازد. این دستورالعمل شامل قوانینی است برای برآوردن تمایل

دولت به قرار دادن قدرت بیشتر به دست شهروندان برای افزایش پاسخگویی دموکراتیک و تسهیل آن برای مردم محلی جهت کمک به روند تصمیم‌گیری محلی و کمک به شکل دادن به خدمات عمومی، صادر شده است (دپارتمان جوامع و دولت محلی^۱، ۲۰۱۴، ص ۴). سه اصل باعث تهیه این دستورالعمل شده است: تقاضا، بازکردن و به موقع بودن. (دپارتمان جوامع و دولت محلی، ۲۰۱۳، ص ۲۲).

اوزتوپراک^۲ و رویجر^۳ در پژوهشی با عنوان "انواع شفاف‌سازی: تحلیل دستورالعمل‌های شفاف‌سازی حکومت محلی انگلستان در سال ۲۰۱۵" بیان می‌کنند: این دستورالعمل بر اکثر قدرت‌های محلی به جز بعضی از شهرهای کوچک و سیاسی و دستگاه‌های جنایی دلالت می‌کند. دستورالعملی که دسترسی و استفاده مجدد اطلاعات بخش عمومی توسط گروه‌های علاقه‌مند را نقض نمی‌کند. برای چارچوب قانونی مازاد، دستورالعمل اطلاعات بخش عمومی را بصورت رایج بدون هیچ درخواست یا فعالیتی در دسترس می‌سازد. دستورالعمل، قدرت‌های محلی را به انتشار ۱۴ مجموعه داده در ۳ گروه کلی ذیل وامیدارد:

- ۱- داده‌هایی که هر سه ماه منتشر می‌شوند، ۲-
- داده‌هایی که سالیانه منتشر می‌شوند، ۳- داده‌هایی که فقط یک بار منتشر می‌شوند (اوزتوپراک و رویجر، ۲۰۱۶، ص ۹).

جورنا^۴ (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان "پذیرا بودن حاکمیت شهری: چگونگی شفافیت دولت محلی" که روی دولت‌های محلی اروپا انجام داده است، تاثیر دولت آزاد را به وسیله افزایش شفافیت در فعالیت‌های سستی محلی در یکی از شهرهای هلند مورد بررسی قرار می‌دهد که به عنوان یک پیش‌تاز در مشارکت شهروندان در اداره شهر شناخته می‌شود (جورنا، ۲۰۱۵، ص ۱۸۰-۱۶۲).

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، ارزیابی شفافیت ماهیت گسترده‌ای دارد که در پژوهش‌های داخلی انجام شده بیشتر بر همین موضوع تاکید شده است. این‌گونه مطالعات عموماً اصول پایه شفافیت را در نظر می‌گیرند و سپس بر همین اساس میزان شفاف بودن سیستم‌های مختلف را اعلام می‌کنند. اما هدف اصلی این تحقیق بهبود شفاف‌سازی از طریق یک سازوکار اجرایی است. در این پژوهش بررسی عوامل موثر بر تدوین دستورالعمل شفاف‌سازی در بستر مدیریت شهری و همچنین تدوین دستورالعمل شفاف‌سازی مدیریت شهری، شهر مشهد برای اجرای یک نمونه محلی مناسب سازی شده، هدف خواهد بود.

1. Department for Communities and Local Government
2. Oztoprak
3. Ruijer

جدول ۱. اهداف تحقیقات انجام شده داخلی در باب موضوع شفاف سازی

عنوان پژوهش / (پژوهشگر و سال انتشار)	هدف پژوهش
بررسی نقش شفافیت در تحقق حکمرانی مطلوب / (هرمزیزدانی، ۱۳۸۴)	بررسی نقش شفافیت از ابعاد مختلف در حکمرانی خوب
بررسی پاسخگویی و شفافیت در مدیریت شهری براساس الگوی حکمرانی شهری خوب نمونه موردی؛ شهرداری منطقه ۶ تهران / (آرایی، ۱۳۸۷)	بررسی مولفه های پاسخگویی و شفافیت، عوامل موثر و میزان آنها در ارتباط با مدیریت شهری منطقه ۶ تهران
بررسی نقش کنشگران عرصه شهری در حق دسترسی به اطلاعات؛ (نمونه موردی: شهر مشهد) / (رستگار، ۱۳۸۸)	تعیین نقش و جایگاه کنشگران شهری در حق دسترسی به اطلاعات
بازنمودن آگاهی جمعی برنامه ریزان دولت الکترونیک از پدیده شفافیت اطلاعات / (کاظمی، ۱۳۸۸)	درک هرچه بیشتر مفهوم شفافیت از دید برنامه ریزان دولت الکترونیک استان خراسان رضوی
بررسی و سنجش شفافیت و پاسخگویی در مدیریت شهری مشهد بر اساس الگوی حکمروائی شهری خوب / (حسن زاده کجیدی، ۱۳۹۱)	تبیین مفهوم، ابعاد و شاخصه های شفافیت و پاسخگویی و بررسی میزان شفافیت و پاسخگویی در مدیریت شهری شهر مشهد در سال ۱۳۹۱ و ارائه عوامل موثر بر ارتقا آن
سنجش شفافیت سازمانی در منطقه ویژه اقتصادی پیام / (بخت آزاد، ۱۳۹۶)	سنجش وضعیت شفافیت سازمانی در منطقه پیام
بررسی تطبیقی مبانی و آثار حقوقی اصل شفافیت از دیدگاه اسلام و نظریه حکمرانی خوب / (طاهری، ۱۳۹۶)	بررسی تطبیقی مبانی و آثار اصل شفافیت از منظر اسلام و حکمرانی خوب

مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۸)

۱.۲.۲. مبانی نظری

اصطلاح شفافیت در سال های اخیر فراگیر شده و محبوبیت بدست آورده است چرا که عدم شفافیت در ابزارهای مالی به عنوان یکی از عوامل مهم در ایجاد بحران اقتصادی در سال های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ شناخته شده است (اتزیونی^۱، ۲۰۱۰، ص. ۲)، اما به ندرت با دقت و موشکافی تعریف شده است، دلایل اصلی این امر به کارگیری این اصطلاح در حوزه های مختلف و ماهیت و ویژگی های گسترده آن است. ایده ی شفافیت به سال ۱۸۹۰ و به کار آدامز^۲ برمی گردد، که استفاده از تبلیغات را برای محدود

کردن فساد در شرکت ها تشویق می کرد و شفافیت را رهایی از ظاهر سازی و نیرنگ تعریف کرد (موسسه رهبری اجرایی بانف، ۲۰۰۳؛ محمدی کیا، ۱۳۹۰، ص. ۳۶).

OECD^۳ بیان می کند، شفافیت به محیطی اطلاق می شود که در آن اهداف، سیاست ها، چارچوب های قانونی، نهادی و اقتصادی آن تصمیم گیری در مورد سیاست ها و دلایل آنها، داده ها و اطلاعات مربوط به سیاست های پولی و مالی و شرایط پاسخگویی به موقع است. همچنین مرکز منابع مبارزه با فساد U4^۴

3. Organisation for Economic Co-operation and Development
4. Anti-Corruption Resource Centre

1. Etzion.
2. Adams

شفافیت را کیفیت باز بودن، ارتباط و جواب گو بودن تعریف می کند (زونیکا^۱، ۲۰۱۸، ص. ۳).

لیندست^۲ و نورین^۳ (۲۰۰۷) در توضیح مفهوم شفافیت چنین می گویند: "مفهوم شفافیت بر قابلیت دسترسی به اطلاعات دلالت دارد، لغت شفافیت به معنای امکان نگاه کردن به درون یک چیز است به منظور فهمیدن آن چه در آن می گذرد" (لگزیان، مرتضوی و کاظمی، ۱۳۸۷، ص. ۱۹۳). همچنین جولینت و پاکوئث (۲۰۰۷) شفافیت را ابزاری که مشارکت مردم را در تدوین و اجرای سیاست های عمومی را تشویق می کند تعریف می کنند، در حقیقت تمایل رو به رشدی برای مشارکت مردم در تصمیم گیری و فرآیندهای تصمیم در دولت وجود دارد. برای اینکه آن ها بتوانند فعالانه در مدیریت دولت شرکت کنند (مارشال^۴ و ویلناو^۵، ۲۰۱۱، ص. ۱۴۸). در نتیجه شفافیت دولت از طریق تعاملات پیچیده بین مجموعه ای از کنشگران سیاسی و اجتماعی در مجموعه ای از قوانین رسمی و غیر رسمی و در دسترس بودن انواع تکنولوژی های جدید و پیوسته، ساخته شده است (میجر^۶، ۲۰۱۳، ص. ۴۲۹). باید توجه داشت که در مبانی دموکراتیک این ایده که "اراده مردم پایه و اساس اقتدار دولت است" بدون وجود شفافیت غیرممکن است (مندل^۷، میرو^۸ و استارک^۹، ۲۰۱۴، ص. ۲). در نهایت، هیلد معتقد است،

شفافیت به طور کلی به عنوان اصل توانمندسازی مردم برای کسب اطلاعات درباره ساختار و عملیات یک نهاد مشخص تعریف می شود. شفافیت اغلب مترادف با صراحت و افشا محسوب می شود، هرچند تفاوت های جزئی بین این دو وجود دارد (هیلد^۹، ۲۰۰۶، ص. ۲۶).

به طور کلی شفافیت مفهوم گسترده ای دارد که باید دارای ویژگی هایی باشد از جمله: ۱. مبتنی بر ایجاد اعتماد؛ ۲. ارتباط مستقیم با دسترسی آزاد به اطلاعات دارد؛ و ۳. اصلی برای دموکراسی، مشارکت و حکمرانی مطلوب.

۱. ۲. ۲. ۱. انواع شفافیت

شفافیت مفهوم وسیعی است آن چه باعث متمایز شدن شفافیت و سایر مقوله های حکمرانی مطلوب می شود ابعاد گسترده و جامع آن است. لینستدت و نورین معتقدند؛ به طور کلی می توان دو گونه از شفافیت را از هم تفکیک کرد، گونه اول حالتی است که ارائه اطلاعات در اختیار عامل نیست و نوعی افشای اطلاعات است که عامل خود به ارائه آن ها نمی پردازد. اما گونه دوم شفافیت حالتی است که به آن افشاگری می گویند، که یک سازمان یا یک عامل خود با میل خود به افشای اطلاعات می پردازد. گونه اول را شفافیت خارج از کنترل عامل و گونه دوم را شفافیت در کنترل عامل می نامند (لیندست و نورین، ۲۰۰۶، ص. ۹). در دسته بندی هیلد (۲۰۰۶) دو روش شفاف سازی عمودی و افقی را از هم تفکیک می کند. بر این اساس در شفاف سازی عمودی، شفاف سازی از بالا

1. Zúñiga
2. Lindstedt
3. Naurin
4. Martial
5. Villeneuve
6. MendelT
7. Meyer
8. Stark

به پایین و در شفاف سازی افقی، از پایین به بالا وجود دارد. شفاف سازی افقی زیردستان را مجبور به تأمین اطلاعات برای مافوق خود می کند تا به آنها اجازه دهد، از اتفاقات سطوح پایین تر باخبر شوند. برغم این، شفاف سازی عمودی، مافوق ها را به توانمندسازی زیردستان مجبور کرده تا درباره سطوح بالاتر اطلاع داشته باشند (اوزتوپراک و رویجر، ۲۰۱۶، ص ۵).

در رویکرد اصلاحی هیلد پیشنهاد می شود که شفافیت به صورت الکترونیک به ۳ دسته تقسیم شود: ۱- شفافیت داده، ۲- شفافیت فرآیند و ۳- شفافیت سیاست/ تصمیم گیری (بنیستر^۱ و کونولی^۲، ۲۰۱۱، ص ۸).

۲. روش شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از حیث هدف کاربردی است و روش انجام تحقیق پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش، مدیران، کارشناسان و صاحب نظران نهادهای مدیریت شهری شهر مشهد، اعضای هیئت علمی، پژوهشگران و فعالان حوزه مدیریت شهری هستند. به منظور جمع آوری داده از روش مصاحبه عمیق با افرادی که دارای آشنایی با موضوع تحقیق یا دارای سابقه مواجهه با این موضوع بوده و یا به عنوان مسئول در این زمینه فعالیت داشته اند، اقدام گردیده است. انتخاب سازمان های مورد مصاحبه نیز با توجه به سابقه رخداد مساله تحقیق در آنها صورت گرفته است. انتخاب افراد مصاحبه شونده بر اساس رویکرد

قضای^۳ صورت گرفته است، همچنین روش تجزیه و تحلیل داده ها، کدگذاری با استفاده از نرم افزار تحلیل کیفی داده ها MAXQDA است.

۲.۱. روش نمونه گیری

روش نمونه گیری این تحقیق از نوع نمونه گیری هدفمند است، بدین ترتیب که با توجه به وجود گروه های اصلی دخیل در مدیریت شهری مشهد، ابتدا بخش هایی از هریک از گروه ها انتخاب گردیده و ۳۰ متخصص در دسترس در این حیطه شناسایی شد، به طور مثال؛ در شهرداری مشهد ابتدا مسئولین مرتبط با شفاف سازی سازمان شناسایی و سپس مصاحبه با مسئولین و کارشناسان به صورت تصادفی و نمونه در دسترس صورت گرفته است. معیار تعداد مصاحبه با متخصصین اشباع نظری بوده است؛ پس از مصاحبه با ۱۴ نفر یافته جدیدی از مصاحبه ها به دست نیامد و نتایج به تکرار رسیدند.

۳. بخشی از جامعه بر مبنای قضاوت پژوهشگر به عنوان نمونه انتخاب می شود. معمولاً در نمونه گیری قضای انتخاب سنجیده واحدها به طریقی صورت می گیرد که هریک معرف بخشی از جامعه مورد نظر باشند.

1. Bannister, F
2. Connolly, R

جدول ۲. مشخصات مصاحبه شوندگان

تحصیلات/ رشته تحصیلی	پست سازمانی
۱ کارشناسی ارشد/ علوم ارتباطات اجتماعی	مدیر روابط عمومی معاونت حمل و نقل و ترافیک، شهرداری مشهد.
۲ دانشجوی دکترا/ جغرافیای سیاسی	معاون مدیرکل نوسازی و تحول سازمانی، شهرداری مشهد.
۳ کارشناسی ارشد/ مهندسی عمران	مدیر طرح و برنامه حوزه معاونت شهرسازی و معماری، شهرداری مشهد.
۴ دکترا / جغرافیا و برنامه ریزی شهری	رئیس نهاد مطالعات و توسعه عمران شهر مشهد، شهرداری مشهد.
۵ دانشجوی دکترا / حقوق تجارت بین الملل	عضو شورای شهر مشهد
۶ کارشناسی ارشد/ مدیریت پروژه	معاون برنامه ریزی و توسعه، شهرداری مشهد
۷ دانشجوی دکترا/ برنامه ریزی شهری	شهردار منطقه ۱۲ شهر مشهد
۸ دکترا/ شهرسازی	عضو مرکز پژوهش های شورای شهر و مدرس دانشگاه فردوسی.
۹ دکترا / شهرسازی	عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی سجاد
۱۰ دکترا / شهرسازی	کارشناس امور اجتماعی شهری، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری
۱۱ دکترا/ شهرسازی	عضو هیئت علمی دانشگاه امام رضا و مدرس دانشگاه فردوسی
۱۲ دکترا/ شهرسازی	کارمند شهرداری مشهد و پژوهشگر شهری
۱۳ کارشناسی ارشد/ برنامه ریزی شهری	عضو جامعه مهندسين مشاور، مهران
۱۴ کارشناسی ارشد/ برنامه ریزی منطقه ای	عضو جامعه مهندسين مشاور طاش و فرهنگ و مدرس

مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۸)

۳. یافته های پژوهش

۳.۱. قوانین، مقررات و مصوبات مدیریت

شهری در باب موضوع شفاف سازی در کشور

به منظور شناخت بیشتر جایگاه شفاف سازی در حیطه مدیریت شهری و به طور ویژه نهادهای اجرایی و عمومی، پیش از ورود به مبحث مدیریت شهری شهر مشهد و بررسی قوانین و مصوبات مربوطه، به بررسی قوانین اثر گذار و پایه ای در شفاف سازی بر

مدیریت شهری در سطح کلان پرداخته شد. لزوم توجه به این قوانین و مصوبات از آن جهت است که، هرچند دستورالعمل مورد بحث در این پژوهش محلی و منحصر به بستر مدیریت شهری شهر مشهد است، ولی در اساس متأثر از یک جریان فکری ملی کلان و سیاست گذار با نام شفاف سازی اطلاعات در دستگاه های دولتی و اجرایی کشور است.

جدول ۳. احکام مرتبط با شفاف سازی تاثیر گذار بر دستگاه های اجرایی مدیریت شهری

عنوان قانون (سال تصویب) / ماده	
مخاطب	عنوان تکلیف
قانون شهرداری ها با اصلاحات و الحاقات (۱۳۳۴) / ماده ۴۷، ۷۱ و ۹۹	
شهرداری ها	الزام به اطلاع رسانی آن دسته از مصوبات شهرداری که جنبه عمومی دارند.
	تکلیف به انتشار صورت جامعی از درآمد و هزینه شهرداری که به تصویب انجمن

عنوان قانون (سال تصویب) / ماده	
عنوان تکلیف	مخاطب
شهر رسیده است. الزام به آگهی عمومی حریم و نقشه جامع شهرسازی و مقررات مذکور پس از تصویب انجمن شهر و تایید وزارت کشور.	
قانون مالیات‌های مستقیم با اصلاحات و الحاقات (۱۳۶۶) / ماده ۱۶۹	
الزام به ایجاد پایگاه اطلاعات هویتی، عملکردی و دارایی مؤدیان مالیاتی	سازمان امور مالیاتی و کلیه موسسات عمومی و انقلابی
قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران (۱۳۷۵) / ماده ۷۱ و ۷۶	
الزام به انتشار عمومی صورت بودجه و هزینه‌ها در پایان هر سال مالی	شوراهای اسلامی کشور
الزام به راه اندازی پایگاه رایانه‌ای جهت اطلاع عموم مردم از مصوبات، تصمیمات، عملکرد، بودجه، هزینه و درآمدها	شورای شهر، شهرداری و سازمان‌های وابسته
قانون مدیریت خدمات کشوری با اصلاحات و الحاقات (۱۳۸۶) / ماده ۲۷	
الزام دستگاه‌های اجرایی به شفاف نمودن مراحل، زمان و کیفیت و استاندارد ارائه خدمات و تغییرات آن‌ها ظرف مدت سه ماه	دستگاه‌های اجرایی
قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات (۱۳۸۷) / ماده ۲، ۴، ۵، ۷، ۸ و ۱۰	
دسترسی به اطلاعات عمومی برای عموم مردم	دولت و دستگاه‌های اجرایی
قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد (۱۳۹۰) / ماده ۸ و ۱۹	
تدوین سیاست‌ها و راهکارهای شفاف سازی اطلاعات و استقرار و تقویت نظام‌های اطلاعاتی و تأمین نیازهای اطلاعاتی دستگاه‌های نظارتی و اطلاعاتی کشور دسترسی به پژوهش‌ها و تحقیقات غیرمحرمانه که از محل بودجه عمومی تأمین اعتبار شده‌است.	سازمان برنامه و بودجه، کلیه دستگاه‌های اجرایی و موسسات عمومی
قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار (۱۳۹۰) / ماده ۲۴	
اطلاع رسانی هرگونه تغییر سیاست ها ، مقررات و رویه‌های اقتصادی در زمان مقتضی قبل از اجرا	دولت و دستگاه‌های اجرایی

۳.۲. مصوبات شورای شهر مشهد در حوزه

شفاف سازی

در این قسمت به بررسی قوانین، مقررات و مصوبات شورای شهر مشهد به عنوان یک نهاد ناظر در حوزه شفاف‌سازی پرداخته شده‌است. در ارتباط با هر یک از مصوبات در جدول شماره ۵ توضیحات

و مفاهیم عام شفاف سازی هر مصوبه ذکر شده تا نقاط تاکید بیشتر، آشکار شود.

جدول ۴. مصوبات شورای شهر مشهد در حوزه شفاف سازی و ارتباط آن عناصر شفاف سازی

نام مصوبه	ابعاد شفاف سازی	اطلاعات برای شفاف سازی
منشور حقوق شهرنشینی شهر مشهد	شفاف سازی اطلاعات	بهای تمام شده خدمات
	شفاف سازی مشارکتی	اطلاعات شخصی کارکنان
	پاسخگویی	اطلاعات درآمد و هزینه
	شفافیت در مسئولیت ها	فرآیند وضع، تغییر و اجرای تصمیمات
آیین نامه حمایت و تشویق اعلام کنندگان مفاسد اداری در شهرداری مشهد	شفافیت اقتصادی	ساختار سازمانی
		جلسات علنی شورای اسلامی شهر
مأموریت های مالی و عملکردی در مأموریت های خارج از کشور	پاسخگویی	نظارت و مبارزه با فساد
	شفافیت اقتصادی	
شفافیت مالی و عملکردی در مأموریت های خارج از کشور	شفافیت اقتصادی	مأموریت های کاری خارج از کشور
حمایت و تشویق مادی و معنوی از گزارشگران تخلفات واقع شده و یا در حال وقوع	پاسخگویی	نظارت و مبارزه با فساد
	شفافیت اقتصادی	
بهبود پاسخگویی و شفافیت در معاملات شهرداری مشهد	شفاف سازی اطلاعات	هزینه ها شهرداری
	پاسخگویی	منابع درآمدی شهرداری
	شفافیت اقتصادی	اطلاعات معاملات شهرداری
انتشار عمومی اطلاعات شهرسازی	شفاف سازی اطلاعات	اطلاعات شهرسازی
	شفاف سازی مشارکتی	
شفاف سازی و اطلاع رسانی کامل اطلاعات معاملات شهرداری	شفاف سازی اطلاعات	شفافیت در اطلاعات: مناقصه، مزایده، سرمایه گذاری و معاملات شهرداری
	پاسخگویی	
	شفافیت در مسئولیت ها	
	شفافیت اقتصادی	

مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۸)

۳.۳. فرآیند تحلیل داده ها

باید به خاطر داشت که نرم افزارهای تحلیل کیفی به خودی خود داده ها را برای شما کدگذاری و تحلیل نمی کنند، این وظیفه همچنان بر عهده پژوهشگر است (سالدنا، ۱۳۹۵، ص. ۴۵). در این پژوهش برای تحلیل مصاحبه های صورت گرفته از روش تفسیری استفاده شده است. در روش تفسیری پژوهشگر درصدد است تا در حد امکان بر آشکار نمودن پیام های نهفته در

فرآیند تجزیه و تحلیل داده ها نقطه عطفی در پژوهش های کیفی است، زیرا تمام تلاش پژوهشگر در جمع آوری اطلاعات و داده ها توسط محقق و مبانی نظری پژوهش باید شخصا توسط پژوهشگر تحلیل شود، هرچند در دهه اخیر استفاده از نرم افزارهای تحلیل داده های کیفی مرسوم شده است ولی،

متن نوشتار مصاحبه پردازد. برای دستیابی به این هدف باید مراحل ذیل طی شود:

۱- ابتدا به ترتیب متن های مصاحبه ها پیاده شده و مرور شوند.

۲- در هر متن گفته های اساسی برجسته گردد، زیر آن خط کشیده شود و یا پررنگ تر درج گردد، همچنین گفته های تکراری، گفته های اغراقی و سایر داده های نامربوط نادیده گرفته شود.

۳- برخی از گفته های مشابه که به نظر می رسد چیز تازه ای را مطرح می کند مشخص شود.

۴- پژوهشگر باید دوباره به متون برگردد و با مرور گفته های اساسی برجسته شده سعی کند، مجموعه ای از مقوله ها را از پاسخ های داده شده به هر سوال استخراج کند و عناوین ساده ای به آنها اختصاص دهد.

۵- در این مرحله محقق باید به فهرست مقوله ها را بررسی کند. هنگامی که این فهرست را بررسی می کند، ممکن است متوجه شود برخی از عناوین مناسب یا ضروری نیستند و باید حذف یا ترکیب شوند.

۶- پژوهشگر باید مقوله های استخراج شده از تحلیل متون را با مقوله هایی که اساس تدوین سوالات و پاسخ های احتمالی مصاحبه در نظر گرفته شده اند، کالبره کند و در یک جدول یا دسته بندی تحلیلی وارد کند.

۷- در انتها برای بررسی دقیق تر، کدها و مقوله های پژوهش از طریق نرم افزارهای تحلیل کیفی مورد تحلیل دقیق تر قرار گرفته و خروجی ها به صورت جدول، نمودار و در مواردی به صورت کمی استخراج می شود.

در این پژوهش بعد از اعمال کدگذاری های عمومی به کدگذاری فرعی براساس مقوله های مورد نظر اقدام شد. در نهایت با استفاده از نرم افزار MAXQDA و کدگذاری مرتبط با پژوهش به تحلیل مصاحبه های صورت گرفته پرداخته شده است. در جدول ۵، نمونه ای از کدهای تعریف شده در پژوهش برای تحلیل داده های حاصل از مصاحبه نمایش داده شده است. در مجموع ۳۷۶ کد از ۱۴ مصاحبه استخراج گردیده است.

جدول ۵. نمونه از مشخصات مفاهیم، مقوله ها و کدها پدیده مورد مطالعه

سوال ^۱ یا مضمون شماره ۳: چه بخشی از مشکلات مدیریت شهری از طریق شفاف سازی قابل حل است؟			
وظایف مدیریت شهری			مقوله ۱
مدیریت سرمایه و خدمات	کد ۳	نظارت و کنترل	کد ۱
وظایف عمومی و اجتماعی	کد ۴	هماهنگی سیاست ها و سرمایه گذاری توسعه	کد ۲
سوال یا مضمون شماره ۵: چه اقداماتی جهت تدوین یک دستورالعمل شفاف سازی مدیریت شهری الزامی است؟			
اقدامات برای شفاف سازی			مقوله ۱
اطلاع رسانی کنشی و دولت الکترونیک	کد ۶	قوانین و مقررات در سطوح	کد ۱

مختلف			
آموزش شهروندان	کد ۷	روشن بودن حدود و استثنائات شفاف سازی	کد ۲
آموزش کارکنان و مدیران	کد ۸	حمایت از افشاگران فساد	کد ۳
مدیریت تعارض منافع	کد ۹	حمایت از منابع خبری و رسانه های جمعی	کد ۴
سوال یا مضمون شماره ۶: یک دستورالعمل شفاف سازی باید کدام دسته از اطلاعات را منتشر کند؟			
موضوعات کلی اطلاعات منتشر شده برای شفاف سازی			مقوله ۱
نیروی انسانی	کد ۴	اقتصادی - مالی	کد ۱
شهرسازی	کد ۵	قوانین، مقررات و مصوبات	کد ۲
شورای اسلامی شهر	کد ۶	اجتماعی - شهروندی	کد ۳
دسته بندی خرد اطلاعات منتشر شده برای شفاف سازی			مقوله ۲
پروژه ها	کد ۹	قراردادها	کد ۱
هزینه ها و دریافت های مالی	کد ۱۰	قوانین، مصوبات، مقررات	کد ۲
گزارش کار و گزارش عملکرد	کد ۱۱	بودجه	کد ۳
نظارت و مبارزه با فساد	کد ۱۲	مناقضه و مزایده	کد ۴
کمک هزینه به سازمان های داوطلبانه	کد ۱۳	مدیران و کارکنان	کد ۵
شهروندی	کد ۱۴	اطلاعات مالی کارکنان	کد ۶
شورای اسلامی شهر	کد ۱۵	سفرها و هدایا	کد ۷
سایر موارد مورد نظر متخصصین	کد ۱۶	شهرسازی	کد ۸

مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۸)

۴. نتیجه گیری و پیشنهادها

استناد می کند، دوره و طریقه انتشار آن نیز اشاره شده است.

ابتدا دستورالعملی برگرفته از مبانی نظری و پژوهش های خارجی صورت گرفته در این حوزه تهیه شد، بعد از انجام مصاحبه و همچنین بررسی اسناد حقوقی و قوانین مصوب کشور در حوزه شفاف سازی دستگاه های اجرایی، دستورالعمل اولیه تغییر کرده و بهبود یافته است. در دستورالعمل نهایی، با تعریف ۶ دسته موضوعی به شرح جزئیات اطلاعاتی که در راستای شفاف سازی باید در هر بخش منتشر شود، پرداخته شده است (جدول ۶) و در هر مورد به این نکته که این پیشنهاد بر کدام منابع

جدول ۶. چارچوب کلی اطلاعات برای شفاف سازی مدیریت شهری

موضوعات شفاف سازی	اطلاعات برای انتشار	نحوه انتشار	نوع شفاف سازی
اقتصادی	قراردادها	سامانه الکترونیک	اقتصادی نهادهای اداری اجتماعی
	بودجه		
	مناقضه، مزایده و تهاثر		
	هزینه ها و دریافت های مالی		
	کمک هزینه ها		
قوانین، مقررات، مصوبات	قوانین، مقررات، مصوبات	سامانه	نهادهای
اجتماعی - شهروندی	شهروندی	سامانه	اجتماعی / نهادهای
منابع انسانی	مدیران و کارکنان	سامانه	فردی / نهادهای
اطلاعات شهرسازی	زمین و ساختمان	سامانه	اداری نهادهای
	پارکینگ		
	مجوزها		
نظارت و کنترل	گزارش کار و عملکرد	سامانه	اداری فردی نهادهای سیاسی
	ارزیابی، نظارت و مبارزه با فساد		
	جلسات و دستور جلسات		
	اعضا و کارکنان		
	کمیسیون		
	مالی		

مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۸)

به علت عدم امکان انتشار تمامی سرفصل های دستورالعمل تدوین شده در این پژوهش، براساس جدول شماره ۵، بیشتر تاکید متخصصین در بین موضوعات اصلی برای شفاف سازی در مرتبه اول تا سوم به موضوعات اقتصادی، شهروندی و شهرسازی اختصاص یافته است، به همین علت در این قسمت تنها بخشی از دستورالعمل پیشنهادی که مربوط به این سه موضوع است، با جزئیات ذکر شده است

جدول ۷. دستورالعمل شفاف سازی عملکرد مدیریت شهری شهر مشهد

عنوان اطلاعات: قراردادها			دسته بندی موضوعی: اقتصادی		
منابع قابل استناد			دوره	طریقه	جزئیات انتشار
قوانین	مصاحبه	مبانی نظری	انتشار	انتشار	
			سه ماه	سامانه ^۱	نهاد مدیریت شهری باید مطابق با آیین نامه های موجود جزئیات مربوط به قراردادهای بالای ۱۰۰ میلیون تومان ^۲ را منتشر کنند.

۱. سامانه شفاف سازی الکترونیک (وب سایت)

۲. قراردادهای متوسط به بالا است و رقم ۱۰۰ میلیون تنها پیشنهاد پژوهش است.

عنوان اطلاعات: قراردادها			دسته بندی موضوعی: اقتصادی		
منابع قابل استناد			دوره	طریقه	جزئیات انتشار
قوانین	مصاحبه	مبانی نظری	انتشار	انتشار	
			سالانه	سامانه	انتشار تمامی قراردادهایی که بین شهرداری و پیمانکاران منعقد می گردد و جزئیات مربوط به آن تا در دسترس عموم باشد.
			بلافاصله	سامانه	برای هر قرارداد باید جزئیات زیر منتشر شود: شماره مرجع - عنوان قرارداد - بخش مرجع محلی مسئول قرارداد - توضیحات مربوط به خدمات یا کالا ارائه شده - نام و جزئیات تامین کننده - مبلغ قابل پرداخت در طول قرارداد - قرارداد فردی، اختصاصی و یا مناقصه عمومی است.
			سالانه	سامانه	میزان هزینه سالانه یا بودجه سالانه شهرداری برای عقد قراردادها.
			ماهانه	سامانه	نحوه محاسبه مالیات بر ارزش افزوده هر قرارداد و میزان آن به همراه جزئیات پرداخت های مالیاتی.
			بلافاصله	سامانه	ذکر جزئیات تامین کننده قراردادها (دولتی، خصوصی و یا خود شهرداری)
			سه ماه	سامانه	انتشار جزئیات قرارداد هزینه ای و درآمدی به صورت ذیل: نام پیمانکار، کارفرما و مدیرعامل - مبلغ نهایی قرارداد - مدت قرارداد - روش انتخاب پیمانکار - شناسه پیمانکار - کد اقتصادی پیمانکار - مالیات بر ارزش افزوده - آگهی - روش تعیین برنده - تاریخ شروع و پایان - ناظر - اعضای کمیسیون - امضا کننده قرارداد از طرف کارفرما - آدرس محل انجام کار - فایل های قرارداد.
بودجه			دسته بندی موضوعی: اقتصادی		
			سالانه	سامانه	بودجه سالانه بعد از تصویب باید عمومی شود و مطابق با بودجه مصوب، اداره شود.
			سالانه	سامانه	انتشار اطلاعات مربوط به بودجه شهرداری به تفکیک مناطق شهرداری .
			سالانه	سامانه	عملکرد بودجه شهرداری در ۵ سال گذشته بیان و تفسیر شود.
			سالانه	سامانه	منابع تامین بودجه و جزئیات آن منتشر شود.
مناقصه، مزایده و تهاتر			دسته بندی موضوعی: اقتصادی		
			بلافاصله	سامانه	انتشار اطلاعات دعوت به تمامی مناقصه ها ^۱
			بلافاصله	سامانه	انتشار اطلاعات تمامی مناقصه ها، مزایده ها، تهاترها و اسناد واگذاری .
			-	-	مناقصات به صورت عمومی برای تمامی خریداران و سرمایه گذاران .
			بلافاصله	سامانه	انتشار جزئیات هر دعوت به مناقصه یا سرمایه گذاری به شکل ذیل : شماره مرجع - عنوان - توضیحات خدمات یا کالا مورد نظر - تاریخ شروع و پایان - بخش مرجع محلی مسئول مناقصه یا مزایده
			بلافاصله	سامانه	نشر جزئیات دعوت به مناقصه یا عقد قرارداد که در ۱۲ ماه آینده صادر خواهد شد .
			بلافاصله	سامانه	هرونوع اطلاعاتی مربوط به فراخوانها و فرصت های سرمایه گذاری به طور ایده آل به محض تولید و به نتیجه رسیدن منتشر شود.
هزینه و دریافت های مالی			دسته بندی موضوعی: اقتصادی		
			سه ماه	سامانه	انتشار جزئیات هزینه های بیشتر از ۱۰۰ میلیون تومان.

۱. پیشنهاد این پژوهش، مناقصه ها با ارزش بالای ۱۰۰ میلیون تومان است.

عنوان اطلاعات: قراردادهای			دسته بندی موضوعی: اقتصادی		
منابع قابل استناد			دوره	طریقه	جزئیات انتشار
قوانین	مصاحبه	مبانی نظری	انتشار	انتشار	
			سه ماه	سامانه	انتشار جزئیات هزینه های از جمله موارد ذیل: فاکتورهای شخصی - پرداخت های حقوقی - پرداخت های هزینه ای - پرداخت کالا و خدمات - کمک هزینه - پاداش - اجاره - اعتبارات - معاملات با نهادهای دیگر و هر اطلاعاتی که مربوط به هزینه های شهرداری است.
			سه ماه	سامانه	برای هر آیتم هزینه، باید اطلاعات ذیل منتشر شود: تاریخ هزینه انجام شده - محل و مرجع محلی که متحمل هزینه شده - ذی نفعان - هدف از این هزینه - میزان دقیق هزینه - مالیات بر ارزش افزوده هزینه.
			سالانه	سامانه	انتشار جزئیات مالیات و عوارض دریافتی توسط شهرداری.
			سالانه	سامانه	انتشار گزارش درآمد و هزینه کرد شهرداری و شورا شهر.
			بلافاصله	سامانه	اطلاع رسانی هرگونه تغییر سیاست ها، مقررات و رویه های اقتصادی و نوع دریافت های مالی در زمان مقتضی قبل از اجرا.
کمک هزینه ها			دسته بندی موضوعی: اقتصادی		
			ماهانه	سامانه	انتشار هرگونه کمک نقدی و غیر نقدی به شخص یا سازمان های داوطلبانه.
			ماهانه	سامانه	جزئیات کلیه کمک های مالی به سازمان های داوطلبانه، سازمان های اجتماعی مردمی را منتشر شود و در حین انتشار به این نکات توجه شود: ۱- مشخص کردن هزینه های بالای ۱۰۰ میلیون تومان ۲- اطلاعات در دو دسته بندی بخش خصوصی و بخش عمومی.
			ماهانه	سامانه	برای هریک از کمک هزینه ها اطلاعات ذیل منتشر شود: تاریخ اعطای کمک - مدت زمان اعطای کمک - بخش مرجع محلی که کمک را اعطا کرده است - ذی نفع یا ذی نفعان - هدف از این کمک - مقدار دقیق کمک مالی.
اطلاعات مالی کارکنان			دسته بندی موضوعی: اقتصادی		
			سالانه	سامانه	اطلاعات مربوط به حقوق هر یک از کارکنان به صورت سقف حقوق دریافتی و سایر دریافت های مالی در سمت مربوطه باید منتشر شود ^۱ .
			سالانه	سامانه	انتشار اطلاعات هرگونه فعالیت حرفه ای و مشاوره ای که بوسیله آن حقوق و پاداشی دریافت شده است.
			سالانه	سامانه	انتشار اطلاعات حقوق پایه کارکنان به تفکیک ادارات و سازمان های مربوط به شهرداری و مشخص کردن گروه حقوقی برای کارکنان هربخش سازمان.
			سالانه	سامانه	کارکنان موظف اند، در بازه های زمانی مشخص، تا یک سال پس از پایان دوره تصدی، فهرست دارایی ها و منابع درآمدی خود را در سامانه ثبت و بروزرسانی نمایند.

۱. بر این مبنا که حقوق دریافتی هر فرد نسبت به سقف حقوق دریافتی در آن سمت چه مقدار کمتر یا بیشتر است.

عنوان اطلاعات: قراردادها			دسته بندی موضوعی: اقتصادی		
منابع قابل استناد			دوره	طریقه	جزئیات انتشار
قوانین	مصاحبه	مبانی نظری	انتشار	انتشار	
			سالانه	سامانه	فهرست دارایی افراد شامل موارد ذیل است: کلیه اموال غیرمنقول و حقوق متعلقه - مطالبات و دیون - سرمایه گذاری و اوراق بهادار - موجودی حساب های مختلف بانکی و موسسات مالی - هرگونه منبع درآمدی مستمر و اموال منقول با ارزش.
			سه هفته	سامانه	اطلاعات سفرهای خارجی کارکنان سازمان، شامل موارد ذیل است: مقصد سفر - مدت سفر - همراهان سفر - علت سفر - محل تامین هزینه سفر - میزان دقیق هزینه سفر
			بلافاصله	سامانه	در مورد سفرهای کاری موارد ذیل نیز باید در سامانه ثبت گردد: ۱- دستاوردهای سفر ۲- گزارش سفر
			-	-	منع یا تحدید گرفتن هدایا ^۲ توسط مسئولین و کارکنان به غیر از هدایای دیپلماتیک، هدایای تشریفاتی مناسبیت ها و هدایای ماموریت های کاری.
			بلافاصله	سامانه	اطلاعات مربوط به هدایا که باید در سامانه ثبت شود به این شرح است: عنوان هدیه - تاریخ و محل دریافت - نام حقیقی فرد هدیه دهنده و سمت حقوقی وی - تصویر هدیه (هدایای غیرمادی) و برآورد ارزش ریالی.
			-	-	عدم ثبت هدایا و عدم عودت آنها به شهرداری به منزله دریافت رشوه است.
شهروندی			دسته بندی موضوعی: اجتماعی - شهروندی		
			ماهانه	سامانه	برگزاری جلسات پاسخگویی عمومی که مقامات هر بخش مدیریت شهری مستلزم به شرکت در آن هستند.
			ماهانه	سامانه	برگزاری جلسات علنی و دعوت از مردم برای حضور در جلسات هیئت مدیره، کمیسیون ها و شورا اسلامی.
			-	سامانه	اجازه شرکت شهروندان در جلسات برنامه ریزی استراتژیک شهرداری و شورای اسلامی شهر.
			-	سامانه	آموزش های لازم برای شرکت در جلسات باز و آگاهی از زمان تشکیل این جلسات به شکل مستمر برای عموم.
			-	-	آموزش برای کارکنان سازمان شهرداری برای برگزاری جلسات باز.
			-	سامانه	اطلاع رسانی کنشی و دولت الکترونیک با ایجاد یک سامانه شفاف سازی.
			بلافاصله	سامانه	اطلاع رسانی عمومی درباره وجود سامانه شفاف سازی، نحوه

سفرها و هدایا

جلسات باز

شهروندی

۱. مشمولین این مصوبه باید مشخصات ذکر شده در بند قبل را ناظر بر کلیه سفرهای خارجی خود، کاری یا غیر کاری، نهایتا تا یک هفته پس از اتمام سفر در سامانه ثبت نمایند.
۲. تشخیص و انتشار این موضوع که هدیه دریافتی ثبت شده در سامانه در ازای انجام وظایف قانونی بوده است یا خیر بر عهده سازمان بازرسی شهرداری است.

عنوان اطلاعات: قراردادها			دسته بندی موضوعی: اقتصادی		
منابع قابل استناد			دوره	طریقه	جزئیات انتشار
قوانین	مصاحبه	مبانی نظری	انتشار	انتشار	
					عملکرد آن و برای ارسال مستندات، آمارها و اطلاعات.
			بلفافاصله	سامانه	اطلاع رسانی و فراهم کردن ساز و کارهای شکایت شهروندان از تصمیمات و اقدامات نهادهای مدیریت شهری.
			سه هفته	سامانه	پاسخ کتبی به شکایات پس از گذشت حداکثر ۲۱ روز از ارسال آن‌ها (در صورت عدم ارسال پاسخ کتبی در ظرف ۲۱ روز، پیگیری جهت برخورد با مسئول مورد نظر به صورت خودکار انجام شود).
			-	سامانه	دسترسی تمامی شاکیان به تمام بخش های سازمان شهرداری از طریق پرتال شهروندی به منظور ارائه کتبی شکایات خود.
			-	سامانه	مشارکت مردم در تصمیم گیری‌ها با ایجاد یک سامانه فعال و پاسخ گو آنلاین که این امکان را در هر زمان و مکان فراهم کند.
			ماهانه	سامانه	برگزاری نظرسنجی‌های شهروندی جهت جمع‌آوری نظرات عمومی، پیگیری رضایت عمومی از خدمات دولتی و انتشار تمامی این اطلاعات.
			-	سامانه	برگزاری نظرسنجی‌های شهروندی پیش از تصویب طرح‌ها و پروژه های شهری و انتشار نظرات مردم در مورد پروژه ها و طرح‌ها بر روی سامانه ^۱ .
			بلفافاصله	سامانه	واضح بودن فرآیند ارائه خدمات به شهروندان به گونه‌ای که هرفرد وضعیت لحظه به لحظه خدماتی که قرار است، شهرداری به وی ارائه بدهد را ناظر باشد و در صورت تخلف، امکان شکایت به نهاد ناظر باشد.
			ماهانه	سامانه	الزام شفاف نمودن مراحل، زمان و کیفیت ارائه خدمات و تغییرات آن‌ها.
زمین و ساختمان			دسته بندی موضوعی: شهرسازی		
			ماهانه	سامانه	انتشار کلیه جزئیات و اطلاعات زمین‌ها و ساختمان‌ها ازجمله: ۱- اطلاعات املاک که چه دارای مالک مستقل یا به صورت اجاره هستند. ۲- هرگونه ملکی که تحت قراردادهای مالی اشغال شده‌است. ۳- تمامی املاک عمومی، دولتی، خصوصی که در اختیار افراد یا سازمان‌ها هستند، خوابگاه‌ها، مراکز آموزشی، مراکز درمانی و ... چه مستقل و چه اجاره ای باشد. ۴- زمین های توسعه نیافته
			ماهانه	سامانه	برای هر زمین یا ساختمان اطلاعات ذیل باید منتشر شود: شماره ثبت ملک- نام صاحب ملک- نام زمین یا ساختمان- آدرس دقیق- آدرس پستی- مرجع سیستم نقشه برداری یا مختصات دقیق محل.
مجوزها			دسته بندی موضوعی: شهرسازی		

۱. به طور ویژه تنها هدف انتشار نظرات مردم درباره این طرح‌ها و پروژه‌ها نیست بلکه تاثیر این نظرات در روند این پروژه‌ها و طرح‌ها و انجام اصلاحات احتمالی است.

۲. توصیه می‌شود تمامی اطلاعات به صورت الکترونیکی و در قالب فایل های مکانی روی نقشه شهر در دسترس عموم قرار گیرد.

عنوان اطلاعات: قراردادها			دسته بندی موضوعی: اقتصادی		
منابع قابل استناد			دوره	طریقه	جزئیات انتشار
			انتشار	انتشار	
			سامانه	بلافاصله	انتشار کلیه اطلاعات مربوط به پروانه‌های شهرداری، مجوزهای صادره و مجوزهای ثبت شده تمامی زمین‌ها و ساختمان‌ها به صورت به‌روز.
			سامانه	بلافاصله	انتشار لیست کلیه تخلفات حوزه شهرسازی و معماری و میزان جریمه آن‌ها.
			سامانه	بلافاصله	انتشار گزارشات و اختطاریه‌های ناظرین مختلف اعم از شهرداری و نظام مهندسی مربوط به هر ملک بر روی سامانه.
			سامانه	بلافاصله	انتشار اطلاعات تعرفه خدمات شهری به صورت به‌روز.
			سامانه	بلافاصله	انتشار کامل نقشه جامع و طرح‌های شهرسازی، اعم از طرح جامع شهر، طرح تفصیلی و طرح‌های موضعی و موضوعی پیش از تصویب و پس از تصویب بر روی سامانه برای نظرخواهی و آگاهی عموم.

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

در این پژوهش ابتدا به کلیات موضوع و تعاریف پرداخته شد. سپس با اتخاذ رویکرد کیفی و با استفاده از روش پیمایشی و انجام مصاحبه با متخصصین در حیطه مدیریت شهری، نظرات آن‌ها در مورد موضوع مورد مطالعه استخراج شد. در نهایت با تعریف کدهایی برای تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه در چارچوب پژوهش و به کمک نرم افزار، تحلیل‌ها به صورت همزمان و مکرر توسط محققین بررسی و نتایج استخراج شد.

نتایج حاصل از این پژوهش با نتایج پژوهش اوزتوپراک و رویجر (۲۰۱۶) موافق است، آن‌ها در پژوهش خود عنوان کردند که تعدادی از متغیرهای گوناگون شفاف سازی شناخته شدند و باعث شکل‌گیری پایه‌های چارچوبی تحلیلی برای تجارب شفاف‌سازی در قالب دستورالعمل شفاف سازی حکومت محلی شد. بر مبنای پژوهش حاضر نیز تعدادی متغیر شناسایی شد و با انجام مطالعات گسترده این متغیرها به عوامل و فاکتورهای اصلی دستورالعمل پیشنهادی تبدیل شد. همچنین نتایج

حاصل از پژوهش حسن‌زاده کجیدی با عنوان "بررسی و سنجش شفافیت و پاسخگویی در مدیریت شهری مشهد بر اساس الگوی حکمروائی شهری خوب" نیز بعد از انجام مصاحبه با متخصصین حوزه مدیریت شهری مورد تایید قرار گرفت، زیرا همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، وضعیت شفاف سازی مدیریت شهری در شهر مشهد نامناسب است. آنچه که در یافته‌های پژوهش حاضر نسبت به پژوهش‌های پیشین متفاوت است، نشان از این موضوع دارد که اولاً، امروزه فرهنگ شفافیت و شفاف سازی در میان مدیران شهری و متخصصین حوزه مدیریت شهری رو به بهبود است، از طرفی آشنایی شهروندان با قابلیت‌های شفاف سازی در مدیریت شهری نسبت به گذشته افزایش یافته است. نمود عینی این توجه در سیستم مدیریت شهری شهر مشهد در قالب ۲ گام است؛ تدوین منشور حقوق شهروندی توسط شورای اسلامی شهر مشهد و راه اندازی سامانه شفاف‌سازی شهرداری مشهد. ثانیاً، برتری این پژوهش نسبت به سایر پژوهش‌ها، ارائه

فاصله زیاد با نظرات و ذهنیت گروهی از متخصصین و مدیران شهری بوجود آمده است. آنچه که می توان از یک دستورالعمل شفاف سازی مدیریت شهری که رسالت این پژوهش نیز بر آن استوار است، انتظار داشت شامل چند فاکتور اساسی از جمله؛ کارایی و پاسخگویی در حل مشکل شفاف سازی و نقش پیشگیری کننده در امر فساد است. در دستورالعمل پیش رو برای تحقق این موارد، اطلاعاتی که برای شفاف سازی ضرورت دارد ابتدا طبقه بندی شد و با دسته بندی های موضوعی تلاش شده است که پاسخی به مشکلات هر بخش به صورت انحصاری داده شود.

یک پاسخ جامع و اجرایی بعد از شناسایی مشکل است، در سایر پژوهش ها، پژوهشگران تنها به ذکر و اثبات وجود مشکل عدم شفافیت در دستگاه های دولتی و غیردولتی اشاره کرده اند ولی راه حل اجرایی برای آن ارائه نشده است.

درباره مدیران شهر مشهد یک نکته بارز، تفاوت و شکاف میان ذهنیت آنان و عینیت وضعیت شفاف سازی در سازوکار مدیریت شهری است. علی رغم ایجاد سامانه شفاف سازی برای دسترسی شهروندان به اطلاعاتی شفاف و پاسخگو، این سامانه بدون در نظر گرفتن استانداردهای شفاف سازی اطلاعات و با

کتاب نامه

۱. آرای، و. (۱۳۸۷). بررسی پاسخگویی و شفافیت در مدیریت شهری براساس الگوی حکمرانی خوب شهری (نمونه مورد مطالعه، شهرداری منطقه ۶). تهران: پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران، دانشکده حقوق.
۲. بخت آزاد، م. (۱۳۹۶). سنجش شفافیت سازمانی در منطقه ویژه اقتصادی پیام. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده مدیریت.
۳. حسن زاده کجیدی، م. (۱۳۹۱). بررسی و سنجش شفافیت و پاسخگویی در مدیریت شهری (شهرداری مشهد) بر اساس الگوی حکمروائی شهری خوب. مشهد: پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۴. رستگار، س. (۱۳۸۸). بررسی نقش کنشگران عرصه شهری در حق دسترسی به اطلاعات؛ (نمونه موردی: شهر مشهد). تهران: پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده مدیریت و حسابداری.
۵. سالدنا، ج. (۱۳۹۵). راهنمای کدگذاری برای پژوهشگران کیفی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۶. شورای اسلامی شهر مشهد. (۱۳۹۸). مصوبات و قوانین. بازیابی در ۵ شهریور ۱۳۹۸، از shora.mashhad.ir.
۷. صابری فر، ر. (۱۳۹۲). تعیین شکاف کیفیت خدمات ارائه شده در شهرداری ها (نمونه موردی: شهر مشهد). فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۲۸ (۱۰۹)، ۱۲۷-۱۴۰.
۸. طاهری، م. (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی مبانی و آثار حقوقی اصل شفافیت از دیدگاه اسلام و نظریه حکمرانی خوب. تهران: پایان نامه دکتری تخصصی، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق.
۹. کاظمی، ح. (۱۳۸۸). بازنمودن آگاهی جمعی برنامه ریزان دولت الکترونیک از پدیده شفافیت اطلاعات. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد.

۱۰. لگزیان، م.، مرتضوی، س.، و کاظمی، س. (۱۳۸۷). مدل مفهومی روابط سازمانی مبتنی بر اعتماد و شفافیت و سازوکارهای کنترلی متناسب. *پیام مدیریت*، (۲۸)، ۱۸۵-۲۲۱.
۱۱. محمدی کیا، س. (۱۳۹۰). بررسی رابطه فرهنگ و شفافیت سازمانی با استقرار عدالت سازمانی در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی. *دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده مدیریت و حسابداری*.
۱۲. مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر مشهد. (۱۳۹۸). *منشور حقوق شهروندی شهر مشهد*. مشهد: شورای شهر مشهد.
۱۳. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۹۸). *سامانه قوانین و مقررات*. بازیابی در ۱۰ مرداد ۱۳۹۸ از <https://rc.majlis.ir>.
۱۴. یزدانی زنور، ه. (۱۳۸۴). بررسی نقش شفافیت در تحقق حکمروانی مطلوب. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق.

15. Bannister, F., & Connolly, R. (2011). The Trouble with Transparency: A Critical Review of Openness in e-Government. *Policy and Internet*, 3(1), 1-30.
16. Bertot, J., Jaeger, P., & Grimes, J. (2010). Using ICTs to create a culture of transparency: E-government and social media as openness and anti-corruption tools for societies. *Government Information Quarterly*, 27(3), 264-271.
17. Department for Communities and Local Government. (2013). *Code of Recommended Practice for Local Authorities on Data Transparency*. London: Department for Communities and Local Government.
18. Department for Communities and Local Government. (2014). *Local Government Transparency Code*. London: Department for Communities and Local Government.
19. Etzioni, A. (2010). Is Transparency the Best Disinfectant? *The Journal of Political Philosophy*, 389-404.
20. Heald, D. (2006). *Varieties of transparency, "Transparency: The Key to Better Governance?"*. Oxford: Oxford University Press.
21. Jorna, F. (2015). Openness and Urban Governance: How Transparency Erodes Local Government. *International Review of Public Administration*, 13(3), 161-183.
22. Lindstedt, C., & Naurin, D. (2006). Transparency Against Corruption A Cross-Country Analysis. *The 20th World Congress of the International Political Science Association*.
23. Martial, P., & Villeneuve, J. P. (2011). Organizational barriers to transparency: a typology and analysis of organizational behaviour tending to prevent or restrict access to information. *International Review of Administrative Sciences*, 73(1), 147-162.
24. Meijer, A. (2013). Understanding the Complex Dynamics of Transparency. *Public Administration Review*, 73(3), 429-439.
25. Mendel, T., Meyer, M., & Stark, I. (2014). International standards on transparency and accountability. Myanmar: Centre for Law and Democracy.
26. Oztoprak, A., & Ruijter, E. (2016). Variants of transparency: an analysis of the English Local Government Transparency Code 2015. *Local Government Studies*, 42(4), 536-556.
27. Ruijter, E., Grimmelikhuisen, S., & Meijer, A. (2017). Open data for democracy: Developing a theoretical framework for open data use. *Government Information Quarterly*, 34(1), 1-8.

28. UN-HABITAT. (2004). Tools to Support Transparency in Local Governance, Urban Governance Toolkit Series. Berlin: UN-HABITAT (United Nations Human Settlements Programme) and Transparency International.
29. World Justice Project. (2019). *OECD Open, Useful and Re-usable data Index*. Washington, D.C: World Justice Project's research team.
30. Zúñiga, N. (2018). Does more transparency improve accountability? *Transparency International*, (22), 1-12.

تحلیل اثرات بلندمرتبه‌سازی بر فرم شهری کلانشهر مشهد

حجت فرقانی (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)

ho_1924@yahoo.com

محمدرحیم رهنما (استاد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

rahnama@um.ac.ir

رستم صابری فر (دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)

r_saberifar@pnu.ac.ir

حسین رحیمی (دانشیار گروه جغرافیای دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)

hosseinrahimi1987@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۲۳

تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۰۴/۰۴

صص ۲۲۹-۲۰۹

چکیده

مکانیابی و نحوه توزیع فضایی ساختمان‌های بلندمرتبه، نقش زیادی در پایداری شهر داشته و می‌تواند در کاهش یا افزایش اثرات این ساختمان‌ها بر فضای شهری، تأثیر داشته باشد. با توجه به شکل‌گیری ۲۲۰ ساختمان بلندمرتبه ۱۰ طبقه به بالا طی دهه ۱۹۷-۱۳۸۵ در کلانشهر مشهد و افزایش تعداد آنها که عمده‌تاً در طی دهه اخیر اتفاق افتاده است، این مقاله با هدف بررسی و تحلیل توزیع فضایی ساختمان‌های بلندمرتبه احداث شده در کلانشهر مشهد (طی دهه ۱۳۹۷-۱۳۸۵) و تأثیر آن بر فرم شهری کلانشهر مشهد انجام گردید. پژوهش از نوع کاربردی و از نظر روش، پیمایشی بوده و از شیوه تجزیه و تحلیل توصیفی-تحلیلی بهره برده است. به این منظور از آمار و اطلاعات موجود و مدل خودهمبستگی فضایی و سیستم اطلاعات جغرافیایی استفاده شد. نتایج بیانگر آن است که ساختمان‌های بلندمرتبه شهر مشهد در طی این دوره زمانی، از الگوی خودهمبستگی فضایی برخوردار بوده و می‌توان آن را دارای الگوی خوشه‌ای دانست. مطالعه تأثیرات این ساختمان‌ها بر فرم شهری، نیز بیانگر الگوی چندمرکزی با مرکزیت غالب در هسته مرکزی (پیرامون حرم مطهر) با کاربری تجاری و اقامتی می‌باشد. که ایجاد چند هسته فرعی نقش هسته اصلی را کاهش داده است و با توجه به مرکزیت اصلی و پراکنش خوشه‌های مختلف در سطح شهر، با پایداری فرم شهری ارتباط مثبتی دارد زیرا از طریق پخشایش چندمرکزی سبب شده است که از مشکلات و مسائل زیاد پیرامون هسته مرکزی شهر و الگوی تک مرکزی کامل کاسته شود.

کلیدواژه‌ها: بلندمرتبه‌سازی، توزیع فضایی، فرم شهری، کلانشهر مشهد

۱. مقدمه

۱.۱. طرح مساله

امروزه سیاست‌های شهرنشینی از الگوی رشد افقی به سمت الگوی رشد هوشمند تغییر کرده و ایده شهر فشرده که مستلزم ساخت در ارتفاع و تغییر الگوی ساخت و ساز شهری می‌باشد، مورد توجه قرار گرفته است (عادل و سرده، ۱۳۹۰، ص. ۶). در این میان بلندمرتبه‌سازی به عنوان یکی از روش‌های ساخت شهرهای فشرده، برای استفاده حداکثر از فضا و منابع محدود (رهنما و رزاقیان، ۱۳۹۲، ص. ۱) و به منظور حفظ توازن میان توسعه عمودی و افقی در شهرها از سوی کارشناسان و متخصصین امور شهری همواره مورد تاکید قرار گرفته است (رحمانی و سفیدکوهی، ۱۳۹۳، ص. ۱).

آنچه به عنوان بلندمرتبه‌سازی در شهرهای جهان از آن یاد می‌شود حاصل نگرش مکتب شیکاگو در قرن ۱۹ میلادی است (صدوقیان‌زاده، ۱۳۷۱، ص. ۱۳-۸). مروجین اصلی این پدیده، رابرت پارک^۱ (طرح خرده فرهنگ‌ها و گتوها و فرایند تقسیم فضای شهری)، ارنست برگس^۲ (الگوی گسترش فیزیکی شهر، فرایند تقسیم فضایی شهر)، مکنزی و ویرث^۳ (طرح گتو و شهرنشینی) لوکوربوزیه^۴ (طراحی برج های ۶۰ طبقه) و... بوده‌اند (محمدي ده‌چشمه، ۱۳۹۱، ص. ۳۹) که در این بین ایده پرداز اصلی شهرهای با تراکم زیاد را می‌توان به لوکوربوزیه نسبت داد ساخت بناهای بلند شیکاگو نظیر بناهای ده طبقه

شرکت بیمه منازل شیکاگو در قرن نوزدهم تا آسمان- خراش‌های بلند امروزی نظیر برج خلیفه (دبی) با ارتفاع ۸۲۸ متر، برج آزادی (نیویورک) با ۵۴۱ متر برج میلینیم (توکیو) با ۸۴۰ متر ارتفاع در عصر حاضر همگی تحت تاثیر مکتب شیکاگو بوده‌اند (بمانیان، ۱۳۹۰، ص. ۱۸-۳۳). امروزه نیز ساخت بناهای بلند مسکونی به طور مداوم در مناطق مرکزی کلان‌شهرها در سراسر جهان با وجود حومه‌های مسکونی ساخته شده است (ژو^۵، لیو^۶، چن^۷، زانگ^۸ و وانگ^۹، ۲۰۱۵، ص. ۴۹۰) و با توجه به رشد سریع جمعیت شهرنشین (پیش‌بینی اضافه شدن ۲/۵ میلیارد ساکن شهری تا سال ۲۰۵۰) و به جهت مقابله با شهرهای گسترده که منابع زیادی را صرف می‌کنند سیاست-مداران و برنامه‌ریزان شهری را به سوی الگوی شهرهای عمودی علاقه‌مند نموده است (الکودمانی^{۱۰}، ۲۰۱۸، ص. ۲).

ساختمان‌های بلند و فوق‌العاده بلند، شهرهای کوچکی هستند که تاثیرات اجتماعی، اقتصادی و محیطی آنها در سراسر محله و در سطحی وسیع تر از شهر گسترش می‌یابد. در این راستا، نحوه توزیع فضایی ساختمان‌های بلندمرتبه در شهرها، موضوعی است که باید به آن توجه نمود. اساساً نحوه توزیع ساختمان‌های بلندمرتبه، به منظور دسترس‌پذیری به گزینه‌های ساختمانی پایدار و با تراکم بالا در آینده شهر، ضروری است (ژو، لیو، چن، زانگ و وانگ،

5. Zhou

6. Liu

7. Chen

8. Zang

9. Wang

10. Al-Kodmany

1. Robert H. Park

2. Ernest Burgess

3. McKenzie & Wirth

4. Le Corbusier

۲۰۱۵، ص. ۲). همچنین توسعه دهندگان شهری، موقعیت ساختمان‌های بلندمرتبه را در نواحی اصلی شهر، مورد بهره برداری قرار می‌دهند تا نیازمندی‌های فضای مسکونی را برطرف کرده و بازدهی را افزایش دهند. از این رو فهم توزیع فضایی ساختمان‌های بلند، برای طراحی و جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی مرتبط با این ساختمان‌ها به عنوان یک پدیده شهری، ضروری است (فرانکل^۱، ۲۰۰۴، ص. ۲).

بلندمرتبه‌سازی در کشور ما بیش از نیم قرن است که خصوصاً در شهرهای بزرگ و کلان‌شهرها به کار گرفته شده است. این موضوع در دهه‌های اخیر، بیشتر متأثر از نیاز کارکردی و عموماً با کاربری مسکونی بوده است و به‌عنوان یکی از سیاست‌ها در جهت پاسخ به نیاز مسکن به سرعت گسترش یافته است (عزیزی و متوسلی، ۱۳۹۱، ص. ۹۲).

شناخت الگوهای توسعه کالبدی شهر و ارزیابی درجه پراکندگی و فشردگی آن جهت هدایت آن در راستای توسعه پایدار شهر ضروری است، چرا که امروز اکثر محققان معتقدند ارتباط معنی‌داری میان الگوی توسعه کالبدی شهر (فرم شهر) با پایداری شهری وجود دارد (حسینی و قدمی، ۱۳۹۲، ص. ۲).

مشهد به عنوان دومین شهر بزرگ کشور به دلیل سیاست‌های تشویقی واگذاری زمین شهری و نبود برنامه مناسب برای کنترل گسترش شهر، رشد افقی چشم‌گیری بین سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵ داشته است (۷۸۰۰ هکتار در سال ۱۳۳۵ و ۳۵۰۰۰ هکتار در سال ۱۳۹۵) (سرشماری نفوس و مسکن ایران، ۹۵ - ۱۳۳۵). گسترده‌گی بیش از حد شهر در کنار عواملی

مانند بالا رفتن قیمت زمین، رشد عمودی شهر، ضرورت امروز جامعه و بهره‌وری و استفاده بهینه‌تر از زمین از عوامل گسترش بلندمرتبه‌سازی در شهر مشهد بوده است (کوهزاد، ۱۳۹۳، ص. ۲۸). سابقه ساختمان‌های بلند با بیش از ده طبقه نظیر آپارتمان‌های مرتفع و مجموعه ششصد دستگاه و... در مشهد به دهه ۱۳۵۰ برمی‌گردد و بجز مجموعه زیست‌خاور با ۱۸ طبقه، تا سال ۱۳۷۹ بلندترین ساختمان‌ها در شهر مشهد حداکثر ۱۰ تا ۱۳ طبقه داشتند (مشاور پارت، ۱۳۸۵، ص. ۲۹). پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا اوایل دهه ۷۰ روند ساخت و ساز بویژه بلندمرتبه‌سازی کند و در حد تکمیل بناهای قدیمی بود (داوودی، ۱۳۹۴، ص. ۵). با تصویب ضوابط و مقررات افزایش تراکم در ۶۹/۱۰/۲۴ به منظور استفاده بیشتر و بهتر از سطح زمین در شهرها برای اسکان جمعیت و تامین فضای باز و محیط زیست بهتر مسیر طرح‌های بلندمرتبه‌سازی هموارتر شده و مجدداً در تهران و شهرهای بزرگ کشور ساخت این بناها از سر گرفته شد (مقررات شهرسازی و معماری، ۱۳۹۵، ص. ۱۹). اما تصویب طرح بلندمرتبه‌سازی در شهر مشهد در سال ۱۳۸۵ و حمایت‌های انجمن شهر و شهرداری برای احداث پروژه‌های بلندمرتبه مشارکتی (از جمله برگزاری سه نمایشگاه ویژه مشارکتی در سالهای ۱۳۸۶، ۸۹ و ۹۸) را می‌توان نقطه عطفی در افزایش این ساختمان‌ها طی دو دهه گذشته دانست. بطوری‌که پس از تصویب این طرح و حمایت از بلندمرتبه‌سازی، احداث ساختمان‌های به مراتب بلندتر و با کاربری مختلط و متفاوت از دوره‌های قبل، در شهر نمایان شدند. بطوری که طی سال‌های

۱۳۸۵-۱۳۹۷ بیش از ۲۰۰ پروژه بلندمرتبه‌سازی با کاربری‌های مختلط تعریف و یا اجرا شده‌اند (گزارش سیستم یکپارچه شهرسازی شهرداری مشهد و آرشیو طرح‌های مشارکتی شهرداری، ۱۳۹۷).

حال با گذشت بیش از یک دهه از آغاز دوره جدید برج‌سازی در شهر مشهد این سوالات مطرح می‌شود که نحوه توزیع فضایی ساختمان‌های بلندمرتبه در سطح کلان‌شهر مشهد چگونه است؟ توزیع این ساختمان‌ها بر مبنای چه الگویی بوده و آیا براساس منطق خاصی استوار است و چه تأثیری بر فرم شهر داشته است و آیا توانسته است الگو و فرم شهر را به سمت پایداری هدایت نماید؟

با توجه به تعاریف مختلف موجود برای ساختمان‌های بلندمرتبه از جنبه‌های ارتفاعی، ویژگی‌های ساختمانی و یا امکان استقرار آن در شهر و منطقه لیکن منظور از ساختمان‌های بلندمرتبه، در این تحقیق ساختمان‌هایی است که ۱۰ طبقه و بیشتر باشند.

۲.۱. پیشینه پژوهش و مبانی نظری

۱.۲.۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی که مستقیماً بحث توزیع فضایی ساختمان‌های بلندمرتبه را بررسی نموده‌اند در منطقه کلان‌شهری تل‌آویو، شانگهای، لندن، قزوین، تهران و اصفهان بوده است که به شرح زیر مورد اشاره قرار می‌گیرد.

مطالعه جنبه‌های فضایی ساختمان‌های بلند در منطقه شهری تل‌آویو در اسرائیل توسط فرانکل (۲۰۰۴) بیانگر الگوی پراکنده این ساختمان‌هاست که در سال‌های اخیر به سوی هم‌گرایی در روند الگوی

بلندمرتبه‌سازی در حرکت می‌باشد که ادامه چنین روندی در هسته مرکزی شهری بصورت فشرده و متمرکز انتظار می‌رود.

گوان^۱ و پلسون^۲ (۲۰۱۸) در مقاله «توزیع فضایی ساختمان‌های بلندمرتبه و ارتباط آن با توسعه حمل و نقل عمومی در شانگهای» به این نتیجه رسیده که ساختمان‌های احداث شده پس از سال ۲۰۰۰ و ساختمان‌های هسته مرکزی به صورت متمرکز شکل گرفته و برای بلندمرتبه‌سازی مناسب بوده و به ایستگاه‌های مترو نزدیکی مکانی بیشتر دارند.

شورای ساختمان‌های بلند لندن (۲۰۱۸) در سند بلندمرتبه‌سازی لندن ۲۰۱۰ و مطالعه توزیع ساختمان‌های بلند لندن در سال ۲۰۱۸، به این نتیجه رسیده که بیشتر ساختمان‌های بلند در لندن در چند خوشه شکل گرفته و موقعیت این خوشه‌ها از سال ۱۹۵۰ به بعد تغییری نداشته‌اند. این تحقیق همچنین حاوی پیشنهاداتی برای ساختمان‌های بلند آینده در رعایت مناظر شهری، مکان‌گزینی در بافت ارزشمند تاریخی و هویت شهری، محدوده دید به آثار تاریخی و اقلیم محلی از نظر آلودگی هوا و ... است.

غلامی و زیاری (۱۳۹۶) در مقاله «تأثیر بلندمرتبه‌سازی بر ساختار کالبدی-فضایی شهر قزوین» با بررسی توزیع ساختمان‌های بلندمرتبه به این نتیجه رسیده‌اند که ساختمان‌های بلند شهر قزوین به صورت پراکنده شکل گرفته و اگرچه تمرکز تعدادی از آن‌ها در هسته مرکزی شهر است. اما پراکنش در سطح شهر مشهود می‌باشد.

کریمی (۱۳۹۲) در رساله «بررسی مسائل و تحلیل فضایی ساختمان بلندمرتبه در جنوب رودخانه زاینده رود» به این نتیجه دست یافته است که در سال‌های اخیر بلندمرتبه‌سازی بی‌رویه‌ای در سطح شهر اصفهان به خصوص مناطق جنوب رودخانه زاینده‌رود شکل گرفته و اثرات منفی زیادی از جمله انسداد دید و چشم‌انداز ساختمان‌های اطراف، جلوگیری از جریان باد در سطح شهر، تراکم جمعیتی، تاثیرات ترافیکی، مسائل اجتماعی و فرهنگی و ... بر جای گذاشته‌اند. بررسی‌ها نشان از توسعه فیزیکی متراکم شهر دارد ولی در درازمدت به طور نسبی در مقایسه با دوره‌های قبل شهر به سمت بی‌قواره‌ای و رشد گسترده در حرکت است.

پورموسی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله «تاثیر بلندمرتبه‌سازی بر میزان جرائم شهری تهران» مجموع ساختمان‌های بلندمرتبه تهران را تا سال ۱۳۸۵، در حدود ۵۱۵۲۳ واحد ذکر نموده و نتایج بیانگر توزیع فضایی بیشترین میزان بلندمرتبه‌سازی در مناطق شمالی، مرکزی و شرقی می‌باشد. اگرچه این ساختمان‌ها در کل شهر نیز به‌صورت پراکنده شکل گرفته‌اند.

در تحقیقات انجام شده، تا حدودی به موضوع توزیع فضایی بلندمرتبه‌سازی و توسعه پایدار پرداخته‌اند اما هیچ‌کدام به‌صورت جامع، الگوی توزیع فضایی و نقش بلندمرتبه‌سازی در تغییر فرم و الگوی شهری و توسعه فضایی پایدار را مورد بررسی و تحلیل قرار نداده‌اند و از این نظر تحقیق حاضر، به‌عنوان اولین پژوهش کاربردی جامع با نوآوری در این زمینه می‌باشد.

۱.۲.۲.۱. مبانی نظری تحقیق

۱.۲.۲.۱. تعریف ساختمان بلندمرتبه

«ساختمان بلند» داری یک مفهوم نسبی است که باید علاوه بر ارتفاع آن، به موارد دیگری نیز توجه شود. به همین دلیل تعریف ساختمان بلندمرتبه در رابطه با مسائل شهری می‌تواند ترکیبی از متغیرهای کمی و کیفی باشد (کریمی مشاور، منصوری و ادیبی، ۱۳۸۹، ص. ۹۲). در برخی تعاریف، بلندمرتبه، سازه‌ای است که ارتفاع قابل توجهی نسبت به ساختمان‌های محیط اطراف خود دارد (حسنوند، خجسته و رضایی، ۲۰۱۴، ص. ۳۲۲). انجمن ساختمان‌های بلند و مسکن شهری (CTBUH) ساختمان بلندمرتبه را ساختمانی عنوان می‌کند که ارتفاع آن، شرایط متفاوتی را در طراحی، ساخت و استفاده نسبت به سایر ساختمان‌های معمول آن منطقه یا دوره خاص داشته باشد (ویتتر^۱، ۲۰۱۱، ص. ۲). در برخی مناطق انگلستان، ساختمان‌های بلند بر اساس ارتفاع، تأثیرگذاری بر محیط اطراف یا تأثیر عمده بر خط آسمان تعریف می‌شود. (شهرداری وست مینستر^۲، ۲۰۱۸، شورای شهر لستر^۳، ۲۰۱۸ و شهردار لندن^۴، ۲۰۱۹). سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور بنایی با ارتفاع بالاتر از ۲۳ متر (قابل دسترسی برای خودروهای آتش‌نشانی) را ساختمان بلند تعریف می‌کند (مرکز تحقیقات راه و شهرسازی، ۱۳۹۵، ص. ۵۹). اختلاف برای تعاریف ساختمان‌های بلندمرتبه از نظر ارتفاع براساس تحقیقات شورای ساختمان‌های

1. Winter
2. Westminster city Hall
3. Leicester City Council
4. Mayor of London

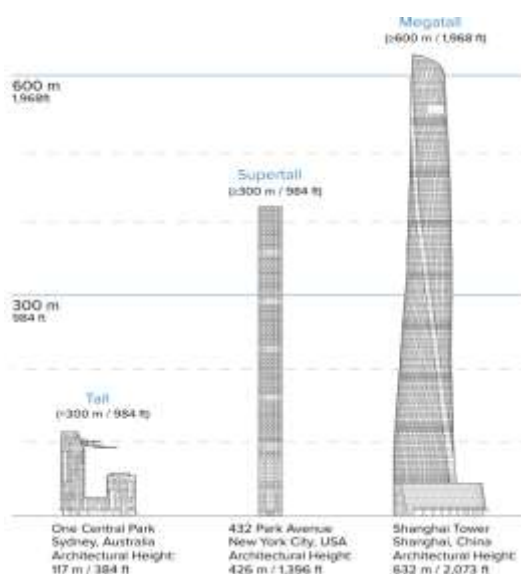
برنامه‌ریزان و طراحان شهری غالباً ساختمان‌های ده طبقه به بالا را ساختمان بلند اطلاق می‌نمایند. در قوانین داخلی ایران طبق دستورالعمل اجرایی محافظت ساختمان‌ها در برابر آتش‌سوزی حداقل تعداد طبقات ساختمان مرتفع ۸ طبقه عنوان شده است (نشریه ۱۱۲ سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۴، ص. ۵). ضوابط عام بلندمرتبه‌سازی کشور نیز ساختمان‌های با ارتفاع بیش از ۲۸ متر را به‌عنوان ساختمان بلند تعریف نموده است (وزارت راه و شهرسازی، ۱۳۹۷). با توجه به جمیع موارد عنوان شده، می‌توان ساختمان بلند را ساختمانی با حداقل ۱۰ طبقه عنوان نمود که در حیطه کلیه تعاریف فوق قرار می‌گیرد (شاگری و صمدی، ۱۳۸۶، ص. ۲). بر این اساس، تعریف مورد نظر در این پژوهش نیز، ساختمان‌هایی است که حداقل دارای ۱۰ طبقه باشند.

۱. ۲. ۲. ۲. شهر فشرده

افزایش جمعیت در شهرها و پیش‌بینی توسعه شهری تا سال ۲۰۵۰ و کمبود فضای توسعه در اطراف شهرها و تخریب محیط زیست به همراه مشکلات و هزینه‌های گزاف شهرهای گسترده باعث شد تا اجماع گسترده‌ای برای ضرورت حرکت به سمت توسعه پایدار شهری بوجود آید و ایده شهر پایدار، شهر فشرده مطرح شود. سازمان همکاری اقتصادی و توسعه سازمانی (OPDC)، شهر فشرده را شهری با فرم فضایی متراکم شده تعریف کرده است (سازمان توسعه همکاری اقتصادی^۲، ۲۰۱۲، ص. ۱۵).

بلند و زیستگاه‌های شهری (CTBUH)، استاندارد Emporis و سایر محققان ساختمان بلند در چهار بخش قابل تشخیص هستند:

- ۱- بنای بلند شامل بنایی بیش از ۵۰ متری (۱۶۴ فوت)
- ۲- آسمان‌خراش: شامل ساختمان بیشتر از ۱۵۰ متر ارتفاع (۳۲۸ فوت)
- ۳- ساختمان فوق‌العاده بلند، شامل ساختمان با ارتفاع بیشتر از ۳۰۰ متر (۹۸۴ فوت)
- ۴- ساختمان مگاتال یا برج‌های بسیار بلند، شامل یک ساختمان ۶۰۰ متری (۱۹۶۷ فوت) (شورای ساختمان‌های بلند و زیستگاه شهری، ۲۰۱۸؛ فرهنگ لغت آکسفورد^۱، ۲۰۱۹)



شکل ۱. معیارهای ساختمان بلند به لحاظ ارتفاع

مأخذ: (شورای ساختمان‌های بلند و زیستگاه شهری،

۲۰۱۸)

شهر فشرده، شهری با چگالی بالا است که دارای مشخصات اصلی زیر است:

۱- احیای منطقه مرکزی

۲- توسعه با چگالی بالا

۳- توسعه مخلوط

۴- ارتقاء خدمات و امکانات: بیمارستان‌ها،

پارک‌ها، مدارس، اوقات فراغت و سرگرمی

در شهر فشرده با تاکید بر پایداری، مراکز فعالیت‌های اجتماعی و تجاری واقع در گره‌های حمل و نقل عمومی رشد می‌کنند. نقاط کانونی در اطراف محلات ایجاد می‌شوند. شهر فشرده شبکه‌ای از این محلات است که هر یک دارای پارک‌ها و اماکن عمومی است و انواع مختلفی از فعالیت‌های خصوصی و عمومی را در بر می‌گیرد (بووی^۱، ۲۰۱۷، ص ۲).

سازمان توسعه همکاری اقتصادی (۲۰۱۲) شهر فشرده را به سه مؤلفه تقسیم کرده است، الگوهای انبوه و متراکم توسعه، مناطق شهری مرتبط با حمل و نقل عمومی و دسترسی به خدمات و مشاغل محلی. برنامه اسکان بشر سازمان ملل^۲ نیز در این زمینه پنج اصل را توصیه کرده است از جمله تراکم بالا (حداقل ۱۵۰۰۰ نفر در هر کیلومتر مربع)، کاربری اراضی مختلط، به هم پیوستگی اجتماعی، تخصیص محدود کاربری اراضی و یک شبکه خیابانی کارآمد (همان منبع، ص ۸-۱۰) محققان شهرهای متراکم‌تر را گزینه بهتری برای پیاده‌روی یا حمل و نقل عمومی و نیاز کمتری به حمل و نقل اتومبیل شخصی می‌دانند و

مزایای آن را افزایش دسترسی، حفظ پارک‌ها و فضای سبز در خارج از شهرها، استفاده مجدد از زیرساخت‌های موجود، احیای مناطق شهری، کاهش مصرف انرژی برای گرمایش، عمر و کیفیت بیشتر، ارتقاء مناسبات بین همسایگان و امنیت بیشتر ذکر می‌کند (جسپر^۳، توک هانستروپ^۴، هنسن^۵، گرام^۶، ۲۰۱۱، ص ۵۱-۵۳).

رویکردهای جدید برای پایداری شهری به‌طور هم‌زمان با دیدگاه شهر فشرده، شهرنشینی جدید^۷ و توسعه در مسیر ترانزیت اصلی (TOD) و رشد اسمارت، اصلی‌ترین سیاست‌ها و پیشنهادهایی است که به همان روش و مفهوم شهر فشرده مطرح شده‌اند (دانش‌پور و شکیا منش، ۲۰۱۱، ص ۱۱۳).

۱. ۲. ۳. تاثیر بلندمرتبه سازی بر فرم شهرها

بررسی ساختمان‌های بلند به لحاظ تاثیرات آشکار بصری آن، حائز اهمیت می‌باشد، زیرا ساختمان‌های بلند خود به تنهایی به لحاظ ارتفاعی که دارند بسیار جلب نظر می‌کنند. عامل «شکل» می‌تواند در افزایش این پدیده موثر باشد (عزیزی، ۱۳۹۱، ص ۹۶).

شکل و الگوی کلی توسعه بلندمرتبه‌ها را در کلان‌شهرهای دنیا در سه گروه ساختار شهری یا ترکیبی از آنها می‌توان طبقه‌بندی نمود:

۱- ساختار عمومی شهری مبتنی بر ابنیه بلندمرتبه

۲- ساختار شهری ترکیبی به‌صورت پراکندگی

ساختمان‌های بلندمرتبه و میان‌مرتبه

3. Jesper

4. Toke Haunstrup

5. Hanssen

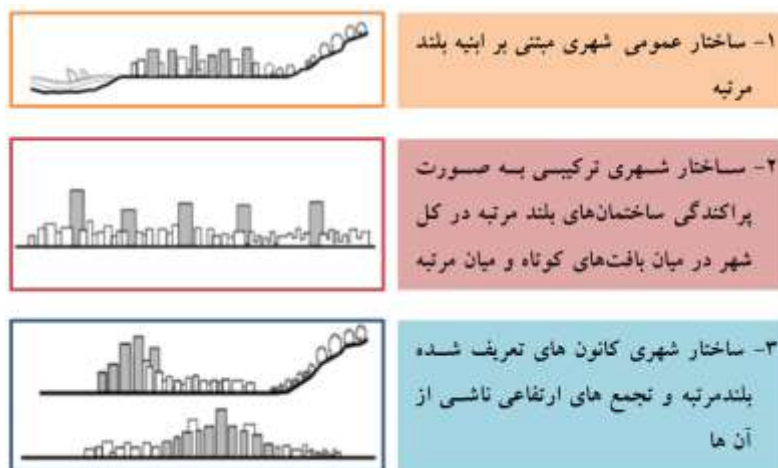
6. Gram

7. New urbanism

1. Bowie

2. UN Habitat

۳- ساختار شهری کانون‌های تجمع بلندمرتبه (مهندسين مشاور فرهاد، ۱۳۹۶، ص. ۹۹).



شکل ۲. ساختارهای شهری با توجه به الگوهای بلندمرتبه سازی

مأخذ: (مهندسين مشاور فرهاد، ۱۳۹۶، ص. ۹۹)

۱.۲.۲.۴. الگوهای توزیع فضایی ساختمانهای

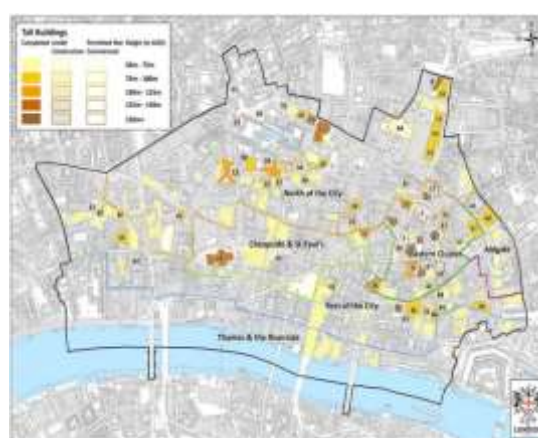
بلندمرتبه

مکان‌گزینی مناسب شامل مؤلفه‌های زیادی است که در انجام پروژه‌های مختلف شهری، ضرورت یافته و به‌عنوان پیش‌شرط سایر فعالیت‌های مربوط به پروژه‌هاست. بسیاری از مشکلاتی که امروزه در ساختمان‌های بلند وجود دارد، معلول عدم رعایت ضوابط در خصوص مکان‌یابی و احداث آن است. مقررات بلندمرتبه‌سازی و مکان‌یابی ساخت بلندمرتبه، بر اساس مسایل سیاسی، اجتماعی-اقتصادی، فرهنگی، آداب و رسوم و بازار محلی از کشوری به کشور و از شهر به شهر دیگر کاملاً متفاوتند. (الکودمانی و علی، ۲۰۱۳، ص. ۲۰۸).

مطالعات توزیع فضایی در کشورهای جهان نشان می‌دهد که ساختمان‌های بلندمرتبه بصورت مجتمع در کنار هم بیشترین تاثیر مثبت بر فرم شهری و توسعه شهری پایدار دارند.

در انگلستان، برنامه‌ریزی شهری با ملاحظات نظیر دید و منظر رودخانه‌ها، بافت تاریخی، رضایت اجتماعی و ... در احداث بلندمرتبه‌ها می‌باشد و این ملاحظات سبب شده است تا ساختمان‌های بلند در این کشور به‌صورت چند هسته‌ای و خوشه‌ای شکل گیرند. ساختمان‌های بلند شهر لندن عمدتاً به صورت هسته‌های مجزا در شمال و شرق قرار گرفته‌اند. در بسیاری از این نواحی، ساختمان‌های بلندمرتبه توزیع نسبتاً پراکنده دارند و همبستگی بصری قوی بین آن‌ها وجود ندارد. تنها در قسمت کوچکی از ناحیه شرقی شهر، مجاورت بیشتر و ارتفاع بیشتر ساختمان‌ها سبب شده است که از نظر بصری، خوشه‌های مجزایی را ایجاد نماید. خوشه شرقی، ناحیه‌ای است که مدت‌های زیادی به‌وسیله بالاترین تراکم‌های ساختمانی در شهر، مشخص شده است. (شکل ۳) این ناحیه در اولین طرح برنامه‌ریزی شهر در دهه ۱۹۳۰ برای

اجازه دادن به ارتفاع ساختمانی بیشتر، مشخص شده است و در دهه ۱۹۵۰ نیز به منظور بالاترین نسبت قطعات بلندمرتبه در لندن مشخص شده است. هرچه ساختمان‌های بلند از دهه ۱۹۵۰ به بعد شکل گرفته، موقعیت آنها نسبتاً پراکنده بوده است و خوشه مشخصی شکل نگرفته است (دپارتمان محیط زیست انسان ساخت^۱، ۲۰۱۰، ص. ۲۶).



شکل ۳. پراکنش ساختمان‌های بلندمرتبه در شهر لندن

مأخذ: دپارتمان محیط زیست انسان ساخت، ۲۰۱۵، ص. ۱۲

در شهر نیوکاسل نیز ملاحظات دید و منظر به مکان‌های تاریخی و ... دو روش توسعه بصورت خوشه‌ای در چند مکان مختلف و روش بلوک نقطه-ای در احداث بلندمرتبه‌ها مصوب شده است و اکثر ساختمان‌های بلند در هسته مرکزی شهر توسعه یافته-اند (شورای شهر نیوکاسل^۲، ۲۰۰۶).

در چین همزمان با توسعه چشمگیر اقتصاد، دوره جدید صنعتی‌سازی و نوسازی از دوران پس از اصلاحات در اواخر دهه ۱۹۸۰ آغاز شده و متراکم-

سازی برای استفاده حداکثری از زمین در دستور کار قرار گرفت. (گوان^۳ و روو^۴، ۲۰۱۶، ص. ۲). بنابراین برنامه‌ریزان شهری سیاست شهر مولد و تولیدکننده را به جای شهر مصرف کننده درپیش گرفته‌اند که این امر با اجرای طرح‌های بلندمرتبه‌سازی در شهرهای بزرگ چین، اراضی باز بسیاری برای مقاصد کشاورزی ایجاد شد. این سیاست منجر به ایجاد شهرهای فشرده در چین شده و ساختمان‌های بلند جدید از مرکز شهر تا حومه‌ها کشیده شدند. در برنامه ملی شهرسازی جدید چین (۲۰۱۴-۲۰۲۰) سطح و کیفیت شهرنشینی به طور پیوسته بهبود می‌یابد و حالت توسعه فشرده و بلندمرتبه با تراکم بالاتر، کاربری‌های مختلط و جهت‌گیری در جهت ترافیک عمومی به حالت غالب تبدیل خواهد شد. و موانع نهادی که مانع پیشرفت صحیح شهرنشینی می‌شوند اساساً برداشته می‌شوند. این سیاست به صورت عمومی از احداث ساختمان‌های بلند حمایت می‌کند (گزارش ملی چین سومین جلسه سازمان ملل^۵، ص. ۱۹).

در سیاست بلندمرتبه‌سازی وهان چین عوامل مکانی، اجتماعی و اکولوژیکی بر توزیع فضایی ساختمان‌های بلند مسکونی و عوامل مکانی مراکز شغلی و قیمت زمین بر توزیع فضایی ساختمان‌های بلند با سایر کاربری‌ها تأثیرگذار بوده است. توزیع فضایی کلی ساختمان‌های بلند به سمت مرکز تجاری شهر هدایت شده‌اند. شکل (۴) موقعیت ساختمان-

3. Guan

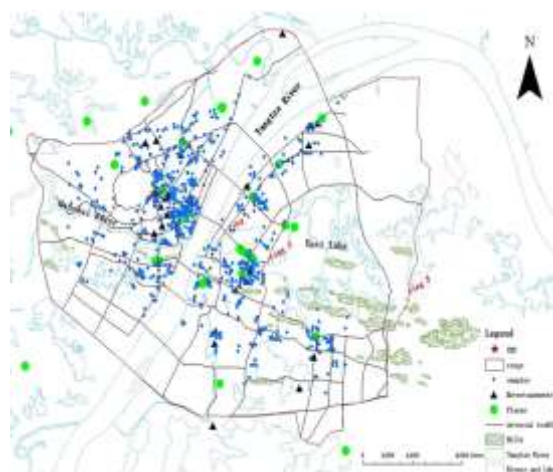
4. Rowe

5. China National Report Prepared for the Third United Nations

1. Department of the Built Environment

2. Newcastle City Council

های مسکونی بلندمرتبه را در ناحیه شهری وهان نشان می‌دهد.



شکل ۴. موقعیت ساختمانهای مسکونی بلندمرتبه در

ناحیه شهری وهان

مأخذ: (ژو، لیو، چن، زنگ و وانگ، ۲۰۱۵، ص. ۴۹۸)

نوع برنامه‌ریزی و نظام اجتماعی و اقتصادی هند شهرهای این کشور را دچار جدایی‌گزینی اجتماعی نموده است، شهرها، با داشتن پتانسیل برای توسعه گسترده شهری رشد بالای جمعیت، مهاجرت از روستاهای اطراف، تقاضای مسکن، افزایش هزینه زمین منجر به ارتقای اقتصاد مسکن بلندمرتبه و جزو سیاست و راه‌حل‌های کلان شهرها در هند شده است. شهرهای بمبئی، دهلی، پونه و حیدرآباد و ... دستخوش رونق گسترده ساخت‌وساز، با هزاران ساختمان بلند و فعالیت‌های عظیم ساختمانی هستند (کاوایلکار^۱ و پاتیل^۲، ۲۰۱۴، ص. ۸۶). الگوی فضایی ساختمانهای بلندمرتبه در هند نوع پراکنده‌ای دارد. اما بعلاوه تمرکز فعالیت‌های اقتصادی و اشتغال در هسته

مرکزی شهر، ساختمان‌های بلند بیشتری مشاهده می‌گردد. و به‌علت نبود امنیت در حاشیه شهرها با وجود برنامه‌ریزی دولت اما استقبال کمتری شده است. مطالعات در شهر حیدرآباد هند بیانگر هسته شهری، پویاتر و بسیار ناپایدار می‌باشد، به‌طوری که نواحی کم تراکم، دائماً به بلندمرتبه تبدیل شده‌اند. توسعه بلندمرتبه عمدتاً وابسته به چند فاکتور مانند قیمت‌های زمین، دسترسی، در دسترس بودن زمین برای ساخت‌وساز و موقعیت ادارات دولتی بوده است. سیاست‌های تشویقی حکومتی نیز بر این نوع توسعه، تأثیر داشته است (ردی^۳، ۱۹۹۶، ص. ۶۰).

ساختمان‌های بلندمرتبه در ایران نیز با الگوهای مختلفی در کلان‌شهرها مشاهده می‌گردد، بر اساس مطالعات انجام شده در تهران، مجموع ساختمان‌های بلندمرتبه تهران (ساختمان‌های با ۶ طبقه یا بیشتر) تا سال ۱۳۸۵، در حدود ۵۱۵۲۳ واحد بوده است. که نحوه توزیع آنها به‌صورت پراکنده بوده، اما تراکم ساختمان‌های بلندمرتبه در شهر تهران بیانگر آن است که بیشترین میزان بلندمرتبه‌سازی در مناطق شمالی، مرکزی و شرقی استقرار یافته‌اند (پورموسوی، زنگنه، احمدی فرد و ناصح، ۱۳۹۰، ص. ۶۶). شکل (۵) پراکنش ساختمان‌های بلندمرتبه در شهر تهران را نشان می‌دهد.

1. Kavilkar
2. Patil

3. Reddy

۲. روش شناسی تحقیق

۲.۱. روش پژوهش

روش گردآوری اطلاعات در این طرح به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای و پیمایشی و بهره‌گیری از آمار و اطلاعات شهرداری مشهد می‌باشد. جامعه آماری تحقیق، شامل کلیه ساختمان‌های بلندمرتبه ده طبقه و بیشتر که طی سال‌های ۱۳۹۷-۱۳۸۵ در ۱۲ سال اخیر شهر مشهد احداث و یا دارای مجوز می‌باشند.

۲.۲. متغیرها و شاخص‌های پژوهش

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز، ابتدا با استفاده از آمار و اطلاعات موجود از ساختمان‌های بلندمرتبه در سیستم یکپارچه شهرسازی شهرداری مشهد نسبت به تعیین موقعیت جغرافیایی آن‌ها، بر روی نقشه اقدام گردید. سپس تجزیه و تحلیل داده‌ها با توجه به ماهیت و مراحل انجام تحقیق، به صورت کمی و کیفی و با استفاده از مدل ریاضیاتی موران و استفاده از نرم‌افزار GIS بویژه ابزار Spatial Autocorrelation و نرم‌افزارهای آماری مانند Excel و SPSS بهره‌گیری شده است.

ضریب موران از جمله مدل‌های خود همبستگی فضایی^۱ است که میزان تجمع و پراکنش را نشان می‌دهد.

فرمول محاسباتی ضریب موران به شرح زیر می‌باشد: (تسای^۲، ۲۰۰۵، ص. ۱۴۶)

$$\text{Moran} = \frac{N \sum_{i=1}^N \sum_{j=1}^N W_{ij} (X_i - \bar{X})(X_j - \bar{X})}{(\sum_{i=1}^N \sum_{j=1}^N W_{ij})(X_i - \bar{X})^2}$$

1. Auto Corrolation

2. Tsai



شکل ۵. تراکم ساختمان‌های بلندمرتبه و آپارتمان‌ها

در مناطق مختلف تهران

مأخذ: (پورموسوی، زنگنه، احمدی فرد و ناصح، ۱۳۹۰، ص. ۶۷)

در شهر قزوین، نیز روند بلندمرتبه‌سازی رو به فزونی بوده و از نظر موقعیت مکانی این ساختمان‌ها، تمرکز آنها در هسته مرکزی و بخش شمالی بیشتر از سایر قسمت‌های شهر است (غلامی و زیاری، ۱۳۹۶، ص. ۱۲). اما همان‌طور که در شکل (۶) مشاهده می‌شود، ساختمان‌های بلندمرتبه در شهر قزوین به صورت پراکنده در سطح شهر وجود دارد و فاقد الگوی فضایی مشخص هستند.



شکل ۶. توزیع فضایی ساختمان‌های بلندمرتبه در

شهر قزوین

مأخذ: (غلامی و زیاری، ۱۳۹۶، ص. ۸)

در مدل موران تحلیل فضایی پراکنش ساختمان-ها، الگوهای فضایی دارای سه حالت خوشه‌ای^۱، پراکنده^۲ و اتفاقی یا تصادفی^۳ می‌باشد. بر مبنای این طبقه بندی، می‌توان بر چگونگی نظم و ترتیب قرارگیری واحدهای ناحیه‌ای، متمرکز شد. ضریب موران همواره بین ۱- تا ۱+ متغیر است. ۱- برابر با تعامل فضایی منفی و الگوی شطرنجی توسعه و ۱+ برابر تعامل فضایی مثبت و الگوی کاملاً تک قطبی است. مقدار ۰ نیز نشان‌دهنده الگوی تجمع تصادفی یا چندقطبی است. به‌طور کلی، هرچه قدر مقدار این ضریب، بالاتر می‌شود، نشان‌دهنده تجمع زیاد و هرچه قدر پایین‌تر می‌رود، نشان‌دهنده پراکنش پدیده مورد مطالعه است. علاوه بر این، با توجه به آمار و اطلاعات موجود، ضرایب موران برای مناطق مختلف شهری محاسبه گردیده و در نهایت ارتباط آماری بین ساختمان‌های بلندمرتبه و میزان فشردگی مناطق مورد تحلیل قرار گرفته است

۲.۳. قلمر جغرافیایی پژوهش

قلمرو جغرافیایی پژوهش شامل محدوده خدماتی شهر مشهد و مرز مناطق شهری می‌باشد که بر این اساس شهر مشهد دارای ۱۳ منطقه و دارای ۲۲۰ ساختمان بلند بر مبنای تعریف این مقاله می‌باشد.

۳. یافته‌های تحقیق

۳.۱. یافته‌های توصیفی و تحلیلی

بررسی پروانه‌های ساختمانی صادر شده از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۷ در سیستم یکپارچه شهرسازی

شهرداری مشهد، نشان می‌دهد که در این مدت، ۲۲۰ ساختمان ۱۰ طبقه و بالاتر شکل گرفته است. از نظر نحوه پراکنش در سطح مناطق شهرداری نیز، پراکنش ساختمان‌ها در سطح همه مناطق به جز منطقه ۴ و ۵ می‌باشد. لیکن منطقه ۹ شهرداری با ۲۵/۷ درصد، منطقه ۸ با ۲۰/۳ درصد و منطقه ۱ با ۱۲/۲ درصد ساختمان‌ها در این زمینه، بیشترین بلندمرتبه‌سازی را داشته‌اند (جدول (۱)).

جدول ۱. پراکنش ساختمان‌های بلندمرتبه در مناطق

مختلف شهرداری شهر مشهد

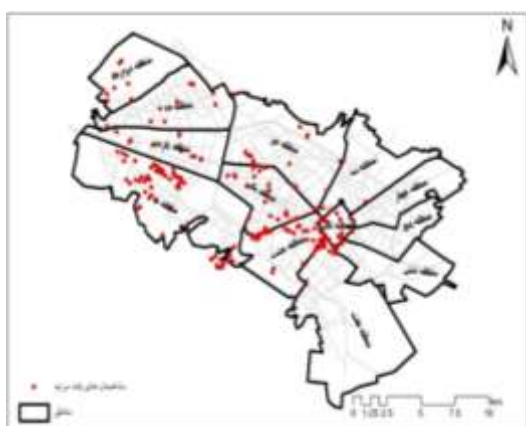
منطقه شهرداری	فراوانی تعداد ساختمان	درصد از کل ساختمان‌ها
۱	۲۷	۱۲/۲۷
۲	۲۰	۹/۰۹
۳	۳	۱/۳۶
۶	۲	۰/۹۱
۷	۱۵	۶/۸۲
۸	۴۵	۲۰/۴۵
۹	۵۶	۲۵/۴۵
۱۰	۸	۳/۶۴
۱۱	۱۴	۶/۳۶
۱۲	۱۰	۴/۵۵
۱۳	۲۰	۹/۰۹
مجموع	۲۲۰	۱۰۰

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

شکل (۷) نحوه پراکنش این ساختمان‌ها را در سطح مناطق شهرداری مشهد نشان می‌دهد. چنان‌که مشاهده می‌گردد اگرچه تمرکز این نوع از ساخت‌وساز در مناطق مرکزی و غربی شهر مشهد، بیشتر بوده است لیکن در سطح تمام مناطق شهری بجز مناطق ۴ و ۵، دارای پراکنش بوده و بیانگر آن است که برای

1. Clustered
2. Dispersed
3. Random

بلندمرتبه‌سازی مشرفیت و محرمیت را در محلات نادیده گرفته و نارضایتی اجتماعی زیادی را ایجاد می‌نماید.



شکل ۷. توزیع ساختمان‌های بلندمرتبه در سطح

مناطق شهرداری مشهد (۹۷-۱۳۸۵)

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

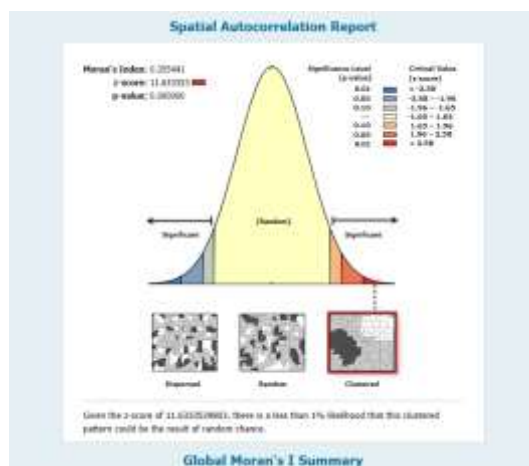
۳.۲. الگوی فضایی ساختمان‌های بلندمرتبه

برای محاسبه همبستگی فضایی ساختمان‌ها، از اطلاعات مکانی ساختمان‌های بلندمرتبه و سیستم اطلاعات جغرافیایی استفاده گردید که نتایج آن در شکل (۸) نشان داده شده است. چنان‌که نتایج ضریب نشان می‌دهد، مقدار ضریب محاسبه شده برای ساختمان‌های بلند برابر با 0.355 می‌باشد که باتوجه به قرارگیری بین 0 و $+1$ بیانگر الگوی تجمع ساختمان‌ها می‌باشد. به عبارت دیگر، ساختمان‌های بلندمرتبه موجود شهر مشهد، تا حدی از الگوی خودهمبستگی فضایی برخوردارند. از آنجا که مقدار P -value برابر با 0.00 محاسبه گردیده است، در-واقع نتیجه پراکنش تصادفی ساختمان‌ها، پذیرفته نیست. و همان‌طور که شکل (۸)، نشان می‌دهد، می-توان آن را دارای الگوی خوشه‌ای دانست و اگرچه

بلندمرتبه‌سازی، پهنه و محدوده خاصی نداشته و عمده ساختمان‌های موجود به صورت منفرد و به صورت پراکنده در سطح مناطق شهری بوده است. این امر نشان می‌دهد که بلندمرتبه‌سازی دارای الگو و معیار مشخصی نبوده و برحسب تقاضای بازار و عمدتاً باتوجه به شرایط زمین و ویژگی‌های آن، تعریف گردیده است.

بیش از 45% از ساختمان‌های بلندمرتبه مشهد در مناطق ۹ و ۸ شهرداری که در مرکز شهر و دامنه‌های رشته کوه‌های بینالود قرار گرفته، احداث شده‌اند، این محدوده دارای بافت‌های تاریخی، حریم حرم مطهر رضوی و بافت ارزشمند معاصر بوده و درارتفاعات دارای محیط طبیعی بکر، چشمه‌های فعال و گونه‌های جانوری و گیاهی خاص محلی می‌باشد. و از سوی دیگر اختلاف فشار هوا بین مرکز شهر و ارتفاعات جنوبی مشهد در این منطقه باعث جریان هوایی محلی و خارج نمودن آلودگی‌های شهری و تهویه مطبوع طبیعی مرکز شهر می‌گردد. با گسترش بدون ضابطه ساختمان‌های بلند در این مناطق بدون توجه به محیط طبیعی و جریان‌های هوایی در آینده‌ای نزدیک موجب انسداد جریان‌های هوایی این منطقه شده و علاوه بر افزایش آلودگی هوا، موجب برهم-خوردن تعادل محیطی و از بین رفتن گونه‌های جانوری و گیاهی ارتفاعات جنوبی می‌گردد. احداث بسیاری از ساختمان‌ها در حریم منظر حرم مطهر و در بافت تاریخی شهر، نیز موجب آسیب به داشته-های فرهنگی و تاریخی شهر شده و در نهایت به میراث فرهنگی شهر مشهد آسیب فراوانی وارد خواهد کرد. همچنین از نظر اجتماعی نیز توسعه

مرکزیت حرم مطهر غالب می باشد، لیکن مقدار پائین ضریب موران بیانگر خوشه‌های متفاوتی است که نقش مرکزیت اصلی مشهد در پیرامون حرم مطهر (ع) را کاهش داده است.



شکل ۸: محاسبه ضریب موران برای توزیع

ساختمان‌های بلندمرتبه شهر مشهد (۹۷-۱۳۸۵)

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

۳.۳. بررسی تأثیرات ساختمان‌های بلندمرتبه بر الگو و فرم شهری مشهد

بررسی پراکنش و توزیع فضایی ساختمان‌های بلندمرتبه، نشان می‌دهد که نحوه پراکندگی این ساختمان‌ها دارای الگوی چندخوشه‌ای بوده و می‌توان حداقل چهار خوشه مهم حوزه پیرامونی حرم مطهر (ع) منطقه ثامن (خوشه غالب)، خوشه قسمت جنوب غربی و منطقه ۹، خوشه انتهایی منطقه ۸ و خوشه میانی شهر در مرز مناطق یک و دو شهرداری را برای آن متصور شد. براین اساس، به منظور بررسی تأثیرات این ساختمان‌های بلندمرتبه بر الگو و فرم شهر، نیز ارتباط بین نحوه پراکنش و توزیع این ساختمان‌ها در سطح مناطق و ضرایب فشردگی، پراکنش مناطق مختلف، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جدول (۲)

جدول ۲. وضعیت فشردگی و پراکنش ساختمان‌های بلندمرتبه در مناطق مختلف شهرداری شهر مشهد

منطقه شهرداری	ضریب فشردگی (موران) منطقه	فراوانی تعداد ساختمان	درصد از کل ساختمان‌ها
۱	۰/۹۹	۲۷	۱۲/۲۷
۲	۰/۹۹	۲۰	۹/۰۹
۳	۰/۷۳	۳	۱/۳۶
۴	۰/۹۱	۰	۰
۵	۰/۹۸	۰	۰
۶	۰/۹۷	۲	۰/۹۱
۷	۰/۴۸	۱۵	۶/۸۲
۸	۰/۹۸	۴۵	۲۰/۴۵
۹	۰/۴۸	۵۶	۲۵/۴۵
۱۰	۰/۰۰۷	۸	۳/۶۴
۱۱	۰/۹۹	۱۴	۶/۳۶
۱۲	۰/۱۱	۱۰	۴/۵۵
۱۳	۰/۹۲	۲۰	۹/۰۹
مجموع	-	۲۲۰	۱۰۰

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

بررسی میزان ضریب موران (بالاتر از صفر) برای مناطق مختلف بیانگر مقداری فشردگی در همه مناطق می باشد، لیکن ضرایب مختلف با یکدیگر متفاوت بوده و از این منظر، اختلافاتی بین آنها وجود دارد. با توجه به نتایج فوق، به منظور بررسی تأثیرات ساختمان بلندمرتبه بر فرم شهری، از همبستگی بین فشردگی مناطق و تعداد ساختمان های بلندمرتبه

استفاده شده است. به عبارت دیگر، این سوال مطرح گردیده است، که آیا پراکنش ساختمان های بلندمرتبه در سطح مناطق را می توان با میزان ضریب فشردگی مناطق مرتبط دانست. به این منظور، همبستگی بین آنها با استفاده از ضریب اسپیرمن و پیرسون محاسبه گردید که نتایج به صورت جدول (۳) محاسبه گردیده است.

جدول ۳. محاسبه همبستگی بین ضریب فشردگی / پراکنش پیرسون منطقه و تعداد ساختمان های بلندمرتبه

		مناطق	تعداد ساختمان بلند
ضریب فشردگی منطقه	Pearson Correlation	۱	۰/۰۱۰
	Sig. (1-tailed)	-	۰/۴۸۷
	N	۱۳	۱۳
تعداد ساختمان بلندمرتبه	Pearson Correlation	۰/۰۱۰	۱
	Sig. (1-tailed)	۰/۴۸۷	-
	N	۱۳	۱۳

مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۹)

جدول ۴. محاسبه همبستگی بین ضریب فشردگی / پراکنش اسپیرمن منطقه و تعداد ساختمان های بلندمرتبه

			مناطق	تعداد ساختمان بلند
ضریب فشردگی منطقه	Spearman's	Correlation Coefficient	۱	۰/۰۸۱
		Sig. (1-tailed)	.	۰/۳۹۶
		N	۱۳	۱۳
	تعداد ساختمان بلندمرتبه	Correlation Coefficient Spearman's	۰/۰۸۱	۱
		Sig. (1-tailed)	۰/۳۹۶	.
		N	۱۳	۱۳

مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۹)

بر اساس نتایج مدل، (جداول ۲ و ۳) سطح معنی داری در مدل پیرسون ۰/۴۸۷ و در مدل اسپیرمن ۰/۳۹۶ می باشد که ضرایب پائین بوده و مقدار ضریب همبستگی در هر دو مدل برابر با ۰/۰۸۱ و بالاتر از

۰/۰۵ سطح معنی داری پائین را نشان می دهد و با توجه به این امر، می توان گفت که بین ضریب فشردگی منطقه و تعداد ساختمان های بلندمرتبه ساخته شده در آن، ارتباطی وجود ندارد. به عبارت

دیگر نمی‌توان گفت که ساختمان‌های بلندمرتبه، عمدتاً در مناطق فشرده شهری، ساخته شده است.

۳. ۴. بحث

این مقاله با هدف بررسی و تحلیل توزیع فضایی ساختمان‌های بلندمرتبه احداث شده در کلان‌شهر مشهد (طی دهه ۱۳۸۵-۱۳۹۷) و تأثیر آن بر فرم شهری کلان‌شهر مشهد انجام گردید. به این منظور از آمار و اطلاعات موجود و مدل خود همبستگی فضایی و سیستم اطلاعات جغرافیایی استفاده شد. ضریب موران محاسبه شده برای ساختمان‌های احداث شده در بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۷ برابر با مقدار ۰/۳۵۵ می‌باشد که باتوجه به قرارگیری بین صفر و ۱+ بیانگر الگوی تجمع ساختمان‌ها می‌باشد. به عبارت دیگر، ساختمان‌های بلندمرتبه موجود شهر مشهد تا حدی از الگوی خودهمبستگی فضایی برخوردارند. از آنجا که مقدار P-value مربوطه نیز برابر با ۰/۰۰ محاسبه گردید، در واقع نتیجه پراکنش تصادفی ساختمان‌ها، پذیرفته نیست و می‌توان آن را دارای الگوی خوشه‌ای دانست و چندمرکزیت مهم را برای آن، متصور شد. بزرگترین و بیشترین تعداد ساختمان‌های بلندمرتبه مربوط به هسته شهری و حوزه پیرامونی حرم مطهر رضوی (ع) است که نشان از تمایل قرارگیری این ساختمان‌ها در مرکزیت شهری به دلیل اثرات ناشی از تجمع جمعیت و اشتغال و جایگاه خاص حرم مطهر در این شهر می‌باشد. سایر خوشه‌ها در جنوب غربی (منطقه ۹)، جنوب شرقی (انتهای منطقه ۸)، خوشه‌مییانی شهر (مرز مناطق یک و دو) قرار گرفته‌اند. در مناطق ۱۰، ۱۱ و

۱۲ شهرداری نیز تعدادی از این ساختمان‌ها پراکنده‌اند.

با بررسی الگوی بلندمرتبه‌سازی در سایر شهرها و شهر مشهد، می‌توان نتیجه گرفت، الگوی بلندمرتبه‌سازی در مشهد متفاوت با الگوی شهر لندن می‌باشد. چرا که در لندن بعد از دهه ۱۹۵۰، خوشه خاصی در بلندمرتبه‌سازی شکل نگرفته‌است و همبستگی بصری قوی بین آن‌ها وجود ندارد اما در مشهد، الگو به صورت خوشه‌ای بوده است و همبستگی فضایی بین آن‌ها در خوشه‌ها، نمایش داده شده است هرچند شاهد پراکنش ساختمان‌های بلند منفرد و پراکنده در سطح شهر نیز می‌باشیم. از این نظر، تشابه بیشتری بین مشهد و وهان چین برقرار است چرا که در پراکندگی بلندمرتبه‌های وهان چین، نیز فاکتورهای مکانی، مراکز شغلی و قیمت زمین تأثیر داشته‌است و در مشهد نیز عمدتاً گرایش به سمت هسته شهری و پیرامون حرم مطهر بوده است که در آن فاکتورهای مکانی و مراکز شغلی، نقش به سزایی دارند. همچنین قرابت نزدیکی بین شهرهای هند بویژه حیدرآباد و مشهد برقرار است. در حیدرآباد، هسته شهری، منطقه پویاتری بوده و نواحی کم تراکم در این منطقه به بلندمرتبه تبدیل شده‌اند که در این روند، قیمت زمین، دسترسی، دسترسی بودن زمین برای ساخت و موقعیت ادارات دولتی تأثیرگذار بوده است و این عوامل نیز در هسته مرکزی شهر مشهد، تأثیر گذار بوده‌اند. مطالعات تل-آویو نیز نشان می‌دهد که هم‌گرایی در روند اولیه ساخت بلندمرتبه مشهود بوده و ادامه بلندمرتبه‌سازی در هسته مورد انتظار است که از این نظر، وضعیت مشابهی با الگوی شهر مشهد را داراست. وضعیت

شهر مشهد با شهرهای چین نیز دارای تضاد است زیرا شهرهای چین دارای فشردگی عمیق بوده و جزو استراتژی‌های ملی محسوب می‌گردد. اما در مشهد الگو در مراحل اولیه فشردگی قرار دارد. الگوی بلندمرتبه‌های شهرهای ایران با شهر مشهد نشان می‌دهد که الگوی این ساختمان‌ها در شهر تهران در بخش‌های شمالی، مرکزی و شرقی پراکنده است و مرکزیت خاصی بر آن حاکم نیست که از این منظر با توزیع ساختمان‌های بلند مشهد، در تضاد می‌باشد. در شهر اصفهان نیز الگوی ساختمان بلند به سمت مناطق جنوب رودخانه زاینده‌رود کشیده شده است و دارای توسعه متراکم است لیکن در دراز مدت شهر اصفهان به سوی الگوی بی‌قواره و اسپرال در حرکت است که در این زمینه با الگوی رشد ساختمان‌های بلند در مشهد که به سمت مرکز شهر و الگوی خوشه‌ای و شهر فشرد پیش می‌رود در تضاد است. در قزوین نیز الگوی پراکنش ساختمان‌های بلندمرتبه، در هسته مرکزی شهر بیشتر بوده است که مشابه شهر مشهد می‌باشد، لیکن الگوی آن به صورت پراکنده و بدون الگوی مشخص محاسبه گردیده است در حالی که الگوی مشهد، به صورت چندخوشه‌ای می‌باشد.

۴. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که ساختمان‌های بلندمرتبه شهر مشهد عمدتاً تمایل به قرارگیری در مرکز شهر داشته‌اند، جایی که تمرکز اشتغال و خدمات و جمعیت در آن وجود دارد. لیکن بافت‌های جدید شهری و سمت غربی شهر مشهد نیز دارای

جاذبیت‌هایی بوده است و از سویی وجود اراضی بزرگ و شبکه ارتباطی و زیرساختی مناسب‌تر، در آن سبب شده است که در این نواحی نیز، گرایش بلندمرتبه‌سازی را شاهد باشیم. لیکن مناطق قدیمی‌تر که عمدتاً در شمال و شرق مشهد قرار دارند، دارای قیمت اراضی پایین بوده و عمدتاً محل اسکان اقشار ضعیف و کم درآمد و مهاجران شهری بوده است و به دلیل بافت پرت و شبکه ارتباطی و زیرساخت‌های نامناسب، عملاً جذابیتی برای ساختمان‌های بلندمرتبه نداشته و از ساخت‌وسازهای بلندمرتبه، بی‌بهره مانده است.

تأثیرات ساختمان‌های بلندمرتبه بر فرم شهری نیز بیانگر آن است اولاً توزیع خود این ساختمان‌ها به صورت چندخوشه‌ای بوده و فشردگی در سطح مناطق مختلف به صورت نسبی بالا بوده اما مقادیر آن بین مناطق مختلف، متفاوت بوده است. همچنین بررسی رابطه بین تعداد ساختمان‌های بلندمرتبه با میزان فشردگی مناطق شهرداری، مؤید آن است که عملاً بین آنها، ارتباطی وجود نداشته است. به عبارت دیگر، توزیع ساختمان‌های بلندمرتبه در سطح مناطق به نحوی بوده است که نمیتوان گفت، مناطق فشرد را فشردتر نموده است. پس بنابراین، سبب شده است که فرم کلی شهر نیز به سوی چند مرکزی سوق پیدا کند. لذا بلندمرتبه‌سازی به دلیل تراکم و سطح زیربنایی بالاتری که نسبت به کوتاه مرتبه دارد، از سویی فرم شهری را به سوی فشردگی برده است که باتوجه به مباحث و موضوعات مطرح شده در زمینه فرم شهر و پایداری آن، با مباحث پایداری، قرابت دارد چرا که از جنبه پایداری شهری، فرم‌های فشرد

شهری، مقبولیت بیشتری دارد و از سوی دیگر، با حرکت به سوی چند مرکزی، از اثرات نامطلوب الگوی تک مرکزی، شامل فشار بیش از حد بر تاسیسات و خدمات مورد نیاز و ... کاسته است. عباس زاده و رهنما در سال ۱۳۸۵ در پژوهش مقایسه پراکنش و تمرکز شهر مشهد و سیدنی با شاخص‌های جمعیت و اشتغال بیانگر این است که کلانشهر مشهد از نظر فشردگی تصادفی می‌باشد و در پژوهش مشابه دیگری در سال ۹۳ توسط رضائیان و رهنما با عنوان سنجش میزان فشردگی کلان‌شهرهای ایران، الگوی ساختار فضایی مشهد بر اساس جمعیت را به صورت پراکنده عنوان نموده‌اند. در حالی که در تحقیق حاضر نحوه توزیع ساختمانهای بلند در شهر مشهد بصورت الگوی چندهسته‌ای می‌باشد و متفاوت با سایر تحقیقات انجام شده در شهر مشهد بوده است. لذا پیشنهاد می‌گردد با بررسی و حذف آثار منفی اجتماعی، اقتصادی، و زیست محیطی بلندمرتبه‌سازی در خوشه‌های شکل گرفته، شهر مشهد را به سوی رشد هوشمند رهنمون نماید.

کتاب‌نامه

۱. بمانیان، م. (۱۳۹۰). *ساختمان بلند و شهر*، چاپ اول، تهران: نشر شهر.
۲. پورموسوی، س.م.، زنگنه، س.، احمدی فرد، ن.، و عبدی، ن. (۱۳۹۰). تأثیر بلندمرتبه‌سازی بر میزان جرایم شهری. *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، ۱۷، ۷۳-۶۱.
۳. داوودی، م.، و فرج پور، ه. (۱۳۹۴). طراحی مسکن در مجموعه‌های بلندمرتبه و برج‌های چندمنظوره شهری. *دومین کنفرانس پژوهش‌های نوین*، استانبول.
۴. رحمانی، ا.، و محمودی سفیدکوهی، ع. (۱۳۹۳). بررسی تحلیلی تنگناهای قانونی در تحقق طرح‌های بلندمرتبه‌سازی و توسعه پایداری، *اولین کنگره تخصصی مدیریت شهری و شوراهای شهر*، تهران.
۵. رضایی‌راد، ه. (۱۳۹۰). *ارزیابی سیاست‌های بلندمرتبه‌سازی در طرح تفصیلی با تأکید بر سازمان فضایی- عملکردی شهر تهران*. پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۶. رهنما، م.، و رزاقیان، ف. (۱۳۹۲). مکان‌گزینی ساختمان‌های بلندمرتبه با تأکید بر نظریه رشد هوشمند شهری در منطقه ۹ شهرداری مشهد. *مجله آمایش جغرافیایی فضا*، ۳(۹)، ۶۴-۴۵.
۷. شاکری، ا.، و صمدی واقفی، ا. (۱۳۸۶). مشکلات احداث بناهای بلند در مناطق متراکم و فرسوده شهری، *کنفرانس ملی توسعه نظام اجرایی پروژه‌های عمرانی، صنعتی و شهری*. تهران: مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه صنعتی شریف.
۸. شهرداری مشهد. (۱۳۹۴). *گزارش ساختمان‌های بلندمرتبه شهر مشهد*. مشهد: معاونت اقتصادی شهرداری مشهد.
۹. شهرداری مشهد. (۱۳۹۷). *گزارش سیستم یکپارچه شهرسازی شهرداری مشهد*. مشهد: آرشیو طرح‌های مشارکتی شهرداری مشهد.

۱۰. صدوقیان زاده، م. (۱۳۷۴). *بلندمرتبه سازی و فضای شهری*. پایان نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد شهرسازی، تهران: دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران
۱۱. عادل، ز.، و سرده، ع. (۱۳۹۰). مکان‌گزینی ساختمان‌های بلند مسکونی در قزوین با استفاده از فرآیند سلسله مراتبی (AHP) و GIS. *سومین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری*، مشهد.
۱۲. عزیزی، م.، و متوسلی، م. (۱۳۹۱). ارزیابی انواع ساختمان‌های بلندمرتبه مسکونی از لحاظ تأثیر بر سیما و منظر شهر، نمونه موردی بافت‌های جدید شهر مشهد. *فصلنامه مدیریت شهری*، ۳۰، ۹۱-۱۱۲.
۱۳. غلامی، ز.، و زیاری، ک. (۱۳۹۶). تأثیر بلندمرتبه‌سازی بر ساختار کالبدی فضایی شهر با استفاده از GIS، *چهارمین کنفرانس ملی معماری و شهرسازی: پایداری و تاب‌آوری، از آرمان تا واقعیت*، قزوین.
۱۴. کریمی‌مشاور، م.، منصوری، س. ا.، و ادیبی، ع. ا. (۱۳۸۹). رابطه چگونگی قرارگیری ساختمان‌های بلندمرتبه و منظر شهری. *فصلنامه باغ نظر*، ۱۳، ۸۹-۹۹.
۱۵. کریمی، ل. (۱۳۹۲). *بررسی مسائل و تحلیل فضایی ساختمان‌های بلندمرتبه (مطالعه موردی مناطق جنوب رودخانه زاینده‌رود در شهر اصفهان)*. پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
۱۶. کشفی، م. ع.، حسینی، س. ب.، و نوروزیان، س. (۱۳۹۱). نقش فضاهای عمومی ساختمان‌های مسکونی بلندمرتبه در افزایش تعاملات اجتماعی ساکنین. *فصلنامه مدیریت شهری*، ۳۰، ۷-۱۸.
۱۷. کوه‌زاد، ح. (۱۳۹۲). بلندمرتبه‌سازی در مشهد؛ بایدها و نبایدها. *ماهنامه اقتصاد آسیا*، ۵۲۹، ۲۷-۲۹.
۱۸. محمدی‌ده‌چشمه، م. (۱۳۹۱). نگرشی بر ناگفته‌های مکتب شیکاگو در مطالعات شهری، *مجله علمی و پژوهشی اطلاعات جغرافیایی سپهر*، ۲۱ (۸۴)، ۳۶-۳۹.
۱۹. مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). *سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۹۵-۱۳۳۵)*. تهران: مرکز آمار ایران.
۲۰. مرکز تحقیقات راه و شهرسازی. (۱۳۹۵). *حفاظت ساختمان‌ها در مقابل حریق مبحث سوم*. تهران: مرکز تحقیقات راه و شهرسازی.
۲۱. مهندسین مشاور پارت. (۱۳۸۰). *منطقه‌بندی و تعیین محدوده‌های دارای پتانسیل برای بلندمرتبه‌سازی در شهر مشهد*. مشهد: شهرداری مشهد.
۲۲. وزارت راه و شهرسازی. (۱۳۹۵). *مجموعه ضوابط و مقررات و مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۳. وزارت راه و شهرسازی. (۱۳۹۷). *ضوابط عام بلندمرتبه سازی*. تهران: وزارت راه و شهرسازی.

24. Al-Kodmany. K. (2018). *The sustainability of tall Building developments: A conceptual framework*. Chicago: Department of Urban Planning and Policy. College of Urban Planning and Public Affairs. University of Illinois at Chicago.
25. Al-kodmany. K., & Ali. M.M. (2013). *The future of the city; tall buildings and urban design*. UK: WIT Press publishes leading books in Science and Technology. Visit our website for the current list of titles. www.witpress.com

26. Bowie. D. (2017). *Beyond the compact city: A London Case Study–Spatial impacts of social polarization, sustainable development and social justice*. Westminster: Department of Planning and Transport. University of Westminster.
27. CTBUH. (2018). *Council on tall buildings and urban habitat*. Chicago: CTBUH. Available online: <http://www.ctbuh.org/> (accessed on 15 July 2018).
28. CTBUH. (2018). *Tallest skyscraper completed*. Chicago: CTBUH. Available online: <https://store.ctbuh.org/posters/91-tallest-skyscraper-completed-each-year.html>
29. Daneshpour. A., & Shakibamanesh. A. (2011). Compact city; dose it create an obligatory context for urban sustainability. *International Journal of Architectural Engineering & Urban Planning*, 21(2), 1-9.
30. Department of the Built Environment. (2010). *City of London tall buildings*. Eindhoven: Department of the Built Environment.
31. Frenkel. A. (2004). Spatial distribution of high-rise buildings within urban areas: The Case of the Tel Aviv Metropolitan Region. Technion - Israel Institute of Technology. <https://www.researchgate.net/publication/23731112>
32. Guan. CH., & Paulson. J. A. (2018). *Spatial distribution of high-rise buildings and its relationship to public transit development in Shanghai*. Harvard: Harvard University.
33. Guan. CH., & Rowe. P. (2016). *The concept of urban intensity and China's townization policy: Cases from Zhejiang Province*. Harvard: Department of Urban Planning and Design, Graduate School of Design. Harvard University.
34. Habitat III. (2015). Habitat III China national report. Third United Nations. Conference on Housing and Sustainable Urban Development (Habitat III). Quito :Ministry of Housing and Urban-Rural Development People's, Republic of China .online: <http://habitat3.org/wp-content/uploads/China-National-Report.pdf>
35. Hasanvand. S., Khojasteh. M., & Rezaei. M. (2014). Establishment and locating criteria of tall buildings. *American journal of engineering research*, 3(5), 321-328.
36. Kavilkar. R., & Patil. S. (2014). Study of high rise residential buildings in Indian cities (A case study –Pune City). *IACSIT International Journal of Engineering and Technology*, 6(1), 86-90.
37. Leicester city council. (2018). Tall Buildings Supplementary Planning Document. Leicester: Leicester city council. Available online: <https://www.leicester.gov.uk/>.
38. Mayor of London. (2019). Interim strategic planning guidance on tall buildings, strategic views and the skyline in London. London: Mayor of London.
39. Newcastle City Council. (2006). *Tall Buildings Guidance for Newcastle upon Tyne Supplementary Planning Document (SPD)*. Newcastle: Newcastle City Council. online: www.newcastle.gov.uk
40. OECD. (2012). *Compact City Policies: A Comparative Assessment*. OECD Green Growth Studies. OECD Publishing, available: <https://www.oecd.org/regional/greening-cities-regions/>
41. Oxford University (2019). *Oxford Dictionary*. Oxford: Oxford University Press. <https://www.oed.com/>
42. Reddy, K. N. (1996). *Urban redevelopment; a study on high-rise building*. Concept publishing company. New Delhi: Published by Concept Publishing Company Pvt. Ltd.
43. Tsai, Y. H. (2005). Quantifying urban form: Compactness versus Sprawl. *Urban Studies*, 42(1), 141-161.
44. Winter. U. M. (2011). Super high-rise in Rotterdam. Master's thesis report. Delft university of technology. Master's Thesis Report. Uriah Winter. ABT. TU Delft. 2. Super High Rise in Rotterdam. Author: U.M. Winter. Graduation Committee: Prof.dipl.ing. R. Nijssse. - 2011

45. Zhoue, P., Lie, Y., Chen, Y., Zeng, C. Wang, Z. (2015). Prediction of the spatial distribution of high-rise residential building by the use of a geographical field based auto logistic regression model. *Journal of housing and the built environment*, 30, 487-508.

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال هفتم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۹، شماره پیاپی ۱۲

تحلیل بازآفرینی پایدار بخش مرکزی شهرها با رویکرد سناریونویسی^۱ (مورد مطالعه: بخش مرکزی شهر همدان)

لیلی بختیاری (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران)

l.bakhtiari2001@gmail.com

فرزانه ساسانپور (دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

sasanpour@khu.ac.ir

علی شماعی (دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران)

shamai@khu.ac.ir

محمد سلیمانی مهرنجانی (دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران)

m_soleimani_mehr@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۱۸

تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۱۰/۱۶

صص ۲۵۹-۲۳۱

چکیده

بخش مرکزی شهرها، به دلیل برخورداری از مرکزیت جغرافیایی، مرکزیت ثقل اقتصادی و ویژگی‌های تاریخی-فرهنگی دارای توان بالقوه بالایی است. علیرغم ویژگی‌های مثبت بخش مرکزی شهرها، محلات مسکونی آن با مشکلات کالبدی، زیست‌محیطی، اجتماعی، اقتصادی، از جمله فرسودگی، درهم پیچیدگی بافت و ضعف زیرساخت‌ها مواجهند. یکی از مراکز شهری با چنین مشخصه‌ای، بخش مرکزی شهر همدان می‌باشد. یکی از رویکردهای نوینی که توانسته با دید یکپارچه همه ابعاد مطروحه را در حل مسائل بخش مرکزی شهرها داشته باشد، رویکرد «بازآفرینی شهری پایدار» است. هدف از این مقاله بررسی و تحلیل وضعیت شاخص‌های بازآفرینی پایدار و دستیابی به سناریوهای پیش رو در بخش مرکزی همدان می‌باشد. اطلاعات برای مطالعه وضع موجود از طریق اسناد فرادست و پرسشنامه شهروندان به دست آمد در ابتدا رتبه بندی قطاع‌های شش گانه بخش مرکزی همدان از منظر شاخص‌های بازآفرینی شهری پایدار براساس مدل الکره فازی بدست آمد. بطوریکه قطاع اول، پنجم و چهارم به ترتیب با تعداد چیرگی ۵، ۴ و ۳ وضعیت بهتری از نظر شاخص‌های بازآفرینی پایدار به خود اختصاص داده‌اند. در ادامه برای دستیابی به آینده‌های پیش رو بخش مرکزی همدان با استفاده از نرم‌افزار سناریو ویزارد، با تشکیل ماتریس اثرات متقابل 30×30 در مجموع ۲ سناریو قوی، ۱۲ سناریوی باور کردنی و ۲۴۲ سناریوی ضعیف به دست آمد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ۳ سناریو (هگمتانه، دارینه و عراق عجم) با احتمال وقوع بسیار بالا در شرایط پیش‌روی آینده بخش مرکزی شهر همدان است. مطلوب‌ترین سناریو، سناریوی هگمتانه است.

کلیدواژه‌ها: الکره فازی، بخش مرکزی همدان، بازآفرینی پایدار، سناریونویسی، هگمتانه

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان "آینده پژوهی بخش مرکزی شهر همدان با رویکرد باز آفرینی پایدار" در دانشگاه خوارزمی تهران با راهنمایی خانم دکتر فرزانه ساسانپور و آقای دکتر علی شماعی می‌باشد.

۱. مقدمه

۱.۱. طرح مسئله

بخش مرکزی شهرها فعال ترین بخش هر شهر در طول تاریخ بوده است. این بخش رفع کننده نیازهای مختلف فرهنگی، بازرگانی و اجتماعی شهر است (بیرانوندزاده، ۱۳۹۹، ص. ۷۴). هرگونه اختلال و آسیب و ناکارآمدی در هریک از بخش‌ها و نواحی شهری، در نهایت موجب عدم کارایی مناسب شهر می‌شود. این ناکارآمدی خود را در قالب مجموعه مسائل و مشکلات شهری نشان می‌دهد و بدین ترتیب بخش مسئله دار شهر خود را در معرض نمایش می‌گذارد. این بخش بنا به شرایط و ویژگی‌های خاص هر شهر به عنوان پهنه ای که مهم‌ترین برترین فعالیت‌ها را در خود جای داده بیانگر کمیت و کیفیت عملکرد شهر می‌باشد (کاظمیان، ۱۳۸۸، ص. ۱۹۷). بخش‌های فرسوده شهری به دلیل تبعات منفی محیطی و اجتماعی برای ساکنین این محلات و تاثیرات نامطلوب بر سیستم شهری همواره جزء مهمی از دغدغه‌های ذهنی مدیران شهری و متفکران این عرصه بوده است. مامفورد به درستی اشاره می‌کند که شهر، محل تمرکز قدرت و فرهنگ و جایگاه روابط منسجم اجتماعی است. بخش مرکزی آن نیز تجلی‌گاه قدرت، روابط اجتماعی، سیاست، اقتصاد، فناوری، پتانسیل‌ها و مشکلات شهر است (میرو^۱، نیوول^۲ و استول^۳، ۲۰۱۶، ص. ۴۷). بخش مرکزی

شهر واقعیتی عینی در فضای شهری است که فرایندهای پنهان تاریخی شهری را نمایان می‌کند. مرکز شهر در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و کالبدی- فضایی شهر تأثیرگذار است (شماعی، ساسانپور و علی حسینی، ۱۳۹۸، ص. ۳۵۰). بخش مرکزی شهرها تحت تأثیر تحولات اجتماعی، اقتصادی، کالبدی بوده اند. بازآفرینی پایدار بخش مرکزی شهر رویکردی محسوب می‌شود که می‌تواند راهگشای برون رفت از مسائل فوق باشد. این محدوده با قرارگیری در مرکز شهر و وجود ارتباطات قوی با مناطق اطراف به واسطه محورهای شعاعی، بسیاری از عناصر واجد ارزش تاریخی و عملکردی شهر را در خود جای داده است. با مرور زمان و تغییر در شیوه زندگی و مقیاس کارکردی، بخش مرکزی نتوانست همپای دیگر بافت‌های شهری پیشرفت کرده و از رونق آن کاسته شد و ساکنان قدیمی بخش مرکزی به دلیل کمی امکانات و تجهیزات ضعیف و زیرساخت‌های حیاطی به نقاط بهتر جابه جا شدند و بخش مسکونی به اقشار کم به ویژه مهاجرین رسیده است. پیامدهای جابه جایی در دو بعد آشکار شده و بر مشکلات محدوده افزوده است: یکی رها شدن محلات و تضعیف کارکردهای فرامحله‌ای و دیگری ضعف مالی ساکنان کم درآمد محلات که هر دو عامل به فرسودگی آنها کمک کرده است و مسأله این است که وضع موجود نباید و نمی‌تواند ادامه یابد بلکه باید به بازآفرینی پایدار این بخش بیشتر پرداخته شود. مقاله حاضر در راستای همین ضرورت به دنبال شناخت وضعیت این محدوده از

1. Meerow
2. Newell
3. Stults

نظر شاخص‌های پایداری است به همین لحاظ پرسش اصلی تحقیق این است که شاخص‌های بازآفرینی پایدار در بخش مرکزی شهر همدان در چه وضعیتی است و سناریوهای مطلوب برای بازآفرینی پایدار در محدوده مورد مطالعه کدامند؟

۲.۱. پیشینه پژوهش و مبانی نظری

بخش مرکزی شهر را می‌توان پهنه کانونی شهر دانست که مکان مهم‌ترین و برجسته‌ترین فعالیت‌ها و کارکردهای شهری اعم از اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، اداری، حمل و نقل، فضایی-کالبدی و... است. همین ویژگی‌ها منجر به شکل‌گیری مسیرهای ارتباطی شهر به سوی آن می‌شود و آن را تبدیل به قابل دسترس‌ترین فضای شهری می‌گرداند. از سوی دیگر، کاهش کارایی هر پدیده، فرسودگی^۱ آن را در پی دارد. هنگامی که در محدوده‌ای از شهر، حیات آن به هر علتی رو به رکود می‌رود، بافت شهری آن محدوده در روند فرسودگی قرار می‌گیرد. پدیده فرسودگی در بافت‌های فرسوده باعث کاهش عمر بافت و رکود فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی می‌شود. بافت‌های شهری بر حسب ویژگی‌هایشان دیر یا زود در این روند قرار خواهند گرفت (عندلیب، ۱۳۸۹، ص ۳۶). بازآفرینی شهری سیاستی جامع، دربرگیرنده برنامه‌های ارتقای کیفی بافت‌های شهری با اهداف یکپارچه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که از طریق ارتقای کیفی فضاها و بافت‌های شهری از اواخر دهه نود میلادی به این سو در سیاست‌های شهری کشورهای توسعه یافته به ویژه در

اروپا مورد توجه قرار گرفته است. کشورهای اروپای غربی هر یک با توجه به ساختار سیاسی و نظام برنامه‌ریزی شهری خود بدین امر مبادرت ورزیده‌اند ولی علیرغم تفاوت‌ها در قوانین، برنامه‌ها و مدل‌های مواجهه بین کشورها، اسناد و قوانین فوق نشان از توجه ویژه آنها به موضوع ارتقاء محیطی، توسعه اقتصادی و شمول اجتماعی^۲ است که هر سه پایه‌های اساسی سیاست بازآفرینی شهری را تشکیل می‌دهند (ایزدی، ۲۰۰۶، ص ۱۹).

حبیبی و همکاران (۱۳۸۶) در کتاب «بهسازی و نوسازی بافت‌های کهن شهری»، به بررسی مبانی نظری و چارچوب مفاهیم پایه، طرح‌های نوسازی و بهسازی و ارزیابی ویژگی‌ها، مسائل و مشکلات طرح‌های توسعه شهری در ایران پرداخته‌اند.

پوراحمد و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله‌ای «سیر تحول مفهوم شناسی بازآفرینی شهری به عنوان رویکردی نو در بافت‌های فرسوده شهری»، به بررسی سیر تحول رویکردهای بهسازی و نوسازی شهری از بازسازی، باززنده سازی، نوسازی و توسعه مجدد به بازآفرینی و نوزایی شهری تکامل یافته و در این مسیر، گذاری را از حوزه توجه صرف به کالبد به عرصه تأکید بر ملاحظات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و هنری تجربه کرده‌اند و به مفهوم شناسی رویکرد بازآفرینی شهری و توسعه پایدار و تبیین اصول، راهبردها و فرایند آن پرداخته است.

2. Social inclusion

3. Izadi

1. Erosion, Deterioration, Decay, Blight

بحرینی و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای تحت عنوان «رویکردها و سیاست‌های نوسازی شهری (از بازسازی تا بازآفرینی شهری پایدار)»، به بررسی سیر تحول رویکردها و سیاست‌های نوسازی شهری از نخستین اقدامات در چارچوب بازسازی تا بازآفرینی شهری پایدار می‌پردازد.

شماعی و همکاران (۱۳۹۵) در تحلیل زیست‌پذیری بافت‌های فرسوده شهری (مطالعه موردی: بافت فرسوده شهر زنجان) به این نتیجه رسیدند که زیرشاخص‌های مدیریتی سهم بیشتری در تأثیرگذاری بر میزان زیست‌پذیری بافت فرسوده‌ی شهر زنجان دارد. همچنین نتایج نشان می‌دهد در میان عوامل، زیست‌پذیری بافت فرسوده‌ی شهر زنجان، بیشترین مقدار همبستگی را با شاخص اجتماعی دارد و به تحولات و توسعه مناسبات اجتماعی بسیار وابسته است.

خداوردی و معززی مهرطهران (۱۳۹۵)، در کتاب «بازآفرینی شهر مدل برنامه‌ریزی و مدیریت جریان زندگی»، به بررسی بازآفرینی شهری در ادبیات جهانی، سیر تکامل اندیشه‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌های نوسازی شهری در جهان و ایران می‌پردازد. در این کتاب مدلی با عنوان مدل بازآفرینی شهری مبتنی بر خوانش شهر تشریح و معرفی شده است.

صفایی پور و زارعی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان برنامه‌ریزی محله محور و بازآفرینی پایدار بافت‌های فرسوده شهری با تأکید بر سرمایه اجتماعی (نمونه موردی: محله جولان شهر همدان)، به این نتیجه می‌رسند که اگر رویکرد بازآفرینی؛ اجتماع مدار، یکپارچه، جامع و استراتژیک باشد و در جهت

فرهنگ‌سازی، ظرفیت سازی، نهادسازی و ابزارسازی باشد و از طریق آموزش، اطلاع رسانی، مستندسازی، ترویج، برنامه‌ریزی و تهیه طرح، بستر لازم برای تحقق برنامه‌های بازآفرینی پایدار را در محله جولان همدان با حضور حداکثری مردم فراهم می‌نماید؛ آنگاه به خودی خود رویکرد بازآفرینی پایدار حاصل خواهد شد.

ایزدی و همکاران (۱۳۹۷) در تبیین چارچوب مفهومی بازآفرینی پایدار بافت های تاریخی (بررسی اسناد، بیانیه‌ها و منشورهای بازآفرینی) بازآفرینی بافت تاریخی را در چهار بعد اقتصادی، اجتماعی، مدیریتی و فرهنگی تعریف نموده و معیارهایی همچون ارزش ملک، سرمایه‌گذاری خصوصی، مشارکت شهروندان، منزلت اجتماعی، هویت اجتماعی، صنایع خلاق، محله های فرهنگی و رویدادهای فرهنگی ارائه شده است.

امینی و همکاران (۱۳۹۷) در بررسی توزیع فضایی و مدل تلفات انسانی در بافت فرسوده منطقه ۱۲ شهر تهران بر اساس شاخص‌های کالبدی بازآفرینی پایدار شهری به این نتیجه می‌رسند که در تعیین طبقه بندی شاخص‌های بازآفرینی در بافت فرسوده بیشترین ضریب را در بین عوامل تأثیرگذار در بازآفرینی شاخص های اسکلت ساختمان و تعداد طبقات با ضریب ۰/۹۶ و ۰/۹۴ دارند و کمترین ضریب مربوط به شاخص تعداد واحد با ضریب ۰/۷۱ است.

فیروزی و همکاران (۱۳۹۸) در تحلیل بسترهای نهادی تحقق مدیریت یکپارچه در بازآفرینی شهری پایدار بافت های فرسوده (منطقه موردی: شهر اهواز)

به این نتیجه دست یافتند که رویکرد مدیریت یکپارچه بازآفرینی شهری پایدار زمانی محقق می‌شود که روابط متقابل کنشگران این فرایند با یکدیگر به صورت آگاهانه و براساس تعامل و گفت و گو و اعتماد متقابل باشد و از سوی دیگر نظام رسمی میان کنشگران اجتماع مدار، یکپارچه و متکی بر بسترهای نهادی باشد.

ایزدفر و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان بازآفرینی پایدار شهری بر پایه سناریونگاری (مورد شناسی: منطقه ۱۴ شهرداری اصفهان)، به این نتیجه رسیدند که ۵ سناریو با احتمال وقوع بسیار بالا در شرایط پیش روی آینده بافت ناکارآمد منطقه ۱۴ است که از میان آن ها دو سناریو شرایط مطلوب و امیدوارکننده و سه سناریو شرایط بحرانی را نشان می‌دهد.

ویسی و همکاران (۱۳۹۹) در مقایسه ظرفیت بازآفرینی شهری پایدار در محله‌هایی با بافت فرسوده و غیررسمی شهری (مطالعه موردی: شهر مریوان) به این نتیجه رسیدند که از دیدگاه ساکنان محله‌های هدف، بهبود شرایط اجتماعی اولین شاخص دارای پتانسیل در بازآفرینی شهری پایدار، رونق اقتصادی دومین شاخص دارای ظرفیت بازآفرینی، ارتقای کالبدی سومین شاخص دارای پتانسیل و بهبود وضعیت زیست محیطی چهارمین شاخص دارای پتانسیل در بازآفرینی شهری پایدار هستند.

فنی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان کاربست تحلیلی - ساختاری بازآفرینی پایدار شهری (مطالعه موردی: شهر خرم آباد) نشان دادند که بین متغیرهای اجتماعی، متغیر کالبدی و متغیر مدیریتی با

بازآفرینی بافت ناکارآمد شهر خرم آباد ارتباط معنی داری وجود دارد. نتایج آزمون فریدمن نشان داد عامل مدیریتی دارای بالاترین اثرگذاری در روند بازآفرینی بافت و عامل زیست محیطی دارای کمترین اثرگذاری است.

از نظر رابرتز^۱ و اسکایس^۲ (۲۰۰۰)، بازآفرینی شهری می‌تواند به عنوان یک فرآیند جامع و پیچیده حل کردن مشکلات شهری و ساماندهی اوضاع بافت‌های فرسوده مرتبط با شرایط محیطی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هر منطقه‌ای در نظر گرفته شود. برای محققان امروزی بازآفرینی شهری به معنای دخالت یا نفوذ خلاق در محیط ساخته شده موجود می‌باشد و به عنوان اساس توسعه پایدار و حافظ ارزش‌های جوامع در جهت رشد و توسعه بافت‌های شهری در نظر گرفته می‌شود (احمدی فرد و همکاران، ۱۳۹۴).

ایمری و همکاران (۲۰۰۹)، در کتاب «نوسازی شهر لندن؛ حکمرانی، پایداری و اجتماع محوری در یک شهر جهانی»، در خصوص ماهیت و ابعاد فرایندهای و چالش‌های فرایند نوسازی شهر لندن به مطالعه پرداخته است. ابعاد مختلف تغییرات شهری در لندن، پروژه‌های برجسته و شهر پایدار، پایداری، شمول و ترکیب اجتماعی و حاکمیت محلی و تغییرات شهری را مورد مطالعه قرار داده است.

1. Roberts
2. Sykes
3. Imrie

برتولینی^۱ (۲۰۱۰) در پژوهش شهرهای پایدار و نوسازی شهرها با رویکرد نوسازی و بازآفرینی به این نتیجه رسید که شیوه مداخله در بافت‌های فرسوده فن‌سالار، اقتداری و از بالا به پایین، با نگرش غیر مشارکتی و اجباری برنامه‌ریزان به مداخله و جابجایی، هزینه‌های اجتماعی مداخله و تمایل زیاد لیکن امکان متوسط با کم مشارکت سرمایه گذار بوده است.

من هو^۲ در سال (۲۰۱۲) در مقاله ای با عنوان بازبینی رویکرد بازآفرینی شهری در هنگ کنگ با بررسی پیشینه دانش بازآفرینی در امریکا و انگلیس و تجارب خارجی کسب شده در ژاپن، کره جنوبی و سنگاپور، درصدد تدوین رویکرد جامع برای بازآفرینی بخش‌های ناکارآمد هنگ کنگ برآمد. نتایج پژوهش نشان داد که هنوز برنامه‌ریزی در هنگ کنگ برای این محدوده بخش‌های ناکارآمد شهری از بالا به پایین بوده و ساختار برنامه ریزی برای نوسازی این محدوده‌ها بی پایه و نامتناسب بوده و میزان مشارکت عمومی نیز بسیار پایین است.

مطالعات راکیوان^۳ (۲۰۱۱) در هند نشان می‌دهد که بازآفرینی بافت‌های فرسوده با مشارکت مردم، اثربخشی مضاعفی در آگاهی شهروندان نسبت به حقوق شهروندی و ضرورت شناخت پتانسیل‌ها و توانمندی‌های آنها در تغییر کیفیت محیط زندگی دارد.

کلادیا^۴ و لویگی^۵ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان یک الگوی جدید برای دستیابی به بازآفرینی پایدار در مراکز تاریخی دارای میراث فرهنگی معتقدند پارادایم جدید بازآفرینی شهری می‌تواند به عنوان یک رویکرد و روش جدید که به بهره‌برداری بیشتر از میراث اروپا در گردشگری، فرهنگ، دارایی‌های اقتصادی، اجتماعی، و محیطی کمک کند، مورد توجه قرار گیرد.

الکساندرا^۶ و همکاران (۲۰۱۷) در تحلیل بازآفرینی مثلث تجاری آتن؛ عقلانیت پایداری به این نتیجه می‌رسند که با در نظر گرفتن پارامترهای اقلیمی، محیطی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، و تاریخی منطقه، می‌توان راه حل قابل قبولی که به بازآفرینی پایدار مثلث تجاری آتن منجر شود ارائه داد.

کورکماز^۷ و بالابان^۸ (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان بازآفرینی شهری پایدار در ترکیه: ارزیابی عملکرد پروژه بازآفرینی پایدار شهری در آنکارای شمالی به این نتیجه رسیدند که سهم این پروژه در پایداری شهری حداقل بوده و تلاش‌های بیشتری برای بهبود پایداری پروژه‌های بازآفرینی شهری در ترکیه لازم است. بازآفرینی پایدار شهری تنها در صورتی موفق می‌شود که به ابعاد اجتماعی و محیطی به اندازه بعد اقتصادی توجه شود. برای انجام این کار، پروژه‌های بازآفرینی شهری باید به عنوان بخشی از یک برنامه

4. Claudia

5. Luigi

6. Alexandra

7. Korkmaz

8. Balaban

1. Bertolini

2. Man HO

3. Rakivan

جامع توسعه شهری توسعه یافته و در یک فرآیند مشارکت عمومی اجرا شوند.

۱.۲.۱. بازآفرینی شهری پایدار^۱

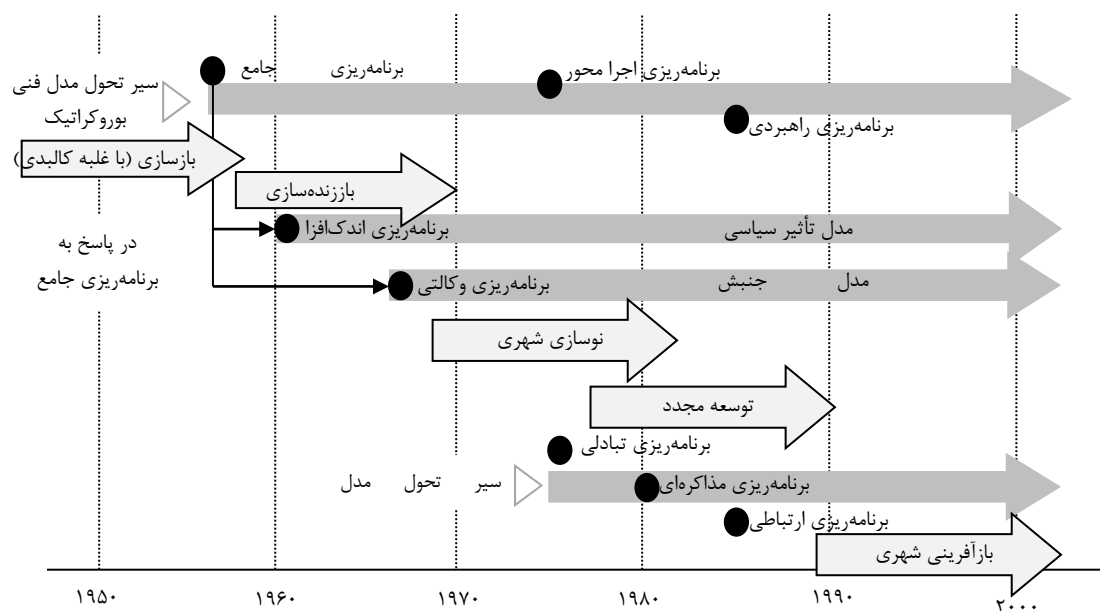
از دهه ۱۹۹۰ میلادی به این سو دگرگونی‌هایی در رویکرد بازآفرینی در ابعاد مختلف صورت پذیرفتند که در همسویی با بحث‌های توسعه پایدار نیز مورد توجه قرار گرفتند: «ساده ترین درس‌های گرفته شده از بازآفرینی دهه های ۷۰ و ۸۰ میلادی این بود که بازآفرینی چیزی بیش از بحث آجر و ملات بوده است. در ادغام با این فرآیند تغییر، ظهور بحث پایداری بوده است و همچنین ادراک این مقوله که شهرها به طور فزاینده‌ای ناپایدار می‌گردند و کیفیت زیست محیطی برای نسل‌های آینده به شدت کاهش و تنزل می‌یابد. بنابراین پارادایمی نوین مطرح می‌شود که مطابق با آن، هرگونه طرح بازآفرینی، می‌بایست به تمایلات و سیاست‌های اقتصادی- اجتماعی پایدار و واقعی توجه داشته باشد (بلک من^۲، ۱۹۹۵، به نقل از بحرینی، ۳۹۳، ص.۶).

به این ترتیب از دهه ۱۹۹۰ میلادی، نظریه‌های شهرهای پایدار با رویکرد بازآفرینی مرتبط شده است. بازآفرینی شهری پایدار (SUR)، توسعه مجددی است که تأثیرات بلند مدت پایدار ایجاد نماید و در عین حال به مسائل اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی توجه داشته باشد. این مسئله چشم انداز بلند مدت سه ستون پایداری را در برمی‌گیرد که قلب و هسته اصلی بحث قرار گرفته است (همفیل^۳، ۲۰۰۴).

، ص. ۷۷۲ - ۷۵۷). بنابراین مفاهیم کلیدی که بازآفرینی شهری پایدار را شکل می‌دهند، در راستای توسعه پایدار، چهار اصل پذیرفته شده کلی توسعه پایدار یعنی: پیشرفت اجتماعی که نیازهای همه را برآورده کند، محافظت مؤثر از محیط زیست، استفاده از منابع طبیعی و حفظ سطوح بالای اشتغال هستند (بحرینی، ایزدی و مفیدی، ۱۳۹۲، ص.۲۴).

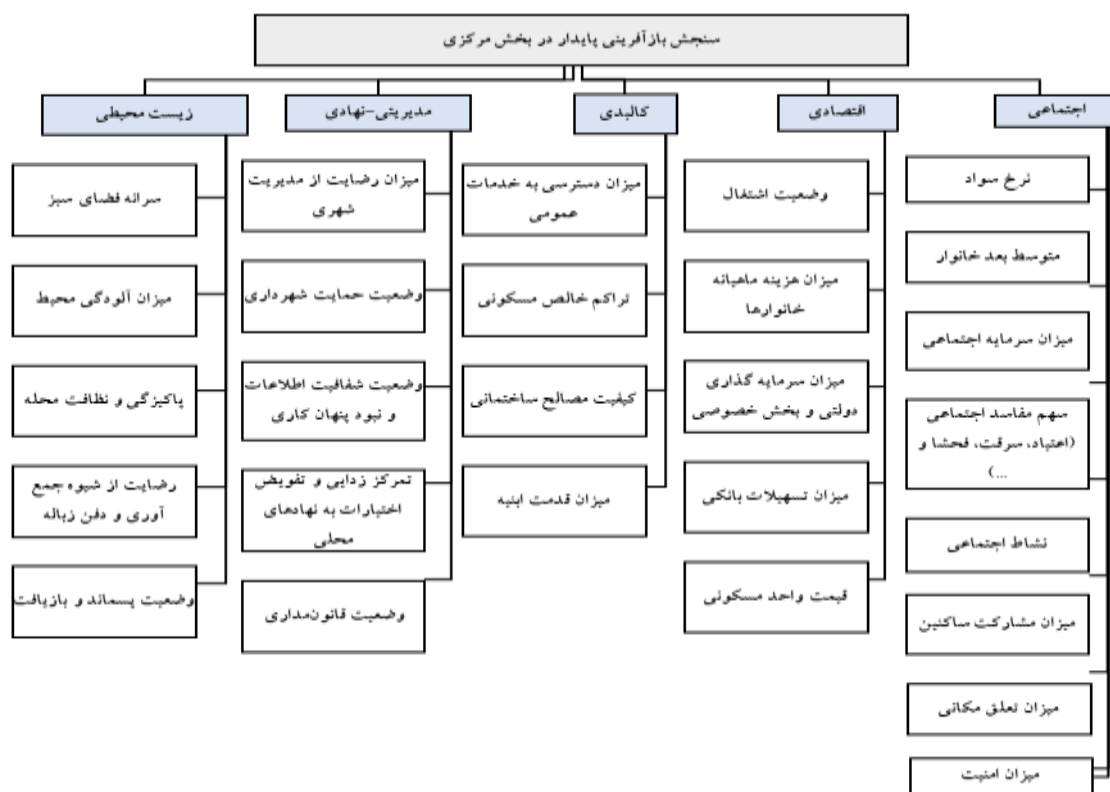
مبنای نظری پژوهش حاضر بر اساس تئوری ساختارگرایی می‌باشد. دیدگاه ساختارگرایی با نقد معماری و شهرسازی نوآور قرن اخیر، اصل را بر این می‌گذارد که نوآوری دهه های اخیر جزم‌گرا و انعطاف ناپذیر بوده و با توجه صرف به مفهوم عملکردی معماری و شهرسازی، از پرداختن و تدوین ساختار اصلی شهر و تعریف استخوان بندی آن بازمانده است. امری که به تهی شدن مراکز شهری منجر شده و بافت های درون شهری را با مسائل اجتماعی - اقتصادی و فضایی - کالبدی بی‌شماری مواجه کرده است. تعریف مجدد استخوان بندی شهری، تعیین عناصر اصلی و پایدار آن، تدوین عناصر تبعی و دگرگون شونده آن و به یک معنا تدوین ساختار اصلی شهر، چه کهن و چه جدید در دستور کار این دیدگاه قرار دارد (حبیبی، ۱۳۸۵، ص.۵۸). ساختار مدل نظری پژوهش بدین صورت است که شاخص‌های بازآفرینی پایدار به تفکیک از جمله سرمایه اجتماعی، مشارکت، شفافیت، قانون مداری، نشاط اجتماعی، رضایتمندی و... در شهر همدان بررسی می‌گردند (شکل ۲).

1. Sustainable Urban Regeneration
2. Blackman
3. Hemphill



شکل ۱. سیر تحول رهیافت‌های توسعه و بازآفرینی شهری به موازات تئوری‌های برنامه‌ریزی: ظهور

رهیافت بازآفرینی شهری. هودسنی، ۱۳۹۴



شکل ۲. مدل مفهومی پژوهش مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

۲. روش‌شناسی تحقیق

۲.۱. روش تحقیق

پژوهش حاضر بر اساس روش تحقیق اکتشافی- کاربردی است. داده‌های مورد نیاز به سه طریق کسب شده است:

۱- بهره‌گیری از اسناد رسمی فرادست شهر همدان و محدوده مطالعاتی و دیگر اسناد و منابع مرتبط

۲- مشاهده و پرسشگری از ساکنان محلات محدوده مرکزی شهر: برای تعیین حجم نمونه با توجه به همگنی جامعه از لحاظ اقتصادی- اجتماعی از فرمول کوکران استفاده و تعداد نمونه لازم برای پیمایش منطقه ۳۸۴ نفر محاسبه شد. روش نمونه‌گیری نیز بصورت تصادفی ساده بوده است.

(۱)

$$n = \frac{\frac{t^2 pg}{d^2}}{1 + \frac{1}{n} \left(\frac{t^2 pg}{d^2} - 1 \right)} = \frac{\frac{(1.96)^2 * (0.5) * (0.5)}{(0.05)^2}}{1 + \frac{1}{52184} \left(\frac{(1.96)^2 * (0.5) * (0.5)}{(0.05)^2} - 1 \right)} = 384$$

۳- حجم نمونه مصاحبه با متخصصان (برای

تحلیل نیروهای پیشران) بر اساس مدل دلفی، برابر با ۱۵ نفر در قالب ۲ گروه ۷ و ۸ نفری در ۳ راند می‌باشد (لندتا^۱، ۲۰۰۶، ص. ۴۷۰). در واقع برای شناسایی نیروهای پیشران در بازآفرینی پایدار بعد از مطالعات اسنادی از روش دلفی استفاده شد. دلفی فرآیندی جهت دستیابی به همگرایی ذهنی میان کارشناسان صاحب نظر است. در مطالعه دلفی،

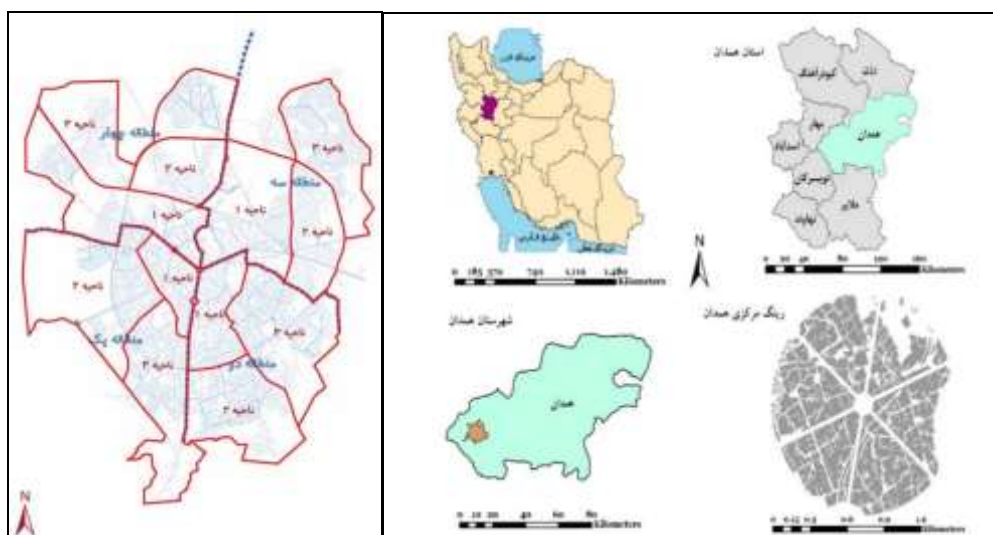
پرسشنامه‌ای از برداشت‌های صورت گرفته طراحی و به کارشناسان ارسال شد. سپس پاسخ‌های آنها جمع‌آوری و خلاصه شد و خلاصه پاسخ‌ها همراه با توضیحات به هر یک از کارشناسان بازگشت داده شد تا سرانجام یک اتفاق نظر کلی درباره متغیرهای تحقیق انجام پذیرفت؛ بنابراین برای ۱۰ نیروی پیشران بدست آمد. این عوامل، به منظور ارزیابی نیروهای پیشران در بازآفرینی پایدار در وضعیت‌های مختلفی قابل تصور هستند. این وضعیت‌های احتمالی، برای آینده شهر از نظر برنامه‌ریزی بسیار با اهمیت هستند. بدین منظور پرسشنامه‌ای برای دریافت نظرات نمونه-های آماری تهیه شد. تمامی عوامل دخیل، همچون سیستمی با عناصر درهم تنیده و به صورت یک ساختار، در نظر گرفته می‌شود و ارتباطات این عوامل باهم مورد سنجش قرار گرفته و عوامل برتر که تأثیرگذاری بیشتری دارند استخراج می‌شود، این عوامل برتر جهت برنامه‌ریزی و توسعه بازآفرینی پایدار در جامعه به کار گرفته می‌شوند تا جامعه‌ی شهری به سوی گامی بلند جهت نیل به اهداف توسعه گام بردارد.

روش‌های بکار رفته در پژوهش شامل تکنیک تصمیم‌گیری چند معیاره الکترونیکی جهت رتبه‌بندی قطاع‌های شش‌گانه بخش مرکزی و همچنین روش آینده‌پژوهی سناریونویسی با استفاده از نرم افزار سناریو ویزارد برای دستیابی به آینده‌های پیش روی بخش مرکزی همدان می‌باشد.

۲.۲. معرفی محدوده مورد مطالعه

قلمرو مکانی پژوهش حاضر، محدوده‌ی مرکزی (بخش قدیمی) شهر همدان می‌باشد. قسمت مرکزی شهر همدان شامل بازار و بخش قدیمی شهر در این منطقه قرار دارد و با مساحت ۴۷۳ هکتار کوچکترین منطقه شهر می‌باشد (فریادرس، ۱۳۹۱، ص. ۱۲۰). بخش مرکزی شهر همدان به صورت نامنظم و با معابر کم عرض می‌باشد، اما در محدوده‌های بعد از

حلقه مرکزی شهر منظم می‌شود و در برخی نقاط کاملاً شطرنجی توسعه یافته است. این محدوده با قرارگیری در مرکز شهر و وجود ارتباطات قوی با مناطق اطراف به واسطه محورهای شعاعی، بسیاری از عناصر واجد ارزش تاریخی و عملکردی شهر را در خود جای داده است (شکل ۳).



شکل ۳. تقسیمات فضایی و موقعیت محدوده مرکزی شهر همدان مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

۳. یافته‌های پژوهش

۳.۱. ارزیابی شاخص‌های بازآفرینی پایدار در

بخش مرکزی همدان با روش الکترو فازی

در این مرحله ابتدا اسناد و منابع موجود کتابخانه-ای مورد مطالعه قرار گرفته و از طریق برداشت‌ها و مشاهدات میدانی، وضعیت موجود بخش مرکزی شهر همدان به لحاظ فرسودگی به دست خواهد آمد. در این راستا از روش الکترو فازی استفاده شده است. با توجه به تعداد معیارها و تعداد گزینه‌ها و ارزیابی همه گزینه‌ها برای معیارهای مختلف، ماتریس تصمیم

همانطوری که در روش تحقیق گفته شد برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز از پرسشنامه محقق-ساخته، استفاده شده است. اطلاعات مورد نیاز بوسیله پرسشنامه در منطقه مورد نظر تهیه شده است. در ابتدا به ارائه یافته‌های حاصل از پاسخگویان برای سوالات تحقیق و بر اساس آماره‌های توصیفی با بهره‌گیری از روش الکترو فازی اقدام شده است.

برای قطاع‌های ۶ گانه به صورت جدول ۱، تشکیل شده است:

جدول ۱. عوامل موثر در بازآفرینی پایدار همدان

عوامل کلان	عوامل خرد	منبع
اجتماعی	میزان مشارکت ساکنین	ایزدی و همکاران، ۱۳۹۵، شفیعی دستجردی و همکاران، ۱۳۹۴، پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۵، بناری، ۱۳۹۷
	میزان تعلق مکانی	ساسان پور و همکاران، ۱۳۹۴، بناری، ۱۳۹۷
	نرخ سواد	حیدری، ۱۳۹۵، موحد و همکاران، ۱۳۹۲
	میزان امنیت	موحد و همکاران، ۱۳۹۲، پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۵، بناری، ۱۳۹۷
	متوسط بعد خانوار	احدنژاد و همکاران، ۱۳۹۱، شریف زادگان و همکاران، ۱۳۹۰، موحد و همکاران، ۱۳۹۲
	تراکم خالص جمعیتی	شریف زادگان و همکاران، ۱۳۹۰، بیرانوندزاده و همکاران، ۱۳۹۴
	میزان سرمایه اجتماعی	پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۶
	نرخ تکفل	صبغی، ۱۳۹۲
	میزان تعاملات اجتماعی	فیضی و اسدپور، ۱۳۹۲
	تغییر نرخ ارز	عزیزنژاد و کمبجانی، ۱۳۹۶
اقتصادی	نرخ فعالیت (اشتغال و بیکاری)	عندلیب و همکاران، ۱۳۹۲
	میزان درآمد ماهیانه	پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۶
	میزان سرمایه گذاری دولتی و بخش خصوصی	حنایی و موسوی، ۱۳۹۶
	میزان تسهیلات بانکی	ساسان پور و همکاران، ۱۳۹۶
	قیمت واحد مسکونی	طرح بهسازی و نوسازی بافت فرسوده همدان، ۱۳۸۷
کالبدی	کیفیت مصالح ساختمانی	موحد و همکاران، ۱۳۹۲
	میزان دسترسی به خدمات عمومی	صبغی، ۱۳۹۲
	میزان قدمت ابنیه	صبغی، ۱۳۹۲
زیست محیطی	میزان دفع آب سطحی	ساسان پور و همکاران، ۱۳۹۴، طرح بهسازی و نوسازی بافت فرسوده همدان، ۱۳۸۷
	میزان آلودگی محیط	شفیعی دستجردی و همکاران، ۱۳۹۴، زنگی آبادی و همکاران، ۱۳۹۰، ساسان پور و همکاران، ۱۳۹۶
	نازیبایی محیطی	شفیعی دستجردی و همکاران، ۱۳۹۴، شبانی و ایزدی، ۱۳۹۶
	درصد فضای سبز	ساسان پور و همکاران، ۱۳۹۶
	میزان رضایت از دفع زباله	پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۶
	مدیریت سیستم فاضلاب	پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۶

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

جدول ۲. شاخص‌های ارزیابی شاخص‌های بازآفرینی شهری در رینگ مرکزی شهر همدان

بعد	وزن شاخص بر اساس آنتروپی شانون	شاخص	قطاع ۱	قطاع ۲	قطاع ۳	قطاع ۴	قطاع ۵	قطاع ۶
اجتماعی	۰/۰۸۵	نرخ سواد	۷۹/۷۹	۸۶/۶	۹۲/۶۶	۹۳/۵	۹۱/۶۳	۸۹/۵۲
	۰/۰۹۰	متوسط بعد خانوار	۳/۵۹	۳/۳۴	۳/۶۴	۳/۲۸	۳/۳۱	۳/۶۴
	۰/۰۰۶	میزان سرمایه اجتماعی	۳/۳	۳/۵	۲/۷	۳/۱۵	۳/۲۹	۲/۶
	۰/۰۴۹	سهم مفاسد اجتماعی (اعتیاد، سرقت، فحشا و ...)	۳۴/۱	۴۰/۵	۳۴/۷	۱۵/۳	۲۲/۶	۲۸/۶
	۰/۰۱۷	نشاط اجتماعی	۳/۷۱	۳/۹۵	۲/۵۱	۳/۴۰	۳/۶۳	۲/۴۴
	۰/۰۱۴	میزان مشارکت ساکنین	۳/۲	۳/۳۱	۲/۸۷	۳/۶۱	۳/۴۵	۲/۱۴
	۰/۰۱۵	میزان تعلق مکانی	۳/۰۷	۴/۱۳	۳/۱۹	۳/۶۵	۲/۹۵	۲/۳۶
	۰/۰۹۰	میزان امنیت	۲/۳۳	۲/۸۹	۲/۸۴	۳/۱۰	۳	۳/۶۳
اقتصادی	۰/۱۷۰	وضعیت اشتغال	۲/۸۲	۲/۴۴	۲/۳	۲/۶۰	۲/۴۹	۲/۱۸
	۰/۰۹۰	میزان هزینه ماهیانه خانوارها	۲/۶۸	۳/۳	۳/۲۸	۲/۹۹	۲/۷۹	۲/۲۱
	۰/۰۱۰	میزان سرمایه گذاری دولتی و بخش خصوصی	۲/۷۷	۲/۸۲	۲/۱۳	۲/۴۶	۳/۲۹	۳/۰۵
	۰/۰۱۶	میزان تسهیلات بانکی	۳/۳۳	۳/۴۷	۲/۳۴	۳/۱۶	۲/۵۰	۲/۲۱
	۰/۰۱۱	قیمت واحد مسکونی	۲/۳۴	۲/۸۴	۳/۲۷	۳/۴۶	۳/۱۳	۳/۷
	۰/۰۱۲	میزان دسترسی به خدمات عمومی	۲/۳۹	۳/۳۷	۳/۲۴	۳/۴۶	۳/۶۴	۲/۶۱
کالبدی	۰/۰۲۱	تراکم خالص مسکونی	۴۴۹	۳۳۱	۵۶۰	۴۳۱	۳۳۸	۳۲۹
	۰/۰۲۹	کیفیت مصالح ساختمانی	۱/۸۴	۱/۵۸	۲/۱۷	۲/۹۶	۳/۰۸	۲/۳۳
	۰/۰۰۴	میزان قدمت ابنیه	۴/۱	۴/۳۷	۳/۵۵	۳/۶۹	۳/۴۷	۳/۷۱
	۰/۰۰۶	میزان رضایت از مدیریت شهری	۳/۱۷	۳/۳۸	۲/۶۳	۳	۲/۴۷	۳/۱۸
مدیریتی - نهادی	۰/۰۱۲	وضعیت حمایت شهرداری	۳/۲۲	۳/۱۴	۲/۹۸	۲/۴۰	۲/۲۲	۳/۳۶
	۰/۰۰۶	وضعیت شفافیت اطلاعات و نبود پنهان کاری	۲/۳۶	۲/۱۴	۲/۷۵	۲	۲/۳۳	۲/۰۵
	۰/۰۱۸	تمرکززدایی و تفویض اختیارات به نهادهای محلی	۳/۱۱	۳	۲/۲۴	۱/۷۹	۲/۶۸	۳/۰۷
	۰/۰۱۷	وضعیت قانون مداری (حاکمیت قانون)	۲/۲۴	۲/۹۸	۱/۹۲	۱/۸۷	۲/۴۹	۲/۸۷
	۰/۱۵	سرانه فضای سبز	۰/۳۶	۰/۰۳	۰/۰۱	۰/۱۰	۰/۱۵	۰
زیست محیطی	۰/۰۰۸	میزان آلودگی محیط	۳/۷۷	۴/۰۹	۳/۵۹	۳/۳۲	۲/۱۷	۳/۶۴
	۰/۰۱۷	پاکیزگی و نظافت محله	۲/۱۷	۲/۴۶	۳/۱۱	۳/۶۸	۲/۸۴	۲/۳۶
	۰/۰۰۸	رضایت از شیوه جمع آوری و دفن زباله	۲/۴۷	۲/۳۱	۲/۴۵	۳/۱۳	۲/۹۱	۳/۱۹

بعد	وزن شاخص بر اساس آنتروپی شانون	شاخص	قطاع ۱	قطاع ۲	قطاع ۳	قطاع ۴	قطاع ۵	قطاع ۶
	۰/۰۲۹	وضعیت پسماند و بازیافت	۳/۳۴	۲/۲۹	۲/۷۷	۳/۸۴	۱/۹۸	۲/۲۳

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

۳. ۱. ۱. فازی سازی داده‌ها

در راستای تعریف دقیق وضعیت بازآفرینی شهری در بخش مرکزی شهر همدان، در گام نخست داده‌های اولیه می‌بایست جهت انجام محاسبات به ارقامی فازی مبدل گردند. بنابراین معیارهای مورد نظر، ابتدا به شاخص‌های بی‌مقیاس تبدیل شده و سپس ارقام به دست آمده به صورت تحدیدهای آماری بیان می‌گردند. لازم به ذکر است که در این مطالعه از میان انواع مختلف ارقام فازی، نوع مثلی به کار گرفته شده است. پس از فازی‌سازی داده‌ها، نرمال سازی ماتریس تصمیم انجام می‌شود. در این گام نرمال‌سازی برای معیارهای مثبت و منفی صورت می‌گیرد (تیل^۱ و دومونت^۲، ۲۰۰۳).

۳. ۱. ۲. تعیین وزن شاخص‌ها

معمولاً شاخص‌های مورد استفاده در هر پژوهش از اهمیت یکسانی برخوردار نیستند. از همین رو، برای یکسان‌سازی شاخص‌ها و از میان بردن تفاوت‌ها، محاسبه‌ی وزنی آنها امری ضروری است. جهت وزن دهی شاخص‌ها، روش‌های متعددی وجود دارد که در این پژوهش از "آنتروپی شانون" استفاده گردید. ماتریس تصمیم وزن دار از ضرب

ماتریس تصمیم بی‌مقیاس شده در ماتریس وزن معیارها به دست می‌آید.

۳. ۱. ۳. فازی زدایی ماتریس بی‌مقیاس شده

جهت تبدیل اعداد فازی به اعداد غیرفازی باید ماتریس فازی تشکیل شود و فازی زدایی (دی فازی) گردد. مراحل دیگر روش الکترون فازی عبارتند از: ارزیابی تمامی گزینه‌ها نسبت به تمامی متغیرها و تشکیل ماتریس‌های هماهنگ و ناهماهنگ، تشکیل ماتریس بولین موافق، تشکیل ماتریس بولین مخالف، تشکیل ماتریس نهایی و رتبه بندی نهایی گزینه‌ها. ماتریس تسلط نهایی ترجیحات جزئی گزینه‌ها را بیان می‌کند. گزینه‌ای باید انتخاب شود که بیشتر از آن که مغلوب شود، تسلط داشته باشد و از این نظر می‌توان گزینه‌ها را رتبه بندی کرد. بر اساس داده‌های جمع آوری شده در قالب ۲۷ شاخص بازآفرینی شهری، ضرایب شاخص‌ها محاسبه گردید. نتایج محاسبات نشان دهنده‌ی نوسان ضرایب قطاع‌ها است (جدول ۳).

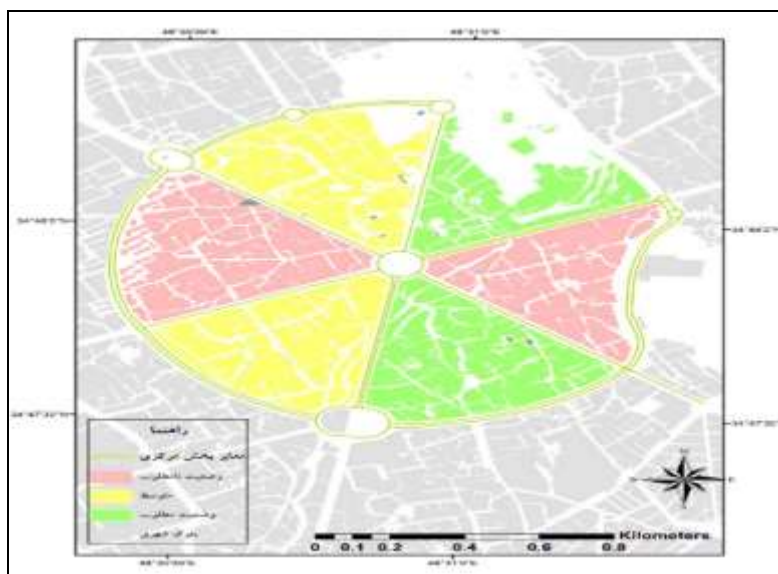
جدول ۳. محاسبه تعداد چیرگی و رتبه نهایی

رتبه	تعداد چیرگی	نتیجه
۱	۵	قطاع ۱
۴	۲	قطاع ۲
۵	۱	قطاع ۳
۳	۳	قطاع ۴
۲	۴	قطاع ۵
۶	۰	قطاع ۶

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

بیشتر مدیران و برنامه ریزان شهری همدان می‌باشد. بر اساس نتایج بدست آمده، قطاع‌هایی که رتبه بهتری بدست آورده‌اند از میزان امنیت بالا، دسترسی بهتر به خدمات عمومی، سهم کمتر از مفاسد اجتماعی (اعتیاد، سرقت، فحشا و ...)، اشتغال مناسب تر، سرانه بیشتر فضای سبز و آلودگی محیطی کمتری برخوردار می‌باشند (شکل ۴).

بدین ترتیب رتبه‌بندی قطاع‌های شش گانه بخش مرکزی همدان از منظر بازآفرینی شهری پایدار بدست آمد. بطوریکه قطاع اول، پنجم و چهارم وضعیت بهتری از نظر شاخص‌های بازآفرینی پایدار به خود اختصاص داده‌اند. در واقع نوعی تفاوت بارز در کسب امتیاز قطاع‌ها از نظر شاخص‌های بازآفرینی پایدار به چشم می‌خورد. شرق و غرب حلقه مرکزی شهر همدان، وضعیت نامطلوبی دارد و نیازمند توجه



شکل ۴. رتبه بندی شاخص‌های بازآفرینی پایدار در بخش مرکزی همدان (مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

۲.۳. سناریوسازی جهت توسعه بازآفرینی

پایدار در بخش مرکزی همدان

پس از بررسی و تحلیل وضع موجود بازآفرینی پایدار، برای دستیابی به آینده‌های پیش‌روی بخش مرکزی همدان از روش آینده پژوهی سناریونویسی استفاده شده است. سناریوسازی شاید کلیدی ترین روش شناسی آینده پژوهی است که می‌تواند آینده‌های محتملی که جهت انعکاس آینده‌های سازمان‌ها و سیستم‌های اجتماعی ساختار یافته‌اند را مدلسازی کند (ساسان پور، حاتمی و بابایی، ۱۳۹۶، ص. ۱۷۵). هدف سناریو کشف، ایجاد و آزمون محیط‌های آینده جایگزین سازگار است (مظاهری و کافی، ۱۳۹۶، ص. ۲۶). در واقع هدف اصلی سناریو بالا بردن کارایی و کیفیت برنامه‌ریزی‌ها در شرایط عدم اطمینان در آینده می باشد (رهنما، اجزاء شکوهی و لطف‌اللهی، ۱۳۹۸، ص. ۶۵). لذا در این قسمت از پژوهش،

عوامل پیشران استخراج شده از طریق مصاحبه با متخصصان برنامه‌ریزی و مدیران شهری، محورهای اصلی مؤثر بر مدیریت بهینه و سناریوسازی جهت بازآفرینی بخش مرکزی همدان می‌باشد. این عوامل، جهت تدوین وضعیت‌های محتمل و سناریوسازی ضروری می‌باشند.

۱.۲.۳. تدوین وضعیت‌های محتمل بر مبنای

عوامل کلیدی و نیروهای پیشران

جهت سناریونویسی بر مبنای عوامل کلیدی و نیروهای پیشران، نیاز به تعریف وضعیت‌های محتمل برای آینده بازآفرینی پایدار در بخش مرکزی همدان می‌باشد. تحلیل دقیق شرایط پیش رو و تعریف وضعیت‌های احتمالی لازمه اصلی تدوین سناریوها است. جهت تعریف وضعیت‌های محتمل برای هر یک از عوامل کلیدی و نیروهای پیشران، از طریق روش دلفی، نظرسنجی از متخصصان شده است.

جدول ۴. وضعیت‌های محتمل عوامل کلیدی جهت بازآفرینی پایدار در بخش مرکزی همدان

نام اختصاری	عوامل کلیدی	وضعیت های محتمل
A	عملکرد حکمروایی خوب شهری	A1 مطلوب بودن عملکرد حکمروایی خوب شهری
		A2 نبود عملکرد حکمروایی خوب شهری
		A3 نامطلوب بودن عملکرد حکمروایی خوب شهری
B	ترویج و بسط تاب آوری شهری	B1 تاب آوری مطلوب شهری
		B2 عدم وجود تاب آوری شهری
		B3 تاب آوری شهری نامطلوب
C	بهبود تأسیسات زیرساختی	C1 برنامه‌ریزی سیستمی و یکپارچه برای توسعه تأسیسات زیرساختی
		C2 نوسازی و بهبود تأسیسات زیرساختی
		C3 فرسودگی و تضعیف تدریجی تأسیسات زیرساختی
D	تصویب و تزریق به موقع بودجه و اعتبارات	D1 افزایش سهم بازآفرینی پایدار از بودجه‌ی استان
		D2 برطرف کردن موانع اداری در تخصیص اعتبارات

نام اختصاری	عوامل کلیدی	وضعیت های محتمل
		D3 کاهش تخصیص اعتبارات لازم
E	بهبود تکنولوژی های ساخت سریع، ارزان و مقاوم	E1 افزایش تکنولوژی های ساخت ارزان و مقاوم
		E2 ادامه روند فعلی
		E3 کاهش تکنولوژی های ساخت ارزان و مقاوم
F	تضمین امنیت سکونت در بافت	F1 ارتقاء امنیت
		F2 ادامه وضعیت نامطلوب فعلی
		F3 کاهش امنیت
G	برپایی تشکل های محلی جهت مشارکت	G1 تقویت مشارکت محلی
		G2 عدم برپایی تشکل های محلی
		G3 تضعیف مشارکت محلی
H	ارتقاء سرمایه اجتماعی	H1 سرمایه اجتماعی مطلوب
		H2 ادامه وضع فعلی
		H3 سرمایه اجتماعی نامطلوب
I	ایجاد ظرفیت جهت افزایش درآمد ساکنین	I1 تزریق درآمد پایدار از طریق اشتغال زایی
		I2 ادامه وضعیت فعلی و پایین بودن درآمد
		I3 نبود اشتغال و ثبات میزان درآمد
J	حفاظت از منابع و سرمایه های طبیعی	J1 حفاظت مطلوب از منابع و سرمایه های طبیعی
		J2 عدم حفاظت از منابع و سرمایه های طبیعی
		J3 حفاظت نامطلوب از منابع و سرمایه های طبیعی

مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۹)

۳.۲.۲. تهیه و تحلیل سبد سناریوهای احتمالی در

آینده

در این مرحله از فرایند انجام پژوهش ۳۰ وضعیت محتمل برای ۱۰ نیروی پیشران طراحی گردیده است. تعداد وضعیت های محتمل هر نیرو بر اساس میزان پیچیدگی شرایط ۳ حالت در نظر گرفته شده است. با طراحی وضعیت ها و تهیه ماتریس متقاطع ۳۰*۳۰، مجدداً همانند مرحله قبل در تعیین عوامل کلیدی، پرسشنامه ای تهیه و در اختیار متخصصان قرار گرفت. متخصصین با طرح این سؤال که "اگر هر یک از وضعیت های ۳۰ گانه اتفاق بیفتد چه تأثیری بر وقوع و یا عدم وقوع سایر وضعیت ها خواهد داشت؟" به

تکمیل پرسشنامه بر اساس وزن دهی بین ۳ تا ۳-، میزان تأثیرگذاری هر کدام از وضعیت ها را بر سیستم مشخص کردند. متخصصین شامل مسئولین امور شهری (شهرداری و شورای شهر) همدان و جمعی از اساتید متخصص در این زمینه بوده اند. با استفاده از وزن هایی که متخصصان به وضعیت های محتمل داده اند، استفاده از نرم افزار سناریو ویزارد فراهم گردید. با توجه به وسعت ماتریس و ابعاد آن به اندازه ۳۰*۳۰ را براساس داده های وارد شده پرسشنامه تحلیل و تعداد سناریوهای زیر را استخراج نمود:

– سناریوهای بسیار قوی: ۲ سناریو

- سناریوهای با سازگاری بالا (سناریوهای باور کردنی): ۱۲ مورد

- سناریوهای ضعیف: ۲۴۲ سناریو

۳.۲.۳. تحلیل سناریوهای قوی

بررسی سناریوهای قوی نشان می‌دهد که ۲ سناریو با امتیاز بسیار بالا و احتمال وقوع بیشتر وجود دارد که از میان آنها یک سناریو شرایط امیدوارکننده و مطلوب، یک سناریوی دیگر شرایط بحرانی برای بخش مرکزی همدان نشان می‌دهد.

جدول ۵. بررسی وضعیت سناریوهای قوی در نرم افزار سناریو ویزارد

Scenario NO. 1 Consistency value: 12 Total impact score: 209	
A1. : مطلوب بودن عملکرد حکمروایی خوب شهری B1. : تاب آوری شهری مطلوب C1. : برنامه ریزی سیستمی و یکپارچه برای توسعه D1. : افزایش سهم بازآفرینی پایدار E1. : افزایش تکنولوژی های ساخت ارزان و مقاوم F1. : ارتقاء امنیت G1. : تقویت مشارکت محلی H1. : سرمایه اجتماعی مطلوب I1. : تزریق درآمد پایدار از طریق اشتغال زایی J1. : حفاظت مطلوب از منابع و سرمایه طبیعی	A. عملکرد حکمروایی خوب شهری B. تاب آوری شهری C. تاسیسات زیر ساختی D. تزریق به موقع بودجه و اعتبارات E. تکنولوژی های ساخت سریع و ارزان F. تضمین امنیت سکونت در بافت G. تشکل های محلی جهت مشارکت H. سرمایه اجتماعی I. ظرفیت جهت افزایش درآمد ساکنین J. حفاظت از منابع و سرمایه های طبیعی
Scenario NO.2 Consistency value: 6 Total impact score: 209	
A3. : نامطلوب بودن حکمروایی خوب شهری B3. : تاب آوری شهری نامطلوب C3. : فرسودگی و تضعیف تدریجی تاسیسات D3. : کاهش تخصیص اعتبارات لازم E3. : کاهش تکنولوژی های ساخت ارزان و مقاوم F3. : کاهش امنیت G3. : تضعیف مشارکت محلی H3. : سرمایه اجتماعی نامطلوب I3. : نبود اشتغال و ثبات میزان درآمد J3. : حفاظت نامطلوب از منابع و سرمایه های طبیعی	A. عملکرد حکمروایی خوب شهری B. تاب آوری شهری C. تاسیسات زیرساختی D. تزریق به موقع بودجه و اعتبارات E. تکنولوژی ساخت سریع، ارزان F. تضمین امنیت سکونت در بافت G. تشکل های مردمی جهت مشارکت H. سرمایه اجتماعی I. ظرفیت جهت افزایش درآمد ساکنین J. حفاظت از منابع و سرمایه های طبیعی

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

تحلیل کنار گذاشته می‌شود. سناریو اول و سناریو دوم بیشترین وزن را نسبت به سایر سناریوها دارند. با توجه به وزن سناریوهای قوی، سناریو دوم احتمال وقوع بیشتری را نشان می‌دهد و حکایت از بازآفرینی پایدار در سطح بحرانی دارد.

با توجه به سناریوهای قوی در سناریو اول تمام وضعیت‌ها مطلوب و در سناریو دوم همه وضعیت‌های احتمالی نامطلوب است که در عمل چنین حالت بعید و تقریباً غیر ممکن است و به همین دلیل اعتماد به این سناریوها عقلانی نیست، لذا از روند

جدول ۶. طیف رنگی و میزان مطلوبیت سناریو های قوی

Scenario No. 1	Scenario No. 2
عملکرد حکمروایی خوب شهری A. مطلوب بودن عملکرد حکمروایی خوب شهری A1-	عملکرد حکمروایی خوب شهری A. نامطلوب بودن حکمروایی خوب شهری A3-
تاب آوری شهری B. تاب آوری شهری مطلوب B1-	تاب آوری شهری B. تاب آوری شهری نامطلوب B3-
تأسیسات زیرساختی C. برنامه ریزی سیستمی و یکپارچه برای توسعه تأسیسات C1-	تأسیسات زیرساختی C. فرسودگی و تضعیف تدریجی تأسیسات C3-
تخریب به موقع بودجه و اعتبارات D. افزایش سهم بازآفرینی پایدار D1-	تخریب به موقع بودجه و اعتبارات D. کاهش تخصیص اعتبارات لازم D3-
تکنولوژی های ساخت سریع، ارزان E. افزایش تکنولوژی های ساخت ارزان و مقاوم E1-	تکنولوژی های ساخت سریع، ارزان E. کاهش تکنولوژی های ساخت ارزان و مقاوم E3-
تضمین امنیت سکونت در بافت F. ارتقاء امنیت F1-	تضمین امنیت سکونت در بافت F. کاهش امنیت F3-
تشکل های محلی جهت مشارکت G. تقویت مشارکت محلی G1-	تشکل های محلی جهت مشارکت G. تضعیف مشارکت محلی G3-
سرمایه اجتماعی H. سرمایه اجتماعی مطلوب H1-	سرمایه اجتماعی H. سرمایه اجتماعی نامطلوب H3-
ظرفیت جهت افزایش درآمد ساکنین I. تخریب درآمد پایدار از طریق اشتغالزایی I1-	ظرفیت جهت افزایش درآمد ساکنین I. نبود اشتغال و ثبات میزان درآمد I3-
حفاظت از منابع و سرمایه های طبیعی J. حفاظت مطلوب از منابع و سرمایه های طبیعی J1-	حفاظت از منابع و سرمایه های طبیعی J. حفاظت نامطلوب از منابع و سرمایه های طبیعی J3-

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

آنچه مهم است اینکه، بخش مرکزی برای رسیدن به اهداف چشم‌انداز و تحقق مأموریت های خود در آینده پیش رو، با چالش‌های بسیار مهمی روبرو خواهد بود که توجه به احتمال وقوع و آمادگی برای آنها، لازم و ضروری است. این رویکرد به آینده، خطر

بررسی‌های اولیه سناریوهای ۱۲ گانه، حاکی از سیطره نسبی تعداد وضعیت‌های نامطلوب بر وضعیت های مطلوب است. غیر از چند سناریوی محدود که ویژگی های مطلوب و رو به پیشرفت دارند، بقیه سناریوها آینده مطلوب را در ذهن متبادر نمی‌کنند.

انحراف از مسیر درست را کاهش خواهد داد. به منظور تحلیل وضعیت‌های احتمالی در بخش مرکزی، به تحلیل هر یک از سناریوهای محتمل بخش مرکزی پرداخته می‌شود.

جدول ۶ که به ماتریس صفحه سناریو معروف است، وضعیت‌های ممکن را به وضوح به تفکیک سناریو و نیروهای پیشران نشان می‌دهد. به منظور تسهیل درک شرایط صفحه سناریو و وزن شرایط مطلوب و نامطلوب، این صفحه بر اساس وضعیت-های عوامل کلیدی، به ۳ وضعیت تقسیم شد. برای درک وضعیت‌ها بر اساس امتیازی که به هر یک از وضعیت‌ها بین ۳ تا ۳- داده شده است، نسبت به

جایگزینی اعداد به جای وضعیت‌ها اقدام گردید تا زمینه درک کمی از صفحه سناریوها نیز فراهم شود. درک کیفی از صفحه سناریوها، از طریق جایگزینی وضعیت‌ها با طیفی از عناوین مطلوبیت تا بحران نیز فراهم شد که می‌تواند وضعیت و جایگاه بخش مرکزی را به تفکیک سناریو و هر نیروی پیشران، به طور روشن و شفاف نشان دهد. متأسفانه وضعیت-های بحرانی یا در آستانه بحران، بخش عمده‌ای از صفحه سناریوها را به خود اختصاص داده و وضعیت‌های مطلوب، تنها بخش اندکی از صفحه را شامل می‌شوند.

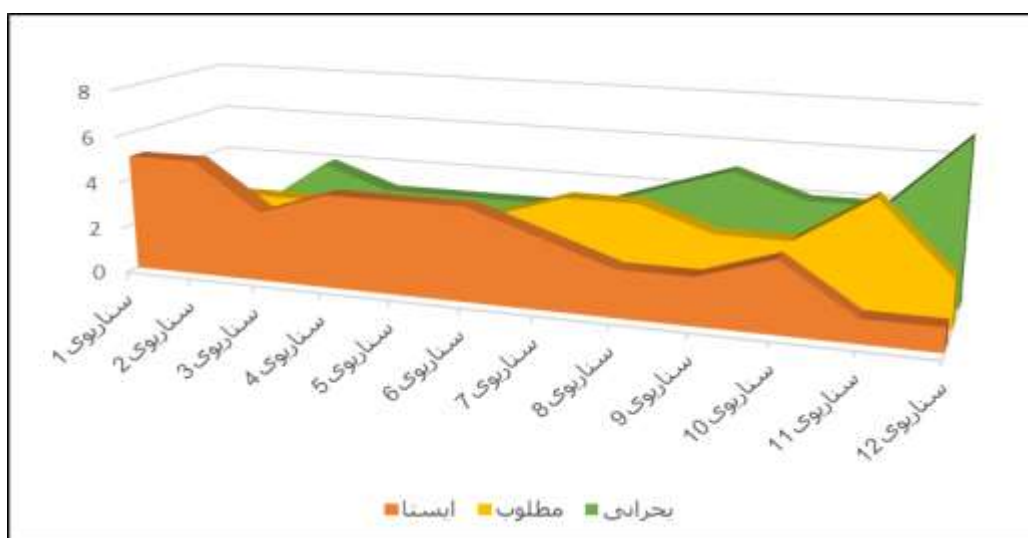
جدول ۷. وضعیت هر یک از عوامل به تفکیک سناریوها و طیف سه گانه مطلوب تا بحران

سناریو/ پیشران	عملکرد حکمروایی خوب شهری	تاب آوری شهری	تأسیسات زیرساختی	توزیع به موقع بودجه و اعتبارات	تکنولوژی ساخت سریع، ارزان	تضمین امنیت سکونت در بافت	تشکل‌های محلی جهت مشارکت	سرمایه اجتماعی	ظرفیت جهت افزایش درآمد ساکنین	حفاظت از منابع و سرمایه‌های طبیعی
سناریوی اول	ایستا	مطلوب	ایستا	ایستا	مطلوب	مطلوب	بحرانی	بحرانی	ایستا	ایستا
سناریوی دوم	ایستا	مطلوب	ایستا	ایستا	مطلوب	مطلوب	ایستا	بحرانی	بحرانی	ایستا
سناریوی سوم	ایستا	مطلوب	بحرانی	ایستا	مطلوب	مطلوب	بحرانی	بحرانی	ایستا	ایستا
سناریوی چهارم	ایستا	مطلوب	ایستا	ایستا	مطلوب	مطلوب	بحرانی	بحرانی	ایستا	ایستا
سناریوی پنجم	مطلوب	مطلوب	ایستا	ایستا	ایستا	مطلوب	بحرانی	بحرانی	ایستا	ایستا
سناریوی ششم	بحرانی	مطلوب	ایستا	ایستا	مطلوب	مطلوب	ایستا	بحرانی	ایستا	بحرانی
سناریوی هفتم	ایستا	مطلوب	ایستا	مطلوب	مطلوب	مطلوب	بحرانی	بحرانی	ایستا	بحرانی
سناریوی هشتم	بحرانی	مطلوب	مطلوب	ایستا	مطلوب	مطلوب	بحرانی	بحرانی	ایستا	بحرانی
سناریوی نهم	بحرانی	مطلوب	ایستا	مطلوب	ایستا	مطلوب	بحرانی	بحرانی	ایستا	بحرانی
سناریوی دهم	بحرانی	مطلوب	مطلوب	ایستا	مطلوب	ایستا	ایستا	بحرانی	بحرانی	بحرانی
سناریوی یازدهم	ایستا	مطلوب	مطلوب	مطلوب	مطلوب	مطلوب	بحرانی	بحرانی	ایستا	بحرانی
سناریوی دوازدهم	بحرانی	مطلوب	ایستا	مطلوب	مطلوب	بحرانی	بحرانی	بحرانی	ایستا	بحرانی

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

حالت‌های موجود در صفحه سناریو در حالت بحرانی قرار دارند و پس از آن حالت ایستا و در نهایت، حالت مطلوب کمترین میزان را به خود اختصاص داده است.

از مجموع ۱۲۰ وضعیت حاکم بر صفحه سناریو بر اساس تعداد، ۴۴ وضعیت بحرانی معادل ۳۶,۶۶ درصد، ۳۷ وضعیت در حالت ایستا، معادل ۳۰,۸۳ درصد و ۳۹ حالت، معادل ۳۲,۵ درصد در حالت مطلوب قرار دارند. این وضعیت نشان می‌دهد اکثر



شکل ۵. نسبت وضعیت‌های احتمالی بخش مرکزی همدان در آینده به تفکیک سناریو

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

- سناریوهای مطلوب (شامل سناریوهای: ۱، ۲ و ۷)

- سناریوهای ایستا (شامل سناریوهای: ۴، ۵، ۶ و

(۱۱)

- سناریوهای بحران (شامل سناریوهای: ۳، ۸، ۹، ۱۰ و

(۱۲)

با توجه به قرابت سناریوها، می‌توان آنها را به سه

گروه تقسیم کرد که هر یک از گروه‌ها شامل چند

سناریو با ویژگی‌های تقریباً مشترک با تفاوت کم در

یک یا چند وضعیت از میان ۱۰ عامل اصلی می‌باشند.

این گروه‌ها به شرح زیرند:

جدول ۸. ضرایب، تعداد و درصد هریک از وضعیت‌ها به تفکیک هر سناریو براساس طیف ۳ گانه

سناریو / وضعیت	تعداد وضعیت‌ها به تفکیک			ضرایب وضعیت‌ها			کل امتیاز
	مطلوب	ایستا	بحرانی	۳	۱	-۳	
سناریوی اول	۳	۵	۲	۹	۵	-۶	۱۲
سناریوی دوم	۳	۵	۲	۹	۵	-۶	۱۲
سناریوی سوم	۳	۳	۴	۹	۳	-۱۲	۰

سناریو / وضعیت	تعداد وضعیت ها به تفکیک			ضرایب وضعیت ها			کل امتیاز
	مطلوب	ایستا	بحرانی	۳	۱	۳-	
سناریوی چهارم	۳	۴	۳	۹	۴	۹-	۴
سناریوی پنجم	۳	۴	۳	۹	۴	۹-	۴
سناریوی ششم	۳	۴	۳	۹	۴	۹-	۴
سناریوی هفتم	۴	۳	۳	۱۲	۳	۹-	۶
سناریوی هشتم	۴	۲	۴	۱۲	۲	۱۲-	۲
سناریوی نهم	۳	۲	۵	۹	۲	۱۵-	۴-
سناریوی دهم	۳	۳	۴	۹	۳	۱۲-	۰
سناریوی یازدهم	۵	۱	۴	۱۵	۱	۱۲-	۴
سناریوی دوازدهم	۲	۱	۷	۶	۱	۲۱-	۱۴-

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

از میان ۱۲ سناریوی باور کردنی پیش‌روی بخش مرکزی همدان تعداد ۳ سناریو با وضعیت مطلوب وجود دارد که شرایط امیدوار کننده‌ای را برای توسعه بازآفرینی در آینده نشان می‌دهد، همچنین، ۴ سناریو حالت ایستا و ۵ سناریو حالت بحران را در آینده نشان می‌دهد. گروه بندی سناریوها به شرح زیر است:

سناریوهای گروه اول (هگمتانه): شرایط مطلوب
 مبتنی بر تاب‌آوری شهری، تزریق به موقع بودجه و اعتبارات، تکنولوژی‌های ساخت سریع، ارزان و تضمین امنیت سکونت در بافت

آینده متصور شده‌ی بخش مرکزی شهر همدان، بر اساس سناریوی اول در گروه اول در وضعیت مطلوب است. این گروه شامل سناریوهای اول، دوم و هفتم است و بهترین و مطلوب‌ترین شرایط ممکن برای بازآفرینی را شامل می‌شود. جایگاه شهر همدان در کوهپایه میانگاهی الوند، از دیرباز یک موقعیت چهارراهی و راهبردی با اهمیت در نیمه غربی کشور داشته است؛ چنان که جاده‌های جنوب خوزستان و

فارس و شمال (قزوین و گیلان و آذربایجان) و غرب (میان رودان) و شرق (خراسان) از آنجا انشعاب می‌یافت. شهر همدان با وضع مرکزی خود در مشرق زاگرس با پشتداری الوند کوه، ظاهراً برای «پایتخت» بودن ایران زمین بسیار مساعد بوده؛ چنان که معنای اسم هگمتانه (محل اجتماع مادان) خود گواه بر امر کارکردی آنجا در تمرکز یابی سیاسی - نظامی قبایل «کاسی» و «ماد» عهد باستان، و دیگر سلاله‌های حکمران ادوار بعد می‌باشد، که هم در عین حال به سبب مواهب طبیعی و خوش آب و هوایی منطقه، غالباً به عنوان تختگاه تابستانی شاهان و فرمانروایان ایران برگزیده می‌شد. یاقوت حموی می‌گوید هر کس که همدان را بازدید کرده، شکی ندارد این که آنجا از نیکوترین شهرها، خرم‌ترین و خوش‌ترین و سزاوارترین آن‌هاست. همانطور که جهانگردان و ایرانشناسان از دیرباز، دو صفت برجسته همدان را از نظر طبیعی و تاریخی ستوده‌اند، ما صفت سومی بر آن می‌افزاییم و آن همان وجه فرهنگی همدان است. با در نظر گرفتن چنین پیشینه تاریخی و فرهنگی،

بخش مرکزی همدان در سال ۱۴۲۰، توانایی جذب، انطباق و پاسخگویی به تغییرات در سیستم‌های شهری (تاب آوری) را دارد. همچنین تمام اعتبارات به موقع و به درستی تزریق می‌شود و امکان بازآفرینی وجود دارد. طبق آینده متصور شده در این سناریو در سال ۱۴۲۰، از تکنولوژی ساخت سریع، ارزان در واحدهای مسکونی استفاده خواهد شد. به طور کلی و در مجموع، سناریوهای این گروه مشخص کننده حالات مثبت و مناسب پیش‌روی بخش مرکزی همدان است. در نتیجه شاهد بازآفرینی پایدار هستیم. مقایسه درصد فراوانی حالت مطلوب و بحران این گروه با گروه های دیگر نشان‌دهنده وضعیت مناسب پیش روی بخش مرکزی در این گروه است.

سناریوهای گروه دوم (دارینه): روند تغییرات

کند و آرام، حفظ وضع موجود

در این گروه چهار سناریو مشاهده می‌شود که سناریوهای چهارم، پنجم، ششم و یازدهم است. این گروه از نظر فراوانی، بیشترین تعداد وضعیت ایستا را در بین سناریوهای دیگر گروه‌ها به خود اختصاص داده است. مقایسه درصد فراوانی حالت مطلوب و بحران این گروه با گروه های دیگر نشان‌دهنده وضعیت تقریباً ایستا پیش روی بخش مرکزی همدان در این گروه است. در واقع میزان تفاوت اثرگذاری-های این گروه تفاوت زیادی با گروه اول و گروه سوم دارد. اولیاء چلبی که در سال ۱۰۶۵ قمری/۱۶۵۴ میلادی از همدان دیدار کرده، گوید که در زبان یونانی آنجا را «دارینه» (یعنی «تختگاه دارا») می‌نامند؛ پیرامون شهر را خندقی فرا گرفته که زیاد عمیق نیست، چه باروهای بلند آنجا این امر را جبران می‌کند؛ چهار

دروازه شهر عبارتند از: دروازه قم، دروازه بیستون، دروازه درگزین و دروازه بغداد؛ چندین «کلیسا» در آن وجود دارد و از عمارت های شهر یکی «شاه جهان» و دیگر «شاه خدا بنده» و مزارهای مشهور هم دارد و روم و عرب و عجم بدانجا روی می‌آورند. اندیشه دگرگونی در بافت قدیمی شهر، با احداث میدادین و شوارع بر حسب اصول شهرسازی جدید، هم از بدو انقلاب مشروطه در ایران (۱۳۲۴ ق/۱۹۰۶ م) در آن شهر پیدا شد (۱۳۲۷ ق/۱۹۰۹ م). نخستین کار، تعریض خیابان‌ها و اقدام بعدی هم تعریض و تسطیح کوچه‌ها از دروازه قزوین تا راسته بازار بود (۱۳۳۲ ق/۱۹۱۳ م). در زمان ریاست شهرداری فریدالدوله گلگون، اندیشه نقشه‌کشی اصولی و کارشناسی در شهرسازی قوت گرفت؛ وی معتقد بود که برای همدان باید دو نقشه «قدیم» و «جدید» داشت، پیش‌بینی های دیگر هم برای تأسیس و توسعه مدنی و صنعتی نموده بود. بر این پایه، در سال ۱۳۰۷ ش/۱۹۲۸ م یک مهندس آلمانی به نام «کارل فریش» نقشه یا طرح جامع و جالب شهرسازی نوین همدان را چنین ترسیم کرد، که میدان مرکزی با دایره ای به شعاع ۸۰ متر و شش خیابان به عرض ۳۰ متر با فواصل مساوی (۶۰ درجه) از آن در شش جهت انشعاب یافته؛ تمام شبکه بندی معابر شهری و ارتباطات اصلی به صورت شعاعی و حلقوی معطوف به همان میدان می‌باشد. بنابراین تپه هگمتانه در خیابان اکباتان به دو قسمت و بازار کهن شهر سه قسمت گردید. براساس سناریوی دارینه در سال ۱۴۲۰، بتدریج حمایت‌های قانونی برای برقراری

مشارکت عمومی از که مهمترین اصول و مقدمات موفقیت در بازآفرینی شهری است شکل خواهد گرفت و برای آن چارچوبی حقوقی در نظر گرفته می شود که ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و کالبدی را در بر بگیرد. در سال ۱۴۲۰، مدیران شهری ضمن اثبات توانمندی و خوداتکایی در توسعه خدمات به ساکنین، نسبت به افزایش درآمد پایدار و توانمندسازی آن ها گام های موثری بر می دارد.

سناریوهای گروه سوم همدان نو(عراق عجم):

شرایط بحرانی و نامطلوب، عدم امکان بازآفرینی پایدار

این گروه از سناریوها وضعیت بحران را شامل می شود و شامل پنج سناریو سوم، هشتم، نهم، دهم و دوازدهم می شوند. در این گروه عوامل متمایز کننده، تفاوت در میزان حالات مطلوب و ایستا و بحران است. این گروه از نظر فراوانی، بیشترین تعداد وضعیت بحران را بین سناریوهای دیگر گروه ها به خود اختصاص داده است. مقایسه درصد فراوانی حالت مطلوب و بحران این گروه با گروه های دیگر نشان دهنده وضعیت بحران در پیش روی بخش مرکزی در این گروه است. در این سناریو از شکوه و عظمت شهر همدان خبری نیست. علیرغم آن که کوروش کبیر پس از شکست دادن فرمانروای پیشین همدان، پدر بزرگش آستیاگ، آنجا را تختگاه تابستانی خویش قرار داد؛ ولی گنجینه های افسانه ای همدان را فاتحان پی در پی از جمله اسکندر، سلوکیان، اشکانیان (پارتیان)، ساسانیان، بوییان و سلجوقیان به یغما بردند. همدان طی سده ششم قمری/یازدهم

میلادی پایتخت سلاجقه عراق عجم بود، که طبعاً مشمول توسعه مدنی با ایجاد کوی ها و برزن های جدید، احداث قلاع و قصور همراه با عمارات و معابر نو، دارای مساجد و مقابر دیگر گردید. اما آن همه بر اثر تازش مغولان (در سال های ۶۱۸ ق/ ۱۲۲۱ م و ۱۲۲۴/۶۲۱ م) ویران شد، ناچار شهرکی در حومه شمالی آنجا به نام «همدان نو» پا گرفت. در دوران سلطه مغول به همدان که یکی از دشوارترین ادوار تاریخ ایران زمین بوده است، مردم شهر همدان از مشکلات اقتصادی رنج بردند و مالیات های سنگین مدیران شهر، روز به روز بیشتر شد. آینده متصور شده ی بخش مرکزی شهر همدان در سال ۱۴۲۰، بر اساس سناریوی عراق عجم، از کمبود تاسیسات زیرساختی به شدت رنج می برد. از سرمایه اجتماعی در بین ساکنین کاسته شده و عملکرد حکمروایی نامطلوب شهری نامطلوب شده است.

۴. نتیجه گیری و پیشنهادها

توجه صرف به ابعاد زیبایی شناسی و کالبدی بدون توجه به خواست و نیاز ساکنین و همچنین حضور آنان در فرایند برنامه ریزی و اجرای برنامه های بهسازی و بازآفرینی شهری سبب ناکارآمد شدن بسیاری از این طرح ها و برنامه ها شده است. در طرح های شهری، هیچ جایگاهی برای ابعاد روانی، فرهنگی، اجتماعی، امنیتی، تفریحی و غیره شهروندان در کنار ابعاد کالبدی و عمرانی شهرها دیده نشده است. به دنبال رشد سریع شهرنشینی و گسترش کالبدی و همزمان با آن کاهش نقش مسکونی و افت محیط اجتماعی آن، بخش مرکزی همدان، در معرض

فرسودگی قرار گرفته است. کاهش تدریجی جمعیت این بافت و جایگزینی مهاجران به جای اقشار بومی ضمن آنکه موجب تنزل انسجام و هویت فرهنگی و اجتماعی این بخش از شهر شده است، در نهایت تضعیف حس تعلق و دلبستگی ساکنان به بافت را به همراه داشته است. نتیجه بلند مدت تداوم این فرایند، انحطاط کالبدی است که روندی است ناپهنجار و کیفیت زندگی ساکنین شهری را تحت تأثیر دامنه داری قرار داده و سیمای مرکز شهر را دستخوش تحولات عمیقی ساخته است. بدین سان، هدف پژوهش حاضر، بررسی شاخص‌های بازآفرینی پایدار در بخش مرکزی شهرها می باشد. در پژوهش حاضر به منظور شناسایی وضعیت بازآفرینی در بخش مرکزی همدان، با مطالعه‌ی مقالات، گزارش‌ها، متغیرهای مرتبط با هر بخش انتخاب شدند. نتایج تحقیق نشان می دهد قطاع اول، پنجم و چهارم به ترتیب با تعداد چیرگی ۵، ۴ و ۳ وضعیت بهتری از نظر شاخص‌های بازآفرینی پایدار دارند و تفاوت بارزی در کسب امتیاز قطاع‌ها از نظر شاخص‌های بازآفرینی پایدار وجود دارد. شرق و غرب حلقه مرکزی همدان از نظر شاخص‌های بازآفرینی پایدار، وضعیت نامطلوبی دارد. از آنچه آمد می‌توان نتیجه گرفت که براساس تئوری ساختارگرایی ویژگی‌های افست محیطی بخش مرکزی شهر همدان قابل تبیین است، اما با توجه به پیچیده و چند بعدی بودن مقوله شهر و عوامل دگرگون ساز آن، به کارگیری دید نظام وار در تحلیل سایر نیروهای خارج از حیطه نفوذ مرکز شهر، از ملزومات هر مطالعه‌ای می باشد. در واقع مطالعات پایدار جامع‌تری در این پهنه از منظر

بازآفرینی پایدار باید انجام شود که نیازمند توجه بیشتر مدیران و برنامه ریزان شهری همدان می باشد. پژوهش حاضر علاوه بر در نظر گرفتن رویکرد بازآفرینی پایدار در بخش مرکزی شهر به ارائه سناریو های پیش رو و رتبه بندی بخش مرکزی پرداخته است. از سوی دیگر نوآوری پژوهش حاضر در آن است که تاکنون آینده بافت مرکزی با دیدگاه بازآفرینی پایدار در افق بیست ساله مورد بررسی قرار نگرفته و اغلب تحقیقات صورت گرفته بصورت تک بعدی و تأکید بر بعد کالبدی بوده است. همانگونه که بررسی ادبیات تحقیق نشان داد که پژوهش‌های برتولینی (۲۰۱۰) بر بعد مشارکت، راکیوان (۲۰۱۲) بر بعد مشارکت، کلادیا و لویگی (۲۰۱۶) بر بعد فرهنگی، فری (۲۰۱۶) بر بعد اجتماعی، کورکماز و بالابان (۲۰۲۰) بر ابعاد اجتماعی و محیطی، صفایی پور و زارعی (۱۳۹۶) بر بعد سرمایه اجتماعی، امینی و همکاران (۱۳۹۷) بر بعد کالبدی، فیروزی و همکاران (۱۳۹۸) بر بعد مدیریت یکپارچه تأکید دارند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که بازآفرینی پایدار شهری با رویکرد آینده محور و سیاست‌های توانمندسازی و حمایتی بافت‌های نابسامان با رویکرد مشارکتی، درون‌زا، توسعه اجتماع محور در بخش مرکزی شهر همدان الگوی مناسبی جهت تحقق پایداری شهری می‌باشد. هیچگونه تحول پایداری در محیط اتفاق نمی‌افتد مگر آنکه ساکنان بافت توانمند شوند و علاوه بر نیازهای اساسی، توجه به نیازهای عاطفی و روانی شهروندان توجه شود. تغییر نگرش طرحهای توسعه شهری پیرامون مقوله پایداری، از مهمترین تغییر رویکرد‌هایی است که بی شک

زمینه‌ساز اقدامات ارزشمندی در طرح‌ها در جهت ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان و پایداری شهری خواهد بود. اگر رویکرد به بازآفرینی، آینده‌نگر، انسانی، اجتماع‌مدار، یکپارچه و مشارکتی باشد، آن گاه به خودی خود رویکرد بازآفرینی پایدار آینده محور حاصل خواهد شد. چنانچه در سیاست‌های بازآفرینی پایدار رویکرد آینده محور، توسعه همه جانبه جامعه محلی، نگرش‌های تعاملی و مذاکره‌ای بین ذی‌مدخلان و ظرفیت‌ها و سرمایه‌های شهری در نظر گرفته شود، این سیاست‌ها می‌تواند در بافت-های نابسامان بخش مرکزی شهر جامه عمل بپوشد. در انتهای پژوهش توجه به راهکارهای زیر جهت رسیدن به بازآفرینی شهری پایدار، ضروری به نظر می‌رسد:

الف- بازآفرینی شهری پایدار اقدامی اجتماعی است تا کالبدی و هدف‌نهایی آن توسعه اجتماعات محلی، بهسازی و کاهش فقر شهری است. از این رو با توجه به محدودیت روزافزون منابع، بخش دولتی-عمومی به تنهایی قادر به تحقق این هدف نیست و بسیج منابع با توجه به ابتکارات محلی در فرآیندی دربرگیرنده اجتماعات نیاز است تا به بازآفرینی شهری پایدار نایل شد. چنین مشارکتی مستلزم اعتماد سازی، نهاد سازی و ظرفیت‌سازی ساکنان محدوده‌های نیازمند بازآفرینی شهری است.

ب- بازآفرینی شهری پایدار نیازمند الگوهای توسعه متفاوت با محدوده‌های برخوردار شهر است و می‌بایست بر اساس یافتن راه‌حل‌هایی مبتنی بر منافع جمعی، اقدامات کوچک مقیاس و نیز توسعه شهری متناسب با توان کم درآمد‌ها باشد. در این بین ترکیب

کردن اقدامات بازآفرینی با ایجاد شغل و توسعه اجتماع و اقتصاد محلی حائز اهمیت است. پ- بازآفرینی شهری پایدار مستلزم کار صمیمانه، مداوم و در درون محلات است و فرایندی است که با ارائه نقشه و گزارش پایان نمی‌گیرد. نهادینه کردن و حضور محلی با به خدمت گرفتن کارشناسانی توانا در زمینه ایجاد ارتباط مردمی و نیز ایجاد نهادهای محلی و یا فعال نمودن نهاد‌های محلی موجود اجتناب ناپذیر است.

ت- بازآفرینی محیط شهری گام‌های مثبتی به سوی توسعه پایدار بر می‌دارد. این رهیافت بر پایداری منابع محیطی تأکید خاصی دارد و این امر را از طریق ایجاد پایداری در ابعاد مختلف سیستم شهری به انجام می‌رساند. دستیابی به چنین رویکرد یکپارچه‌ای، مستلزم احیاء خلاقیت‌های جامعه و به کارگیری آن در بازآفرینی می‌باشد.

ث- در جهت دستیابی به دانش مشترک بازآفرینی شهری پایدار، مدیریت شهری نیازمند ارتقای ظرفیت برای اتخاذ سیاست‌های هماهنگ با سند ملی راهبردی احیا، بهسازی، نوسازی و توانمندسازی‌های فرسوده و ناکارآمد شهری در چاره‌جویی مشکلات محدوده‌های نیازمند بازآفرینی شهری است.

کتابنامه

۱. احدنژاد روشنی، م.، مولایی قلیچی، م.، و حاتمی، ا. (۱۳۹۱). تحلیل الگوی پراکنش فضایی مراکز آموزشی و ساماندهی مناسب کالبدی آن با استفاده از GIS مطالعه موردی: منطقه ۸ تبریز. *مجله علمی - پژوهشی برنامه ریزی شهری*، ۳(۸)، ۱-۱۸.
۲. احمدی فرد، ن.، موحد، ع.، تولایی، س.، سلیمانی، م.، و رحیمی، م. (۱۳۹۴). ارزیابی نتایج مشارکت مردمی در بازآفرینی شهری بافت شهری منطقه ۱۲ تهران (نمونه موردی: محله سیروس). *فصلنامه علمی-پژوهشی نگرش های نو در جغرافیای انسانی*، ۱(۱)، ۸۲-۹۴.
۳. امینی، م.، صارمی، ح.، و قالیباف، م. (۱۳۹۷). بررسی توزیع فضایی و مدل تلفات انسانی در بافت فرسوده منطقه ۱۲ شهر تهران. *پژوهشنامه نظم و امنیت اجتماعی*، ۱۱(۴)، ۹۵-۱۲۴.
۴. ایزدفر، ال.، ساسانیپور، ف.، تولائی، س.، و سلیمانی، م. (۱۳۹۹). بازآفرینی پایدار شهری بر پایه سناریونگاری (مورد شناسی: منطقه ۱۴ شهرداری اصفهان). *فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری- منطقه ای*، ۳۴(۱۰)، ۴۵-۶۸.
۵. ایزدی، آ.، ناسخیان، ش.، و محمدی، م. (۱۳۹۷). تبیین چارچوب مفهومی بازآفرینی پایدار بافت های تاریخی (بررسی اسناد، بیانیه ها و منشورهای بازآفرینی). *فصلنامه مطالعات باستان شناسی پارسه*، ۲(۶)، ۱۷۷-۱۶۱.
۶. ایزدی، م.، س.، و امیری، ن. (۱۳۹۵). توسعه درونی الگوی متوازن، متعادل و پایدار برای توسعه و ارتقاء کیفی شهر؛ برنامه ریزی برای توسعه مجدد اراضی نظامی درون شهری. *مجله باغ نظر*، ۱۳(۴۱)، ۴۶-۳۵.
۷. بحرینی، س.، ح.، ایزدی، م.، س.، و مفیدی، م. (۱۳۹۲). رویکردها و سیاست های نوسازی شهری (از بازسازی تا بازآفرینی شهری پایدار). *فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهری*، ۳(۹)، ۳۰-۱۷.
۸. بحرینی، س.، ح.، ایزدی، م.، س.، و مفیدی، م. (۱۳۹۳). رویکردها و سیاست های نوسازی شهری (از بازسازی تا بازآفرینی شهری پایدار). *فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات شهری*، ۹(۹)، ۳۰-۱۷.
۹. بیرانوند زاده، م.، قزلی، س.، سالاری سردری، ف.، و سبحانی، ن. (۱۳۹۴). تحلیل ساختار فضایی - کالبدی بافت مرکزی شهر خرم آباد. *نشریه پژوهش های منظر شهر*، ۲(۳)، ۷۳-۸۶.
۱۰. پوراحمد، ا.، حبیبی، ک.، و کشاورز، م. (۱۳۸۹). سیر تحول مفهوم بازآفرینی شهری به عنوان رویکردی نو در بافت های فرسوده شهری. *فصلنامه علمی-پژوهشی شهر ایرانی/ اسلامی*، ۱(۱)، ۹۲-۷۳.
۱۱. پوراحمد، ا.، علی اکبری، ا.، کشاورز، م.، و هادوی، ف. (۱۳۹۶). بازآفرینی پایدار بافت های ناکارآمدی شهری مورد مطالعه (منطقه ۱۰ شهر تهران)، *آمایش محیط*، ۱۰(۳۷)، ۱۹۴-۱۶۷.
۱۲. پوراحمد، ا.، کلاتری جلیل آباد، ح.، و موسوی، س. ر. (۱۳۹۵). جایگاه نهادهای محلی در حفظ بافت های تاریخی میانی و بازآفرینی بافت های ناکارآمد شهری با رویکرد توسعه پایدار، *اولین همایش ملی بافت میانی شهرهای ایران*، اصفهان: مرکز خلاقیت و نوآوری شهرداری اصفهان.

۱۳. پیوسته گر، ی.، محمد دوست، س.، حیدری، ع. ا.، و رحیمی، ع. (۱۳۹۶). ذهنیت سنجی در خصوص عملکرد دفاتر تسهیل‌گری بافت‌های فرسوده شهری در فرایند بازآفرینی شهری جامع پایدار (نمونه موردی دفاتر تسهیل‌گری کلان شهر شیراز)، پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۸ (۳۰)، ۲۴۴-۲۲۵.
۱۴. حبیبی، س. م.، و مقصودی، م. (۱۳۸۱). مرمت شهری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. حبیبی، ک.، پوراحمد، ا.، و مشکینی، ا. (۱۳۸۶). بهسازی و نوسازی بافت‌های کهن شهری. چاپ اول، تهران: نشر انتخاب.
۱۶. حنایی، ت.، و موسوی، س. م. (۱۳۹۶). مقایسه تطبیقی بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد با هدف تولید ارزش‌های فرهنگی نمونه موردی: ساربان محله بجنورد. سومین کنفرانس ملی شهرسازی معماری، عمران و محیط زیست، شیروان: موسسه پایا شهر.
۱۷. خداوردی، پ.، و معززی مهرطهران، ا. م. (۱۳۹۵). بازآفرینی شهر مدل برنامه‌ریزی و مدیریت جریان زندگی. چاپ اول، تهران: نشر آزادپیما.
۱۸. راکو، م.، لیز، ل.، و ایمری، ر. (۱۳۹۰). نوسازی شهرلندن: حکمرانی، پایداری و اجتماع محوری در یک شهر جهانی. ترجمه مجتبی رفیعیان. تهران: موسسه پژوهشی فرهنگ و هنر دانشگاه تهران و مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۱۹. رهنما، م. ر.، اجزاشکوهی، م.، و لطف‌اللهی، س. (۱۳۹۸). تحلیل سناریوهای احیاء منطقه شهری قلعه آبکوه در کلانشهر مشهد. پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۰ (۳۸)، ۷۶-۶۳.
۲۰. زندگی‌آبادی، ع.، غلامی، ی.، و موسوی، س. ع. (۱۳۹۰). بررسی رویکرد بازآفرینی شهری با استفاده از مدل SWOT نمونه موردی، بافت مرکزی شهر مشهد، نشریه جغرافیا، ۳ (۳۰)، ۷۶-۵۷.
۲۱. ساسان‌پور، ف.، حاتمی، ا.، و بابایی، شایان. (۱۳۹۶)، آینده‌پژوهی حباب شهرنشینی در کلانشهر تهران. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۷ (۴۷)، ۱۸۹-۱۸۷.
۲۲. ساسان‌پور، ف.، سلیمانی، م.، ضیاییان، پ.، و دلفان‌آذری، ز. (۱۳۹۴). جایگاه محله در توسعه پایدار شهر (مطالعه موردی: محله‌های منطقه ۱۰ شهرداری تهران). فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۷ (۱)، ۱۷۶-۱۵۹.
۲۳. ساسان‌پور، ف.، و حاتمی، ا. (۱۳۹۶). سنجش رقابت‌پذیری کیفیت زندگی در کلانشهرهای ایران، تهران: کنگره ملی مدیریت و برنامه‌ریزی شهری نوین.
۲۴. شریف‌زادگان، م. ح.، ملک‌پور، ا.، فتحی، ح.، و خوانین‌زاده، ا. (۱۳۹۰). تعیین نوع اولویت نوسازی نواحی دارای افت شهری با استفاده از گزینه تحلیل عاملی و مدل منطق بولین (مطالعه موردی: منطقه ۱۵ شهرداری شهر تهران). مدیریت شهری، ۹ (۲۷)، ۲۲۸-۲۱۷.
۲۵. شفیعی دستجردی، م.، مرادیان بروجنی، پ. (۱۳۹۴). مدل‌سازی روش مکان‌گزینی در بازآفرینی محلات فرسوده شهری (نمونه موردی: محدوده زینیه اصفهان)، فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری، ۳ (۱۲)، ۱۵۴-۱۳۷.
۲۶. شماعتی، ع.، ساسان‌پور، ف.، و علی‌حسینی، ر. (۱۳۹۸). تحلیل فضایی تاب‌آوری شهری در محله‌های بخش مرکزی شهر تبریز. پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری، ۷ (۲)، ۳۷۴-۳۴۹.

۲۷. صباغی، ع. (۱۳۹۲). تدوین سازوکار به کارگیری بازآفرینی شهری در مواجهه بافت‌های فرسوده شهری مطالعه موردی: محله جولان شهر همدان. پژوهش‌های شهری هفت حصار، ۱(۴)، ۵۶-۴۵.
۲۸. صفایی‌پور، م.، زراعی، ج. (۱۳۹۶). برنامه‌ریزی محله‌محور و بازآفرینی پایدار بافت‌های فرسوده شهری با تأکید بر سرمایه اجتماعی (نمونه موردی: محله جولان شهر همدان). نشریه آمایش جغرافیایی فضا، ۱۷(۲۳)، ۱۴۹-۱۳۵.
۲۹. عزیزنژاد، ص.، و کمیجانی، ا. (۱۳۹۶). تغییرات نرخ ارز و اثر آن بر نوسانات متغیرهای منتخب اقتصاد کلان در ایران. پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار، ۷(۱)، ۱۴۳-۱۲۱.
۳۰. علوی، س. ع.، و بناری، س. (۱۳۹۷). رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر بهسازی مشارکتی شهروندی در بافت‌های فرسوده (مطالعه موردی: محله بازار و محله قدمگاه شهر کازرون). چهارمین کنفرانس ملی مهندسی عمران و معماری با تأکید بر فن آوری‌های بومی ایران، تهران.
۳۱. عندلیب، ع. (۱۳۸۹). اصول نوسازی شهری. تهران: انتشارات اذرخش.
۳۲. عندلیب، ع.، بیات، ا.، و رسولی، ل. (۱۳۹۲). مقایسه و تطبیق بازآفرینی بافت‌های فرسوده‌ی شهری بلوک خیام تهران (ایران) و پروژه لیورپول (بریتانیا). فصلنامه آمایش محیط، ۶(۲۳)، ۱۰۴-۷۹.
۳۳. فریادرس، ف. (۱۳۹۱). ارزیابی شبکه معابر و بافت شهری در برابر تهدیدات دشمن با ملاحظات پدافند غیرعامل مطالعه موردی محدوده مرکزی شهر همدان، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته شهرسازی- برنامه‌ریزی شهری، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده هنر و معماری.
۳۴. فنی، ز.، توکلی‌نیا، ج.، و بیرانوندزاده، م. (۱۳۹۹). کاربست تحلیلی- ساختاری بازآفرینی پایدار شهری (مطالعه موردی: شهر خرم آباد). فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۵۲(۱)، ۱۹۷-۱۸۱.
۳۵. فیروزی، م. ع.، امان‌پور، س.، و زارعی، ج. (۱۳۹۸). تحلیل بسترهای نهادی تحقق مدیریت یکپارچه در بازآفرینی شهری پایدار بافت‌های فرسوده (منطقه موردی: شهر اهواز). فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۵۱(۴)، ۹۰۹-۸۹۱.
۳۶. فیضی، م.، و اسدپور، ع. (۱۳۹۲). فرایند بازآفرینی منظر میدین شهر تهران با هدف ارتقای تعاملات شهروندان. مجله مطالعات شهری، ۲(۷)، ۱۴-۳.
۳۷. کاظمیان، غ.، فرج‌کرده، خ.، و پرهیزکار، ا. (۱۳۸۸). عوامل و متغیرهای مؤثر بر تبیین بخش مرکزی شهرهای میانی (مورد مطالعه: شهر بوکان). برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۱۳(۲)، ۱۹۶-۲۲۵.
۳۸. مشکینی، ا.، موحد، ع. و احمدی فرد، ن. (۱۳۹۵). بررسی سیاست بازآفرینی در بافت‌های فرسوده شهری با استفاده از ماتریس SWOT و QSPM مطالعه موردی: منطقه ۱۲ کلانشهر تهران). پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، ۴(۴)، ۵۴۹-۵۶۸.
۳۹. مظاهری، م. م.، و کافی، م. (۱۳۹۶). آینده شناسی دولت و رسانه. فصلنامه رسانه، ۳(۳)، ۲۵-۲۸.
۴۰. مهندسان مشاور نقش پیراوش. (۱۳۸۷). طرح بهسازی و نوسازی بافت فرسوده همدان. همدان: مهندسان مشاور نقش پیراوش

۴۱. موحد، ع.، گلی، ع.، و ایزدی، پ. (۱۳۹۲). کارکرد رهیافت بازآفرینی پایدار شهری محله‌های حاشیه‌نشین (مطالعه‌ی موردی: محله‌ی سعدی شیراز). *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۴۵ (۱)، ۱۰۵-۱۲۲.
۴۲. ویسی، ف.، مرادی، ا.، و دیوانی، آ. (۱۳۹۹). مقایسه ظرفیت بازآفرینی شهری پایدار در محله‌هایی با بافت فرسوده و غیررسمی شهری (مطالعه موردی: شهر مریوان). *پژوهش‌های جغرافیای برنامه ریزی شهری*، ۸ (۱)، ۴۵-۷۱.
43. Alexandri, E., Kralia, E., Melabianakia, E., Neofytou, G., Peristeriotia, S., & Agorastou, K. (2017). The regeneration of the commercial triangle of Athens; Sustainability rationale. *International Conference on Sustainable Synergies from Buildings to the Urban Scale*, Athens. SBE16: 220-228.
44. Bertolini, L. (2010). Sustainable urban mobility, an evolutionary approach. *European Spatial Research Policy*, 12(1). 109-126.
45. Blackman, T. (1995). *Urban Policy in Practice*. London: Routledge.
46. Cheuk Man HO, E. (2012). Renewing the urban regeneration approach in Hong Kong. *Discovery-ss Student E-journal*, 1, 110-139.
47. Claudia, T., & Luigi, P. (2016). A novel paradigm to achieve sustainable regeneration in historical centres with cultural heritage. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 223, 693-697.
48. Communities and Local Government (CLG) (2007e). *Strong and Prosperous Communities: The Local- Government White Paper-Making It Happen: The Implementation Plan*. London: HMSO.
49. Hemphill, L., Berry, J., & McGreal, S. (2004). An indicator-based approach to measuring sustainable urban regeneration performance: Part2. Empirical evaluation and case study *Analysis Urban Studies*, 41, 757-772.
50. Izadi, M. S. (2006). A study on city center Regeneration: An evaluation, of the role of design through the interventions on Iranian historic city center during the last two decades. *Urbanism and Urbanisation: International PhD seminar in urbanism*, Barcelona, Spain.
51. Korkmaz, C., & Balaban. O. (2020) Sustainability of urban regeneration in Turkey: Assessing the performance of the north Ankara urban regeneration project. *Habitat International*, 95, 1-14.
52. Landeta, J. (2006). Current validity of the Delphi method in social sciences. *Technological Forecasting and Social Change*, 73(5), 467-482.
53. Meerow, S., P. Newell, J., & Stults, M. (2016). Defining urban resilience: A review. *Landscape and Urban Planning*, 147, 38-49.
54. Rennie, J. K. (2002). *World Bank Social Development Strategy*. Washington Dc: WB
55. Robert, P., & Sykes, H. (2000). The evolution, definition and purpose of urban regeneration. *Urban regeneration a Handbook*, New Delhi: Sage2000, 17-18
56. Rokiwan, G. (2011). *The life style in urban planning, European Experience*. Newcastle: Newcastle university.
57. Tille, M., & Dumont, A.G. (2003). Methods of multicriteria decision analysis within the road projects like an element of the sustainability. *Third Swiss Transport Research Conference*, March, 19-21.

Stable Recreational Analysis of the Central Sections of Cities using Scenario Writing (Case Study: Central Part of Hamedan)

Leili Bakhtiari

PhD Candidate in Geography and Urban Planning, University of Kharazmi, Tehran, Iran

Farzaneh Sasanpour¹

Associate Professor in Geography and Urban Planning, University of Kharazmi, Tehran, Iran

Ali Shamaei

Associate Professor in Geography and Urban Planning, University of Kharazmi, Tehran, Iran

Mohamad Soleimani Mehranjani

Associate Professor in Geography and Urban Planning, University of Kharazmi, Tehran, Iran

Received: 8 July 2020

Accepted: 5 January 2021

Abstract

Central part of cities have high potential for enjoying the geographical and economic centrality, and historical cultural characteristics. The central parts of cities are usually encountered with fabric, environmental, social, and economic exhaustion intricacy as well as weak infrastructure. Hamedan's central part is faced with such problems. A novel approach with an integrated view which covers all raised aspects is the stable urban recreation approach. This study aimed at analyzing the situation of stable recreation indicators and access to prospective scenarios in the central part of Hamedan. Data was obtained using documents and questionnaires. First of all, six parts of the city were ranked based on the perspective of sustainable urban regeneration indicators using fuzzy ELECTRE model. In a way that parts 1, 4, and 5 have higher sustainability regeneration status. Examining the current situation, to achieve prospects in the central part of Hamedan via Wizard Software scenario through forming, a 30 by 30 interaction matrix, in general, two powerful scenarios, twelve unbelievable scenarios, and two hundred and forty two weak scenarios were obtained. Results revealed that three scenarios of Hegmataneh, Darineh, and Eraq-E Ajam with extremely high probability of occurrence are the conditions encountering Hamedan in the future. In the first scenario called Hegmataneh, there are desirable conditions based on the urban resilience, timely raising of the budgets and credits, quick and cheap construction technology, and guaranteed residence security. And the Hegmataneh scenario is the most optimal scenario for sustainable regeneration of the central section of this city.

Keywords: Fuzzy Electro, Central Part of Hamedan, Sustainable Regeneration, Scenario Writing, Hegmataneh

1. Corresponding Author- Email: sasanpour@khu.ac.ir

Exploring the Level of Realization of the Rules and Regulations of Detailed Plans in High Buildings of Mashhad Metropolis

Hojjat Forghani

PhD Candidate in Geography and Urban Planning, Payame Noor University, Tehran, Iran

Mohammad Rahim Rahnama¹

Professor in Geography and Urban Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Rostam Saberifar

Associate Professor in Geography and Urban Planning, Payame Noor University, Tehran, Iran

Hossein Rahimi

Associate Professor in Geography and Urban Planning, Payame Noor University, Tehran, Iran

Received: 12 May 2020

Accepted: 24 June 2020

Abstract

Acceleration in the construction of high buildings in Mashhad over the past 17 years has caused confusion and concern in the proper implementation of rules and regulations. This study evaluated the correspondence of the implementation of 220 buildings of Mashhad having more than ten floors during the period 2001-2018 with the rules and regulations of 28 approved detailed plans and high construction Part plan. For this purpose, using descriptive and survey research method and correlation analysis, four important issues of criteria including the number of floors, density, occupation level, and land use were analyzed. The results indicate that two criteria of number of floors and density of buildings are three times the approved standard and the use is not very adaptable and is only lower than the approved amount in terms of the level of occupation of the existing conditions. A comparison of existing high buildings with the approved high-level criteria of Mashhad city also indicates that the criteria of the number of floors, density, and percentage of occupation level have not been observed. They are meaningful. Therefore, despite the approval of the high-rise plan of Mashhad in 2006, this plan is not based on the needs of high construction and needs to be modified according to the criteria of these plans. Finally, improving the criteria for making high buildings in Mashhad, determining the skyline of existing buildings and preparing a plan based on it, and determining the appropriate areas for high constructions and preventing scattered construction were suggested.

Keywords: High Construction, Rules and Regulations, Urban Development Plan, Mashhad Metropolis

1. Corresponding Author- Email: rahnama@um.ac.ir

Preparing the Instruction for Transparency of Urban Management Performance (Case Study: City of Mashhad)

Shaghayegh Parsa ¹

Msc in Urban Planning, Faculty of architecture and urban planning, University of Art, Tehran, Iran

Naser Barakpur

Professor in Urban Planning, Faculty of architecture and urban planning, University of Art, Tehran, Iran

Received: 30 April 2020

Accepted: 13 September 2020

Abstract

Urban management is a necessity in integrating and coordinating the urban system. One of the requirements of efficient and effective urban management is moving towards good urban governance, which is impossible without the three components of transparency, accountability and participation. One of the proposed solutions in order to increase public trust and create greater interactions with citizens for municipal management bodies and specifically municipality and the Islamic council of the city, is preparing a set of transparency instructions for the performance of urban management system. Instructions promotes transparency and raises public awareness towards governmental and nongovernmental organizations. In other words, transparency is a constructive element in raising trust in organizations, which will be able to bridge the gap between urban management authorities and the public. The main components of this instruction are economic information, citizenship, laws, regulations supervision, control, human resources, and urban studies. The research sought to do an applied study through survey research method. In this research, interview with experts and professors in urban management was used to collect data, and MAXQDA software was used for data analysis. The findings of the study indicate that the level of transparency in urban management of the country and the city of mashhad is inadequate, and to solve this problem, preparing a comprehensive instruction for transparency is manatory. Finally, the aforementioned transparency instruction was adapted for use in Mashhad's urban management system by conducting interviews, analyzing interviews data, and reviewing documents, laws, and regulations.

Keywords: Transparency, Urban Management, Instruction, Mashhad

1. Corresponding Author- Email: sh.parsa@student.art.ac.ir

Re-reading the Regionalism Approaches in the Contemporary Buildings of Mashhad

Elahe Zoghi Hosseini

PhD Candidate in Architecture, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran

Darab Diba ¹

Professor in Architecture, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran

Hamed Kamelnia

Associate Professor in Architecture, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Mostafa Mokhtabad-Amrei

Professor in Theatre, Film and Communication, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Received: 8 July 2020

Accepted: 5 January 2021

Abstract

Regionalism is a critical view to architecture that tries to stand up as preservation of the characteristics of a place and can be seen as theory of reference to establishing harmony between people, built environment, and nature. Using textual forces, this approach sought to confront the placenessless of modernism to obtain meaning and a sense of place, and at the same time sought to fill this void, which is deeply rooted in the gap between thought and feeling over the last century. The current study attempted to present the importance of this issue, its different aspects and an approach called regionalism in architecture to show why and how this concept with its different aspects, is shaped through local discourses, on the one hand, and the global challenges, on the other hand. Therefore, reviewing the characteristics of regionalism based on the pioneers' view and its approaches due to its mediation role between tradition and modernism in contemporary buildings in Mashhad can be considered as a discipline for identity crisis in Mashhad. Employing a mixed method, research design was based on deductive logic and through library sources and case studies. In this line, 27 prominent buildings in Mashhad were selected as statistical population. A questionnaire was designed in a Likert scale and were answered by 25 experts in the same field in Mashhad. Data were analyzed using SPSS software. The results indicate that the principles of regionalism in Mashhad are not compatible with the contemporary needs because they are more of a symbolic and historical extensions to the modern facade and can be considered as the worst kind of regionalism in which images of traditionalism are combined with the imitations of past stereotypes and draw on the bodies of modern buildings.

Keywords: Contemporary Buildings of Mashhad, Globalization, Modernism, Regionalism, Place Identity

1. Corresponding Author- Email: dar.diba@iauctb.ac.ir

Identifying the Capability of Children's Participation in Urban Planning through Contents Analysis of Second Grade Textbooks

Hadi Sarvari ¹

Assistant Professor, Department of Urban Development, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

Azin Mostofi

PhD Candidate, Department of Urban Development, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

Received: 6 March 2020

Accepted: 24 June 2020

Abstract

Children are experts regarding their needs in the city and will become the future urban designers and decision makers. Planners should pay more attention to the process of urban planning. Urban planning for children and adolescents is currently regarded as planning for a majorly unimportant part of the society. The main question posed in the present study is on the effectiveness of contents of educational system courses in student's understanding of urban affairs and planning concepts. To find a proper answer to this question, the *Social Studies Textbooks* of the fourth, fifth and sixth grades in 2017-18 academic year were examined using content analysis. Content analysis is used for objective and systematic description of the contents of a particular text; here, these contents were analyzed using William Romey's method. To examine and analyze the data, subjects related to participation were identified by studying *Social Studies Textbooks*. Accordingly, the most important effective components of participation are knowing the city and its primary parts, and instruction of citizenship rights, the way of participating and communicating with others. Based on the analytical findings of the study, the most effective educational category for children at the second grade with the highest conflict coefficient was "how to communicate with others". Furthermore, in association with "citizenship rights instruction" with average level conflict coefficient, cooperative participation can be expected due to its emphasis on attendance at events and presence in public projects. Finally, in the category of "knowing the city and its primary parts" which is related to children's familiarity with the concept of city and its development process, subjects that should be taught to children are assigning projects to children, actual practices, and participation in design. Nevertheless, this category involves the lowest conflict coefficient and lowest educational system impact.

Keywords: Children, Participation, Urban Planning, Content Analysis, Textbooks

1. Corresponding Author- Email: sarvari_hadi@mshdiau.ac.ir

Exploring the Effects of Event Advertisements on the Attitudes and Visiting Purposes (Case Study: Rosewater-making Festival of Ghamsar, Kashan)

Abolfazl Khosravi ¹

Assistant Professor, Faculty of Management and Accounting, Farabi Campus, University of Tehran, Iran

Mahdi Farmani

MA in Business Management, Faculty of Management and Accounting, Farabi Campus, University of Tehran, Iran

Mostafa Zandinasab

MA in Business Management, Faculty of Management and Accounting, Farabi Campus, University of Tehran, Iran

Received: 28 January 2020

Accepted: 13 September 2020

Abstract

Cultural and artistic events and ritual festivals are among important factors of attracting tourists. Iran has many remarkable tourism attractions but Ghamsar has a special status among them as it is one of the most significant ones hosting many tourists every day. The city is one of the most attractive hosting cities for tourists in spring and summer to see its natural and historical attractions and to visit rosewater-making festival which is an ancient custom. This study sought to explore the effects of event advertisements on the attitudes of tourists towards the city and their purposes. This is an applied study that used a descriptive and survey method. Population consisted of all local and foreign tourists visiting Ghamsar's rosewater-making festival in May 2018. From among the visitors, 384 tourists were selected using convenience sampling. Questionnaire was used to get the data. For measuring and confirming the validity and reliability of the questionnaire, construct and convergent validities were applied. Cronbach's alpha coefficient was used for reliability and the data were analyzed using structural equation modeling technique, SPSS, and LISREL. The results showed that high correspondence between the image of a special event and hosting city has a positive effect on the tourists' attitudes towards the hosting city and their purposes of visiting and, also, the tourists' attitudes towards the hosting city has a positive effect on choosing the famous city. Moreover, the visiting purpose of the hosting city has a positive effect on choosing the famous city.

Keywords: Attitude towards a City, Event Advertisement, Image Correspondence, Visiting Purpose

1. Corresponding Author- Email: khosravi_a@ut.ac.ir

Role of Mosques in Social Stability (Case Study: Mosques of Qaen City)

Mehdi Mododi Arkhodi¹

Assistant Professor in Department of Geography, Bozorgmehr University of Qaenat, Qaen, Iran

Ahmad Asadi

Assistant Professor in Department of Geography, Bozorgmehr University of Qaenat, Qaen, Iran

Yones Gholami Bimorgh

Assistant Professor in Department of Geography and Ecotourism, University of Kashan, Kashan, Iran

Received: 26 January 2020

Accepted: 16 September 2020

Abstract

Mosques as urban spaces have always had different functions, so that in addition to being a place for praying, they have been active in social, cultural and pedagogical issues. Because of having different religious and social functions and activities, mosques have necessary capabilities for making social interactions strong and making functional networks, and boosting social capabilities. The aim of this study was to explore the role of mosques in social stability in Qaen city. Role of mosques were explored in social stability from social justice, participation, awareness, social solidarity, and satisfaction from neighborhood. The study took a quantitative approach and the data was gathered through field studies and literary sources. Questionnaires were filled by one hundred participants chosen by random sampling. SPSS was used for coding and analyzing data. Descriptive statistics like frequency and inferential statistical tests such as one-sample t-test and Chi-square were used. According to the results of one-sample t-test, mosques of Qaen city have role in improving satisfaction from neighborhood, social justice and participation, while they don't have an important role in improving social solidarity and boosting people's awareness. For improving the effects of mosques in terms of social solidarity and awareness, it was suggested to be paid more attention to these two aspects as they are considered important issues.

Keywords: Awareness, Social Stability, Satisfaction from Neighborhood, Social Justice, Mosque, Participation

1. Corresponding Author- Email: mododi@buqaen.ac.ir

Explaining Environmental Characteristics affecting Citizens' Stress in Urban Spaces (Case Study: Sabzevar Sirdeh Neighborhood)

Iman Gholamian Moghaddam

PhD Candidate in Urban Planning, Department of Urbanism, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

Sanaz Saeidi Mofrad ¹

Assistant Professor in Urban Planning, Department of Urbanism, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

Received: 6 January 2020

Accepted: 16 February 2021

Abstract

Studies show that stress in cities is increasing, so that the 20th century has been called the century of management and communication, and the century of stress and anxiety and nervous disorders. In this regard, the old fabric of cities, which is based on the pure principles of local architecture and urban planning, has undergone changes and contradictions with the formation of recent developments, and has lost much of its past peace. The study sought to evaluate the impact of environmental factors on stress in the Sirdeh neighborhood in the old fabric center of Sabzevar. Data was collected through a questionnaire of environmental factors in creating stress in urban environment and also the standard Dass questionnaire for measuring the received stress. Relying on Cochran's formula, 365 residents of the neighborhood were selected to complete the questionnaire. Analysis of the results by measuring Pearson correlation coefficient showed that there is a significant relationship between environmental factors and stress in the environment. It also showed that the environmental quality factor has the highest relationship and environmental climatic factors have the lowest relationship with citizens' stress. The results of regression analysis indicate that environmental qualities along with the quality of visual elements and the regulation of environmental conditions together overshadow 64% of citizens' stress. Analysis of variance also showed that young people aged 20 to 40 years were more affected by environmental stressors. Overall, despite numerous stressors such as poor environmental quality, low security and overcrowding, with proper planning for solving problems and increasing the quality and environmental facilities and security of the neighborhood, it is possible to recreate dynamic, safe and quiet neighborhoods in accordance with its originality.

Keywords: Stress, Relaxation, Environmental Characteristics, Urban Spaces, Sirdeh Neighborhood

1. Corresponding Author- Email: s.saeedi@mshdiau.ac.ir

Analyzing the Spatial Structure of Urban Region of Central Mazandaran with Emphasis on Social Network ¹

Sohaila Haghani

MSc Student in Geography and Urban Planning, University of Mazandaran, Babolsar, Iran

Sedigheh Lotfi ²

Professor in Geography and Urban Planning, University of Mazandaran, Babolsar, Iran

Rahimberdi Anamoradnejad

Associate Professor in Geography and Urban Planning, University of Mazandaran, Babolsar, Iran

Received: 12 November 2019

Accepted: 7 October 2020

Abstract

Cities have become a regional phenomenon both physically and functionally in recent years. Thus, by the change of the ontological status of space, logic and meaning of place in a new context have been interpreted in the new context. Central Mazandaran has faced the challenges of functional segregation due to lack of integrated regional development strategies, lack of attention to competition or cooperation of centers and urban areas in the network. It seems that under the existing direction of spaces, the conducted researches will not be able to describe the integrity, function and structure of the urban network in the province. The study used descriptive-analytical method and network analysis tools to explore the components and indicators of spatial interaction analysis and to study the spatial pattern of central Mazandaran urban network by analyzing the origin-destination data for the year 2018. The results showed the formation of a multi- base centered system and even a balanced network in the region. Therefore, by evolving the new pattern in the region, there is a need for change in approach of spatial planning based on the economic advantages of network. The relations among the bigger cities are not seen only competitive but they should be complementary with each other. Moreover, the results of social network analysis indicated that the morphology of the polycentric region of Central Mazandaran has a significant influence on the area as the form of the region is such that the adjacent cities follow the cluster pattern and have a network structure.

Keywords: Spatial Structure, Urban Network, Polycentric, Data Flow, Central Mazandaran

1. The paper was extracted from the first author dissertation titled *Analyzing Spatial Structure with Emphasis on Flow Data, A Case Study of Central Mazandaran*.

2. Corresponding Author- Email: s.lotfi@umz.ac.ir

Evaluation of Quality of Life Indicators in Abarkouh City

Mojtaba Hatami

*PhD Candidate in Geography and Urban Planning Department Of Geography, Najafabad Branch,
Islamic Azad University, Najafabad, Iran*

Hosein Soleimany ¹

*Assistant Professor in Department of Geography, Najafabad Branch, Islamic Azad University,
Najafabad, Iran*

Amir Gandomkar

*Associate Professor in Department of Geography, Najafabad Branch, Islamic Azad University,
Najafabad, Iran*

Hamid Saberi

*Assistant Professor in Department of Geography, Najafabad Branch, Islamic Azad University,
Najafabad, Iran*

Received: 11 July 2019

Accepted: 16 May 2020

Abstract

The purpose of the study was to evaluate indicators of quality of life in Abarkouh. The applied research studied the quality of life of citizens in the city of Abarkouh, using a descriptive-analytical method SPSS and Excel software, statistical methods such as factor analysis and regression, questionnaire (300 cases), survey studies of Shahrabarkouh, historical study of the concept of quality of life and various theories. The study show that in general, 45.9% of the citizens of Abarkouh were satisfied with the quality of life, 32.9% were dissatisfied, and 21.2% of the respondents were in the neutral category. The status and level of satisfaction with the three domains of physical, economic and social environment in the city of Abarkouh, shows that in "social environment", the highest level of satisfaction with an average value of 7.73 is related to health and the lowest level of satisfaction is related to the life success of citizens with an average value of 4.30. Regarding "physical environment", the highest level of satisfaction with an average value of 6.92 is related to the condition of the house and housing and the lowest level of satisfaction with an average value of 4.72 is related to urban furniture. In the realm of "economic environment", the highest level of satisfaction with an average value of 4.29 is related to educational facilities and services and the lowest level is related to job opportunities with an average value of 3.29.

Keywords: Quality of Life, Citizens, Livability, City Abarkouh

1. Corresponding Author- Email: hosein_soleimany_geo@yahoo.com

Optimal Locating of Physical Development of Bojnourd City using GIS and ANP

Sima Mohammadzadeh Khani ¹

MSc in Urban Planning, Khavaran Institute of Higher Education, Mashhad, Iran

Barat Ali Khakpour

Associate Professor in Geography and Urban Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Seyed Mehdi Madahi

Assistant Professor in Architecture and Urban Planning, Khavaran Institute of Higher Education, Mashhad, Iran

Received: 15 May 2017

Accepted: 20 January 2018

Abstract

This study was conducted with the aim of providing different options and determining the most appropriate direction for the future development of Bojnourd city as determining the appropriate direction for urban development in urban planning is under-studied and many of the problems of cities seem to be the result of urban development policies. The study applied a descriptive-analytical method and described the characteristics. For analyzing the criteria and to provide the appropriate development direction, Analytic Hierarchy Process (ANP) model, network analysis technique, fuzzy logic and layer overlap technique were used. For the purpose, in the first place, all required natural, physical, economic, and human indicators with two dimensions of internal development having ten indicators (route, population density, land price, brown lands, heritage privacy, impenetrability, construction density, building floors, and grading) and external development including seventeen indicators (fault, slope, height, river, water well, rural settlements, land use, cemetery, slaughterhouse, airport, factories, communication roads, surrounding towns, energy zone, and conservative green spaces) were identified. Standardization and integration of layers were done using overlap methods and a combination of maps and weighting by ANP network analysis method. Combining the obtained maps using GIS software, the final map of appropriate directions for future development of Bojnourd was determined and presented in two priorities of internal development and external development (that is, in the southern and southwestern directions of the city with priority in four proposed sites).

Keywords: ANP Network Analysis, Internal and External Development, Physical Development, Optimal Directions, Fuzzy Logic

1. Corresponding Author- Email: mohamadzadeh.sima@yahoo.com

Capacity Building of Local Community Development in Line with Sustainable Development: The Coexistence of Poverty Contextual Variables and Geographic Space

Isa Piri¹

Assistant Professor in Geography and Urban Planning, University of Zanjan, Zanjan, Iran

Mina Shirmohammadi

PhD Candidate in Geography and Urban Planning, University of Zanjan, Zanjan, Iran

Received: 4 January 2017

Accepted: 16 May 2017

Abstract

Coexistence of poverty and geographical space is a conceptual formation implying the importance of capacity building in producing space for sustainable development. Capacity building is a procedural concept. Practice of democracy and production of civil living space for participation and transition to the social development are more important in contemporary modern urban planning. Now we know communities and civil societies are the main factors making democratic space to growing actors and private sector institutions. This study aimed at conceptualizing social matter priority and social development capacity building in the sustainable urban development process. The approach is descriptive-analytic and the method is survey. The independent variables of the study were tested through a close-ended questionnaire on a Likert scale. The population consisted of all households in Karmandan and Islamabad neighborhoods of Zanjan city with a population of 13368 and 35820, respectively. These two neighborhoods are of different social, economic, cultural, physical, and environmental backgrounds. Results of one sample T-test shows significant relationship between sustainable development and the local community development capacity building. The factorial analysis addressing the second hypothesis indicates that the economic factor with an average of 0.700 and institutional factor with 0.736 have the highest impact on the spatio-locational context of the community capacity building. Second hypothesis T-test also signals a significant relationship among the variables of eightfold factors affecting capacity building background. The findings suggest micro spatio-locational planning of the urban neighborhoods with special emphasis on cultural, social, and economic backgrounds, locationally improving poverty-stricken neighborhoods, and collecting micro-components to regenerate the neighborhoods.

Keywords: Local Community, Sustainable Development, Zanjan, Capacity Building, Coexistence

1. Corresponding Author- Email: isapiri@znu.ac.ir

Table of Contents (Extended Abstracts)

▪ Capacity Building of Local Community Development in Line with Sustainable Development: The Coexistence of Poverty Contextual Variables and Geographic Space Isa Piri, Mina Shirmohammadi	1
▪ Optimal Locating of Physical Development of Bojnourd City using GIS and ANP Sima Mohammadzadeh Khani, Barat Ali Khakpour, Seyed Mehdi Madahi	2
▪ Evaluation of Quality of Life Indicators in Abarkouh City Mojtaba Hatami, Hosein Soleimany, Amir Gandomkar, Hamid Saberi	3
▪ Analyzing the Spatial Structure of Urban Region of Central Mazandaran with Emphasis on Social Network Sohaila Haghani, Sedigheh Lotfi, Rahimberdi Anamoradnejad	4
▪ Explaining Environmental Characteristics affecting Citizens' Stress in Urban Spaces (Case Study: Sabzevar Sirdeh Neighborhood) Iman Gholamian Moghaddam, Sanaz Saeidi Mofrad	5
▪ Role of Mosques in Social Stability (Case Study: Mosques of Qaen City) Mehdi Mododi Arkhodi, Ahmad Asadi, Yones Gholami Bimorgh	6
▪ Exploring the Effects of Event Advertisements on the Attitudes and Visiting Purposes (Case Study: Rosewater-making Festival of Ghamsar, Kashan) Abolfazl Khosravi, Mahdi Farmani, Mostafa Zandinasab	7
▪ Identifying the Capability of Children's Participation in Urban Planning through Contents Analysis of Second Grade Textbooks Hadi Sarvari, Azin Mostofi	8
▪ Re-reading the Regionalism Approaches in the Contemporary Buildings of Mashhad Elahe Zoghi Hosseini, Darab Diba, Hamed Kamelnia, Mostafa Mokhtabad-Amrei	9
▪ Preparing the Instruction for Transparency of Urban Management Performance (Case Study: City of Mashhad) Shaghayegh Parsa, Naser Barakpur	10
▪ Exploring the Level of Realization of the Rules and Regulations of Detailed Plans in High Buildings of Mashhad Metropolis Hojjat Forghani, Mohammad Rahim Rahnama, Rostam Saberifar, Hossein Rahimi	11
▪ Stable Recreational Analysis of the Central Sections of Cities using Scenario Writing (Case Study: Central Part of Hamedan) Leili Bakhtiari, Farzaneh Sasanpour, Ali Shamaei, Mohamad Soleimani Mehranjani	12

ABSTRACTS

In the Name of Allah



Ferdowsi University of Mashhad

Faculty of Letters and Humanities

Journal of Geography and Urban
Space Development

**Vol. 7, No. 1, Spring & Summer 2020,
Serial Number 12**

License Holder:
Ferdowsi University of Mashhad

General Director:
B. khakpour, PhD

Editor-in-Chief:
M. R. Rahnema, PhD

Editorial Board:

Dr. I. Ebrahimzadeh
University of Sistan and Balouchestan,
Zahedan

Dr. M. Ajza Shokouhi
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Dr. A. Anabestani
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Dr. B. Khakpour
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Dr. M. R. Rahnema
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Dr. A. Saeedi
Shahid Beheshti University, Tehran

Dr. M. Soleimani
Kharazmi University, Tehran

Dr. Z. Fanni
Shahid Beheshti University, Tehran

Dr. E. Mafi
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Dr. A. Nazarian
Islamic Azad University, Science and
Research Branch, Tehran

Internal Editor:
Dr. M. Amirfakhriyan
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Executive Manager:
Z. Baniasad

English Language Editor:
A. Nowruzy

Persian Editor:
Sh. Sabaghi Abkooch

Typesetting:
E. Tajvidi

Printing & Binding:
Ferdowsi University Press

Circulation: 30
Price: 20000 Rials
Subscription:
25 US\$ (USA)
20 US\$ (other)

Address:
Faculty of Letters & Humanities
Ferdowsi University Campus
Azadi Sq. Mashhad, Iran
Postal code:
9177948883
Tel: (+98 51) 38806724
Fax: (+98 51) 38807060
E-mail:
JUD@ferdowsi.um.ac.ir
Internet Address:
<http://jgusd.um.ac.ir>



Ferdowsi University of Mashhad

Journal of Geography and Urban Space Development

(Peer-Reviewed Journal)

Vol. 7, No. 1, Spring & Summer 2020, Serial Number 12

- | | |
|--|----|
| ▪ Capacity Building of Local Community Development in Line with Sustainable Development: The Coexistence of Poverty Contextual Variables and Geographic Space | 1 |
| Isa Piri, Mina Shirmohammadi | |
| ▪ Optimal Locating of Physical Development of Bojnourd City using GIS and ANP | 2 |
| Sima Mohammadzadeh Khani, Barat Ali Khakpour, Seyed Mehdi Madahi | |
| ▪ Evaluation of Quality of Life Indicators in Abarkouh City | 3 |
| Mojtaba Hatami, Hosein Soleimany, Amir Gandomkar, Hamid Saberi | |
| ▪ Analyzing the Spatial Structure of Urban Region of Central Mazandaran with Emphasis on Social Network | 4 |
| Sohaila Haghani, Sedigheh Lotfi, Rahimberdi Anamoradnejad | |
| ▪ Explaining Environmental Characteristics affecting Citizens' Stress in Urban Spaces (Case Study: Sabzevar Sirdeh Neighborhood) | 5 |
| Iman Gholamian Moghaddam, Sanaz Saeidi Mofrad | |
| ▪ Role of Mosques in Social Stability (Case Study: Mosques of Qaen City) | 6 |
| Mehdi Mododi Arkhodi, Ahmad Asadi, Yones Gholami Bimorgh | |
| ▪ Exploring the Effects of Event Advertisements on the Attitudes and Visiting Purposes (Case Study: Rosewater-making Festival of Ghamsar, Kashan) | 7 |
| Abolfazl Khosravi, Mahdi Farmani, Mostafa Zandinasab | |
| ▪ Identifying the Capability of Children's Participation in Urban Planning through Contents Analysis of Second Grade Textbooks | 8 |
| Hadi Sarvari, Azin Mostofi | |
| ▪ Re-reading the Regionalism Approaches in the Contemporary Buildings of Mashhad | 9 |
| Elahe Zoghi Hosseini, Darab Diba, Hamed Kamelnia, Mostafa Mokhtabad-Amrei | |
| ▪ Preparing the Instruction for Transparency of Urban Management Performance (Case Study: City of Mashhad) | 10 |
| Shaghayegh Parsa, Naser Barakpur | |
| ▪ Exploring the Level of Realization of the Rules and Regulations of Detailed Plans in High Buildings of Mashhad Metropolis | 11 |
| Hojjat Forghani, Mohammad Rahim Rahnama, Rostam Saberifar, Hossein Rahimi | |
| ▪ Stable Recreational Analysis of the Central Sections of Cities using Scenario Writing (Case Study: Central Part of Hamedan) | 12 |
| Leili Bakhtiari, Farzaneh Sasanpour, Ali Shamaei, Mohamad Soleimani Mehranjani | |

ISSN: 2538-3531